
بسم الله الرحمن الرحيم

- ٣٦ -

فـــروغ مسجـــد

(۴)

مجموعه مقالات برگزیده

سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

▣ ▣ ▣

(۳۰ مرداد ماه ١٣٨٤ ـ ٢٦ جمادی‌الثانی ١٤٢٦ ـ ٢١ آگوست ٢٠٠٥)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

همایش بین‌المللی هفته‌جهانی گرامی‌داشت مساجد (سومین: ۱۴۲۶ ق. = ۱۳۸۴ : تهران)
فروغ‌مسجد(۴):مجموعه‌مقالات‌برگزیده‌سومین‌همایش‌بین‌المللی‌هفته‌جهانی‌گرامی‌داشت‌مساجد (۳۰مرداد۱۳۸۴،۲۶جمادی‌الثانی ۱۴۲۶،۲۱آگوست ۲۰۰۵) / مرکز رسیدگی به‌امور مساجد. تهران؛ قم مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴ .
۴۸۶ ص: مصور. ـ (مؤسسه فرهنگی ثقلین ؛ ۳۶)
964 - 9960 - 02 - 3
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه.
۱. مسجدها ـ کنگره‌ها. ۲ . مسجدها ـ ایران ـ کنگره‌ها. ۳ . مسجدها ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۴ . مسجدها ـ ایران ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۵ . مسجدالاقصی، بیت‌المقدس ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف . عنوان. ب . عنوان: مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد (مرداد ۱۳۸۴ ـ جمادی‌الثانی ۱۴۲۶ ـ آگوست ۲۰۰۵).
۸ هـ / BP ۲۶۱ ۲۹۷/۷۵
۱۳۸۵

▣ فروغ مسجد (۴) ▣

ناشر: مؤسسهٔ فرهنگی ثقلین

دبیر کمیته علمی همایش: علی رضایی‌بیرجندی

صفحه‌بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

لیتوگرافی و چاپ: نینوا

قطع: وزیری ـ ۴۸۶ صفحه

تیراژ: چاپ اوّل ـ ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ: خرداد ماه ۱۳۸۵

▣ ▣ ▣

نشانی :

دفتر مرکزی: تهران ـ تهرانپارس ـ بین فلکه دوم و سوم ـ خیابان ۱۸۲ غربی ـ پلاک ۶
تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ ـ دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

مرکز انتشارات: قم ـ خیابان انقلاب ـ چهارراه سجادیه ـ کوچه شماره ۳۳ ـ پلاک ۱۳
تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ ـ دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴

شماره شابک ۳ ـ ۰۲ ـ ۹۹۶۰ ـ ۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخن ناشر ۱۹
پیشگفتار ۲۱

بخش اوّل: کارکردهای مساجد

▣ طراحی‌مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه‌ی مذهبی /
دکتر حسن عابدی جعفری و همکاران ۲۵
چکیده ۲۵
کارکردهای مساجد در طول تاریخ ۲۸
کارکرد اجتماعی، کارکرد سیاسی ۲۸
فصل اول: کلیات تحقیق ۳۰
۱ ـ ۱) بیان مسئله تحقیق ۳۰
۱ ـ ۱ ـ ۱) مقدمه ۳۰
۲ ـ ۱ ـ ۱) بیان اهمیت مسئله‌ی تحقیق ۳۲
۳ ـ ۱ ـ ۱) بیان مسئله‌ی تحقیق ۳۳
۴ ـ ۱ ـ ۱) ابعاد مسئله‌ی تحقیق ۳۳
۵ ـ ۱ ـ ۱) روش حل مسئله‌ی تحقیق ۳۴
۶ ـ ۱ ـ ۱) نتایج حل مسئله تحقیق ۳۴

فصل دوم: ادبیات نظری تحقیق ۳۴
۱ ـ ۲) تعریف مسجد ۳۴
۱ ـ ۱ ـ ۲) مسجد در قرآن ۳۵
۲ ـ ۱ ـ ۲) تعریف مسجد در قرآن ۳۶
۳ ـ ۱ ـ ۲) تعریف مسجد از نظر پیامبر ۳۷
۲ ـ ۲) مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی ۳۸
۳ ـ ۲) تأثیر اسلام بر حیات مدنی مسلمانان ۴۱
۴ ـ ۲) اهمیت و نقش مسجد از دیدگاه اسلام ۴۴
۵ ـ ۲) کارکردهای مساجد در طول تاریخ ۴۷
۱ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد نیایشی ۴۸
۲ ـ ۵ ـ ۲) کارکردهای آموزشی ۴۹
۳ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد اجتماعی ۵۳
۴ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد سیاسی ۵۵
۱ ـ ۴ ـ ۵ ـ ۲) مسجد و انقلاب اسلامی ۵۷
۶ ـ ۲) چالش‌های مساجد در دوران معاصر ۵۹
۱ ـ ۶ ـ ۲) رویکردهای مساجد در جامعه‌ی مدرن به معنای غربی ۶۱
الف) روش محافظه کارانه ۶۱
ب) روش لیبرال ۶۲
۲ ـ ۶ ـ ۲) کارکردهای مساجد در جوامعی چون ایران ۶۴
الف) هویت دینی اعتقادی ۶۴
ب) هویت دینی آیینی ۶۶
ج) هویت دینی ایمانی ۶۸
۷ ـ ۲) نتیجه ۷۰
۸ ـ ۲) مدل کارکرد مطلوب مسجد به عنوان یک NGO ۷۳
الف) در بُعد اعمال نیایشی ۷۴
ب) در بُعد فعالیت‌های غیر نیایشی ۷۵

فصل سوم: متدولوژی تحقیق ۷۷
۱ ـ ۳) جامعه‌ی آماری تحقیق ۷۷
۲ ـ ۳) نمونه‌ی آماری تحقیق ۷۷
۳ ـ ۳) روش جمع‌آوری اطلاعات ۷۸
۱ ـ ۳ ـ ۳) متغیرهای عملیاتی در بعد فعالیت های نیایشی ۷۸
۲ ـ ۳ ـ ۳) متغیرهای عملیاتی در بُعد فعالیت‌های غیر نیایشی ۷۹
۴ ـ ۳) نحوه‌ی تحلیل پرسشنامه ۸۰
۵ ـ ۳) پایایی و روایی پرسشنامه ۸۱
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها ۸۱
۱ ـ ۴) مقدمه ۸۱
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد ۸۲
۱ ـ ۵) مقدمه ۸۲
۲ ـ ۵) نتایج تحقیق ۸۲
۳ ـ ۵) پیشنهادها ۸۴
۴ ـ ۵) محدودیت‌های تحقیق ۸۵
۵ ـ ۵) پیشنهادهایی برای موضوعات تحقیقات آتی ۸۵
منابع و مآخذ ۸۶

▣ **مسجد؛ الگوی جامعهٔ دینی / محسن الویری** ۸۷
چکیده ۸۷
اشاره ۸۸
کارکردهای مسجد و انگیزه‌های تأسیس آن ۸۹
جمع بندی ۱۰۰

▣ **مسجد و خانواده / سید تقی واردی** ۱۰۳
چکیده ۱۰۳
اشاره ۱۰۳
رابطه خانواده با مسجد ۱۰۵
۱ .رابطه کمی ۱۰۵
۲ . رابطه کیفی ۱۰۶
تعامل مسجد و خانواده ۱۰۸
آثار و فواید حضور در مسجد ۱۱۴
وظایف خانواده در برابر مسجد ۱۱۸
استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد ۱۲۳
استفاده‌های نامشروع و غیرمجاز از مسجد ۱۲۵

▣ **نقش مساجد در افزایش و ترویج فرهنگ مطالعه / ماشاءالله کاربخش راوری** ۱۲۹
چکیده ۱۲۹
اشاره ۱۳۰
نقش مطالعه و کتابخوانی در زندگی انسان ۱۳۱
چه باید کرد؟ ۱۳۸
مشارکت مردم در تأسیس کتابخانه‌های مساجد ۱۴۰
اختصاص یک صندوق به خرید کتاب و تجهیز کتابخانه ۱۴۱
کتابخانه‌های موجود ۱۴۳
پیشنهادها و راه کارهای اجرایی ۱۵۳
منابع و مآخذ ۱۵۶

▣ **قضاوت در مسجد / مرتضی رستگار** ۱۵۷
چکیده ۱۵۷
اشاره ۱۵۸
معنای لغوی و اصطلاحی قضاوت ۱۵۹
مقصود از قضاوت در مسجد ۱۶۰
آرای فقیهان ۱۶۱
بررسی دلایل آرای مختلف ۱۶۲
منابع ۱۷۳

نقش مسجد در شخصیت ایمانی / محسن محمدی ۱۷۵
چکیده ۱۷۵
اشاره ۱۷۶
شناخت واژگانی شخصیت و ابعاد آن ۱۷۷
نقش مسجد ساختن بر شخصیت ۱۷۷
نقش و تأثیر مسجد بر احساس دینی ۱۷۹
نقش و تأثیر مسجد بر ادراک دینی ۱۸۲
نقش و تأثیر مسجد بر رفتار دینی ۱۸۴

▣ **نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی / دکتر سید مصطفی ابطحی** ۱۸۷
چکیده ۱۸۷
اشاره ۱۹۰
سؤالات اساسی ۱۹۱
فرضیه ۱۹۱
تعریف مفاهیم و واژه‌ها ۱۹۱
مباحث نظری بسیج سیاسی مردم ۱۹۲

چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی ۱۹۳
مسجد؛ پایگاه اطلاع‌رسانی و سازماندهی ۱۹۵
جایگاه مسجد ۱۹۹
برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد ۲۰۰
اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان ۲۰۱
مسجدگریزی و دین‌گریزی ۲۰۲
موانع ارتباط جوانان با مسجد ۲۰۳
راهکارهای جذب جوانان به مسجد ۲۰۴
پیشنهادها و راهکارها ۲۰۶

▣ **آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد / سید حمید حسینی** ۲۰۹
چکیده ۲۰۹
اشاره ۲۱۰
ماهیت مسجد ۲۱۱
آثار سیاسی، اجتماعی حضور در مسجد ۲۱۳
پیش‌گیری از جرائم ۲۱۴
مبارزه با ظلم ۲۱۵
وحدت و تعاون ۲۱۵
تعهد در برابر سایر انسان‌ها (رعایت حقوق بشر) ۲۱۸
همدردی و همدلی ۲۱۸
دوستی‌های سالم ۲۲۱
کسب و تجارت ۲۲۲
حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی ۲۲۴
آثار تربیتی ۲۲۵
ایثار و انفاق ۲۲۶
آثار روحی و اخلاقی ۲۲۷
بهره و پاداش الهی ۲۲۷

نتیجه ۲۲۹
پیشنهاد ۲۳۰
منابع ۲۳۱

▣ **عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد / عفت‌منصوریان** ۲۳۳
چکیده ۲۳۳
مقدمه ۲۳۶
کارکردهای گوناگون مسجد در طول تاریخ ۲۳۸
کارکردهای مساجد در دوره‌ی رونق ۲۳۹
۱ ـ کارکرد معنوی ۲۳۹
۲ ـ کارکرد سیاسی ۲۳۹
۳ ـ کارکرد فرهنگی ۲۴۰
۴ ـ کارکرد اقتصادی و رفاهی ۲۴۱
علل کاهش حضور مردم در مساجد ۲۴۳
جامعه و تعادل نیازی ۲۴۴
مقطعی بودن بعضی از نیازها و کارکردها در دوره دوم ۲۴۵
تغییر در تعادل نیازی ۲۴۶
فاصله واقعیت‌ها و آرمان‌ها ۲۴۶
فقر و افزایش سطح انتظار از زندگی ۲۴۷
کم‌تحرکی نهادهای فرهنگی و تبلیغی به موازات افزایش هجوم فرهنگی ۲۴۸
تغییر در شیوه‌ی ارضای نیازها ۲۴۸
علل کاهش توان کارکردی مسجد و رفع آن ۲۴۹
ویژگی‌های مسجد نمونه ۲۵۱
نکاتی چند در باره‌ی ابعاد فرهنگی مسجد نمونه ۲۵۲
نتیجه‌گیری ۲۵۲
فهرست منابع ۲۵۵

▣ **خاطراتی از معصومین علیهم‌السلام و مسجد / علی مختاری** ۲۵۷
چکیده ۲۵۷
مقدمه ۲۵۷
مزایای مقاله ۲۵۸
پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تأسیس مسجد در مدینه ۲۵۸
مسجد قبا ۲۵۸
ورود به مدینه و مأموریت ناقه ۲۶۱
از جا دادن جویبر تا بستن درها ۲۶۳
نبینم در مسجد بخوابی! ۲۶۳
به تازه واردان مسجد جا بدهید ۲۶۴
جذبه‌ی زرق و برق دنیا ۲۶۶
باید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ریسمان را بگشاید ۲۶۶
صدای گریه‌ی کودک در مسجد ۲۶۸
کودکان در مسیر مسجد ۲۶۹
در حلقه‌ی اهل دل و دیده ۲۷۰
اخراج اخلال‌گران ۲۷۲
خوشبویی و مسجد ۲۷۳
واپسین دیدار ۲۷۴
واپسین نماز ۲۷۵
در روزهای تنهایی ۲۷۶
فصل دوم: خاطراتی از سایر معصومین: ۲۷۶
پنج هدیه در مسجد و محراب ۲۷۶
امیرمؤمنان در بَراثا ۲۷۷
با لباس شایسته و آراسته در مسجد ۲۷۸
امدادگری به فقرا ۲۷۹

سؤالات راهب در مسجد ۲۸۱
جمعه بازار شیاطین ۲۸۳
محراب، نزدیک‌ترین نقطه‌ی اوج ۲۸۴
مراسم ازدواج فاطمه علیها السلام ۲۸۴
در هفت سالگی ۲۸۵
امام حسن علیه السلام در مسجد کوفه ۲۸۶
گریه‌های معصومین علیهم السلام ۲۸۷
در آستانه‌ی مسجد ۲۸۷
امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع شام ۲۸۸
مساجد در شب تار ۲۸۹
دعای امام صادق علیه السلام در سهله ۲۹۱
معامله‌ای معنوی مقابل مسجد ۲۹۳
امام رضا علیه السلام در مسجد مدینه ۲۹۴
سرگرمی‌های دنیوی در مسجد ۲۹۴
اهتمام به نماز جماعت صبح ۲۹۵
عنایت حضرت امام جواد صلی الله علیه و آله ۲۹۶
حضرت مهدی علیه السلام ۲۹۷

بخش دوّم: معماری و آداب مساجد

▣ **معماری مساجد و بهداشت جسمی و روانی انسان / محمد ربانی خوراسگانی** ۳۰۱
چکیده ۳۰۱
اشاره ۳۰۱
بخش اول: برخی از دستورهای بهداشتی اسلام درخصوص مساجد ۳۰۲
بخش دوم: برخی از مصادیق رعایت سلامتی در معماری مسجد ۳۰۶
جمع‌بندی ۳۱۲

▣ **تأثیر معبودها و هنرهای مقدس در شکل‌دهی به معابد در ادیان گوناگون / مهدی حمزه‌نژاد** ۳۱۱
چکیده ۳۱۳
۱ ـ معبود در هنر و معماری معاصر ۳۱۳
۲ ـ نحوهٔ ظهور معبودها در هنر و معماری ۳۱۵
۳ ـ بررسی تطبیقی ویژگی‌های معبودها ۳۱۶
۴ ـ جایگاه معبود در آفرینش هنری ۳۲۱
جایگاه معبود در هنر سنت‌های معنوی (در هنر شرق) ۳۳۲
جایگاه معبود در هنر سنت‌های معنوی (در هنر غرب) ۳۴۲
جایگاه معبود در هنر سنت معنوی اسلام ۳۵۱

▣ **بررسی تطبیق معماری نیایش‌گاه‌های غربی و مساجد / علی‌محمد رنجبر کرمانی** ۳۵۳
چکیده ۳۵۳
اشاره ۳۵۷
۱ ـ ویژگی‌های کلی ۳۵۸
۲ ـ ویژگی‌های نیایش‌گاه‌های غربی ۳۶۳
۳ ـ معماری مسجد ۳۷۶
۴ ـ ویژگی‌های کالبدی مسجد ۳۷۹
۵ ـ سنجش و مقایسه ۳۸۱

▣ **پدیدارشناسی مسجد در شهر اسلامی / حسین خسروی** ۳۸۵
چکیده ۳۸۵
مقدمه ۳۸۶
جایگاه مسجد در شهرسازی اسلامی ۳۸۶

▣ **قانون خلأ و خلق فضای معنوی / جواد زیبافر** ۳۹۷
چکیده ۳۹۷
مقایسهٔ تطبیقی فضاهای عبادی ۴۰۶
بررسی سه نوع نگرش به جهان ۴۰۷
شرح قانون خلأ با توجه به مدل سوم ۴۰۸
نتیجه‌گیری ۴۰۹

▣ **اهمیت هندسه و تناسبات در معماری اسلامی / ساسان حسینی** ۴۱۱
چکیده ۴۱۱

▣ **بهینه‌سازی لرزه‌ای و راهکارهای ایمن‌سازی ساختمان مساجد کشور / محسن وفامهر / سیده سمیه میرمرادی** ۴۱۹
چکیده ۴۱۹
مراحل بهسازی لرزه‌ای ساختمان مساجد ۴۲۰
مرحلهٔ اول ۴۲۱
مرحلهٔ دوم ۴۲۳
نواقص متداول در ساختمانی آجری ۴۲۳
مرحله سوم: منبع ۴ ..... ۴۲۵
دوغاب ماسه سیمان برای دیوارهای آجری ۴۲۷
روش بسته‌بندی از خارج بنا (=کلاف‌بندی سیستم) ۴۲۷
روش بسته‌بندی از داخل بنا (=کلاف‌بندی سیستم) ۴۲۸
روش مهاربندی با F.R.P ۴۲۹
مهاربندی پای دیوارهای و فونداسیون ۴۲۹
ایجاد دیافراگم صلب سقف ۴۲۹
تمهیدات گوشه‌های قائمه ساختمان مساجد ۴۳۰
منابع ۴۳۱

▣ **احیای مساجد / دکتر محمدنقی نمک‌فروش** ۴۳۳
چکیده ۴۳۳
مقدمه ۴۳۵
مسجد ۴۳۵
شکل ۴۳۸

▣ **مدیریت و ساماندهی مساجد / ناصر شکریان** ۴۴۵
چکیده ۴۴۵
پیش‌گفتار ۴۴۶
جایگاه مسجد ۴۴۸
کارکردهای مسجد ۴۵۳
مستکبران و مساجد ۴۵۴
مساجد و انقلاب اسلامی ۴۵۸
الف) خدمت مساجد به انقلاب ۴۵۸
ب) خدمت انقلاب و انقلابیون و مسؤولان به مساجد ۴۵۹
ابهامات ۴۶۱
خلأها و مشکلات ۴۶۳
۱ ـ اختلاف دیدگاه ۴۶۳
چه باید کرد؟ (پیشنهادها) ۴۶۴
فهرست منابع ۴۶۸

▣ **نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت مسجد و نحوه‌ی ارتباط مساجد با محله و شهر**
/ **سید کریم آقامیری** ۴۶۹
چکیده ۴۶۹
تعریف اطلاعات (Information) ۴۷۰
تعریف فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) ۴۷۰
واژه‌ی اطلاعات و ارتباطات در ادبیات دینی ۴۷۱
نتایج فناوری اطلاعات (IT) ۴۷۳
اجرا و به‌کارگیری IT در مساجد ۴۷۵
اهداف فناوری اطلاعات و ارتباطات ۴۷۶
اصول استراتژی و اهداف راه‌اندازی شبکه‌ی مسجد ۴۷۸
۱ ـ پرورش انسان مسلمان ۴۷۸
۲ ـ خودشناسی و گرایش عقلانی معطوف به دیگران ۴۷۹
۳ ـ اصلاح تصویر اسلام در سطح بین‌الملل ۴۷۹
۴ ـ مبارزه برضد گرایش‌های افراطی مدعی دین‌داری ۴۸۰
۵ ـ تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآ در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی اسلامی ۴۸۰
ابزارهای فناوری ۴۸۱
۱ ـ آموزش از راه دور ۴۸۱
۲ ـ آموزش منطقه‌ای یا از راه دور ۴۸۱
مزایای آموزش از راه دور ۴۸۲

سخن ناشر

بررسی و پژوهش بنیادی و میدانی پیرامون مسجد و ارایـه پـیشنهاد بـرای بـرطرف سـاختن مشکلات موجود، گام مبارکی است از طریق تداوم آن، می‌توان مساجد کشور را احیا نمود و از ظرفیت بالا و آثار و مواهب فراوانش بهره‌مند گردید.

فراخوان سومین همایش بین‌المللی بزرگداشت مساجد، زمینه تدوین مقالاتی را فراهم آورد که در آنها، فرهیختگان و دلسوزان امت اسلامی، حـاصل پـژوش‌های خـود را ارایـه نمودند. اکنون که مجموعه مقالات آن همایش، لباس طبع در برمی‌کند سر بر آسـتان حـق ساییده، خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که توفیق ارایه و نشر مجموعهٔ آن مـقالات بـرگزیده را به ما عنایت فرمود.

پرورگار سبحان را می‌خوانیم که ما را از خدمتگذاران و آبادگران مساجد قـرار داده و این خدمت کوچک را به لطف و کرم بی‌کران خویش قبول فرماید.

مؤسسه فرهنگی ثقلین

پیشگفتار

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللهَ﴾[۱] مسجد در معارف اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که در حدیث قدسی آمده است:

«**اِنَّ بیوتی فی الارض المساجد**».

«خانه‌های من در روی زمین مساجدند».[۲]

در بیان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

«**المساجد انوار الله**».[۳]

«مساجد انوار خدا هستند».

در فراز دیگری از کلام نورانی آخرین سفیر الهی:

«**خیر البقاع المساجد**».[۴]

«بهترین زمین‌ها مساجد هستند».

ذکر شده است و در بیانی دیگر:

«**المساجد مجالس الانبیاء**».[۵]

«جایگاه پیامبران مساجد است».

---

۱. توبه / ۱۸ .
۲. الکشاف: ج ۲، ص ۱۷۹ .
۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۴۴۷ .
۴. بحارالانوار: ج ۸۴، ص ۱۲۸ .
۵. مستدرک الوسائل: ج ۵، ص ۳۶۳.

مطرح گردیده است در سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز مسجد محل مراجعت مردم پایگاه عبادت، سنگر جهاد فکری و دانشگاه تعلیم و تعلم و مستحکم‌ترین سنگر مبارزه با استبداد و مرکز تبلور روح وحدت و یکپارچگی امت اسلامی به‌شمار آمده است.

مسجد در فرهنگ اسلامی و در اندیشهٔ امت اسلامی نیز همواره از جایگاه مقدسی برخوردار بوده است؛ از این‌رو و با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام که تهاجم فرهنگی و نظامی دشمنان را شاهد است بر همه فرزندان اسلام لازم است با رویکردی جدید و ویژه، به مساجد این خاستگاه اسلام و انقلاب اسلامی نقش عمیق و بنیادین آن را مورد توجه قرار داده، و با حمایت بی‌دریغ و همه جانبه مادی و معنوی خود به ساماندهی مطلوب این پایگاه مهم و استراتژیک اقدام نمایند و برای تهیه و تدارک امکانات لازم جهت احیاء و آبادانی و رونق‌بخش و شوق‌آفرین شدن آنها به صورت جدی و مسؤولانه اقدام نمایند و بر استحکام هرچه بیشتر این سنگرهای اصیل اسلامی بیفزایند.

اکنون که با توفیق الهی جلد چهارم فروغ مسجد، مجموعه مقالات برگزیده سومین سال هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد بزیور طبع آراسته می‌شود برخود لازم می‌دانم از همه شرکت‌کنندگان به‌ویژه مسؤولان گرانقدر نظام، میهمانان خارجی و داخلی، شخصیت‌های علمی و معنوی، سخنرانان، محققان سخت‌گوش و پرتوان و مسؤولان برگزاری اجلاس و اعضای کمیته‌های گوناگون، ارزش‌یابان مقالات و کلیه کسانی که در آماده‌سازی این کتاب نقش داشته‌اند تشکر و قدردانی نماید و برای همه آنان از ذات قیوم سرمدی سلامت و اجر و پاداش وافر الهی را درخواست کند.

دبیر کمیته‌ی علمی ستاد گرامی داشت هفته‌ی جهانی مساجد

علی رضایی بیرجندی

بخش اوّل

کارکردهای مساجد

طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه‌ی مذهبی

▣ دکتر حسن عابدی جعفری و همکاران

▣ چکیده

کلمه‌ی مسجد اسم مکان و محل سجده است. از نظر شکلی نیز مساجد اولیه مسلمین قطعه زمینی وسیع و مربع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و مأذنه نداشت.

نخستین مسجد را حضرت محمدﷺ در مدینه و در کنار خانه‌ی خود ساخت؛ زمین آن خوابگاه شتران بود و پیامبرﷺ آن را از صاحبش خرید.

نقاشی مذهبی و تصویر ائمه در اسلام مجاز نیست تصویر انسان و به‌طور اعم هر موجود زنده را اسلام بت‌پرستی می‌داند. از این‌رو هیچ‌گونه تصویری در مساجد دیده نمی‌شود.

کلمه‌ی مسجد مجموعاً ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است.

قرآن معابد قبل از اسلام را مسجد خوانده است، یعنی جایی که خدا در آنجا خوانده شود.

پیامبر اسلام در معرفی مساجد ماهیت آن را بیان داشته است، نه شکل و صورت آن را، بنابر تعریف رسول اکرمﷺ مسجد جایی خواهد بود که شرافت حضور انبیا را دارا باشد و اطلاق خانه‌ی خدا برآن صدق کند.

NPO یا NGO به نهادهای مدنی غیردولتی و غیرانتفاعی گفته می‌شود که برآمده از مشارکت مدیریت شده مردم است.

ایـن‌گونه سـازمان‌ها سـیاست‌سازند و غـیرمستقیم بـر سـیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت تأثیر می‌گذارند و محصول اعتماد متقابل دولت و ملت هستند و از نظر انگیزه و اهداف انواع و اقسام گوناگونی دارند.

اسلام در قالب دینی مترقی و خاتم ادیان الهی هیچ‌گاه سعادت ابـدی و اخروی انسان را از سـعادت دنـیوی و مـادی وی تـفکیک نکـرده است. این دین کامل با ظهور خویش بذر مدنیت و تکامل دنیوی را نیز در جامعه بشری پراکنده است، تا اعضای هر جامعه متناسب با ظرفیت و استعدادها و تجربیات بشری و سطح ادراک خود این بذر را بپرورانند.

از جمله پدیده‌های اجتماعی در اسلام پدیده وقف است که پی افکندن نهادهای تمدنی و مدنی را در پی داشت.

در اسلام بسیاری از امور عبادی و حتی غیرعبادی جنبه‌ی اجـتماعی دارد و هدف از تأسیس مسجد علاوه بر امور عبادی، تـحقق فـعالیت‌های مربوط به آموزش، امور قضایی، مشاوره، حل اختلاف، مراسـم و جشـن‌ها، ارتـــباطات عـــمومی، حـرکات سـیاسی، پـر کـردن اوقـات فـراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی، تعاون، امور دفاعی و مانند آنهاست که در هـر زمان جوامع اسلامی در چارچوب مساجد تحقق می‌بخشیدند.

مسلمانان برای بسط مدنیت جدید به تأسیس مساجد اقـدام مـی‌کردند و از این طریق توده‌ی مسلمان را در چارچوبی تازه سازمان می‌دادند.

آنـچه از آیـات و روایـات فـهمیده مـی‌شود بـیان اصـولی است کـه فعالیت‌های در خور اجرا در مساجد را شـامل مـی‌شود و هـر مسـجدی بـا رعایت این اصول در اجرای هر فعالیتی دارای اختیار کامل است. این اصول عبارت اند از:

۱ ـ تأسیس مسجد براساس تقوا نه خودنمایی و تظاهر؛

۲ ـ تأسیس مسجد بر پایه خشنودی خداوندی و همراه با کمال خلوص در نیت؛

۳ ـ مسجد محلی باشد که مؤمنان دل و جان خویش را در آن تطهیر کنند؛

۴ ـ در آن بسیار یاد خدا شود؛

۵ ـ مایه‌ی آزار و زیان نباشد؛

۶ ـ محل درک و فهم حقایق باشد نه پوششی برآن.

مسجد نه کالبد فیزیکی که نگرشی به فرهنگ و جهان‌بینی است که باید آن را در انسان‌ها جست‌وجو کرد. در هر جا و مکان که انسان‌هایی با این فرهنگ باشند آنجا مسجد برپا شده است.

قرآن کریم در آیاتی متعدد بر عمران و آبادانی مساجد تأکید کرده است و آبادکنندگان مساجد را ایمان آورندگان به خدا و قیامت معرفی می‌کند.[۱]

در آیات متعدد دیگری کسانی را که سعی در جلوگیری از یاد خدا در مساجد و خرابی آن می‌نمایند ظالم‌ترین مردم معرفی می‌کند.[۲]

از سوی دیگر در احادیث بسیار به خودداری از تجمل در مساجد تأکید فراوان شده است و مساجد پرزرق و برق را از نشانه‌های آخرالزّمان برشمرده است.

با توجه به دیدگاه انسان مدارانه اسلام، به نظر می‌رسد مراد از آبادانی مساجد، نه آبادانی ظاهری، بل آبادانی معنوی است.

مراد قرآن از مساجد آباد، مساجدی است که مؤمنانی که به آن مساجد رفت‌وآمد می‌کنند، انسان‌هایی توانا و دانا باشند و از این توانایی و دانایی خویش در راه نیل به قرب خداوند، حول محور مسجد بهره برگیرند.

---

۱ . توبه / ۱۸ .

۲ . بقره / ۱۱۴ .

نگارنده با بیان مطالب یاد شده و آنچه در بارهٔ NGOها بیان شد، مساجد را سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی معرفی کرده است.

کارکردهای مساجد در طول تاریخ

کارکرد به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره‌ی پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است باقی می‌گذارد. هرچند کارکرد ابتدایی و اصلی مساجد، کارکرد نیایشی آن بوده است اما این کارکرد فقط کارکرد مساجد نبوده است.

کارکردهای دیگر مساجد عبارت‌اند از:

مساجد از رهگذر کارکرد آموزشی خویش سهمی بسیار مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کردند.

کارکرد اجتماعی، کارکرد سیاسی

وحدت امت اسلامی که عمده‌ترین عامل پیروزی انقلاب بود، در مساجد معنا و مفهوم یافت. مسجد در انقلاب اسلامی علاوه برهمه‌ی ویژگی‌ها، ماهیت تشیع دارد. مساجد شیعیان توانسته است بدون هیچ‌گونه ملاحظه کاری و احتیاط پیشگی، با فساد قدرت‌های حاکم درافتد.

در جامعه‌ای که مدرنیسم و رویکرد به آن به شکل غربی غالب است مساجد دو روش را می‌توانند اتخاذ کنند:

الف) روش محافظه‌کارانه؛

ب) روش لیبرال.

برای کارکردهای مساجد در جوامعی، چون ایران، برخی سه نوع هویت دینی شناسایی می‌نمایند:

الف) هویت دینی اعتقادی؛

ب) هویت دینی آیینی؛

ج) هویت دینی ایمانی.

مهم‌ترین چالش پیش روی مساجد در دوران معاصر کارآمد نبودن نقش آن در جامعه‌ی سرگردان میان سنت و تجدد است. کسادی و از رونق افتادگی کنونی شایع در مساجد از آن روست که در دو دهه‌ی اخیر تغییرات محیطی بسیار شدیدی در جامعه رخ داده است: تمایل به بهره‌گیری از دستاوردهای تجدد (که گریزی از آنها هم نیست) در جامعه‌ی سنتی سبب گردید تا مظاهر اجتماعی مدرن به جامعه راه یابد، حال آن که مشابه چنین مظاهری در پرتو سنت اصیل اسلامی موجود بود.

در عین حال مساجد و متولیان مساجد در برابر این رخدادهای شگرف محیطی بی‌توجه و سرگرم وظایف سنتی خویش بودند و هنگامی که فقدان اقبال عمومی را حس کردند به جای جست‌وجوی علت اصلی، معلول‌ها را دیدند و سعی در مبارزه با معلول‌ها نمودند.

ساختار فکری، اداری، اجرایی و محیطی مساجد در سال‌های گذشته به‌گونه‌ای بوده که همپای تحولات سریع و پرشتاب جامعه رشد نکرده و تا حدی چشم‌گیر سنتی باقی مانده است.

مدل کارکرد مطلوب مسجد به عنوان یک NGO :

۱ ـ مسجد در قالب یک NGO در هر منطقه جغرافیایی (مسکونی، تجاری، فرهنگی و غیره) طبق نیازسنجی و امکان‌سنجی از اجتماع دین‌داران و به صورت داوطلبانه پدید می‌آید.

الف) در بعد اعمال نیایشی؛

ب) در بعد فعالیت‌های غیرنیایشی.

نقاط قوت: پایگاه دینی بودن مسجد، عبادت شمرده شدن این نوع فعالیت‌ها در قالب مسجد از طرف دین، آمادگی در اغلب افراد جامعه برای تحقق خدمات داوطلبانه در مسجد.

نـقاظ ضـعف: فـقدان جـامع‌نگری در فـعالیت‌های جـنبی مسـجد، نـــاآگـــاهی دست‌انـــدرکاران مســـجد بـــه اصـــول مـــدیریت و رهـــبری، ناآگاهی دست‌اندرکاران مسجد به تغییرات محیطی، مشارکت ندادن اعضا در نیازسنجی برنامه‌ریزی، اجـرا ارزش‌یـابی و غـیره؛ رعـایت نکـردن اصـول مشتری‌مداری، فقدان ارتباط شبکه‌ای میان مساجد و در بعضی موارد رقابت میان مساجد.

فصل اول: کلیات تحقیق

۱ ـ ۱) بیان مسئله تحقیق

۱ ـ ۱ ـ ۱) مقدمه

در حال حاضر به علت پیچیده و چند بعدی شدن مسائل گوناگون در جوامع، شاهد تأسیس سازمان‌های گوناگون در تمامی زمینه‌ها در جوامع هستیم تا به نیازهای بشری پاسخ دهـند. علاوه بر خصوصیت اجتماعی بودن انسان، هم‌اکنون دیگر، تلاش فرد به‌تنهایی و یا حـتی یک گروه، بدون سازماندهی و در چارچوب یک سازمان، نمی‌تواند برآورده‌کننده نیازهای افراد باشد. حضور سازمان‌ها در ابعادگوناگون زندگی اجتماعی چنان پر رنگ است که در حال حاضر هر فرد حتی قبل از تولد تا بعد از مرگ با حداقل یک سازمان در ارتباط است و سرنوشتش با این پدیدهٔ بشری گره خورده است. برخی از متفکران را نظر بر این است که اکنون دیگر شاهد پدیده‌ای به نام «جامعه» متشکل از «افراد» نیستیم، بل «جوامع» کنونی متشکل از «سازمان‌ها» هستند[۱] و «جامعه» بدین معنا باید موضوع علم «جامعه‌شناسی» قرارگیرد.

در دیدگاه نهادگرایی، (Institutionalism) هر سازمان یا به عبارت بهتر هـر «نـهاد»، در تحقق ارضای یکی از نیازهای بشری فعالیت می‌نماید و به یکی از انواع این نیازها پاسخ می‌دهد. طبق نظریهٔ «هرم سلسله مراتبی نیازهای» آبراهام مـازلو، از جـمله نـیازهای انسـان، نیاز «خودشکوفایی» است. این نیاز در انسان، عالی‌ترین مرتبه نیاز است و خود، ممکن است

---

۱. دراکر: ۱۹۹۰.

شماره ۱۰

ابعاد و اشکال گوناگونی داشته باشد. از جمله ابعاد این نیاز بسیار پیچیده، گرایش به «پرستش» و در مرحله‌ی نازل‌تر «دیگر خواهی» است. در سیر تحول تمدن غربی و پیدایی مدل جامعه‌ی مدنی غربی، برای پاسخ‌گویی به ابعاد متمایز نیاز خودشکوفایی در انسان‌ها، نوعی از سازمان‌ها پدید آمده‌اند که به سازمان‌های «داوطلبانه»، «سازمان های غیر دولتی» «NGO» یا «سازمان‌های غیر انتفاعی» «NPO» موسوم شده‌اند.

جالب توجه است که بدانیم در اسلام، که سرآمد ادیان مترقی است، این‌گونه سازمان‌ها و تشکیل آنها سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. به علت مفهوم خاص «عبادت» در اسلام (که هر عملی راکه به قصد قربت الهی صورت گیرد، عبادت بر می‌شمارد) اعمال نیایشی و غیرنیایشی با نیات الهی در زمرهٔ عبادت به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر به علت تأکید خاص اسلام بر ارزش جمع و جماعت، این دین مبین راهکار بسیار مبتکرانه‌ای عرضه نموده است و آن تشکیل سازمانی داوطلبانه، غیردولتی و غیرانتفاعی با نام «مسجد» است. مروری بر نقش و اهمیت مسجد در اسلام و همچنین نقش و کارکردهای آن در طول تاریخ حیات مدنی مسلمانان نشان می‌دهد که مساجد

در اسلام و در جوامع مسلمان همان نقشی را ایفاکرده‌اندکه امروزه از یک سازمان غیرانتفاعی در غرب انتظار می‌رود. با این تمایز که معمولاً هر سازمان غیرانتفاعی در عرصه‌ی بسیار ویـژه با هدفی مشخص که اعضای آن تعیین می‌کنند، فعالیت می‌نماید و در صورتی که این هدف برآورده گردد، سازمان باید منحل گردد، یا تغییر هدف دهد، اما نهاد «مسجد» انعطاف‌پذیری چشم‌گیری دارد و با رعایت اصول ذکر شده در منابع اسلامی، هر مسجد دامنه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد و در زمینه‌های گوناگون به نیازهای انسان به صورت سازمانی پاسخ می‌دهد و دین اسلام، الهی و عبادی بودن این فعالیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد.

در جوامع اسلامی، از جمله ایران، حضور مساجد در زندگی اجتماعی مردم حضوری پررنگ دارد، بدان‌گونه که طبق آمارهای رسمی، هم‌اکنون در ایران بالغ بر هفتاد هزار مسجد[۱] احداث شده است. این تعداد مسجد آن‌گاه مهم جلوه می‌کندکه توجه‌کنیم تقریباً هیچ سازمان از نوع دیگری چنین تراکمی ندارد، فقط ممکن است مدارس از این نظر با مساجد برابری کنند.

۲ ـ ۱ ـ ۱) بیان اهمیت مسئله‌ی تحقیق

در حال حاضر بعد از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، شاهدکمرنگ شدن هر روز نقش مساجد در جامعه هستیم. این بی‌رونقی حتی در زمینه‌ی رسالت اولیه‌ی مساجد، برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی، هم محسوس است. عجیب‌تر آن‌که این بی‌رونقیِ مزمنِ مساجد بعد از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران رخ داده است، در حالی‌که همین مساجد در دوره‌ی قبل از انقلاب بسیار فعال‌تر بـودند و حـتی هـمین مسـاجد مـحل شکل‌گیری بسیاری از تلاش‌ها برای برپایی نظام جمهوری اسلامی بوده است. کسانی که دوران قبل از انقلاب را به یاد دارند بدون هیچ استثنایی به نقش پررنگ مساجد در جامعه و در جریانات منجر به انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند. به راستی مساجدی که در طول تاریخ ایران بالاخص در دوره‌ی قبل از انـقلاب بـدان‌گـونه پـررنگ بـوده‌انـد و کـارکردهای بسـیاری داشـته‌انـد، چرا هم‌اکنون بدین‌گونه متروک گشته‌اند؟ آیا زندگی مدرن و پیچیده‌ی امروزی دیگر پذیرای

---

۱. ماهنامه مسجد: ش ۷۳، ص ۲۰.

مسجد نیست؟ آیا مسجد هم‌اکنون کارکردهای خود را در زندگی قرن بیست‌ویکم از دست داده است؟ اگر بخواهیم این سؤال را به صورت اساسی‌تر مطرح کنیم باید پرسید آیا جوامع مسلمان میان «مظاهر تجدد» و «مظاهر زندگی دینی» یکی را باید انتخاب کنند؟ و حال آنکه از انتخاب تجدد، گریزی نیست باید با زندگی اجتماعی دینی و مظاهر آن از جمله مسجد وداع کرد؟ آیا مسجد در یک جامعه‌ی مسلمان فقط زمانی رونق دارد که دین در مصدر حکومت نباشد و جز آن؟

۳ ـ ۱ ـ ۱) بیان مسئله‌ی تحقیق

این سؤالات و سؤالات بسیار دیگری در ذهن هر فرد آگاهی جوانه می‌زند، اما محقق را سعی برآن است تا با رویکردی مدیریتی به پدیده‌ی مسجد بنگرد. وجود ظرفیت عظیمی چون هفتاد هزار مسجد در برابر نقاط کشور با انبوهی از منابعی که در اختیار دارند، ضرورت نگاهی دقیق و موشکافانه را می‌طلبد. بنابراین محقق تلاش دارد تا با موشکافی مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیردولتی و غیرانتفاعی از زاویه علم مدیریت، به این سؤالات پاسخ دهد:

۱ ـ مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه‌ی غیردولتی و غیرانتفاعی از نوع مذهبی در جامعه‌ی کنونی ایران چه کارکردهای مطلوبی ممکن است داشته باشد؟

۲ ـ مساجد کنونی موفق، به ایفای کدام یک از این کارکردها می‌پردازند؟

۴ ـ ۱ ـ ۱) ابعاد مسئله‌ی تحقیق

کارکردهای مطلوب و نحوه‌ی مدیریت مطلوب مسجد در قالب یک NGO در دو بعد شایسته‌ی طرح است:

۱ ـ فعالیت‌های نیایشی.

۲ ـ فعالیت‌های غیرنیایشی.

۵ ـ ۱ ـ ۱) روش حل مسئله‌ی تحقیق

در ابتدا تلاش می‌گردد تا با مطالعه ادبیات نظری، مدل مفهومی کارکردها و نحوه‌ی مدیریت مطلوب مساجد در قالب یک NGO طراحی گردد. سپس به روش توصیفی از نوع پیمایشی (با استفاده از پرسشنامه) بررسی می‌گردد که مساجد موفق در تهران با توجه به مدل به‌دست آمده در چه وضعی قرار دارند.

۶ ـ ۱ ـ ۱) نتایج حل مسئله تحقیق

انتظار می‌رود با جواب به سوالات این تحقیق، متولیان امور فرهنگی مذهبی در جامعه هم‌چون مرکز رسیدگی به امور مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و جز آن در تسری کارکردهای مطلوب و نحوه‌ی مدیریت مطلوب مساجد در قالب یک NGO به دیگر مساجد بکوشند.

فصل دوم: ادبیات نظری تحقیق

۱ ـ ۲) تعریف مسجد

کلمه‌ی «مسجد» اسم مکانی است که سجده در آن انجام می‌شود، مانند خانه‌ای که با هدف سجده برای خدا ساخته می‌شود. از مسجد در قالب محلی که نام خدا را در آن می‌برند (عبادات) یاد شده است. «مساجد» هم جمع «مسجد» است که معبد مسلمانان است. در حقیقت مسجد مکانی است برای عبادت و راز و نیاز با خالق هستی که در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. مسجد مکان ارشاد و تبلیغ مسائل، معارف و احکام اسلام است. مسجد خانه‌ی خدا و محل طرح مسائل دنیوی و اخروی مسلمین است.[۱]

از نظر شکلی نیز مساجد اولیه مسلمین قطعه زمینی وسیع و مربع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و دارای مأذنه نبود، اما اکنون اغلب مساجد دارای قسمتی میانی است به نام «صحن» که گاهی نیز مسقف است و در اطراف آن چهار رواق دارد که

---

۱. فرهنگ ایلام: شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۹ ش.

وسیع‌ترین آن رواق قبله است که محراب نیز در آنجا قرار دارد.

نخستین مسجد را حضرت محمد ﷺ در مدینه و درکنار خانه‌ی خود ساخت. زمین آن خوابگاه شتران بود و پیغمبر آن را از صاحبش خرید. سپس خلفا و حاکمان و پادشاهان بر وسعت آن افزودند و در تزیین آن در ساختمان مساجد به‌کار رفت، اما مسلمانان در آن تغییراتی دادند، چنانکه به مرور زمان برخی از کلیساها به مسجد تبدیل شد و جهت بنا را از مشرق به سوی مکه تغییر دادند.

در پاره‌ای مساجد، سنت معماری ایرانی عصر ساسانی نیز لحاظ گشته است. در این نوع مساجد بخش اصلی را شبستان تشکیل می‌دهد که قبه‌ای بر آن قرار گرفته است. این قبه یا گنبد به صورت مخروطی مدور بود و بعدها شلجمی شکل یا به خربزه قاچ قاچ با سردری مستطیل شکل درآمد.

نقاشی مذهبی و تصویر ائمه در اسلام مجاز نیست. تصویر انسان و به طور اعم موجودات زنده را، اسلام، بت‌پرستی می‌داند. از این‌رو هیچ‌گونه تصویری در مساجد دیده نمی‌شود. در عوض تزئین دیوارها و ایوان‌ها و منبرها و محراب‌ها در حد فراوان معمول است که عبارت‌اند از اشکال مطرز، گیاه‌ها و صور هندسی و کوکبی شکل با نوشته‌های زیبا و پر نقش و نگار عربی آیات قرآن به خط کوفی، نسخ، ثلث و غیره. به تدریج از قرن ششم و به ویژه در قرن هشتم تزیین دیوارها، ایوان‌ها، گنبدها و رواق‌ها به وسیله‌ی روپوشی از کاشی و موزائیک آراسته شد. محراب ها و منبرها نیز با کنده کاری از چوب و گچ و مرمر مزین گردید. نام برخی از مساجد مهم عبارت است از: «مسجد الاقصی، مسجدالحرام، مسجد قبا، مسجد النبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهر شاد».[1]

۱ ـ ۱ ـ ۲) مسجد در قرآن

در قرآن کریم کلمه‌ی مسجد مجموعاً ۲۸ بار ذکر شده است. از کل آیاتی که کلمه‌ی مسجد در آنها یاد شده در پانزده مورد، کلمه‌ی مسجد با پسوند «الحرام» (مسجد الحرام) و پنج مرتبه

---

۱. زرین چیان: ۲۲.

منحصراً مسجد آمده است، یک مورد نیز مسجد با پسوند «الاقصی» (مسجد الاقصی) و یک مرتبه، مسجد با پسوند «ضرار» (مسجد ضرار) آمده و در شش مورد کلمه مسجد به صورت جمع «مساجد» وارد شده است. بیشترین آیاتی که نازل شده و موضوع مسجد در آن مطرح گردیده مشعر به مسجد به معنای خاص است و صریحا درباره‌ی موضوع عام مسجد سخنی نگفته است. هر چند امکان بهره‌برداری از آنها جهت آشنایی با مسجد و شرایط آن مسدود نیست.[۱]

۲ ـ ۱ ـ ۲) تعریف مسجد در قرآن

آنچه مسلم است، قرآن بحث لفظی درباره‌ی مسجد ندارد، بل تعریف مسجد در قرآن براساس برداشت از مفاهیم آیات مربوط به مسجد طرح گردیده و انتظار بحث لفظی از قرآن در تعریف مسجد انتظاری شایسته نیست:

۱ ـ قرآن معابد قبل از اسلام را مسجد خوانده است، یعنی جایی که خدا در آنجا خوانده شود. قرآن در یک جا به فرزندان حضرت آدم علیه السلام خطاب می کند «زینت‌های خود را هنگام مسجد رفتن برگزینید»[۲] و در جایی دیگر خطاب به بنی‌اسرائیل می‌گوید «داخل مساجد می‌شوند چنانکه اول بار داخل شدند»[۳] این آیات نشانگر آن است که مسجد محل عبادت و عبادتگاه است.

۲ ـ قرآن بر پایه‌ی عرف به مکانی که به اسم مسجد ساخته می‌شود مسجد می‌گوید هر چند از تمام اهداف عالیه مسجد تهی است و حتی نماز خواندن در آن ممنوع و حتی تخریب آن لازم باشد، مانند مسجد ضرار که قرآن با همین عبارت «مسجد ضرار» از آن یاد می‌کند.

۳ ـ مسجد به معنای سجده گاه، اعضای هفتگانه سجده در بدن نیز در قرآن آمده است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «به راستی که مساجد (= سجده گاه‌ها) از آن خداست و کسی را با خدا نخوانید». بنابر قول مشهور معنای این آیه مواضع سجده است.

---

۱. باقی و دیگران: ۱۴۶ ، ۱۳۸۱ ش .
۲. اعراف / ۳۱ .
۳. اسراء / ۷ .

۴ ـ چهارمین تعریفی که از کلمه‌ی مسجد در قرآن به دست می آید، این است که مسجد به معنای همین مسجد معمولی و عرفی است. البته گاهی به معنای مساجدی خاص، همچون مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجد قبا و گاهی نیز به معنای عام آن یعنی همین مساجدی که در عرف امروز معمول است، متذکر گردیده.

۵ ـ مسد به معنای بیوت (= خانه‌های) پیامبران در قرآن وارد شده است.[۱]

۳ ـ ۱ ـ ۲) تعریف مسجد از نظر پیامبر

در تعریف مسجد از نظر پیامبر نکته‌ای مهم به چشم می‌خورد و آن این که در معرفی مساجد ماهیت آن را بیان داشته است نه شکل و صورت آن را. بنابر تعریف پیامبر از مسجد، معلوم می‌شود که مسجد جایی است و یا جایی باید باشد که شرافت حضور انبیا را دارا باشد و اطلاق خانه بر آن صدق کند. فرهنگ پیامبر همان فرهنگ قرآنی است. پیامبر اسلام در جای دیگری می‌فرماید: «همه زمین را برای من مسجد و طهور کردند» از این کلام پیامبر دو برداشت مفید میسور است: یکی اینکه هر جا شرایطی داشته باشد که با فرهنگ قرآن و سنت مطابقت کند (به عبارت دیگر بتواند مجلس انبیا، روشن به نور الهی و خانه خدا باشد) آنجا مسجد است. دیگر این که می‌گوید هم چون یهود نصاری نباشید که فقط و فقط معابد را محل عبادت می‌دانند. غرض از مسجد ملاقات با خداست، پس در هر جا این امکان فراهم شود آنجا مسجد است.

روایات بسیاری از پیامبر اسلام رسیده که با معرفی مسجد در واقع اهل مسجد را هم معرفی می کند، هم چون «مسجد، خانه‌ی متقین است»، «انسان‌های مسجدی، مؤمن هستند» و از این دست مطالب، که ضمن معرفی مسجد به اوصاف اهل آن نیز می پردازد.[۲]

---

۱. باقی و دیگران: ۱۴۱ ، ۱۳۸۱ ش .
۲. باقی و دیگران: ۱۵۳ ، ۱۳۸۱ ش .

۲ ـ ۲) مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی (Civil Society) معلول پیدایش شرایطی جدید در اجتماعات بشری است، شاید بتوان مشخصات عمده‌ی این شرایط جدید را در دو محور زیر خلاصه کرد:

۱ ـ با وقوع رنسانس در غرب و افزایش دانایی و توانای بشر در حیطه‌های گوناگون، اندک اندک، طبقه‌ی متوسط به معنای علم جامعه شناسی در جوامع تبدیل به طبقه‌ی اکثریت گردید. همچنین این طبقه، فقط طبقه‌ای بود که می‌توانست بستر لازم برای پرورش هرچه بیشتر نخبگان فراهم آورد. پر حجم شدن طبقه‌ی متوسط و در پی آن افزایش شمار نخبگان در جوامع، ضرورت وجود راهکارهایی را سبب شد که بدان طریق از توانایی‌ها و دانایی‌های آنان استفاده گردد.

۲ ـ هم پای تحولات پیش گفته، تغییرات شدیدی را در عرصه‌ی حاکمیت سیاسی در جوامع نیز شاهد هستیم به نحوی که معنای حاکمیت، ابزارهای اعمال حاکمیت و درکل فلسفه وجود حاکمیت تغییر نمود. کم‌کم به مردمان ساکن یک کشور نه «رعیت»، بل «تبعه» و پس از آن، «شهروند» خطاب گردید. به همین‌گونه، هدف از وجود حاکمیت، از «حکم راندن بر رعیت»، به «خدمت کردن به شهروندان» و نمایندگی کردن از آنان و برآوردن آرزوهای آنان تغییر یافت.

با بروز هم افزایی سیستماتیک و دو طرفه‌ی این عوامل، اکنون شاهد تغییرات کلی در چهره و سیمای جوامع، با عنوان جوامع مدرن، در مقایسه با جوامع سنتی هستیم. در این حالت وجود قدرت سیاسی نه تابعی از خواست قدرتمندان هر جامعه و هوس آنان، بل تابعی از برآیند کلی خواست تک‌تک شهروندان آن جامعه است و مدیریت نهادهای گوناگون هر جامعه نه به طریق دستوری و از بالا به پایین (Top ـ Bottom ـ Up) انجام می‌شود. در حالی که زمانی وجود سازمانی غیردولتی غیرسیاسی در جوامع امری غریب و نامانوس می‌نمود (شکل افراطی آن را در فلسفه‌ی سیاسی کمونیسم و دولت‌های رفاه شاهدیم)، اما اکنون این سازمان‌های دولتی و سیاسی هستند که در مقایسه با سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های داوطلبانه غیرانتفاعی در اقلیت به سر می‌برند و فلسفه‌ی وجودی‌شان نیز برقراری هماهنگی کلان بین دیگر سازمان‌های موجود در جامعه است. در این‌گونه جوامع مدرن، که در آنها جامعه‌ی مدنی شکل یافته،

بسیاری از امورات جامعه توسط نهادهای مدنی برآمده از مشارکت مدیریت شده مردم انجام می‌پذیرد. قسمت اعظم این نهادها را نهادهای غیردولتی غیرانتفاعی تشکیل می‌دهند که به اختصار از آنها به عنوان NGO یا NPO یاد می‌شود.

به این ترتیب انواع سازمان ها در جوامع امروزی عبارت‌اند از:

۱ ـ سازمانهای دولتی ـ انتفاعی هم چون شرکت انحصاری دخانیات؛

۲ ـ سازمان‌های دولتی غیرانتفاعی هم چون سازمان تأمین اجتماعی، جمعیت هلال احمر، وزارت خانه‌های اجتماعی و غیره؛

۳ ـ سازمان‌های غیردولتی ـ انتفاعی هم چون تمامی شرکت‌های تجاری بخش خصوصی؛

۴ ـ سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی.

فعالیت‌های سازمان‌ها یا نهادهای جامعه‌ی مدنی ممکن است در چهارگروه دسته‌بندی شود:

۱ ـ نمانیدگی منافع و علایق گروه‌های خاص در رابطه با دولت و سایر بخش‌های جامعه؛

۲ ـ بسیج فعالان اجتماعی برای افزایش آگاهی و اعمال نفوذ؛

۳ ـ قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد دولت، رفتار و اعمال مقامات؛

۴ ـ فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماعی برای گروه‌هایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند.

سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی با حضور در میان مردم و عمل در عرصه‌های خردی که معمولاً از دید دولت دور مانده است، ضمن جلب اعتماد مردم، علایق، مطالبات و نیازهای آنان را شناسایی و هم چون نمایندگان مردم به دولت منعکس می‌کنند. از این رو با ایفای چنین نقشی بر اعتماد مردم به آن سازمان‌ها افزوده و با بسیج آنها در قالب سازمان‌های غیردولتی به فرآیند تصمیم‌گیری مردم در امور خود مدد می‌رسانند. به عبارت دیگر سازمان‌های غیردولتی ـ غیرانتفاعی در این حوزه سیاست سازند و به‌طور غیرمستقیم برسیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت تأثیر می‌گذارند.

به‌طور کلی سازمان‌های غیرانتفاعی محصول اعتماد متقابل دولت و ملت هستند. [افزایش] دامنه‌ی اعتماد، موجب افزایش حضور مردم در سازمان‌های واسط می‌شود و افزایش سرمایه‌های اجتماعی، جامعه مدنی را فربه‌تر و کارکرد نهادهای آن را تسهیل و تسریع می‌کند. گسترش حضور مردم در نهادهای جامعه‌ی مدنی نقش آنان را در تعیین سرنوشت خویش پررنگ‌تر و فرآیند مشارکت «توده‌ای» را به مشارکت تأثیرگذار، هدفمند، سازماندهی شده و فعال تبدیل می‌کند؛ لذا سازمان‌های غیرانتفاعی به سبب ایفای نقش واسط و میانجی میان دولت و مردم و نیز فعالیت در عرصه‌های نمایندگی و بسیج عمومی، قانون‌گذاری، نظارت، فعالیت‌های اجتماعی و توسعه‌ای، موجب تسهیل روند مداخله و مشارکت مردم در امور خود و تسریع روند دموکراتیک‌سازی می‌شوند. بدین‌گونه جامعه مدنی به عنوان حوزه غیردولتی غیرانتفاعی هویت می‌یابد و پایگاه اجتماعی دولت نیز گسترش پیدا می‌کند.[۱]

انواع سازمان‌ها از نظر انگیزه اعضای آنها به نحو دیگری نیز تقسیم‌بندی می‌گردند:

۱ ـ سازمان‌هایی که انگیزه‌ی افراد از شرکت در آنها مبتنی بر ترس و در کل، هنجارهای تنبیهی است، هم چون زندان؛

۲ ـ سازمان‌هایی که انگیزه‌ی افراد از شرکت در آنها مبتنی بر سود و کسب منفعت شخصی مانند بنگاه‌های اقتصادی است؛

۳ ـ سازمان‌هایی که انگیزه‌ی افراد از شرکت در آنها تعالی است و نفع شخصی مطرح نیست. در این سازمان‌ها افراد به صورت داوطلبانه حضور می‌یابند. سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی از این نوع به‌شمار می‌روند.[۲]

حضور این‌گونه سازمان‌ها هم‌اکنون در همهٔ عرصه‌های هر جامعه و حتی در کلیهٔ عرصه‌های جهانی هم مشهود است. برای مثال NGO ها درفرآیند انتخابات در اکثر جوامع مدرن و مدنی نقشی بسیار اثرگذار دارند. در بعد بین‌المللی هم زمینه‌های فعالیت این سازمان‌ها بسیار گسترده و متنوع است. برای مثال هم‌اکنون شاهد فعالیت بسیاری از NGOهای بین‌المللی در

---

۱. عابسی: ۱۳۸۲ ش.
۲. هسلین و دیگران: ۱۳۷۸ ش.

عرصه خدمات اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، حقوق بشر و غیره در افغانستان و عراق و دیگر نقاط جهان هستیم.

در نگرشی اجمالی اهداف این مؤسسات به این شرح خلاصه می‌گردد:

۱ ـ اهداف خدماتی ـ آموزشی.

۲ ـ اهداف خدماتی ـ بهداشتی.

۳ ـ اهداف خدماتی ـ فرهنگی.

۴ ـ اهداف خدماتی ـ اجتماعی.

۵ ـ اهداف توجه به گروه‌های ویژه همانند کودکان، زنان، عقب‌افتادگان، بیماران خاص مانند ایدز و سرطان، تراکم جمعیت، گرسنگی، حقوق بشر و غیره.[۱]

افزودن براهداف فوق اهداف خدماتی ـ مذهبی را هم چون کلیساها، مساجد و هیئت‌های مذهبی را باید افزود.

۳ ـ ۲) تأثیر اسلام بر حیات مدنی مسلمانان

جوامعی که هم‌اکنون به صورت جوامع مدرن یا جوامع مدنی از آنها یاد می‌شود، حداکثر ظرف دو دهه‌ی اخیر به این دستاورد بشری دست یافته‌اند و انباشت تمام تجربیات تاریخی آنان هم‌اکنون ثمر داده است. اما اسلام به عنوان دینی مترقی و خاتم ادیان الهی، که برای رهنمون کردن بشر به سعادت ابدی و جاودان نازل شده است، از همان ابتدا هیچ‌گاه سعادت ابدی و اخروی انسان را از سعادت دنیوی و مادی وی تفکیک نکرده است. این دین کامل از آنجا که عقیده دارد «دنیا، مزرعه‌ی آخرت است» با ظهور خویش بذر مدنیت و تکامل دنیوی را نیز در جامعه‌ی بشری «پراکند» تا اعضای هر جامعه‌ای متناسب با ظرفیت و استعدادها و تجربیات بشری و سطح ادراک خود، این بذر را بپروراند. دستورات این دین الهی در قالب کتاب آسمانی و جاوید آن «قرآن» و راهنمایی‌های پیشوایان این دین در عرصه‌ی امور دنیوی نیز بسترهایی مناسب برای رشد و تکامل بشر برقرار کرد. در ۱۴۰۰ سال قبل که مدنیت در

---

۱. عابسی: ۱۳۸۲ ش.

شبه جزیره‌ی عربستان به اندازه‌ای نبود که اقتضای ایجاد نهادهای مدنی کنونی را نماید، دین اسلام و پیامبر آن، حضرت محمد ﷺ با تأکیدی چشم‌گیر بر ارزش تجمع و تأسیس نهادی به نام مسجد، این نیاز بشری را به بشر آن روزگار شناساندند.

برای مثال از جمله پدیده‌های اجتماعی که در اسلام بدان بسیار اهمیت داده شده است و اثری بسیار عمیق بر حیات بشری جوامع مسلمان داشته است پدیده‌ی وقف است.

«از جمله پیامدهای مهم وسعت وقف و کثرت موقوفات، پی افکندن نهادهای تمدنی و مدنی بود. گرچه جامعه ما [جامعه ایرانی] به لحاظ سیاسی و فرهنگی مطلقاً فاقد عامل شهروندی بود، اما در جهت نهادهای تمدنی دیگر گام‌های بلندی برداشته شده بود. در زمانی که سراسر دنیای غرب در سلطه‌ی خشن و قرون وسطایی کلیسا بود و مظاهر تمدن و سازمان‌های اجتماعی امروز و نهادهایی مانند شهرداری، مراکز بهداشتی و سازمان‌های فرهنگی و غیره برای تخصیص خدمات عمومی نه در غرب و نه در سایر نقاط جهان وجود داشت، موقوفات و سازمان‌های اداره کننده‌ی آن به عنوان یک سازمان اجتماعی وسیع چنین خدماتی را... عرضه می‌گردید... . در کلیهٔ شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها و دهات دور افتاده، هزاران مدرسه، بیمارستان، تیمارستان، حمام عمومی، کاروانسرا، قنات، مسجد و حسینیه و غیره که از محل سرمایه‌ی عظیم موقوفات فراهم شده و یا اداره می‌شود، در اختیار مردم قرار می‌گرفت... هزاران پزشک، دانشمند و شاعر و فیلسوف به یمن این موقوفات برخاسته‌اند؛ کاری که اگر دولت می خواست انجام دهد، عهده دولت خارج بود».[۱]

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم در اکثر مواردی که اراده بر بیان همراهی و یاری خویش دارد، گروه مؤمنان، گروه صابران، گروه متقین و جز آن را شایسته‌ی همراهی خویش می‌داند.

﴿اِنَّ الله مع المتقین﴾.[۲]

﴿اِنَّ الله مع الصابرین﴾.[۳]

---

۱. باقی و دیگران: ۲۳۵ ، ۱۳۸۱ ش .
۲. بقره / ۱۹۴ ؛ توبه / ۳۶ و ۱۲۳ .
۳. بقره / ۱۵۳ ؛ انفال / ۴۶ .

﴿اِنَّ الله مع المؤمنین﴾.[۱]

﴿اِنَّ الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون﴾.[۲]

و حتی در بسیاری از آیات، آنانی راکه اهل فلاح و رستگاری می‌داند، با ضمیر جمع معرفی می‌کند ﴿... اولئك المفلحون﴾.

خطاب بسیاری از سخنان الهی در قرآن کریم به جماعت مردم ﴿یا ایهاالناس ...﴾ و یا جماعت مومنین ﴿یا ایها الذین آمنوا ....﴾ است.

در اسلام حتی بسیاری از امور عبادی و از جمله مهم‌ترین آن ها «نماز» در صورت برگزار شدن به صورت اجتماعی است که ارزش اصلی خود را خواهد داشت. حتی در سیره‌ی پیامبر، در اقامه‌ی نماز اصل بر جماعت است و اقامه‌ی نماز فرادا، استثناست.

«پیامبر گرامی اسلام بادیه‌نشینان عربی راکه اسلام می‌آوردند از بازگشت به بادیه‌ها نهی می‌فرمودند و آنان را الزام به سکونت دائمی در محلی می‌نمودند».[۳]

پیامبر اسلام و ائمه هدی علیهم‌السلام نیز با عنایت به همین اصول ارزشمند اسلام، دست به تأسیس مسجد زدند و در آن روزگار به اقتضای شرایط زمان و مکان، آن را محل اجرای بسیاری از امور اجتماعی علاوه بر امور عبادی نمودند.

«انواع فعالیت‌های مربوط به آموزش، امور قضایی، مشاوره، حل اختلاف، مراسم و جشن‌ها، ارتباطات عمومی، حرکت سیاسی، پر کردن اوقات فراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی، تعاون، امور دفاعی و مانند آنها در طول دوران‌های گوناگون جوامع اسلامی در چارچوب مساجد انجام می‌شده‌اند».[۴]

«مسلمانان برای بسط مدنیت جدید به تأسیس مساجد اقدام می‌کردند و از این طریق توده‌ی مسلمان را در یک چارچوب تازه سازمان می‌دادند».[۵]

---

۱. انفال / ۱۹ .
۲. نحل / ۱۲۸ .
۳. باقی و دیگران: ۱۳۸۰ ش .
۴. باقی و دیگران: ۲۴۱ ، ۱۳۸۱ ش .
۵. باقی و دیگران: ۱۰۷ ، ۱۳۸۱ ش .

«مسجد مکانی برای عبادت، پایگاهی برای جهاد، مرکزی برای اجتماع مسلمانان، مدرسه‌ای برای تعلیم و تعلم اسلامی [و در کل] عرصه‌ای برای ورود مسلمانان به حیاتی مدنی است».[۱]

۴ ـ ۲) اهمیت و نقش مسجد از دیدگاه اسلام

نکته حائز اهمیتی که در این میان شایان مشاهده است، دین اسلام است که هیچ‌گاه (نه در آیات قرآن کریم و نه در احادیث نبوی و روایات معتبر) برای مساجد خط‌مشی تعیین ننموده است، بل صرفاً به تعیین اصولی کلی در باب فعالیت‌های قابل اجرا در مساجد بسنده نموده‌اند. در این حالت هر مسجدی که این اصول را رعایت نماید در اجرای هر فعالیت و ایفای هر کارکردی، اختیار کامل دارد و تعیین خط‌مشی بر عهده خود مؤمنان گردآمده در مسجد است. با رعایت این اصول هرگونه فعالیتی که در مساجد صورت پذیرد، عبادت محسوب می‌گردد.

اهم این اصول در منابع اسلامی شامل قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات به دست آمده از ائمه هدی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱ ـ تأسیس مسجد براساس تقوا نه خودنمائی و تظاهر؛

۲ ـ تأسیس مسجد بر پایه خشنودی خداوندی و همراه باکمال خلوص در نیت؛

۳ ـ مسجد محلی باشد که مؤمنان، دل و جان خویش را در آن تطهیر کنند. اگر مسجدی ... برای مؤمنان شرایطی را فراهم نسازد که به پالایش روح و رفتار خویش بپردازند، شایستگی لازم را نزد خدا ندارد؛

۴ ـ در آن بسیار یاد خدا شود. مسجدی که با ورود به آن انسان نتواند از اشتغالات غیرخدایی ذهنش بکاهد، مسجد شایسته‌ای نیست؛

۵ ـ مایه‌ی آزار و زیان نباشد. مسجدی که مسلمانان را از اصلاح دور نگهدارد و موجب تفرقه گردد و مسلمین را از حقوق معنویشان محروم گرداند، مسجدی شایسته نیست؛

۶ ـ اگر مسجدی عامل پوشاندن حقایق از مسلمین گردد و مانع از درک و فهم آنان

---

۱. باقی و دیگران: ۲۴۲، ۱۳۸۱.

از حقایق دین و مصالح مسلمین شود، در زمره‌ی مساجدی است که نزد خدا محبوبیتی ندارد؛ لذا مسجد اگر در انحصار گروهی از مسلمین قرار گیرد و وسیله‌ی تحمیق مردم گردد، عمل کفرآمیز در آن صورت گرفته است؛

۷ـ اوصاف یاد شده اکتسابی‌اند و بخشی از این اوصاف به آبادکنندگان مساجد مرتبط است که باید دو صفت: الف) ایمان به خدا و ب) ایمان به آخرت دارا باشند.[۱]

با این تفاسیر، می‌توانیم دریابیم که طبق نگرش توحیدی، به هر مکانی که فعالیت‌های صورت گرفته در آن، این اصول را نقض نکند، اطلاق «مسجد» جایز است. این استنباط مطابق با اصل «وحدت وجود» در فلسفه اسلامی نیز هست. با این نگرش، «مسجد» نه یک کالبد فیزیکی، که یک تفکر، نگرش، فرهنگ و جهان‌بینی است که باید آن را در افراد بشر جست‌وجو کرد. در هر مکان که افرادی با این فرهنگ مستقر باشند، آنجا «مسجد» تحقق یافته است. به عبارتی دیگر، این نوع افراد «مسجد» هستند. به همین سبب خداوند در قرآن کریم تأکید فراوانی بر بانیان مسجد دارد و برای آنان داشتن ایمان به مبدأ و معاد و همچنین خلوص در نیت و تقوا را لازم می‌داند.

قرآن کریم در آیاتی متعدد بر عمران و آبادانی مساجد تأکید کرده است و آبادکنندگان مساجد را ایمان آورندگان به خدا و قیامت معرفی می‌کند.[۲] خداوند متعال در سوره مبارکه اعراف، آیه ۳۱ می‌فرماید:

﴿یا بنی‌آدم خذوا زینتکم عن کل مسجد﴾.

«ای فرزندان آدم هنگام رفتن به مسجد زینت‌های خود را با خود همراه ببرید».

و در آیات متعدد دیگری نیز کسانی را که به نحوی در امر مساجد کارشکنی می‌کنند و در جلوگیری از یاد خدا در مساجد و خرابی آن سعی می‌نمایند، ظالم‌ترین مردم معرفی می‌کند.[۳]

---

۱. باقی و دیگران: ۱۴۹ ، ۱۳۸۱ ش .
۲. توبه / ۱۸ .
۳. بقره / ۱۱۴ .

از سوی دیگر در احادیث و روایات بسیاری بر پرهیز از تجمل در مساجد تأکید فراوان شده است، به نحوی که مساجد دارای تجمل و زرق و برق فراوان را (از آنجاکه مانع اشتغال مؤمنان به یاد خدا می‌گردند) از نشانه‌های آخرالزمان به حساب آورده‌اند. پیامبر در این باره می‌فرماید:

«ای سلمان در آخرالزمان مساجد مانند کلیساها آذین‌بندی می‌شوند و قرآن‌ها را زینت کنند و مناره‌ها بلند می‌گردد و صف‌نمازگزاران فراوان می‌شود که با دل‌های پر از کینه و زبان‌های چند گونه گرد آیند».[۱]

با تفکر در آیات و روایات بالا می‌توان به عمق دیدگاه انسان‌گرایانه اسلام پی‌برد. به نظر می‌رسد مراد خداوند در قرآن از آبادانی مساجد، نه «آبادانی ظاهری» بل «آبادانی معنوی» است. اگر کلمه «زینت» را در آیه ﴿**خذوا زینتکم عند کل مسجد**﴾[۲] را فقط زینت‌های ظاهری ندانیم، بل توانایی‌ها، قابلیت‌ها، استعدادها و هنرها و در بعدی دیگر نیازهای متعالی انسان را نیز جزئی از زینت وی به حساب آوریم، می‌توانیم استنباط کنیم که مراد قرآن از مساجد آباد، مساجدی است که محل رفت‌وآمد مؤمنان است و انسان‌هایی توانا و دانا هستند و از این توانایی و دانایی خویش در راه نیل به قرب خداوند، حول محور مسجد استفاده نمایند و دیگر برادران و خواهران دینی خویش را بهره‌مند سازند به‌گونه‌ای که مساجد بدون حضور چنین مؤمنانی مساجدی خراب و غیرمطلوب به حساب می‌آیند. به عبارتی دیگر مساجد چون ظرفی هستند که با رعایت اصول ذکر شده در منابع اسلامی، مؤمنان مختارند تا به تناسب نیازها و همچنین توانایی‌ها و استعدادهای خویش «زینت» از آن استفاده کنند.

این نظر از آنجا تقویت می‌گردد که «در تاریخ صدر اسلام، مسجد، انحصار به هیچ دسته و گروه خاصی نداشت و حتی ملحدان در کمال آزادی و امنیت در آنجا حضور می‌یافتند و به مناظره می‌پرداختند».[۳]

---

۱. تحف‌العقول: ص ۴۷ .
۲. اعراف / ۳۱ .
۳. باقی و دیگران: ۱۶ ، ۱۳۸۱ ش .

با توجه به مطالب پیش‌گفته و همچنین نقش و کارکردهای مساجد در طول تاریخ به روشنی درمی‌یابیم که مساجد در دوره‌های رونق خویش، هم چون یک سازمان غیردولتی غیرانتفاعی به ایفای نقش در جامعه اسلامی پرداخته‌اند. در حدیث یاد شده نیز امام علی علیه‌السلام کارکردهای اجتماعی مسجد مطلوب را بسیار بیشتر از کارکردهایِ صرف عبادی می‌داند. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که ذکر این هشت مورد به نقل از امام نه به منظور احصای همهٔ موارد کارکردهای ممکن هر مسجد مطلوب بوده، بل به منظور ذکر مثال‌هایی از این دست است.

۵ ـ ۲) کارکردهای مساجد در طول تاریخ

واژه‌ی «کارکرد Function در ادبیات علم جامعه‌شناسی به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد. یک رشته‌ی کنش اجتماعی منظم، کارکرد اجتماعی نامیده می‌شوند».(۱)

باید توجه نمود که این تعریف از «کارکرد»، تعریفی جامعه شناختی از ترجمه‌ی کلمه‌ی «Function» است. همین واژه در ادبیات علم مدیریت نیز استفاده می‌شود. واژه «Function» در ادبیات علم مدیریت معنای بسیار محدودتری در قیاس با علم جامعه‌شناسی دارد که علمای مدیریت آن را مترادف «فعالیت» یا حتی «وظیفه» برای هر بخش سازمانی دانسته‌اند.

اگر بخواهیم در ادبیات علم مدیریت اصطلاحی هم ارز با واژه‌ی «Function» در علوم اجتماعی بیابیم شاید مناسب‌ترین اصطلاح، واژه «Mission» ترجمه شده به رسالت باشد.

هر چند کارکرد ابتدایی و اصلی مسجد، کارکرد نیایشی آن بوده است و از مساجد به صورت محلی برای برگزاری آیین‌ها و عبادات جمعی استفاده می‌شده است، اما به هیچ وجه این کارکرد، یگانه کارکرد مساجد نبوده است. بنا بر پیش‌گفته روح جمعی در بسیاری از دستورات اسلام و عبادات اسلامی مرکوز است و علاوه بر آن اسلام اهمیت فراوانی برای

---

۱. فتحی: ۱۳۸۱ ش.

اجتماع مؤمنان قائل است. یکی از دلایلی که فقط امور عبادی صرف در مساجد انجام نمی‌شده، تعریف اسلام از عبادت می‌باشد. اسلام هر عملی را که به قصد قربت به خداوند متعال انجام گیرد، عبادت بر می‌شمارد. با این پیش زمینه و همچنین به تأسی از سیره و سنت نبوی مساجد توانسته‌اند در زمینه‌های بسیاری در جوامع اسلامی نقش ایفا نمایند و خلاء وجودی بسیاری از نهادها را پر نمایند.

۱ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد نیایشی

خداوند هدف خلقت انسان را عبادت می‌داند و بهترین مکان برای این کار، مسجد است. از جمله ﴿**ان یذکر اسمه**﴾ از آیه کریمه قرآنی ﴿**و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه...**﴾[۱] استفاده می‌شود که مساجد محل عبادت و پرستش الهی است.

آری، مسجد شریف‌ترین مکان برای خضوع و سجده بر درگاه الهی و از خودگذشتن و به خدا رسیدن است و نماز از جمله عباداتی است که در مسجد انجام می‌گیرد و گزاردن نماز در آن در مقایسه با مکان‌های دیگر ثواب بسیار بیشتری دارد. به یقین اگر نماز به جماعت برگزار شود ثواب آن به مراتب بیشتر هم خواهد بود.

از جمله عبادات در مسجد، نماز بزرگ جمعه است که کار عبادی، سیاسی مسلمانان است. از این‌رو هر هفته در شهرهای مهم کشور جمع می‌شوند، هم خدا را می‌پرستند و هم در برابر دشمنان دینی آمادگی خود را اعلام می‌دارند. نماز در مسجد آن قدر ارزش دارد که حتی انتظار در مسجد برای برپایی نماز، خود عبادت است و رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «نشستن در مسجد در انتظار نماز، عبادات است مادامی که حدثی از او سر نزند. عده‌ای پرسیدند ای رسول خدا حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن».[۲] از دیگر عباداتی که در مسجد انجام می‌گیرد دعا و مناجات است. از این‌رو به خصوص بعد از انقلاب اسلامی،

---

۱. بقره / ۱۱۴ .

۲. مجلسی: ج ۸۳، ص ۳۸۴ .

خواندن ادعیه‌ای چون کمیل، توسل، ندبه و نظایر آن رونق بیشتری یافته است. چه اینکه در روایت آمده است دعای دسته جمعی به اجابت مقرون است.

«اعتکاف نیز عبادتی است که در مسجد انجام می‌گیرد. اعتکاف، یعنی اقامت در مسجد به قصد اجرای اعمال مخصوص با شرایط و آداب ویژه که تزکیه و تصفیه‌ی روح از همه‌ی معاصی را در پی دارد».[۱]

«مراسم دیگری مثل خطبه‌های اخلاقی و دینی، عزاداری امام حسین، ختم اموات و انواع جلسات ذکر و قرائت قرآن که به طور معمول در مساجد انجام می‌شوند، به واسطه‌ی محتوا با ماهیت [نیایشی] مسجد، سنخیت پیدا کرده».[۲] و در مساجد برگزار گردیده‌اند.

۲ ـ ۵ ـ ۲) کارکردهای آموزشی

بعد از کارکرد نیایشی، قوی‌ترین کارکرد مساجد در طول تاریخ، کارکرد آموزشی آنهاست. این کارکرد بالاخص در دوران قبل از پیدایی نهادهای مدرن بسیار پررنگ شده است، به گونه‌ای که در اکثر جوامع مسلمان مجموعه‌ی تعلیم و تربیت حول محور مساجد شکل گرفته بود.

در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، سؤال از علم و دانش».[۳] ما در تاریخ نیز می‌خوانیم که پیامبر در مسجد خویش آیه‌های قرآن، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. جلسات آموزش نیز با نبود آن حضرت ادامه می‌یافت؛ زیرا استاد ومدرس کلاس‌های آموزشی مسجدالنبی، فقط پیامبر نبود. افراد دیگری نیز که از صلاحیت‌های علمی لازم برخوردار بودند، اداره‌ی این جلسات را بر عهده داشتند: عبدالله بن رواحه که شخصیتی علمی بود جلسات مربوط به توحید و معاد و مسائل اعتقادی را اداره می‌کرد.

---

۱. باقی‌زاده: ص ۷۲.
۲. باقی و دیگران: ۲۴۲، ۱۳۸۱ ش.
۳. مجلسی: ج ۷۷، ص ۸۶.

آن حضرت در باره‌ی چنین مجالسی می‌فرمود: من نشستن در چنین مجالسی را بر نشستن در جلسات دعا و نیایش که در گوشه‌ای دیگر از مسجد برپا بود، ترجیح می‌دهم، زیرا من برای آموش و تعلیم مردم به پیامبری مبعوث شده‌ام.

«تا آغاز قرن چهارم اسلامی، غالباً مساجد در غیر اوقات نماز حکم مدارس را داشت و بعداً مراکز آموزشی، صورت خاصی به خود گرفت. بسیاری از بزرگان علم و دانش دانش‌آموختگان حلقه‌ی درس کلاس‌هایی بودند که در مساجد برگزار می‌شد.

حتی بعدها که مراکز تحصیلی از مساجد به مدارس منتقل شد، مدارس در جنب مساجد ساخته می‌شد و از این طریق پیوند ناگسستنی دین و علم به نمایش گزارده می‌شد. آری، مسجد همواره آموزشگاه مبانی دینی و معارف اسلامی بوده است. از این رو مسجدی که امروز نقش مؤثر خود را در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی ایفا نکند در حقیقت از ادای بخشی مهم از رسالت خود بازمانده است».[۱]

«مساجد از حیث آموزشی سه شکل کاملاً متمایز از یکدیگر اتخاذ کردند. شکل نخست، آن بود که بسیاری از مساجد با محدودکردن دایره‌ی آموزشی خویش به آموزش عمومی و ابتدایی در حد قرائت قرآن اکتفاکنند. شیوه‌های آموزشی در این مکتب‌ها کاملاً سنتی است... شکل دوم مدرن است به این معنا که محلی در مسجد به عنوان کتابخانه در نظر گرفته می‌شود. جوانان و نوجوانان و کودکان مسلمان به شکل گروهی از آموزش های ابتدایی (که از قرآن آغاز شده و به حدیث، اعتقادات و احکام می‌رسد) برخوردار می‌شوند. در این شکل... مسجد کلاس‌هایی با صندلی و تخته سیاه دارد و حتی از ابزارهای نوین سمعی بصری برای آموزش در آنها استفاده می‌شود.

شکل سوم ارتقای مسجد تا حد دانشگاه است. برخی از مساجد در جهان اسلام تعلیم و تربیت بدنی در سطوح عالی را نیز برعهده گرفته‌اند. در سال ۱۹۶۱ م مسجد الازهر در قاهره به دانشگاهی اسلامی تبدیل شد که همانند دانشگاه‌های جدید، دانشکده‌های بسیاری دارد و از حیث دانشکده های فقه و کلام اسلامی شهرت دارد».[۲]

---

۱ . باقی زاده: ۷۳ .

۲ . باقی و دیگران: ۲۶۵ ، ۱۳۸۱ ش .

از دل چنین تلاش‌هایی علوم بسیاری منبعث از منابع اسلام سرچشمه گرفت. علومی چون فقه، اصول، کلام و فلسفه اسلامی و غیره نقطه‌ی عطف در ایفای نقش آموزشی مساجد در طول تاریخ، دوران زندگانی دو امام شیعیان، یعنی امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام است. این دو امام با اغتنام فرصت به دست آمده در کشاکش تحولات سیاسی بین امویان و عباسیان دست به پرورش شاگردان بسیاری در علوم گوناگون زدند که پایگاه عرضه‌ی این آموزش مساجد بودند. در تاریخ شمار شاگردان امام صادق حتی تا عدد چهار هزار تن ذکر گردیده است. این دو امام بزرگوار پدید آورنده‌ی طبقه‌ای جدید به نام طبقه‌ی علمای اسلام هستند.

مساجد از رهگذر کارکرد آموزشی خویش سهمی بسیار مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کردند.

«چون مسلمانان مسجد را محیط آموزشی ساخته بودند به تبع، کتابخانه‌هایی در آن به وجود آمد. اگرچه اکثر کتابخانه‌های مساجد معمولی بودند، ولی بعضی از مساجد بزرگ مجموعه‌هایی کامل از کتاب‌هایی داشتید که در امپراتوری اسلام شهرت فراوانی کسب کردند. دانشمندان و دانشجویان نه فقط آزادانه از این کتابه‌ها استفاده می‌کردند، بل برای آنها سخاوتمندانه غذا، مسکن، وسایل نگارش و دیگر خدمات نیز فراهم می‌شد... گفته می‌شود که دیوان و کتاب‌های شعر هشتاد طایفه در مسجد کوفه نگهداری می‌شد... البته در میان شیعیان به سبب آنکه امامان شیعه به ویژه امام صادق به علوم گوناگون احاطه داشتند، کتاب‌نویسی و کتاب‌خوانی به رشته‌های گوناگون علوم قرآنی، علوم اجتماعی و فلسفی، علوم طبیعی کشیده شد. در سلسله‌ی عباسیان نهضت ترجمه‌ی آثار یونانی به عربی به راه افتاد و ائمه‌ی شیعه نیز در جلوگیری از القائات سوء و افکار باطل ترجمه شده به عرضه‌ی افکار مترقی و عالی می‌پرداختند».[1]

با غنی تر شدن علوم اسلامی و تخصصی شدن آنها، آموزش تخصصی علوم اسلامی در اغلب موارد به مدارس ساخته شده در جنب مساجد منتقل شد.

---

۱ . السباغی: ۶، ۱۳۷۳ ش .

شماره ۱۱

در دوران معاصر «با شکل‌گیری دولت و ملت‌های جدید در جوامع اسلامی یا تحول در ساختار حکومتی ملت‌های کهن، حکومت‌ها به تاسیس نهادهای آموزشی جدید پرداختند. این امر خود به خود برآموزش در مدارس و مساجد تأثیر گذارد. دو واقعیت نیز در این میان خودنمایی کرد: توسعه‌ی اقتصادی (البته نیاز به نیروهای متخصصی که آموزش سنتی نمی‌توانست چنین محصولاتی داشته باشد) و تحولات اجتماعی ناشی از تماس با غرب (ظهور نقش‌های جدید که آموزش‌های تازه‌ای می‌طلبید). در این نظام آموزشی جدید، حتی آموزش‌های دینی تا حد تعلیمات دانشگاه پیش‌بینی شد تا مجموعه‌ی آموزش‌های سنتی ناکارکرد شوند. عاملی که باعث تداوم آموزش سنتی می‌شد آن بود که تبلیغ و دعوت دینی به نیروهای آموزش دیدهای نیاز داشت که نهادهایی مثل وقف یا تمهیداتی مثل خمس هزینه‌های آن را تأمین می‌کرد و مستقل از دولت بودند».[1]

---

۱ . باقی و دیگران: ۲۶۴ ، ۱۳۸۱ ش .

۳ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد اجتماعی

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم از جمله کارهایی که در مسجد انجام می‌گرفت، این بود که مردم در این مکان جمع می‌شدند و مشکلات اجتماعی را بررسی می‌کردند و به رفع آن اهتمام می‌ورزیدند و همچنین در باره مصالح اسلام و مسلمانان به شور و مشورت می‌پرداختند. نتیجه می‌شود که امروز هم مسجد، باید خانه آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها باشد.

امام خمینی‌ﷺ در گفتاری این نقش مسجد را مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

> «این مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرمﷺ مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادی نماز وروزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت کنند».[۱]

از آنجا که طبق آموزه‌های اسلامی هر عملی که به قصد قربت و در راه خدا انجام گیرد عبادت محسوب می‌شود، «انواع فعالیت‌های دیگر می‌توانند توجیه دینی پیدا کنند و به قلمرو مسجد راه یابند. این امر بالاخص هنگامی رواج پیدا می‌کند که نهادهای دیگر جامعه کارکردهای خود را به درستی انجام ندهند یا این که اصولاً نهادهایی برای بر عهده گرفتن آن‌گونه خدمات و کارکردها در جامه نباشد».[۲] در این حال بسیاری از امور عمومی مردم در مسجد رتق و فتق می‌شوند.

در صورتی که در مساجد فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیری رخ دهد و این کارکرد در مقابل کارکرد نیایشی مسجد از حضور پررنگ‌تری برخوردار باشد پیامدهای خاصی را در پی دارد که بعضاً با کارکرد نیایشی در تعارض قرار می‌گیرد.

---

۱ . صحیفه‌نور: ج ۱۸ ، ص ۶۷ .
۲ . باقی و دیگران: ۲۴۳ ، ۱۳۸۱ ش .

«در جوامعی که کارکردهای اجتماعی مساجد غلبه پیدا می‌کنند یاکارکردهای اجتماعی هم عرض با کارکرد نیایشی جلوه‌گر است، مسجد مرکزیت بیشتری پیدا می‌کند و در مناطق مسکونی، در مرکز منطقه واقع می‌شود یا اگر تعداد مساجد چشم‌گیر باشد، آن دسته از آنها که پوشش بیشتری به مناطق مسکونی می‌دهند کارکرد اجتماعی بیشری پیدا می‌کنند. این مساجد به مراکز اداری یا حکومتی نزدیک‌ترند، در دل بازارها جای دارند، به مجالس قانونگذاری نزدیکند یا مراجعه‌کنندگان به آنها افراد دانشگاهی و دیگر نخبگان هستند. به‌این ترتیب است که این‌گونه مساجد براساس کارکردهای خاص و مخاطبان خاص تمایز پیدا می‌کنند. حتی ساخت سلسله مراتبی جامعه در ترتیبات فضایی آنها مؤثر واقع می‌شود... این مساجد به نحو مشارکتی اداره می‌شوند و انواع فعالیت‌های آنها براساس همکاری افرادی که ارتباط بیشتری با مسجد دارند، سازمان داده می‌شود. تأسیس این‌گونه مساجد به بودجه‌های چشم‌گیری نیاز دارد که براساس مشارکت افرادی از طبقات خاص، بودجه‌ها و میزان خدمات مسجد تفاوت پیدا می‌کند. مراسم و آیین‌ها در این‌گونه مساجد یک طرح و زمان‌بندی خاص پیدا می‌کنند و افرادی نیز به خدمت دائمی آن در می‌آیند».[۱]

همانند دیگر کارکردهای مساجد، پدیده‌ای که این کارکرد را نیز به چالش کشیده است، بروز مدرنیته و فرآیند نوسازی است. «جهت فرآیند نوسازی بدان سمت است که بخشی عمده از کارکردهای اجتماعی مسجد را به نهادهای عرفی تحویل کند و مسجد صرفاً کارکرد نیایشی داشته باشد. این امر البته از مخالفت بنیادی نوسازی و تجدد با دین ناشی نمی‌شود، بل اصولاً نوسازی در جهت راه‌اندازی نهادهای تخصصی برای پاسخ دادن مداوم و بهینه به نیازهای مردم است. بسیاری از کارکردهای اجتماعی مسجد در دنیای امروز به نهادهایی که جامعه چاره‌ای بجز ایجاد، تقویت و گسترش آنها ندارد تحویل نشده‌اند و از این جهت حتی اگر مساجد بخواهند نقش اجتماعی مستقیم داشته باشند، مجبور به محدودکردن این نقش‌ها هستند. ثانیاً خود را فقط بایدبه صورت یکی از نهادهای عرضه‌کننده‌ی آن خدمات و کارکردها (و نه فقط عرضه‌کننده‌ی آن‌ها) معرفی کنند و ثالثاً در محدوده‌ی همان کارکردها می‌باید به نحوی تخصصی به موضوعات (حتی وعظ و خطابه) بپردازند، تا بتوانند درکنار رقبای جدی

---

۱ . باقی و دیگران: ۲۴۵ ، ۱۳۸۱ ش .

به رقابت بپردازند. به عنوان نمونه انواع فعالیت‌های فرهنگی (در حوزه‌هایی مثل سینما، تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و غیره) در انواع نهادهای عرفی (دولتی، عمومی و خصوصی) در حال اجراست... . اگر به عنوان مثال مساجد بخواهند به امور فقرا و درماندگان رسیدگی کنند متوجه خواهند شد که فقط یکی از نهادهای خدمات دهنده خواهند بود و با تخصصی شدن و رقابت و همکاری با دیگر نهادها می‌توانند در این عرصه باقی بمانند».[۱]

۴ ـ ۵ ـ ۲) کارکرد سیاسی

نقش سیاسی مساجد در طول تاریخ جوامع اسلامی (بجز مقطع صدر اسلام) بیشتر به صورت غیرمستقیم بوده است. این کارکرد در قرون جدید و با پیشگامی اصلاح‌گرایان در جوامع اسلامی پر رنگ‌تر شد. اصلاح‌گرایانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، حسن البنّا، محمد عبده، علامه اقبال لاهوری و دکتر شریعتی از مسجد به عنوان پایگاهی برای آغاز جنبش‌های سیاسی اصلاحی در قرون اخیر استفاده کرده‌اند.

«این رفتارها ابتدائاً در چارچوب دعوت و تعاون اسلامی آغاز می‌شده است (جلسات تفسیر قرآن، بیان احکام اسلام، بزرگداشت اولیای دین، ذکر وقایع تاریخی مربوط به دین، ذکر مشکلات و مصائب مسلمانان در اقصی نقاط عالم و جزِ آن) ولی به سبب فقدان مجراهای سیاسی برای ظهور دغدغه‌ها و تمایلات دینی، خود مسجد به نوعی پایگه سیاسی تبدیل می‌شده است».[۲]

باید توجه داشت که مسجد در جوامع اسلامی با توجه به آموزه‌های دینی چشم‌گیر هم چون حدیث «**من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم**» ظرفیت بروز رفتارهای سیاسی را در مقایسه با نهادهای دینی در ادیان دیگر به درجات بسیار برتری دارد.

از نظر تاریخی نیز شاهدیم که «پیامبر اسلام نخستین مسجد را در مدینه نزدیک به خانه‌ی خویش ساخت و آن را مرکزی برای اداره‌ی امور سیاسی و مباحث و جدال‌ها قرار

---

۱ . باقی و دیگران: ۲۴۸ ، ۱۳۸۱ ش .
۲ . باقی و دیگران: ۱۰۰ ، ۱۳۸۱ ش .

داد... همچنین در تاریخ اسلام، مسجد محلی برای خشونت‌های سیاسی (مثل قتل دو خلیفه از چهار خلیفه صدر اسلام) بوده است».[۱]

«باگسترده‌تر شدن قلمرو فعالیت دولت در دوران معاصر از سویی، و پیدا نشدن نهادها و مجراهای به رسمیت شناخته شده برای اجرای فعالیت‌های سیاسی از سوی دیگر، فعالیت‌های سنتی مساجد چون تعلیم و ترتبیت اسلامی، دعوت اسلامی، اصلاح اجتماعی و تعاون اجتماعی نیز اکنون سیاسی شمرده می‌شوند. حکومت‌ها در برخورد با این فعالیت‌ها تلاش دارند تا آنجاکه این فعالیت‌ها سعی در ایجاد اختلال در فعالیت‌های دولتی ندارند و مخصوصاً نهاد حاکمیت را دچار چالش مشروعیت نمی‌کنند از در مماشات واردگردند».[۲]

اما تزریق سیاست به مساجد، این مراکز را به چهار شکل ممکن درآورده است:

۱ ـ مرکز حزبی؛

۲ ـ دار النّدوه (محل مشورت)؛

۳ ـ پارلمان محله؛

۴ ـ خانه شهروند.

از چهار شکل مطرح شده، مساجد در طول تاریخ جهان اسلام و نیز در دوران معاصر کمتر از همه به صورت مراکز حزبی درآمده‌اند. علت این امر وجود اصل فراگیری و انحصاری نبودن فعالیت در مساجد است. با این وجود، همیشه تلاش‌هایی صورت می‌گرفته است تا از پایگاه مسجد حداقل به عنوان تریبون تبلیغات سیاسی انحصاری استفاده گردد. تازه‌ترین نمونه‌ی این تلاش‌ها را در حرکت‌های یک جناح خاص سیاسی برای استفاده از تریبون مساجد شاهد بودیم، اما این تلاش‌ها همیشه به علت اینکه هیچ‌گاه یک تفکر سیاسی خاص بر تمام جامعه حاکم نمی‌گردد (مگر در اشکال افراطی کاریزمایی) و خاصیت مردمی بودن مساجد، ناکام می‌شوند.[۳]

---

۱ . روزنامه‌ی شرق، گزارش آبادگران در مسجد، ۱۳۸۱/۱/۲۷ ش .

۲ . باقی و دیگران: ۱۳۸۱ ش .

۳ . روزنامه‌ی شرق، گزارش: آبادگران در مسجد، ۱۳۸۱/۱/۲۷ ش .

همچنین غیر از صدر اسلام به علت شکل‌گیری دارالاماره‌ها مساجد کمتر مرکز تشکیل شوراهای مسلمانان در امور عمومی خویش بوده‌اند؛ چراکه در کل، حکومت‌ها در جوامع مسلمان به صورت استبدادی بوده‌اند و مشارکت سیاسی توده‌ها را بر نمی‌تافته‌اند. اما دو شکل دیگر یعنی خانه شهروند یا پارلمان محله در مساجد جاری بوده و هستند و نقش سیاسی مساجد را باید عمدتاً در نقش اجتماعی و مدنی آنها جست‌وجو کرد: آنجاکه نقش اجتماعی و مدنی مفهوم سیاسی پیدا می‌کرده مسجد سیاسی می‌شده است و آنجاکه کارکردهای اجتماعی مستقل از سیاست جاری پنداشته می‌شده، مسجد نیز کمتر سیاسی می‌شده است.[1]

۱ ـ ۴ ـ ۵ ـ ۲) مسجد و انقلاب اسلامی

از جمله موفق‌ترین حرکت‌های سیاسی در چند دهه‌ی اخیر، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب از جهات بسیاری، از دیگر انقلاب‌ها متمایز است. از جمله وجه تمایز، پایگاه دینی این انقلاب در عصر گریز از ایدئولوژی‌های آسمانی بود. مساجد به عنوان فراگیرترین مرکز دینی در اسلام، در این انقلاب نقشی حساس داشتند.

امام خمینی‌ﷺ فرمودند این انقلاب، به تأسی از سنت اسلامی در عصر پیامبر، اعتقاد خاصی به اجتماع میان سیاست و اسلام حول محور مساجد داشتند. امام امت در سال‌های قبل یعنی در همان ایامی که از سوی حکومت وابسته شاه به ترکیه و از آنجا به نجف تبعید شدند، در نخستین نطق خود در نجف در مسجد شیخ انصاری در حضور بسیاری از علما و فضلا چنین گفتند:

> «اسلام سیاست دارد، برنامه اداره‌ی امور مملکت دارد، ممالک بزرگ را اداره می‌کند. بر رؤسای جمهور، سلاطین و دول اسلامی است که اسلام را به عالم معرفی کنند تا مسیحی‌ها خیال نکنند که اسلام چون مسیحیت است و مسجد مثل کلیساست. وقتی نماز در مسجد برپا می‌شد، تکلیف معین می‌کردند. در مسجد شالوده جنگ ریخته می‌شد. در مسجد

---

۱ . باقی و دیگران: ۱۰۷ ، ۱۳۸۱ ش .

تدبیر اداره‌ی ممالک می‌شد. کلیسا فقط برای عبادت و نزدیکی به خدا علی زعمهم است، لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا و در زمان خلفایی کـه بـودند، مـرکز سـیاست اسـلام بـود. در زمـان رسـول خـدا، در زمـان حضرت امیرالمؤمنین و در زمان دیگران، در روز جمعه در خـطبه‌ی جـمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط بـه جـنگ‌ها و مـربوط بـه سـیاست مـدن مطرح می‌شد».

در طول انقلاب اسلامی، آغاز تظاهرات میلیونی مردم از مساجد و پایان آن نیز مساجد بود. روشنگری و هدایت آنان در مسیر مبارزه، در مساجد انجام می‌گرفت. جلسات سرّی و مخفیانه و طرح و برنامه‌ریزی گروه‌های مقاومت در مساجد برگزار می‌شد. خطابه‌های آتشین وعّاظ و خطبا در تحریک مردم برای فتح خاکریزهای حکومت شاه، پیوسته در مساجد استمرار داشت. وحدت امت اسلامی که عمده‌ترین عامل پیروزی انقلاب بود، در مساجد معنا و مفهوم می‌یافت. همه‌ی اختلافات و تفرقه‌ها با حضور در یک پایگاه مبارزاتی مشترک به نام مسجد، مبدل به وحدت کلمه و مشتی پولادین برضد مزدوران حکومتی می‌شد. مسجد بی‌آنکه نیازمند ثبت‌نام، حوزه‌بندی، اجبار، اکراه و این قبیل امور باشد که نوعاً در دسته‌های سیاسی و گروهی وجود دارد، به تجهیز میلیون‌ها مؤمن معتقد می‌پرداخت... .

مسجد در انقلاب اسلامی علاوه بر همه‌ی ویژگی‌ها، یک ویژگی منحصر به فرد داشت که همه‌ی نقش آفـرینی‌های خـود را مـدیون آن است، و آن داشـتن مـاهیت تشـیع است. مساجد شیعیان به لحاظ نداشتن وابستگی مادی و معنوی به حکومت‌ها، همواره توانسته است بدون هیچ گونه ملاحظه کاری و احتیاط پیشگی، با فساد قدرت‌های حاکم درافتد. با توجه به اینکه همه‌ی امور مساجد به دست مردم و با اعانات مسلمانان و وجوهات شرعیه‌ی آنان اداره می‌شود، خود آنان نیز حافظان اصلی آن هستند و فریادهای حق طلبانه خود را از این مراکز به گوش دیگران می‌رسانند. ائمه‌ی مساجد که در حوزه‌های علمیه‌ی شیعی تربیت شده و خود را به قدرت‌های فاسد نفروخته‌اند، عهده‌دار مسؤولیت مساجد می‌شوند. لذا هر حرکتی کـه از مساجد آغاز می‌شود، از یک سو رنگ دینی و الهی، و از سوی دیگر بعد مردمی و جماهیری

دارد. این دو، خود عامل بقای نهضت‌ها و حرکت‌هایند. آنگاه انحرافات آغاز می‌گردد که شکافی میان نهضت‌ها و پایگاه اصلی آنها ایجاد شود».[۱]

البته در پی پیروزی انقلاب، با راه یافتن نهادهای دینی به متن قدرت اجرایی، این ویژگی مساجد به چالش کشیده شده است. این چالش آنجا تشدید می‌گردد که همزمان از مساجد به عنوان پایگاه سازمانی حکومتی مانند بسیج استفاده می‌گردد و یا نقش‌های اجرایی چون تأیید صلاحیت افراد برعهده مسجد سپرده می‌شود.[۲] این گونه حرکت‌ها با نقش اصلی مساجد تعارض داشته و این نهاد را دچار تعارض کارکردی می‌نماید.

۶ ـ ۲) چالش‌های مساجد در دوران معاصر

چالش‌های امروزی مساجد بازتابی از چالش‌های جامعه‌ای توسعه نیافته شرقی در تنگنای انتخاب میان سنت و تجدد است. سنت غنی و اصیل و بدون پیرایه‌های زاید اسلامی بعد از آنکه دچار تطور و ارتجاع گردید، نه فقط از نوزایی باز ماند، بل در اوج انحطاط خویش، ضدیت با نوزایی و بازنگری و چنگ زدن به سلفیگری جزو خصیصه‌های آن قلمداد شد، در مقابل تجدد غربی خلع سلاح گردید. چالش بین سنت و تجدد در جامعه‌ی ایرانی، برخاسته از انتخاب میان داشتن نگرش آسمانی به جهان هستی و یا نگریستن به جهان هستی از نگاه زمینی و بریده از ماورا است. عقیم شدن سنت اسلامی در جامعه‌ی ایران از سویی، و یکه‌تازی تجدد و مدرنیسم غربی و پیشرفت‌های خیره‌کننده آن از سوی دیگر، چند صباحی است که جامعه‌ی ایران را بر سر دو راهی عظیمی قرار داده است. تا سفبارتر این که در این چند صباح، اغلب راه حل‌های افراطی و تفریطی برگزیده شده‌اند. گاه تمام تجربیات بشری به دست آمده در سایه‌ی تجدد و مدرنیسم انکار شده و عجیب‌تر آنکه، همان سنت اسلامی عقیم و تحریف شده به عنوان راهکار جایگزین معرفی می‌گردد. گاهی نیز عقبه تاریخی و فرهنگی جامعه که شدیداً متاثر از سنت دینی اسلامی است، به هیچ انگاشته شده و له‌له زنان

---

۱ . ماهنامه‌ی مسجد: شماره ۴۶ ، ص ۵۳ .

۲ . ماهنامه‌ی مسجد: شماره ۷۱ ، ص ۱۸ .

به سمت تجدد (یا بهتر بگوییم: پوسته‌ی بیرونی تجدد) گام برداشته شده است؛ بدون آنکه حتی ادبیات تجدد و مدرنیسم به درستی و همان‌گونه که منظور نظر نظریه پردازان غربی باشد، ترجمه گردد.[۱]

در حال حاضر وضع جامعه ایرانی، وضعی التقاطی است و رفتارهای سرزده از انسان ایرانی نه در قالب سنت می‌گنجد و نه در چارچوب تجدد امکان تعریف دارد. هنوز انسان ایرانی تکلیف خویش را با سنت و تجدد روشن نساخته است.

از آنجاکه اکنون این سنت دینی ضعیف به حکومت راه یافته و نهادهای متعلق به آن را قبضه کرده است، حاضر به نقد خویش نیست؛ چراکه از بحران مشروعیت و از دست رفتن قدرت ترس دارد و دچار محافظه‌کاری شده است؛ همان چیزی که روزی سنت شیعی ادعای مقابل آن را داشت. به دین سبب راهکارهای توجه به سنت عرضه شده از طرف حکومت، سطحی‌اند و حتی اندیشمندان مستقل مطرح در تفکر دینی و سنتی چون محمد حسین نصر، عبدالکریم سروش و دیگران هم مغضوب و رانده شده‌اند.

از سوی دیگر راهکارهای تجویزی ناشی از توجه صرف به تجدد، به علت عقبه‌ی فرهنگی تاریخی برآمده از سنت جامعه‌ی ایران، برای انسان ایرانی در خور هضم نیست و او را هم دچار عذاب وجدان می‌کند و هم قانعش نمی‌سازد؛ چراکه آنگاه باید در جمع جوامع مدرن دوباره از صفر مطلق شروع کند و جایگاهی در خور شأن برآمده از فرهنگ و تاریخ خود را نخواهد یافت.[۲] در این میان مساجد هم سرگردان گشته‌اند. از آنجاکه در جهان دهکده شده‌ی امروزی، استفاده از تجربیات فکری بشری حاصل از مدرنیسم اجتناب‌ناپذیر است، به ظاهر مساجد باید بسیاری از کارکردهای خویش را از دست بدهند و در نهایت امر، به چیزی شبیه کلیسا تنزل یابند. از سوی دیگر چسبیدن به مظاهر سنت تحریف شده توسط مساجد هم، گره از کار فروبسته آن باز نمی‌کند و این کار عملاً نوعی انتحار و خودزنی توسط مساجد است که این نهاد والا را هرچه بیشتر منزوی می‌کند.

---

۱ . روزنامه‌ی شرق، ویژه‌نامه ۱۳۸۳ش ، مصاحبه با سید جواد طباطبایی.

۲ . روزنامه‌ی شرق: ۱۳۸۳/۲/۶ ش .

در چنین اوضاعی است که مساجد، هم از سوی داعیه‌داران تجدد مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و محدود می‌گردند، و هم از سوی حاکمان مدعی ترویج سنت تحریف شده‌ی دینی مورد ظلم واقع می‌شوند.

۱ ـ ۶ ـ ۲) رویکردهای مساجد در جامعه‌ی مدرن به معنای غربی

در جامعه‌ای که مدرنیسم و رویکرد به آن شکل غربی غالب است مساجد دو روش را می‌توانند اتخاذ کنند:

الف) روش محافظه کارانه

«جهت فرایند نوسازی بدان سمت است که بخشی عمده از کارکردهای اجتماعی مسجد را به نهادهای عرفی تحویل کند و مسجد صرفاً کارکرد نیایشی داشته باشد».[۱] چرا که تجدد و مدرنیسم به همهٔ پدیده‌ها، حتی به پدیده دین و تقدس، نگاهی زمینی دارد. این نکته البته به معنای ضدیت با ماورا و انکار آن نیست، بل به معنای نگریستن به پدیده‌هایی از جمله ماورا با رویکرد زمینی و عینک مادی (عرفی‌سازی) است. «در چارچوب رهیافت محافظه کارانه تلاش می‌شود مسجد در عین کارکردهای نیایشی، بخشی از شکاف‌های کارکردی دیگر نهادها مثل تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، خانه‌های جوانان، نیروی انتظامی، قوه قضائیه یا در صورت جنگ، نهادهای دفاعی را پر کند. مسجد در این حال محلی برای تغییر وضع موجود نیست، بل به جامعه کمک می‌کند تا امور آن بهتر اداره یا از بحران‌های آن کاسته شود. در این چارچوب، وعظ و خطابه‌هایی که در مسجد عرضه می‌شود و نیز گروه‌هایی که در حول و حوش آن شکل می‌گیرند متوجه کاهش رنج انسان‌ها هستند».[۲]

«این امر البته از مخالفت بنیادی نوسازی و تجدد با دین ناشی نمی‌شود، بل اصولاً نوسازی در جهت ایجاد نهادهای تخصصی برای پاسخ دادن مداوم و بهینه به نیازهای مردم

---

۱ . باقی و دیگران: ۱۴۷ ، ۱۳۸۱ ش.
۲ . باقی و دیگران: ۲۴۷ ، ۱۳۸۱ ش .

است. بسیاری از کارکردهای اجتماعی مسجد در دنیای امروز به نهادهایی که جامعه چاره‌ای بجز ایجاد، تقویت و گسترش آنها ندارد، تحویل شده‌اند و از این جهت حتی اگر مساجد بخواهند نقش اجتماعی مستقیم داشته باشند اولاً ناچار به محدود کردن این نقش‌ها هستند. ثانیاً خود را فقط باید به صورت یکی از نهادهای عرضه‌کننده‌ی آن خدمات و کارکردها (و نه فقط عرضه‌کننده آنها) معرفی کنند و ثالثاً در محدوده‌ی همان کارکردها می‌باید به نحوی تخصصی به موضوعات (حتی وعظ و خطابه) بپردازند تا بتوانند در کنار رقبای جدی به رقابت بپردازند».[1] آنچه گفته آمد البته تحلیل وضع مساجد با رویه‌ی محافظه‌کارانه در هر جامعه مدرن است.

ب) روش لیبرال

«در چارچوب رهیافت آزادی‌خواهانه، از دین نیز تصویری آزادی خواهانه عرضه می‌شود. همچنین دین و دینداری در شرایطی آزاد معنا می‌شوند. انسان مؤمن در این شرایط انسانی است که مختارانه و آزادانه بدون هیچ‌گونه اکراه و فشار به نگرش‌های دینی باور دارد و رفتارهای دینی از خود بروز می‌دهد. قواعد بازی میان دینداران، همان قواعد بازی لیبرال است، به حداکثر رساندن آزادی فرد (= دیندار) و به حداقل رساندن اجبارهای اجتماعی (= از جمله جامعه‌ی دینی). براساس رهیافت لیبرال، مسجد مرکزی دینی است که افراد به‌نحو داوطلبانه و مختارانه به آن می‌پیوندند و نه خود هیچ اجبار و اکراهی را در چارچوب فعالیت‌های مسجد می‌پذیرند و نه اجبار و اکراهی را بر دیگران تحمیل می‌کنند. هر آنچه هست توافق‌ها و قراردادهایی است که جمع مؤمنان آنها را براساس قواعد بازی دمکراتیک میان خود وضع می‌کنند.

در رهیافت لیبرال، مسجد هم از حیث روال‌های درونی و هم از حیث تنظیم روابط خود با دیگر مراکز و مؤسسات قواعد بازی آزادی‌خواهی را رعایت می‌کند و در هیچ یک از رفتارهای خود از اصل آزادی، مختارانه و داوطلبانه بودن حضور افراد در انواع فعالیت‌ها

---

۱ . باقی و دیگران: ۲۴۸ ، ۱۳۸۱ ش .

(چه نیایشی و چه اجتماعی) عدول نمی‌کند. همچنین در فعالیت‌هایی که مستلزم اکراه و اجبار افراد باشد به هیچ وجه مشارکت نمی‌نماید. لیبرال بودن در اینجا به روش عمل مساجد اطلاق می‌شود و نه به محتوای آموزش‌هایی که در آنها عرضه می‌شود. طبیعی است که مساجد عرضه کننده‌ی آموزش‌های دینی و محل ذکر و عبادت باشند و به انواع نیازهای مؤمنان توجه کنند، اما همین امور از طریق روش‌های گوناگون تحقق پذیرند. به عنوان مثال هر واعظ می‌تواند به نحوی صلح‌آمیز به عرضه‌ی باورها و اعتقادات دینی اقدام کند و کار خود را به قلمرو داوطلبان و افرادی که ارادتاً حضور در مسجد پیدا کرده‌اند محدود کند. اما در مقابل، واعظ دیگری ممکن است برای دعوت افراد به ایمان و امر به معروف یا نهی از منکر به خشونت و اعمال قهرآمیز نیز متوسل شود.

تناقض نمای دعوت دینی در همین جاست که ظهور می‌کند. دعوت دینی اگر بخواهد تا عمق جان افراد نفوذ کند، طبیعتاً نمی‌تواند همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. اما دعوی تنها حقیقت ممکن بودن و تلاش برای اعمال تأثیر قهری هر سبک و روشی را مجاز می‌داند و با اصالت دادن به ادای تکلیف قائل به نتیجه نیست. مساجد به عنوان کانون دعوت اسلامی از یک سو نمی‌توانند قلت مخاطبان را بپذیرند و از سوی دیگر نمی‌توانند به مؤمنان ظاهرگرایی که صرفاً براساس نظام پاداش‌ها و تنبیهات به آنها رو می‌کنند، قناعت کنند. از آنجا که مسجد می‌خواهد تجلی بیرونی و محل ظهور انواع تجلیات ایمان باشد طبعاً کار دشواری بر عهده گرفته است، چرا که ایمان پدیده‌ای درونی و دل بسته است که عینیت یافتن آن هم می‌تواند تهی کننده آن از معنا باشد و هم می‌تواند بستر رشد و معنا یافتن آن قرار گیرد».[1]

شاید این نوع از مساجد همان چیزی باشد که اکنون در مد آرمانی جامعه مدنی غربی از آن تعبیر به سازمان داوطلبانه‌ی غیردولتی از نوع مذهبی می‌گردد. مساجد این‌گونه را هم‌اکنون فقط می‌توانیم در جوامع غربی که مسلمانان در اقلیت هستند بیابیم. اصول و قواعد دموکراتیک در بین این مسلمانان به علت زندگی در غرب نهادینه شده است و از سویی بسترهای لازم برای حفظ هویت دینی آنان فراهم است، تا در قالب تشکل‌های خصوصی و غیردولتی

---

۱ . باقی و دیگران: ۲۴۸ ، ۱۳۸۱ ش .

ـ تا آنجاکه مخل آزادی‌های دیگران نباشند ـ و همچنین مشروعیت نظام‌های حکومتی را به چالش نکشند به فعالیت‌های مورد علاقه خود بپردازند.

اما چنین مساجدی به علت بومی نبودن مدل مدرنیسم و جامعه‌ی مدنی به معنای غربی آن در جوامعی چون ایران قابل احداث نیست. به‌این لحاظ تحلیل نقش مساجد و پایگاه‌های دینی در جوامعی چون ایران که دارای جمعیتی قریب به اتفاق مسلمان است و دین بر مصدر حکومت قرار دارد، با توجه به ویژگی‌های خاص دین اسلام (از ادعای جامعیت آن) احتیاج به مدل نظری دیگری دارد.

۲ ـ ۶ ـ ۲) کارکردهای مساجد در جوامعی چون ایران

برای تحلیل نقش مسجد در هر جامعه با اکثریت مسلمان که هنوز به توسعه به معنای غربی آن دست نیافته است، باید به نوع هویت دینی آن جامعه توجه نمود؛ چراکه مسجد در وهله‌ی اول پایگاه دینی جامعه‌ی مسلمان محسوب می‌گردد. محمد قوچانی (۱۳۷۹)، جامعه‌شناس ایرانی، سه نوع هویت دینی را در یک جامعه دینی شناسایی کرده است:

الف) هویت دینی اعتقادی

«اگر از هویت دینی اعتقادی انتظار اعتقاد به معنای حقیقی و راستین آن را داشته باشیم باید بگوییم که هویت اعتقادی، جز در هنگامه‌های تولد ادیان، به وجود نمی‌آید؛ چراکه در هنگامه‌های مذکور (صدر ادیان)، اولا سطح اعتقاد به سطح دانش بوده است و در نتیجه اعتقاد دین در مصافی برابر، بر اعتقادات ضددینی و غیردینی پیروز شده است؛ ثانیا در این پیروزی هیچ کاتالیزور و تسریع‌گر خارج از مداری وجود نداشته است. نه آیین و عرف، جبرکننده‌ی پنهان دین‌ورزی اجتماعی بوده است، و نه دولت و قدرت، اجبارگر رسمی و آشکار تکوین هویت دینی مذکور؛ بل موانع عمده‌ای بر سر راه ایجاد هویت مزبور ایجاد شده است... .

اما پس از تولد یک اعتقاد (از جمله اعتقادات دینی) به تدریج دفاع از آن اعتقاد نه یک کار انقلابی که کاری ارتجاعی می‌شود. در شرایطی که یک اعتقاد در نتیجه‌ی

یک انقلاب (سیاسی یا فکری) متولد می‌شود، چگونه می‌توان از تبدیل آن به ارتجاع سخن گفت؟ مقصود ما از ارتجاع در اینجا نسبتی است که آن اعتقاد با رقیبان خود می‌یابد. او در مصاف با رقیبان خود چنان می‌کند که رقیبان دیروز با او می‌کردند وحتی در شرایط بحرانی با رقیبان درونی خود بدتر از رقیبان بیرون خود عمل می‌کند، به این معنا که باز تولیدکنندگان اعتقادات دینی را از خود می‌راند، چرا که به تدریج در سطوح عالی اعتقاد مذکور، طبقه‌ای از نخبگان حوزه قدرت یا معرفت شکل می‌گیرند که باز تولید اعتقاد دینی را در حکم کفر یا طغیان می‌شمارند و در نتیجه یک «ایدئولوژی» به ضد «ایدئولوژی» تبدیل می‌شود و از حرکت باز می‌ایستد دو دیگران را هم از حرکت انذار می‌دهد و تحذیر می‌کند. در چنین شرایطی حفظ هویت دینی موجود جامعه شرط بقای حاکمیت دینی موجود است و این دو نسبتی مستقیم با هم دارند. از آن پس، برخلاف شرایط تاسیس ایدئولوژی، ترویج ایدئولوژی دارای کاتالیزور حکومتی می‌شود و اعتقاد نه حول دانش که حول قدرت شکل می‌گیرد. در نتیجه، وجود آن اعتقاد و هویت اعتقادی نیز هم بسته وجود دولت و قدرت دینی است، چنانکه گمان می‌رود با زایل شدن دولت دینی هویت این جامعه نیز از دست رود.

از سوی دیگر، این هم بستگی دین و دولت دینی سبب می‌شود که هر نوع ناخشنودی و زدگی از دولت دینی به دین دولتی نیز تسری یابد و چون یکی در معرض برافتادن قرار گیرد، دیگری نیز چنین می‌گردد».[1]

چنین رویکردی به دین و به تبع آن به پایگاه دین در جامعه (= مسجد) را به‌طور واضح در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد بودیم. مسجد در نقش شوراهای محلی ظهور پیداکرد و حتی فراتر از آن بسیاری از سازمان‌های دولتی در فضای مسجد سعی در عرضهٔ خدمات به جامعه نمودند. تشدید چنین اوضاعی را در دوران جنگ هشت ساله می‌توان مشاهده نمود.

اما با پیچیده‌تر شدن انتظارات از دولت و حکومت و بروز ضرورت‌های توسعه‌ای بخصوص در سال‌های پس از جنگ، و تغییر فضا و دید جامعه به حکومت، این نقش مسجد

---

۱ . قوچانی: ۱۸۰ ، ۱۳۷۹ ش .

کم رنگ‌تر شد و مساجد در سلسله‌ی مراتب سازمان‌های حکومتی تنزل پیدا نمود و نقش‌های کنار به آن محول گردید.

به طورکلی نمودهای عینی تأثیر هویت دینی اعتقادی در نهاد دینی مسجد را در اشکال زیر می‌توان یافت مساجد کانون استقرار پایگاه‌های سازمانی حکومتی به نام «بسیج» می‌گردند یا در بسیاری مواقع حقوق شهروندی برای افرادی به رسمیت شناخته می‌شود که مساجد «صلاحیت» آنان را تأیید کنند، بودجه‌های دولتی برای مساجد در نظر گرفته می‌شود، انواع سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی دخیل در برنامه‌ریزی مساجد و نظارت بر آن می‌گردند و جز آن.

ب) هویت دینی آیینی

«اگر جامعه‌ای در رویکرد خود به سوی دین، آنچه را می‌خواهد در «آیین» بجوید، «هویت دینی» آن جامعه و «هویت دینی آیینی» نام دارد و مهم‌ترین صفت مشخصه‌ی جامعه‌ی مذکور عام بودن به آیین‌های دینی برشمرده خواهد شد. این رویکرد و لزوماً رویکرد خود آگاهی نیست و معمولا در مقایسه با رویکردهای اعتقادی به دین متاخر است؛ چراکه پس از اعتقاد آوردن اعضای جامعه به دین، به تدریج دینی بودن ویژگی بدیهی آن جامعه تلقی می‌شود و در نتیجه امکان خروج آن جامعه از دین خود به خود محال می‌گردد؛ در این امکان محال، بیش از همه عرف نقش دارد. عرف با هضم دین به عنوان درون مایه‌ی خود، جرأت و جسارت عرف‌شکنی و سنت‌شکنی را از جامعه سلب می‌کند و نقطه‌ی آغاز آفرینش، نقطه‌ی خلق هویت کنونی بوده و قبلاً موجود نبوده است. در این جامعه همه مادرزاد دیندارند و هیچ‌کس پرسشی از چرایی و حتی چگونگی دینداری خود نمی‌کند، اما همه دینداری اینان در عمل به آداب دینی جلوه‌گر می‌شود و جد و جهدی در فهم دین به عمل نمی‌آید. هویت دینی آیینی مهم‌ترین پایگاه اجتماعی خویش را در میان «توده»ها می‌یابد و توده‌ها نیز مهم‌ترین عامل تداوم این هیئت در طول تاریخ به شمار می‌روند. نسبت هویتی دینی آیینی، با هویت دینیِ آرمانی، نسبتی دوگانه است: از سویی آنان دین را درکمال سادگی در می‌یابند، از این رو با ماهیت توده‌ای دین ارتباطی

آشنا دارند، از سوی دیگر با افزودن خلقیات خویش بر دین آن را عوض می‌کنند و پیچیده و ناخالص می‌کنند. زنگار زمان بر دین آیینی بیش از هر نوع دیگر دین پیرایه می‌بندد. دین آیینی به آسانی در معرض برافتادن است، چراکه این نوع دین معمولاً از آن پیران سر به زیر است و چون مستند به دلیل و یقین نیست به سهولت مقهور رقیبان می‌شود».[۱]

نمودهای عینی چنین وضعی در جامعه‌ی التقاطی چون ایران، رقابت رادیو تلویزیون در برنامه‌های وعظ و خطابه و مداحی با مساجد است. اکنون شاهدیم که تلویزیون با عرضه‌ی مطلوب‌تر این محصولات به «توده»، مساجد را خالی نموده‌اند. در این زمینه روحانیت و متولیان مساجد هم باکم‌کاری و اغفال از تغییرات محیطی و حتی مشغول شدن به امورات حکومتی و اجرایی، قصوری نه چندان در خور اغماض داشته‌اند و با این اهمال خویش به بدعتی بسیار بزرگ رضا دادند و آن تنزل معنای دین و دین داری در جامعه به ادای صِرف مناسک و آیین‌های عبادی چون عزاداری و مداحی و غیره است که البته این شکل از ادای مناسک حتی با اصل و فلسفه مناسبت‌های اجرای این آیین‌ها در تضاد و تناقض است. به عبارت دیگر در وضع کنونی جامعه، شواهد بسیار جدی وجود دارد که هویت دینی جامعه نه فقط از هویت ایمانی تنزل یافته بل حتی پایین‌تر از هویت اعتقادی، به هویت آیینی اکتفا شده است.

در آسیب‌شناسی این نوع دینداری کافی است هر فردی با اندک وجدان بیدار و عقل سلیم (حتی غیر مسلمان) از خود بپرسد آیا امام حسین علیه‌السلام بدین علت حماسه عظیم عاشورا را خلق کرد که اکنون فقط در دهه‌ی عاشورا برای یادبودش این‌گونه مراسم برپا دارند و حتی لحظه‌ای هم از اهداف و نیات امام حسین از اقدام به چنان قیامی سخنی به میان نیاید؟ به راستی اکنون عملاً امام حسین در جامعه‌ی اسلامی نقشی چون مسیح را یافته است که کشته شد تاگناهان عزادارانش را به دوش بکشد و آنان را از عذاب برهاند!! در این مورد، دردناکتر آن است که نقش مساجد را در ترویج فرهنگ اصیل عاشورا در قبل از انقلاب و دوران دفاع مقدس به یاد بیاوریم و آن وضع را با انحطاط کنونی مقایسه کنیم.

---

۱ . قوچانی: ۱۸۲ ، ۱۳۷۹ ش .

استاد مرتضی مطهری با دید بسیار تیزبین و نقاد خویش در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «نگاهی به وضع مسجد نشان می‌دهد که بعد از انقلاب، اغلب مساجد خلوت شده است. علت اولیهٔ این امر این است که تا قبل از پیروزی انقلاب، مساجد به بهترین نحو، نقش انقلابی خود را انجام می‌دادند و در آنها همان مسائلی مطرح شد که مردم خواستار بودند. اما بعد از پیروزی، مساجد خود را با این تغییر هماهنگ نکردند. اکنون ضرورت احیای مسجد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. البته لازم است در کنار مساجد، رادیو و تلویزیون هم برنامه‌های مذهبی داشته باشند. احزاب اسلامی و کانون‌های تعلیمات سیاسی و مذهبی هم باید تشکیل شود. مردم از طریق این کانون‌ها می‌باید تعلیمات و آموزش‌های سیاسی ببینند؛ اما اگر همهٔ این نهادها جای مسجد را بگیرند، آن وقت فاجعه پدید می‌آید. راه جلوگیری از این فاجعه تعطیلی این نهادها نیست. بل مساجد هستند که باید در وضع خود تجدید نظر کنند». (مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم) عجیب‌تر این است که این‌گونه رفتارهای متباین با سنت اصیل اسلامی از سوی نهادها و ارگان‌های داعیه‌دار دفاع از سنت و ارزش‌ها ترویج می‌گردد و یا حداقل به دیده‌ی اغماض نگریسته می‌شود؛ در حالی که همین نهادها و جمعیت‌ها در مقابل جرقه‌های فکری و اندیشه‌ای نقاد، با قدرت تمام مقابله می‌کنند و این حرکت‌های فکری را بر نمی‌تابند و با اعمال قدرت سرکوبگرانه (و نه مقابله به مثل از راه خردورزی و دفاع عقلانی) با این تلاش‌ها برخورد می‌نمایند.

ج) هویت دینی ایمانی

«هویت دینی ایمانی اما بیش از هر چیز با «فردیت» انسان‌ها تناسب دارد و محصور در زمان و مکان خاصی نیست. این نوع هویت در هر زمان امکان بروز می‌یابد و در عین حال کمترین اثر را از زمان می‌یابد، چراکه عوامل مقوم خود را از خارج دین نمی‌جوید. دانش، قدرت، عرف و آیین، هیچ یک یگانه عامل موجده‌ی هویت دینی ایمانی نیست. هر چند ایمان با هر یک از آنها نسبت‌هایی دارد، اما بسته و بنده آنها نیست. دخول دینداران و دین باوران به حوزه‌ی ایمان

از مصدر جامعه (مانند دین آیینی) یا دولت (مانند دین اعتقادی، در مرحله ثانویه) نیست، بل هر فرد منفردا وارد عرصه‌ی دین می‌شود و پرسشگرانه از کفر می‌آغازد و احیانا به ایمان می‌رسد و از این لحاظ تا حدودی شبیه هویت دینی اعتقادی در مرحله‌ی اولیه (تأسیس اعتقاد) است. اما برخلاف هویت دینی اعتقادی، توافق دینداران در هویت دینی ایمانی با دین، توافقی اجمالی است نه تفصیلی. این توافق، توافق بر سر مبدأ و معاد است و نه الزاما بر سر مسیر و طریق، چنانکه هویت اعتقادی ترسیم می‌کند.

هویت دینی ایمانی چون به میل ـ و نه اکراه ـ زاده می‌شود و چون از فرد به جامعه حرکت می‌کند، نه از جامعه یا دولت به فرد، سیری صددرصد طبیعی دارد. در جامعه‌ای که چنین هویتی زاده شود هیچ نیازی به ممیزی دولت بر عوامل ضد مذهب نیست. متضادترین رسانه‌ها با دین در ظل جامعه دینی ایمانی و در ظلّ حکمت دینی ایمانی اجازه‌ی حیات دارند و حتی به ادامه‌ی حیات تشویق می‌شوند، چراکه بر فربهی و فرهمندی دین می‌افزایند؛ آن را به باز تولید وا می‌دارند و نوآمد و نوروزگار می‌سازند. بنابراین، به طور طبیعی، «ایدئولوژی دینی» نیز از تبدیل به صور ارتجاعی ایدئولوژی (= هویت دینی اعتقادی) در امان خواهد ماند، چراکه در تمام دوران حاکمیت خود از رقابتی برابر حمایت می‌کند؛ و از بر باد رفتن ایمان مردم و قدرت خود در هراس نیست؛ چون می‌پندارد که اگر ایمانی برباد رفتنی است دیر یا زود برباد خواهد رفت و اگر ایمان سست بنیاد مذکور چنان گذرا باشد، قدرت مسبوق بدان نیز دو چندان گذرا خواهد بود. چنین هویتی در حقیقت برخاسته از معرفتی است که فهم را با نسبیت محک می‌زند و معتقد است که نمی‌توان هیچ عقیده‌ی باطلی را ازگزند حق در امان داشت. بنابراین شاید بتوان گفت هویت دینی ایمانی دیرپاترین و پویاترین نوع هویت دینی است».[1]

ضرورت چنین رویکردی به مساجد و درکل مسئله دین و دیانت در جامعه‌ی امروزی، بیش از هر چیزی در ماهیت «جهان امروز» نهفته است. عصر امروز مشخصه‌های بارزی چون عصر پایان ایدئولوژی‌ها، چالش‌های معرفت شناختی، گسترش ارتباطات (که دنیا را به دهکده‌ای تبدیل کرده است) و رقابت برابر و نابرابر فرهنگ‌ها در سطح جهانی، دارد.

---

۱ . قوچانی: ۱۸۳ ، ۱۳۷۹ ش .

بشر امروز هم‌اکنون وسعت دیدی به پهنای همهٔ دنیا و تاریخ یافته است و به مدد ارتباطات جهانی، گزینه‌های بسیار متنوعی را نه فقط در اقتصاد که در پی آن در همهٔ ابعاد دیگر زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره امروزی یافته است به گونه‌ای که گاهی آدمی دچار سر درگمی در انتخاب مقصود خویش می‌گردد... هر متاعی برای عرضه، و هیچ قدرتی برای تحمیل ندارد، بل باید با رقابت با دیگر عرضه کنندگان، انسان آزاد امروزی را قانع کند. در این فضا حتی «توسعه» (= چالش بنیادین جوامعی چون ایران) نیز «به مثابه آزادی» معنا می‌گردد و راه توسعه از مسیر آزادی می‌گذرد. به عبارتی دیگر «توسعه عصاره امکان‌های آزادی است».[۱]

پویایی نهفته در چنین رویکردی به دین و توسعه می‌تواند برای هر جامعه توسعه نیافته، چون ایران، مدلی بومی از توسعه را به ارمغان آورد. بنابراین ما نیز مدل مطلوب کارکرد (رسالت) مساجد را نیز با توجه به این رویکرد دینی مطرح خواهیم کرد.

(نگاره ۱ ـ جامعه، هویت دینی و پیامدهای آن).

۷ ـ ۲) نتیجه

مهم‌ترین چالش پیش روی مساجد در دوران معاصر، ناکارآمد شدن نقش آن در جامعه‌ی سرگردان میان سنت و تجدد است. کسادی و از رونق افتادگی کنونی شایع در مساجد از آن روست که در دو دهه‌ی اخیر تغییرات محیطی چشم‌گیری در جامعه رخ داده است: تمایل به بهره‌گیری از دستاوردهای تجدد (که گریزی از آنها هم نیست) در جامعه‌ی سنتی باعث گردیده تا مظاهر اجتماعی مدرن به جامعه راه یابد، حال آنکه مشابه چنین مظاهری در پرتو سنت اصیل اسلامی موجود بوده است. در این صورت به علت پیاده شدن الگوهای اجتماعی متجدد، کارکردهای اجتماعی نهادهای سنتی به نهادهای مدرن تحویل شد، بدون آنکه برای ظرفیت خالی شده نهادهای سنتی تدبیری اندیشیده شود. در عین حال مساجد و متولیان مساجد که برابر این رخدادهای شگرف محیطی، بی توجه بوده و سرگرم وظایف سنتی خویش بودند و هنگامی

---

۱ . سن: ۳۳۱ ، ۱۳۸۱ ش .

که نبود اقبال عموم را حس کردند به جای جست‌وجوی علت اصلی، معلول‌ها را دیدند و سعی در مبارزه با معلول‌ها نمودند. حتی در این راه، دچار خطای ادراکی شده و گاهی دین‌گریزی! را در جامعه علت نبود اقبال به مساجد برشمردند در حالی که تحقیقات علمی نشان دهنده مطالب دیگری است و آن اینکه میزان دین‌داری در جامعه بسیار بالا است، اما تجلی و نوع دینداری در مقایسه با گذشته تفاوت یافته است و جامعه به ویژه نسل جوان در پی الگوهای ایمانی هویت دینی برای خویش هستند، اما متأسفانه مساجد به‌عنوان مراکز دینی از پاسخ‌گویی به چنین نیازی عاجزند.

مؤید این ادعا گزارش آماری وزیر فرهنگ و ارشاد در اجلاس سراسری نماز در اصفهان است که نکات برجسته آن در ذیل مطرح می‌شود:

«در حوزه‌ی باورها و اعتقادات (پای‌بندی‌هایی مثل توحید و آخرت، ایمان به غیب و تجربه‌ی دینی) ۹۴ درصد مردم به صراحت بر اعتقادات دینی خود تأکید کرده‌اند و شش درصد بقیه نیز به طور مطلق این باورها را انکار نکرده‌اند.

در باب شکل مناسکی (=رفتاری) دینداری و ظهور و بروز باورها، نسبت مستقیمی بین نوع فعالیت مذهبی و سطح سواد به چشم می‌خورد. برای نمونه، هرچه سطح سواد در افراد افزایش پیدا می‌کند خواندن قرآن بیشتر می‌شود، در حالی که این نسبت در رفتن به جلسه‌ی قرآن روند نزولی می‌یابد. این امر می‌تواند ناشی از گسترش فردیت در وضع کنونی جامعه و عالم باشد و یا از این امر ناشی شود که جلسات دینی و مذهبی ما متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی متحول نشده‌اند و یا آموزش قرآن با شیوه‌هایی جدید نیازی به رفتن به جلسه‌ی قرآن برای آموختن ندارد. شاید یکی از علت‌هایش این است که ما متناسب با شرایط جدید اجتماعی امکانات، نهادها و تشکل‌های جدیدی را طراحی نکرده و یا برای شکل‌گیری آن سیاست‌های مشخصی طراحی نکرده‌ایم و غیره فرد با سواد بیشتر در جلسات سخنرانی شرکت می‌کند، در حالی که سایر افراد بیشتر به مجالس عزاداری (بدون سخنرانی) می‌روند. تحصیل‌کردگان در برنامه‌های مذهبی در محل کار بیشتر حضور پیدا می‌کنند. در حالی که افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر بیشتر در نماز جماعت مساجد شرکت می‌کنند. البته این قاعده کلی نیست و برخی مساجد با توجه به موقعت مکانی و یا شأنیت علمی امام جماعت، پایگاه تحصیل کرده‌هاست».

بنابراین می‌توان فرآیند بروز چالش‌های کنونی در مساجد را در مدل زیر خلاصه نمود:

نمودار ۱) فرآیند بروز چالش‌های کنونی مساجد.

بسیاری از ضعف‌هایی که در تحقیقات میدانی به آنها اشاره شده است، همگی شاید معلول‌های چنین علل و شرایطی باشند. «ایراد به نحوه‌ی عملکرد هیئت‌های امنا و چگونگی نگرش‌ها و دیدگاه‌های اعضا به مسائل روز جامعه، ارجحیت یافتن تعهد بر تخصص به میزانی که کارایی اعضای مسجد را مورد سؤال قرار داده است و نمی‌تواند معیارهای قابل قبولی برای هدف مهم عبادتگاه‌های مسلمانان، یعنی جذب و تربیت نسل جدید باشد، خطیبان ناآگاه به مسائل روز که به جای طرح پرسش‌ها و نیازهای جوانان و دادن پاسخ های منطقی به آنها، این پرسش‌ها را بر نمی‌تابند، پرداختن به مراسم سنتی عزاداری و روضه‌خوانی به شکل و شمایل دو یا سه دهه پیش (فارغ از محتوای آن) کیفیت و کمیت بسیار نامطلوب کتابخانه‌های اکثر مساجد (در مقایسه با کتابخانه‌های دیگر در جامعه) برنامه‌هایی که فقط برای پیران قابل استفاده است (و نه جوانان امروز در عصر اطلاعات) و در نهایت برخورد نامناسب و ناشی از ساختار سلسله مراتبی نظامی ارگان بسیج با بسیاری از مخاطبان» همگی به این سبب است که «ساختار فکری، اداری، اجرایی و محیطی مساجد در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که هم پای تحولات سریع و پرشتاب جامعه رشد نکرده و تا حد زیادی، سنتی باقی مانده است. متأسفانه تفکر رایج در مساجد این بوده که جوانی که شایستگی آمدن به مسجد و شرکت در نماز جماعت و گوش سپردن به مجالس وعظ و تذکر را ندارد، بهتر آن است که نیاید و به هر جا که می‌خواهد برود؛ مسجد باید از وجود جوانان بد فکر و بد کردار پاک باشد. این طرز فکر، اردوی مقابل مساجد را تقویت کرده و مساجد را دچار ضعف بیشتری نموده است. در نتیجه مساجد که روزگاری مرکز بحث و درس و تعلیم و عبادت. مذاکره و مباحثه‌ی علمی و دینی و اجتماعی بوده، اکنون به عبادتگاه‌های فصلی تبدیل شده است. جاهایی که فقط چند روز محدود در سال شلوغ است و بعضی از آنها توفیق آن را دارند که در بیشتر روزهای سال، نماز مغرب و عشا را با جماعتی چند نفره یا چند ده تن برگزار کنند».[۱]

---

۱ . زائر، مرداد ۱۳۷۹ ش ، شماره ۷۰، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب.

در همین معدود روزهای پر ازدحام مساجد نیز شاهدیم که چهره‌ی خشک و عبوسی از دین توسط متولیان معرفی دین به جامعه عرضه می‌گردد. اکثر مراسم مساجد به مجالس ترحیم و عزا محدود می‌گردند. گویا فراموش کرده‌ایم که «مسجد متعلق به زنده‌های درمانده از مادیات هم هست».

از بُعدی دیگر، وضع موجود مساجد را با توجه به انواع هویت‌های دینی نیز می‌توان تحلیل نمود. با این رویکرد، باید اذعان نمود که هویت دینی در جامعه‌ی کنونی، از نوع هویت دینی اعتقادی و هویت دینی رفتاری است و تاکنون هویت دین مبتنی بر ایمان در جامعه شکل نگرفته است. مدل زیر، جایگاه مساجد را در جامعه با توجه به این دو نوع هویت دینی نمایش می‌دهد.

نمودار ۲) جایگاه مساجد با توجه به هویت های دینی.

مساجدکنونی در جامعه طبق مدل به علت محدود نبودن عملکردشان در هر یک از ابعاد سطح اعتقاد دینی و سطح رفتار دینی، اغلب در حیطه‌ی دایره‌ی مشخص شده قرار می‌گیرند و به ندرت ممکن است مساجدی در نقاط حدی مدل وجود داشته باشد. علت این امر نیز به میزان آگاهی نهفته در افکار عمومی جامعه بر اثر تکرار مداوم مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» ارتباط دارد. افکار عمومی جامعه در برابر متغیر مداخله‌گر در مدل «فرآنید بروز چالش‌ها» حساس شده و در پی راهکاری برای خروج از این فرآیند است. این وضع می‌تواند علامت وجود آمادگی برای تغییر در جامعه در مسائل مربوط به حوزه‌ی دین و مراکز دینی باشد که باید به عنوان فرصتی برای تغییرات مطلوب توسط نخبگان و برنامه‌ریزان جامعه درک و از آن‌کمال استفاده شود.

۸ ـ ۲) مدل کارکرد مطلوب مسجد به عنوان یک NGO

با توجه به ادبیات پیش گفته، مدل مطلوب مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیرانتفاعی و غیردولتی از نظر محقق، بر مبنای مدل مدیریت استراتژیک شایان طراحی است.

نمودار ۳) مدل مدیریت راهبردی (استراتژیک) مساجد

بر مبنای این مدل، مسجد به عنوان یک NGO در هر منطقه جغرافیایی (مسکونی، تجاری، فرهنگی و غیره) طبق نیازسنجی و امکان سنجی از اجتماع دین‌داران و به‌صورت داوطلبانه به وجود می‌آید. چشم‌انداز مساجد در وضع مطلوب، فعالیت در هر جامعه دارای هویت دینی مبتنی بر ایمان است. چنین مسجدی دارای کارکرد (Function به معنای علوم اجتماعی) یا همان رسالت (Mission به معنای علم مدیریت) «کمک به تعالی انسان‌ها»ست. مطابق با نظریه‌ی سلسله مراتب نیازهای مازلو، «رسالت» مسجد کمک به برآورده شدن نیازهای طبقه‌ی «خودشکوفایی» است. این «نیاز خودشکوفایی» در دو بعد قابل بسط است:

الف) در بُعد اعمال نیایشی

در بُعد نیایشی که یکی از جنبه‌های بسیار مهم نیاز خودشکوفایی است، مساجد می‌باید به «شکل‌گیری هویت دینی مبتنی بر ایمان در جامعه» کمک کنند. مساجد به عنوان سازمانی داوطلبانه با ایجاد یک بستر مشارکتی و فراهم کردن آزادی لازم برای طرح هر نوع پرسش دربارهٔ چالش‌های امروزین دین، سعی در حل چالش‌های دین‌داری در دنیای معاصر می‌نماید. این چالش‌ها برای مساجد به عنوان یک NGO ماهیتی دوگانه دارند. از طرفی «تهدید» محسوب می‌گردند، اما از بُعدی دیگر به سبب آنکه زمینه را برای ایجاد هویت دینی مبتنی بر ایمان فراهم می‌کنند، باید «فرصت» تلقی شوند. از طرفی «تهدید» اصلی برای مساجد، تبلیغ و گسترش هویت دینی آیینی از سوی بعضی منابع و تریبون‌هاست که دین را از ماهیت غنی خویش تهی می‌سازد و آن را مختص بعضی ایام و مناسبت‌ها می‌گرداند.

مهم‌ترین نقطه‌ی قوت مسجد، همانا دارا بودن ماهیت به عنوان یگانه پایگاه دینی اسلام در جامعه است که افراد جامعه از مسجد به عنوان چنین پایگاهی انتظار دارند تا هویت دینی‌شان را شکل دهد. باید توجه نمود که انزوای کنونی مساجد نه به علت قدرت رقبایی چون تلویزیون و دیگر رسانه‌های عمومی است، بل نشانگر فقدان استفاده‌ی بهینه مساجد از چنین نقطه قوتی

است. ایجاد بستر مناسب برای پاسخ‌گویی به چالش‌های طرح شده در برابر دین و دین‌داری، با انواع ابزارها و روش ها، از جمله «مدیریت مشارکتی و سیستم پیشنهادها» و همچنین رعایت اصول «مشتری مداری» نقاط «قوت» مسجد به عنوان NGO را تقویت خواهند نمود.

در اوضاع کنونی، ناآگاهی ائمه جماعات از مسائل مبتلا به روز اجتماع در حیطه‌ی دین، و یا بدتر از آن طرد و انکار طرح کنندگان سؤالات و چالش‌ها در باره‌ی دین و دین‌داری، عمل کردن صرف به وظایف سنتی و ناکارکرد شده از نظر اجتماعی در این بُعد، نقاط عمده‌ی «ضعف» مسجد را تشکل می‌دهند، چراکه با چنین عملکردی، نهایتاً مساجد تبدیل به پایگاه‌های ترویج هویت دینی اعتقادی و یا آیینی خواهند شد که ادامه‌ی کار مساجد با حفظ چنین موقعیتی نه فقط آن را به موقعیت درخور شأنش باز نمی‌گرداند، بل با توجه به تغییرات محیطی گسترده در سطح جهانی (آن طور که ذکر آن رفت) این کار هم چون سر به زیر برف بردن است.

ب) در بُعد فعالیت های غیر نیایشی

در بُعد فعالیت‌های غیر نیایشی، باز هم مبتنی بر یک بستر مشارکتی و آزادی‌گرایانه، اعضای داوطلبانه مسجد به عنوان یک NGO در قالب مدل مدیریت استراتژیک، به هر نوع فعالیتی که به «تعالی» اعضای سازمان کمک کند، دست می‌زنند. سازمان با شناسایی استراتژیک قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای خودشکوفای خود، زمینه را برای ارضای این نیازها از طریق فعالیت‌های دواطلبانه فراهم می‌سازد به طوری که این فعالیت‌ها در تحقق رفع نیازهای استراتژیک اعضای دیگر سازمان که در طبقات پایین‌تر سلسله مراتب مازلو قرار دارند، باشد، تا به صورت تدریجی با برطرف شدن این نیازها در آنان، «نیازهای خودشکوفایی» در این دسته از اعضا نیز به مرحله بروز برسند.

در این زمینه برخی از «نقاط قوت» مساجد را می‌توان به‌گونه‌ی زیر بیان کرد:

- پایگاه دینی بودن مسجد؛
- «عبادت» شمرده شدن این نوع فعالیت‌ها در قالب مسجد از طرف دین؛
- وجود آمادگی در اغلب افرد جامعه برای اجرای خدمات داوطلبانه در مسجد.

برای دستیابی به اهداف «سازمان مسجد» در این بُعد، مسجد و دست‌اندکاران آن باید سعی کنند این «نقاط ضعف» ذیل را اصلاح کنند:

ـ فقدان جامع نگری در فعالیت‌های جانبی مسجد؛

ـ ناآگاهی دست‌اندکاران مسجد به اصول مدیریت و رهبری؛

ـ ناآگاهی دست‌اندرکاران مسجد به تغییرات محیطی؛

ـ مشارکت ندادن اعضا در نیاز سنجی، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزش‌یابی و غیره؛

ـ عدم رعایت اصول مشتری مداری؛

ـ فقدان ارتباط شبکه‌ای میان مساجد و در بعضی موارد رقابت میان مساجد.

هم‌چنین کارایی نداشتن و اثر بخشی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای موجود در جامعه نیز ممکن است به عنوان «فرصتی» برای مسجد تلقی گردد تا با استفاده از نقاط قوت خود، در پی تکمیل خلأهای موجود، اعضای خود را به سمت «تعالی انسانی» سوق دهد.

در این راستا وجود ساختار سلسله مراتبی در سازماندهی مساجد از سوی دولت، مداخلهٔ ارگان‌های متعدد در امور مساجد چون «مرکز رسیدگی به امور مساجد»، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «بسیج»، «سازمان حج و اوقاف و زیارت» و بسیاری دیگر از نهادها و ارگان‌های دولتی به مثابه «تهدید» برای «مسجد به عنوان یک سازمان دواطلبانه» به شمار می‌روند، چراکه زمینه‌ی ایجاد احساس تعلق گروهی به سازمان داوطلبانه‌ی مسجد را در اعضا از بین می‌برد. برای رفع این تهدیدات ضروری به نظر می‌رسد تا تمامی مساجد فعال با تشکیل یک شبکه و کل واحد و منسجم فعالیت نمایند تا زمینه مداخله‌ی ارگان‌های متعدد در امور گوناگون مساجد از میان برود.

رهبری و هدایت تمام این مراحل (که خطیرترین فعالیت است) بر عهده‌ی «امام جماعت» به عنوان مدیر NGO در نقشی «رهبر سازمان» است. «امام جماعت» در این نقش بایسته است با کسب خصوصیات رهبری و اجرای بهینه‌ی این نقش، این فعالیت‌ها را رهبری کند.

فصل سوم: متدولوژی تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن است تا از طریق توصیفی و به روش پیمایشی به سؤال تحقیق ذیل جواب داد:

مساجدکنونی موفق از لحاظ مدل نظری کارکردهای (=رسالت‌های) هر مسجد موفق در دو بُعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی در چه وضعی قرار دارند؟

۱ ـ ۳) جامعه‌ی آماری تحقیق

جامعه‌ی آماری این تحقیق، مساجد موفق تهران بزرگ در سال ۱۳۸۳ ش است. مساجد موفق در این تحقیق عبارت‌اند از مساجدی که از نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد» در تهران به عنوان مساجد موفق شناخته می‌شوند.

۲ ـ ۳) نمونه‌ی آماری تحقیق

نمونه‌ی آماری این تحقیق نیز عبارت‌اند از تعداد ده مسجد انتخابی از میان این مساجد موفق که «مرکز رسیدگی به امور مساجد» معرفی کرده است. سعی شد تا نمونه‌ی آماری به صورت خوشه‌ای معرفی شده باشند به نحوی که دو مسجد در هر منطقه‌ی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران بزرگ مورد بررسی قرارگیرند؛ اما باکمال تاسف از میان ده مسجد انتخاب شده، تعداد شش مسجد به علل گوناگون، حاضر به همکاری نشدند و یا پرسشنامه‌های توزیع شده به صورت بسیار ناقص و مخدوش برگشت داده شد که به ناچار حذف شدند. بنابراین چهار مسجد باقی مانده نیز فقط به صورت «مطالعه موردی» (Case Study) بررسی گشتند. مساجد فوق عبارت‌اند از:

مسجد اکباتان: واقع در میدان امام خمینی، خیابان اکباتان، مسجد بازار.

مسجد جامع نارمک: واقع در میدان نارمک، مسجد منطقه بازار.

مسجد سید الشهدا: واقع در شهرک فرهنگیان، مسجد منطقه مسکونی.

۳ ـ ۳) روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نظر از طریق پرسشنامه‌ای که میان «دست اندکاران» و «شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های نیایشی و غیرنیایشی» این مساجد توزیع گردید، گردآوری شد. بدین طریق امکان مقایسه‌ی پاسخ‌های دو گروه «دست‌اندرکاران» و «شرکت‌کنندگان» نیز فراهم آمد.

۱ ـ ۳ ـ ۳) متغیرهای عملیاتی در بعد فعالیت های نیایشی

در باره «فعالیت‌های نیایشی» مسجد میزان توفیق مسجد، در پاسخگویی به سه چالش مطرح در رابر دین در عصر حاضر و سه نیاز عمده انسان ها (به شرح زیر) مورد سنجش قرار گرفت:

۱ ـ حل چالش علم و دین (= سؤالات ۱۱ و ۶)

۲ ـ حل چالش دین و سیاست (= سؤالات ۱۰ و ۵)

۳ ـ حل چالش دین و توسعه (= سؤال ۴)

۴ ـ کمک به رفع احساس تنهایی انسان معاصر

شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۴) میزان کمک به برقراری روابط اجتماعی پایدارتر (= سؤال ۱۴)

۲ ـ ۴) ایجاد تعلق گروهی به مسجد (= سؤال ۲)

۳ ـ ۴) ایجاد حس خوش‌بینی و اعتماد به دیگران (= سؤال ۹)

۵ ـ برآوردن نیاز به پرستش

شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۵) میزان ارضای نیاز به پرستش با شرکت در مراسم (= سؤال ۸)

۲ ـ ۵) نحوه برگزاری مراسم (= سؤال ۱۳)

۳ ـ ۵) میزان استفاده از مفاهیم ادعیه در زندگی روزانه (= سؤال ۱۲)

۴ ـ ۵) علل حضور در مراسم‌های نیایشی مسجد (= سؤال ۳)

۶ ـ برآوردن نیاز به آرامش

شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۶) صبر در برابر مشکلات (= سؤال ۱)

۲ ـ ۶) توکل در امور (= سؤال ۱)

۳ ـ ۶) تسهیل در برقراری روابط اجتماعی (= سؤال ۱)

۴ ـ ۶) امید به زندگی (= سؤال ۱)

۵ ـ ۶) اعتماد به نفس (= سؤال ۱)

۶ ـ ۶) میزان تأثیر مسجد در دستیابی به آرامش (= سؤال ۷)

فرض محقق بر این است که مساجدی که دارای نحوه‌ی عملکرد مطلوبی در مورد این شش متغیر باشند، به احتمال فراوان به صورت آگاهانه و استراتژیک در تحقق ترویج هویت دینی مبتنی بر ایمان فعالیت می‌کنند و چالش‌های عمده‌ی مطروح در حوزه دین را می‌شناسند و درصدد چاره اندیشی‌اند.

۲ ـ ۳ ـ ۳) متغیرهای عملیاتی در بُعد فعالیت‌های غیر نیایشی

از آنجا که مساجد معرفی شده، مساجدی هستند که موفق شناخته شده‌اند و فعالیت جنبی متعددی دارند، چهار ویژگی یک فعالیت استراتژیک در باره این فعالیت‌ها مورد پرسش قرار گرفت تا مشخص گردد مساجد موفق کنونی تا چه حد به صورت استراتژیک، فعالیت‌های جنبی خویش را تعیین و اجرا می‌کنند؟

این چهار ویژگی عبارت‌اند از:

۱ ـ میزان مشارکتی بودن فعالیت ها: شامل متغیرهای فرعی ذیل

۱ ـ ۱) دستوری نبودن فعالیت‌ها و متاثر نبودن از نهادهای سیاسی (= سؤالات ۳۲ و ۲۹ و ۲۱)

۲ ـ ۱) مشارکت در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها (= سؤال ۲۴)

۳ ـ ۱) مشارکت در اجرای برنامه‌ها (= سؤال ۳۳)

۴ ـ ۱) مشارکت در تأمین مالی برنامه‌ها (= سؤال ۳۰)

۵ ـ ۱) امکان طرح هر نوع سؤال (= سؤال ۱۵)

۲ ـ میزان رعایت اصل مشتری مداری: شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۲) وجود امکانات جنبی رفاهی مطلوب (= سؤالات ۲۳ و ۲۰)

۲ ـ ۲) برخورد خوب مسئولین مسجد (= سؤال ۱۸)

۳ ـ ۲) ارزیابی مبتنی بر نظر مشتریان (= سؤالات ۳۱ و ۲۶)

۴ ـ ۲) شناسایی عوامل دفع غیرمشتریان و اهتمام به رفع آنها (= سؤالات ۲۸ و ۱۶)

۳ ـ میزان نیازسنجی در اجرای فعالیت‌ها: شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۳) میزان استفاده از خدمات تخصیص یافته در مسجد (= سؤال ۲۲)

۲ ـ ۳) میزان رفع نیاز از استفاده‌کنندگان از خدمات مسجد (= سؤال ۲۷)

۴ ـ میزان جامع‌نگری در اجرای فعالیت‌ها: شامل متغیرهای فرعی زیر:

۱ ـ ۴) هماهنگ بودن بخش‌های مسجد (= سؤال ۲۵)

۲ ـ ۴) بسط دادن به تمام طیف‌های سنی در عرضه خدمات (= سؤال ۱۷)

باز هم فرض محقق براین نهاده شده است که رعایت این ویژگی‌ها و اصول در تعیین و اجرای فعالیت‌های غیرنیایشی در مسجد باعث خودشکوفایی اعضای مسجد وکمک به آنها برای رسیدن به مراحل بالاتر سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌گردد.

۴ ـ ۳) نحوه‌ی تحلیل پرسشنامه

برای پرسشنامه طرح شده، ۱۲۰ امتیاز در نظرگرفته شد. هر یک از ابعاد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیر نیایشی شصت امتیاز دارند.

هر یک از شش متغیر مورد پرسش در بعد فعالیت‌های نیایشی دارای ده امتیاز هستند که این ده امتیاز به صورت مساوی بین سؤال‌های هر متغیر توزیع گردید. به نحوی که مسجدی که در بعد فعالیت‌های نیایشی، عملکرد کاملاً مطلوب داشته باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

در بُعد فعالیت‌های غیرنیایشی نیز به هر یک از چهار ویژگی مورد سنجش پانزده امتیاز تخصیص داده شد که بین سؤال‌های هر ویژگی، به‌طور مساوی تقسیم گردید. مسجدی که در این بعد نیز دارای عملکرد کاملا مطلوب باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

شایان ذکر است که سؤالات ده و یازده سؤالات کنترلی هستند. سؤالات نوزده و ۳۸، سؤالات باز است و سؤال شانزده به منظور کمک به تحلیل کامل‌تر سؤال ۲۸ در نظر گرفته شده است که به علت محدودیت زمانی، امکان استفاده از این دو سؤال نبود. همچنین سؤال ۲۹ حذف گردید.

۵ ـ ۳) پایایی و روایی پرسشنامه

به علت محدودیت زمانی در سنجش پایانی و روایی پرسشنامه به استفاده از دیدگاه‌های استاد راهنما اکتفا گردید.

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱ ـ ۴) مقدمه

در هر مسجد حدود سی پرسشنامه میان نمازگزاران و پنج پرسشنامه میان متولیان (شامل امام جماعت، اعضای هیئت امنا و دست‌اندرکاران پایگاه بسیج در مسجد) توزیع گردید. میزان پرسشنامه‌های صحیح برگشتی در هر مورد، هنگام ارائه نمودارها ذکر می‌گردد.

در این فصل، ابتدا به ترتیب هر مسجد، نمودارهای میزان امتیازات کسب شده برحسب اجزای دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی (به درصد) و همچنین میانگین کل این دو بعد از دید نمازگزاران و متولیان آن مسجد طرح می‌گردد.

سپس میزان معناداری تفاوت میان نگرش‌های نمازگزاران و متولیان هر مسجد در باره‌ی میانگین فعالیت‌های نیایشی و غیرنیایشی با استفاده از آزمون T- student و طبق فرمول‌های ذیل تعیین درجه‌ی آزادی و آماره آزمون T سنجش می‌گردد. آزمون T انجام شده در هر مورد از نوع آزمون دو طرفه با میزان خطای می‌باشد. علت استفاده از این فرمول‌ها نیز کمتر بودن حجم

نمونه‌های اخذ شده‌ی نمازگزاران و متولیان از سی،کمتر بودن درجه‌های آزادی در هر آزمون از سی و همچنین فرض برابر نبودن واریانس‌های دو جامعه آماری نمازگزاران و متولیان در هر مسجد است.[۱]

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد

۱ ـ ۵) مقدمه

هدف کلی از اجرای این تحقیق، یافتن مدل مطلوب رسالت و مدیریت مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه از طریق اجرای تحقیق کتاب خانه‌ای و سپس توصیف مساجد موفق کنونی (که الزاما از نظر مدل به دست آمده موفق نیستند) طبق مدل با استفاده از روش پیمایشی است. به عبارت دیگر محقق تلاش دارد تا به سؤالات ذیل این تحقیق پاسخ دهد:

۱ ـ مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیردولتی و غیرانتفاعی از نوع مذهبی در جامعه‌ی کنونی ایران چه کارکردها (رسالت‌ها)ی مطلوبی می‌تواند داشته باشد؟

۲ ـ مساجد کنونی موفق، به ایفای کدام یک از این کارکردها (رسالت‌ها) می‌پردازند؟

۲ ـ ۵) نتایج تحقیق

درخصوص سؤال اول، با بررسی ادبیات نظری تحقیق، محقق به دو مدل در تبیین علت رخوت و انزوای کنونی مساجد دست یافت و سپس مدل مدیریت استراتژیک را برای برون رفت از این وضع برای مساجد به عنوان یک NGO پیشنهاد نمود. (به فصل سوم مراجعه کنید)

اما در بارهٔ سؤال دوم نیز، محقق با عملیاتی کردن مدل مدیریت استراتژیک در دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی، چهار مسجد را به صورت «مطالعه موردی» بررسی نمود. نتایج حاصل از این مطالعه را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

۱ ـ ۲ ـ ۵) در هر دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی امتیازات کسب

---

۱ . آذر و مؤمنی: ۱۰۷ ، ۱۳۸۱ ش .

شده‌ی هر مسجد کمی بیش از حد متوسط و در حدود شصت درصد کل امتیاز در نظر گرفته شده است؛ بنابراین حدس محقق مبنی بر حدی نبودن میزان موفقیت این مساجد، به حقیقت نزدیک است. این امر می‌تواند ناشی از علل گوناگون باشد که محقق دو علت را مهمتر می‌داند:

الف) همان‌گونه که در فصل سوم هم بیان شد، آگاهی و بینش نسبی جامعه (بعد از تجربه ۲۵ ساله فعالیت مساجد در این شرایط) درخصوص امکان توفیق مساجد در چارچوب شرایط فعلی و با فعالیت‌های کنونی، افزایش یافته است.

افکار عمومی جامعه (و به تبع، افکار دست‌اندکاران این مساجد موفق) به لحاظ تکرار مداوم مدل «فرایند بروز چالش‌ها» در برابر متغیر مداخله‌گر آن مدل حساس شده و در مراحل ابتدایی تغییر در نگرش به سر می‌برد. این آگاهی تا بدانجاست که میان نگرش نمازگزاران و متولیان مساجد مورد بررسی، (بجز یک مورد) تفاوت خاصی دیده نشده است و هر دوگروه با ضریب اطمینان بسیار بالایی (۹۰ درصد) هم رأی هستند. همان‌گونه که پیش از این هم ذکر شد، این وضع باید در قالب فرصتی برای نخبگان و برنامه‌ریزان دست‌اندکار تلقی شود تا به طرحی نو، این تغییر را به سوی وضع مطلوب با حداکثر سرعت و حداقل هزینه پیش ببرند.

ب) تفاوت تعریف مساجد موفق از دید مدل عرضه شده‌ی پژوهشگر با تعریف «مرکز رسیدگی به امور مساجد» نیز ممکن است از جمله عوامل عدم کسب امتیازات بالا در موارد بررسی شده باشد.

۲ ـ ۲ ـ ۵) مساجد کنونی و از جمله مساجد بررسی شده به عنوان مساجد موفق، در قالب هویت دینی آیینی و یا حداکثر هویت دینی اعتقادی فعالیت می‌کنند، اما تا رسیدن به مقامی در خور شأن مسجد در جامعه‌ی دارای هویت دینی مبتنی بر ایمان، راه بسیار دشوار و طولانی در پیش دارند.

۳ ـ ۲ ـ ۵) آماده نبودن بسیاری از مساجد برای بررسی وضع موجود (که در این تحقیق به صورت همکاری نکردن شش مسجد از ده مسجد نمونه آماری بروز کرد) نشان از نضج نگرفتن فرهنگ استفاده از پژوهش و تحقیق و رویکرد علمی برای شناسایی و حل مشکلات موجود دارد. البته این مشکل در سطح کلان‌تر جامعه نیز شایع است. کمک به برقراری چنین فرهنگی، ممکن است نقشی بسیار اثرگذار در میزان آمادگی برای تغییر داشته باشد.

۴ ـ ۲ ـ ۵) براساس اطلاعات غیررسمی به دست آمده در طول تحقیق (نحوه‌ی برخورد دست اندرکاران مساجد در مقابل تحقیق و بالاخص پرسشنامه و غیره) باید گفت که دست‌اندرکاران امور مساجد درخصوص مدل کارکرد (= رسالت) مطلوب مسجد به عنوان NGO بسیار ناآگاه هستند و حتی مقاومت نشان می‌دهند.

۳ ـ ۵) پیشنهادها

پیشنهاد بنیادی محقق براساس این تحقیق، فرهنگ‌سازی به همّت همه‌ی نهادهای فرهنگ‌ساز جامعه برای ترویج هویت دینی مبتنی بر ایمان در الگوی بومی توسعه است. در این راستا مساجد به عنوان یگانه پایگاه دینی به رسمیت شناخته شده از طرف دین مبین اسلام، «رسالتی» بسیار مهم دارند. بنابراین:

۱) میزان آگاهی دست اندرکاران امور مساجد درخصوص تغییرات محیطی و علل آن باید افزایش یابد.

۲) تغییر بنیادی در نگرش دست اندرکاران امور مساجد در بارهٔ جایگاه دین و مسجد در جامعه براساس مدل هویت دینی مبتنی بر ایمان و ارتباط آن با توسعه باید صورت گیرد.

۳) در این راه، از جمله ابزارهای مهم، استفاده از مدیریت استراتژیک برای مساجد است. بدین علت باید با برنامه‌های آموزشی اثر بخش، این مدل به دست اندرکاران امور مساجد آموزش داده شود.

۴) پیش شرط فعالیت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه، پذیرش مشارکت اثرگذار مردم و اعضا در برنامه‌ریزی و مدیریت آن است. بدین منظور باید ابزارهای پذیرش، جلب، مدیریت و «رهبری» مشارکت اثرگذار اعضا در آن، به دست اندرکاران امور مساجد بالاخص ائمه‌ی جماعات آموزش داده شود. آموزشی اثر بخش است که آموزش گیرندگان درباره‌ی مقید بودن مواد مورد آموزش اعتقاد داشته باشند و این امر نیز از طریق نهادینه شدن فرهنگ مشارکت میسر است.

۴ ـ ۵) محدودیت‌های تحقیق

۱ ـ ۴ ـ ۵) در طراحی مدل کارکردها و نحوه‌ی مدیریت مطلوب مساجد، لازم می‌نمود که از نظر خبرگان علوم اجتماعی و علوم مدیریت استفاده گردد. متأسفانه به علت ضیق وقت امکان چنین کاری وجود نداشت.

۲ ـ ۴ ـ ۵) جامعه‌ی آماری این تحقیق، مساجد موفق در تهران است. جا دارد، چنین تحقیقی در جامعه‌ی آماری همهٔ مساجد ایران انجام شود که این امر به علت فقدان امکانات و پشتیبانی‌های لازم، برای محقق میسر نبوده است.

۳ ـ ۴ ـ ۵) در جامعه‌ی آماری اتخاذ شده مساجد موفق عبارت‌اند از مساجدی که از نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد» به عنوان مساجد موفق شناخته شده‌اند. تعریف مرکز مزبور از مساجد موفق امکان دارد با تعریف مسجد موفق به عنوان یک NGO طبق مدل دست یافته مطابقت نداشته باشد.

۴ ـ ۴ ـ ۵) به علت ضیق وقت امکان سنجش مفصل و علمی روایی و پایانی پرسشنامه این تحقیق با روش‌های آماری و کیفی طبق الگوهای روش تحقیق، موجود نبود.

۵ ـ ۴ ـ ۵) همکاری نکردن مناسب مساجد معرفی شده از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد، باعث شد تا روند تحقیق به سمت مطالعه‌ی موردی (Case Study) تغییر یابد و امکان تعمیم نمونه‌ی آماری به جامعه‌ی آماری، فراهم نگردد.

۵ ـ ۵) پیشنهادهایی برای موضوعات تحقیقات آتی

ـ تبیین کامل مدل مدیریت استراتژیک برای مساجد به عنوان NGO ؛

ـ طراحی کارگاه آموزشی برای آموزش مدل مدیریت استراتژیک به دست‌اندرکاران مساجد به خصوص ائمه جماعات؛

ـ طراحی کارگاه آموزشی برای تقویت مهارت‌های «رهبری» در ائمه جماعات؛

ـ طراحی مدل ساختار شبکه جامع مساجد به عنوان یک شبکه NGO در کشور.

منابع و مآخذ

ـ «انقلاب اسلامی ایران یا نهضت مسجد»، مصاحبه با دکتر محمدیان، ماهنامه‌ی مسجد، ارگان مرکز رسیدگی به امور مساجد، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ ش .

ـ «من یک لیبرال محافظه کارم» گفت‌وگو با سید جواد طباطبایی، روزنامه‌ی شرق، ویژه‌نامه‌ی نوروز ۱۳۸۳ .

ـ «مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم».

ـ «مسجد، مسجدی‌ها وچند کلمه حرف حساب» مجله‌ی زائر، شماره‌ی ۷۰، مرداد ۱۳۷۹ ش .

ـ آذر، عادل و مؤمنی، منصور (۱۳۸۰ش)، «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.

ـ باقی، عماد الدین، و همکاران (۱۳۸۱ش)، «پرستشگاه در عهد سنت و تجدد»، مجموعه مقالات، تهران، نشر سرایی.

ـ شکوهی، فاطمه، «بررسی عملکرد آموزشی مساجد» ماهنامه‌ی مسجد، ارگان مرکز رسیدگی به امور مساجد، شماره‌ی ۷۱، آبان ۱۳۸۲ ش .

ـ قوچانی، محمد (۱۳۷۹ ش)، «یقه سفیدها» (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، تهران، انتشارات نقش و نگار.

ـ قوچانی، محمد، «رساله‌ی فیلسوف تنها» (معرفی آخرین کتاب سید جواد طباطبایی)، روزنامه‌ی شرق، ۱۳۸۱/۲/۶ ش .

ـ نظری، مرتضی، «مساجد، جامعه جوان ما و ضرورت توجه بیشتر».

ـ هسلبین، فرانسیس و دیگران (۱۳۷۸ ش)، «سازمان فردا»، جلد دوم، ترجمه امینی، فضل الله، تهران، انتشارات فرا.

مسجد؛ الگوی جامعهٔ دینی

▣ محسن الویری

▣ چکیده

تأسیس مسجد از سوی حضرت ختمی مرتبت به عنوان نخستین گام در بنا نهادن جامعهٔ نوپای اسلام و نقش محوری مساجد در شهرهای نوپدید دورهٔ اسلامی تاکنون کم و بیش مورد توجه دانش‌پژوهان قرار گرفته است. کارکردهای مسجد معمولاً در محورهای زیر برشمرده می‌شود: عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی، معماری، حقوقی، نظامی و اقتصادی. به‌نظر می‌رسد افزون براین کارکردها، دو کارکرد مهم دیگر نیز می‌توان برای مسجد در نظر گرفت: ارائهٔ الگویی از جامعهٔ مطلوب دینی در مقیاس کوچک و دیگری فراهم آوردن فضایی مناسب برای تمرین شهروندی جامعهٔ دینی. بررسی مجموعهٔ احکام و آداب و آیین‌های مربوط به مسجد و مهمترین عمل عبادی که در مسجد صورت می‌بندد، یعنی نماز جماعت و مشابهت آن با ویژگی‌های یک جامعهٔ دینی به خوبی این مدعا را اثبات می‌کند.

اشاره

تأسیس مسجد به‌همت حضرت ختمی مرتبت رسول‌گرامی اسلام، نخستین گام در بنای جامعهٔ نوپای اسلامی و نقش محوری مساجد در شهرهای نو ظهور دورهٔ اسلام، تاکنون بیش‌وکم طرف توجه دانش‌پژوهان قرار گرفته است. کارکردهای مسجد معمولاً در محورهای زیر برشمرده می‌شود: **عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی، معماری، حقوقی، نظامی و اقتصادی.**

به نظر می‌رسد که افزون براین کارکردها، دو کارکرد مهم دیگر نیز می‌توان برای مسجد در نظر گرفت: **عرضهٔ الگویی از جامعه مطلوب دینی در مقیاس کوچک و فراهم آوردن فضایی مناسب برای تمرین شهروندی در جامعهٔ دینی.** بررسی مجموعهٔ احکام و آداب و آیین‌های مربوط به مسجد و مهم‌ترین عمل عبادی که در مسجد صورت می‌گیرد، یعنی نماز جماعت و مشابهت آن با ویژگی‌های جامعهٔ دینی به شایستگی این مدعا را اثبات می‌کند:

﴿إِنَّمٰا يَعْمُرُ مَسٰاجِدَ اللّٰهِ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ أَقٰامَ الصَّلاٰةَ وَ آتَى الزَّكٰاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللّٰهَ فَعَسىٰ أُولٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾.[۱]

مسجد واژه‌ای عربی از ریشه «س ـ ج ـ د»به معنای سجده گاه است؛گرچه برخی بر این باورند که این واژه، عربی شدهٔ واژهٔ آرامی «مَزِگت» است.[۲] سجده یکی از اجزای نماز است و شاید سجده‌گاه نامیدن مکان برگزاری نماز، از باب مهم شمردن این جزو از نماز باشد. در متون دینی، سجده، منتها درجهٔ عبادت بنده در آستان حق تعالی شمرده شده است: «**السجود منتهیٰ العبادة من بنی‌آدم**».[۳] مسجد که در عرف و فرهنگ اسلامی به عبادتگاه مسلمانان اطلاق می‌شود، در اصطلاح شرعی تعریف دقیق‌تری دارد: «**المکان الموقوف علی کافّة**

---

۱ . توبه / ۸ .

۲ . معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر: ج ۱۱ ، ۱۳۷۶ ش ، ص ۴۰۶۳ ، مدخل «مزگت»؛
Encycloedia of Islam ;(New Edition) '(EI)Leiden :Brill 'v6' "Masdjid" PP664
کلمهٔ مسجد در متون فارسی سده چهارم به‌کار رفته است: «چون علی علیه‌السلام از در مزگت اندر آمد و ابن‌ملجم علی را یافت، شمشیر بزد». (تاریخنامهٔ طبری، گردانیدهٔ منسوب به بلعمی، تصحیح: محمد روشن، تهران: سروش، ۱۳۸۰، ص ۶۷۴).

۳ . مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ : ج ۸۲ ، ص ۱۶۴ .

المسلمین للصّلاة»؛[۱] یعنی مکانی که برای نمازگزاردن همهٔ مسلمانان وقف شده باشد؛ براین اساس سه ویژگی اصلی مسجد از این قرار است:

۱. موقوفه بودن و در تملک فرد خاصی نبودن؛

۲. ویژهٔ عدهٔ خاصی نبودن و برای همهٔ مسلمانان بودن؛

۳. برای خواندن نماز استفاده کردن.

یادآور می‌شود که این واژه به صورت مفرد، مسجد و جمع، المساجد، جمعاً ۲۸ بار در قرآن به‌کار رفته است که ۱۵ بار آن به صورت المسجدالحرام ـ مسجدی که کعبه در آن قرار دارد ـ و یک بار نیز به صورت المسجد الاقصی ـ مسجد معروف بیت المقدس ـ آمده است.[۲]

در سال‌های اخیر حجم نوشته‌ها دربارهٔ نقش و کارکردها، تاریخ و احکام و آداب مساجد افزایش چشم‌گیری داشته است. مروری بر سه کتاب‌شناسیِ «کتاب‌شناسی معماری مسجد»،[۳] «فهرستوارهٔ مسجد»[۴] (شامل معرفی ۴کتاب و ۵۷ مقاله) و «کتابشناسی مسجد»[۵] (شامل معرفی ۹۲ کتاب و ۱۷۵۴ مقاله) نمایی از این مطالعات را به دست می‌دهد.

کارکردهای مسجد و انگیزه‌های تأسیس آن

به نظر می‌رسد پیش از بعثت پیامبر هم به محوطهٔ اطراف کعبه، مسجد گفته می‌شد، ولی بدون تردید این اصطلاح پس از هجرت پیامبر از مکه به مدینه رواج یافت. نخستین اقدام اصلی پیامبر در شهر مدینه، تأسیس مسجد بود.[۶] پژوهشگران حوزهٔ سیرهٔ نبوی، تاریخ اسلام، فرهنگ و تمدن اسلامی، انگیزه‌های تأسیس مسجد و کارکردهای مسجد را به شکل‌های گوناگون

---

۱. بابانیا، محمدباقر، در سایه سار مساجد، ماهنامهٔ کوثر: ش ۳۲.

۲. عبدالباقی، محمدنژاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، القاهرة، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ ق: ص ۳۴۵.

۳. شکری، فاطمه، کتاب‌شناسی معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش مسجد، گذشته، حال، آینده، تهران، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی، ۱۳۷۹: ج ۲، صص ۳۵۷ ـ ۴۰۴.

۴. شاه‌حسینی، یونس، فهرستوارهٔ مسجد، مسجد، سال سوم، ش ۱۵، ۱۳۷۳ ش، صص ۵۶ ـ ۵۷، و ص ۱۰۱.

۵. عباسی‌نیا، سعید (به‌کوشش)، کتاب‌شناسی مسجد، ج ۱، تهران: ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد: ج ۱، ۱۳۸۰ ش.

۶. به‌عنوان نمونه، ابن‌هشام، ج ۱، ابن‌هشام، السیرة النبویه: ج ۲، تحقیق: مصطفی السقاء، ابراهیم الابیاری، عبدالحفیظ شلبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی: ص ۱۴۱ ـ ۱۴۳.

بررسی کرده‌اند. شاید بتوان مجموعهٔ نکات مورد توجه پژوهشگران را در قالب محورهای زیر برشمرد: کارکردهای عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی، سیاسی، معماری و فضای کالبدی شهری، نظامی و اقتصادی.[۱]

الف) کارکرد عبادی: اصلی‌ترین کارکرد مسجد، کارکرد عبادی آن است. نماز، برترین و مهم‌ترین ادب و وظیفهٔ دینی است و گرچه می‌توان آن را در هر مکانی اقامه کرد، اما به خواندن نماز در مسجد، تأکید شده و پاداش نماز در مسجد ـ از مساجد کوچک محلی تا مسجد الحرام ـ از دوازده برابر تا یکصد هزار برابر نماز در غیر مسجد برشمرده شده است.[۲] بجز از نماز، آداب و آیین‌های عبادی دیگری نیز در مساجد برگزار می‌شود، مانند برگزاری مجالس قرائت قرآن، مجالس و مراسم خواندن دعا، مراسم شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان، مجالس عزاداری برای سالار شهیدان (در جوامع شیعی)، تخصیص نذورات و خیرات و مبرات. این نوع مراسم را نیز می‌توان در زمرهٔ کارکردهای عبادی مساجد، شمرد.

مفاد اغلب منابع قدیم دربارهٔ مساجد، توجه به جنبهٔ عبادی آن و بیان فضایل و آداب و احکام آن است. در این دسته از منابع درکنار بیان فضائل مسجد و اهل مسجد، احکام واجب و حرام و مستحب و مکروه مربوط به مسجد بیان می‌شود. نمونه‌های این دسته از منابع را می‌توان در ابواب مربوط به مسجد در کتاب‌هایی مانند: «وسائل الشیعه»[۳]، «سفینة البحار»[۴]، «المحجةُ البیضاء»[۵]، و نیز کتاب‌های مستقلی مانند «اعلام الساجد باحکام المساجد»[۶]

---

۱ . برای بحث‌هایی دراین زمینه به‌عنوان نمونه ر.ک. سلطان‌زاده، حسن، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، آبی: ج ۱ ، ۱۳۶۵ ، ص ۲۶۵ ـ ۲۶۷ ؛ همو، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، آگاه: ج ۱ ، ۱۳۶۲ ش ، ص ۲۰۴ ـ ۲۰۸ ؛ فلامکی، محمد منصور، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی ، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ ش: ص ۵۷ ـ ۶۱ ؛ نقی‌زاده، محمد، مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی ، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸ ش .

۲ . العاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، اللمعة الدمشقیه، ج ۱ ، بیروت، دارالعالم الاسلامی: ص ۲۱۲ ـ ۲۱۳ .

۳ . شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، قم، مؤسسة آل‌البیت لاحیاء التراث، ط ۱ ، ۱۴۰۹ ق: ج ۵ ، ص ۱۹۳ ـ ۲۹۷ .

۴ . قمی، شیخ عباس، سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، بیروت، دارالتعارف، بی‌تا: ج ۱ ، ص ۶۰۰ ـ ۶۰۳ .

۵ . فیض کاشانی، مولی محسن، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، صححه و علق علیه علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، ط ۲ ، بی‌تا: ج ۱ ، ص ۳۶۶ ـ ۳۵۸ .

۶ . الزرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد باحکام المساجد، قاهره، دارالکتاب المصری، ط ۲ ، ۱۴۰۳ ق .

و «فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد»[۱] دانست.[۲]

در تحلیل اقدام پیامبر برای تأسیس مسجد نخستین گام بنا نهادن جامعه‌ای نو، آنچه در نگاه نخست به نظر می‌آید این است که پیامبر با این اقدام خود می‌خواست در اقدامی نمادین، جوهرهٔ عبودی جامعه و حکومت را در اندیشهٔ اسلامی بنمایاند؛ یعنی وقتی نخستین گام در مسیر نهادینه‌سازی و آسان‌سازی عبادت برداشته می‌شود و فضایی کالبدی برای عبادت ساخته می‌شود، گویی بذری افشانده و نهالی نشانده می‌شود که گام‌های بعدی همگی بار و بر و ثمر آن بذر و نهال و برخوردار از جوهره و ویژگی‌های اصلی آن است. در چنین تصویری، تمامی فعالیت‌های بعدی پیامبر در مدینه، در مسیر ساختن جامعهٔ اسلامی مانند دایره‌های متحد المرکز، از همان جوهرهٔ عبودی نشأت گرفته است. مسلمانان نیز با تأسی به پیامبر، باید عبودیت خدا را جوهرهٔ هر شهر و جامعه و نظام اسلامی بدانند.

ب) کارکرد آموزشی: مسجد درهمان آغاز و از عصرتأسیس در عهد پیامبر کارکردآموزشی داشته است. پیامبر بر کُنده‌ای از چوب و بعدها بر فراز منبر در مسجد به بیان احکام الهی و معارف اسلامی می‌پرداخت. این کارکرد بعدها نیز ادامه یافت و آموزش را به بخشی انفکاک‌ناپذیر ازکارکردهای مسجد بدل ساخت. در فضای داخلی مسجد، محراب، نماد وجه عبادی مسجد و منبر، نماد وجه آموزشی آن است؛ به بیانی دیگر، محراب به صورت نمادین تعیین‌کنندهٔ جهت هدایت افراد به وسیلهٔ امام به سوی خداست و متقابلاً منبر نیز به صورت نمادین، انتقال آموزه‌های دینی از سوی خدا برای بشر را ـ آن هم به وساطت امام ـ نشان می‌دهد.

این رابطهٔ تعاملی بین انسان و خدا که با وساطت پیشوای دینی صورت می‌پذیرد،

---

۱. تبریزی، محمد زمان بن کلبعلی، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، به‌کوشش رسول جعفریان، تهران، احیاء کتاب، دفتر نشر میراث مکتوب، چ ۱ ، ۱۳۷۳ ش .

۲. برای احکام مسجد همچنین می‌توان از دو منبع زیر نیز بهره جست: فلاح‌زاده، محمد حسین، احکام مسجد، قم: دلیل، ۱۳۷۴ ش؛ نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ۲ ج ، قم: مؤلف، چ ۲، ۱۳۷۳ ش؛ مبلغی، احمد «فقه مساجد»، کوثر، ش ۱۰، و نیز مباحثی پراکنده در بخش مکان نمازگزار در رساله‌های عملیه و کتب فقهی.

برخاسته از مبنای بسیار مهم دینی در زمینهٔ چگونگی تعامل فرد و جامعه از یک سو و انسان و خدا از سوی دیگر در اندیشهٔ اسلامی است.

در نگاهی تاریخی، آموزش‌های متعارف در مساجد، شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی، به ویژه قرآن، احادیث، احکام، اخلاق و علوم متعلق به آنها خصوصاً علم کلام و فقه بوده است.[۱] تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در مساجد نیز مرتبط با نقش آموزشی مساجد و برخاسته از نیازمندی آموزش به کتاب و کتابخانه بوده است.[۲]

درکنار نقش ثابت آموزشی مساجد، مسجد مانند هر نهاد آموزشی، محل تشکیل کلاس درس و بحث‌های علمی بوده است، مساجد به صورت پراکنده و بدون ثابت و غیر برنامه‌ریزی شده و از طریق مراجعهٔ پراکندهٔ مردم به امام جماعت یا مدرسان دروس دینی نیز نقشی آموزشی ایفا نموده است.

صفحات تمدن شکوهمند اسلامی در بردارندهٔ نمونه‌های شایان توجهی از مساجد مهم و کارکرد آموزشی وارد که در بسیاری از آنها همچنان آموزش رواج دارد: مسجدالحرام، مسجد النبی، جامع بصره، جامع کوفه، جامع فسطاط (جامع عمرو بن عاص)، مسجد الاقصی، جامع دمشق، جامع زیتونه، جامع قیروان، جامع منصوری در بغداد، جامع قرطبه، جامع قرویین (فارس مراکش)، و جامع ابن‌طولون و جامع الازهر از نمونه مساجد دارای حلقات درس بوده‌اند.[۳]

ج)کارکردهای تربیتی: وجه تربیتی مسجد معمولا در پیوند با وجه آموزشی[۴] مورد توجه

---

۱ . شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه، محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱: ص ۹۶ ـ ۹۷ .

۲ . دربارهٔ کتابخانه‌های مساجد، ر.ک. سباعی، محمد مکی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمهٔ: محمد عباسپور، محمدجوادمهدوی.مشهد، بنیادپژوهش‌های‌اسلامی، ۱۳۷۳؛ این‌کتاب بانام « نقش‌کتابخانه‌های‌مساجد درفرهنگ‌وتمدن اسلامی» نیز به‌همت علی شکوئی ترجمه و سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در همان سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است؛ در زمینهٔ کتابخانه‌های مساجد ایران نیز ر.ک. کریمیان سردشتی، نادر، تاریخ کتابخانه‌های مساجد ایران، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸ ش .

۳ . غنیمه، عبدالرحیم، دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمهٔ نورالله کسایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ : ص ۶۱ ـ ۸۲ .

۴ . در این زمینه ر.ک. ضرابی، عبدالرضا، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت» معرفت: ش ۳۳ .

قرارگرفته و تاکنون مطالعاتی مستقل و مستوفی دربارهٔ آن صورت نگرفته است. گرچه نمی‌توان این پیوند و نیز پیوند مباحث تربیتی را با وجه عبادی مسجد نادیده گرفت، اما تردیدی نیست که به هر حال مقولهٔ تربیت، مقوله‌ای متمایز با عبادت و آموزش است. مسجد کانونی برای رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعهٔ اسلامی و آشنا شدن آنان با رذایل و فضائل اخلاقی و راه‌های دوری جستن از رذائل و متحلی شدن به فضائل است. کارکرد تربیتی از منظری دیگر، باکارکرد تمرین شهروندی جامعهٔ دینی، پیوند و حتی همپوشانی می‌یابد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

د) کارکرد فرهنگی و ارتباطاتی: مسجد، اصلی‌ترین مکان شکل دهی افکار عمومی، فرهنگ‌سازی و اطلاع رسانی در تمدن اسلامی بوده است. ندای «**الصلاة جامعه**» در عهد پیامبر و پس از آن فراخوانی عمومی برای گردِ هم آوردن مسلمانان در مسجد و آگاهی از امر مهم به هنگام اقامهٔ نماز جماعت بوده است. پس از تشریع اذان، مردم در غیر اوقات نماز نیز با بانگ مؤذن به مسجد می‌آمدند.[1] سوق دادن مسلمانان به سمت هنجارها و گرایش‌های مدّنظر نیز در مساجد صورت می‌گرفته است. پیامبر و جانشینانش در مسجد، مردم را برای حضور در جنگ و جهاد برمی‌انگیخته‌اند و خطیبان جمعه نیز ـ که سخنگویان حکومت بوده‌اند ـ از همین طریق و در فضای مسجد، خواسته‌های حکومت را مطرح می‌ساختند و افکار مردم را با این خواسته‌ها همسو می‌ساخته‌اند. مساجد در فضای کالبدی شهر بر دو دسته تقسیم می‌شدند: مسجد جامع و مساجد محلی. مساجد محلی همان مساجد شایان دسترس ساکنان محله‌های گوناگون شهر است، ولی در هر شهر، معمولاً یک مسجد ـ که معمولاً از نظر مساحت بزرگتر و از نظر موقعیت در فضای کالبدی شهر، تقریباً در نقطهٔ مرکزی قرار دارد ـ وجود دارد که محل اجتماع عمومی مردم شهر و محل برگزاری نماز جمعه بوده است. این مسجد را مسجد جامع می‌خوانند. به سبب جایگاه مسجد جامع و تأثیر آن در شکل‌دهی به افکار عمومی، امام جماعت این‌گونه مساجد که حکم امام جمعه نیز داشتند، به‌ابتکار حکومت تعیین می‌شده است و لذا مساجد جامع، تریبون رسمی حکومت به حساب می‌آمده است. در مرحله‌ای فراتر از مساجد

---

۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، داربیروت، ۱۹۸۵ م: ج ۱، ص ۱۴۶.

جامع، پاره‌ای از مساجد مانند مسجد کوفه و مسجد النبی و مسجد الحرام در پهنه‌ای وسیع‌تر، مورد توجه مسلمانان قرار می‌گرفته‌اند. اعتبار و دامنهٔ تأثیرگذاری مساجد در جهان اسلام را می‌توان در قالب نمودار زیر نشان داد:

هـ) کارکرد اجتماعی: مساجد کارکردهای اجتماعی مختلفی نیز داشته و دارد، همچون: گردآوری کمک برای مستمندان، برگزاری آیین‌هایی مانند مراسم ترحیم مردگان، نگهدای جنازهٔ متوفی تا پیش از خاک‌سپاری (به ویژه در روستاها و شهرهای کوچک)، برگزاری مراسم عمومی مانند جشن‌ها و گردهمایی‌ها (در مساجد روستاها و شهرهای کوچک یا محیط‌های بسته مانند مسجد دانشگاه‌ها)، اقامت موقت و یک شبهٔ در راه ماندگان (به ویژه در مساجد کنار جاده‌ها)، اعلام اشیای گمشدهٔ پیدا شده در مسجد (گرچه این کار در مسجد مکروه است)، مراجعهٔ مردم به امام جماعت برای استخاره و تفأل به قرآن، توزیع کالابرگ و یا کالاهای سهمیه‌بندی شده (گرچه به صورت موقت مانند آنچه در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صورت می‌گرفت).

کارکردهای اجتماعی مسجد، ثابت و یکسان نیست، بل متناسب با محیط فرهنگی و جغرافیایی، با یکدیگر فرق دارد. جایگاه اجتماعی کارگزاران ثابت و متغیر مسجد مانند: امام جماعت، منبری، مؤذن، خادم، بانی و هیأت امنا نیز در این بخش ممکن است مورد توجه باشد.

و) کارکرد سیاسی: یکی از کارکردهای مساجد در تاریخ و تمدن اسلامی، کارکرد سیاسی آن است. پیامبر اکرم پایه‌های حکومت نوپای مدینه را در مسجد مدینه محکم کرد و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را در مسجد سازمان می‌داد. پس از رحلت پیامبر، بیعت رسمی با خلفای جانشین ایشان در مسجد صورت گرفت. در عهد خلافت ابوبکر، حضرت زهرا علیها السلام خطبهٔ مشهور خود برضدّ خلیفه را در مسجد ایراد کرد. جنبش‌هایی مانند: جنبش مختار، جنبش زید بن علی و جنبش صاحب فخ نیز از مسجد آغاز شد. در سده‌های معاصر، نقش و کارکرد سیاسی مساجد در کشورهای اسلامی محدود شده بود، اما نشانه‌هایی از احیای آن به‌چشم می‌خورد، به عنوان نمونه در جریان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران،

مساجد بار سیاسی بسیار سنگینی را بر دوش کشیدند و در زمان حاضر نیز مسجدالاقصی در بیت‌المقدس که پای در بند صهیونیسم و چشم بـه هـمت مسـلمانان دارد، کـارکرد سـیاسی چشم‌گیری دارد.

ز) معماری و فضای کالبدی شهری: وجه دیگر کارکرد مسجد، توجه به فضای کالبدی شهری و کارکرد معماری آن است. معماری مسجد نوعی معماری پر رمز و راز و در یک نگاه کلی، نماد اندیشهٔ توحید و واسطهٔ عالم علوی با عالم سفلی است. از زاویه‌ای دیگر، پیامبر نخستین اقدام خود را برای ساختن جامعهٔ جدید و الگو با فعالیت معماری آغاز کرد، این امر نشان‌دهندهٔ اهمیت و نقش فضاهای کالبدی شهری در هر جامعهٔ آرمانی باشد و به‌این ترتیب مسجد در قالب نخستین فضای کالبدی شهری در جامعهٔ اسلامی، جای خاص خود را باز کرد. البته پیامبر شهر یثرب را تأسیس نکرد، ولی ساختن جامعه‌ای نو در این شهر را از بنا نهادن مسجد آغاز کرد. بعدها مسلمانان ساختن شهرهای جدید مانند کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز می‌کردند. در این شهرها ابتدا مکان مسجد مشخص می‌شد و سپس با محور قرار دادن آن، محله‌ها و خیابان‌ها و بازار و مانند آن شکل می‌گرفت. این اقدام نمادین، جوهرهٔ عبودی شهر و جامعه و حکومت در اندیشهٔ اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. محوریت مسجد در معماری شهری و نیز چرخهٔ امور شهر به صورت قطب فرهنگ ساز، سهولت دسترسی مردم به مسجد و کثرت مساجد در محله‌ها در گذشتهٔ تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری است.

تبدیل به دو قطب شدن مسجد و مدرسه در میان عناصر سازندهٔ شهر در گذشتهٔ تمدن اسلامی که بار اصلی فرهنگ‌سازی را بر دوش داشته‌اند، نماد بیرونی و تجسم جایگاه عبادت و علم به مثابه دو بال تعالی بشر در تفکر دینی است؛ یعنی اگر عبادت و علم را دو عامل اصلی تعالی و سعادت افراد و جوامع بشری بدانیم، این دو قطب فرهنگی و فرهنگ‌ساز در هر تجربه موفق، بنیاد و اساس اغلب فعالیت‌های فرهنگی شهرها با جهت‌گیری الهی بوده‌اند.

معماری داخلی مسجد نیز مقوله‌ای مهم و شایان توجه است که بالنسبه مورد التفات پژوهشگران بوده است. بدون تردید نخستین مسجد ساخته شده در عهد پیامبر بسیار سـاده

و حتی بدون سقف بوده است، ولی به تدریج مساجد هم از نظر معماری و هم از نظر بخش‌ها و اجزای تشکیل دهنده، تنوع و گسترش یافتند. اصلی‌ترین اجزای مسجد در کتاب‌های مربوط به معماری مسجد مورد توجه قرار گرفته است.[۱] تحول نقش مساجد متناسب با شرایط گوناگون، مستلزم تحول در معماری داخلی مساجد هم هست.

ح) کارکرد حقوقی، نظامی و اقتصادی: پاره‌ای از کاربردهای مسجد که در گذشتهٔ تاریخی رواج داشته، در زمان حاضر تقریباً ازبین رفته است. کارکردهای حقوقی مانند: حل دعاوی مردم، به‌طوری که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در گوشه‌ای از مسجد کوفه به امور قضا می‌پرداخت. نویسندهٔ کتاب المساجد فی الاسلام، مسجد را کاخ عدالت (= قصر العدل) نامیده است.[۲] کارکرد نظامی مانند: پرداختن به امور نظامی و مشورت‌های نظامی به ویژه در صدر اسلام، کارکردهای اقتصادی مثل حفظ و نگهداری اموال نقدی عمومی در مسجد (بیت المال)؛[۳] البته مسائلی مانند هزینه‌ها و درآمدهای مسجد همچنان از مسائل رایج مساجد است.

به نظر می‌رسد افزون بر موارد فوق که بیش و کم مورد توجه پژوهشگران بوده است ـ هر چند با تقریر و نگاهی متمایز ـ دو کارکرد دیگر مسجد را که انگیزهٔ پیامبر را هم برای تأسیس مسجد به عنوان نخستین گام بنا نهادن جامعه‌ی جدید نشان می‌دهد، می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

ط) ارائهٔ الگو و ماکتی از جامعهٔ مطلوب دینی: پیامبر راهی سخت و دشوار برای ساختن جامعه‌ای الگو و اسوه و امتی وسط، پیش روی داشت و یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین دشواری پیامبر در این مسیر، همساز کردن ساکنان نواحی مرکزی شبه جزیرهٔ عربستان با جامعهٔ مطلوب بود و یکی از سودمندترین و اثربخش‌ترین اقداماتی که می‌توانست به این هدف کمک کند، طرح الگو و ماکتی در مقیاس کوچک‌تر از جامعهٔ مطلوب و فراهم آوردن فضایی مناسب برای تمرین و ممارست زندگی در این الگوی کوچک، به منظور آماده شدن تاریخی برای شهروندی در جامعهٔ مطلوب و مورد نظر پیامبر بود.

---

۱. حاج سید جوادی: ص ۳۶۷ به بعد، زبرشیدی: ص ۲۰۹ ـ ۲۴۵.
۲. الولی، المساجد فی الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۹ ق: ص ۱۵۹ ـ ۱۶۲.
۳. الولی، همان: ص ۱۱۶.

امروزه نیز یکی از مهم‌ترین مباحث و چالش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، چگونگی همسو ساختن اعضای هر سازمان یا گروه اجتماعی با اهداف کلان است و از جمله راه حل‌ها طرح ماکتی از وضعیت مطلوب و فراهم آوردن زمینهٔ رسیدن به درکی کلی از آینده، در مقیاسی محدود است. این رویه را در طراحی و ساخت و معرفی بناهای عظیم هم مشاهده می‌کنیم. مروری بر احکام و آداب، مسجد نشان دهندهٔ این است که مسجد در عهد مدنی پیامبر چنین نقشی را ایفا می‌کرده است؟ نقشی که از آن پس نیز همواره از مساجد انتظار می‌رود.

بررسی مقایسه‌ای گزیده‌ای از مهم‌ترین آداب مسجد با ویژگی‌های جامعهٔ اسلامی، می‌تواند ما را برای رسیدن به چنین درکی از کارکردهای مسجد مدد رساند. این موارد و موارد مشابه آن ـ در کنار حفظ جوهرهٔ عبادی ـ ترجمان و بازگو کنندهٔ معیارها و ویژگی‌های یک جامعه‌ای دینی به‌شمار می‌رود.

آداب و آیین مسجد	ویژگی جامعهٔ دینی
عدم امکان مالک شدن مسجد و حرمت فروش زمین و اموال مسجد	سهم یکسان آحاد جامعهٔ اسلامی از مواهب طبیعی و فقدان مالکیت حاکمان جامعه بر امکانات عمومی
ورود با طهارت به مسجد (حال آنکه غسل بر وارد شوندگان واجب نیست)	پاکی درونی شرط نخست شهروندی جامعهٔ دینی
وجوب همواره پاک نگاه داشتن مسجد از آلودگی‌ها(نجاسات) ودر صورت آلوده شدن مسجد، بلافاصله برای پاکردن آن کوشیدن	تلاش برای پاکی فضای مادی و معنوی جامعهٔ اسلامی
بیهوده سخن نگفتن در مسجد، دوری از عمل بیهوده در مسجد	ضرورت استفادهٔ بهینه از فرصت‌ها در مسیر خداجویی در جامعهٔ دینی
مجاز نبودن ورود غیرمسلمان به درون مسجد	ضرورت حفظ حریم و حرمت جامعهٔ اسلامی
استحباب خارج نشدن از مسجد بعد از شنیدن اذان	ضرورت حساس بودن به شعائر عمومی و فراخوان‌های جامعهٔ اسلامی
پیشی گرفتن بر دیگرن در رفتن به مسجد و تأخیر در خروج از آن	ضرورت تسریع در پیوستن به جامعهٔ اسلامی (جامعه پذیری) و دور نشدن از آن
پوشیدن لباس فاخر و پاکیزه و خوشبو کردن خویش	حفظ زیبایی‌های ظاهر جامعهٔ دینی
کراهت همنشینی و همسایگی و مشورت و برقراری پیوند خانوادگی با کسانی که به مسجد نمی‌روند	لزوم رعایت مرز و اعمال محدودیت‌هایی در برابر کسانی که به ضوابط جامعهٔ اسلامی تعهد لازم ندارند
ایستادن در صفوف نماز جماعت فارغ از موقعیت‌های اجتماعی	عدالت و برابری در جامعهٔ دینی در عین تعدد طبقات و گروه‌های اجتماعی و تفاوت منزلت و جایگاه آنها

آداب و آیین مسجد	ویژگی جامعهٔ دینی
به هم پیوسته در صفوف جماعت، فارغ از موقعیت اجتماعی	وحدت و انسجام و به هم پیوستگی در هر جامعهٔ دینی
نزدیک‌تر ایستادن افرادی که شایستگی جانشینی امام جماعت را دارند، به امام	شایسته سالاری در هرم قدرت هر جامعهٔ دینی
جلوتر و پایین‌تر ایستادن امام به مأمومین	پیشتازی و در عین حال افتادگی و فروتنی پیشوای هر جامعهٔ دینی
برخورداری امام از ویژگی‌های تعیین شده از سوی شرع مقدس و در عین حال مقبولیت مردمی	مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی نظام مدیریت و رهبری در جامعهٔ دینی
در نظر گرفته شدن ضعیف‌ترین نمازگزاران از سوی امام جماعت	ضرورت رعایت حال پایین‌ترین اقشار جامعه در تدبیرها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی
ضرورت نداشتن تبعیت مأمومین از امام، در الفاظ، جز تکبیرةالاحرام	آزادی اظهار نظر محاط به ضوابط شرعی در جامعهٔ اسلامی
ضرورت پیشی نگرفتن مأمومین از امام در اعمال	لزوم تبعیت مردم از حاکمیت در تصمیم‌گیری‌ها
ضرورت تفقد نمازگزاران از یکدیگر	خیرخواهی و مواسات اجتماعی
فراهم آوردن شرایط برای پیوستن تازه واردان به نماز جماعت	ضرورت تسهیل راه‌های جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در جامعهٔ دینی

آنچه در این جدول اشاره شد، برای طرح دیدگاهی دربارهٔ نقش اجتماعی مسجد است و نه فقط از جامعیت برخوردار نیست، بل چه بسا پاره‌ای گزاره‌ها از اتقان لازم برخوردار نباشد و یا مورد پذیرش برخی صاحب نظران قرار نگیرد.

به هر حال به نظر می‌رسد این سخن گزافه نیست که پیامبر با تأسیس مسجد، نمونه‌ای کوچک از جامعهٔ اسلامی را برای بالا بردن سطح بینش و افق دید مردم به‌دست دادند.

این عمل پیامبر ضمن بالا بردن بینش تازه مسلمانان، آنان را با کلان‌نگری و آینده‌نگری و برخورداری از نگاهی استراتژیک مأنوس می‌ساخت، امری که بنابر پیش گفته، امروزه نیز از مهم‌ترین گام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک است.

ی) تمرین شهروندی جامعهٔ اسلامی: گرچه حضور مستمر مسلمانان در مسجد با چنین آداب و احکامی، در درجهٔ نخست به ایشان نگرش کلان به افق آینده می‌داد و آنان را برای مشارکت و مساهمت در ساختن چنین جامعه‌ای آماده می‌ساخت، در عین حال آنان را به‌تدریج به گونه‌ای متناسب با جامعهٔ آرمانی و مطلوب تربیت می‌کرد؛ چراکه مسجدیان آداب شهروندی در هر جامعهٔ دینی را در مقیاسی کوچک‌تر تمرین می‌کردند. این کارکرد مسجد، نقشی مهم در تحقق آرمان‌های کلان دینی برای تحقق جامعهٔ اسلامی داشته است؛ زیرا یکی از راهکارهای اسلام برای تحقق آرمان‌های کلان خود، تکیه بر نمونه‌های خرد و تحقق آن آرمان‌ها در محدوده‌ای کوچک و اثبات امکان‌پذیری آن و سپس تعمیم این تجربهٔ موفق در مقیاسی گسترده‌تر است. از جمله، اسلام برای جامعه‌پذیری مسلمانان در برابر استانداردهای جامعهٔ اسلامی، پیروان خود را از طریق تشویق به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت ـ که نمونه‌ی کوچک جامعه‌ای اسلامی است ـ آمادهٔ حضور در جامعهٔ بزرگ اسلامی می‌نماید. مسلمانان در فضای مسجد، زندگی در جامعه‌ی اسلامی آکنده با خدا محوری، صمیمیت، مواسات و خیرخواهی و معنویت را در محدوده‌ای کوچک آشنا می‌شوند، و با توجه به حضور مستمر در مسجد، عملاً با فرهنگ زندگی در جامعه‌ی دینی انس می‌گیرند؛ و بر این اساس فرهنگ‌سازی در محدودهٔ کوچک مسجد، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ی آرمانی و مطلوب اسلامی محسوب می‌شود.

جمع بندی

در متون دینی اسلامی، مساجد در قالب «خانه‌های خدا در زمین» بسیار گرامی داشته شده است[۱] و پاداش و فضیلت بسیاری برای بنا نهادن مسجد، تعمیر و آبادانی و پر رونق نگاه داشتن

---

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، قم، مؤسسة آل‌البیت لاحیاء التراث، ط ۱، ۱۴۰۹ ق: ج ۵، ص ۲۹۷.

مسجد و آمد و شد به آن درنظر گرفته شده است. به استناد این متون، خداوند برای بناکنندهٔ مسجد، خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند[۱] و آبادکنندگان مسجد نیز با صفاتی مانند ایمان‌آورندگان به خدا و روز جزا و برپادارندگان نماز و پرداخت‌کنندگان زکات و کسانی که جز از خدا نمی‌ترسند، دوستداران مسجد نامید و مساجد را آستان و درگاه خداوند و مبارک خواند و اهل مسجد را برخوردار از ایمان و آراستگی و نگهداری خدایی شمرد چراکه آنان در مسجد به نماز می‌پردازند و خداوند به رفع نیاز ایشان می‌پردازد.[۲] امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در سخنی هشت فایده برای رفتن به مسجد برشمرده‌اند که از جملهٔ آنها پیوند دوستی با مؤمنان و فراگیری دانش سودمند و ترک گناه است.[۳]

شاید رویکردی که در فهم و تبیین کارکردهای مسجد بیان شده است، تبیین‌کنندهٔ راز این همه تأکید بر مسجد و فضایل آن در آیات و روایات و دیدگاه اندیشه ورزانی مانند امام خمینی[۴] باشد؛ براساس چنین درکی از جایگاه مسجد در روند توسعهٔ فرهیختگی و کمال هر جامعهٔ دینی، سزاوار است که اهل مسجد اعم از امامان جماعت و نمازگزاران و دیگر دست‌اندرکاران و نیز مدیران و برنامه‌ریزان جامعهٔ اسلامی بار دیگر به سنجش دیدگاه و تعامل خود دربارهٔ مسجد بپردازند و انشاءالله مساجد کشور ما به سمتی حرکت کنند که نمونه‌ای محسوس و دست یافتنی از جامعهٔ آرمانی اسلامی در مقیاسی خُرد باشند.

---

۱. شیخ حر عاملی، همان: ص ۲۰۳.

۲. نوری، میرزا حسنی، مستدرک‌الوسائل، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق: ج ۳، صص ۳۵۵ ـ ۳۶۳.

۳. صدوق، ابوجعفر محمد، الخصال، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۴۰ / ج ۳، ص ۴۸۳.

۴. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰: ج ۱۷، ص ۶۰ و ج ۱۸، ص ۶۷، و ص ۱۷۹ و ص ۲۷۶.

مسجد و خانواده

▣ سید تقی واردی

▣ چکیده

نگارنده از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات به بررسی رابطه خانواده با مسجد پرداخته. انواع تعامل مسجد و خانواده و رابطه کمی و کیفی را مورد توجه قرار داده، سپس از آثار و فواید حضور خانواده در مسجد لزوم استفاده مفید و مشروع از مسجد و ممنوعیت استفاده‌های ابزاری و ممنوع از مسجد را مطرح و وظایف خانواده در برابر مسجد را برشمرده. در ذیل هر عنوان نکات مفید و سازنده‌ای را مطرح ساخته است.

اشاره

از زمانی که مشیت و اراده خداوند متعال بر این قرار گرفت که انسان به زمین هبوط و با تشکیل خانواده در این کره خاکی زیست نماید، از همان آغاز بشر به جایی که محل عبادت و راز و نیاز با خدا باشد، محسوس بود و بدین جهت انسان‌های موجود آن عصر با پدیده عبادگاه، آشنایی و رابطه ویژه‌ای داشتند و به مروز زمان، عبادت و پرستش خداوند سبحان در جایی به‌نام عبادتگاه یا مسجد، در زندگی انسان‌ها نهادینه شده است.

در تمام ادیان و مذاهب الهی عبادتگاه‌ها، جایگاه ویژه‌ای در نزد پیروان داشتند و از اعتبار و قداست خاصی برخوردار بودند.

هم اینک نیز پیروان ادیان و مذاهب موجود در دنیا، هر یک دارای عبادتگاه ویژه‌ای هستند و با مراجعه به آن‌ها، اعمال عبادی خویش را انجام می‌دهند.

زرتشتیان در آتشکده‌ها، یهودیان در کنشت‌ها، بودائیان و هندوها در معبدها، مسیحیان در کلیساها، و راهبان در دیرها و مسلمانان در مسجدها عبادت‌های خویش را به جا می‌آورند و برای چنین مکان‌هایی اعتبار و قداست ویژه‌ای قائل‌اند.

در میان پیروان ادیان الهی، مسلمانان اهمیتی خاص برای عبادتگاه خود قائل‌اند، به طوری که در هر شبانه روز، پنج و یا حداقل سه بار به آن مراجعه می‌کنند و نمازها و عبادتشان را در آنجا انجام می‌دهند و در حقیقت، بخشی از عمر خود را در مساجد سپری می‌کنند و آن را خانه دوم خود می‌دانند.

در میان مسلمانان، خانواده به عنوان رکن رکین و زیرساخت اصلی و اساسی جامعه، در برقراری ارتباط معنوی و الهی مسلمانان با مسجد، نقشی مهم و منحصر به فرد بر عهده دارد و در هر عصر و نسلی مانع دوری و افتراق با مساجد گردیده است.

در این نوشتار موضوع «مسجد و خانواده» از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام بررسی می‌کنیم و آن را در بخش‌های ذیل پی می‌گیریم.

۱. رابطه خانواده با مسجد؛

۲. تعامل مسجد و خانواده؛

۳. آثار و فواید حضور خانواده در مسجد؛

۴. وظایف خانواده در برابر مسجد؛

۵. استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد؛

۶. استفاده‌های ابزاری و ممنوع از مسجد.

امید است که این گونه نوشته‌ها و تلاش‌ها تأثیر به سزایی در اقبال، و رویکرد خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان و نوجوانان میهن عزیز ما و سراسر جوامع اسلامی به مسجد، این پایگاه سترگ و بزرگ الهی در بر داشته باشد و آنان را از راه‌های انحرافی و فسادانگیز رهایی بخشد و رضایت خداوند سبحان و خرسندی صاحب الامر، حضرت حجة بن الحسن(عج) را در پی داشته باشد.

رابطه خانواده با مسجد

رابطه خانواده با مسجد، از چند جهت شایان بحث و بررسی است. اما در این جا تنها به بررسی رابطه کمی و کیفی می‌پردازیم.

۱ .رابطه کمی

۱.۱) رابطه موقت و محدود: بدین‌گونه که انسان به وقت نیاز و یا در ایام خاص مانند ماه مبارک رمضان به مسجد روی می‌آورد و پس از رفع نیاز و یا پایان ایام خاص، رابطه خود را با مسجد کم و یا حتی ترک می‌کند.

این رابطه خالی از فایده و ارزش نیست، ولیکن مورد توصیه و سفارش الهی نیست و حتی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته است زیرا به این معناست که انسان هرگاه به مصیبت و گرفتاری مبتلا شود، به خدا رو آورد و هنگامی که گرفتاری‌اش برطرف گردد، بار دیگر خدا را فراموش می‌کند. از این رفتار و کردار نکوهیده در چند جای قرآن، از جمله در این آیه شریفه انتقاد شده است:

﴿ **فاذا رکبوا فی الفلك دعوالله مخلصین له الدین، فلما نجیهم الی البر اذا هم یشرکون**﴾.[1]

«هرگاه سوار کشتی شوند، خدا را از روی اخلاص و پاکی می‌خوانند و همین که به خشکی رسند[و از کشتی پیاده گردند] شرک می‌ورزند!».

بی‌تردید هر کس به چنین روش و شیوه‌ای در استفاده و بهره‌مندی از مسجد، روی آورد مورد نکوهش و سرزنش الهی قرار می‌گیرد و بدین جهت باید در حد امکان از آن پرهیز کرد.

۱.۲) رابطه دایم و غیرمحدود: رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مساجد، آن است که حد و حصاری نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه‌ای دیگر برای آنان باشد.

---

۱. عنکبوت / ۶۵.

در قرآن کریم آمده است:

﴿**واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین**﴾.[۱]

«توجه شما در هر مسجدی به او باشد و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص می‌گردانید».

این توصیه الهی بیانگر این معناست که انسان همیشه باید به خدا توجه داشته باشد و از روی اخلاص و نیت پاک، او را بخواند و برای این امر در عبادتگاه و به ویژه در مسجد، تأکید بیشتری شده است و این امر نشان دهنده لزوم حضور شایسته و بایسته مسلمانان در مساجد است.

پیامبر اکرم نیز در روایتی فرمود:

«**من کان القرآن دربته و المسجد بیته، بَنیٰ الله تعالی له بیتا فی الجنة و درجة دون الدرجة الوسطی**».[۲]

«هر کس که قرآن همدم او و مسجد خانه وی باشد، خداوند متعال خانه‌ای در بهشت برای او بنا و درجه‌ای پایین‌تر از درجه وسطی به وی عطا می‌کند».

۲ . رابطه کیفی

۲.۱) رابطه فیزیکی و ظاهری: گاهی اوقات، انسان به مسجد می‌رود و حضور فیزیکی و جسمی در آن پیدا می‌کند، ولی روحش در قید و بند چیزهای دیگر است و فکر و خیال او در عرصه‌های دیگر و خارج از حوزه معنویت و عبادت قرار گرفته است. چنین انسانی، رابطه بی‌حاصل و بی‌ارزش با مسجد برقرار کرده و از کسب ثواب و ارزش‌های معنوی و روحی محروم مانده است. محروم‌تر از او کسی است که در مسجد به کارهای غیرعبادی و حتی گناه آلود بپردازد.

---

۱ . اعراف / ۲۹ .

۲ . الجعفریات، محمد بن محمد بن اشعث: ص ۳۱ ؛ مستدرك الوسائل: ج ۳ ، ص ۳۵۷ .

پیامبر خدا در حدیثی فرمود:

«**الجلوس فی المسجد لانتظار الصلاة، عباده مالم یحدث**».

قیل: یا رسول الله و ما یحدث؟ قال صلی الله علیه و آله:

«**الاغتیاب**».[۱]

«نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادامی که حدثی از او سر نزند».

پرسیده شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه چیزی محدث می‌شود؟ فرمود:

«به غیبت کردن».

آری، غیبت از دیگران و سخن گفتن از کسی که در جمع آنان نیست و پرداختن به شایعات و پر و بال دادن به آن‌ها و یا فرو رفتن در امور دنیوی و فارغ شدن از عبادت و پرستش الهی، منافات با روح عبادت و طاعت الهی دارد و انسان را به مقصود و مقصد نمی‌رساند.

در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آمده است:

«**یأتی فی آخرالزمان اناس یأتون المساجد، فیقعدون فیها حلقا، ذکرهم الدنیا و حب الدنیا، لاتجالسوهم، فلیس لله فیهم حاجه**».[۲]

«در روزگار آخرالزمان، مردمی وارد مسجد می‌شوند و حلقه‌ای برای خویش تشکیل می‌دهند و درباره دنیا و دوستی (مظاهر) دنیا به گفت‌وگو می‌پردازند (و از عبادت و نیایش غافل می‌مانند)، با چنین کسانی هم‌نشینی نکنید. زیرا خدا را (رغبت) و حاجتی به آنان نیست».

۲ . ۲) رابطه معنوی و باطنی: رابطه خانواده با مسجد باید مفید و ثمر بخش باشد و این رابطه، در صورتی برقرار می‌گردد که انسان با همهٔ وجود خود در مسجد حضور پیدا کند و روح و روان خویش را با عطر معنویت و عبادت مسجد، معطر گرداند و علاوه بر حضور فیزیکی

---

۱ . الکافی، شیخ کلینی: ج ۲ ، ص ۳۵۷ .

۲ . تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس: ج ۱ ، ص ۶۹ .

و جسمی، حضور معنوی و باطنی داشته باشد و اندیشه و توجهات او تنها به خدا و خداشناسی و خداستایی مشغول باشد و خود را از هر فکر و خیال دنیوی برهاند.

امام زین‌العابدین علیه‌السلام درباره حضور معنوی در مسجد فرمود:

«والمساجد بیوت الله، فمن سعی الیها فقد سعی الی الله و قصد الیه والمصلی مادام فی صلاته فهو واقف بین یدی الله عزّوجلّ».[1]

«مساجد، خانه‌های خداست. پس هرکسی که به سوی آن‌ها بشتابد، به سوی خدا شتافته و او را قصد کرده است و شخص نمازگزار، مادامی که در حال نماز است، در نزد پروردگار متعال قرار گرفته است».

می‌توان از این حدیث شریف، چنین به دست آورد: انسانی که در مسجد، در حال نماز است و همهٔ توجهات او تنها به سوی خداست و او را از روی اخلاص و ایمان، عبادت و پرستش می‌کند، چنین کسی توفیق لقای الهی یافته و به مقام بس والا و بزرگی نایل شده است.

تعامل مسجد و خانواده

خانواده، نهادی است اجتماعی و مسجد، مکانی است مقدس برای عباد مسلمانان، این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره‌مندند.

معمولاً هرگاه در ارتباط مسجد و خانواده کاوش می‌شود، رابطه یک سویه خانواده با مسجد بررسی می‌شود، در حالی که می‌توان ارتباط بین این دو نهاد مهم را دو جانبه در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هر یک در دیگری را در معرض بحث و بررسی گذاشت. در این جا به نمونه‌هایی از تعامل مسجد و خانواده اشاره می‌کنیم:

۱. وقف زمین برای مسجد: از موارد مفید و مهم تعامل خانواده با مسجد، اقدام این نهاد اجتماعی در وقف کردن زمین ملکی برای احداث مسجد است.

مسلمانان به پیروی از پیشوایان و امامان معصوم علیهم‌السلام از صدر اسلام تاکنون در این زمینه پیشتازند و از این سنت حسنه آنان در وقف زمین‌های خود برای مسجد است که شاهد شکوفایی این همه مسجد در سراسر جهان هستیم.

---

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق: ج ۱، ص ۱۹۹.

بدین لحاظ، خانواده‌هایی که توانایی مالی ساختن مسجد و یا فرصت و قدرت اداره کردن آن را ندارند، ولی زمینی دارند که برای ساخت مسجد کفایت می‌کند، می‌توانند آن قطعه زمین را برای احداث مسجد وقف کنند، تا زمینه‌ای برای دیگر مسلمانان فراهم گردد و آنان برای ساختن آن اقدام کنند.

وقف که معنی و مفهوم آن عبارت است از متوقف ساختن مالکیت خصوصی و شخصی و اقدام به عمومی کردن منافع آن در راه خدا برای استفاده دائمی مردم، دارای احکام فقهی و شرعی ویژه‌ای است که در کتب فقهی علما و رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده است و دربارهٔ آن، سفارش و توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله این که در خبر صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است:

«لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاته فهی تجری بعد موته و سنه هدی سنها فهی یعمل بها بعد موته و ولد صالح یدعوا له».[1]

«انسانی که از دنیا می‌رود، دستش از تحصیل اجر و پاداش (کارهای دنیا) کوتاه می‌گردد مگر کسی که سه چیز از او به یادگار مانده باشد:

۱. کار خیری که در حیاتش آن را بنیان نهاده باشد و پس از وفات او به همان حال باقی بماند.

۲. سنت و شیوه هدایت گری که در حیاتش نهاده باشد و پس از وفات وی نیز به آن عمل گردد.

۳. فرزند صالح و شایسته‌ای از خود به جا گذاشته باشد که پس از وفات برای او دعا و طلب مغفرت نماید».

بی‌تردید آگاهی خانواده‌ها از این گونه احادیث، موجب رغبت بیشتر آنان به وقف کردن زمین‌های ملکی برای احداث مسجد می‌گردد. به ویژه اگر بدانند که در نزد خداوند متعال از چه جایگاه و منزلتی برخوردار می‌گردند.

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۷، ص ۵۶؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی: ج ۱۶، ص ۱۷۴.

امام جعفرصادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«ما من مسجد بنی، الا علی قبر نبی أو وصی نبی قتل، فاصاب تلك البقعة رشة من دمة، فاحب الله ان یذکر فیها».[۱]

«هیچ مسجدی بنا نمی‌گردد، مگر این که بر روی قبر پیامبر یا وصی پیامبری که به شهادت رسیده باشد قرار گیرد. پس به این مکان، قطره‌ای از خون وی اصابت کرده است و خداوند سبحان دوست دارد که در این مکان، ذکر و نیایش وی انجام گیرد.»

بنابراین، می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که پدیده وقف، چه جایگاه مهمی در احداث مساجد دارد و خانواده‌های متدین و مؤمن چه نقش آفرینی‌هایی می‌توانند در این راه داشته باشند.

۲. ساخت و ساز مسجد: خانواده‌های مسلمان و متدین در ساخت و مرمّت مسجد، نقشی مهم برعهده دارند. آن‌ها با اختصاص بخش‌هایی از مایحتاج زندگی خویش برای ساخت و یا مرمّت مسجد، در این امر خداپسندانه سهیم می‌گردند و از این راه، ایمان و هدایت خویش را به منصه ظهور می‌رسانند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر﴾.[۲]

«مشرکان را لیاقت آن نباشد که مساجد خدا را آباد کنند، همان‌هایی که به کفر خود گواهی دهند».

این آیه نشان می‌دهد که مرمت مساجد و یا ساخت و ساز آن، توفیقی است از جانب خدا که نصیب کافران و مشرکان و بی دینان نمی‌شود، بل این توفیق الهی تنها سزاوار مؤمنان و خانواده‌های متدین و خداجوست که به جز خدا، به چیزی دیگر نمی‌اندیشند.

---

۱. بحارالانوار، مجلسی: ج ۱۴، ص ۴۶۳.
۲. توبه / ۱۷.

خداوند سبحان در دنباله همان آیه می‌فرماید:

﴿انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر واقام الصلاة و آتی الزکاة و لم یخش الا الله، فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین﴾.[۱]

«همانا آنانی که ایمان به خدا و آخرت دارند و نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به غیر از خدا از کسی نمی‌ترسند، مساجد خدا را آباد می‌کنند. پس امید است این گروه از مؤمنان، جزو هدایت شدگان قرار گیرند».

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز درباره فضیلت ساخت مسجد فرمود:

«من بنی مسجدا فی‌الدنیا أعطاه الله بکل شبر منه [بکل ذراع منه] مسیرة اربعین الف عام مدینة من ذهب و فضة و در ویاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ».[۲]

«هر کسی در دنیا مسجدی بنا نماید، خداوند متعال به مقدار هر وجب آن [و به نقلی فرمود: به مقدار هر ذراع آن] به اندازه پیمودن چهل هزار سال، شهری به وی عطا می‌کند که همهٔ آن از طلا، نقره، مروارید، یاقوت، زمرد، زبرجد و لؤلؤ باشد».

آن حضرت در روایت دیگر فرمود:

«من ابتنی لله مسجداً و لو مثل مفحص قطاة، بنی الله له بیتا فی الجنة».[۳]

«کسی‌که‌برای خداوندمسجدی بسازد،اگرچه به‌مانند آشیانه‌پرنده‌ای باشد، خداوند متعال خانه‌ای برای او در بهشت بنا خواهد نمود».

---

۱. توبه / ۱۸.
۲. ثواب الاعمال، ابوحنیفه مغربی: ج ۱، ص ۱۵۰.
۳. دعائم الاسلام، ابوحنیفه مغربی: ج ۱، ص ۱۵۰.

در باره ساخت مسجد و یا مرمت و بازسازی آن، آیات و روایات فراوانی وجود دارد، که همهٔ آن‌ها مسلمانان متعهد و خانواده‌های دین مدار را تشویق و توصیه به این امر خداپسندانه می‌نمایند و با ایجاد اراده و عزم جدی در وجدان مسلمانان، آنان را در همهٔ شهرها و روستاها وادار به ساخت چنین پایگاه و مکانی مقدس می‌نمایند و از این راه جلوه‌ای زیبا و بی‌بدیل از یکتاپرستی و خداگرایی در جوامع بشری به وجود می‌آورند.

اما در این زمینه، توجه به این نکته برای سازندگان مساجد ضروری است که مسجد را باید طوری ساخت که از لحاظ مهندسی از استحکام و مقاومت در برابر بلایای طبیعی برخوردار و از نظر فضا، از هوا و نور کافی بهره‌مند و دارای امکانات فرهنگی و تسهیلات روز باشد و در محدوده طرح‌های شهرداری و زیباسازی شهری قرار نگیرد و از جنبه معماری نیز معیارهای اسلامی و ذوق و هنر دینی در آن محسوس و روبه قبله و دقیقاً به سمت آن (خدا) باشد.

۳. اداره مسجد و تصدی امور آن: علاوه بر ساخت و ساز مسجد جدید و مرمت مسجدهای قدیمی و فرسوده، نقش خانواده‌ها در اداره مسجد و تصدی امور آن نیز می‌تواند بسیار برجسته و چشمگیر باشد، زیرا مسجد به خودی خود نمی‌تواند در اصلاح اخلاق و بازسازی روحی و روانی انسان تأثیرگذار باشد بل این متولیان و متصدیان امور آن هستند که از طریق مسجد و با بهره‌مندی از فضای مقدس و ملکوتی آن، نقش مسجد را در جامعه برجسته و فایده‌مند می‌نمایند.

متصدیان مساجد برای شادابی و طراوت این مکان مقدس و جذابیت آن برای اقشار گوناگون مردم، به ویژه جوانان، وظایف ذیل را برعهده دارند:

۱. ۳) نظافت و پاکیزگی مسجد: مسجد نیز به مانند سایر بناها و ساختمان‌ها، نیاز به مراقبت و نظافت دارد. چون رفت و آمد مردم در آن همیشگی و نامحدود است، باید نظافت و پاکیزگی آن نیز همیشگی و دایمی باشد و متصدیان امر آن، از ادای چنین وظیفه مهمی احساس خستگی نکنند و خود راکنار نکشند، به ویژه در اوقاتی که حضور مردم در آن بیشتر و چشمگیرتر است مانند روزهای جمعه و هنگام برپایی نماز جمعه و یا عیدها و هنگام برگزاری جشن‌های دینی و مذهبی و یا مراسم عزاداری و سوگواری و یا برای جلسات وعظ و خطابه.

در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

من کنس المسجد یوم الخمیس و لیلة الجمعة، فاخرج منه من التراب مایذر فی العین، غفر الله تعالی له».[۱]

«کسی که در روز پنج شنبه و شب جمعه، مسجد را نظیف و خاک و خاکروبه‌ای را که به چشم می‌آید بیرون بریزد، خداوند سبحان گناهانش را می‌آمرزد».

خانواده‌های متدین و محترم باید توجه داشته باشند که فضای بیرونی، حیاط و دیوارهای مسجد، فضای درونی، درها و پنجره‌ها، پرده‌ها، فرش‌ها، سجاده‌ها و هر چیزی که در مسجد استفاده می‌شود، باید از آن‌ها مراقبت به عمل آید و در صورتی که نیاز به نظافت دارند، اقدام به نظافت و پاکیزه کردن آن نمایند.

۲. ۳) روشن نگه داشتن مسجد: مسجد باید همیشه برای عبادت‌کنندگان مهیا و درهای آن باز و چراغ هایش روشن باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

«من أسرج فی مسجد من مساجد الله سراجا لم تزل الملائکة و حملة العرش یستغفرون له مادام فی ذلك المسجد ضوء من ذلك السراج».[۲]

«کسی که در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفروزاند، مادامی که مسجد از نور آن روشن است فرشتگان و حاملان عرش پیوسته برای او طلب مغفرت می‌کنند».

بی‌تردید مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله در روشن کردن مسجد، برپا داشتن آن برای عبادت است، که در آن عصر نمونه برجسته آن روشن نگه داشتن مسجد بود. ولی امروز، نیازهای دیگری نیز به آن افزوده می‌شود، مانند وسایل سرمازا و گرمازا، تلفن، آب، کتابخانه، و حتی رایانه و خطوط اینترنتی. متصدیان مساجد باید به این گونه قضایا نیز توجه کافی داشته باشند.

---

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق: ج ۱، ص ۲۳۳؛ التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۵۴.
۲. التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۶۱؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی: ج ۵، ص ۲۴۱.

۳ . ۳) جلوگیری از حضور برخی اقشار: مسجد خانه دوم همه مسلمانان و مؤمنان است و ورود همگان در آن آزاد و بلامانع است، ولیکن در ورود برخی از اقشار، از جمله مجانین و دیوانگان و همچنین کودکان خردسال و غیر ممیز که نمی‌توانند نظافت و حرمت مسجد را نگه دارند، باید تأمل گردد.

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

«**جنبوا مساجدکم صبیانکم و مجانینکم**».[۱]

«مساجد خود را از دسترس کودکان خردسال و دیوانه‌هایتان دور نگه دارید».

هم چنین مردان و زنانی که نیاز به غسل جنابت دارند و یا خانم هایی که در ایام عادت ماهانه به سر می‌برند، حضورشان در مسجد جایز نیست. مگر این که از دری وارد و بی‌درنگ از در دیگر خارج شوند.[۲]

آثار و فواید حضور در مسجد

در تعامل مسجد و خانواده، مواردی را که بازگوکننده نقش خانواده در ایجاد و اداره مسجد و طراوت و شادابی آن بود برشمردیم ولی نقش متقابل مسجد در ایجاد تغییر و تحول در اخلاقیات و روحیات انسان را در این بخش بررسی می‌کنیم:

اصولاً برای حضور خانواده‌ها و افراد مؤمن در مساجد، آثار و فواید فراوانی وجود دارد که تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. تهذیب نفس: انسان‌ها در رهایی از بند شیطان و رسیدن به‌کمال و درجات عالی انسانی نیاز مبرم به زدودن گناه و آلودگی‌های روحی و روانی از جسم و جان خود دارند و در این راه مسجد می‌تواند بهترین جایگاه تفکر و بازگشت به خویشتن باشد و انسان‌ها را به مقصودشان

---

۱ . التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۵۴ .
۲ . ر.ک: به رساله عملیه مراجع تقلید، بخش احکام جنابت.

برساند. نقش مسجد در این امر مهم بسیار کارساز و برجسته است و در حقیقت، خانواده‌ها مدیون مساجدند زیرا دین و مذهب خود را در مساجد می‌شناسند و در این اماکن مقدس با پروردگار خویش راز و نیاز و روح و روان خویش را از آلودگی‌ها تصفیه و تزکیه می‌نمایند و با استغفار و توبه راه تقرب الی الله را می‌پیمایند.

۲. ایمنی از بلاها و گرفتاری‌ها: نظر به این که خانواده، در ساخت و ساز مسجد، نهایت دقت را به عمل می‌آورند و استحکام آن را مد نظر قرار می‌دهند و بنایی محکم‌تر و مستحکم‌تر از بناهای دیگر خویش می‌سازند، معمولاً ساختمان‌های مساجد پناهگاه و مأمن مؤمنان و مسلمانان در ایام سختی‌ها و گرفتاری‌ها است. هم چنین از لحاظ اجتماعی هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت یا با مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه رو می‌شوند، مساجد را بهترین پناهگاه و آسایشگاه خویش می‌یابند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«**اذا انزلت العاهات و الآفات، عوفی اهل المسجد**».[1]

«هرگاه بلاها و گرفتاری‌ها نازل شوند، اهل مسجد در عافیت و امنیت خواهند ماند».

نمونه عینی مصداق این حدیث شریف را در زمان خودمان (یعنی در اواخر سال ۱۳۸۳) در «سونامی» جنوب شرق آسیا، به ویژه در کشور مسلمان‌نشین اندونزی ملاحظه کردیم.

از طریق رسانه‌های جمعی دیدیم و شنیدیم که بر اثر زلزله شدید و طوفان سهمگین دریا، بسیاری از شهرها و روستاها با خاک یکسان شد و بیش از دویست هزار تن کشته و بیش از آن زخمی شدند و میلیون‌ها تن خسارت دیدند و بلازده شدند، اما با شگفتی تمام، همگان دیدند که تنها ساختمان‌هایی که باقی ماندند و در این حادثه عظیم صدمه ندیدند و هم چنان سرپا بودند و پناهگاه سیل زدگان و آوارگان قرار گرفتند، همین مساجد بودند.

۳. کسب رضایت پروردگار: حضور خانواده‌ها در مسجد، موجب رضایت پروردگار سبحان از آنان می‌گردد و بردرجه قرب ایشان می‌افزاید.

---

۱. اصل زید النرسی، (الاصول الستة عشر): ص ۴۵.

امیرمؤمنان، امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فرمود:

«الجلسة فی الجامع خیر من الجلسة فی الجنة، لان الجنة فیها رضی نفسی، و الجامع فیه رضی ربی».(۱)

«نشستن در مسجد برای من بهتر از نشستن در بهشت است. زیرا نشستن در بهشت مایه خشنودی نفس انسان است ولی نشستن در مسجد، موجب خرسندی خدای سبحان است».

٤. گشایش امور: با حضور انسان در مسجد و راز و نیاز با پروردگار متعال و دل سپردن به وی از روی اخلاص و نیت پاک، بسیاری از معضلات و مشکلات وی، راه حل پیدا می‌کند و اندکی بعد، خود به خود همهٔ مشکلات وگرفتاری‌ها رفع می‌گردد وگشایش و راحتی در امور پدید می‌آید.

امام جعفر صادق علیه‌السلام در این باره فرمود:

«من مشی الی المسجد، لم یضع رجلا علی رطب و لا یابس الا سبحت له الارض الی الارضین السابعة».گ

«هر کس به سوی مسجدی حرکت کند، بر هیچ‌تر و خشکی گام نمی‌نهد، مگر این که از این زمین تا زمین هفتم، راه‌ها بر روی او گشوده گردد».

۵. افزایش حسنات وکاهش سیئات: رفتن به مسجد و بهره‌مندی از فضای عبادی و عرفانی آن، موجب افزایش حسنات و پاداش اخروی وکاهش سیئات و یا محوکلی آن می‌گردد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«من مشی الی المسجد من مساجد الله، فله بکل خطوة خطاها حتی یرجع الی منزله عشر حسنات و محی عنه عشر سیئات و رفع له عشر درجات».(۲)

---

۱. فلاح المسائل، سید بن طاووس: ص ۹۰.

گ. التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۵۵.

۲. ثواب الاعمال، شیخ صدوق: ص ۳۴۳.

«هر کس به جانب مسجدی از مسجدهای خدا برود، برای هرگامی که بر می‌دارد تا آن هنگامی که به خانه‌اش برگردد، ده حسنه برای او ثبت و ده سیئه و گناه از او محو و ده درجه بر جایگاه وی نزد خداوند افزوده می‌شود».

۶. رسیدن به فواید هشتگانه: اصبغ بن نباته، که از یاران و اصحاب نزدیک امیرمؤمنان علیه‌السلام بود، از آن حضرت روایت کرد:

«هر که در مسجدی رفت و آمد داشته باشد، به یکی از این فواید هشتگانه نایل خواهد شد:

۱. برادر دینی که او را در راه کسب رضای خداوند یاری کند.

۲. دانشی که راه‌گشا باشد.

۳. نشانه و آیه‌ای که استوار باشد.

۴. شنیدن سخنی که او را به راه راست هدایت‌گر باشد.

۵. شنیدن کلامی که او را از تباهی و فساد باز دارد.

۶. دستیابی به سنت و شیوه‌ای که پیروی شده باشد.

۷. رسیدن به رحمتی که منتظر آن بوده است.

۸. گناهی را از روی خوف و خشیت الهی و یا از روی شرم و حیا ترک کند».[1]

۷. آگاهی از احوال یکدیگر: از جمله مشکلات مهم جامعه اسلامی، بی‌خبری و ناآگاهی مسلمانان از وضعیت و گرفتاری‌های دیگران است که از این راه، صدمات و خسارات‌های فراوانی به آنان وارد می‌گردد. آنانی که از قدرت و یا ثروت سهمی دارند و به اصطلاح گلیم خویش را از آب بیرون می‌کشند، تنها به خود و خانواده خویش می‌پردازند و همهٔ راحتی

---

۱. فلاح السائل، سید بن طاووس: ص ۹۰.

و آسایش را برای خود طلب می‌نمایند. بدون اینکه دیگر مؤمنان و مسلمانان را در نظر داشته و در فکر و اندیشه برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های آنان باشند.

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله این مسئله را آن قدر مهم و خطیر دانست و به مسلمانان درخصوص آن هشدار داد که گویا مسلمانی را به آن منوط و مشروط نمود.

آن حضرت در حدیثی فرمود:

«**من اصبح و لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم**».[۱]

هم چنین در جای دیگر فرمود:

«**من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم**».[۲]

به هر روی، حضور خانواده‌ها در مساجد و ملاقات با یکدیگر، در این مکان مقدس، می‌تواند این نقیصه را برطرف کند و آنان را از وضعیت یکدیگر آگاه و زمینه اقدام عملی افراد صاحب ثروت و یا صاحب قدرت، برای رفع گرفتاری‌های بیچارگان و مستمندان را فراهم کند.

وظایف خانواده در برابر مسجد

برای برخورداری از مساجدی با طراوت و نمازگزاران بسیار و مفید برای جامعه که موجب سرافرازی و سربلندی مسلمانان و مکانی مقدس برای تصفیه روح و روان آدمی و اصلاح و ارتقای اخلاق و کمالات انسانی باشد، مواردی در بخش «تعامل مسجد و خانواده» بیان شد؛ اینک مواردی به عنوان وظایف خانواده در برابر مسجد ذکر می‌گردد:

۱. ادای حق مسجد: مسجد، به عنوان پدیده‌ای مقدس و برخاسته از درون اسلام، بر عهده همه مسلمانان، به‌ویژه خانواده‌های متدین و مذهبی، حق بزرگی دارد و ادای حق آن بر همگان لازم و واجب است. حق مسجد آن است که برای آن اهمیت قائل شویم و توجه خاصی به آن کنیم و در آن همیشه رفت و آمد داشته باشیم و با حضور در آن، نمازهای خود را به جا آوریم و خدای سبحان را تسبیح و تقدیس نماییم. امام جعفر صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۲، ص ۱۶۴.
۲. همان: ص ۱۶۳.

«**ثلاثة یشکون الی الله عزوجل: مسجد خراب لایصلی فیه اهله و عالم بین جهال و مصحف معلق قد و قع علیه الغبار لایقرأ احد**».[۱]

«سه چیز در نزد پروردگار متعال [در روز قیامت]شکایت می‌کنند:

۱ . مسجدی که خراب شده باشد و مردم در ان نماز نخوانند.

۲ . عالم و دانشمندی که در میان جاهلان و نادانان قرار گرفته باشد.

۳ . قرآنی که معطل مانده و گرد و غبار بر آن نشسته باشد و کسی آن را تلاوت نکند».

در این حدیث شریف، از استقبال نکردن مسلمانان به حضور در مسجد و نخواندن نماز و به‌جا نیاوردن سایر عبادات در آن و در حقیقت به ادا نکردن حق آن، اعتراض شده است. ولی باید توجه داشت که در میان مسلمانان گاهی مساجدی مجلل و با شکوه ساخته می‌شود اما استفادهٔ بهینهٔ عبادی از آن به عمل نمی‌آید. این‌گونه مساجد که در مناطق ثروتمندنشین بیشتر به چشم می‌خورد، از نظر آبادی و عمران، خراب نیستند و حتی حضور مردم در آن چشم‌گیر است ولیکن از لحاظ معنوی، بی پایه و خراب‌اند.

امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فرمود:

«**یأتی علی الناس زمان لایبقی فیهم من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه و مساجدهم یومئذ عامرة من البناء، خراب من الهدی، سکانها وعمارها شر اهل الارض**».[۲]

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار از نظر ساختمان آباد، اما از نظر هدایت ویران است. مسجدنشینان و سازندگان آن بناهای شکوهمند، بدترین مردم زمین‌اند».

---

۱ . الکافی، شیخ کلینی: ج ۲ ، ص ۶۱۳ .

۲ . نهج‌البلاغه، سید رضی: حکمت ۳۶۹ .

با این بیان روشن می‌شود که ادای حق مسجد، به این است که مسلمانان با صفای قلب و مهربانی با یکدیگر و با اجتناب از هرگونه حقد و کینه‌توزی و دشمنی علیه سایر مؤمنان و مسلمانان، تنها برای رضای خداوند متعال و عبادت و پرستش وی در مساجد حضور چشم‌گیر داشته باشند و با نفس‌های گرم و معنوی خویش به آن شادابی بخشند.

۲. پرهیز از امور غیرعبادی: مسجد، برای عبادت و بندگی خداوند سبحان است. اگر سخنرانی‌های مذهبی، مراسم دعا و مرثیه‌خوانی، قضاوت و داوری و چیزهایی از این قبیل در آن انجام گرفته و یا می‌گیرد، باید همه آن‌ها در راستای عبادت و دعوت به معنویت باشد. اما پرداختن به امور دنیوی و کارهایی که با روح عبادت و معنویت منافات داشته باشد، در درون مسجد ممنوع و غیر مجاز است. در منابع روایی آمده است:

«یأتی فی آخرالزمان اُناس یأتون المساجد فیقعدون فیها حلقا، ذکرهم الدنیا و حب الدنیا، لاتجالسوهم. فلیس لله فیهم حاجة».[۱]

«از اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام وارد شده است: در دوره آخرالزمان، مردمی پیدا می‌شوند که در مساجد حضور پیدا می‌کنند و حلقه‌ای در آن تشکیل می‌دهندکه گفت‌وگوی آنان دنیوی و دوستی دنیاست. [شما] با آنان هم‌نشینی نکنید، زیرا خدا را (به آنان رغبت و) به آنان حاجت نیست».

هم‌چنین مسجد را نباید به محلی برای خرید و فروش کالا و یا محلی برای انعقاد پیمان‌های تجاری و بازرگانی و یا نوشتن قولنامه‌ها و چیزهایی از این دست، تبدیل کرد.

امام جعفر صادق علیه‌السلام دراین باره فرمود:

«جنّبوا مساجدکم البیع و الشراء».[۲]

«مساجد خود را از خرید و فروش (کالا و اجناس) دور نگه دارید».

۳. آراستگی ظاهر و جسمی: علاوه برآمادگی روحی و معنوی، از لحاظ ظاهری و جسمی نیز باید هنگام رفتن به مسجد مرتب و پاکیزه و آراسته بود.

---

۱. تنبیه الخواطر، ورام بن ابی‌فراس: ج ۱، ص ۶۹.
۲. الکافی، شیخ کلینی: ج ۳، ص ۲۵۴.

امام جعفر صادق علیه‌السلام در روایتی فرمود:

«در شبی سرد، خدمتکار امام زین العابدین علیه‌السلام به نزدش رسید و دید آن حضرت بهترین لباس‌ها و عمامه‌ها را پوشیده و خود را به عطرهای خوش بو، معطر کرده و از هر جهت خود را آماده و مهیا نموده است».

از وی پرسید: فدایت شوم، در این وقت شب با این هیأت و شکوه، به کجا تشریف می‌برید؟ فرمود:

«الی مسجد جدی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، اخطب الحور العین الی الله عزوجل».[۱]

«قصد مسجد جدم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نمودم، تا حورالعین را از خدا خواستگاری کنم».

بنابراین، پوشیدن لباس نظیف و تمیز، خوش بو کردن لباس و بدن و اصلاح سر و صورت از جمله وظایف خانواده‌ها هنگام رفتن به مسجد است.

هم‌چنین باید از چیزهایی که کراهت و نفرت دیگران را در پی دارد، مانند خوردنی‌هایی که بوی بد تولید می‌کنند و یا استعمال دخانیات مانند سیگار و یا پوشیدن لباس‌های زننده وامثال آن، پرهیز کرد. محمد بن مسلم گفت: ازامام‌باقر علیه‌السلام پرسیدم‌که خوردن سیر چه حکمی دارد؟ فرمود:

«همانا پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به لحاظ بوی آن، از خوردن این خوراکی ناخوشایندنهی می‌نمود. پس (بعد از خوردن آن) به مساجد ما نزدیک نشوید. اما اگر کسی آن‌را تناول کند و وارد مسجد نشود، اشکالی ندارد».[۲]

٤. برطرف کردن آلودگی‌ها: خانواده‌ها باید توجه داشته باشند که در و دیوار و فرش‌ها و فضای درونی و بیرونی مسجد به هیچ وجهی به ناپاکی و نجاست آلوده نگردد و اگر چنین اتفاقی به وقوع پیوندد و جایی از مسجد و یا چیزی از آن آلوده گردد، بی‌درنگ باید رفع آلودگی شود.

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۶، ص ۵۱۷.
۲. همان: ص ۳۷۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«**جنبوا مساجدکم النجاسة**».[۱]

«ناپاکی‌ها و نجاست‌ها را از مسجدهای خود دور کنید».

ابی بن‌کعب روایت کرد: پیامبر بر دیوار مسجد ،آب دهانی دید که بر آن چسبیده بود، آن حضرت با پارچه‌ای آن را پاک و تمیز کرد و آن پارچه را به بیرون انداخت و جای آن قسمت را با عطر (و یا زعفران و یا ورس [بوته‌ای شبیه زعفران]) خوش بو نمود.[۲]

به هر روی چه چیزهایی که مسجد را به نجاست آلوده می‌کنند و چه چیزهایی که مسجد را نجس نمی‌کنند ولی طبع از آنها اکراه داشته و ناخوش آیند باشند، باید از مسجد پاک گردد.

۵. آرامش صوتی: مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خداوند است. لذا باید از آرامش خاصی بهره‌مند باشد. از این رو مؤمنانی که وارد مسجد می‌شوند، لازم است در خواندن نماز، قرآن و دعا و مناجات، صدای خویش را بلند نکنند و اعمال خود را در حدی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، به طور آهسته انجام دهند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصایای خود به ابوذر غفاری فرمود:

«**یا اباذر، من أجاب داعی الله و احسن عمارة مساجد الله، کان ثوابه من الله الجنّة**».

فقلتُ: کیف یعمر مساجد الله؟ قال صلی الله علیه و آله:

«**لاترفع فیها الاصوات ولایخاض فیها بالباطل**».[۳]

«ای ابوذر، کسی که دعوت خدا را اجابت نماید و در ساخت مساجد خدا، خوب عمل کند، پاداش او از جانب پروردگار متعال، بهشت است».

ابوذر پرسید: چگونه می‌توان مساجد خدا را آباد ساخت؟

---

۱. تذکرة الفقهاء، علامه حلی: ج ۱ ، ص ۹۱ .
۲. تاریخ المدینة، ابن‌شبه نمیری: ج ۱ ، ص ۲۴ .
۳. بحارالانوار، مجلسی: ج ۷۷ ، ص ۸۵ .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«(خوب ساختن مساجد خدا به این است که) در مساجد، صداها بلند نشود و در آن‌ها (با گفت و گوهای بی حاصل) در باطل فرو نروند».

البته باید توجه داشت که منظور از آلودگی صوتی در مساجد، گفت‌وگوهای بی‌حاصل و یا بحث‌ها و مجادله‌های باطل است که با روح عبادت، تفکر و اندیشیدن درباره خدا و قیامت، منافات دارد و مزاحمتی برای عبادتگران به وجود می‌آورد. اما مباحثه‌های علمی و مذهبی، سخنرانی‌ها و خطابه‌های اخلاقی و برگزاری مراسم عمومی که هرماه با صدا و حتی صدای بلند باشد و منفعت آن به عموم عبادت‌کنندگان برسد، منعی در انجام دادن آن‌ها نیست. زیرا این‌گونه اعمال در راستای تبلیغ دین و معنویت است و اجر و پاداش اخروی نیز دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام، و اسلاف صالح ما شیعیان از این شیوه تبلیغ بسیار استفاده و مردم را ارشاد و به صراط مستقیم هدایت می‌کردند.

استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد

خانواده‌ها می‌توانند بیشترین فواید و فیوضات معنوی را از مساجد کسب کنند و در این مکان مقدس، روح و روان خود را از سرچشمه زلال و پاک عبودیت و عرفان، سیراب نمایند.

مناسب است، به برخی از فیوضات و بهره وری‌های معنوی خانواده‌ها از مسجد اشاره کنیم:

۱. برپایی نماز: مسجد، مکانی مقدس برای عبادت و کسب معنویت است و مسلمانان بهتر است همه نمازها، اعم از واجب و مستحب را در این مکان‌ها به‌جا آورند و به این مسئله توجه داشته باشند که پاداش فراوانی برای خواندن نماز در مسجد وجود دارد که در سایر اماکن بدان مقدار نیست. حتی در مساجد مخالفان و طایفه‌های اسلامی غیرشیعی نیز می‌توان حضور یافت و در آن‌ها نماز خواند زیرا در این باره نیز پیشوایان معصوم علیهم السلام سفارش کرده‌اند.[۱]

۲. نماز جماعت: خواندن نماز جماعت، فضیلت و پاداش بی‌شماری دارد و سفارش‌های

---

۱. بحارالانوار، مجلسی: ج ۷۷، ص ۸۵.

بسیاری در دین مقدس اسلام در برپایی نماز جماعت و حضور مؤمنان در آن شده است. مسلماً برپایی نماز جماعت، در مسجد و حضور در آن، ثواب و پاداش بیشتری خواهد داشت لذا خانواده‌های متدین تلاش کنند نمازهای یومیه خود را در مساجد به جماعت برگزار کنند و از نماز خواندن به صورت فرادا خودداری نمایند.

۳. طلب حاجت: امام صادق علیه‌السلام فرمود: پدرم امام باقر علیه‌السلام هرگاه می‌خواست حاجتی را از خداوند متعال درخواست نماید. به هنگام ظهر، مقداری صدقه می‌داد و سپس خود را خوش بو می‌نمود و عازم مسجد می‌گردید و در آن جا هر چه می‌خواست از خداوند متعال درخواست می‌نمود.(۱)

٤. ذکر خدا: تسبیح و ذکر خداوند سبحان، از جمله اعمالی است که درخصوص انجام دادن آن در مساجد سفارش شده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: مردی به محضر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرض کرد: **من خیر اهل المسجد؟** چه کسی از اهل مسجد، بهتر از دیگران است؟

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«**اکثرهم لله ذکرا**».(۲)

۵. وعظ و خطابه: برگزاری مراسم سخنرانی مذهبی و دینی در راستای ارشاد مسلمانان و آشنایی با احکام دین اسلام و مکتب حیات بخش اهل بیت علیهم‌السلام، از فیوضات گران‌سنگ مساجد برای خانواده‌ها به شمار می‌آید و لازم است در اجرای آن‌ها دقت کافی و به‌نحو مطلوب استفاده شود. در این راستا مبلغان دینی و روحانیان معظم می‌توانند بیشترین بهره‌برداری معنوی را از این فرصت‌ها بکنند.

۶. تلاوت قرآن کریم: تلاوت قرآن کریم، در هر جایی ممکن و مفید است، ولی بهترین و مقدس‌ترین جای آن، مسجد است که خانواده‌های متدین از این فضای منوّر و روحانی، استفاده کامل و قرآن را به صورت فردی و یا به صورت جمعی تلاوت و در معانی آن تدبر

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۳، ص ۴۷۷.
۲. همان: ص ۴۷۸.

می‌کنند. استادان قرائت قرآن نیز تلاش کنند، در آموزش روخوانی و قرائت آن، خانواده‌ها به ویژه نوجوانان و جوانان را یاری دهند و قلوب پاکشان را با کلام خدا آشنا کنند. هم چنین روحانیان معظم و مفسران قرآن کریم برای توضیح و تفسیر آیات، از مساجد و فضای روحانی و عرفانی آن استفاده کنند.

۷. اعتکاف در مساجد: یکی از سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان، اعتکاف آن حضرت در مسجد است. اعتکاف، از جمله اعمال عبادی است که با حضور در مسجد و باقی ماندن در آن به مدت سه شبانه روز و گرفتن روزه در هر سه روز و خارج نشدن از مسجد مگر در مواقع ضروری محقق می‌شود.

انسان معتکف در این مدت فرصتی به دست می‌آورد تا با تفکر و تدبر در رفتار و کردار خویش، درصدد ترمیم نارسایی‌های اخلاقی و کرداری خویش برآید و با عبادت و راز و نیاز، روح و روان خود را صفا بخشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ماه مبارک رمضان، به ویژه در دهه سوم آن، در مسجد معتکف می‌شد.[1] و این سنت در میان امامان معصوم علیهم السلام و مسلمانان نیز تداوم یافت و هم اکنون در ایران اسلامی و برخی از مناطق شیعه‌نشین جهان، در روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب هر سال، متدینان و عبادت پیشه گان به مساجد می‌روند و به مدت سه شبانه روز معتکف می‌شوند. شایان توجه است که حضور جوانان، به ویژه دختران و پسران دانشجو در این مراسم عبادی چشم‌گیر است.

استفاده‌های نامشروع و غیرمجاز از مسجد

در استفاده از مساجد باید توجه داشت که هر کار ممکن را نمی‌توان در مسجد انجام داد، و در واقع انجام دادن برخی از کارها در مسجد ممنوع است که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. استفاده ابزاری از مسجد: نظر به استقبال عمومی مسلمانان از مسجد و توجه ویژه آنان

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۴، ص ۱۷۵.

به این مکان مقدس، ممکن است عده‌ای بخواهند از آن و از فضای معنوی آن در راستای اهداف شخصی، حزبی و جناحی خود بهره‌برداری کنند و خانواده‌های متدین را به ضلالت و انحراف بکشانند، یا این‌که وارد مساجد شوند و پس از دیدن آداب و رسوم مسلمانان، آنان را به سخریه و استهزا بگیرند. متولیان امور مساجد و عموم مسلمانان و نمازگزاران باید جلو چنین استفاده‌های نامشروع را بگیرند و محلی برای اظهار وجود بدخواهان و مخالفان باقی نگذارند و مسجد مقدس را تبدیل به مسجدی هم‌چون مسجد ضرار ننمایند.

نمونه‌های فراوانی داریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا ائمه اطهار علیهم السلام با این گونه افراد که قصد سوء استفاده‌های مذهبی و سیاسی داشتند، برخوردار می‌کردند و عکس العمل‌های لازم را نشان می‌دادند.(۱)

۲. انجام دادن کارهای صنفی و صنعتی در مساجد: در مساجد نباید کارهای صنفی و صنعتی و امثال آن انجام داد، زیرا از این‌گونه اعمال در مسجد نهی شده است.

در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از آماده‌کردن شمشیر و تیزکردن آن در مسجد جلوگیری می‌نمود و می‌فرمود:

«**انما بنی لغیر ذلك**».(۲)

«مسجد برای کارهای دیگری بنا شده است».

۳. وجود تصاویر و نقش و نگار در مسجد: کارهای هنری و زیباسازی مساجد، منافاتی با روح معنوی و عرفانی آن ندارد، لیکن از حک‌کردن نقش و نگار جانداران بر در و دیوار مسجدها و کشیدن عکس انسان و حیوان، هم‌چنین قرار دادن تصاویر، در مقابل نمازگزاران، باید پرهیز کرد. در حقیقت نباید مساجد را به موزه‌ای از تصاویر و عکس‌های گوناگون تبدیل کرد زیرا امکان دارد نظر نمازگزاران و عبادت‌کنندگان به آن‌ها جلب شود و از توجه آنان به اعمال عبادی کاسته شود.

---

۱. سیرة النبی صلی الله علیه و آله، ابن‌هشام: ج ۲، ص ۳۷۰؛ الکافی، شیخ کلینی: ج ۱، ص ۳۹۳.
۲. الکافی، شیخ کلینی: ج ۳، ص ۳۶۹.

عمرو بن جمیع گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ مساجدی که دارای تصاویر هستند، پرسیدم، آن حضرت فرمود:

«اکره ذلك، ولكن لايضركم ذلك اليوم، ولو قد قام العدل لرأيتم كيف يصنع فی ذلك».[۱]

«چنین چیزی کراهت دارد، ولیکن امروزه ضرری به شما نمی‌رساند. اگر امام عادل قیام کند، هر آینه می‌بینید که با این تصاویر چه خواهد کرد».

٤. انداختن سنگ و زباله در مسجد: بی‌احترامی به مساجد با انداختن و یا ریختن سنگ وکلوخ و یاگذاشتن زباله و آشغال در آن‌ها، هم‌چنین گذاشتن وسایل شخصی و خانوادگی مانند آلات و ابزار کشاورزی، دامداری و ماشین‌های سواری و امثال ذلك، در شأن و خانواده‌های محترم و معتقد نیست. ولیکن مع‌الاسف مشاهده می‌شود که در برخی از مساجد چنین بی‌احترامی‌هایی انجام می‌شود. به ویژه در مسجدهایی که نمازگزاران کمی دارد و هم‌چنین مساجدی که تنها در ماه مبارك رمضان گشوده می‌شوند و از آن‌ها تنها در این ماه استفاده می‌شود و در بقیه ایام، خالی و بدون نمازگزار است.

هم‌چنین در سطح برخی از روستاها و قریه‌های دور افتاده چنین رفتار و کردار نکوهیده مشاهده می‌گردد که این امر گناهی است که عقوبت آن دامن‌گیر عاملان خواهد شد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: که آن حضرت، مردی را دید که سنگریزه به داخل مسجد پرتاب می‌کند. حضرت به وی فرمود:

صلی الله علیه و آله ما زالت تلعن حتی وقعت».[۲]

«از زمانی که سنگریزه را انداختی تا مادامی که در آن‌جا باقی است، آن سنگریزه تو را لعنت می‌کند».

۵. راه قرار دادن مساجد: برخی از افراد، مسجد را برای عبور و مرور خود انتخاب می‌کنند

---

۱. الکافی، شیخ کلینی: ج ۳، ص ۳۶۹؛ التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۵۹.
۲. التهذیب، شیخ طوسی: ج ۳، ص ۲۶۲.

و بدون این‌که نمازی در آن بخوانند، و صرفاً برای نزدیک‌کردن راه خود، از دری وارد و از در دیگر خارج می‌شوند که این کاری است ناپسند و خانواده‌های محترم باید به آن توجه داشته باشند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«**لا تجعلوا المساجد طرقاً حتی تصلّوا فیها رکعتین**».[1]

«مساجد را راه عبور خود قرار ندهید، مگر این‌که دو رکعت نماز در آن بخوانید».

در پایان، از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که همهٔ اقشار جامعه از جمله خانواده‌های متدین و مؤمن خصوصاً جوانان با مسجد، و فواید و فضایل معنوی آن هرچه بیشتر آشنا شوند و بر تقوا و ایمان آنان افزوده شود، تا با آمادگی همهٔ مسلمانان عالم، زمینه ظهور سرور و مولایمان حضرت حجة بن الحسن العسکری(عج) فراهم گردد.

---

۱. وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۲۹۳.

نقش مساجد
در افزایش و ترویج فرهنگ مطالعه

▣ ماشاءالله کاربخش راوری

▣ چکیده

نگارنده با معرفی کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی که در طول قرون متمادی همواره عامل مهمی در تضمین رشد و پویایی جوامع بشری بوده و همچنان جایگاه خود را حفظ کرده، توجه بـه آن را شـاخصه رشد فرهنگی و ملی هر کشور دانسته، به نقش مطالعه و کـتاب‌خوانـی در زندگی انسان اشاره و با ارایه آماری در مورد وضع موجود، پـیشنهاداتـی را تحت عنوان چه باید کرد؟ مطرح ساخته است و در این راستا از مشـارکت مـردم در تأسـیس کـتابخانه‌ها و ایـجاد صـندوق خـرید کـتاب و تـجهیز کـتابخانه‌های مسـاجد، بـهینه‌سازی کـتابخانه‌های مـوجود، آگـاه سـاختن همه مردم از نقش کتاب در زندگی معرفی کتاب، دعوت از صـاحب‌نظران، تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های علمی و فرهنگی، راه‌اندازی بـخش کـودکان و نوجوانان، استفاده از روش باز و برقراری ارتباط بـین مسـاجد و مـدارس منظم ساختن کتابخانه‌ها و برگزاری مراسم هفته کتاب مساجد، یاد نـموده و در پایان پیشنهادات و راه‌کارهایی را پیش‌رو نهاده است.

اشاره

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم
خدایی که دانندهٔ رازهاست نخستین سرآغاز آغازهاست

﴿ ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم ﴾

کتاب از جمله مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی است که در طی قرن‌های متمادی، همواره عاملی مهم در تضمین، رشد و پویایی جوامع بشری بوده و در عین رشد روزافزون رسانه‌ها و ابزارهای پیشرفتهٔ دیگر، همچنان جایگاه یگانهٔ خود را حفظ کرده است.

میزان توجه به کتاب و کتابخوانی، نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است و امروز تعداد کتاب‌ها و نشریه‌های منتشر شدهٔ هر کشور در طی سال، کتابخانه‌ها، کتابخوان‌ها، نویسندگان، مترجمان و ناشران، به‌عنوان معیارهای اساسی و مهم توسعه یافتگی کشورها، استفاده می‌شود. هم‌چنین بی‌توجهی به کتاب و کتابخوانی، یک بیماری فرهنگی و اجتماعی به حساب می‌آید که ناشی از فراگیر نشدن فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در بین اقشار گوناگون جامعه است و می‌تواند در دراز مدت، ضربه‌های جبران ناپذیری بر پیکرهٔ فرهنگ کشور وارد کند.

بنابراین، گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، توسعهٔ کتابخانه‌ها، چاپ وانتشار کتاب و شیوهٔ بهره‌گیری از این ابزار بی‌رقیب فرهنگی، ضرورت رشد و تعالی جامعه است و در این میان، ایجاد رغبت و عادت به مطالعه و کتابخوانی در بین خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وظیفهٔ ما ایجاب می‌کند که برای آگاه کردن نوجوان و جوانان این مرز و بوم، همت گماریم و با تشویق آنان به خواندن مطالبی که در جهت سعادت و پیشرفت ایشان مؤثر است، زمینهٔ رشد علمی و فرهنگی آنان را فراهم کنیم.

نگاهی گذرا به علل موفقیت کشورهای پیشرفتهٔ جهان، مبیّن این واقعیت است که بخشی عظیم از این توفیقات مرهون توجه به نسل نوجوان و جوان آن کشورها و سرمایه گذاری در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای آنان بوده است؛ زیرا کودکان و نوجوانان، همیشه به‌عنوان عظیم‌ترین سرمایه‌ها و ذخایر معنوی کشور مطرح هستند.

برهمین اساس و با عنایت به جوان بودن جمعیت کشور ما، آموزش دادن و آگاهی بخشیدن به چند میلیون کودک، نوجوان و جوان این مرز و بوم، از جمله شالوده‌های اساسی در تحقیق توسعه و پیشرفت همه جانبهٔ کشور سرافراز ایران و گامی در جهت پیشبرد هدف‌های والای نظام مقدس اسلامی است و کتاب و کتابخوانی در این خصوص، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد که باید بیش از پیش، به آن توجه نشود.

متأسفانه، از آن جا که فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعهٔ ما، هنوز جایگاه خود را به دست نیاورده و از وضعیتی نامطلوب برخوردار است، لذا باید برای عادت دادن کودکان و نوجوانان و سایر اقشار جامعه به مطالعه و کتابخوانی، چاره‌ای جدی بیندیشیم.

نقش مطالعه و کتابخوانی در زندگی انسان

شاید برای بعضی این سؤال پیش آید که مطالعه و کتابخوانی، چه نقشی اساسی در زندگی انسان و به ویژه کودکان و نوجوانان دارد که این همه بر آن تأکید می‌شود؟ بدون تردید دست‌یابی به پاسخ صحیح این سؤال، خود مقدمه‌ای برای فراهم کردن شرایط مناسب برای مطالعهٔ کودکان و نوجوانان است.

انسان، موجودی کمال‌گراست و با سکون و سکوت سازگاری ندارد. او همیشه به‌دنبال راهی است که یک قدم پیش‌گذارد و گره‌ای از مشکلات خود بگشاید، بنابراین او برای پیشرفت در عرصه‌های زندگی، احتیاج به شناختی نسبتاً کامل و همه جانبه از خود و جامعه دارد و باید با گذشته و آینده، ارتباط برقرار کند.

کتاب و کتاب‌خوانی عاملی برای شناخت و رشد دینی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی انسان است. با مطالعه است که انسان ساخته می‌شود، رشد می‌کند و برای حرکت آماده می‌شود. هم‌چنین مطالعهٔ کتاب، انسان را به مرزهای علم و دانش نزدیک می‌کند و او را به قله‌های رفیع معرفت و آگاهی می‌رساند.

آیین مقدس اسلام، دربارهٔ فراگیری علم و دانش، سفارش فراوان نموده و آن را عاملی برای رشد، پویایی و تعالی جامعه برشمرده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

«خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده و از دانش بهره گرفته‌اند، به درجات رفیع می‌رساند».[۱]

هم‌چنین از دیدگاه قرآن کریم، بین کسانی که از علم و دانش برخوردارند و کسانی که از این سرمایهٔ ارزشمند بی‌بهره‌اند، تفاوت زیادی وجود دارد:

﴿ **هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون**﴾.[۲]

«آیا آنان که می‌دانند، با آنان که نمی‌دانند؛ برابرند؟».

از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام نیز روایت شده است:

«هر کسی در جست‌وجوی دنیاست، باید دانش فرا گیرد و هر کس به آخرت دل بسته است، باید از علم بهره گیرد و هر کس دنیا و آخرت (هر دو) را می‌خواهد، بازهم گریزی از دانش آموزی ندارد».

و در جای دیگری می‌فرماید:

«اگر روزی بر من بگذرد که در آن روز، به علم و دانش من چیزی افزوده نشود، آن روز، روز مبارکی نیست».

حضرت علی علیه‌السلام دربارهٔ اهمیت فراگیری علم و دانش، فرمایش زیبایی دارند:

«ای مردم! بدانید که کمال دین، به فراگیری دانش و عمل به آن است. آگاه باشید که دانش‌آموزی بر شما، از مال اندوزی ضروری‌تر است؛ چرا که روزی هرکس از جانب خداوند است که در اختیار وی قرار خواهد داد؛ اما علم چنین نیست، بلکه علم در گنجینه‌ای نزد صاحبان خود نگهداری می‌شود. به شما فرمان داده شده است که آن را به دست آورید و فرا گیرید».

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«لقمان به فرزند خویش فرمود: پسرم! ساعاتی از شبانه روز را به مطالعه

---

۱. مجادله / ۱۱.
۲. زمر / ۹.

و تحصیل دانش اختصاص بده؛ زیرا اگر مطالعه را ترک کنی، دانش خود را ضایع خواهی کرد.»

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

«اگر مردم می‌دانستند که تحصیل علم چه فوایدی دارد، در پی آن می‌رفتند، گرچه با ریختن خون دل و فرو رفتن در اعماق گرداب‌های پرخطر باشد».

و در همین زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«دوست دارم با تازیانه بر سر پیروانم بزنم تا ژرف نگر و محقق گردند».

چراکه به گفتهٔ امام علی علیه السلام:

«آن که پیوسته از دانش دانشمندان بهره نگیرد، رفته رفته عقلش می‌میرد».

مقام معظم رهبری هم اشاره‌ای زیبا به اهمیت کتاب دارند:

«در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعهٔ انسانی، همین بس که همهٔ ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند و روابط فرهنگی جامعهٔ بشری نیز از پوشش کتاب و مبادلات فرهنگی تقویت شده‌است».[۱]

شادروان دکتر علی شریعتی هم عقیده داشت:

«سخن گفتن دربارهٔ کتاب دلیل آوردن برای آفتاب است».

هم‌چنین می‌فرمود:

«کتاب، در این چهار دیواری‌های بسیار استوار و سیاه و نفوذناپذیری که گرفتارش هستیم، روزنه‌ای به سوی دشت است».

---

۱. دفتر رهبری ۱۳۸۲ : ۱۲.

از مجموعهٔ این آیات و روایات و سخنان چنین استفاده می‌شود که آدمی برای رشد و تعالی، و رسیدن به سعادت و موفقیت، راهی جز فراگیری علم و دانش و بهره‌گیری از فکر و اندیشه خردمندان ندارد و این کار نیز بدون استفاده از کتاب و مطالعه امکان‌پذیر نیست. بنابراین، کودکان ونوجوانان هنگام باز کردن کتاب، در حقیقت درهای سعادت و خوشبختی را به روی خود می‌گشایند، تا در مسیر ترقی و پیشرفت گام بردارند.

علی رغم تأکید دین مبین اسلام و بزرگان و دانشمندان بر دانش‌اندوزی، و سابقه درخشانی که در این زمینه داریم، با این حال هم‌اکنون وضعیت مطلوبی نداریم. آمار و ارقام از پایین بودن میزان مطالعه و کتاب‌خوانی و کتاب‌خواهی در کشور ما حکایت دارد، در حالی که نگاهی به گذشته‌ها نشان می‌دهد که ایران از جمله مراکز مهم فرهنگ و تمدن جهان بوده است.

> «ایران طی قرون نخستین اسلامی بیش از ششصد کتابخانه داشت که آوازه‌ی برخی از آن‌ها در سراسر جهان پیچیده بود. همین عامل باعث شد تا بسیاری از دانشمندان از دورترین نقاط جهان اسلام یعنی اندلس و دیگر نقاط به ایران بیایند و از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی آن بهره‌ها ببرند».(۱)

کتابخانهٔ مساجد هم درگذشته نقش مهم در ترویج و گسترش فرهنگ غنی اسلام داشته است. کتابخانه در حوزهٔ مساجد اسلامی از پیشینه‌ای کهن و ارج و منزلت والایی برخوردار است. تاریخ تمدن اسلامی در طی قرون گذشته بیانگر این حقیقت است که کتابخانه به عنوان نهاد فرهنگی ـ آموزشی، از ارکان اساسی مساجد بوده است. تأسیس کتابخانه در مساجد سبب ارزش و قداست آن است و همواره در گوشه و کنار ممالک اسلامی مورد توجه خلفا، حکام و امرا و دولت‌های فرهنگ دوست و مردم مسلمان بوده است. بنابراین از بدو پیدایش مساجد و جوامع به ویژه در مراکز اصلی حکومت‌ها کتابخانه‌ای نیز برای آنها ایجاد می‌شد و لذا کمتر مسجدی در ایران قدیم بود که کتابخانه‌ای نداشته باشد.

---

۱ . فرحزاد ۱۳۷۵ : ۱۳۹ .

«اسلام ذاتاً تمدن ساز و فرهنگ پرور است و لذا همان‌طور که تاریخ پرافتخار اسلام و ملل اسلامی نشان داد، مساجد به عنوان بارزترین و برجسته‌ترین عامل معرفی اسلام از روز نخست نمایانگر همهٔ وجوه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و عبادی مسلمین بود و لذا غنی‌ترین رشد و توسعه و عالی‌ترین شکوفایی را در مساجد اسلامی می‌بینیم. شکوفایی بی‌نظیر تمدن و فرهنگ اسلام در سرزمین ایران (به ویژه در قرون نخستین) حاکی از شعور باطنی و زمینهٔ فرهنگی جامعهٔ ایران بوده است و کتابخانه‌های مساجد، مدارس و غیره که در این باره برپا بوده‌اند، بیانگر عمق علاقهٔ ایرانی به کتاب و کتاب خوانی و فرهنگ اسلام بود».[۱]

دکتر زیگرید هونکه، مستشرق اروپایی هم به وجود کتابخانه در همهٔ مساجد آن زمان اشاره کرده است.

مقام معظم رهبری با ابراز نگرانی از پایین بودن میزان مطالعه در کشور ایران، اسلام را پرچمدار کتاب‌خوانی معرفی می‌کنند:

«هر زمان که به یاد کتاب و وضع آن در جامعهٔ می‌افتم، قلباً غمگین و متأسف می‌شوم و این به لحاظ آن است که در کشور ما (به هر دلیلی) تعداد کتاب باید حداقل ده برابر این میزان، رواج و توسعه و حضور داشته باشد. اگر به دلیل پرچم‌داری تفکر اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب بیاورید، این معنا صدق می‌کند؛ چون اسلام به کتاب و خواندن و نوشتن، خیلی اهمیت می‌دهد. اگر هر منصفی به بیانات نبیّ مکرم اسلام و ائمه علیهم‌السلام و پیشوایان اسلام توجه کند و ببیند که این‌ها در چه زمانی به کتاب و کتابخوانی دعوت می‌کردند و فرا می‌خواندند، همهٔ افسانه‌ها از ذهنش شسته خواهد شد و خواهد فهمید که دشمنان اسلام راهی جز این نداشتند که افسانه‌های کتاب‌سوزی و کتاب‌ستیزی را بر سر زبان‌ها بیندازند؛ چون اسلام پرچم دار کتابخوانی است».[۲]

---

۱. امیری ۱۳۸۴ : ۳۹.

۲. دفتر مقام رهبری ۱۳۸۲ : ۵.

با تصویب قانون تأسیس و نحوهٔ ادارهٔ کتابخانه‌های عمومی کشور مصوب جلسهٔ ۱۷ اسفند ۸۲ مجلس شورای اسلامی، روزنه‌ها و زمینه‌های نو و گسترده به سوی دستیابی به پیشرفت و توسعه در حوزهٔ مربوط به کتابخانه‌ها و نیل به اهداف ذاتی و وجودی آن‌ها به‌وجود آمده است و پیش‌بینی‌های انجام شده در این قانون مبنی بر همکاری و همیاری تمام نهادها و دستگاه‌های اجرایی از جمله شهرداری‌ها، نوید بخش تحولی شگرف و اساسی و آتیه‌ای درخشان در عرصهٔ رونق و اعتلای کتاب و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی است، اما هنوز تا رسیدن به نقطهٔ مطلوب فاصله‌ای بسیار داریم و زمان مدیدی طول می‌کشد تا بر موانع موجود فایق آییم.

جدول زیر وضعیت کتابخانه‌های کشور را براساس شاخص IFLA نشان می‌دهد[۱] :

استاندارد بین‌الملل ایفلا و کتاب‌خانه‌های عمومی	مقایسهٔ شاخص ایفلا
برای جمعیت بالای ۵۰/۰۰۰ تن یک باب کتابخانه وجود داشته باشد	به ازای هر ۴۰/۰۰۰ تن یک کتابخانه وجود دارد
برای هر ۲/۰۰۰ تن ۳ صندلی باید وجود داشته‌باشد	به ازای هر ۳/۰۰۰ تن ۲ صندلی وجود دارد
به ازای هر تن باسواد ۲ جلد کتاب باید باشد	به ازای هر ایرانی باسواد کم‌تر از یک جلد کتاب وجود دارد

این فاصله وقتی بیشتر رخ می‌نمایاند که نگاهی به تلاش‌های دیگران در این عرصه بیندازیم، به ویژه تلاش هایی که برای جنگ فرهنگی علیه ایران و انقلاب اسلامی و برای جلوگیری از گسترش آن سازماندهی شده است.

جنگ فرهنگی استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی نبردی تمام عیار و همه جانبه است که با استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم به اجرا در آمده است و هریک دارای برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت است تا از گسترش فرهنگ انقلاب جلوگیری نماید.

---

۱ . به‌نقل از مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان کرمان، ۱۳۸۴ : ۴ .

از جمله مهم‌ترین اقدامات مستقیم، ایجاد مراکز آموزشی و فرهنگی مانند تأسیس مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها و دانشگاه‌هاست. هم‌چنین انتشار کتاب و مجله در سطح بسیار وسیع و بالایی صورت می‌گیرد، طبق آمار کنگرهٔ آمریکا، در طول یک سال مجموعاً سی و چهار هزار کتاب برضد جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شد که خود نشانگر همکاری همه جانبهٔ نظام کفر جهانی در این زمینه است.

«اخیراً بزرگ‌ترین چاپ خانهٔ خارج از اروپا و امریکا که از نظر امکانات و پیچیدگی در ردیف چاپخانه‌های طراز اول دنیاست؛ با صرف هزینه‌ای معادل دویست میلیون دلار در عربستان احداث شده است. این چاپ‌خانه بخشی از مجموعهٔ عظیم تبلیغی، فرهنگی و انتشاراتی است که قادر است سالانه بیش از ده میلیون جلد کتاب چاپ و در سراسر دنیا منتشر نماید. فعالیت برضد فرهنگ اسلامی ـ شیعی، محور اصلی کار این مجموعه است».(۱)

«هم‌چنین از جمله اقدامات آژانس ارتباطات بین‌المللی امریکا (همکار نزدیک سازمان سیا) که فعالیت خود را از آوریل ۱۹۷۸ م آغاز کرده، انتشار دوازده مجله به بیست دو زبان، تأسیس کتابخانه‌ها و مرکز فرهنگی و تبلیغی در کشورهای گوناگون، و توزیع سالانه پنج میلیون نسخه کتاب به بیست و پنج زبان در این کشورهاست».(۲)

در چنین وضعیتی است که باید تلاشی همه جانبه را برای گسترش فرهنگ و مطالعه و کتاب‌خوانی آغاز کنیم و از تمام ابزار و امکانات برای رسیدن به این هدف بهره بگیریم. اما از کجا آغاز کنیم، آیا دیر نشده است؟ و... .

متأسفانه این موضوع در صدر مشکلات زندگی امروز شهروندان ایرانی نیست ولی تلاش برای بهبود آن مانند هر فعالیت فرهنگی دیگری لازم است و به زمان نیاز دارد. فرهنگ‌سازی و تلاش همه جانبه برای تغییر نگرش‌ها زمانی بسیار می‌طلبد، اما برای این کار، هیچ وقت دیر نیست و از هم اکنون باید دست به کار شویم.

---

۱. منصوری ۱۳۷۴ : ۵۴.

۲. همان: ۲۱.

چه باید کرد؟

برای نهادینه کردن و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در جامعه باید از همهٔ امکانات و ابزارهای موجود بهره بگیریم، به ویژه از مساجد که سابقهٔ دیرینه و درخشانی در این عرصه دارند. ما با وجود مساجد متعدد در هر شهر و محله، از امکانات بسیار ارزشمندی برخورداریم.

از آن جا که از جمله توصیه‌های مهم کارشناسان، برای ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، توسعهٔ کتابخانه‌های عمومی در هر محله است بنابراین کتابخانه‌های مساجد می‌توانند این خلأ را برطرف کنند و براین اساس مهم‌ترین ویژگی کتابخانه‌های مساجد این است که امکان دسترسی به کتاب را آسان می‌کند.

برخی تحقیقات نشان می‌دهد جوانان وجود کتابخانه را از جمله مهم‌ترین جاذبه‌های مساجد می‌دانند. به عنوان نمونه نتایج به دست آمده از یک پژوهش در استان کرمان نشان می‌دهد که عوامل زیر در جذب جوانان مؤثر بوده است:

۱. وضعیت ظاهری مسجد، ۸۱/۱ درصد؛

۲. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛

۳. امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛

۴. کتابخانهٔ مسجد، ۵۵/۶ درصد؛

۵. فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛

۶. هیأت امنای مسجد، ۳۶/۶ درصد.

همان طور که ملاحظه می‌شود، کتابخانه تأثیر بسیاری در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد دارد.

بعد از انقلاب اسلامی در بیشتر نقاط ایران در کنار مساجد کتاب‌خانه عمومی تأسیس شده است. بنا بر گزارش رسمی، کتابخانه‌ها از طریق ستاد رسیدگی به امور مساجد و زیرنظر رهبری اداره می‌گردند و علاوه بر کمک‌های مردمی، از کمک ارگان‌های دولتی نیز بهره‌مند می‌شوند. هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در سال ۱۳۷۵ واحدی تحت عنوان مدیریت کتابخانه‌های عمومی مساجد دایر نمود. این مدیریت هم‌اکنون درحال بررسی وضعیت

کـتابخانه‌های مسـاجد است. کـارمندان ایـن کـتابخانه‌ها را کـودکان و نـوجوانـان داوطـلب تشکیل می‌دهند.(۱)

بـراسـاس آمـار دیگـری، اعـضای کـتابخانه‌های مسـاجد در سـال ۱۳۸۰ حـدود دویست و شصت هزار تن بوده است. بر همین اساس حدود ۷ هزار کتابخانه در مساجد کشور وجود دارد که به لحاظ محدودیت بودجه و امکانات تنها ۱۲۷۵ کتابخانه تحت پوشش ادارهٔ کتابخانه‌های مساجد کشور است.

مقایسهٔ این آمارها با تعداد ۵۷/۶۳۵ مسجد که براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در کشور وجود دارد، نشان می‌دهد هنوز تلاش بسیاری لازم است تا بتوانـیم از ایـن امکـانات بـرای رشد و تعالی نوجوانان و جوانان بهره بگیریم.

تأسیس کتابخانه و مراکز فرهنگی در جوار مساجد از جمله نیازهای اساسی امروز است. با این کار زمینهٔ حضور گسترده نوجوانان و جوانان علاقه‌مند در پایگاه معنوی مسجد بیش از پیش فراهم شده و در کنار بهره‌مندی از این مکان، فرصت تقویت بنیهٔ اعتقادی آنان فراهم می‌آید. اگر جاذبه‌های لازم برای حضور جوانان و نوجوانان وجود نداشته باشد، نمی‌توان به حضور مداوم و مستمر آنها در مسجد امیدوار بود. جوانی که پا به مسجد بگذارد هویت اسلامی و ایرانی خود را حفظ کرده و دیگر اسیر توطئه‌های شوم دشمنان نخواهد شد و در دام رنگارنگی که برایش گسترده‌اند، گرفتار نخواهد شد.

«سال‌ها پیش رهبر انقلاب، پرده از وجود توطئهٔ فـرهنگی گسـترده‌ای علیه جوانان مسلمان و انقلابی این مرز و بوم برداشتند و فرمودند: دشمنان اسلام امروز با استفاده از شیوه‌های بسیار زیرکانه و شیطانی جـنگ تـمام عیار فرهنگی علیه ملت ما به راه انداخته‌اند. آنان قصد دارند تا نسل جوان ما را که نیروی مدافـع کشـور و هـمیشه حـاضر در صـحنه‌های کـار و عـمل، خودسازی، تربیت علمی و تحقیقی و پیشرفت بوده است، به تـدریج تـباه کنند. آنان تلاش می‌کنند تا ذهن و فکر نیروی جوان کشور را تحت تأثیر

---

۱. امینی ۱۳۸۴ : ۴۴.

تبلیغات گوناگون قرار دهند و آن را نسبت به حقایق مقدس اسلامی که به عنوان پایه‌ها و ستون‌های اصلی اعتقادی شناخته شده‌اند، بی‌اعتنا و سست کنند».[۱]

به این حقیقت واقف بودند که اگر برای پیشگیری از این جنگ و توطئهٔ فرهنگی تلاش کنیم، آیندهٔ جامعه مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد. تأکید مقام معظم رهبری بر ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در جامعه نشان می‌دهد که ایشان توسعهٔ کتابخانه‌ها و انتشار کتاب‌های مفید و سازنده را از جمله ابزارهای مهم در مقابله با این تهاجم خانمان‌برانداز می‌دانند. هم‌اکنون دارا بودن دست‌کم ۱۰۰ متر مربع فضا برای ایجاد کتابخانه در مساجد شهری و ۷۰ متر مربع فضای اختصاصی برای ایجاد کتابخانه در روستاها ضروری است. میزان سهمیهٔ سالانه کتاب برای کتابخانه‌ها پانصد کتاب است که براساس درجه‌بندی کتابخانه‌ها و تعداد اعضا و مراجعان و مساحت کتابخانه‌ها متفاوت است.

مشارکت مردم در تأسیس کتابخانه‌های مساجد

خوشبختانه اعتقادات دینی مردم ایران موجب شده است، مساجدی بزرگ و وسیع در گوشه و کنار این کشور ساخته شود، همکاری و مشارکت در ساخت مسجد به عنوان کار خیر و سنت حسنه از دیرباز وجود داشته است. اگر بتوانیم جامعه را آگاه سازیم که کتابخانه هم می‌تواند به عنوان بخشی از ساختمان مساجد دارای کارکرد فرهنگی مثبت باشد، قطعاً گامی مهم در راه توسعهٔ فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی برداشته‌ایم. نهادهای مسؤول باید به این سمت حرکت کنند که ضمن توجیه متولیان امر، در ساخت مساجد جدید به فضای کتابخانه هم توجه شود.

در مساجد فعلی هم می‌توان با توجه به شرایط هر منطقه، فضایی را برای کتابخانه در نظر گرفت و حتی با اجاره کردن محلی در نزدیکی مسجد برای تأسیس کتابخانه اقدام کرد.

مردم باید به این باور برسند که، به همان اندازه که مسجد به فرش و سایر امکانات نیاز دارد، به کتابخانه و کتاب هم احتیاج دارد و چه بسا تأثیر کتابِ مناسب در تقویت بعد اخلاقی،

---

۱. فتح آبادی ۱۳۷۱ : ۸.

اعتقادی و علمی انسان چنان عمیق باشد که اثر آن به عنوان باقیات الصالحات تا قرن‌ها پا برجا باشد.

اختصاص یک صندوق به خرید کتاب و تجهیز کتابخانه

از آن جاکه معمولاً افراد با نیت‌های خاصی به مساجد کمک می‌کنند، می‌توان صندوقی برای خرید کتاب و تجهیز کتابخانه در نظر گرفت. آگاه کردن مردم در باب ارزش و اهمیت کتاب و نحوهٔ مشارکت آنان در این امر زمینهٔ کمک بیش از پیش به کتابخانهٔ مسجد را فراهم خواهد کرد. این کار نه تنها از اختلاف نظرهای احتمالی برای اقدام در این زمینه پیشگیری می‌کند، بلکه باعث فرهنگ‌سازی هم خواهد شد.

اگر امکان اختصاص جای مناسبی برای کتابخانه در مساجد یا در جوار آن‌ها وجود ندارد، می‌توان موقتاً با گذاشتن چند کمد و ویترین زمینهٔ بهره‌مندی علاقه‌مندان از کتاب را فراهم آورد.

با اعمال مدیریت صحیح و حفظ قداست مسجد و رعایت جوانب کار، و جلوگیری از هرگونه مزاحمت برای نمازگزاران، می‌توان فضایی فراهم آورد که نوجوانان و جوانان در مسجد به مطالعهٔ کتاب‌های مورد علاقهٔ خود بپردازند یا آن‌ها را به امانت بگیرند. برای دستیابی به نتیجهٔ بهتر باید هر کمد به گروه سنی مشخصی اختصاص یابد. این کار موجب سهولت دسترسی و ترغیب علاقه‌مندان به کتاب‌های مورد نظر می‌شود.

راه‌اندازی کتابخانه و تلاش برای توسعه و تقویت آن اقدامی ضروری و مؤثر و بسیار ارزشمند است، اما نکتهٔ اساسی که باید همواره مورد توجه باشد این است که نقش مسجد در ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی تنها در تأسیس کتابخانه و تهیهٔ کتاب خلاصه نمی‌شود، بلکه مسجد به عنوان پایگاه علمی و آموزشی باید اساس کار خود را بر آموزش بگذارد. کسانی که پشت سر امام جماعت، به نماز می‌ایستند، به او اعتماد دارند و سخنانش را می‌پذیرند و برای او احترام قائل‌اند.

امام جماعت باید درکنار آموزش احکام و معارف اسلامی و مسائل ضروری دیگر به تبیین ارزش و جایگاه علم و دانش‌اندوزی از دیدگاه قرآن و عترت بپردازد و اهمیت و نقش کتاب را در توسعه و ترویج علم و دانش و بالا بردن آگاهی مسلمانان بیان‌کند. جامعه باید بداند که علم و دانش به آدمی توان می‌بخشد و او را از اعماق هولناک ضلالت وگمراهی به اوج قله‌های سعادت و خوشبختی رهنمون می‌شود و در همهٔ حالات کتاب ابزاری مناسب برای افزایش علم و آگاهی است و اگر خداوند متعال در قرآن‌کریم به قلم وکتاب سوگند می‌خورد.[۱] شاهدی بر این مدعاست.

نوجوان و جوان مسلمان باید بداند در آیات و روایات متعددی به اهمیت و ارزش علم و دانش اشاره شده است. تا آن جاکه جویندگان علم و دانشمندان، سعادت همراهی و همنشینی با پیامبران و اولیای الهی را پیدا می‌کنند و چنان عزت و عظمتی می‌یابندکه مورد ستایش ملائکهٔ الهی قرار می‌گیرند. آن‌ها باید بدانند چرا تلاش در راه فراگیری علم و دانش چون جهاد در راه خدا قلمداد می‌شود و قلم دانشمندان افضل بر خون شهیدان می‌گردد و زمانی‌که از سرّ همهٔ این‌ها آگاه شوند، کتاب و مطالعه و پژوهش نزد آنان ارزشمند می‌شود و نیازی اساسی به‌حساب می‌آید، و آن وقت اگر مسجد هم کتابخانه و کتاب نداشته باشد، علاقه‌مندان به جستجوی کتاب‌های مورد علاقهٔ خود خواهند رفت.

امام جماعتِ آگاه و عالم باید به پدران و مادران بیاموزدکه چگونه‌کتاب حس‌کنجکاوی کودکان و نوجوانان را ارضا می‌کند و موجب رشد، آگاهی و خلاقیت آنان می‌شود و این‌که خانواده چه نقشی در تقویت توانایی‌های کودکان و ترویج فرهنگ مطالعه وکتاب‌خوانی دارد و مهم‌تر از همه چگونه می‌توان با مطالعه زندگی بهتری داشت و فرزندان خوبی تربیت‌کرد و مسائلی از این قبیل.

او باید از همهٔ راه‌های ممکن استفاده‌کند تا عطش مطالعه را در نسل جوان ایجادکند، به سان تشنه‌ای‌که به دنبال آب بگردد.

---

۱. قلم / ۱ .

«این از بدیهیات است که تا کسی در خود احساس تشنگی نکند، هرگز به دنبال آب نمی‌رود و اگر هم دربارهٔ آب سخن گفته شود، چون برای او جاذبه‌ای ندارد، توجهش را جلب نمی‌کند؛ اما هنگامی که تشنگی حاصل شد، یعنی جاذبه‌ای در درون برای آب به وجود آمد، دیگر خود آب، لفظ آب، صدای آب، سمت و جهت آب همه و همه برای او جالب توجه، دلربا، زیبا و جذاب خواهد بود».(۱)

آن وقت است که پدر و مادر کودک و نوجوان ما برای یافتن کتابی که عطش دانستن او را سیراب کند، خودش به جستجوی کتاب خواهد رفت و به قول مولانا:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

کتابخانه‌های موجود

مساجدی که دارای کتابخانه هستند باید ضمن برنامه‌ریزی مناسب شرایط استفاده‌ی مطلوب علاقه‌مندان از این فضاهای فرهنگی را فراهم آورند. از جملهٔ این شرایط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استفاده از کتابدار شایسته: از جمله اقدامات مهمی که باید صورت گیرد، استفاده از کتابداران ثابت و آگاه است، این افراد حتی اگر متخصص رشتهٔ کتابداری هم نباشند، باید علاقه‌مند به این کار باشند و حداقل دوره‌های تخصص کوتاه مدت را بگذرانند.

کتابدار نقشی مهم در جذب افراد علاقه‌مند و به ویژه کودکان و نوجوانان دارد و اگر نتواند به وظیفهٔ خود عمل کند، ممکن است شرایطی را فراهم آورد که افراد از کتابخانه و مطالعه فاصله بگیرند.

هر کس در دنیای پیچیدهٔ امروز نتواند خود را با پیشرفت‌ها هماهنگ کند، موفقیت چندانی به دست نخواهد آورد.

---

۱. کریمی ۱۳۸۱ : ۱۰۶.

«کتابداران مرشدی هندی به نام «رانگاناتان» دارند؛ ریاضی‌دانی که در انگلیس تحصیل کرد و در هند به لحاظ روح ناآرام خود به کتابخانه تبعید شد و در همان کتابخانه پنج اصل کتابداری را ثبت و به جهان عرضه کرد؛ اصولی که بنیان تفکر جدید کتابداری شد.

پنج اصل رانگاناتان عبارت‌اند از:

۱ . کتاب / اطلاعات برای استفاده است؛

۲ . هر خوانندهٔ کتاب / اطلاعات خودش را نیاز دارد؛

۳ . هر کتابی / اطلاعات خوانندهٔ خودش را دارد؛

۴ . وقت خواننده / جویندهٔ اطلاعات، طلاست؛

۵ . کتابخانه (به هر شکل و نامی که مطرح باشد) نهادی پویاست».[۱]

«در حالی که نگاه کتابدار با توجه به اصول دوم و سوم معطوف به مثلثی است که میان او، اطلاعات و خواننده به وجود می‌آید، در نیل به اصل چهارم کتابدار می‌کوشد تا با انجام دادن انواع خدمات فنی و تخصص در وقت خواننده صرفه‌جویی کند. در بارهٔ اصل پنجم بعضی از صاحب‌نظران عقیده دارند، کتابدارانی که صرفاً به دنبال راضی نگه داشتن مخاطب‌اند کتابدار نیستند، لذا باید این اصل را سرلوحه کار خود قرار دهند. کتابداری واقعاً شایستهٔ این نام است که با انجام دادن کارهای جدید و ابتکاری، مرتب در خواننده تحول ایجاد بکند و هر ساعت او را در مقایسه با ساعت قبل متحول سازد. یعنی ضمن پاسخ‌گویی به خواسته‌های مخاطب، فضایی را برای بیان ناگفته‌ها و حتی ناخواسته‌ها فراهم بیاورد و به صورت هدایت گر فرهنگی تأثیرگذار باشد».[۲]

«نتایج پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت کتابخانه‌های شهرستان بم در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که علی رغم وضعیت نسبتاً مناسب کمّی

---

۱ . شورای کتاب کودک ۱۳۸۳ : ۱۷ .

۲ . شورای کتاب کودک ۱۳۸۳ : ۱۸ .

کتابخانه‌های شهرستان، این نهادهای فرهنگی به علت ضعف‌های کیفی نتوانسته‌اند نقش اصلی خود را به عنوان نهادی پویا در توسعهٔ فرهنگ شهرستان ایفا کنند. نارضایتی بیشتر مراجعه‌کنندگان از خدمات کتابخانه‌ها بیانگر این واقعیت است که انتظارات جامعهٔ در حال رشد کشورمان، با امکاناتی که کتابخانه‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده‌اند، برآورده نمی‌شود. لذا برای رفع این معضل باید چاره‌ای اندیشید. زیرا حجم بالای اطلاعات که هر روزه برآن افزوده می‌شود، می‌طلبد که کتابخانه‌ها از قالب سنتی خود به درآیند و به صورت پایگاهی شوند که جدیدترین اطلاعات را در خود جای داده است و پیشرفته‌ترین امکانات را در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌دهد. برای رسیدن به این هدف استفاده از امکانات بخش‌های گوناگون جامعه اعم از بخش‌های خصوصی و نهادهای شهری و موقوفات و سایر منابع می‌تواند یاری دهنده باشد».[۱]

بنابراین کتابخانه‌های مساجد برای کسب موفقیت باید هماهنگ با تحولات و پیشرفت فن‌آوری با استفاده از فهرست‌نویسی و رده‌بندی علمی و نظام‌دار و امانت‌دهی منظم و فعال، امکان بهره‌مندی و دسترسی علاقه‌مندان به محتوای کتاب‌ها و انواع موضوع‌ها را فراهم آورند، چراکه در عصر اطلاع‌رسانی، روش‌های کهنه، قدیمی و ابتدایی دیگر کاربرد و کارآیی لازم را ندارند.

اگر مساجد در وضعیتی باشند که بتوانند فرد توانمندی را به عنوان کتابدار انتخاب و پس از طی آموزش‌های لازم براساس برنامه‌ای منظم از او استفاده کنند، تأثیری بسیار در جذب کتاب‌خوان‌های نوجوان و جوان خواهد داشت و در حقیقت از جمله رموز اصلی توفیق کتابخانه‌های مساجد همین است.

اما چون در اکثر مساجد این امکان وجود ندارد، لذا باید از مشارکت نوجوانان و جوانان برای ادارهٔ کتابخانه‌های مساجد بهره گرفت. گروهی متشکل از چند جوانان علاقه‌مند می‌تواند کتابخانهٔ مسجد را به خوبی اداره کنند.

---

۱ . عباس‌زاده، و همکاران ۱۳۸۲ : ۱۱۳ .

تجربه نشان داده است اگر به‌گروه‌های نوجوان و جوان مسؤولیت داده شود و به خوبی رهبری شوند، می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند، حتی اگر خانواده‌های آنان این آمادگی را نداشته باشند. هرچند خود ما در کشورمان تجربه‌های بسیار موفقی از این دست داریم، ولی استفاده از تجربه‌های سایر کشورها نیز می‌تواند مفید واقع شود.

«مثال جالب در این زمینه، نهضت سارودادیا در سریلانکاست. کشوری که در بسیاری از دهکده‌هایش، کودکان کلید توسعهٔ مشارکت در جامعه‌اند. معلمان مدارس ابتدا الگوهای مشارکت کودکان را متحول کردند و به دنبال آن همین کار را درخصوص بزرگسالان انجام دادند».[۱]

در ضمن بر این نکته مهم تأکید می‌شود که مشارکت نوجوانان و جوانان در ادارهٔ مسجد باید همراه با نظارت و آموزش باشد.

۲. آشنا ساختن همهٔ مردم با نقش کتاب در زندگی و لزوم مطالعه: آگاه کردن مردم جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان دربارهٔ اهمیت کتاب و نقش مطالعه در زندگی فردی و اجتماعی انسان، از جمله مقدمات ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در مدارس است. وقتی مردم بدانند کتاب خوب و مفید دارای چه ارزش و اهمیتی است و چگونه می‌تواند آنان را در مسیر زندگی سالم و سعادت بخش قرار دهد، به آسانی آن را می‌پذیرند. در حقیقت، همین آگاهی است که می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان به منظور روی آوردن به کتاب و مطالعه باشد. بنابراین، از جمله اساسی‌ترین برنامه‌هایی که در مساجد باید در نظر گرفته شود، بررسی راه‌های افزایش آگاهی مردم درخصوص این امر مهم است.

۳. معرفی کتاب‌های خوب: معرفی کتاب به عنوان کاری انگیزشی، برای ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی مؤثر است. در تحقیقات انجام شده، قرائت قسمت‌هایی از کتاب و هم‌چنین معرفی کتاب در تابلوی اعلانات، تأثیری فراوان در تشویق افراد به مطالعه دارد، که از میان این دو روش، روش اول بازدهی بیشتری داشته است.

---

۱. هارت ۱۳۸۰ : ۲۶.

«از جـمله کـارهایی کـه پـیش از مـعرفی کـتاب بـاید انـجام شـود، تلخیص کتاب است. «تلخیص» یعنی خلاصه کردن و مـنظور از تـلخیص کتاب یا نوشته‌ای، بیان اصل مطلب در کوتاه‌ترین شکل خود است».[۱]

از مهم‌ترین کارهایی که در تلخیص کتاب باید به آن توجه کرد، تعیین مشخصات کتاب، شـامل نـام کـتاب، نـام و نـام خـانوادگـی نـویسنده یـا مـترجـم، نـام مـؤسسهٔ انـتشاراتـی، سال انتشار، محل انتشار، تعداد صفحه‌ها، و نوبت چاپ است که باید با خطی زیبا نوشته شود و در تابلویی که در معرض دید نمازگزاران باشد یا بر در ورودی کتابخانه نصب گردد.

هم‌چنین اگر امام جماعت هفته‌ای یک بار ظرف چند دقیقه کتابی مناسب و ارزشمند را معرفی نماید، انگیزه‌ای قوی زیادی برای مطالعهٔ کتاب در علاقه‌مندان بـه وجـود مـی‌آورد. ضمن این که اسـتمرار چـنین اقـدامـی ارزش قـایل شـدن بـرای کـتاب و کـتابخوانـی است. نکتهٔ مهمی که باید مدنظر قرار گیرد، این است که حداقل چند جلد از کتاب‌هایی که معرفی می‌شود، در کتابخانهٔ مسجد موجود باشد.

٤. دعوت از افراد صاحب نظر و متخصص: از جمله کارهای ارزشمندی که امام جـماعت و هیأت امنای مساجد می‌توانند انجام دهند، دعوت از افراد صاحب‌نظر و علاقه‌مند در این حوزه و یا کتابداران کتابخانه‌های عمومی است. حضور افراد متخصص و آگاه به مقولهٔ کتاب و کتاب خوانی می‌تواند موجب ترغیب و تشویق مردم به ویژه کودکان و نوجوانان باشد. مساجدی که فضای مناسبی برای تأسیس و راه‌انـدازی کـتابخانه نـدارنـد مـی‌تواننـد بـا ایـن اقـدام خـود، امکان ارتباط بیشتر افراد با کتابخانه‌های عمومی و سایر کتابخانه‌ها را به وجود آورند و در جهت فراگیر شدن فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی قدم بردارند.

۵. تشکـیل انـجمن‌ها و گـروه‌های عـلمی و فـرهنگی: تشکـیل انـجمن‌ها و کـانون‌های دانش‌آموزی، دانشجویی و تشکل‌های ویژهٔ جوانان، فرصت ارتباط مؤثر با این قشر توانمند و پویا با مساجد را فراهم می‌آورد و بخشی از این انجمن‌ها و کانون‌ها می‌توانند با کتابخانه مرتبط شوند، انجمن‌های علمی و فرهنگی و مطالعه و تحقیق گروه‌هایی از دانش‌آموزان و نوجوانان

---

۱. یغماء ۱۳۶۱ : ۹.

و جوانان علاقه‌مند اگر به کمک یک یا چند نفر از مربیان آگاه، سازماندهی و هدایت شوند و براساس استعدادها و دلبستگی‌هایشان در مسیر مطالعه، تحقیق و گردآوری مدارک و غیره راهنمایی شوند، کمکی مؤثر در این زمینه خواهد بود.

نتیجهٔ کار این گروه‌ها می‌تواند از طریق نشریهٔ داخلی مسجد، بولتن و یا روزنامه دیواری در اختیار دیگران قرار گیرد.

به هر حال این نکتهٔ حایز اهمیت باید مورد توجه مسؤولان امر قرار گیرد که فعالیت‌های متنوع و سازندهٔ گروهی، نقش به سزایی در جذب نوجوانان به مساجد خواهد داشت، چراکه گروه جایی است که فرد می‌تواند توانایی‌ها و استعدادهای خود را در حد اعلا نشان دهد و رضایت خاطر کسب نماید.

دکتر علی اکبر شعاری نژاد (۱۳۷۷ : ۵۶۹) در بیان اهمیت و آثار گروه می‌نویسد:

«فرد در دورهٔ نوجوانی نه کودک است و نه بالغ، به همین سبب به گروه و جمعیتی نیازمند است که به سطح رشد و مظاهر فعالیت و فهم او پاسخ دهد و آن‌ها را بفهمد تا فرد، مقام واقعی خود را در میان دوستانش دریابد. گروه همسالان به این معنا، از جمله عوامل ضروری برای رشد و تکامل اجتماعی نوجوانان است و اهمیت آن در تربیت فرد ـ چنان که گفتیم ـ بیش از والدین و معلمان است؛ زیرا همین گروه است که محیط مناسب برای ایجاد عادت برای گفت‌وگوی اجتماعی، مهارت‌ها و ارتباط‌ها فراهم می‌کند و روح وابستگی به یک جمعیت را در او رشد و پرورش می‌دهد، استعدادهای اجتماعی او را آشکار می‌سازد و در نتیجه میزان رهبری، پیشوایی، اطاعت و فرمانبرداری، حدود سازگاری و نفرت خود را درمی‌یابد که در رشد اخلاقی و میزان قبول مقیاس‌های اخلاقی مؤثر است و به نوجوان برای کسب اطمینان خاطر در زمان رهایی از تسلط خانواده کمک می‌کند. علاوه بر آن‌ها، نوجوانان را برای زندگی آینده و دوست داشتن دیگران آماده می‌کند».

یکی دیگر از متخصصان تعلیم و تربیت نیز می‌گوید:

«کار گروهی پیشرفت اجتماعی را آسان می‌کند و موجب ایجاد انگیزه در افراد برای رسیدن به تکامل بیشتر می‌شود. همچنین ثابت شده است، گروه‌هایی که از روی دوستی تشکیل می‌شوند، با دوام‌ترین گروه‌ها هستند. تعلق داشتن، بیش از هر عامل دیگر، موجب ایجاد حس آرامش می‌شود. تعلق داشتن، به گروه آن قدر برای نوجوان اهمیت دارد که اگر از راه مثبت و سازنده و در جهت منافعِ جامعه برای تشکیل گروه‌ها اقدام نشود، ممکن است به شکل مخرّب پدیدار شود و آثار زیانباری در پی داشته باشد».

۶. راه‌اندازی بخش کودکان و نوجوانان در کتابخانه: از جمله مهم‌ترین راه‌های جذب کودکان و نوجوانان به کتابخانه‌های مساجد این است که این کتابخانه‌ها بخشی از محل، خدمات و کتاب‌های خود را به کودکان و نوجوانان اختصاص دهند و تک‌تک بچه‌هایی را که در حیطهٔ نفوذ کتابخانه زندگی می‌کنند، دقیقاً از وجود کتابخانه و شرایط عضویت آن آگاه کنند.

«به‌طور مثال اگر در مسجد محله‌ای کتابخانه‌ای برای بچه‌ها تشکیل می‌شود، کتابدار بایست با حضور در مراسم نماز جماعت، چند دقیقه‌ای در مورد تشکیل و نحوهٔ کار کتابخانه برای نمازگزاران صحبت کند و امام جماعت نیز به کرّات (اما به فاصلهٔ معقول) درخصوص مورد اهمیت و لزوم مطالعهٔ بچه‌ها سخنرانی کند و تذکرات لازم را بدهد. علاوه برآن، کتابدار نباید تنها به این امر اکتفا کند، بلکه با ارسال نامه‌هایی برای تک‌تک خانواده‌های محل و یا با نصب آگاهی در مکان‌های مناسب، تأسیس و طرز کار کتابخانه را به اطلاع عموم برساند».[۱]

۷. استفاده از روش باز: نحوهٔ دسترسی به کتاب نیز از جمله مواردی است که بر ایجاد میل و رغبت کودکان به مطالعه می‌افزاید. استفاده از روش باز برای کودکان نکته‌ای مهم است که باید دقت کرد. فضا باید به گونه‌ای باشد که آن‌ها بتوانند کتاب‌های گوناگون را بررسی کنند، به دست بگیرند و ورق بزنند، تا بتوانند کتاب مورد نظر و دلخواه خود را انتخاب نمایند.

---

۱. رهگذر ۱۳۷۰: ۳۷.

۸. برقراری ارتباط بین مساجد و مدارس: ایجاد ارتباط بین مدارس و مساجد به‌ویژه در مناطق و شهرهای کوچک که زمینهٔ این ارتباطات بیشتر است، در بالا بردن میزان مطالعه در کودکان و نوجوانان مؤثر است. این ارتباط می‌تواند به ارتباطی دوسویه و مؤثر تبدیل شود. تشویق کودکان و نوجوانان مسجدی به بهره‌گیری از کتاب‌های موجود در مدرسه از یک سو و حضور امام جماعت و یا اعضای هیئت امنای مساجد در مدارس و هماهنگی به بهره‌گیری از سوی دیگر، زمینه‌ساز بهره‌گیری آنان از کتاب و در نتیجه افزایش مطالعه است.

استفاده از همکاری معلمان مدارس هم برای آگاه ساختن در دانش‌آموزان مؤثر است. بسیاری از معلمان و مربیان، از جمله شخصیت‌های مورد علاقه و اعتماد کودکان و نوجوانان هستند. می‌توان با ترتیب دادن جلسه‌های سخنرانی، برگزاری مراسم جشن کتاب و برنامه‌های متنوع دیگر از معلمان دعوت کرد تا مردم به ویژه کودکان و نوجوانان را در زمینهٔ اهمیت کتاب و مطالعه آگاه کند.

استفاده از ارتباط بین مساجد و مدارس از جنبه‌ای دیگر نیز حایز اهمیت است. در مساجدی که نزدیک مدارس قرار دارند، این ارتباط آسان‌تر شکل می‌گیرد. معمولاً در طول سال تحصیلی کلاس‌های آموزش خانواده با موضوعات گوناگون در مدارس تشکیل می‌شود و نتایج نسبتاً خوبی هم در بردارد. می‌توان یک یا دو جلسه از این آموزش‌ها را به موضوع اهمیت مطالعه و کتاب‌خوانی و روش‌های علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به مطالعه در مساجدی که شرایط مناسب دارند، اختصاص داد.

۹. برگزاری مراسم هفتهٔ کتاب: در اهداف برگزاری هفتهٔ کتاب آمده است:

«توسعه فرهنگ مکتوب و ایجاد علاقه و شوق در عموم مردم به ویژه کودکان به امر کتاب و مطالعه».[۱]

گرامی‌داشت هفتهٔ کتاب در مساجد از جمله اقداماتی است که می‌تواند در آگاه‌سازی جامعه و ایجاد رغبت و عادت به مطالعه مؤثر واقع شود. می‌توان با ترتیب دادن مراسم باشکوه، جشن کتاب، مسابقات گوناگون و تجلیل از کتابخوان‌های نمونه و امثالهم فضای جامعه را به سمت مطالعه و کتابخوانی سوق داد.

---

۱. قمی‌فر ۱۳۷۹ : ۸۸.

۱۰. وضع و تدوین مقررات برای کتابخانه: بدون تردید کتابخانه خوب، دارای قوانین و مقرراتی خاص است که همین امر، موجب ایجاد نظم و انضباط می‌شود و بازدهی کار کتابخانه را افزایش می‌دهد.

کتابخانه‌های مساجد، از این نظر، با مشکلاتی مواجه هستند که اگر با استفاده از روش‌های اصولی برای حل این مشکلات اقدامی صورت نگیرد، امور کتابخانه به خوبی پیش نمی‌رود و موفقیتی حاصل نمی‌شود. شاید اساسی‌ترین این مسائل، نظم و انضباط اعضا و چگونگی تحویل گرفتن و پس دادن کتاب باشد.

برای جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی و به منظور بالا بردن کیفیت کار کتابخانه مسجد، به ویژه درخصوص کودکان و نوجوانان توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) بسیاری از مشکلاتی که اعضاء پدید می‌آورند، ناشی از ناآگاهی و نداشتن شناخت صحیح از کتابخانه و قوانین و مقررات مربوط به آن است؛ لذا باید در ابتدای عضویت، در نهایت خوشرویی و دقت، قوانین و مقررات کتابخانه را برای مراجعه کنندگان، بیان کنند و از آنان خواسته شود، با مسئولان کتابخانه و کتابدار همکاری کنند.

ب) می‌توان قوانین و مقررات کتابخانه را روی یک برگ کاغذ، تایپ کرد و هنگام ثبت‌نام برای عضویت در کتابخانه مسجد، در اختیار مراجعه کنندگان قرار داد، تا پس از مطالعه دقیق و آگاهی از مقررات، متعهد به رعایت آن شوند و ورقه را امضاکنند و در پروندهٔ کتابخانه‌ای اعضا نگهداری شود.

ج) کتابدار مسجد، نباید برای ایجاد انضباط، به زور و اجبار متوسل شود، بلکه باید با آگاهی از روحیهٔ کودکان و نوجوانان به گونه‌ای رفتار کند که از علاقهٔ آنان به کتابخانه کاسته نشود و ضمن رفتار صمیمانه، نظم و انضباط نیز رعایت شود.

د) کتاب در کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان، «کالای مصرفی» است. بنابراین، نباید برای حفظ کتاب‌ها،بیش از اندازه سخت‌گیری کرد یا با اجرای قوانین خشک، مراجعه کنندگان را جریمه نمود، چراکه این کار موجب فاصله گرفتن آنان از کتابخانه می‌شود. بلکه باید علاوه بر تقویت روحیهٔ امانت‌داری در کودکان و نوجوانان، تدابیری اتخاذ کرد

تا عمر مفید کتاب‌ها بیشتر شود و هر بار که کتابی خراب یا پاره می‌شود و تعمیر شدنی است، درخصوص آن اقدام لازم به عمل آید.

هـ) هرگز نباید کتاب‌هایی را که کثیف و فرسوده شده یا جذابیت خود را از دست داده است، در کتابخانه نگه داشت زیرا کودک و نوجوان علاقه‌مند است که کتاب‌های جالب، تمیز و زیبا در اختیار داشته باشد.

و) برای تأخیر در تحویل کتاب نیز جریمه تعیین نکنید. مطمئن باشید کودکان علاقه‌مند، پس از مطالعهٔ کتاب‌هایی که به امانت گرفته‌اند، بی‌صبرانه آمادهٔ گرفتن کتابی دیگر هستند. بنابراین، تأخیر در تحویل کتاب حتماً علتی دارد، لذا ابتدا باید آن‌ها را شناسایی و سپس کودک را در حل مشکل وی یاری نمود. ممکن است علت تأخیر، بیماری، مسافرت، زیاد بودن تکلیف‌های مدرسه، امتحان یا موردی دیگر باشد. حتی اگر علت این تأخیر بی‌نظمی دانش‌آموز باشد، با جریمه نمی‌توان نظم را به او آموخت. جریمه، بیش از آن‌که نظم را در پی داشته باشد، موجب دلسردی و دوری کودکان از کتاب و مطالعه می‌شود.

ز) اگر تعداد اعضای کتاب خانهٔ مسجد زیاد است و آنان در طول هفته، فقط یک بار می‌توانند برای گرفتن کتاب مراجعه کنند، بایستی در صورت نیاز و علاقهٔ آنان، هربار دو یا سه جلد کتاب به ایشان امانت داد، تا در فاصلهٔ یک هفته، به مواد خواندنی بیشتری دسترسی داشته باشند و با انتظاری ملال‌آور روبه رو نباشند.

ح) هیچ وقت کودکان و نوجوانان را مجبور نکنید خلاصهٔ کتاب را بنویسند. هرچند این کار بسیار مفید و سازنده است؛ اما اگر جنبهٔ زور و اجبار داشته باشد، موجب فاصله‌گرفتن آنان از کتابخانه می‌شود؛ زیرا بعضی از دانش‌آموزان، این حوصله و توانایی را ندارند. البته به مرور می‌توان با استفاده از راه‌های گوناگون آنان را به این کار تشویق کرد. به‌طور مثال، کتابدار مسجد خلاصه‌های کتاب را بخواند و به نویسندگان آن امتیاز دهد.

علاوه بر آن چه بیان شد، راه‌کارهای دیگری برای افزایش میزان مطالعه از طریق مساجد وجود دارد که در این مقاله فرصت طرح آن‌ها نیست. اما در مجموع یک نکتهٔ اساسی دیگر را نباید از نظر دور داشت که مرکز رسیدگی به امور مساجد وظیفه‌ای سنگین در این زمینه دارد.

این مرکز باید برنامه‌ای اساسی برای تأسیس و تقویت کتابخانه‌های مساجد تدوین کند و ضمن تعیین خط مشی کلی نظارت لازم را بر عملکرد کتابخانه‌ها به عمل آورد.

اختیارات هیئت امنای مساحد هم باید در حدی باشد که بتوانند براساس شرایط بومی و منطقه‌ای تصمیمات لازم را اتخاذ کنند که شامل انتخاب کتاب‌های مناسب، برگزاری نمایشگاه‌ها، نحوهٔ ادارهٔ کتابخانه‌ها، چگونگی جلب مشارکت گروه‌ها، تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی و غیره می‌شود.

«وجود شبکه‌ی سازمانی کتابخانه‌های مساجد، می‌تواند در جهت رفع پاره‌ای از مشکلات کتابخانه‌ها مؤثر واقع شود؛ این شبکه باید اختصاصاً به بحث تحقیق و توسعهٔ کتابخانه‌های مرکزی و کتابخانه‌های مساجد و به روش‌های گسترش خدمات و بهینه‌سازی کتابخانه‌ها و به تلاش در جهت حل مشکلات آنها و یافتن الگو و کارکردهای جدید، برای کتابخانه‌های مساجد بپردازد. افزون براین، مسؤول ارزیابی کلیهٔ خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های مرکزی مساجد است، تا میزان توفیق و ناکامی آن‌ها را در مقاطع زمانی متفاوت، مورد بازبینی قرار دهد. ضمن سنجش میزان قابلیت‌های هر کتابخانه، رهنمودها یا پیشنهادهای لازم را برای بهبود خدمات کتابخانه آن استان یا شهرستان خاص ارائه دهد».[1]

پیشنهادها و راه کارهای اجرایی

براساس تعالیم اسلامی، افزایش آگاهی و بصیرت از جمله مهم‌ترین راه‌های رسیدن به‌مقصود است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«کسی که بدون بصیرت و بینش عمل کند همچون کسی است که در

---

۱ . مجیدی ۱۳۷۸ : ۲۲۷ با تصرف و تلخیص .

طریق و مسیر پیش نمی‌رود، از این رو هرچه بر تندی و حرکت خود بیفزاید، از مقصد دورتر می‌شود».

و امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرمایند:

«انسانی که بدون علم عمل می‌کند، بیش از آن که اصلاح‌گر باشد مایه تباهی است».

بنابراین اساسی‌ترین کارهایی که باید صورت گیرد، ایجاد زمینهٔ آگاهی ائمهٔ جماعت، هیأت امنای مساجد، نمازگزاران و نوجوانان و جوانان در بارهٔ اهمیت مطالعه و کتابخوانی در زندگی است، بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱. برنامه‌ریزی لازم برای آموزش ائمهٔ جماعت و هیأت امنای مساجد توسط نهادهای ذی‌ربط دربارهٔ اهمیت وجود کتابخانه در مساجد و نقش کتاب و مطالعه در رشد و تعالی کودکان و نوجوانان.

۲. تبیین اهمیت مطالعه و کتابخوانی به کمک ائمهٔ محترم جماعت برای نمازگزاران و کودکان و نوجوانان به منظور ایجاد آمادگی و انگیزهٔ لازم و مشارکت در راه‌اندازی یا تقویت کتابخانهٔ مساجد و استفاده از آن و معرفی کتاب‌های مناسب در این زمینه به والدین.

۳. ایجاد زمنیهٔ ارتباط مؤثر بین مساجد و مدارس به منظور تبادل تجربه‌ها و دستیابی به اهداف مورد نظر از جمله جذب دانش‌آموزان به مساجد برای بهره‌مندی از کتابخانه.

۴. تهیهٔ مجموعه‌ای از کتاب‌های علمی و آموزشی مورد نیاز دانش‌آموزان علاقه‌مند به شرکت در کنکور سراسری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تجهیز کتابخانه‌های مساجد به این کتاب‌ها.

۵. ایجاد ارتباط با دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فرهنگی و دولتی به منظور راه‌اندازی و توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مساجد، هم چنین با توجه به سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر واگذاری کتابخانه‌های عمومی به بخش خصوصی و حمایت از این کتابخانه‌ها و بررسی راه کارهای اجرایی به منظور توافق بین مرکز رسیدگی به امور مساجد و این وزارت‌خانه پیشنهاد می‌شود.

۶. برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی در سطح مساجد با توجه به شرایط سنی و نیازهای مخاطبان با در نظرگرفتن همهٔ جوانب (حداقل دو بار در سال).

۷. برگزاری نمایشگاه کتاب و نرم‌افزارهای گوناگون، حداقل هر سال یک بار در شهرهای کوچک، به منظور سهولت دستیابی به کتاب، چند مسجد می‌توانند مشترکاً کتاب‌های مورد نظر را تهیه و به صورت دوره‌ای اقدام به برگزاری نمایشگاه کنند.

۸. برگزاری مراسم جشن کتاب به مناسبت‌های گوناگون از جمله در هفتهٔ کتاب در مساجد و اجرای برنامه‌های مفید و متنوع.

۹. اهدای کتاب مفید و سازنده به نوجوانان و جوانان برای تلاش‌ها و کسب موفقیت‌ها، توصیه می‌شود همراه با کتاب جوایزی دیگر هم به این افراد اهداء گردد، تا خاطرهٔ خوشی از اهدای کتاب به ویژه برای کودکان بر جای بماند.

۱۰. دعوت از هنرمندان، دانشمندان، شاعران و نویسندگان برای سخنرانی و بحث و گفت‌وگو با علاقه‌مندان و معرفی شخصیت‌های برجسته با برگزاری نمایشگاه کتاب از آثار آنان.

۱۱. تهیهٔ جزوات آموزشی مناسب در بارهٔ نحوهٔ بالا بردن کیفیت کار کتابخانه‌های مساجد و نقل تجربه‌های موفقیت‌آمیز و ارسال به کتابخانه‌های مساجد سراسر کشور.

۱۲. برگزاری جشنوارهٔ کتابخانه‌های موفق مساجد در هفتهٔ کتاب یا به مناسبت‌های دیگر به منظور معرفی تلاش‌گران این عرصه و ایجاد انگیزه در دست اندرکاران سایر مساجد.

۱۳. سعی شود تا حد امکان برای اعضای کتابخانه و به ویژه کودکان و نوجوانان از روش قفسه باز استفاده شود، چراکه در معرض دید بودن قفسه‌ها و دیدن کتاب‌ها از نزدیک و لمس کردن و ورق زدن آنها، در کتاب خوانی و مطالعه، تأثیری مثبت دارد.

۱۴. انتخاب جوانان علاقه‌مند به عنوان کتابدار و برنامه‌ریزی هماهنگ در سطح هر شهرستان، به منظور آموزش آنان و بهره‌گیری از فن‌آوری در ادارهٔ امور کتابخانه.

۱۵. تشویق واقفان و هیأت امنای مساجد برای ساخت فضای مناسب کتابخانه در جوار مساجد.

منابع و مآخذ

۱ . امیری، محمود (۱۳۸۴)، رسالت مساجد در توسعهٔ فرهنگ کتاب و کتاب خوانی، ماهنامهٔ مسجد، ش ۸۸ .

۲ . انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۸۲)، فصل‌نامهٔ شورای کتاب کودک.

۳ . دفتر رهبری (۱۳۸۰)، نگرش‌های موضوعی| ۳، کتاب و کتاب‌خوانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴ . رهگذر، رضا (۱۳۷۰)، قلمرو ادبیات کودکان، تهران، حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

۵ . شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۳)، روان‌شناسی رشد (چاپ یازدهم) تهران، انتشارات اطلاعات.

۶ . عباس‌زاده، عباس (۱۳۸۲)، فصل‌نامه پژوهش‌گران فرهنگ، سال اول، ش ۴.

۷ . فتح آبادی، رضا (۱۳۷۱)، اشاعهٔ فساد فرهنگی و پوچ‌گرایی، تهران، نشر بلیغ.

۸ . فرحزاد، محمد (۱۳۷۵)، سال نامهٔ کتابداری، سال سی ام، دفتر بیست و چهارم و بیست و پنجم.

۹ . قمی فرد، محمد (۱۳۷۹)، آشنایی با فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی، تهران، نشر عابد.

۱۰ . کاربشخ راوری، ماشاءالله، و فاطمه تویسرکانی راوری (۱۳۸۴)، نقش فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه در پیشگیری و کاهش آسیب‌ها، مجموعه مقالات همایش علمی ـ کاربردی جایگاه فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه، انتشارات رسانهٔ تخصصی.

۱۱ . کاربخش راوری، ماشاءالله (۱۳۷۸)، چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند کنیم؟ چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه.

۱۲ . کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌ها، تهران، انتشارات قدیانی.

۱۳ . کلینی (۱۳۷۵)، اصول کافی / ۱، مترجم محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه.

۱۴ . مجیدی، موسی (۱۳۷۸)، راهنمای ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشگاهی، تهران، انتشارات مدرسه.

۱۵ . مدیریت امور کتاب‌خانه‌های عمومی استان کرمان (۱۳۸۴)، نگاهی اجمالی به وضعیت کتابخانه‌های عمومی و قانون جدید و آیین نامه‌های اجرایی تأسیس و نحوهٔ ادارهٔ کتابخانه‌های عمومی کشور.

۱۶ . منصوری، جواد (۱۳۷۴)، جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۷ . هارت، راجرای (۱۳۸۰)، مشارکت کودکان و نوجوانان، ترجمه فریده طاهری، تهران، دفتر پژوهش فرهنگی.

۱۸ . یغما، عادل (۱۳۶۱)، فن تلخیص کتاب، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

قضاوت در مسجد

▣ مرتضی رستگار

▣ چکیده

در این مقاله ضمن بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمهٔ «قضا» کوشیده است با جمع‌آوری نظرات و دیدگاه‌های فقهای متقدم و متأخر در مورد قضا در مسجد ثابت کند که قضاوت در مساجد نه تنها کراهت ندارد؛ بلکه در بعضی مواقع قضاوت در مساجد ضروری است، صاحب مقاله علاوه بر بیان نظرات فقهای بزرگواری مانند خاتم المجتهدین شیخ انصاری، محقق حلّی، ابن‌برّاج، شیخ طوسی و شیخ مفید رحمه‌الله در پنج قسمت مهم با استناد به بعضی از روایات از جمله از مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام تلاش نمود نظر خود را در عدم کراهت قضاوت در مسجد به اثبات برساند. وی استدلال بعضی از فقها مانند استدلال شیخ طوسی رحمه‌الله را در استناد به مرسله نبوی که فرمودند: **جنبوا المساجد جیانکم و مجانینکم و خصوماتکم والحکومة** را مخدوش و غیرقابل اعتماد می‌دانند و می‌گویند منظور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فضای جنجالی همراه با فریاد است که موجب کراهت قضا در مساجد است. ضمناً صاحب مقاله با استناد به سخن امام سجاد علیه‌السلام مسجد را جایگاه مطلق ذکر نمی‌دانند بلکه اعتقاد دارند بسیاری از مشکلات در مساجد حل و فصل می‌شود و اگر مسجد مکان مطلق ذکر باشد خواندن قرآن هم در مساجد غیر از ذکر است و بنابراین نباید قرائت شود.

اشاره

بی‌تردید مساجد نقشی حیاتی و ویژه در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، به حدّی که معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی‌ﷺ، در سخنان خود از مسجد به عنوان رمز پیروزی انقلاب اسلامی یاد کردند:

«رمز پیروزی ملّت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان، می‌رفتند خیلی هم کشته می‌شدند، بالاخره هم با همین فریادها و الله‌اکبرها پیروز شدند، رژیم اسلام این‌طور است که افرادش از مسجدند، از مسجد نهضت شروع می‌شد...».(۱)

از دیگرسو کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند آنچه در احداث و ایجاد یک انقلاب نقش دارد در بقاء و تداوم آن نیز نقش اساسی خواهد داشت، لذا می‌بینیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام‌ﷺ بارها و بارها از خالی شدن مساجد اظهار نگرانی می‌کردند و حفظ مساجد را از «تکالیف عمومی» مسلمانان برمی‌شمردند:

«شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این معجزه نه رها کنید او را، من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به آن وابسته است».(۲)

در جمهوری اسلامی ایران از اول انقلاب تا به امروز با پیدایش نهادها و مراکز دیگر نقش مساجد رو به افول گذاشته است، به صورتی که برخی را به این باور رسانده است که:

«در نظام جمهوری اسلامی بهتر است هرارگان و نهادی مکان مخصوص به خود داشته باشد ـ چنانکه دارد ـ و مسجد کانون نشر معارف دین و مرکز تهذیب اخلاق و پرورش دل‌ها و جان‌ها باشد».(۳)

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۹، ص ۸۹.
۲. همان: ج ۱۳، ص ۱۹ ـ ۲۱.
۳. مسجد و حکومت، مجلهٔ مسجد: ش ۲۹، ص ۲۱.

به نظر می‌رسد این سخن برخلاف نظرات معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی‌ﷺ است، ایشان در بیانات متعدد خویش می‌فرمایند:

«پیامبر اکرمﷺ در مسجد بود و همهٔ کارهای بزرگ دنیا را هم در مساجد انجام می‌دادند، ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حل و عقد امور باشد».[۱]

«ازاین مسجدها همه‌چیز بیرون می‌رفت، مسجد محل قضاوت بود».[۲]

در این مقاله تلاش خواهد شد تا یکی از کارکردهای مساجد در صدر اسلام یعنی «قضاوت در مسجد» را از نظر تاریخی و فقهی مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم ان‌شاءالله.

معنای لغوی و اصطلاحی قضاوت

مادهٔ قضی در ریشهٔ اصلی خود به معنای اِحکام و اِتقان امر و اجرای آن در جهت خود می‌باشد و خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَمواتٍ فِی یَوْمَیْنِ﴾.

مراد استوار ساختن آفرینش آسمان‌ها است. قضاء به معنای حکم کردن است، که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَاقضِ مٰا اَنْتَ قٰاضٍ».

یعنی حکم کن و انجام بده، و اگر قاضی را قاضی می‌نامند به این دلیل است که حکم می‌کند و آن را اجرا می‌نماید.[۳]

فقهای عظام تصریح دارند که قضاء دارای یک معنای خاص شرعی و یا متشرعی نیست.[۴] ولی در اصطلاح فقها همان‌گونه که مرحوم شیخ انصاریﷺ از مسالک و کشف‌اللثام

---

۱. صحیفهٔ امام: ج ۱۷، ص ۲۳۳.
۲. همان: ج ۱۵، ص ۱۴.
۳. معجم مقائیس اللغة: ج ۵، ص ۹۹.
۴. القضاء والشهادات: ص ۲۶.

نقل می‌کند به معنای ولایت شرعی بر حکم برای کسی که شایستگی فتوا دارد، در جزئیات قوانین شرعی نسبت به اشخاص خاص از مردم می‌باشد.[۱] مضمون این حکم «اثبات حقوق» برای برخی و یا «استیفاء حق» برای صاحب آن است.

شیخ انصاری قدس سره در جای دیگر[۲] افزون براین تعریف، «حکم کردن بین مردم برگونه‌ای خاص» را نیز به عنوان یکی از معانی قضا در اصطلاح فقها نقل می‌کند.

آنچه ازکاربردهای قضا در فقه و مباحث مطرح شده درکتاب القضا برمی آید این است که «قضا» تنها در موارد اختلاف بین دو نفر و حلّ این مخاصمه به‌کار می‌رود. از این‌رو فقهای معاصر قضا را به «فصل خصومت بین دو طرف تخاصم و حکم به ثبوت ادعای مدعی یا عدم حق برای او نسبت به مدّعیٌ علیه»[۳] یا حکم کردن بین مردم برای رفع تنازع از بین آن‌ها[۴] تفسیر می‌کنند.

مقصود از قضاوت در مسجد

پس از روشن شدن معنای لغوی و اصطلاحی قضا؛ مقصود از قضاوت در مسجد نیز روشن می‌شود؛ مقصود آن است که قاضی در مسجد بنشیند و به فصل خصومت بین طرفین دعوا در امر مورد اختلاف بپردازد. ادلّه وارده حکایت از آن دارد که اصل وقوع قضاوت در مسجد به همین معنا مورد اتفاق علماست؛ لذا هیچ فقیهی قائل به حرمت قضا در مسجد نیست چه اینکه قائل به وجوب هم نداریم. بلکه همهٔ فقهاء قضاوت در مسجد را جایز می‌دانند با این تفاوت که برخی قائل به کراهت قضا در مسجد، برخی قائل به استحباب و برخی تفصیل می‌دهند، برخی نیز احتیاط را در ترک قضا در مسجد می‌بینند و برخی با توجه به ادله اصل جواز و عدم کراهت را ثابت می‌کنند. روشن است که فعلاً محل بحث «صدور حکم» در مسجد است و اجرا و تنفیذ حکم از محل بحث بیرون است.

---

۱. همان: ص ۲۵.
۲. همان: ص ۲۲۷. «و فی عرف الفقهاء استعمل تارة فی الحکم بین الناس علی الوجه المخصوص».
۳. مبانی تکملة المنهاج: ج ۱، ص ۳.
۴. تحریرالوسیلة: ج ۲، ص ۴۰۴. «و هوالحکم بین الناس لرفع التنازع بینهم».

آرای فقیهان

به طور کلی در بین فقهاء پنج قول و نظر مطرح است:

۱ ـ قضاوت در مسجد به طور مطلق مکروه است. یعنی چه به صورت دائم و چه به صورت مقطعی؛ محقق حلّی قدس سره در دو کتاب معتبر و شرائع این نظر را برگزیده است: «**و یکره انفاذ الاحکام فشا**»؛ مکروه است قضاوت و صدور حکم در مساجد[۱] و محقق نراقی قدس سره در مستند همین نظر را دارد.[۲]

۲ـ تفصیل است بین آن زمانی که مسجد به عنوان مکان قضاوت انتخاب شود و پیوسته در آن قضاوت صورت گیرد و بین آن هنگامی که به صورت اتفاقی در مسجد قضاوت شود در صورت اول قضاوت در مسجد مکروه، ولی در صورت دوم کراهتی ندارد. مرحوم محقق حلّی در شرائع می‌فرمایند:

«**والآداب المکروهة... و أن یجعل المسجد مجلساً للقضاء دائماً و لایکره لو اتفق نادراً**».[۳]

«از جمله آداب مکروه آن است که مسجد پیوسته محل قضاوت باشد. ولی اگر گاهی در آن قضاوت صورت گیرد مکروه نخواهد بود. در بین فقها متأخر مرحوم میرزای قمی در غنائم‌الایام معتقد به این نظریه هستند».[۴]

۳ـ قضاوت در مسجد نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است، این نظریه از ظاهر عبارت فقهائی نظیر شیخ مفید در مقنعه،[۵] شیخ طوسی در نهایه،[۶] ابن حمزه در وسیله،[۷] ابن‌ادریس در سرائر[۸] و... استفاده می‌شود؛ عبارت شیخ مفید در مقنعه چنین است:

---

۱. المعتبر فی شرح المختصر: ج ۲، ص ۴۵۲؛ شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۹۸.
۲. مستند الشیعة: ج ۱۷، ص ۵۹.
۳. همان.
۴. شرائع الاسلام: ج ۴، ص ۸۶۶.
۵. المقنعة: ص ۷۲۲.
۶. النهایة فی مجردالفقه والفتاوی: ص ۳۳۷ ـ ۳۳۸.
۷. الوسیله الی نیل الفضیلة: ص ۲۰۹.
۸. السرائر: ج ۲، ص ۱۵۶.

«ثم یتوضأ وضوء الصلاة و یلبس من ثیابه مایتمکن من الجمال و حسن الهیئة و یخرج الی المسجد الاعظم فی البلد الذی یحکم فیه».

سپس (قاضی) وضو می‌گیرد و بهترین لباس خود را می‌پوشد و به طرف مسجد أعظم شهری که در آن به قضاوت می‌پردازد حرکت می‌کند. از این که خروج به مسجد اعظم در کنار دیگر مستحبات آمده، استفادهٔ استحباب شده است.

۴ ـ اگرچه قضاوت در مسجد جایز است ولی احتیاط در ترک آن است، این قول از کلمات صاحب جواهر[۱] و مرحوم شیخ انصاری[۲] استفاده می‌شود.

۵ ـ قضاوت در مسجد جایز است مطلقاً ـ چه به صورت دایم و چه مقطعی ـ در هر دو صورت صدور حکم و قضاوت در مسجد هیچ کراهتی ندارد. این قول از کلمات مرحوم شیخ طوسی در خلاف و مبسوط[۳] و قاضی ابن‌براج در مهذّب[۴] و ابن‌ادریس در سرائر[۵] و... استفاده می‌شود.

بررسی دلایل آرای مختلف

اکنون دلایل آرای مختلف مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا رأی صحیح روشن گردد.

دلیل رأی نخست: محقق حلی در قالب چند کلمه می‌فرمایند:

«لأنّه یسمع مشاجرة الخصوم والتنازع بالکذب».[۶]

قضاوت در مسجد توابع و لوازمی دارد که گاه ممکن است سبب هتک حریم مسجد گردد و گاه با مشاجرهٔ طرفین دادگاه به تشنج کشیده شود و منجر به بالا رفتن صدا،

---

۱. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۷.
۲. القضاء والشهادات: ص ۸۸.
۳. المبسوط: ج ۸، ص ۷۸.
۴. المهذب: ص ۵۹۲ ـ ۵۹۳.
۵. السرائر: ص ۱۵۶ و ۱۵۷.
۶. المعتبر فی شرح المختصر: ج ۲، ص ۴۵۲.

قسم‌های دروغ و نظیر این‌ها گردد و این‌ها مواردی هستند که شارع مقدس از وقوع آن‌ها در مسجد نهی کرده است. دیگر فقها در تبیین این دلیل مواردی مانند منع ورود کفار و مشرکان به مسجد در جهت ادای شهادت یا منع ورود زنان معذور به مسجد را اضافه نموده‌اند.(۱) از این‌رو بهتر است مکانی را برای قضاوت انتخاب کنند که این قبیل محذورات را در پی نداشته باشد.

بررسی و نقد: در این استدلال فرمودند که قضاوت توابعی دارد، لذا انجام آن در مسجد مکروه است: در پاسخ می‌توان گفت توابع و لوازم قضاوت موجب کراهت قضاء که فی نفسه امری مستحب و در برخی از موارد واجب است نمی‌شود؛ زیرا می‌توان با گماردن ضابطان قضایی جلوی هرگونه تشنج و جدالی را گرفت. اما اینکه فرمودند قضاوت در مسجد موجب عدم حضور مشرکان و زنان معذور به عنوان شاهد می‌گردد؛ باید گفت: چه اشکال دارد در این‌گونه موارد شاهدان تا درب مسجد بیایند و سپس قاضی نزد آنان برود و اظهاراتشان را بشنود ممکن است اشکال بشود که: در این صورت مجلس قضاء به هم می‌خورد چون جزئی از مجلس قضاء در داخل مسجد و جزئی در خارج مسجد واقع می‌شود، شاید مراد فقهائی که می‌گویند قضاء در مسجد ممنوع یا مکروه است، همین است که مجلس قضاء با تمام لوازمش در مسجد نمی‌شود؟ در پاسخ عرض می‌شود: اگر این فقهاء چنین منظوری داشتند باید در کلمات خود آن‌ها تبیین می‌شد و حال آنکه هیچ‌کس اشاره هم نکرده است.

علاوه بر اینکه نمی‌توان پذیرفت که با چند قدم حرکت قاضی و شنیدن شهادت شهود، مجلس قضاء به هم بخورد. گذشته از این موارد؛ حضور مشرکین و کفار در مسجد فی نفسه منعی ندارد مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد. زیرا به شهادت تاریخ، پیامبر گرامی ﷺ در مسجد نمایندگان مشرکان را به‌حضور می‌پذیرفتند و با آنان به‌گفت‌وگو می‌پرداختند و شاید بر همین اساس است که برخی از فقهای معاصر در پاسخ به استفتائی مبنی بر حکم ورود غیرمسلمان به مساجد مسلمین؛ می‌نویسند:

---

۱. جواهرالکلام: ج ۴۰، ص ۸۰.

«لامانع من دخولهم فی المساجد فی نفسه غیر المسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله الاّ أن یکون مستلزماً لتنجیس المسجد أو هتك حرمته أو موجباً لمکث الجنب فی المسجد».[۱]

ورود آنان [غیرمسلمانان] به مسجد غیر از مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله فی نفسه منعی ندارد، مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتك حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.

۲ ـ قائلین به کراهت به روایات نیز تمسك کرده‌اند؛ اینان در تثبیت نظر خود به چهار روایت مرسله استناد کرده‌اند:

الف: مرسله علی بن اسباط: محمد بن علی بن المحبوب عن الحسسن بن موسی الخشّاب عن علی بن اسباط عن بعض رجاله قال ابو عبدالله علیه السلام:

«جنّبوا مساجدکم البیع والشراء والمجانین والصبیان والاحکام والضّالة والحدود و رفع الصّوت».[۲]

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مساجدتان را از خرید و فروش، ورود دیوانگان و بچّه‌ها، صدور حکم، اعلام گمشده‌ها، حدود و فریاد دور نگه‌دارید».

ب: مرسله شیخ صدوق در من لایحضره‌الفقیه است که با مختصر جابجایی همان متن روایت فوق است.[۳]

ج: مرسلهٔ نبوی است که مرحوم شیخ طوسی در مبسوط آن را نقل می‌کند:

«جنّبوا المساجد صبیانکم و مجانینکم و خصوماتکم والحکومة».[۴]

«مساجد را از بچّه‌ها، دیوانگان و دعواها و حکومت و قضاوت دور نگه دارید».

---

۱. أجوبة الاستفتائات: ج ۱، ص ۱۲۹، س ۴۲۹.
۲. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۲.
۳. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۷۱۵.
۴. المبسوط: ج ۸، ص ۷۸.

د: مرسلهٔ نبوی است که شیخ در مبسوط نقل می‌کند که:

أنّ النّبی صلی الله علیه و آله سمع رجلاً ینشد ضالّة فی المسجد. فقال: لاوجدتها انّما بنیت المساجد لذکرالله والصلاة».[۱]

پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدند که مردی در مسجد از گمشده‌اش سخن می‌گوید. فرمود: پیدایش نکنی! همانا مسجد برای ذکر خدا و اقامهٔ نماز ساخته شده است.

از انضمام روایات مذکور هرچند همگی مرسله هستند این نتیجه حاصل می‌شود که معصومین علیهم السلام از قضاوت کردن در مسجد نهی کرده‌اند.

بررسی و نقد: همان‌گونه که خود قائلین به این نظر در طرح این ادله مطرح کرده‌اند؛ هر چهار روایت مطرح شده و مورد استناد مرسل و غیرقابل اعتماد می‌باشند و تنها در صورتی می‌توان به آن‌ها عمل کرد که روایت قوی‌تری برخلاف نداشته باشیم ـ که داریم ـ اما ممکن است کسی بگوید: مراسیل شیخ صدوق رحمه الله حکم مسانید را داشته و معتبر است به دلیل اینکه ایشان در کتاب اول من لایحضره‌الفقیه فرموده‌اند:

«بل قصدت الی ایراد ما افتی به و أحکم بصحته واعتقد أنه حجة فیما بینی و بین ربّی».[۲]

من در این کتاب قصد کرده‌ام چیزی را بیاورم که به آن فتوا داده و حکم به صحت آن می‌کنم و اعتقاد دارم که آن حجت است در بین من و پروردگار من، بنابراین تمام کسانی که در اسناد این روایات بوده و مرحوم صدوق آنان را حذف کرده‌اند، عادل وثقه بوده‌اند، لذا این مراسیل حجت است.

در پاسخ عرض می‌کنیم که اولاً: در اعتبار و عدم اعتبار مراسیل شیخ صدوق بین فقهاء اختلاف است و ثانیاً: نهایت چیزی که از عبارت شیخ صدوق در اول کتاب استفاده می‌شود این است که ایشان جزم یا اطمینان به صدور این روایات داشته‌اند و جزم و اطمینان ایشان سبب عدالت روات سند یا وثاقت آن‌ها نمی‌شود، زیرا در مواردی که ایشان سند را ذکر کرده‌اند روات

---

۱. همان.

۲. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳.

ضعیف وجود دارد و ثالثاً: بر فرض بپذیریم که شیخ صدوق به صدور اطمینان داشته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اطمینان ایشان برای دیگران نیز حجت است؟[۱]

اما از جهت دلالت فقها چند احتمال مطرح کرده‌اند:

الف: مقصود از احکام، صدور حکم نیست بلکه اجرای آن است که فقهاء اتفاق دارند بر کراهت آن در مسجد.

ب: مقصود فضای جنجالی با فریاد است، که با وزانت و متانت مسجد سازگار نیست.

ج: مقصود ائمه علیهم‌السلام احکام صادره از عامه است که باطل است و ائمه علیهم‌السلام از این راه می‌خواستند راه را بر قضاوت آنان ببندند.[۲]

هرچند برخی از این احتمالات ضعیف می‌باشد لکن قوت احتمال اول کافی است که دلالت این روایات را نیز مخدوش کند. پس روایات چهارگانه سنداً و دلالة مخدوش و غیرقابل استنادند، و به این ترتیب قول اول ابطال می‌شود.

دلیل قول دوم: صاحب شرایع مرحوم محقق حلّی دلیلی برای ادعای خود اقامه نمی‌کنند ولی میرزای قمی در غنائم پس از آنکه وجوه و أقوال در مسأله را مطرح می‌کنند می‌فرمایند:

«والأظهر فی الجمع بین الروایات القول بالکراهة فی صورة الادمان لامطلقا...».[۳]

أظهر در جمع بین روایات جواز قضاوت بر مسجد و ادلهٔ کراهت قضاء در مسجد؛ این است که بگوییم اگر قضاوت دائمی باشد مکروه و اگر مقطعی باشد کراهت ندارد.

نقد: با ذکر نکاتی که در پاسخ از ادله قائلین به کراهت مطرح کردیم زمینه‌ای برای این‌گونه جمع باقی نمی‌ماند.

دلایل قول سوم: همان‌گونه که در طرح نظر سوم بیان شد، این نظر از ظاهر کلمات فقهاء استفاده می‌شود؛ برای این نظریه به دو دلیل استدلال شده است:

---

۱. ر.ک کلیات فی علم الرجال: ص ۳۸۳ ـ ۳۸۴.
۲. ن.ک: جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۶ ـ ۱۱۷.
۳. غنائم الأیام: ج ۲، ص ۲۴۱.

۱ ـ مسجد محل یاد و ذکر خداست و قضاوت و حل و فصل اختلافات از مصادیق یاد خداوند است.

۲ ـ قضاوت از برترین اعمال است و لذا باید در شریف‌ترین اماکن صورت پذیرد و مکانی که دارای این ویژگی باشد فقط مسجد است.

محقق نراقی در مستند پس از مطرح کردن دو دلیل این‌گونه به نقل آن‌ها می‌پردازند:

اولاً: نمی‌توان پذیرفت که مسجد برای مطلق ذکر باشد بلکه طبق روایت جعفرابن ابراهیم از امام سجاد علیه السلام که پیامبر خدا فرمودند:

«**من سَمعتُمُوهُ یُنْشِدُ الشّعر فی المساجد فَقُولُوا فَضَّ الله فاكَ انما نُصِبَت المساجد للقرآن**».[1]

اگر شنیدید کسی در مسجد شعر می‌خواند به او بگویید: خداوند دهانت را بشکند! مسجد برای قرآن ساخته شده است. مساجد جای قرآن است و بر فرض بپذیریم که مسجد مطلق ذکر است؛ ذکر بودن قضاوت را قبول نداریم.

ثانیاً: پس از نصوصی که بر کراهت قضاء در مسجد اقامه کردیم، مستحب دانستن قضاوت در مسجد اجتهاد در مقابل نص است و این بالوجدان و بالاتفاق باطل است.[2]

به نظر می‌رسد هم دلیل قائلین به استحباب و هم نقدی که بر آن‌ها مطرح شد مخدوش است: خدشه در دلیل استحباب به این است که: استحباب نیز مانند وجوب و حرمت و کراهت حکمی از احکام الهی است که باید با دلیل آن را ثابت کرد.

اما خدشه در کلام محقق نراقی به این است که:

اولاً: از روایت «**انّما نصبت‌المساجد للقرآن**» نمی‌توان استفاده حصر نمود و حصر در این روایت قطعاً حصر اضافی است. زیرا اگر حصر حقیقی باشد باید دعا و توسل و حتی نماز خواندن در مسجد زیر سؤال برود. صرف‌نظر از حصر اگر قضاوت بر طبق قرآن باشد با روایت فوق منافات ندارد.

---

۱. الکافی: ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۵.
۲. مستندالشیعة: ج ۱۷، ص ۵۹ ـ ۶۰.

ثانیاً: هر عملی که برای کسب رضای خدا و خدمت به بندگان او انجام شود از مصادیق یاد خداست و قضاوت به حق، یقیناً از این دسته است.

اما اینکه فرمودید قول قائلین به استحباب اجتهاد در مقابل نص است؛ اگرچه این قول اجتهاد است ولی قطعاً در مقابل نص نیست زیرا نصوص مزبور سنداً و دلالة مخدوش هستند.

دلایل قول چهارم: مرحوم شیخ انصاری پس از طرح قول به کراهت و جواز قضاء در مسجد و بیان ادلهٔ طرفین در پایان بحث می‌فرمایند:

«**والمسئلة محل اشكال الا أن الترك أولى**».[1]

اما صاحب جواهر بر این مدعا دو دلیل اقامه می‌کنند:

۱ ـ قضاوت در مسجد چه بسا مستلزم وقوع در مکروهات باشد. خصوصاً با توجه به تفاوت جوهری و اساسی بین قضاوت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام با سایر انسان‌ها.

۲ ـ احتمال می‌رود قضات در مسجد به غیر ما انزل الله حکم کنند به دلیل تقصیر در مقدمات حکم یا تبعیت کردن از امیال و هواهای نفسانی.[2]

بررسی و نقد؛ اوّلاً: آیا ترس از افتادن در مکروه یا حکم به غیرما انزل الله می‌تواند مانع از جواز قضاوت در مسجد باشد! خصوصاً با توجه به قرائن و مستنداتی که دلالت می‌کند خود ائمه علیهم‌السلام به شاگردان و صحابهٔ خود دستور می‌دادند تا در مسجد به قضاوت بنشینند و یا روایاتی که دلالت می‌کند ائمه علیهم‌السلام دیگران را از قضاء در مسجد نهی نمی‌کردند که در ادلهٔ قول پنجم به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

ثانیاً: احتمال خطا در قضاوت به علل عدیده امکان‌پذیر است ولی اگر قضاوت در مسجد به خاطر این احتمالات باید ترک شود، در سایر امکنه هم این احتمال وجود دارد و تعطیلی امر قضاء سبب اختلال نظام می‌شود که یقیناً برخلاف خواسته شارع مقدس می‌باشد. علاوه براینکه نظیر احتمال خطا در جهت صدور حکم و قضاوت در صدور فتوا و اجتهاد نیز هست، پس باید صاحب جواهر ملتزم شود که به دلیل احتمال خطاء باید از صدور فتوا نیز اجتناب

---

۱. القضاء والشهادات: ص ۸۸.

۲. جواهر الکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۷.

کرد و یا حداقل احتیاط در ترک آن است؟! و بالاخره اینکه: چرا صاحب جواهر پس از ردّ نظریهٔ قائلین به کراهت و اثبات جواز قضاء در مسجد به دلیل ترس از افتادن در مکروه یا احتمال خطا فتوای به احتیاط می‌دهند؟ در حالی که مقتضای ادله جواز قضاء در مسجد است.

دلایل قول پنجم: مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف[1] سه دلیل بر اثبات این قول اقامه می‌کنند:

۱ ـ جواز مقتضای اصل است، تا وقتی که دلیلی بر کراهت یا حرمت قائل نشود، حکم بر جواز است.

۲ ـ سیره و مکان قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد بوده است و اصولاً مکانی جز مسجد برای قضاوت حضرت نقل نشده است و اگر قضاوت در مسجد مکروه بود قطعاً پیامبر صلی الله علیه و آله آنجا را برای امر قضاوت برنمی‌گزید.

۳ ـ امام علی علیه السلام در مسجد جامع کوفه قضاوت می‌کرد و «**دکة القضاء**» حضرت تا به امروز معروف است.

محقق نراقی در مستند به دلیل اول و سوم اشکال می‌کنند به اینکه:

اصل در ما نحن مندفع است به آنچه که از ادله بر کراهت قضا در مسجد ذکر کردیم، چون **الاصلٌ دلیل حیث لادلیل**؛ تمسک به اصل در جایی است که اماره برخلاف نباشد.

جواب از اشکال محقق نراقی از مطالب گذشته روشن می‌شود، زیرا ثابت کردیم که ادله مذکور سنداً و دلالة مورد خدشه و غیرقابل اعتمادند.

ایشان در ارتباط با دلیل سوم هم سه اشکال مطرح می‌کنند:

الف: اصل ثبوت چنین دکه‌ای برای قضاوت ثابت نیست.

ب: بر فرض که ثابت باشد، ثابت نیست که «**دکة‌القضاء**» باشد.

ج: بر فرض که «**دکة القضاء**» باشد از کجا معلوم که جزء مسجد بود و امام علی در آن قضاوت می‌کرده، شاید آن زمان جزء مسجد نبوده است.[2]

---

۱. الخلاف: ج ۶، ص ۲۱۷.

۲. مستندالشیعة: ج ۱۷، ص ۶۰.

در پاسخ هر سه اشکال این محقق عرض می‌شود که: هر سه نقد این عالم بزرگ، تشکیک در یک امر واضح و مسلّم تاریخی است چراکه اصل ثبوت و «**دکة‌القضاء**» بودن آن و قضاوت حضرت در این مکان، از مسلماتی است که پیوسته فقهای ما در طیّ قرون گذشته به آن در این باب استدلال کرده‌اند؛ و در دلیل چهارم بر قول پنجم که روایات است خواهد آمد که حضرت در این مکان به حل و فصل امور قضایی می‌پرداختند. حتی در برخی روایات نحوهٔ قضاوت حضرت با تمام جزئیات ذکر شده است. بنابراین احتمالات مذکور از محقق نراقی در آن حد از قوت نیست که استدلال را دچار خدشه و ایراد نماید.

برخی دیگر مثل مرحوم فاضل هندی صاحب کشف‌اللثام اشکال کرده‌اند که:

مواظبت بر قضاء امام علی علیه‌السلام در مسجد جامع ثابت نیست و حضرت در بعضی از اوقات و قضایا در آنجا به قضاوت می‌پرداختند.[۱]

در پاسخ عرض می‌کنیم که: این برداشت هم صرف ادّعاست. زیرا اولاً: چه دلیلی بر اثبات آن دارید و ثانیاً این برداشت بر خلاف ظاهر است زیرا یک مکان با یک یا دو بار قضاوت اتفاقی که «**دکة‌القضاء**» نامیده نمی‌شود.

۴ ـ مهمترین دلیل ما بر جواز قضاوت در مسجد، پس از اتفاق علما بر وقوع قضاء از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام، روایات است؛ که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) «علی بن ابراهیم عن أبیه عن أبن ابی‌عمیر عن عمربن اذینه قال: کنت شاهداً ابن ابی‌لیل فقضی فی رجل... فقال له محمد بن مسلم الثقفی: امّا انّ علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قد قضی فی هذا المسجد بخلاف ما قضیت...».[۲]

عمر بن اذنیه نقل می‌کند که قاضی ابن ابی‌لیلی در ارتباط با موضوعی حکمی صادر کرد، پس از صدور حکم محمد بن مسلم ثقفی خطاب به او گفت: آگاه باش که امام علی علیه‌السلام در همین مسجد نظیر همین قضیه را به نحو دیگری قضاوت کرد... .

---

۱. کشف اللثام: ج ۱، ص ۲۰۲.
۲. الکافی: ج ۷، ص ۳۴، ح ۲۷.

حدیث از دو جهت مقصود ما را اثبات می‌کند.

اول: محل قضاوت ابن ابی‌لیلی مسجد بوده چون در روایت هست؛ امام در همین مسجد که تو قضاوت می‌کنی.

دوم: مکان قضاوت امام علی‌علیه‌السلام نیز مسجد بوده است.

ب) «**علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن ابی‌عمیر عن علی بن ابی‌حمزه عن أبی‌بصیرعن أبی‌جعفرعلیه‌السلام قال: دخل امیرالمؤمنین المسجد فاستقبله شاب... ففرّق بینهم و أُقیم کل رَجُلٍ منهم الی أسطوانة من أساطین المسجد و رؤسهم مغطاة بثیابهم ثمّ دعا بعبدالله بن أبی‌رافع کاتبه فقال هات صحیفة و دواة و جلس امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام فی مجلس القضاء و...**».[۱]

روایت طولانی است خلاصه‌اش این است که جوانی به حضرت شکایت کرد از همسفران پدرش؛ که پدرم با اموال فراوانی با گروهی به تجارت رفت و اینک همسفرانش برگشته‌اند و او برنگشته و آنان ادعا می‌کنند که او در بین راه مرده است. وقتی می‌پرسم پس اموالش کجاست؟ می‌گویند: او مالی نداشت! نزد شریح قاضی رفته‌ام و او حکم به برائت آنان صادر کرده است. حضرت دستور داد همسفران را حاضر کردند و فرمود: یکی‌یکی و جدا و جدا در نزد ستون‌های مسجد بایستند و سپس کار بازجویی را شروع کردند و در نهایت افراد اعتراف به قتل کردند.

از روایت فوق نه‌تنها قضاوت حضرت در مسجد ثابت می‌شود بلکه نحوهٔ قضاوت و داشتن جایگاه قضاء در مسجد نیز قابل اثبات است.

ج) روایت دیگری که می‌تواند مؤید ما باشد، این روایت است که: وقتی امام علی‌علیه‌السلام شنیدند، شریح در منزل خود قضاوت می‌کند فرمود:

«**یا شریح! اجلس فی المسجد فانّه اعدل بین الناس و انّه وَهْنٌ بالقاضی ان یجلس فی بیته**».[۲]

---

۱. الکافی: ج ۷، ص ۳۷۱، ح ۸.
۲. دعائم الاسلام: ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۱۸۹۸.

ای شریح! در مسجد قضاوت کن که برای عدالت بین مردم این بهتر است. همانا نشستن در خانه و قضاوت کردن مایهٔ وهن نسبت به قاضی است. اگر از این روایت استحباب قضاء در مسجد استفاده نشود، حداقل جواز مستفاد است ولی سند روایت مرسل است لذا فقط می تواند مؤید باشد.

ر) از روایت دیگری که نیازی به ذکر آن نیست، می توان استفاده کرد که اعلام حکم قضائی در مسجد جایز است.[۱]

با ثبوت این‌گونه از قضاء، قضاوت قاضی تحکیم به طریق اولی جایز خواهد بود. علاوه براینکه قضاوت در مسجد از نظر روانی هم برای طرفین دعوا و هم برای قاضی آرامش بیشتری به همراه دارد. زیرا همگان به مقدس بودن این مکان ایمان دارند و فضای مسجد خود به خود باعث می‌شود افرادی که در آنجا حضور پیدا می‌کنند از مسائلی نظیر دروغ گفتن، شهادت به باطل، سوگند دروغ و نظایر این‌ها پرهیز کنند و این خود سبب قضاوت به حق از سوی قاضی خواهد شد.

---

۱. الکافی: ج ۷، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۶، ح ۱.

منابع

۱ ـ أجوبة الأستفتائات: السیدالخامنئی، دارالنبأ، ۱۴۱۵ هـ ۱۹۹۵ م.

۲ ـ غنائم‌الأیّام فی مسائل الحلال والحرام: المیرزا ابوالقاسم‌القمی، مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق.

۳ ـ جواهرالکلام: الشیخ محمد حسن‌النجفی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش .

۴ ـ کلیات فی علم‌الرجال: الشیخ جعفرالسبحانی، قم، جامعةالمدرسین، ۱۴۱۶ ش .

۵ ـ شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام: المحقق‌الحلّی، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ هـ .

۶ ـ کشف‌اللثام: بهاءالدین محمد بن الحسن بن محمد الاصفهانی (الفاضل‌الهندی) قم، مکتبه سید المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ هـ .

۷ ـ صحیفهٔ امام خمینی قدس‌سره: موسسهٔ چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس‌سره .

۸ ـ مسجد و حکومت: سید احمد خاتمی، مجلهٔ مسجد، ش ۲۹ .

۹ ـ المعتبر فی شرح المختصر: محقق حلّی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ هـ ش .

۱۰ ـ مستند الشیعة: محقق نراقی، مشهد، آل‌البیت، ۱۴۱۵ هـ .

۱۱ ـ المقنعة: الشیخ المفید، قم، جامعة المدرسین، ۱۴۱۰ هـ .

۱۲ ـ النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی: الشیخ الطوسی، بیروت، درالاندلس .

۱۳ ـ الوسیلة الی نیل الفضیلة: ابن حمزةالطوسی، قم، مکتبة السیدالمرعشی، ۱۴۰۸ هـ .

۱۴ ـ السرائر: ابن‌ادریس حلّی، قم، جامعة المدرسین، قم، باقری ۱۴۱۵ هـ .

۱۵ ـ المبسوط فی فقه الامامیة: الشیخ الطوسی، المکتبة المرتضویة، ۱۳۵۱ ش .

۱۶ ـ المهذّب: القاضی بن البراج، قم، جامعة المدرسین، ۱۴۰۶ هـ ق .

۱۷ ـ دعائم الاسلام: نعمان بن محمد تمیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ ق .

۱۸ ـ تهذیب الاحکام: شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ ش .

۱۹ ـ الکافی: شیخ کلینی، تهران، دارالکتب‌الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ ش .

۲۰ ـ الخلاف: شیخ طوسی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ ش .

۲۱ ـ معجم مقائیس اللغة: ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریّا، قم، مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ ق .

۲۲ ـ مبانی تکملة المنهاج: السیدالخوئی قدس‌سره، قم، دارالهادی، ۱۴۰۷ هـ ق .

۲۳ ـ تحریرالوسیلة: الامام‌الخمینی قدس‌سره، قم، اسماعیلیان .

نقش مسجد در شخصیت ایمانی

▣ محسن محمدی

▣ چکیده

نویسنده مقاله با بررسی و مطالعهٔ ادیان گوناگون به این نتیجه رسیده که در هر مکتبی محلی مقدس برای عبادت و بندگی وجود داشته است که در همان مکتب به عنوان بهترین مکان محسوب می‌شود و با مقایسهٔ این مکان‌ها نتیجه می‌گیرد که در مکتب حیات‌بخش اسلام تقدس مسجد بر سایر اماکن کاملاً روشن است.

نویسنده با نام‌گذاری شخصیت به عنوان اساسی‌ترین موضوع علم روان‌شناسی محور اساسی بحث در زمینه‌های یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف و احساسات، هوش و مواردی از این قبیل را شخصیت معرفی کرده و در عین حال برداشت‌های مختلف مفهوم شخصیت را در طول تاریخ بررسی نموده است و از این بررسی به نتایج پنج‌گانه‌ای می‌رسد که براین اساس تأثیر مسجد بر شخصیت را سه بعدی (احساس، ادراک، رفتار) عرض‌یابی نموده و هرکدام از این ابعاد سه‌گانه را به‌طور مختصر و مفید تشریح نموده است. نویسنده براین باور است که مسجد پایگاهی است دینی که علاوه بر شخصیت‌سازی صرف در شخصیت ایمانی نیز

کاملاً قابل تأثیر است و این تأثیرات را بر محور: تـقویت ایـمانی، ابـزارهـا تقسیم‌بندی نموده که از مراسم مذهبی، سخنرانی‌ها، مراسم دعا و نـیایش نماز جماعت ناشی می‌شود، و اصولاً زمینه‌سازی مساجد را از جهاتی عامل تقویت و شکل‌گیری رفتار انسانی می‌داند از جمله تأثیر علمی تربیت الگویی و تربیت عملی.

اشاره

در بررسی و مطالعه هر دین و مکتبی به مکانی مقدس برمی‌خوریم که از دید پیروان آن اهمیت و فضیلت زیادی دارد. در اسلام نیز مساجد از مهمترین مکان‌های مقدسی است که انسان در بخشی از مسیر تکامل خویش که مدتی را در کرهٔ خاکی می‌گذراند از آن زاد و توشه سفر بزرگ خود را به سوی جاودانگی را برمی‌دارد.

مسجد خـانهٔ پـیامبران و پـرهیزکاران[۱] و مـؤمنان[۲] است. مسـجدها انـوار الهـی[۳] و بهترین مکان‌ها نزد خداوند هستند[۴] که نشستن در آن عبادت است.[۵] و سـبب آرامش و رحمت الهی می‌شود.[۶] این مکان شریف چنان بافضیلت است که ورود، توقف و خروج آن احکام و آداب خاصی دارد.[۷]

مسجد ابعاد مختلفی دارد و از جهات گوناگون فرد و اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر کارکردهای مسجد در عین اینکه مکانی بـرای عـبادت و راز و نـیاز است،

---

۱. قال رسول الله ﷺ: «المسجد بیت کل تقی»، مسجد خانهٔ هر پرهیزکاری است. شهاب المنابر: ص ۲۳.

۲. قال رسول الله ﷺ: «المسجد بیت کل مؤمن». مسجد خانهٔ هر مؤمنی است. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۰.

۳. قال رسول الله ﷺ: «المسجد انوار الله». مساجد، نورهای الهی هستند. مستدرک الوسایل: ج ۳، ص ۴۴۷.

۴. قال رسول‌الله ﷺ: «احب البلاد الی الله مساجدها». محبوب‌ترین جای سرزمین نزد خدا، مسجد آن است. نهج الفصاحه: ج ۷۱۰. و در روایت دیگری می‌فرماید: «خیر البقاع المساجد». محبوب‌ترین مکان‌ها، مساجد هستند. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۴۸.

۵. وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۸۵؛ بحارالانوار: ج ۸۳، ص ۳۸۴.

۶. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۳.

۷. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص۵۱۶، ۳۷۳، ۳۸۵؛ وسائل الشیعة: ج۳، ص ۵۰۲، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۰۷، ۵۷۵؛ کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۷۵، ۶۶۸، ۶۶۹؛ بحارالانوار: ج ۸۳، ص ۳۸۰؛ همان: ج ۱۸، ص ۱۰۷.

فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، تربیتی و آموزشی را نیز در کار خود قرار داده و حتی آثار اقتصادی ژرفی نیز به جای می‌گذارد.

در نوشته نقش مسجد بر ابعاد معنوی و عبادی شخصیت انسانی را بررسی می‌کند.

شناخت واژگانی شخصیت و ابعاد آن

شاید بتوان شخصیت را اساسی‌ترین موضوع علم روان‌شناسی دانست؛ زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف و احساسات، هوش و مواردی از این قبیل است. به عبارتی دیگر موارد فوق‌الذکر اجزاء تشکیل‌دهندهٔ شخصیت به حساب می‌آیند. در روان‌شناسی تعریف شخصیت مراحل گوناگونی را طی کرده است به‌طوری که تمام معانی شخصیت را نمی‌توان در یک نظریه خاص یافت بلکه در حقیقت تعریف شخصیت، به نوع تئوری یا نظریهٔ هر دانشمند بستگی دارد.

برداشت‌های متفاوت از مفهوم شخصیت، به وضوح نشان می‌دهد که معنای شخصیت در طی تاریخ بسیار گسترده‌تر از مفهوم صوری و اجتماعی اولیهٔ آن شده است. با وجود این می‌توان در تعریف جامعی گفت: شخصیت عبارت است از مجموعه‌ای سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم که بر روی هم، یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌نماید.[۱]

نقش مسجد بر ساختن شخصیت

تأثیر مسجد بر شخصیت را در سه بعد «احساس، ادارک و رفتار» دینی می‌توان بررسی نمود. در توضیح انتخاب مدل فوق جهت تأثیر مسجد بر شخصیت ایمانی نکات زیر مدنظر است:

۱ ـ انسان موجودی مختار است و امتیاز و ارزش کارهای او به اختیار داشتن اوست. (کارهای غیراختیاری انسان به حُسن و مدح و ذم متصّف نمی‌شود و در نظام رفتاری او نمی‌گنجد).

---

۱ . مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، دکتر سعید شاملو: ص ۱۱ ـ ۱۲ ـ ۱۳، انتشارات رشد چاپ پنجم، تهران، پاییز ۱۳۷۴ هـ ش .

۲ـ صدور فعلی اختیاری از انسان، مراحل و مراتبی دارد به طوری که تغییر در این مراحل سبب بروز رفتارهای گوناگون از فرد می‌شود. نظام ارزشی نیز در این فرآیند شکل می‌گیرد تا افراد مختلف کارهای مختلف انجام دهند.

۳ـ صدور فعلی از انسان روند خاصی را طی می‌کند و نظام ویژه‌ای دارند. رفتار انسان حاصل تمایلات و افکار اوست، نمود خارجی شخصیت انسان حاصل تعاملات او در قلب و سپس ذهن است. به عبارت دیگر، شخصیت انسان در سه بعد احساس، ادراک و رفتار قابل بررسی است. به عبارتی پیش‌نیازهای شخصیتی انسان را در پیش نیازهای رفتاری، شناختی و احساسی می‌توان خلاصه نمود.

۴ـ هرچند رفتار تابع ادراک و احساس است ولی ادراک و احساس از رفتارهای انسان منشأ می‌گیرد. (اعمالی که ما انجام می‌دهیم در روحیات (قلب، احساس) و افکار (ذهن، ادراک) ما مؤثر است)؛ حتی رفتارهای انسان بر رفتارهای دیگر او تأثیر می‌گذارد. اعمال و رفتار، احساس و ادراک را تقویت می‌کند. ولی رفتار ناشی از احساس و ادراک است. چنان‌که ایمان اقرار به زبان است ولی اعمال صالح، ایمان را تقویت می‌کند. احساس و ادراک نیز بر هم تأثیر دارند. یکی از راه‌های ادراک، احساس است ولی در فرآیند رفتار انسان، ادراک بعد از احساس (تمایل) است.

۵ـ جهت بررسی علت، اصلاح و تغییر صدور فعل از فرد مختار نمی‌توان به راهکارهایی در سطح رفتار پرداخت، بلکه باید همواره به فرآیندی که فرد در بعد تمایلات و ذهنیات طی کرده تا رفتاری از او صادره شده توجه نمود تا خود فرد، مکانیسم رفتاری را طی کند و بدون اینکه احساس اجبار کند، آن رفتار را انجام دهد. طبیعی است توجه صرف به راهکارهایی در سطح رفتار، انگیزهٔ کافی را در فرد ایجاد ننموده و سبب زدگی فرد خواهد شد و اگر نتیجه مثبتی داشته باشد ظاهری و موقت است.

با توجه به جایگاه مسجد در تربیت دینی جامعه و دفاع از هویت و تشخیص دینی جامعه اهمیت موضوع و ساختار و مدل مورد بحث مشخص می‌شود.

نقش و تأثیر مسجد بر احساس دینی

دین اسلام فقط ابعاد شناختی و رفتاری ندارد؛ بلکه آثار و جنبه‌های احساسی نیز دارد. این ابعاد بر ظرافت و انعطاف دین می‌افزاید و با توجه به اشتراک احساس و عاطفه در همهٔ انسان‌ها، این بعدِ دین، عامل مناسبی جهت برقراری ارتباط با دین‌داران است. اهمیت مسائل احساسی و عاطفی در دین به حدی است که طبق روایات، ایمان، دوستی و دشمنی است.(۱)

در نظام اخلاقی اسلامی نیز به این موضوع بسیار توجه شده و اهداف احساسی در کنار سایر اهداف اخلاقی کاملاً مورد توجه است. با این وجود می‌بایست احساس را نیز در کنار ادراک و رفتار را جزء هویت دینی بدانیم.

احساسات دینی به امور هیجانی و غم‌ها و شادی‌های انسانی و اجتماعی محدود نمی‌شود. به عبارتی دیگر، احساسات دینی فقط گریه و اندوه و یا خوشحالی در مناسبت شهادت یا تولد ائمه معصومین علیهم‌السلام یا اعیاد اسلامی را در برنمی‌گیرد بلکه شامل هر نوع حالت روحی و روانی در قبال حوادث و پیامدهای حاضر و گذشتهٔ دینی نیز می‌شود. این شمول احساسات دینی، خوشحالی از انجام عبادت، ناراحتی از ترک عبادت یا انجام گناه، دوستی برادران ایمانی و دشمنی بی‌دینان را نیز دربرمی‌گیرد، می‌توان گفت احساسات دینی همان نظام تمایلات فرد است که در قلب او طرح‌ریزی می‌شود و فرآیندهای هیجانی و دوستی و دشمنی را سامانی ایمانی می‌بخشد.

مسجد پایگاهی دینی است که بر این جهت از شخصیت ایمانی نیز مؤثر است و احساسات دینی را تقویت می‌کند. می‌توان عوامل و کارکردهای احساسی مسجد در عرصه دینی را به این شکل برشمرد:

الف ـ تقویت ایمان: ایمان عنصری درونی است که سرشت افکار، تمایلات و رفتار انسان را طرح‌ریزی می‌کند. ایمان باوری است قلبی که با اعمال جوارح، تقویت و تثبیت می‌شود و می‌توان گفت سرآغاز حرکت انسان از مبدأ به سوی خداوند، ایمان است که انسان را موجودی الهی و آسمانی می‌گرداند. به این ترتیب، تحولات قلبی انسان بر ذهن و بروز عینی و نمود خارجی شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد.

---

۱. میزان الحکمه، محمدمهدی ری‌شهری، ترجمهٔ حمیدرضا شیخی: ج ۲، ص ۹۴۴، ب ۶۵۸، ح ۳۰۵۹.

مسجد محل عبادت و راز و نیاز با خداوند است که آسمانیان بر او دیدی افلاکی دارند. انسان با حضور در خانهٔ خدا و انجام عبادت ایمان قلبی خود را افزایش می‌دهد و تثبیت می‌کند. در چنین شرایطی فرد مسجدی، با ایمانی که از محضر مسجد کسب کرده، ملاک زندگی‌اش تغییر می‌کند و همه‌چیز را از این منظر می‌بیند و به جایی می‌رسد که حب و بغض، هیجانات و غم و شادی‌اش بر اساس این ملاک و معیار نظام می‌گیرد. فرد باایمان نمی‌تواند به غم‌ها و شادی‌های اسوه‌های ایمان (ائمه علیهم‌السلام) بی‌تفاوت باشد. کسی که خود را در محضر خدا می‌بیند و ایمانی کامل و راسخ به خداوند دارد از وقوع عبادتی، خوشحال و از انجام شدن معصیتی اندوهناک می‌شود.

مسجد به عنوان پایگاه دینی جهت اثرگذاری بر احساسات دینی از ابزارهای مختلفی بهره می‌گیرد که هر کدام به نحوی اثرگذار هستند.

۱ـ نماز جماعت: نماز جماعت یکی از عبادات گروهی اسلام است که آثار فردی و اجتماعی ژرفی به جای می‌گذارد. قرارگرفتن مؤمنین نمازگزار در صف‌های موازی و شرایط یکسان در حالی‌که همه یک کار انجام می‌دهند و از یک قانون تبعیت می‌کنند و یک امام دارند. نماز جماعت، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که اعضای آن به یکدیگر بسیار نزدیک می‌شوند. در این بین غیبت کسانی که به طور مستمر در مسجد حضور دارند، زودتر آشکار می‌شود و دیگران را به احوال‌پرسی از او وامی‌دارد. برقرار شدن چنین انس و الفتی بین نمازگزاران و گره خوردن احساسات آن‌ها در غم‌ها و شادی‌های یکدیگر به تقویت احساسات دینی می‌انجامد تا مسلمانان با یکدیگر مهربان باشند و محبتی الهی بین آنان جاری گردد.

۲ـ مراسم دعا و نیایش: ارتباط انسان با خدا و قرائت ادعیه‌ای که ائمه علیهم‌السلام در برابر خداوند بلندمرتبه آن را تلفظ نموده‌اند، انسان را وارد وادی دیگری می‌کند و روح را صفا و صیقل می‌دهد. به خصوص که برخی ادعیه مثل دعای توسل دعای ندبه و زیارت عاشوراکه در مساجد قرائت می‌شود با ائمه علیهم‌السلام ارتباطی مستقیم دارد.

حضور در این مجالس، روح را لطیف و رقیق می‌کند و احساسات دینی را تقویت می‌کند. ضمن اینکه ادعیه از نظر شناختی بار معنایی بسیار عظیمی دارد، چراکه ائمه آن‌ها را در

مقابل خداوند عظیم بیان نموده‌اند نه برای انسان‌ها (سطح فکر و فهم انسان‌ها را مدنظر نداشته‌اند بلکه در برابر ساحت لایتناهی خداوند راز و نیاز و نیایش نموده‌اند).

۳ـ مراسم مذهبی: در تقویم دینی و معنوی مسجد روزهایی وجود دارد که باید در گرامی‌داشت آن کوشید تا ماهیت اسلامی فرد و جامعه حفظ شود. یکی از مهم‌ترین این مناسبت‌ها، ایام شهادت یا تولد ائمه علیهم‌السلام است که در آن زمان مراسم‌های مذهبی در مسجد برگزار می‌شود. در این مراسم‌ها ابعاد شخصیتی، فضایل و مصائب ائمه نقل می‌شود و به‌طور مستقیم احساسات دینی ارج نهاده می‌شود. در نتیجه، شناخت مسجدیان از ائمه افزایش می‌یابد، رابطهٔ عاطفی آن‌ها با ائمه علیهم‌السلام افزایش می‌یابد و توسلات عمیق‌تر می‌گردد.

٤ـ سخنرانی: امام جماعت به عنوان یکی اسلام‌شناس آگاه و متدین در مسجد مدیریت و رهبری عبادی و اخلاقی نمازگزاران را بر عهده دارد. او با سخنرانی در مورد مفاهیم وگزاره‌های دینی گام بلندی در شکل‌گیری شخصیت دینی، آن‌ها و افزایش شناخت و ایمان‌شان برمی‌دارد و از این طریق به طور غیرمستقیم به تقویت احساسات دینی می‌پردازد. او احساسات دینی را به عنوان رکنی از شخصیت و هویت دینی هدایت و رهنمون می‌نماید.

۵ـ معماری: براساسی ارزیابی احساسی محیط، احساسی که محیط از طریق زیباشناسی محیطی در انسان ایجاد می‌کند سبب درک و انتقال معانی و مفاهیم می‌شود. با توجه به زیباشناسی تجربی و روان‌شناسی محیطی، محیط براحساس آدمی تأثیر دارد و سبب ایجاد علاقه و پذیرش بیشتر محیط می‌شود بدین جهت شناخت رابطه میان ویژگی‌های بصری و احساسات انسان به طراحان کمک می‌کند که طرح‌هایی مناسب‌تر با خواسته‌های استفاده کنندگان ارائه دهند.

رنگ،[۱] شوق مذهبی،[۲] سمبولیسم،[۳] نیز برخی مولفهٔ احساسی مذهبی در مسجد هستند.

---

۱. رنگ‌ها می‌توانند انسان را شاد یا غمگین سازند و عواطف را تحت سلطهٔ خود گیرند. رنگ‌ها هنگامی که در مکانی و هنری دینی کار می‌روند، نمادگرایی بیشتری می‌یابند.

۲. مساجد مکان‌هایی زیبا هستند که موجب شادی گشته، انسان را به تأمل وامی‌دارند. گاه سنگین و با وقار وگاه شکوهمند و پرجلال، فریبنده‌اند. شوق مذهبی را برمی‌انگیزانند.

۳. معماری مسجد یک مدل سمبولیسم از کیهان و جهان آفرینش است.

نقش و تأثیر مسجد بر ادراک دینی

معارف و گزاره‌های دینی از مهمترین ارکان دینداری است که ادراک و شناخت آن‌ها در عین اینکه برای تبیین به زبان ساده و عرف جامعه قابلیت دارند از بار شناختی و استدلالی سنگین و عمیقی برخوردار می‌باشند.

ادراک، دارای ابعاد و معنای وسیعی است و در روان‌شناسی امروز به معنای «فرآیند ذهنی یا روانی است که گزینش و سازماندهی اطلاعات حسی و نهایتاً معنی بخشی به آن‌ها را به‌گونه‌ای فعال به عهده دارد». به عبارت دیگر پدیدهٔ ادراک «فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنی می‌شود». لذا نگرش‌های ادراکی که به فرد خصوصیت می‌بخشد و در شخصیت او به‌گونه‌ای دائمی عجین شده‌اند، در اعمال وی نقش مهمی دارند. بنابراین چگونگی نقش مکانیزم‌های ادراکی می‌تواند در تبیین سازمان شخصیت آدمی سهمی داشته باشد.[1] به عبارتی دیگر ادراک همان «شناختی است که ذهن آدمی در فرآیند تفکر حاصل می‌کند».

مسجد یک مرکز همبستگی دینی است که برای تقویت و گسترش هویت دینی در فرد و جامعه می‌بایست مکانیزم‌ها و فرآیندهای شناختی را طی کند. بویژه در زمان کنونی که مکاتب و جریانات فکری انحرافی، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

نیم‌نگاهی به عملکرد و آثار مساجد در صدر اسلام، این باور را تقویت می‌کند که مسجد در این مسیر اثرگذار و تعیین‌کننده است. چراکه اساس جهان‌بینی و مبانی فکری تئوریک اسلام در ابتدای پیدایش در میان مخالفت‌های شدید و گستردهٔ دشمنان پیامبر در مسجد انجام گرفت و ممهمترین و اولین گام برای استقرار و گسترش مکتب، بلند و محکم برداشته شد.

می‌توان آثار مسجد را بر جنبهٔ ادراک شخصیت دینی در موارد زیر بیان نمود:

الف) ادراک و شناخت دینی عرصه‌های گوناگونی دارد؛ چه در بعد جهان‌بینی و چه در بعد ایدئولوژی، مسجد برای مسجدیان ارمغان ارزنده‌ای دارد.

---

۱. روان‌شناسی احساس و ادراک، دکتر محمود ایروانی، محمدکریم خداپناهی، ص ۲۵، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۷۱ هـ ش، چاپ اول.

ب) احکام فقهی از ضروری‌ترین مواردی است که یک فرد مسلمان باید از آن‌ها شناخت کافی و دقیقی داشته باشد. مسجد در این امر نیز فعال است. جلسات بیان احکام در ماه مبارک رمضان و پاسخگویی امام جماعت به سؤال‌های نمازگزاران در مورد احکام از این قبیل است.

ج) با بررسی آسیب‌شناسی شناخت و ادراک دینی «حذف گزاره‌های تعالیم دینی»، «ابقاء و ایجاد انحراف در سطح کم و کیف مفاهیم و مناسک دینی» و «ایجاد بدعت و قرار دادن امور جدید در دین» به عنوان آسیب‌های جدی در مسیر دینداری به چشم می‌خورد. مسجد در این عرصه به مبارزه می‌پردازد و شناخت دینی را تحکیم می‌بخشد. مجموعهٔ این فعالیت‌ها، ادراک دینی را افزایش می‌دهد و سبب می‌شود قدرت فهم و تجزیه و تحلیل فرد در مورد مفاهیم دینی در هنگام تعارض با جریانات غیردینی افزایش یابد و سبب ایجاد جریان دینی آگاهانه و پایدار گردد که مکاتب فکری مخالف قادر به تضعیف چنین روحیهٔ دینداری نخواهند بود و با توجه به تحولات فرهنگی جامعه و کاهش روحیهٔ تعبد و افزایش پذیرش دین در قالب بیانات استدلالی، در پیش گرفتن چنین شیوه‌ای در تقویت هویت دینی مؤثر خواهد بود.

مسجد برای افزایش و تقویت و شناخت نمازگزاران و مسجدیان از ابزارهایی مثل سخنرانی‌های عام در ایام سال مثلاً بعد از نماز یا بین دو نماز، سخنرانی‌های خاص در مناسبت‌های مذهبی استفاده می‌کند. علاوه بر این کلاس‌هایی که در مسجد برگزار می‌شود مثل کلاس آموزش قرآن مؤثرند.

فعالیت‌های مسجد از این حد نیز می‌تواند گسترده‌تر باشد. امور فرهنگی مسجد با نصب اطلاعیه‌ها و پوسترها ضمن تبلیغات برای شرکت مردم در مسجد می‌تواند آگاهی‌ها و شناخت‌های دینی گسترده‌ای را در قالب روایات و آیات قرآن در اختیار افراد غیرمسجدی قرار دهد یا اینکه مثلاً قبل از فرارسیدن ایام ماه مبارک رمضان برگه‌هایی در مورد فضیلت مسجد، مسجدیان، رفت و آمد به مسجد و ماه مبارک رمضان تهیه کند و در منازل پخش کند که یکی از این برگه‌ها، حالت دعوت‌نامه به مسجد و میهمانی خدا را داشته باشد.

با توجه به اقبال عمومی مردم، مسجد در این مسیر اقدامات گوناگونی را می‌تواند انجام دهد ولی همواره باید به این اصل مهم توجه نمود که ابزارهای انتخابی، می‌بایست با فرهنگ و سلیقهٔ مردم متناسب باشد و از قالب‌های متنوع و زیبا استفاده شود.

نقش و تأثیر مسجد بر رفتار دینی

رفتار از مهمترین ابعاد هویت دینی است که بیانگر چگونگی نظام‌شناختی و احساسات فرد است و تشخیص دینی فرد را ترسیم می‌نماید به طوری که هدف نهایی از ایجاد تعمیق «شناخت» و «احساس»، ایجاد رفتار دینی و آگاهانه و مداوم است.

مسجد به عنوان پایگاه تفکر دینی در این مورد نیز بسیار فعال و مؤثر است و می‌تواند با فراهم نمودن احساسات و شناخت‌های دینی، زمینهٔ مناسبی را برای تحقق رفتار ایمانی ایجاد نماید. چون بروز رفتار، نمود خارجی شخصیت است که از تعاملات قلبی و ذهنی‌اش در بُعد تمایلات و افکار نشأت می‌گیرد. علاوه بر این زمینه‌سازی، مسجد از جهاتی بر تقویت و شکل‌گیری رفتار دینی مؤثر است:

۱ـ تربیت الگویی: برای تغییر یا ایجاد رفتاری جدید، راه‌های متفاوتی وجود دارد ولی بهترین گزینه راه‌های غیرمستقیم است که فرد را به گونه‌ای همراه خود می‌کند که احساس اجبار و بی‌هویتی نمی‌کند؛ یکی از بهترین راه‌های غیرمستقیم، تربیت الگویی است در این شیوه به جای امر و نهی غیرمستقیم، الگویی برای مخاطب معرفی می‌شود که فرد با هم‌ذات‌پنداری با او سعی می‌کند رفتار خود را به او شبیه نماید. در صورتی که معرفی و پذیرش الگو به درستی انجام شود، بقیهٔ مراحل پیش خواهد رفت.

برای پذیرفته شدن الگو باید به روحیات و نظام ارزشی مخاطب توجه نمود. در برخی موارد ایجاد روابط عاطفی و صمیمی بین الگو و مخاطب مؤثر خواهد بود.

مسجد مکان رفت و آمد انسان‌های متقی و وارسته‌ای است که در پناه ارتباط با مسجد، به کمالات و معنویت خاصی رسیده‌اند. این افراد برای سایر افراد مسجدی و اعضای جامعه،

الگویی مناسب برای پذیرش رفتار دینی هستند. علاوه بر این در مسجد سخن از اسوه‌هایی به میان می‌آید که کامل‌ترین انسان‌ها در عرصهٔ هستی هستند. در مناسبت‌های مذهبی و شهادت و تولد ائمه علیهم‌السلام از اوصاف و شخصیت بی‌بدیل ایشان سخن گفته می‌شود و بهترین الگو برای رسیدن به کمال و شکل‌گیری شخصیت ایمانی معرفی می‌شوند که مردم با تمسک به شیوهٔ رفتاری آن‌ها به خوبی می‌توانند خود را در مسیر هدایت و سعادت قرار دهند.

۲ـ تربیت عملی: مسجد علاوه بر الگودهی، مکانی است برای اجرا و عمل به فرامین الهی، به عبارت دیگر مسجد علاوه بر اینکه زمینهٔ عمل به اوامر الهی و ترک نواهی را به‌طور کلی فراهم می‌کند و در این راه الگوهای بسیار ارزنده‌ای را معرفی می‌نماید، در عمل نیز بسیاری از فرامین الهی را اجرا می‌نماید:

- نماز مهم‌ترین عبادت و فریضهٔ دینی است که به بهترین شکل (نماز جماعت) در مسجد اجرا می‌شود.
- دعا و نیایش در ترقی و سلوک انسان عابد امری حیاتی است که در زمان‌ها و مراحل گوناگون در مسجد اجرا می‌شود.
- مراسم عزاداری و جشن و سرور در ایام و مناسبت‌های مذهبی رابطهٔ عمیقی با ائمه علیهم‌السلام برقرار می‌نماید که در مسجد برپا می‌شود.
- «جمع‌آوری کمک برای فقرا و مستمندان» و «اعتکاف» از اعمال مهم دینی است که در مسجد اجرا می‌شود و هر یک در تقویت روح انسان بسیار مؤثر است.

البته توجه به این نکته ضروری لازم است که تغییر رفتار از مهمترین مراحل ایجاد یک شخصیت است. چون فرد مقابل فردی مختار است که به خود و دانسته‌ها، احساسات و رفتارهایش احترام می‌گذارد. تغییر در این روند و جایگزینی در آن کار ساده‌ای نیست. به عبارت دیگر متقاعدسازی هنر دشواری است؛ زیرا هرچه شور و اشتیاق آشکار برای قانع کردن بیشتر باشد موفقیت کمتری حاصل می‌شود. احتمال اینکه یک اظهارنظر که به‌طور اتفاقی شنیده می‌شود، عقیدهٔ کسی را تغییر دهد بسیار بیشتر از گفتار است که با دقت تدوین شده باشد؛

زیرا پیام‌گیران در مقابل پیامی که نیتی در پس آن قرار دارد (مثل تغییر او یا نـادیده‌گـرفتن وکم‌اهمیت دانستن رفتار و روحیات او) واکنش نشان می‌دهند.

به نظر می‌رسد توجه به این هفت مرحله، به خصوص در شرایط فعلی، مسجد و عناصر مذهبی آن را برای ایفای مهم‌ترین بخش نقش خود در ایجاد و تعمیق شخصیت دینی بسیار یاری خواهد نمود.

در پایان توجه به دو نکته خالی از فایده نیست:

نکتهٔ اول: مسجد علاوه بر اینکه در شخصیت دینی بسیار مؤثر است به نحو تعیین‌کننده‌ای در تشخیص دینی نیز مؤثر است. چون شخصیتی که مسجد در فرد ایجاد می‌کند شخصیتی پویا و حاضر است نه ساکت و منزوی، به عبارتی دیگر شخصیت ایمانی مسجد، در جامعه نمود و بروز دارد.

نکتهٔ دوم: مسجد علاوه بر اینکه در شخصیت فردی مؤثر است در شخصیت جامعهٔ اسلامی نیز مؤثر است؛ چراکه افراد، تشکیل‌دهندهٔ جامعه هستند و مساجد به عنوان عناصر و مراکز اجتماعی نیز در جهت‌دهی فرهنگ و عقاید جامعه بسیار مؤثرترند حتی می‌توان گفت مسجد در تشخیص جامعه نیز مؤثرتر است.

نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی

▣ دکتر سید مصطفی ابطحی

▣ چکیده

مسجد به عنوان تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، نقطه کانونی تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا به‌شمار می‌رود و این مرکزیت نه‌تنها در چهره شهرها بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود.

در شهرسازی اسلامی مسجد به عنوان پایگاه عقیده در کنار بازار به‌عنوان مرکز معیشت و در جوار حکومت و دستگاه دیوانی به‌عنوان کانون قدرت، نظام متحدالشکلی را تشکیل می‌دهند.

اگر مساجد به‌عنوان کانون هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز با در نظر گرفتن متغیرهای جدید جامعه کارکرد خود را بروز دهد.

نگارنده‌دراین‌پژوهش ضمن‌بیان‌مؤلفه‌های‌هسته‌بسیج‌گرانقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته هدایت و سازماندهی، انقلاب اسلامی، معتقد است در وضعیت جدید مساجد و متولیان آن باید با تلاش مضاعف در حوزه نرم‌افزار برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلام سیاسی که امام پرچمدار آن بود، گام‌های مهمی بردارند و با این رویکرد شالوده تمدن اسلامی بر محوریت مسجد شکل گیرد.

این مقاله با تعریف و مفاهیم و واژه‌ها، نحوه شکل‌گیری انسجام و بسیج عمومی را مورد توجه قرار داده، نقش مسجد به عنوان پایگاه اطلاع‌رسانی و ساماندهی دارای دو سر فصل مهم:

ـ مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای.

ـ مسجد به عنوان کانون هدایت و سازماندهی دانسته است.

عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌های بسیج شده:

۱ ـ اسلامی کردن؛ ۲ ـ غرب‌ستیزی؛ ۳ ـ رهبری.

ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به‌نام مساجد برای توده‌های تبیین می‌شد.

عوامل سرعت و شتاب:

۱ ـ کنترل و نظارت روحانیون بر شبکه وسیع و گسترده‌ای از مساجد، تکایا، حرم‌های مذهبی و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی به عنوان ابزارهای سازمانی آنها در سطح محلی و مجراهای برقراری ارتباط با مردم و اشاعه‌دهنده تبلیغات.

۲ ـ حلقه‌ها و پیوندهای اقتصادی و شخصی دیرینه‌شان با اقشار مستضعف و متوسط به ویژه بازاریان.

۳ ـ استقلال نسبی مالی و سیاسی‌شان از دولت.

در طول ۸ سال دفاع مقدس، مساجد در اعزام و بسیج نیروهای مردمی نقش بسزایی داشتند.

چالش نظامی غرب با انقلاب اسلامی به چالش فرهنگی لیبرالیسم با اسلام و هویت‌ساز، با هدف تهی‌سازی فرهنگی، فکری و دینی ملت مسلمان ایران تبدیل شد.

نفوذ اندیشه‌های بیگانه از سوی دشمنان و یا دوستان نادان، تجددگرایی افراطی، ابهام در طرح‌های آینده، بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌ها و شبهات رخنه فرصت‌طلب‌ها و همچنین ترک صحنه از سوی نیروهای انقلابی از آفت‌های مهمی است که انقلاب را تهدید می‌کند.

۱ ـ تعریف و طراحی الگوهای نقش متناسب با لایه‌های مختلف اجتماعی، با توجه نظام ارزشی جامعه از یک سو و مقتضیات و شرایط نوین جهانی از سوی دیگر و تقاضاهای نسل جوان کنونی از جانب سوم.

۲ ـ تعریف و طراحی الگوهای تعامل اجتماعی فراگیر و سامان‌دهی آنان پیرامون الگوهای نقش فراگیر، این امر موجب همبستگی و همگونی بیشتر اجتماعی می‌شود.

۳ ـ با محوریت مساجد مواجهه و مقابله تبلیغاتی، روانی و فرهنگی مناسب و کارآمد با گروه‌های مرجع کاذب.

۴ ـ تلاش به منظور ارایه چهره‌ای تابناک از مبانی تئوریک حکومت دینی و نیز روزآمد کردن سنت نبوی در عصر حاضر، به صورتی که هرگونه ابهام نظری درخصوص مبانی اندیشه دینی و سیاست اسلامی زدوده شود.

۵ ـ تلاش به‌منظور تطبیق عملکرد فرد و جامعه با شکل آرمانی فرد و جامعه از منظر دین و کاستن فاصله عملکرد فردی و اجتماعی با آنچه در لسان دین مطرح شده است.

۶ ـ تلفیق میان اصول‌گرایی و واقع‌بینی و تربیت شهروندان و مدیرانی که آرمانگرای واقع‌بین باشند.

۷ ـ تلاش برای خودسازی و جامعه‌پردازی به صورتی که افراد با اعتماد به نفس، در مقابل اندیشه رقیب، تاب و توان دفاع استدلالی و متقاعدکننده از مبانی اندیشه دینی داشته باشند.

۸ ـ طراحی مسجد به عنوان معتبرترین کانون آگاهی و هدایت به صورتی که خودسازی و جامعه‌پردازی آموزه جاودانی مسجد و مسجدیان باشد.

۹ ـ پرهیز از هرگونه تصلب در روش‌ها و آمادگی برای استفاده از همه امکانات در مساجد برای جلب و جذب مخاطب با طرح هنرمندانه دین.

۱۰ ـ تنظیم و تدبیر تحولات اجتماعی به منظور درونی کردن و نهادینه نمودن مرکزیت مسجد برای گره‌گشایی و مشکل‌زدایی از همه مخاطبان، در این صورت تلقی مسجد به عنوان گروه مرجع باز تولید خواهد شد.

۱۱ ـ تبدیل مساجد به کانون‌هایی با رویکرد چند جانبه.

اشاره

مسجد به عنوان تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، نقطهٔ کانونی تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا به شمار می‌رود و این مرکزیت نه تنها در چهرهٔ شهرها بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود.

در شهرسازی اسلامی، مسجد به عنوان پایگاه عقیده درکنار بازار به عنوان مرکز معیشت و در جوار حکومت و دستگاه دیوانی به عنوان کانون قدرت، نظام متحدالشکلی را تشکیل می‌دهند.

به دلیل نزدیکی بازار به مسجد، داد و ستد و تعامل اقتصادی به شکل عادلانه و منصفانه صورت می‌گیرد و حکومت نیز به حرمت مسجد، رعایت حال رعایا را پیشه می‌کند.

بنابراین مسجد به عنوان کانون ایمان و شعور، واجد همهٔ عناصر فرهنگی لازم برای حیات اجتماعی است و نخستین و گسترده‌ترین شبکهٔ اجتماعی است که می‌تواند با آگاهی بخشی، رسالت تاریخی خود را در جهت ارتقاء شأن و جایگاه جامعهٔ اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و نیز تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعهٔ اسلامی ایفا نماید.

این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصهٔ انقلاب اسلامی به عنوان کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب حیرت همهٔ ناظران منصف را برانگیخت. هرچند انقلاب اسلامی برخلاف انقلاب‌های معمول جهان فاقد تشکیلات حزبی و سازماندهی رسمی بود، لیکن مساجد به عنوان هسته‌های اصلی تجمع مردم، الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم شد و گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شد، توانست به عنوان گفتمان هژمونیک درآمده و همهٔ گفتمان‌های چپ و سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود مستحیل نماید.

اگر مساجد به عنوان کانون هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز با در نظرگرفتن متغیرهای جدید جامعه، کارکرد خود را بروز دهد.

نگارنده در این پژوهش ضمن بیان مؤلفه‌های هستهٔ بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته هدایت و سازماندهی، انقلاب اسلامی، بر لزوم تلاش مضاعف از سوی مساجد و متولیان آن در حوزهٔ نرم‌افزار برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلامی که امام پرچمدار آن بود، تأکید نموده است تا با این رویکرد شالوده تمدن اسلامی بر محوریت مسجد شکل گیرد.

سؤالات اساسی

۱) نقش مسجد در تأسیس هستهٔ بسیج‌گر انقلاب اسلامی چه بود؟

۲) کارکردهای مسجد در حدوث انقلاب اسلامی معطوف به چه اموری بود؟

۳) در تداوم انقلاب اسلامی مساجد با چه رویکردی قادرند در تعمیق، بسط و گسترش ایدهٔ پایداری حکومت دینی و قوام و دوام انقلاب اسلامی با عنایت به متغیرهای جدید جامعهٔ ملی و جهانی بکوشند؟

فرضیه

مسجد، اکنون نیز کانون تأسیس هستهٔ بسیج‌گر انقلاب اسلامی می‌باشد، به دلیل این‌که علت محدثهٔ انقلاب همان علت مبقیه انقلاب می‌باشد، بنابراین راز ماندگاری و تداوم انقلاب اسلامی در گرو بالندگی و کارآمدی ماهیت هسته بسیج‌گر انقلاب متناسب با شرایط متحوّل جامعه می‌باشد.

تعریف مفاهیم و واژه‌ها

۱ـ بسیج (Mobilization): منظور از بسیج، توانایی بالفعل رهبر یا رهبران در جلب حمایت و پشتیبانی بخش‌های گسترده‌ای از مردم در جریان یک جنبش اجتماعی و یا انقلاب می‌باشد. این توده‌های مردم، گم شده خود را در رهبر و آرمان و اندیشهٔ او می‌جویند و رهبر نیز نشان می‌دهد که تنها برآورندهٔ خواسته‌ها نیازهای معنوی و مادی آن‌هاست.

۲ـ انقلاب عبارت است از: بسیج شدن و در حالت بسیج ماندن؛ بنابراین هنگامی که نظام سیاسی قادر به حفظ حالت بسیج مردم نباشد، انقلاب پایان‌یافته تلقی می‌گردد.

مباحث نظری بسیج سیاسی مردم

تحلیل هسته بسیج‌گر در انقلاب اسلامی ایران براساس دیدگاه چارلزتیلی صورت می‌گیرد. تیلی از جامعه‌شناسان معروف انقلاب در تئوری خود، مسئلهٔ هسته بسیج‌گر انقلاب را مطرح کرد. به‌نظر او هرگاه یک گروه بکوشد تا کنترل خود را بر منابع افزایش دهد، در حال بسیج به سر می‌برد و هرگاه‌کنترل یک‌گروه بر منابع مزبور کاهش یابد، آن‌گروه در حالت ضدبسیج[1] قرار می‌گیرد.

به‌گفتهٔ تیلی عوامل تعیین‌کننده توانایی بسیج گروه‌ها و جماعت‌های مختلف عبارتست از:

۱ ـ امکانات موجود گروه؛

۲ ـ مساعدت محیط؛

۳ ـ تشکیلات سازمانی گروه.

تیلی گروه‌ها را از لحاظ توانایی بسیج به دو نوع تقسیم می‌کند:

نخست: گروه‌های جماعتی[2] که ویژگی محلی دارند، تشکیلات آن‌ها محدود و موضعی است و همهٔ اعضای آن‌ها دارای قدرتی کم و بیش یکسان می‌باشند. در ضمن وفاداری‌های درونی این گروه‌ها زیاد، اما قدرت بسیج آن‌ها کم است.

دوم: گروه‌های سازمان‌یافتهٔ انجمنی[3] که دارای تشکیلات وسیع و پیچیده‌ای می‌باشند و هر چند وفاداری‌های درونی آن‌ها از نوع اول کمتر می‌باشد، اما توانایی سازماندهی و بسیج بالایی دارند.

تیلی در مورد بسیج توده‌های مردم به دو عامل تسهیل‌کننده اشاره می‌کند:

نخست: نارضایتی توده‌ها که از ناتوانی رژیم حاکم در پاسخگویی به انتظارات آن‌ها ناشی می‌شود و یا از فشارهای ناگهانی که رژیم در شرایط بحرانی (نظیر جنگ و بحران اقتصادی و...) بر توده‌ها وارد می‌کند، سرچشمه می‌گیرد.

---

1 . Demobilization

2 . Communal groups

3 . Association groups

دوم: وجود برخی روابط و همبستگی‌های جماعتی در میان تودهٔ مردم. این همبستگی‌ها، کنش جمعی را در میان توده‌ها امکان‌پذیر می‌کند. به نظر تیلی، صرف نارضایتی در میان توده مردم برای کشیده‌شدن آن‌ها به انقلاب کافی نیست، بلکه این نارضایتی‌ها فقط زمینه‌های استقبال این توده‌ها را از گروه‌های معارضه جو و انقلابی فراهم می‌کند و در چنین شرایطی وجود همبستگی‌های جماعتی نقش مهمی در تسهیل بسیج انقلاب توده‌ها و توسعهٔ گروه‌های انقلاب دارد.

جرالد گرین، انقلاب اسلامی ایران را براساس مفهوم ضد بسیج[۱] بررسی کرده است. طبق تعریف گرین، ضد بسیج عبارت است از: «بسیج عمومی علیه نظام سیاسی حاکم از سوی گروهی که در مقابل برگزیدگان حاکم صف‌آرائی کرده‌اند.» گرین شرایط ضد بسیج را به شرح زیر بیان می‌کند:

۱ ـ تضعیف اراده و توانایی‌های دولت؛

۲ ـ ساده‌سازی سیاست؛

۳ ـ قطب‌بندی توده‌ها؛

۴ ـ سیاسی شدن بخش‌هایی از جامعه که به طور سنتی غیرسیاسی بوده‌اند؛

۵ ـ رویدادهای بحران‌زا؛

۶ ـ واکنش خشونت‌آمیز از سوی رژیم.[۲]

چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی

با استفاده از تئوری‌های فوق می‌توان دلایل شکل‌گیری بسیج انقلابی مردم در انقلاب اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار داد. در تجزیه و تحلیل «بسیج انقلابی» در انقلاب اسلامی ایران باید عوامل زیر را مؤثر دانست:

---

1 . Counter mobilization

2 . J. Green . "Revolution in Iran": The Politics of counter Mobilization (New York: Papereyer 1982) PP.126□136.

۱ ـ وجود نیروهای متشکل اجتماعی، خصوصاً نیروهای مذهبی که از حضور در عرصهٔ رسمی سیاست محروم بودند و این محرومیت سیاسی در حالی رخ می‌داد که جامعهٔ ایران جامعه‌ای به شدت در حال تغییر بود.

نیروهای مذهبی مردم محروم از حضور در عرصهٔ سیاست و ناراضی از وضعیت فرهنگی سیاسی جامعه، پیرامون شخصیتی حلقه زدند که بنیان مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشیده و مردود اعلام کرده بود.

مهمترین نقطهٔ قوت مبارزات روحانیت علیه رژیم پهلوی به عنوان یک نیروی متشکل، تبعیت کامل آن از امام بود. هرچند رهبری انقلاب به لحاظ ظاهر فاقد یک حزب و تشکیلات منسجم بود، اما تبعیت از امام و قرار داشتن برخی از طرفداران امام در ردهٔ فضلا و مدرسین حوزه‌ها، موجب گردید در عمل و در سطح کشور، شبکه‌ای از طرفداران امام، همچون سازمانی نیرومند و متشکل قادر شدند گردونهٔ انقلاب را به حرکت درآورند.

۲ ـ نفوذ مذهب شیعه در میان اقشار متوسط شهری و خصوصاً ظهور مذهب شیعه به عنوان یک ایدئولوژی و تئوری انقلابی در میان اقشار تحصیلکردهٔ مذهبی.

۳ ـ انسداد سیاسی یا فقدان چرخش نخبگان و مناصب در ساختار حکومت پهلوی.

نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد این است که همزمان با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در جامعه، براساس فرایند نوسازی اجتماعی تعداد زیادی تحصیلکرده که توان ورود به لایه‌های تصمیم‌گیری نظام و حوزه سیاست رسمی و قانونی را، به دلیل فرمایشی بودن مجلس، احزاب و دولت نداشتند، پاسخ تمام مطالبات و اعتراضات خود را در ایدئولوژی اسلامی جستجو می‌کردند؛ بدین ترتیب، دین چارچوب و عاملی شد که نه‌تنها قشر تحصیلکردهٔ انقلابی را به شبکهٔ وسیع مردمی وصل نمود، بلکه رهبری بسیج‌گر انقلاب نیز توانست با بهره‌گیری درست از منابع دینی و ظرفیت‌های انقلابی، جاذبهٔ فراوانی برای همگان اعم از روشنفکران و توده‌ها پیداکند و سازمانی به نام شبکهٔ مذهبی و امکانات دینی با محوریت مساجد که به دلیل قداست آن و تلقی شدنش به عنوان خانهٔ خدا، نه تنها به عنوان پناهگاه و مرکز تشکیل دینی، مذهبی و حقانیت سیاسی بلکه به عنوان مکان مناسب به منظور تربیت نیروی انقلابی، مؤمن و وظیفه‌شناس، شکل گیرد.

بر همین اساس یک نهضت نسبتاً وسیع خودجوش در تهران و در غالب شهرستان‌ها در میان مبارزین و جوانان مسلمان برای تأسیس انجمن‌ها و هیأت‌ها و مؤسسات اسلامی با برنامه‌های امدادی، فرهنگی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی تولیدی و تجاری راه‌اندازی شد و شرکت‌ها و بنگاه‌های نشریاتی فعال به وجود آمد، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های خیریه به سبک اجتماعی تأسیس شد، صندوق‌های قرض‌الحسنه بازگشایی شدند. انجمن‌ها و مجامع دینی از هر طرف سر درآورد که هدف و برنامه همهٔ آن‌ها در حول محورهای خدمت، تربیت، وحدت، تشکل و آمادگی برای رسیدن به آزادی، استقلال و حکومت اسلامی دور می‌زد.

انتقال شهید مطهری به تهران در سال ۱۳۳۵ و پیوستن به فعالیت‌های جوانان و دانشگاهیان، تفسیر قرآن و منبر مرحوم طالقانی در مسجد هدایت، تلاش‌های عالمانهٔ دکتر مفتح در مسجد قبا، نقش بزرگی در این راستا ایفا نمود به صورتی که روحانیت جوان نیز آهسته آهسته، تمایل و تحرک بیشتری از خود نشان داد.

مسجد؛ پایگاه اطلاع‌رسانی و سازماندهی

در دههٔ چهل و پنجاه که به دلیل سلطه نظام سیاسی پهلوی بر وسائل ارتباط جمعی، نیروهای انقلاب از حق هرگونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بودند، مساجد مناسب‌ترین رسانهٔ ارتباط جمعی به منظور آگاهی بخشی به مردم و نیز مهمترین پایگاه برای هدایت و سازماندهی نیروی انقلاب به شمار می‌رفت. از این رو برای تبیین نقش مسجد در دوران انقلاب اسلامی می‌توان به دو سر فصل مهم اشاره نمود: مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای مسجد به عنوان کانون هدایت و سازماندهی.

درخصوص نقش مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای، باید بر این نکته توجه نمود که در دوران حکومت پهلوی، عموم مردم از طبقات مختلف اجتماعی، نابسامانی‌های فرهنگی اقتصادی و سیاسی را مشاهده کرده و متناسب با میزان درک و دریافت خود به تجلیل پدیده‌های اجتماعی می‌پرداختند.

مسجد به سبب مسائل معنوی خویش پایگاهی چندمنظوره بود که در آن همهٔ اقشار جامعه، یا تمامی باورها و عقاید خویش همه روزه به دور هم جمع می‌شدند و به تمامی امور مربوط به جامعهٔ خود رسیدگی و مشارکت می‌نمودند و در واقع، مسجد، مرکز ارتباط جماعت اسلامی و بدنهٔ مادی ملموس آن تلقی می‌شود به صورتی که جماعت اسلامی کامل نمی‌شود مگر با داشتن مسجدی که اعضای آن را به همدیگر مرتبط می‌سازد.

در حقیقت مسجد، اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که امکان خبرگیری از تمامی وقایع وجود داشت. زمانی که مؤذن اذان نابهنگام سر می‌داد، همگان می‌فهمیدند که حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می‌رساندند تا از آن خبر مطلع گردند.

با تشدید مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مسجد در این زمینه جایگاه ارزشمندتری پیدا نمود. حضور روحانیون و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، حسینیه‌ها و مساجد، مردم را به واقعیت‌های جامعه، فساد دربار و مظالم دستگاه حکومت و سیاست‌های ضددینی نظام پهلوی آشنا می‌کرد. بنابراین مسجد ضمن گسستن پیوندهای مردم با نظام سلطنت، به عنوان جایگاهی به منظور ترسیم مؤلفه‌های حکومت مطلوب، نقش بسیار مهمی پیدا نموده و مردم از طریق مساجد، به خویشتن بازگشته و پرچمدار هویت دینی و اسلامی مبتنی بر ارزش‌های الهی شدند.

درخصوص نقشهٔ هدایتی و سازماندهی مساجد نیز باید به این مهم اشاره نمود که مسجد در سازماندهی مردم به منظور تغییر وضعیت موجود و نیل به شرایط مطلوب نقشی بسزا داشت.

مسجد به عنوان مرکز تصمیم‌گیری سیاسی از زمان پیامبر اکرم ﷺ مطرح شد. در تاریخ مردم ایران نیز مسجد به عنوان پایگاه سیاسی علما و مردم بر علیه ظالمان و حاکمیت جور بوده است. بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایی که موجب براندازی حکومت‌ها و نظام‌های سلطه گردید، در مسجد صورت می‌گرفت، چراکه در باور و فرهنگ مردم ما، مسجد مکانی مقدس است و علما نیز افرادی والا و دارای درجات معنوی می‌باشند. لذا سخنان و مواضع‌شان صحیح و بر حق قلمداد می‌شود و نیز مسجد مهم‌ترین پناهگاه مظلومان از دست جابران و محلی برای تحصن و اعلام خشم وکینه نسبت به حکام بوده است و این باور مردمی، هماره حاکمان جور را از حملهٔ مستقیم به مساجد بازمی‌داشت.

مساجد پایگاه خودآگاهی و حرکت جمعی و اعتراضات مردمی نیز بود. افراد و خانواده‌هایی که در راستای آرمان‌های دینی خود، به مبارزه پرداخته و به زندان افتاده بودند، مورد حمایت مساجد قرار می‌گرفتند.

توانایی چشمگیر روحانیت در بسیج مردم در مساجد، تکایا و حسینیه‌ها را می‌توان یکی از ویژگی‌های زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. این توانایی در مرحلهٔ نخست، حاصل کاربست یک ایدئولوژی احیاگرانه اسلامی بود، ایدئولوژیی که پاکسازی جامعه از نشانه‌های فرهنگی و تمدن غربی و تلاش در راستای ایجاد یک جامعهٔ جدید و پرورش یک انسان نوین را وعده داده، مردم را به صحنه آورد و پشتیبانی، مبارزه و حتی فداکاری‌های این مردم همیشه در صحنه را ممکن ساخت. تفکری که این جریانات را پدید آورد، معتقد بود که در رهبری نسل جوان بیش از هر چیز باید دو کار انجام شود: یکی باید درد این نسل را شناخت و آنگاه در فکر درمان و چاره بود. بدون شناختن درد این نسل هرگونه اقدامی بی‌مورد است.[۱]

راز مقبولیت ایدئولوژی اسلامی در آن بود که می‌کوشید به نزاع‌های روحی و روانی توده‌های جابجا شده در اثر دگرگونی‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی شبه غربی پاسخ دهد.

به منظور شناسائی عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌های بسیج شده می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱) اسلامی کردن جامعه: توده‌های مردم که قادر به مضمحل شدن در فرهنگ و شیوهٔ جدید زندگی که صبغهٔ غربی پیدا کرده بود، نبودند، به شکل‌گیری جامعه‌ای پرداختند که ارزش‌ها و قواعد حاکم بر آن با ارزش‌ها و مطلوب‌های آنان انطباق داشت. توده‌ها، چارهٔ رها شدن از این وضعیت نامطلوب و متوقف کردن روند دگرگونی‌های شبه غربی را حاکم شدن اصول اسلامی در همهٔ بخش‌های جامعه می‌دانستند. رواج مفاهیمی همانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی، مدیریت اسلامی، ناشی از تلاش برای ساختن جامعه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تقابل با نماد زندگی شبه غربی می‌باشد.

---

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، موسسهٔ صدرا، ۱۳۶۱: ص ۱۹۱.

تلاش بی‌وقفه استاد مطهری در سال‌های دهۀ چهل و پنجاه صرف تدوین ایدئولوژی اسلامی به عنوان یک مکتب و یک دستگاه هماهنگ فکری و آشکارکردن چهرۀ واقعی اسلام و زدودن زنگارهای بدعت و خرافه‌ای شد که در طول تاریخ بر چهرۀ تابناک آن نشسته بود. در واقع شهید مطهری به دنبال آن چیزی بود که در قیام ۱۵ خرداد نیاز به آن احساس می‌شد، یعنی یک ایدئولوژی مدون و یک مکتب جامع به زبان روز و پاسخگو به شبهات جدید که نهضت براساس آن به حرکت خود ادامه دهد و انقلابیون به انحراف کشیده نشوند و پس از پیروزی نیز دارای برنامه باشند.[۱]

۲) غرب‌ستیزی: ایدئولوژی انقلاب اسلامی، با تقلیدی و شبه‌غربی خواندن نوسازی و تغییرات اجتماعی به وجود آمده در جامعه، به نیازها و علایق مردمی که فرهنگ و تمدن غربی را عامل نابسامانی‌ها و مشکلات عدیدۀ فرهنگی و اجتماعی قلمداد می‌کردند، پاسخ داد.

۳) رهبری: جابجایی‌های گستردۀ اجتماعی، موجبات بی‌ثباتی اجتماعی، ناامنی، سرگشتگی، و احساس بی‌هویتی را فراهم کرد و در چنین وضعیت روحی و روانی، رهبری آگاه و دلسوز با برخورداری از جاذبۀ روحانی، تسلای روحی ملت را به ارمغان آورد، زندگی آنان را از معنا و هدف پرساخت و مردم با یافتن حقانیت در سخن و کردار رهبر، اعتماد به نفس را در نقش جدید خود به عنوان پیرو پیدا کردند.[۲]

ویژگی‌ها، مولفه‌ها و مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به‌نام مساجد برای توده‌ها تبیین می‌شد. شاگردان و وفاداران به امام چه در هیأت روحانی و چه در شکل دانشگاهی، از حضور انبوه توده‌های مردم در مساجد، استفادۀ لازم به‌منظور بسیج و آماده ساختن آنان برای تغییر حاکمیت را به عمل آوردند و با تکیۀ امام به نقش محوری مسجد به عنوان کانون انقلاب، سازماندهی انقلاب اسلامی را شکل دادند و به همین دلیل است که تداسکاچپل از تئوریسین‌های مشهور انقلاب، معتقد است «که در ایران به نحوی بی‌نظیر و یگانه، انقلاب ساخته شد، اما نه توسط احزاب انقلابی مدرن موجود در صحنۀ سیاسی.

---

۱. سیری در زندگانی استاد مطهری: ص ۸۲.

۲. مونتی پالمر و دیگران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمۀ منوچهر شجاعی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷): ص ۱۵۳.

در خاتمه باید متذکر شد که برای ادامهٔ حیات جامعه و استقلال کشور و روند تحولات آینده آن نیز هیچ راهی جز انسجام همگانی و برخورداری از هویت ملی و تمایل گروه مرجع و نخبگان به درون نیست و این هر سه تنها با محوریت مسجد به عنوان رفیع‌ترین قلهٔ هویت‌یابی، خودباوری و انسجام امکان‌پذیر است.

اکنون باید به این پرسش پرداخت که نسل جوانی که اکثریت جمعیت ایرانی را تشکیل می‌دهد چرا از مسجد دور افتاده و شکافی بین خود و پایگاه‌های دینی حس می‌کند؟ چرا متولیان امروز، مدیریت مساجد و سایر ارگان‌های برنامه‌ریز نتوانستند در جذب جوانان به سوی مساجد موفق گردند؟ آیا وقت آن نرسیده که با تعمق بیشتری به این نسل توجه کرده و با انگیزه‌ها و برنامه‌ریزی صحیح و دقیق و نیازسنجی مطلوب آن‌ها را به سوی مساجد هدایت و راهبری کنیم؟ آیا وقت آن نرسیده که مساجد به جایگاه واقعی خود صعود کند و پناهگاه هر قشر و فردی و تأمین‌کنندهٔ هر گونه نیاز جوانان باشند؟

جایگاه مسجد

اگر بخواهیم جایگاه و موقعیت مسجد در اسلام را بیابیم بایستی به صدر اسلام برگشته و جایگاه مسجد در میان مسلمانان عصر پیامبر را مورد بررسی قرار دهیم چرا که تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده و این مکان مقدس، بی‌درنگ پس از بعثت نبی‌اکرم ﷺ عهده‌دار نقش‌های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت است. فایده و بهره‌ای که جوانان از رفت و آمد و انس با مسجد نصیب آن‌ها می‌شود، تنها ثواب بردن و در سرای دیگر مشمول لطف الهی واقع شدن نیست، بلکه در همین جهان نیز، فواید و آثار اخلاقی، تربیتی، علمی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در سایهٔ رفت و آمد به مسجد برای انسان مؤمن به خصوص جوانان حاصل خواهد شد.

به طور کلی تمام پرستش‌گاه‌های مکان و جایگاهی اجتماعی و مرکزی جهت تعاملات اجتماعی می‌باشد.

مسجد مهم‌ترین و مؤثرترین ستاد فرهنگی در جهت ترویج و اشاعهٔ فرهنگ اسلامی در طول تاریخ اسلام بوده است و به همین دلیل کارکردهای مختلفی داشته است.

هر دین الهی، مکانی را به عنوان پرستش‌گاه برای برقراری ارتباط پروان خود با خدا تعیین کرده و آنان را به رعایت آداب و رسوم خاصی در آن تشویق کرده است. متناسب با سطح رشد و برخورداری هر قوم و ملتی از فرهنگ و تمدن این مکان‌ها با هنر و معماری زمانه عجین شده و انسان‌ها با نوع نگاه ویژهٔ خود به عالم هستی و آموزه‌های دینی و بشری به معابد و پرستشگاههای خود رو آورده‌اند.

با بررسی و کاوش در منابع معتبر اسلامی روشن می‌شود که مسجد به عنوان اصلی و مهمترین کانون و پایگاه در میان مسلمانان صدر اسلام مطرح بوده و یک مسجد اسلامی چهار نقش ذیل را همزمان ایفا نموده است:

الف: مسجد به عنوان پایگاه عبادت و یاد خداوند متعال؛

ب: مسجد به عنوان پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلم معارف اسلامی؛

ج: مسجد به عنوان پایگاه تجمع نیروهای رزمنده و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛

د: مسجد به عنوان پایگاه وحدت مسلمین و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهانِ جامعهٔ اسلامی.

برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد

برنامه‌ریزی تعاریف گوناگونی دارد اما در یک تعریف کلی می‌توان مفهوم و ماهیت برنامه‌ریزی را کشیدن نقشه یا طراحی یک پلان برای اهداف مختلف بیان کرد.

یادگیری، نیاز به نقشه و طرح دارد. یادگیری و تربیت از عوامل فراوانی از جمله: عامل مرّبی، عامل فضا، عامل ویژگی‌های یادگیرنده، عامل شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و همچنین روابط بین یادگیرندگان با یکدیگر، روابط بین نهادهای تربیتی با یکدیگر و... متأثر است. جهت آموزش و یادگیری در مساجد باید به موارد بالا به‌طور عمیق توجه گردد. در عرصهٔ تربیت نباید براساس احتمال و تصادف عمل کنیم؛ بلکه باید با نقشه حرکت کنیم. نقشه و طرح‌ریزی کار متخصصان است. ما برای ساده‌ترین مسئلهٔ زندگی‌مان دنبال

متخصص می‌گردیم ولی آیا نباید در راستای اساسی‌ترین مسئلهٔ زندگی یعنی تربیت و یادیگری نوجوانان و جوانان دنبال متخصص باشیم؟

در مظلومیت تربیت دینی و اسلامی همین بس که در هیچ جای دنیا یک آکادمی، دانشکده و... ویژهٔ این حوزه تأسیس نشده است. یعنی هم‌اکنون در هیچ‌کجا متخصص تربیت اسلامی تربیت نمی‌کنیم؟

اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان

با توجه به آن‌که دنیای پر رمز و راز نوجوانی و جوانی است که انسان‌هایی کامل را می‌سازد، می‌توان اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان را دریافت.

امام راحل در مورد مراحل قرب انسان می‌فرماید:

«کودک جدیدالعهد است به ملکوت».[۱]

در جایی دیگر نوجوان را جدیدالعهد معرفی کرده‌اند. نوجوان و جوان به آن عهد ازلی و میثاق عالم که با خدا بسته‌اند، پایبند هستند. کودک هنگام تولد، وجودی پاک و دست نخورده دارد و فطرت او وفادار به عهد الهی است و از همین‌رو بزرگ‌ترها باید مراقب کودکان و نوجوانان باشند و آنان را بعیدالعهد نکنند، یعنی کاری که حریم‌ها را به آسانی بشکنند و گناه کردن برای آن‌ها ساده باشد.

این همان نگاه فلسفی به وجود انسان است. بنابراین با توجه به فطرت انسانی و نیاز جوانان و نوجوانان باید زمینه را برای رشد همهٔ قوا فراهم کرد. باید پذیرفت فردی که به سمت مسجد می‌آید، عقل دارد، بعد اجتماعی دارد، بعد عاطفی دارد، بعد زیبایی‌گرایی و ابعادگوناگون دارد. از این‌رو شایسته است ابتدا جوان را با انگیزه‌های متفاوت به سمت مساجد هدایت کرده و شایسته است برنامه‌ها را طوری طراحی کنیم که همه قوای او را دربرگیرد و فردی یک بعدی پرورش نیابد. به راستی انسانی که عاطفه دارد ولی عقل ندارد به چه درد می‌خورد؟ از سوی دیگر انسانی که عقل دارد، ولی دین ندارد چقدر خطرناک خواهد بود؟

---

۱. دین و برنامه‌ریزی درسی فصل اول.

براساس حدیث قدسی «**عبدی اعطنی حتی اجعلك مَثَلی**» باید مثل خدا شویم، انسان این قابلیت را دارد که مثل خدا شود، اما آن فردی مثل خدا می‌شود که استعدادهای وجود خود را از قوه به فعلیت درآورد و آن هم در گرو رشد همه‌جانبه و هماهنگی با هستی و ارزش‌مدار بودن است.

مسجدگریزی و دین‌گریزی

امروزه اگر با دیدهٔ تأمل در احوال و رفتار نسل تربیت‌شده انقلاب، یعنی جوانان که پرتعدادترین گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند، بنگریم نمی‌توانیم انقلاب اسلامی ایران را در بعد تغییر مناسبات اجتماعی و دگرگون ساختن سلوک افراد جامعه به سمت سلوکی بر پایهٔ آموزه‌های دینی و شرعی و در یک کلام تأمین زندگی توأم با کرامت انسانی برای آحاد جامعه، کاملاً موفق و کامیاب بیابیم.

امروز نمی‌توان نگرانی عمیق خود را از شکاف و وحشتناکی که امروز بین نسل جوان و برخی سنت‌ها و آموزه‌های دینی پدیدار گشته است، پنهان کرد. آنچه باعث شگفتی است این است که جوان ایرانی برخوردار از روحیه‌ای سالم، حساس، بانشاط، پویا و دلباختهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌ها است و آنچه باعث تأسف و اندوه می‌شود مشاهدهٔ آشکار عدم جذب کامل این جوان شیدا به پری‌رویی است که هزار و چهارصد سال پیش و در سیاه‌ترین زندگی بشر طبع خشن و گریزپای عرب صحرانشین را مفتون خود ساخت.

شاید علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی و در نهایت دین‌گریزی جوانان بتوان جستجو کرد:

۱ ـ تهاجم فرهنگی.

۲ ـ پاسخگو نبودن شیوه تعلیم آموزه‌های دینی و عدم آشنایی مبلغان دینی به نیازهای بشر امروز و احساس کمبودی که انسان قرن بیست و یک از این جهت می‌نماید.

۳ ـ آسیب‌پذیری جوان ایرانی در برابر مظاهر و جلوه‌های فساد و بی‌قیدی و گریز از تعهد به عمل دینی.

۴ ـ عملکرد ناهنجار و نامطلوب متصدیان اداره جامعه به طور خاص و متولیان دین و دین مداران به طور عام، در تربیت دینی نسل جوان.

۵ ـ الزام و اجبار نسل جوان به انجام تکالیف دینی.

۶ ـ عدم برنامه‌ریزی مناسب جهت تربیت دینی و عمیق‌تر شدن شکاف مسجد و جوانان.

موانع ارتباط جوانان با مسجد

وسایل مدرن و پرزرق و برق دنیای اطراف جوانان، از یک‌سو و روحیهٔ نوپسند و زیباطلب از سویی دیگر، عواملی هستند که اگر آگاهانه، با آنها برخورد نشوند، باعث دوری و غفلت جوان از خدا می‌شود.

براین اساس از موانع ارتباطی جوانان با مسجد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ ـ عدم آشنایی جوانان با فلسفهٔ نماز و اسرار نماز جماعت.

۲ ـ احساس عقب‌ماندگی و تحجر دینی از سوی جوانان.

۳ ـ جذب بیش از حد به امور دنیوی.

۴ ـ وجود گناه و بی‌فایده دانستن ارتباط با خدا.

۵ ـ نارسایی‌های معنوی در خانواده.

۶ ـ فاسد بودن محیط جامعه.

۷ ـ دوستان ناباب و الگوهای نامناسب.

۸ ـ عدم موفقیت مساجد در به‌کارگیری روش‌های جذب جوانان.

۹ ـ عدم توجه به نیازها و خواسته‌های جوانان.

۱۰ ـ عدم استفاده از راهکارهای عملی در جذب جوانان.

۱۱ ـ عدم کارآیی و کارآمدی مدیران و متولیان امر.

۱۲ ـ عدم برنامه‌ریزی منسجم و نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها.

۱۳ ـ عدم توجه به فرهنگ‌های مختلف شهری، روستایی و قومی.

۱۴ ـ عدم توانایی در جایگزینی تهاجم فرهنگی غرب.
۱۵ ـ دخالت عموم مردم در تربیت دینی بدون داشتن تخصص کافی.
۱۶ ـ دروغگویی و عوام فریبی که در برخی موارد در سایهٔ دین انجام می‌شود.
۱۷ ـ نشان دادن چهرهٔ خشن و خرافاتی از دین.

راهکارهای جذب جوانان به مسجد

براساس نکات پیش‌گفته ضرورت برنامه‌ریزی و استفاده از فضای مسجد و نیز برانگیخته کردن انگیزهٔ جوانان امری کاملاً روشن است. جهت برنامه‌ریزی برای جوانان در مساجد و اجرای این برنامه‌ها، حضور جوانان به عنوان رکن اصلی در مسجد الزامی می‌باشد. بنابراین باید با توجه به نیازها و ویژگی جوانان به راههای جذب و ایجاد انگیزه برای هدایت آنان به سوی مسجد توجه‌کنیم. تأکید می‌شود که راهکارها بدون توجه به ویژگی روانشناختی جوانان نه تنها اثر مثبت نداشته بلکه مخرب نیز خواهند شد.

از مهمترین راههای جذب جوانان به مسجد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱ـ مدیریت صحیح و خردورزانه مسجد: مدیریت صحیح می‌تواند با برنامه‌ریزی، و اجرا و هدایت درست امور، راه‌های متفاوتی را برای جذب جوانان به مسجد فراهم آورد و باعث ایجاد نگرش‌های مثبت در جوانان برای حضور در مسجد گردد.

۲ـ برخورد مناسب با جوانان: اصولاً جوانان راه‌های دفع رفتاری را نمی‌پذیرند و اگر جوانی در راهی که انتخاب کرده به موانعی برخورد کند که با روحیهٔ او هماهنگی نداشته باشد، سرخورده شده و از ادامهٔ راه باز می‌ماند و یا با رغبت و علاقه به آن نگاه نمی‌کند. در ارتباط با جوانان بایستی ابتدا راه ارتباطی و عاطفی را هموار کرد یعنی با جوانان ارتباط عاطفی را برقرار کرده تا ایمانی نسبی به برنامه‌های تعیین شده داشته باشند و یا کل اهداف را پذیرفته تا بتوان به جزئیات اهداف برسند. در برخورد با جوانان باید شناخت کافی از وضعیت فیزیولوژی و شخصیتی و رشد رفتاری جوانان داشت و نیازسنجی کرد و به نظریات و افکارشان اهمیت داد. حتی در برخی مواقع باید به مسائل خصوصی آن‌ها وارد شده و همدلی کرد در واقع آن‌ها را آن‌طور که هستند بپذیریم، نه آن‌طور که خودمان می‌خواهیم.

۳ـ برنامه‌ریزی‌های مناسب: با توجه به موقعیت محله، شهر و یا روستا و یا سن افرادی که با آن‌ها سر و کار داریم، باید برنامه‌ریزی صورت پذیرد. به‌طور مثال جهت افرادی که برای کنکور خود را آماده می‌کنند کلاس‌های تست، روانشناسی، تندخوانی، تهیهٔ کتب مختلف و راه‌های موفقیت در کنکور را برنامه‌ریزی نمود.

همچنین از خطوط اینترنتی، نمایش فیلم و سریال، بازی و سرگرمی، و غیره استفاده‌های بهینه نمود. با توجه به نیاز سنجی قشر جوانانی که از مسجد موردنظر می‌خواهند استفاده نمایند، برنامه‌ریزی نمود.

٤ـ جلسات بحث و گفت‌وگو: از آنجاکه جوانان نیازهای مخصوص به خود دارند و روحیات و علائق آن‌ها با بزرگسالان متفاوت است؛ در برنامه‌ریزی باید بعد از مخاطب‌شناسی و نیازسنجی، جلسات ویژه‌ای را جهت ارزیابی برنامه‌های تدوین‌شده و اجرا شده و بحث و گفتگوی منتقدانه و همچنین پیشنهادهای مفید در برنامه‌ریزی آینده برگزار گردد.

جلسات بحث و گفتگو علاوه بر رسیدن به راهکارهای مفید باعث خود ارزشمندی در فرد شده و به اهمیت وجودی خود پی می‌برد و باعث تقویت خلاقیت و ابتکار و اعتماد به نفس در فرد می‌شود ضمن این‌که ارتباط دوستانه بین آن‌ها و مدیران مسجد مستحکم‌تر می‌شود.

۵ـ ایجاد اعتماد در جوانان: مدیریت و مسئولین مساجد باید برای علائق و موقعیت جوانان اهمیت خاصی قائل باشند براین اساس می‌توان از طرق مختلف در افرادی که می‌توانند تحت پوشش مسجد مورد نظر قرار گیرند، اعتماد و ایمان کافی را ایجاد نمود و آن‌ها را به سمت مساجد هدایت نمود. به‌طور مثال از طریق نیازهای مادی و معنوی آن‌ها و سعی در برطرف کردن آن‌ها، مشاوری خوب در امور خانوادگی، توجه به مشکلات آن‌ها و سعی در رفع آن‌ها، ایجاد فرصت‌هایی که بتوانند استعدادهای خود را به فعلیت برسانند و یا ترغیب و تشویق آن‌ها در جمع از دیگر راه‌هایی است که باعث ایجاد اعتماد در افراد می‌گردد.

۶ـ شکل ظاهری و داخلی مسجد: شکل ظاهری مسجد باید از نمایی بسیار زیبا و آرامش‌بخش تشکیل شده باشد همچنین ساختمان و تجهیزات درون مسجد باید از بهداشت

مناسب با آرامش کافی و به‌طور کلی دارای فضایی جذاب و آرامش‌بخش برخوردار باشد. فضای مسجد در ایام مختلف و موقعیت‌های خاص متفاوت باشد و در بیشتر اوقات محیطی زیبا و شاداب برای جوانان فراهم نمایند.

۷ـ ارتباط حضوری با ساکنان اطراف مسجد: به جای آنکه مدیریت مسجد و مسؤولین افراد مسجد را به مسجد بخوانند خود به محل سکونت و محل کار آن‌ها رفته و از نزدیک با آن‌ها ارتباط صمیمی برقرار کنند. سپس این افراد خود به سمت مساجد خواهند آمد به‌طوری که حضور مسؤولین مسجد در زندگی آن‌ها مؤثر واقع شده باشد.

آری باید با برنامه‌ریزی مناسب زمینهٔ حضور و زمینهٔ جذب جوانان را در مساجد فراهم آوریم.

پیشنهادها و راهکارها

با توجه به تحقیقات انجام شده در جهت جذب جوانان به مساجد و لزوم برنامه‌ریزی صحیح و دقیق برای آنان، مراتب ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱ ـ استفاده از راه‌های ایجاد انگیزه در جذب افراد؛

۲ ـ برنامه‌ریزی صحیح و دقیق مطابق با نیازهای نسل جوان؛

۳ ـ استفاده‌از متخصصان تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و مربیان دینی در برنامه‌ریزی؛

۴ ـ اهمیت نقش هدایتی و حفاظتی مسجد؛

۵ ـ تغییر نگرش نسبت به مسجد از محل عبادت برای قشر خاص به جایگاه اجتماعی برای همه؛

۶ ـ تبیین اهمیت نقش فرهنگی مسجد؛

۷ ـ تبیین اهمیت نقش تربیتی و اجتماعی مسجد؛

۸ ـ اهمیت نقش مسجد در احیای فرهنگ غنی اسلامی؛

۹ ـ برنامه‌ریزی جهت مستحکم کردن ارتباط تمام اقشار جامعه با مسجد؛

۱۰ ـ ترویج علم، اخلاق، بهداشت و غیره از طریق مساجد؛

۱۱ ـ رفتار خوش و نیکوی مدیریت مسجد؛

۱۲ ـ تأمین بهداشت روانی؛

۱۳ ـ فراهم آوردن زمینهٔ بروز شکوفایی استعداد و خلاقیت در افراد؛

۱۴ ـ کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی؛

۱۵ ـ توسعهٔ مهارت‌های شناختی؛

۱۶ ـ احساس رضایت درونی و افزایش نشاط و شادکامی؛

۱۷ ـ زمینه‌سازی برای رشد همه‌جانبه فرد؛

۱۸ ـ تقویت ارتباط فرد با جهان هستی؛

۱۹ ـ تقویت خودشناسی به عنوان یک معرفت زیربنایی؛

۲۰ ـ تقویت رویکرد خدامحور در همهٔ جنبه‌های زندگی؛

۲۱ ـ پذیرفتن استدلال و منطق جوانان؛

۲۲ ـ حضور افراد مهم و شایسته در مساجد؛

۲۳ ـ تقویت روحیهٔ اجتماعی نماز جماعت ابتدا در مدارس؛

۲۴ ـ توجه به مکان و فضای مسجد و شکل ظاهری آن؛

۲۵ ـ استفاده از تکنولوژی نوین در مساجد؛

۲۶ ـ استفاده از وسایل سمعی و بصری نوین در موارد خاص؛

۲۷ ـ برگزاری اردوها و سفرهای کوتاه مدت دسته‌جمعی؛

۲۸ ـ در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی وضعیت موجود الزامی است.

نیست غیر از عشق خضر در بیابان وجود هر کجا گم‌گشته‌ای بینی به عشق ارشاد کن

آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد

▣ سید حمید حسینی

▣ چکیده

آثار حضور در مسجد آن چنان متنوع است که به دشواری می‌توان در بارهٔ کلیهٔ ابعاد آن سخن گفت، نگرش اسلام به مسجد صرفاً نگرش به جایگاهی برای اقامه نماز جماعت نیست، بل اساساً مسجد، در اسلام، از زمان حضرت رسول اکرمﷺ همواره در قالب پایگاه دینی و اثر گذار به نقش آفرینی پرداخته است. پیامبرﷺ از مسجد، صورت کانونی برای هدایت امور اسلام بهره می‌بردند و مسجد، مرکز حکومت و نیز مرجع فکری و محل بحث وتبادل اندیشه‌ها بوده است. در زمانی نه چندان دور یعنی قبل از فرارسیدن عصرارتباطات،همهٔ نیازهای‌فکری واجتماعی‌مردم،درمسجد مرتفع می‌شد.

قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مساجد در قالب پایگاه دینی، نقش هدایتگری مردم را برعهده داشته است. همان‌طور که مسجد در صدر اسلام محل پذیرش افراد گوناگون و محل اجتماعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بود، امروز نیز پذیرای مربیان و متربیان جهت تعلیم و مکان اوج سالکان راستین است. مسجد سرچشمهٔ تمدن اسلامی است. اگر به هر یک از شهرهای اسلامی بنگریم مسجد و مجموعه‌های آن را

اساس شهرسازی می‌یابیم و در می‌یابیم که در بافت شهرهای اسلامی مساجد محورند. مسجد محل تقویت و اشاعهٔ فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علما، بزرگترها و محبت به کوچکترها و مراعات ادب در برابر سایر مؤمنان است. علاوه بر آن حضور در مسجد، نقش بازدارنده‌ای قوی در ارتکاب جرایم و پیش‌گیری از گناهان دارد. در کنار این آثار با برکت حضور در مسجد، در روایات نیز از ثواب‌ها و پاداش‌های متعدد برای حاضران در مساجد، یاد شده است. برای نمونه پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند:

«گروهی از مردم در مسجدی از مساجد خداوند ننشینند (برای عبادت و تلاوت قرآن) مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود».

اشاره

مسجد در اسلام قلب تپنده حیات این دین حنیف و کانون و محور فعالیت‌های جامعهٔ اسلامی است. مسجد خانهٔ خدا در زمین،[1] منبع افاضات معنوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه اسلامی است. بی‌گمان مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، حضور در آن، آثار فراوان خواهد داشت و بدون تردید شامل حال مکلفان و حاضران، در مسجد اعم از زن و مرد نیز خواهد بود.

حضور به موقع و منظم نمازگزاران در مساجد، آثار تربیتی مطلوبی در روح و روان و رفتار آنان دارد. پرداختن به اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می‌توانند در همهٔ امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره‌گرفتن از قابلیت‌های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

---

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۱۳؛ کنزالعمال: ج ۷، ص ۴۴۸.

به عبارت دیگر هم اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار اراده کرده و به دلخواه و به صورت اختیاری همه با هم، درکنار هم در مساجد برای احیای شعائر اسلامی قدم پیش گذاشته و مصمم به اجرای آن هستند، به همان نسبت خواهند توانست در سایر امور دینی پیش‌گام شوند و با بهره گیری از نیروی ایمان و استعدادهای موجود، قله‌های کمال را تسخیر کنند. هرگاه این رفتارها به صورت مداوم و مستمر صورت بگیرد (حضور در جماعت) از خلاقیت‌ها و صفات خداپسندانه افراد صالح بهره برده و متأثر شده است، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

مساجد علاوه بر محل نیایش بودن، منابع اشاعهٔ فرهنگ اسلامی و محل به نمایش گذاشتن قدرت و اقتدار امت اسلامی نیز هست و روزانه سه یا ۵بار افراد مؤمن در همین مکان‌ها در پیشگاه خالق خود بوده و برای جان نثاری و اطاعت از سایر اوامر مولا اعلام آمادگی می‌کند و نفس این عمل هشداری است برای دشمنان اسلام، وگام نخستین برای حرکت احیاء عدالت اجتماعی و ظلم ستیزی.

آثار، نتایج و برکات حضور در مسجد بسیار زیاد و متنوع است، لکن در نوشتار پیش‌رو سعی بر آن است که به اجمال آثار، برکات وکارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، بررسی شود. امید که برای نگارنده و خواننده گرامی مفید باشد.

ماهیت مسجد

چنانکه گفته شد از مساجد در قالب خانه‌های خدا در زمین یاد شده است و سر تعظیم وگرامیداشت مساجد همان بیت‌الله بودن، خانهٔ متقیان و خانهٔ مؤمنان بودن آنهاست.

محمد بن علی بن الحسین فی العلل عن علی بن احمد عن محمد بن ابی‌عبدالله الکوفی عن موسی بن عمران عن عمه الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن ابی‌حمزه عن أبی‌بصیر قال سألت أباعبدالله علیه السلام عن العله فی تعظیم المساجد فقال انما امر بتعظیم المساجد لانها بیوت الله فی الارض[1] ابوبصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام در باره علت لزوم تعظیم

۱. وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۲۹۷، باب وجوب تعظیم المساجد ؛ مستدرك الوسایل: ج ۳، ص ۴، ۳۱۳و نیز خانه‌های متقیان؛

مساجد پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند:

«به تعظیم مساجد فرمان داده شده برای آنکه مساجد خانه‌های خدا در زمین است».

این عنوان به شایستگی ماهیت عبادی مسجد را نشان می‌دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً برای برقراری ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می‌شوند. بر این اساس نیز اصلی‌ترین اثر حضور در آن، در بعد عبادی خواهد بود:

﴿و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بداکم تعودون﴾.[۱]

(هنگام عبادت ـ و در هر مسجدی به سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین (خود) را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز باز می‌گردید).

ماهیت حضور در مسجد نیز در بیان نبوی آمده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثة: قراته مصل او ذکر الله او سائل عن علم».[۲]

«هر نشستنی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، پرسش از علم».

بنابراین هدف و حکمت حضور و جلوس در بیوت الرحمن (= مساجد) ذکرالله است که بالاتر از هر هدف دیگری در زندگی ماست:

﴿و لذکر الله اکبر﴾.[۳]

و به فرمودهٔ امام علی علیه السلام درمان قطعی تمامی دردهای نفسانی ما:

«ذِکرُالله دَواءُ اعلالِ النّفوس».[۴]

«یاد خدا دوای بیماری‌های نفوس است».

همان: ص ۳۵۹؛ مؤمنان کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۰.

۱. اعراف / ۲۹.

۲. بحارالانوار: ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعة: ج ۳، ص ۸۶.

۳. عنکبوت / ۴۵.

۴. غررالحکم: ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱.

آثار سیاسی، اجتماعی حضور در مسجد

مسجد در قالب مرکز دینی برای عموم، نقشی اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد. از این جهت به‌طور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، فقط بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان همرنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند؛ بنابراین آنان می‌توانند از بین اهل‌مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«**لایرجع صاحب المسجد باقل من احدی خصال: و اما اخ یستفیده فی الله**».[۱]

«اهل مسجد به کمتر از یکی از سه چیز از مسجد برنمی‌گردد (که یکی از آنها) دوستی است که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند».

زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. طبق روایتی که از امام علی علیه‌السلام نقل شد، تأثیرات رفتاری که روابط دوستانه و برادرانه در مسجد بر جای می‌گذارد، می‌تواند جامعهٔ دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمین را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند:

«**او کلمه ترده عن ردی او یترك ذنبا خشیه او حیاء**».[۲]

«یاکلماتی می‌شنود که او را از فساد و گناه باز می‌دارد و یا به‌خاطر ترس (از خدا) یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند».

مسجد همواره در کنار کارکردهای اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعهٔ مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر و چه در زمان خلفا

---

۱. وسایل الشیعة: ج ۳، ص ۴۷۷.
۲. الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۷.

و امام علی علیه‌السلام و دیگران شایان پیگیری است و نمونه‌های فراوانی درباره آن می‌توان ذکر کرد.

در این دوران نه فقط آثار سیاسی حضور مردان در مسجد بل آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است که حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، فقط بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند.

حضرت فاطمه علیهاالسلام در مسجد و دفاع وی از حق ولایت علی علیه‌السلام، از جملهٔ آنهاست. همچنین سخنرانی حضرت زینب علیهاالسلام در مسجد که از مسلمات تاریخی است.[1] تربیت سیاسی که در مسجد داده می‌شود، به سبب ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانهٔ جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. از این رو حضور زنان درکنار مردان در مسجد ضروری است، چراکه اگر زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع این تربیت به‌طور ناقص انجام خواهد شد. در حالی که بانوان لحاظ تأثیر عمیق‌تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را به‌طور شگفت‌انگیزی افزایش خواهند داد.

پیش‌گیری از جرائم

امروزه در همهٔ جوامع بشری مسئله بازدارندگی از وقوع جرم از اساسی‌ترین مسائل به‌حساب می‌آید از این‌رو نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد بسیار مهم و در خور تحقیق است. این موضوع که درصد ارتکاب جرم و جنایت در میان مسجدی‌ها در قیاس با سایرین چه میزان کمتر است، نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است، لکن این موضوع به تأیید تجربه رسیده و در بین مردم نیز شایع و مشتهر است که بین اهل‌مسجد و ارتکاب جرم و جنایت یا ارتباطی نیست، یا لااقل بسیار محدود است.

---

۱. برای مطالعهٔ بیشتر در بارهٔ حضور سیاسی زنان در مساجد رجوع کنید به بلاغات النساء، بانوانی مثل سوده همدان و غیره.

مبارزه با ظلم

مشاهدهٔ روزانهٔ (محراب عبادت) در مسجد با توجه بـه فـلسفهٔ وجـودی مـحراب مسـاجد، توجه افراد نمازگزار را از دشمن درون به دشمن بیرونی معطوف خواهد کرد. اگرچه شیطان درونی به چشم مشاهده نمی‌شود، لکن شیاطین بیرونی که همانا دشمنان دین اسلام هستند، مظهر شیطانند و نخستین گام، مبارزه با شیطان و ظلم ستیزی در نماز جماعت برداشته می‌شود.

هرگاه احساس و درک مشترکی در جمع نمازگزاران پدید بیاید، همگان در برابر دشمن بیرونی خویش اظهار تنفر می‌کنند و در یک جبهه قرار می‌گیرند. امام علی علیه‌السلام فرمود:

«**ذِکرُ الله دَواءُ النّفوس**».[1]

«یاد خدا دوای بیماری‌های نفوس است».

امامان جمعه یا جماعت، ـ غالباً در مساجد ـ طی خطابه‌ای مردم را از دشمنان دین آگاه کرده و یا در آنان انگیزه‌های نفرت را بیدار کند و لذا دیده می‌شود که غالب تظاهرات و اظهار تنفر، از دشمنان و توطئه‌گران بعد از نمازهای جماعت و جمعه صورت می‌گیرد.

روان‌شناسان بر این باورند که هـرگاه افـرادی عـصبانی بـاشند و در عـین عـصبانیت اگر با اسباب و ابزاری که از عوامل تحریک‌کننده است روبرو شوند، عصبانیت آنان شدت خواهد یافت. بنابراین نظریهٔ حضور نمازگزاران متنفر از شیطان و مظاهر شیطانی درکنار محراب عبادت، انگیزهٔ ظلم ستیزی را تقویت می‌کند و فرهنگ ظلم ستیزی به دست فراموشی سپرده نمی‌شود. بل همواره افراد مسلمان در حال آماده باش روحی و فیزیکی قرار می‌گیرند و از دشمن خود غافل نیستند. چنانکه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ما این تفکر و احساس نقش کلیدی به همراه داشت.

وحدت و تعاون

از آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تـعاون است کـه از عـوامـل وحـدت‌آفرین و استحکام بخش جامعه به شمار می‌رود، غالباً در نماز جماعت بیش از سـایر اجـتماعات

---

۱. غررالحکم: ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱.

به‌چشم می‌خورد. مراعات حقوق دیگران و یاری آن‌ها، رسیدگی به مشکلات برادران دینی و نماز جماعت مطرح شده و به همت مردم کارهای مفید و مهم صورت می‌گیرد. برای مثال در اجتماع جمعه و جماعت از مردم خواسته می‌شود که برای رفع خشک‌سالی در نماز استسقا حاضر بشوند و مردم با انگیزه «**تعاونوا علی البرّ**» سه روز برای همنوعان خود روزه گرفته و نماز می‌خوانند. این‌گونه اعمال نه فقط مشکلات مؤمنان را از سرراه برمی‌دارد، بل از عوامل پیوند اجتماع و مردم نیز هست، افراد نمازگزار با حضور خود در صفوف نماز به ﴿**اعتصموابحبل الله**﴾ جامه عمل می‌پوشانند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«به هم بپیوندید و با هم نیکی و به یکدیگر مهربانی کنید و برادرانی خوشرفتار باشید، چنانکه خدای عزوجل به شما فرموده».[۱]

از فرمایشات امام استفاده می‌شود که تعاون و نیکی مهربانی به همراه داشته و موجب جلب سایر مؤمنان به جمع نمازگزاران می‌گردد.

امروز در جوامع غیرمسلمان عامل اصلی از هم‌گسیختگی ملت‌ها و دولت‌ها فقدان عاطفه و تعاون و دلسوزیست.

رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

«**من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم**».[۲]

«هر کس صبح کند و اهتمامی به کار مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست».

هرگاه مؤمنان در سه (یا پنج) وعده حضور به امور برادران خود همت بگمارند تنش روانی در جامعه بسیار محدود خواهد شد و چنانکه می‌دانیم خداوند سبحان دعایی را قرین اجابت کرده که در جمع مسلمین دعا شده باشد که نوعی تعاون به شمار می‌رود.

مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت درکنار یکدیگر در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می‌سازد و مسجد

---

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۲۶۹.
۲. همان: ص ۲۵۱.

جامع و جمعه هفته‌ای یک بار همهٔ اجتماعات مساجد را یکجا در نماز جمعه گرد می‌آورد و مسجدالحرام و مسجدالنّبی مسلمانان کشورهای گوناگون اسلامی را یکجا جمع و متحد می‌سازد.

«مارسل بوازار» اسلام‌شناس سویسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد:

«مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت، مخصوصاً درروزگار معاصرکه مسلمانان شور و حرارات صدر اسلام را دگربار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان در برابر ستمگران و سلطه‌جویان درآمده است. و به تدریج مساجد موقعیت سالهای نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».[۱]

اجرای اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می‌توانند در همهٔ امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره‌گرفتن از قابلیت‌های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

به عبارت دیگر هم اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار در مساجد اراده کرده و به صورت اختیاری همه با هم، درکنار هم برای احیای شعائر اسلامی قدم پیش‌گذاشته و مصمم به اجرای آن هستند، به همان نسبت می‌توانند در سایر امور دینی پیش‌گام بوده و با بهره‌گیری از نیروی ایمان و استعدادهای موجود، قلّه‌های کمال را تسخیر کنند.

هرگاه این رفتارها به صورت مدام و مستمر صورت بگیرد از خلاقیت‌ها و صفات خداپسندانهٔ افراد صالح بهره برده و متأثر شده، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

---

۱. اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار: ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

تعهد در برابر سایر انسان‌ها (رعایت حقوق بشر)

در میان ادیان و مکاتب، اسلام بیشترین توجه را برای مراعات و حقوق انسان‌ها نموده است و به عنوان حق الناس در جایگاه عدالت اجتماعی آن را مطرح کرده است. در مساجد به هنگام برپایی نماز جماعت مؤمنان ملزم به مراعات آداب و احکامی هستند که از آثار ونتایج ذکرالله است. به فرموده امام علی علیه‌السلام:

«**ذکرالله ینیر البصائر، و یونس الضمائر**».[1]

«یاد خدا روشنی بینش‌ها و مونس باطن‌هاست».

در مسجد نمازگزاران ملزم به مراعات شرایطی هستند، از جمله غصبی نبودن مکان نماز، به این معنا که هرگاه مؤمن سجادهٔ خود را قبل از سایرین در مسجد گسترده باشد دیگران حق ندارند آن را برداشته و خود در آن محل به نماز بایستند. همین تعهد در وجود جمع نمازگزار ملکه شده و به سایر امور آنها نیز سرایت داده می‌شود و ناخود آگاه تبدیل به یک رفتار اجتماعی می‌گردد.

تشکیل جماعت در مسجد نیز خود تمرینی است برای سایر تعهدات ملی و مذهبی، به برکت این اخلاق پسندیده محیط کاری و زندگی از یک امنیت و آرامش مطلوب برخوردار می‌شود و از سوی دیگر به تنش زدایی کمک چشم‌گیری می‌کند. احساس مسؤولیت قطعاً انسان را به تعهد وادار می‌کند و سبب حل بسیاری از مشکلات اجتماعی می‌گردد. برای مثال در محیط کاری پاسخ به موقع به نیاز ارباب رجوع، احساس عاطفی و صمیمی آنان را در پی خواهد داشت، که هرگاه این نوع برخورد در محیط‌های کاری و زندگی اجرا شود. جامعه از امنیتی نسبی برخوردار خواهد شد و اعتماد همگان را جلب خواهد کرد و مشارکت و همکاری را نیز در پی خواهد داشت.

همدردی و همدلی

با تجدید حضور در مساجد برای نماز جماعت، عزاداری یا سایر امور، پیوند عاطفی و معنوی نیز تجدید و تقویت می‌گردد.

---

۱. غررالحکم: ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۹.

حضور فیزیکی و معنوی در مسجد که عامل گسترش مشترکات معنوی است، جمع نمازگزار را به همسویی و همفکری فرا می‌خواند و این احساس و درک را در آنها تقویت می‌کند که «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» و نباید از درد و رنج هموطنان خود غافل شوند. این احساس بیش از پیش از قوه به فعل تبدیل می‌شود و افراد مؤمن را به یاری دردمندان بر می‌انگیزد. با این نگرش حضور فیزیکی و یاری مادی و معنوی رنج دیدگان، باعث تسکین آلام آنان می‌گردند.

در جبههٔ عمل نیز این رفتار به سایر مؤمنان انتقال داده می‌شود و عزم همگان برای رفع گرفتاری‌ها و احیاء آرامش روانی در جامعه فراهم می‌گردد. همدردی و همدلی با مؤمنان در مکتب انسان‌ساز اسلام سرآغاز خردمندی است، بعد از ایمان به خدا، در منابع روائی بدان توصیه شده است. چنانکه می‌دانیم شادکردن دل مؤمن عبادتی بزرگ به‌شمار می‌آید. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«تبسم الرجل فی وجه اخیه حسنه و صرف القذی عنه حسنه و ما عبدالله بشیء احب الی الله من ادخال السرور علی المؤمن».[۱]

و امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند:

«صح عندی قول النبی افضل الاعمال بعد الصلاة ادخال السرور فی قلب المؤمن بمالا اثم فیه».[۲]

از جملهٔ علل شادکردن قلب مؤمن که در روایات به آن توجه شده است، این است که فرد مسلمان با انگیزهٔ شادکردن دل مسلمانی، بار سنگین درد و رنج را از دوش برادر خود برگیرد و خود را با او شریک بداند و عامل امیدواری آنان باشد.

بی‌شک شکوه و عظمت همدردی در نمازهای جماعت مساجد بیش از سایر اجتماعات است به علت حضور مستمر مردم در مساجد، پایه‌های بهداشت روان در جامعه متزلزل نخواهد شد و جامعه از ابتلا به بیماری دردناک (بی‌اعتنایی) نجات پیدا خواهد کرد.

---

۱. الکافی: ج ۲، ص ۱۸۸، باب ادخال السرور علی المؤمنین... .
۲. المناقب: ج ۴، ص ۷۵، فصل فی معالی اموره... .

به قول روان‌شناسان بر اثر ممارست فکری و عمل مردم در سه (یا پنج) وعده نماز جماعت به درونی شدن این افکار و رفتار منجر خواهد شد. بنابر این زندگی ایده‌آل الهی ـ انسانی را برای نسل امروز و آینده تدارک خواهد دید.

احساس همدردی و همفکری زمانی پدیدار می‌گردد که برادری از درد و رنج برادرش مطلع شود و آن را درک کند. این احساس در اجتماع جماعت نمازگزار در مسجد به دیده می‌شود، که مؤمنان در کنار هم قرار گرفته ضمن عبادت از حال یکدیگر نیز با خبر می‌شوند و با یکدیگر اشتراک مساعی می‌نمایند و در صورت حضور منافقین، کسی از نمازگزاران، سراغ او را می‌گیرد و چه بسا در پی او به تکلف نیز می‌افتند. اسلام همدردی با سایر بندگان را امری ضروری تلقی می‌کند و آن را عامل ثبات و آرامش جامعه می‌داند.

زمانی که سپاه معاویه به یکی از شهرهای بلاد اسلامی حمله می‌کردند و خلخال از پای زن یهودی درآوردند، مولای متقیان فرمودند اگر مسلمانی از این غصه بمیرد جای سرزنش نیست:

«بلغنی ان الرجل منهم کان یدخل علی المراه المسلمه و الاخری المعاهده فینتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعائها، ما تمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا و افرین، ما نال رجلا منهم کلم و لاریق له دم، فلو ان امراء مسلما مات من بعد هذا اسفاما کان‌به ملوما، بل کان به جدیرا».[1]

در موردی دیگر امام علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

«مؤمن برادر مؤمن است چون یک تنند و اگر یکی را دردی رسد، دردیگرپاره‌های تن دریافت می‌شود، و روحشان از یک روح است وبراستی روح مومن به روح خدا پیوسته‌تر است از پیوستن پرتو آفتاب بدان».

با توجه به توصیه‌های امام، بر همه مؤمنان لازم است که در هر حال از احوال یکدیگر باخبر بشوند و تا عضوی از اعضای پیکر اسلامی آرام نگیرد، آنان نیز آرام بگیرند.

---

۱. نهج‌البلاغه: خطبه ۲۷ .

دوستی‌های سالم

قرآن‌کریم می‌فرماید: از جمله عوامل دخول به جهنم انسان‌هاکه سبب پشیمانی آنها در آخرت می‌گردد، داشتن دوستان ناسالم است. بنابر نقل قرآن‌کریم نالهٔ دوزخیان این است:

«وای بر من ای کاش با فلان شخص دوستی نمی‌کردم».

**وَيَوْمَ يَعَضُّ الظّالِمُ عَلىٰ يَدَيْهِ يَقُوْلُ يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلاً يا وَيْلَتىٰ لَيْتَنِيْ لَمْ اَتَّخِذْ فُلاناً خَلِيْلاً * لَقَدْ اَضَلَّنِيْ عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ اِذْ جَآءَنِي و كان الشيطان لِلانسان خَذُوْلاً».[1]

«به خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش من با رسول حق راه دوستی و اطاعت پیش می‌گرفتم. ای وای بر من کاش فلان را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه مخذول کننده انسان بوده است».

چون انسان موجودی اجتماعی است، در روابط اجتماعی ناگزیر از انتخاب دوست است. می‌توان گفت یکی از ارکان «وحدت» معاشرت‌ها و دوستی‌های صحیح و سالم در مکان‌های نماز جمعه و جماعت (یعنی غالباً مساجد) است که بر اثر آشنایی و دیدارهای روزانه به شکل احسن انتخاب دوست میسر است و حتی ادامهٔ دوستی این گونه افراد می‌تواند در روز قیامت هم به صورت شفاعت چهره بنمایاند.

«این گروه می‌توانند در چارچوب اذن الهی در بارهٔ افراد خاصی که روابط معنوی آنان با خدا برقرار بوده و پیوند روحی آنها با شفیعان الهی نگسسته باشد، درخواست آمرزش گناه و طلب مغفرت بنمایند. شایان ذکر است که شفاعت مخصوص افرادی است که خداپسندانه وارد صحنهٔ قیامت گردند و از گناهانی که سلب شایستگی شفاعت را می‌کنند، برحذر باشند».[2]

---

۱. فرقان / ۲۷ ـ ۲۹ .

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه شفاعت.

علامه طباطبائی می‌فرماید:

«گاهی دوستی‌ها بر سرحق است و گاهی بر سر باطل و همین قسم دوستی است که منشا فسادهایی از قبیل گزافه‌گویی و زورگویی‌ها در بین انسان‌هاست».[۱]

تبدیل شدن این‌گونه دوستی‌ها به عداوت در آن روز طبیعی است، چراکه هر یک از آنان دیگری را عامل بدبختی و بیچارگی خود می‌شمرد:

«تو بودی که این راه را به من نشان دادی و مرا به سوی آن دعوت کردی،توبودی که دنیا را درنظر من زینت دادی و مرا به آن تشویق نمودی، آری توبودی که مرا غرق غفلت وغرور ساختی واز سرنوشتم بی‌خبر کردی، هر یک از آن‌ها به دیگری این‌گونه مطالب را می‌گوید».[۲]

دوستی‌هایی که در مسجد آغاز می‌شود براساس تولاّ و تبرّاست و از جرم و جنایت وغیره سر در نمی‌آورد، دوستانی که با معیارهای دینی برگزیده شده‌اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده‌اند. نمونه‌های بارز این گونه دوستی‌ها را در دفاع مقدس به وضوح مشاهده کرده‌ایم و نکته مقابل این نوع دوستی، دوستی افراد غیر صالح و غیرمتقی است که غالباً به هنگام گرفتاری نه فقط از دوست خود حمایت نمی‌کنند، بل او را لو می‌دهند و یا تنها رها می‌کنند.

در منابع روایی آمده است که انسان با هر چیزی که مونس شود و آن را دوست داشته باشد روز قیامت با همان محشور می‌شود.

کسب و تجارت

بعضی از مساجد جمعه و جامع در کنار بازار و یا به بازار راه دارد و بازارهای اسلامی که همچون مسجد طاق‌وار ساخته شده جزو مجموعه‌های مسجد جامع است و برای ورود

---

۱. تفسیر المیزان: ج ۵، ص ۱۴۴.
۲. تفسیر نمونه: ج ۲۱، ص ۱۱۰.

به آنها از حیاط مسجد می‌گذرند، باشد که بازاریان با یاد خدا وارد بازار و کسب و کار شوند. به تعبیر معماران و مهندسان شهرسازی که در بناهای اسلامی کاوش می‌کنند، بازار اسلامی به‌منزلهٔ ستون فقرات هر شهر است و این همان تعبیری است که خداوند در قرآن برای مال کرده است:

﴿التی جعل الله لکم قواما﴾.[۱]

«اموالی که خداوند مایه قوام شما قرار داده است».

هدف قرآن از پیوند میان مسجد و بازار تربیت مردانی است با این ویژگی:

﴿لاتلهیهم تجاره ولابیع عن ذکر الله و اقام الصلوة﴾.[۲]

«هیچ تجارت و دادوستدی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز باز ندارد».

در همهٔ شهرهای اسلامی از جمله مهم‌ترین بناهای شهر، مساجدند، خصوصاً مساجد جامع، که در نتیجهٔ پیوند میان بازار و مسجد این بود که قوانین اقتصاد اسلامی اغلب خودبه‌خود به اجرا می‌آمد و بازاریان روزی چند نوبت در مساجد از نیروی ایمان و تقوا شارژ می‌شدند و چون به سرکار باز می‌گشتند، کمتر دروغ می‌گفتند و کمتر به احتکار و کم‌فروشی می‌پرداختند؛ از این‌رو معاملات با اعتماد فراوان در بازارهای اسلامی صورت می‌گرفت، و مسلمانان کار و تجارتشان را چیزی جدای از عبادت نمی‌دانستند. «روژه گارودی» فیلسوف مسلمان فرانسوی در کتاب خود به‌نام «مسجد آئینه اسلام» می‌نویسد:

«در دوران عظمت اسلام زندگی شهر در مسجد جریان داشت، در آنجاست که قراردادهای تجاری بسته می‌شود، زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی‌شناسد، اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنا بوده است که انسان ۲۴ ساعت شبانه‌روز در محضر خداوند به‌سر می‌برد و هر عملی در زیر نگاه او انجام می‌شود، بنابراین هر عملی که توأم با تقوا باشد یک بعد قدسی دارد و نماز درنگی است در سلسلهٔ لحظات گوناگون،

---

۱. نساء / ۵.
۲. نور / ۳۷.

درنگی که به سایر لحظات معنا می‌دهد. بنابراین نماز از بقیه اعـمال جـدا نیست».

حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی

نقش مساجد در دفاع از مرزهای بلاد اسلامی در طول تاریخ برکسی پوشیده نیست. برای ما هم در این زمان که دورهٔ هشت ساله دفاع مقدس را تجربه کرده‌ایم، درک نقش مساجد در ادارهٔ امور جبهه و جنگ کاری دشوار نیست. اگر بگوییم این مساجد بود که در طول دفاع مقدس جبهه‌ها را تدارک و اداره می‌کرد، سخن حقی گفته‌ایم.

در صدر اسلام و دوره‌های بعد از آن اهل مسجد بودند که برای مرابطه (برقرار ارتباط میان مرزها و مرکز اسلامی) و مراقبت از حرکات دشمن و هجوم رزمی و فرهنگی به مرزهای سرزمین‌های اسلامی کوچ می‌کردند و با نذر، وقف و وصیت، رباطهایی بـه شکـل مسـجد می‌ساختند، این رباطها، در واقع مسجدی بود کـه مـناره‌های کـوتاه و بـلند آن بـه صـورت برج دیده‌بانی تبدیل و اتاق‌های آن به صورت اتـاق‌ها و اسـتراحـتگاه بسـیجیان و مسـافران و شبستان آن به هنگام نماز محل اقامهٔ نماز جماعت و بعد از محل درس و بحث طلاب بسیجی درمی‌آمد، بسیاری از طلاب علوم دینی و استادان حوزه و با نذر و غیره به آن مراکز می‌رفتند و ضمن آموزش‌های رزمی از استادان مرابطون دوره‌های دروس علوم دینی و لغت و عرفان را فرا می‌گرفتند تا خود را هم در برابر هجوم رزمی و هم هجوم فرهنگی دشمن آماده سازند.

این پایگاه‌ها نقشی مهم در مرزهای کشورهای اسلامی بخصوص مغرب و طرابلس و اسپانیا و تونس ایفاکرده و همواره پاسخ‌گو و مدافع در برابر حملات رزمی و فرهنگی دشمنان اسلام بوده است، تا جایی که بعضی از آنان انقلاب نموده و دولت‌هایی به‌نام دولت مرابطین تأسیس کرده‌اند.[1]

---

۱. الرباط فی سبیل الله، محی‌الدین قلبیی تونسی، مجلهٔ رساله الاسلام قاهره، سال ۴، ش ۳: ص ۳۰۹.

آثار تربیتی

همان‌طور که می‌دانیم تربیت، ارکان حیات اجتماعی انسان است، و لذا توجه به ابعاد گوناگون تربیتی، توجه به شخصیت والای انسان است. در اصول تربیتی، محیط زیست از جمله عوامل تأثیرگذار بوده و می‌تواند کفه ترازوی تربیت را به نفع خود سنگین نماید؛ بنابراین مساجد و مکان‌های برگزاری نماز جماعت یکی از محورهای تربیتی شایان توجه به‌شمار می‌رود.

نکتهٔ تربیتی مهم این است که جمع نمازگزاران در مسجد، طبق یک تربیت اسلامی که ریشهٔ آن در خانواده‌ها بنا نهاده شده احترام به امام جماعت، افراد مسن و سایر افراد مؤمن را به فراخور حال و موقعیت معنوی و غیره رعایت می‌کنند. امور تربیتی غالباً با روان سر و کار دارند تا با جسم و آنچه از تربیت در رابطه با جسم به‌کار گرفته می‌شود، اکتسابی است، از این رو حضور در جمع تربیت شده می‌تواند راه سهل و آسان کسب آداب و اخلاق مقبول جامعه اسلامی را در اختیار جمع نمازگزار قرار می‌دهد. علمای تربیتی نیز به این مطلب اذعان دارند که اجرای مناسک دینی به منزلهٔ یادآوری و بازخوانی عقاید دینی است.

> «و تقید و التزام به قواعد و قوانین اخلاقی، نوعی در قید شدن است و انسان‌های خویشتن‌دار بهتر می‌توانند این قید را بر خویشتن تحمیل کنند. مناسک دین نوعی تمرین برای خویشتن داری و تحمل قیود است ومی‌تواند مقاومت در برابر جاذبه‌های نفسانی را افزایش دهد و موانع زیست اخلاقی را کم کند».[1]

از دیگر نکات تربیتی حضور در مسجد می‌توان به وقت‌شناسی اشاره کرد. حاضر شدن منظم و مستمر در مسجد برای نماز جماعت نوعی نظم در زندگی و سایر امور دینی آنان پدید می‌آورد.

خلاصه اینکه مسجد مکان مقدسی است برای عروج به درجات عالی انسانی و رشته‌ای است برای پیوند دل‌ها و تفکرها در جهت استحکام اتحاد و همبستگی و منبعی است برای تقسیم مهربانی‌ها و صفا و صمیمت‌ها.

---

۱. تربیت اسلامی، ویژهٔ تربیت اخلاق: ص ۱۰۱.

ایثار و انفاق

از دیگر آثار و برکات حضور در مسجد تقویت و اشاعهٔ فرهنگ ایثار و انفاق است، که گاهی در حدّ اعلا و ممتاز در بین اهل مسجد مشاهده می‌شود. جمع نمازگزارانی که در مسجد در حال نماز از خدای مهربان هدایت و نعمت را مسئلت می‌نمایند ﴿**صراط الذین انعمت علیهم...**﴾ به تبع این درخواست خود نیز گاهی در جهت نعمت بودن برای سایر برادران خود برمی‌دارد. اعلام نیاز بعد از نماز و در پی آن اقدام عمل افراد، از شاخصه‌های فرهنگ جمع نمازگزار مسجدی است، زمانی که آیات ﴿**اهدنا الصراط**﴾ خوانده می‌شود همگان هدایت را برای همنوعان خود می‌خواهند، در واقع با دعای خود به دیگران احسان می‌کنند. در برخی از آیات نماز و انفاق قرین هم آمده است:

﴿**وَ الَّذِیْنَ صَبَرُوا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ...**﴾.[۱]

«و کسانی که در طلب رضای خدا راه صبر پیش می‌گیرند و نماز به‌پا می‌دارند و از آنچه نصیبشان کردیم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند».

﴿**الَّذِیْنَ یُقِیْمُوْنَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُوْنَ * أُولئكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقّاً لَهُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَّ رِزْقٌ کَرِیْمٌ**﴾.[۲]

«و نماز را با حضور قلب بپا می‌دارند و از هر چه روزی آنها کردیم ـ علم و جاه و مال ـ انفاق می‌کنند. آنان براستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو مخصوص آنهاست».

به‌طور طبیعی اطلاع رسانی در بارهٔ نیاز و مشکلات مردم محروم در حالت عادی به سادگی امکان‌پذیر نیست و در صورت اقدام به اطلاع‌رسانی فقط بخش کوچکی از جامعه مطلع می‌شوند. اما حضور در جماعت مساجد این کار را سهل و ساده و به صورت مطلوب امکان‌پذیر می‌نماید.

---

۱. رعد / ۲۲ .
۲. انفال / ۳ـ۴ .

آثار روحی و اخلاقی

فضای مسجد، الهی و نورانی است، ذکر، دعا، صلوات، عزاداری‌ها و تلاوت آیات کریمه قرآن، زمینهٔ بسیار مناسبی برای پرورش فضائل روحی و اخلاقی فراهم می‌آورد. این‌ها در پرتو رحمتی است که از ناحیهٔ پروردگار شامل اهل مسجد می‌شود. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است:

«ما جلس قوم فی مسجد من مساجد الله تعالی یتلون کتاب الله (و) یتدارسونه بینهم الا تنزلت علیهم السکینه و غشیتهم الرحمه و ذکرهم الله فیمن عنده».[1]

«قومی ـ با یکدیگر ـ در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن ننشینند؛ مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود و خداوند از آن‌ها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند».

در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود:

«من کانت المساجد بیته ضمن الله له بالروح و الراحه و الجواز علی الصراط».[2]

«هر کس که مسجدها خانه‌اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند».

از طرفی اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی اجرای صحیح وظایف و تکالیف شرعی و اخلاقی دیگر را نیز بدست خواهد داد.

بهره و پاداش الهی

در روایات از ثواب‌ها و اجرهای متعدد برای حاضران در مساجد، فراوان یاد شده است

---

۱. مستدرک الوسایل: ج ۳، ص ۳۶۳.
۲. مستدرک الوسایل: ج ۳، ص ۴۸۲.

از جمله:

۱ ـ «**ان فی التوراة مکتوبا: ان بیوتی فی الارض المساجد فطوبی لمن تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی و حق علی المزور ان یکرم الزائر**».[۱]

«در تورات نوشته شده است که ـ خداوند می‌فرماید: ـ مسجدها خانه‌های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه‌اش پاکیزه کند و در خانهٔ من به زیارتم بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد».

۲ ـ قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

«**المساجد سوق من اسواق الاخرة قراها المغفرة و تحفتها الجنه**».[۲]

«مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. آمرزش و بخشش از وسایل پذیرایی آنهاست و هدیهٔ آنها بهشت است».

۳ ـ قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

«**سبعه یظلهم الله فی ظله یوم لاظل الا ظله... رجل قلبه متعلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه**».[۳]

«هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می‌گیرند... (که از جمله آنهاست)، شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان برگشت، توجه‌اش به مسجد باشد».

۴ ـ قال الصادق علیه السلام :

«**لایرجع صاحب المسجد باقل من احدی ثلاث خصال: اما دعاءُ یدعو به یدخله الله به الجنه و اما دعاءُ یدعوا به فیصرف الله**

---

۱. وسایل الشیعة: ج ۳، ص ۴۸۲.
۲. مستدرك الوسایل: ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحارالانوار: ج ۸۱، ص ۴؛ امالی طوسی: ص ۱۳۹.
۳. وسایل الشیعة: ج ۳، ص ۴۸۱.

عنه به بلاءَ الدنیا...».[۱]

«اهل‌مسجد به‌کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی‌گردد: یا دعایی می‌کند که خداوند به برکت آن، او را به بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن بلای دنیا را از او دور می‌کند و یا...».

این همه نشان می‌دهد، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز ـ به عنوان عاملی تأثیرگذار ـ مورد توجه است.

نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای ابوسعید ابوالخیر نوشت:

«چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیکتر است. هرجا که باشی اگر رابطه‌ات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یکجا روشن باشد، اگر یکی از آن‌ها خاموش شد، چراغ‌های دیگر روشن است، ولی اگر همان چراغ‌ها هر یک در یک اتاق باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسان‌ها نیز این‌گونه‌اند؛ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به سبب ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانهٔ جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند.

بعضی گناهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به کسب فیوض الهی نشوند، ولی اگر در جمع باشند، شاید خداوند به برکت افراد دیگر، آنها را مشمول برکات خود سازد».[۲]

نتیجه

حضور در مساجد آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی بسیاری دارد. مسجد علاوه

---

۱. همان: ج ۵، ص ۱۹۳.
۲. داستان‌ها و پندها: ج ۹، ص ۵۸.

بر محل نیایش بودن، منابع اشاعه فرهنگ اسلامی و به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد.

از جمله آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تعاون است که از عوامل وحدت آفرین و استحکام بخش جامعه به شمار می‌رود. مسجد همواره درکنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از روابط سالم اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت درکنار هم در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می‌سازد. با تحقیق می‌توان دریافت که نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد در پیش‌گیری و باز دارندگی از وقوع جرم و گناه بسیار مهم و در خور تأمل است. با تجدید حضور در نماز جماعت در مساجد پیوند عاطفی و معنوی نمازگزاران نیز تجدید و تقویت می‌گردد و از طرفی دوستی‌هایی که در مسجد آغاز می‌شود، دوستی واقعی است و از جرم و جنایت و غیره سر درنمی‌آورد، دوستانی که با معیارهای دینی و آن هم در مسجد برگزیده شده‌اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان است و غالباً تا اواخر عمر ادامه می‌یابد.

اشاعهٔ فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علما، افراد مسن و بزرگترها و محبت به کوچکترها و مراعات ادب در برابر سایر مؤمنان از دیگر ثمرات «**بیوت الرحمن**» یعنی مساجد است.

پیشنهاد

برای تبیین اثبات و علمی مسئله آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی حضور در مسجد، از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و نیز ادیان و روانشناسی هریک از موضوعات مطرح شده توسط سایر محققان به‌صورت میدانی مورد تحقیق قرارگرفته است تا نتایج عینی آن نیز اثبات شود.

منابع

قرآن کریم.

۱ ـ آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶.

۲ ـ حاجی نوری، مستدرک الوسائل، موسسهٔ آل‌البیت، قم ۱۳۶۶ .

۳ ـ حر عاملی، حسن، وسائل الشیعة، موسسهٔ آل‌البیت – قم .

۴ ـ متقی هندی، کنزالعمال، دارالتراث العربی، بی‌تا.

۵ ـ صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، انتشارات دارالجهره، قم، بی‌تا.

۶ ـ صدوق، علی ابن‌بابویه، الامالی، انتشارات دارالثقافه، قم۱۴۱۴ ق .

۷ ـ صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۳ .

۸ ـ طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷.

۹ ـ مازندرانی، محمدبن‌شهرآشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، موسسهٔ انتشارات علامه، قم ۱۳۷۹ .

۱۰ ـ قلبیی، محی‌الدین تونسی، الرباط فی سبیل‌الله، مجله رساله الاسلام قاهره، سال ۴، ش ۳، ص ۳۰۹ .

۱۱ ـ کلینی، ابوجعفر، محمد بن اسحاق، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ .

۱۲ ـ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسهٔ الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ه ق .

۱۳ ـ معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ناشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی، قم ۱۴۰۴ .

۱۴ ـ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ .

عوامل و موانع
جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد

▣ عفت منصوریان

▣ چکیده

مکتب تربیتی اسلام از امتیازی بس بزرگ بهره دارد و آن ساختن الگوهای تربیتی مبتنی بر اصول مکتب است.

در اسلام، هم انسان ایده‌آل و هم جامعه‌ی ایده‌آل هر دو مُحَقّق شده‌اند. در تاریخ اسلام، مساجد یگانه مکان عبادت نبود، بل نخستین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان نیز به شمار می‌آمد.

مساجد عبارت از محل‌هایی است که مسلمانان در آنجا به عبادت و پرستش خدا می‌پردازند.

لغت دیگر برای مسجد کلمه‌ی «جامع» است که از کلمه جمع شدن مشتق شده است، لذا مسجد علاوه بر محل عبادت، همیشه به‌صورت مرکزی برای اجتماعات تعبیه شده است.

هم چنین مسجد فقط مکان عبادت نیست و به طور جامع محلی برای مقاصد آموزشی مطرح بوده است و به مرور زمان مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین و به عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و غیره محسوب شده است.

کارکردهای پرفراز و نشیب طول تاریخ مسجد را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و عبادی.

امروزه با توجه به تخصصی شدن جامعه، بخش اعظم این کارکردها از قبیل کارکردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برعهده نهادهای تخصصی گذاشته شده است.

در تعریف جدید از کارکردهای مسجد در باره‌ی جوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ ـ کارکرد آموزشی که با راه‌اندازی کلاس‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون درصدد تحقق آن هستند.

۲ ـ کارکرد تفریحی در چارچوب برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی.

۳ ـ کارکرد دینی با برگزاری مراسم گوناگون مذهبی.

مساجد در کنار کارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی متناسب با شرایط هر دوره و در حد توان خود خدمات اقتصادی و رفاهی نیز داشته‌اند.

بعضی از خدمات مذکور شکل دائمی و مستمر داشته‌اند.

کارکردهایی را معمولاً کارکردهای پنهان می‌نامند. مثلاً مساجد در ارضای نیاز به تعلق یا نیاز به مورد علاقه و تأیید و احترام دیگران بودن، کارکرد دارند.

از همین روست که گفته می‌شود مساجد در ارضای نیاز تعلق، نقشی مهم ایفا می‌کنند.

۱ ـ مقطعی بودن بعضی از نیازهایی که مسجد در دوره‌ی رونق خود پاسخ‌گوی آنها بوده است.

۲ ـ تغییر در تعادل نیازی یا ارزشی مردم به گونه‌ای که در برابر نیازهای

مـتعالی و جـمعی کـه مسـجد عـهده‌دار پـاسخ‌گویی بـه آنـها بـوده است، احساس کمبود نمی‌کرده‌اند.

۳ ـ ترجیح مردم به ارضای نیازهای فرهنگی، معنوی، سیاسی و رفاهی خود به طریقی غیر از حضور در مسجد به عـلت تـوانـایی‌های مسـجد یـا پیدایی نهادها و سازمان‌های جانشین.

در دوره‌های خاصی مساجد پاسخ‌گوی نیازهایی بوده‌اند که اکنون یا آن نیازها رفع شده‌اند، یا میزان آنها کاهش یافته است.

بالا رفتن سطح انتظار اگـر انگـیزه‌های مـتعالی و جـمعی را بـه سـود انگیزه‌های رفاهی ضعیف می‌نماید، فرقی با پدیده فقر ندارد.

پدیده‌های دیگری مـانند هـجوم فـرهنگی بـیگانگان و نـارسایی‌های موجود در عملکرد نهادهای فرهنگی و تبلیغی نیز در تغییر تـعادل نـیازی و ارزشی افراد مؤثر بوده.

دگرگونی در شیوه‌ی ارضای نیازهایی کـه مسـجد عـهده‌دار آنـها بـوده است، موجب کاهش حضور آنها در مسجد خواهد بود که منشأ ترجیح مذکور دو چیز است:

ـ پیدایی سازمان‌های جای‌گزین؛

ـ کاهش توان کارکردی مسجد و رفع آن.

کارگزاران بسیاری از مساجد و بـه ویـژه ائـمه جـماعات از تـوانـایی‌ها و شایستگی‌هایی که لازمه ایفای مسؤولیت‌شان بوده است.

آگاهی به مقتضیات زمان است.

با اجرای سخنرانی‌ها و برنامه‌های یکنواخت و فاقد نوآوری، بی‌التفاتی به پاسخ‌گویی اصـولی بـه پـرستش‌ها و ابـهامات، دخـیل دانسـتن آنـها در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، نبود سعه‌ی صدر، بلندنظری و جامع‌نگری در میان بسیاری از کارگزاران مساجد. رفتاری احترام‌آمیز و بـزرگوارانـه داشـته باشند. کارگزاران مسجد باید از دامن زدن به اخـتلافاتی کـه مـیان گـروه‌ها

و جناح معتقد به اسلام و نظام وجود دارد پرهیز کند.

با تنگ نظری‌ها، گروه بازی‌ها و بی‌درایتی‌ها، رفتارهای حاکی از فقدان صداقت، ناخالصی و بی‌تقوایی،

مسجد نمونه

ابعاد فرهنگی مسجد نمونه

افزودن جاذبه‌ی مسجد و برگزاری اردوهای سیاحتی مؤثرترین عامل در افزایش توان کارکردی مسجد، یاری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، با خلوص ارتباط صمیمی با گروه‌ها مردم و آشنا به شیوه‌های مؤثر تبلیغ است.

مکتب تربیتی اسلام از امتیازی بس بزرگ بهره مند است و آن ساختن الگوهای تربیتی مبتنی بر اصول مکتب است. یعنی مکتب مجسمی که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی کمال پیدا کرده است. در اسلام هم انسان ایده‌آل و هم جامعه‌ی ایده‌آل هر دو محقّق شده‌اند. در تاریخ اسلام، مساجد فقط جای عبادت نبود، بل نخستین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان نیز به‌شمار می‌آمد، از این رو در زمان حضرت رسول اکرمﷺ قسمت‌هایی از قرآن که به صورت‌های متفرق نوشته می‌شود در مسجد ضبط می‌گردید تا همواره مورد استفاده مسلمانان و اهل علم قرار بگیرد.

مقدمه

کلمه‌ی مسجد در زبان عربی از سجده کردن گرفته شده است که در عبادت و نماز، از برای احترام به خدا سجده و تعظیم می‌کنند. به این ترتیب مساجد عبارت از محل‌هایی است که مسلمانان در آنجا به عبادت و پرستش خدا می‌پردازند، قرآن می‌گوید:

«مساجد محل‌هایی هستند که خدا به احداث آنها اجازه داده تا نام او در آن مساجد بیان شود».

عموماً تمامی ادیان مکانی ویژه برای نیایش با خدای خود تعریف کرده‌اند، نظیر کلیسا در دین مسیح و آتشکده در دین زرتشت، معبد در آئین بودا و غیره واژه‌ی دیگر برای مسجد کلمه‌ی «جامع» است که ازکلمه‌ی جمع شدن مشتق شده است، لذا مسجد علاوه بر محل عبادت، همیشه به عنوان مرکزی برای اجتماعات به کار رفته است که مسلمانان در آنجا برای منظورهایی غیر از عبادت نیز جمع آمده‌اند که حتی در زمان پیامبرﷺ مساجد علاوه بر وظیفه مرکزیت مذهبی، محلی برای امور سیاسی نیز بود. علاوه براین، مساجد به صورت محلی برای قضاوت و دادخواهی، بحث‌های عمومی و استراحت مسافران و بینوایان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و به یک چهار دیواری و محراب ختم نمی‌شد و نهایتاً مسجد فقط جای عبادت نبود، بل به‌طور جامع محلی برای مقاصد آموزشی مطرح بوده و به مرور زمان مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین و بعنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و نظایر آن محسوب شده است و چون مسجد یکی از نهادهای اجتماعی است بر اثر مرور زمان و با توجه به تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کارکردهای این نهاد، تغییر و تحول پیدا کرده است.

مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران مسجد مهم‌ترین نهاد برای سخنرانی‌های سیاسی و برای تجمع و هدایت و سازماندهی مردم و از میان نهادهای اجتماعی، مسجد مهم‌ترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت و پس از انقلاب هم مسجد در عین حال که نقش مذهبی و عبادی خود را حفظ کرده است، کارکرد سیاسی مانند برگزاری انتخابات، تشکیل جلسات شوراهای محله و رای‌گیری برای انتخابات گوناگون مانند انتخاب هیات امنا و شورای محله که در کل، محل حضور مردم بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومت دینی توجه به این آموزه از اصلی‌ترین برنامه‌های حکومت بوده است. بخصوص که مسئولان جامعه می‌خواستند جوانانی با هویت دینی قوی پرورش دهند. توجه به عمران مساجد دو چندان گردید و از نظر کمی توسعه‌ی مساجد روز افزون شد، هر چند تمامی محلات شهرها دارای مسجد بود.

کارکردهای گوناگون مسجد در طول تاریخ

کارکردهای پر فراز و نشیب مسجد را در طول تاریخ می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: کاردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و عبادی. هر یک از این کارکردها، ایفاگر نقش‌های گوناگون و متنوعی بوده است به‌طوری که درکارکرد فرهنگی مسجد می‌توان به نقش آموزشی مسجد و نیز نقش آن در تعالی هنر و تمدن اسلامی اشاره کرد. همچنین در کارکرد اجتماعی مسجد می‌توان به نقش مسجد در اجتماعی شدن افراد و توسعه‌ی ارتباطات میان فردی و نیز در بحث کارکرد سیاسی می‌توان به نقش فعال مساجد در دورهٔ انقلاب و جنگ تحمیلی اشاره کرد.

امروزه با توجه به تخصصی شدن جامعه، بخش اعظم این کارکردها، از قبیل کارکردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر عهدهٔ نهادهای تخصصی گذاشته شده است. با وجود این مسؤولان جامعه به منظور فعال و پویا نگه داشتن این نهاد مذهبی کارکردهای جدیدی برای آن تعریف کرده‌اند، در این تعریف آنان جوانان که را در قالب طبقه‌ای به‌لحاظ شمار و کمیت، جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، به عنوان آینده‌سازان جامعه هدف برنامه‌های خویش قرار داده‌اند. به این ترتیب در تعریف جدید ازکارکردهای مسجد در باره‌ی جوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ ـ کارکرد آموزشی که با برگزاری کلاس‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون درصدد تحقق آن هستند.

۲ ـ کارکرد تفریحی در چارچوب برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی.

۳ ـ کارکرد دینی با برگزاری مراسم گوناگون مذهبی.

با توجه به این کارکردها و جایگاه و ارزش مسجد به عنوان نمادی از اسلام، به‌بررسی نگرش جوانان به مسجد می‌پردازیم. البته در یک تعریف ساده نگرش عبارت است از حالات عاطفی مثبت یا منفی به یک موضوع[1] در تعریفی دیگر نگرش این‌گونه توصیف شده است: ما نسبت به اشیا و اندیشه‌ها نظریات خاصی داریم که ناشی از اطلاع ما از آنها درخصوص آنها و تمایل ما به اجرای عملی در باره‌ی آنهاست. این‌گونه نظر غالباً حتی تعیین کننده‌ی شیوه‌ی برخورد ما با آن اشیا، اماکن، افراد یا اندیشه‌هاست.

---

۱ . گنجی: ص ۹۲ ، ۱۳۸۰ ش .

کارکردهای مساجد در دوره‌ی رونق

دوره‌ای که با عنوان رونق مسجد از آن یاد می‌شود، از دوره‌های درخشانی است که رابطه‌ی متقابل مذکور، در آن به شایستگی در خور تشخیص است. در این دوره با اشاعه‌ی بینش سیاسی و اجتماعی در میان روحانیون و گردانندگان مساجد و ورود آن‌ها به بعضی از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، افراد جدیدی که عمدتاً از طبقه‌ی جوان بودند، به سوی مسجد جذب و از فضای معنوی مسجد، متأثر شدند. از سوی دیگر باورهای عمیق مذهبی و انگیزه‌های پاک معنوی که در آن زمان روندی رو به رشد داشت، پشتوانه‌ای بزرگ برای شکل‌گیری حرکتی عظیم و انقلابی بود.

۱ ـ کارکرد معنوی

برگزاری نماز جماعت، جلسات وعظ و غیره.

ایفای کارکرد معنوی مسجد، ضمن این که جریانی مستقل و پایدار به شمار می‌آید، با سایر تحولات و کارکردهای مسجد در ارتباط متقابل بوده است. به این معنا که از یک سو، تقویت انگیزه‌های معنوی، پشتوانه و ذخیره‌ی عظیمی برای پیشبرد نهضت‌ها و انقلاب‌ها در مواقع مقتضی بوده است[1] و از سوی دیگر، همگام با افزایش فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسجد، کارکرد معنوی آن نیز تقویت می‌شده است.

۲ ـ کارکرد سیاسی

به علت نفوذ گسترده‌ی اسلام در جامعه‌ی ما، بسیاری از حرکتی‌های سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ، از طریق تشکل‌های غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. مساجد در دوره‌های گوناگون همواره پایگاه‌های مطلوبی جهت انواع فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شده‌اند. در دورهٔ رونق، کارکرد و فعالیت سیاسی مساجد، در نقطهٔ اوج خود قرار داشت.

---

۱ . در این حالت، کارکرد معنوی در خدمت کارکردهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌گرفته است.

در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب، مساجد پایگاه سیاسی و سنگر مبارزه بودند. در مراحل مقدماتی یعنی تا قبل از ۱۳۶۵ ش فعالیت‌های سیاسی در مساجد غالباً به‌شکل غیرعلنی و مخفیانه صورت می‌گرفت.

پس از پیروزی انقلاب، فعالیت‌های سیاسی در مساجد، به دو شکل عمده صورت می‌گرفت: نخست، دعوت از شخصیت‌های مبارز و سابقه‌دار سیاسی برای سخنرانی و برگزاری جلسات بحث و مناظره، و دیگری، فعالیت‌های سیاسی و احیاناً نظامی برضدّ گروهک‌ها و دشمنان انقلاب، مساجد در بسیاری از مواقع پایگاه حزبی غیررسمی و طبیعی در مقابل سایر حزب‌های و دسته‌ها بودند. در دوره‌ی جنگ هشت ساله نیز، مساجد با اعزام نیروهای بسیجی و تهیه‌ی نیازمندی‌های جبهه‌ها مهم‌ترین پایگاه پشتیبانی جنگ محسوب می‌شدند.

برپایی جلسات سخنرانی و بحث و مناظره درباره‌ی مسائل انقلاب نیز، عده زیادی از مردم را به سوی مساجد جذب می‌کرد. اغلب جوانان با شرکت در این‌گونه مجامع، هم وفاداری و پای‌بندی خود را به انقلاب نشان می‌دادند و هم از آخرین اطلاعات و تحلیل‌ها دربارهٔ گذشته، حال و آینده انقلاب مطلع می‌شدند.

۳ ـ کارکرد فرهنگی

مراد از کارکرد فرهنگی، نقشی است که مساجد در جهت افزایش آگاهی‌ها و بینش‌های مردم، در زمینه‌های گوناگون مذهبی ایفا می‌کنند. این کارکرد به دو شیوه اجرا می‌شود:

نخست شیوه‌ی سنتی که ضمن برنامه‌های وعظ و خطابه و عزاداری، جلسات قرآن و نظایر آن معارف و احکام واخلاق اسلامی نیز تعلیم داده می‌شود.

دوم: شیوه‌ی جدید که ارتقای بینش‌های مذهبی از طریق تشکیل کلاس‌های معارف و طرح سلسله مباحث منظم در باره‌ی موضوعات متنوع اسلامی، تشکیل گروه‌های پژوهشی، تأسیس کتابخانه و نوارخانه، برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌های کتاب و جز آن صورت می‌گیرد. در شیوه‌ی دوم مخاطبان عمدتاً از قشر جوان هستند و اجرای آن در مقایسه با شیوه‌ی اول، مستلزم تلاش‌های بیشتری، هم از جانب مجریان و هم از جانب مخاطبان است و رواج شیوه‌ی

دوم، به دوره‌ای مربوط می‌شود که از یک سو عده‌ای چشم‌گیری از جوانان متعلق به خانواده‌های مذهبی وارد دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها شدند و از سوی دیگر اشاعه‌ی بینش‌های سیاسی و اجتماعی در محافل مذهبی، موجب شده بود که متفکران مذهبی حوزه و دانشگاه، اسلام را دینی زنده و حیات بخش معرفی کنند.

طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی مسلمان در چنان شرایطی می‌توانست با سربلندی و افتخار، خود را وابسته و معتقد به اسلام معرفی کند و پیوسته در جست و جوی زوایای کم‌تر شناخته شده‌ی این مکتب باشد. این طبقه در چنین فضایی، مساجد وکتابخانه‌های آن را محیط مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی تشخیص داد. در این دوره علاقه وگرایش جوانان به مطالعه و پژوهش دربارهٔ مسائل عقیدتی، اخلاقی، تفسیر، سیره و تاریخ اسلام، مناظرات میان ادیان و مذاهب و مکاتب و به ویژه مسائل اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی از دیدگاه اسلام پیوسته رو به تزاید بود. این حرکت فرهنگی که حدوداً از سال‌های آخر دهه‌ی چهل شمسی آغاز شد، در مساجدی که امامان جماعت آن‌ها از چهره‌های برجسته‌ی فرهنگی به شمار می‌آمدند، نمایان‌تر بود این شور و اشتیاق در اوایل پیروزی انقلاب نیز به شکلی گسترده مشاهده می‌شد.

۴ ـ کارکرد اقتصادی و رفاهی

مساجد درکنارکارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی، متناسب با شرایط هر دوره و در حد توان خود، خدمات اقتصادی و رفاهی نیز داشته‌اند. این خدمات هم به علت آن که وظیفه‌ای دینی و اخلاقی در جهت حل مشکلات مردم محسوب می‌شد و هم از آن روکه وسیله‌ای برای جذب بیشتر افراد از جمله جوانان و نوجوانان به مساجد به شمار می‌آمده‌اند، صورت می‌گرفته است. بعضی از خدمات مذکور شکل دائمی و مستمر داشته‌اند، مانند فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، تأسیس درمانگاه‌های خیریه، تأسیس شرکت‌های تعاونی محلی یا اجرای برنامه‌های تفریحی و ورزشی و تشکیل کلاس‌های هنری برای جوانان، اما بعضی از این خدمات به سبب نیازهای مقطعی به صورت موقت عرضه شده‌اند.

در کنار خدمات و کارکردهای رفاهی مذکور که گردانندگان مساجد آن را آگاهانه و برنامه‌ریزی شده عرضه می‌کرده‌اند، مساجد، کارکردهای رفاهی دیگری نیز داشته‌اند که لزوماً آگاهانه و برنامه‌ریزی شده نبوده‌اند. چنین کارکردهایی را معمولاً کارکردهای پنهان می‌نامند. مثلاً مساجد در ارضای نیاز تعلّق (Relatedness need) یا نیاز به مورد علاقه و تأیید و احترام دیگران بودن، کارکرد نیکویی دارند. کسانی که در مساجد جمع می‌شوند نوع خاص از گروه را تشکیل می‌دهند که از جهت عقیده و مسلک و ارزش‌ها و گرایش‌ها با هم مشترک‌اند و میان آنها همبستگی وجود دارد، پس فردی که در مسجد حاضر می‌شود خود را در میان جمعی می‌بیند که «خودی» هستند؛ و رفتار و حرکات‌شان حاکی از علاقه، تأیید و احترام آنان به ایشان است؛ به همین جهت، نوعی رضای خاطر در خود احساس می‌کند و از همین روست که گفته می‌شود مساجد در ارضای نیاز تعلق، نقشی مهم ایفا می‌کنند.

«مالینوفسکی» این‌گونه نیازها را که نتیجه‌ی تلاش‌ها، تجربه ها و آگاهی‌های فزایندهٔ بشری و توسعه‌ی زندگی اجتماعی است، «نیازهای ثانوی فرهنگی» می‌نامد، که برخلاف محدودیت نیازهای اولیه، این دسته از نیازها بسیار متعدد و متنوع و پیوسته در حال رشد هستند. یعنی دقیقاً به موازات تحولات اجتماعی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره این‌گونه نیازها هم ایجاد می‌شوند و توسعه می‌یابند.

تبیین پدیده‌ها براساس نیازها باید تحت ضوابط و شرایطی ویژه صورت گیرد. باید توجه کرد که پدیده‌های مورد تبیین ممکن است از نوع رفتار و شیوهٔ عمل یا از نوع سازمان و مؤسسه باشد، در هر دو مورد باید ببینیم که آن شیوهٔ عمل یا آن سازمان، به چه نیازهایی پاسخ می‌دهد، به عبارت دیگر، وجود چه نیازهایی در رواج آن شیوه‌ی عمل یا در پیدایی و بقای آن سازمان یا جایگاه مؤثر بوده است.

در این جا صراحتاً می‌توان گفت که ما منکر این نیستیم که بعضی از پدیده‌های اجتماعی، نیازهای خاصی را پاسخ می‌دهند، بدون این که عاملان و افراد مشارکت کنند. نیاز مذکور را احساس می‌کنند، بدون آنکه به‌گونه‌ای آگاهانه در ایجاد یا بقای آن پدیده مشارکت داشته باشند بر عکس، معتقدیم که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی کارکردهای مفیدی دارند که نمی‌توان کارکردها را به انگیزه‌ی آگاهانه‌ی مشارکت‌کنندگان نسبت داد.

علل کاهش حضور مردم در مساجد

در تبیین پدیده‌ی کاهش حضور مردم در مساجد، از یک سو با کارکردهای مسجد به مثابه سازمانی اجتماعی مواجه‌ایم و از سوی دیگر با انسان‌های کنش‌گری که با توجه به نیازهای خود درباره‌ی حضور یا غیبت در مسجد تصمیم می‌گیرند.

بر این مبنا کاهش حضور مردم در مسجد را به سه عامل کلی می‌توان مربوط دانست:

۱) مقطعی بودن بعضی از نیازهایی که مسجد در دوره‌ی رونق خود پاسخ‌گوی آن‌ها بوده است.

۲) تغییر در تعادل نیازی یا ارزشی مردم به گونه‌ای که در برابر نیازهای متعالی و جمعی که مسجد عهده‌دار پاسخ‌گویی به آن‌ها بوده است، احساس کمبود نمی‌کرده‌اند.

۳) ترجیح مردم به ارضای نیازهای فرهنگی، معنوی، سیاسی و رفاهی خود به طریقی غیر از حضور در مسجد به علت. توانایی‌های مسجد یا پیدایی نهادها و سازمان‌های جایگزین.

با توجه به جایگاه خطیر مسجد در طول تاریخ اسلام و نقش ویژه‌ی آن در انقلاب، کیفیت و کمیت حضور مردم در مساجد، از دیدگاه مسئولان نظام اسلامی و به‌طور کلی هر انسان متعهد و وفادار به اسلام و انقلاب، مسئله‌ای بسیار اساسی تلقی می‌شود. آن چه انتظار می‌رود این است که جوانان حضوری فعال، انبوه و متراکم در مساجد و فعالیت‌های متنوع آن داشته باشند. اما مشاهدات تجربی، اظهارات گردانندگان امور مساجد و مصاحبه‌های اکتشافی اولیه با تنی چند از مردم عادی و بعضی از افراد فعال در مساجد نشان داد که حضور مردم در مساجد، در قیاس با سال‌های شکل‌گیری انقلاب (۵۷ ـ ۵۶) و نیز سال‌های پس از پیروزی انقلاب (۶۰ ـ ۵۸) کاهش یافته است.

بنابراین فعال یا غیرفعال بودن مساجد، هم به کارکردهایی که این سازمان در روند فعالیت تاریخی خود بر عهده داشته بستگی دارد و هم به انتخاب‌ها و ترجیحات مردم و مبنای ارزشی آن انتخاب‌ها و ترجیحات.

الگوی نظری دیدگاه مالینوفسکی براین اساس استوار است که پدیده‌های اجتماعی باید به اعتبار نیازهای زیستی فردی و نیازهای ثانوی فرهنگی تبیین شوند.[۱]

منظور از نیازهای زیستی فردی، نیازهای اولیه‌ای است که خاستگاه آن‌ها، ویژگی‌های طبیعی انسان و ترکیبات خاص جسمی و روحی اوست. مانند نیاز به آب، غذا، امنیت، احترام، نیازهای جنسی و غیره بشر برای تامین این نیازها از بدو خلقت تاکنون همواره تلاش کرده و با استفاده از نیروی فکر و تخیل، پیوسته در پی راه‌هایی برای ارضای بهتر و آسان‌تر این نیازها بوده است اما خود این تلاش‌ها و تجربه‌های جمعی برای کشف ابزارها و شیوه‌های نوعی زندگی، به خلق نیازهای جدید نیز منجر شده‌اند.

جامعه و تعادل نیازی

تعادل نیازی در هر فرد بر مبنای تجارب و رویدادهای ویژه‌ی زندگی او و نیز متأثر از محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار دارد، شکل می‌گیرد و متحول می‌شود. تغییر در تعادل نیازی به آرامی صورت می‌گیرد، به همین علت می‌توان ثبات نسبی را در آن مشاهده نمود. آن چه در این بحث مورد نظر است، آن دسته از عوامل اجتماعی است که بر تعادل نیازی اثر می‌گذارد و تغییراتی در آن پدید می‌آورد.

در هر جامعه نهادهای اجتماعی کننده‌ای مانند خانواده، مدرسه محیط‌های شغلی رسانه‌های جمعی و نظر آن فعال‌اند وجود دارند که از طریق آگاه‌سازی و تبلیغ یا مجازات و تشویق، تعادل نیازی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و رتبه و جایگاه هر یک از نیازها یا ارزش‌ها راکه در جهت آن از نظر این نهادها مطلوب است، دگرگون می‌کنند. همچنین عملکرد نخبگان جامعه و گروه‌های مرجع در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، نمایشی از تعادل نیازی آنهاست و از آن جاکه سایر طبقات تا حد زیادی متأثر از این طبقه هستند، در این زمینه نیز تحت تأثیر واقع می‌شوند. به علاوه ساخت عینی جامعه، یعنی شرایط و موقعیت‌های گوناگون اجتماعی نیز امکان دارد که بر تعادل نیازی مؤثر باشد پدیده‌های اجتماعی، به تحول در نیازها و تحول نیازها به ساخت عینی یا ذهنی جامعه ارجاع می‌گردد.

---

۱ . باتومور: ۳۱.

مقطعی بودن بعضی از نیازها و کارکردها در دوره دوم

می‌توان گفت که کاهش حضور مردم در مساجد تا اندازه‌ای به این علت بوده است که در دوره‌های خاصی، مساجد پاسخ‌گوی نیازهایی بوده‌اند که اکنون یا آن نیازها رفع شده‌اند یا میزان آن‌ها کاهش یافته است. وقتی یک پدیده معلول نیاز معینی باشد، با از میان رفتن آن علت پدیده‌ی منبعث از آن نیز از میان خواهد رفت.

اندکی پس از پیروزی انقلاب توطئه‌های عظیمی به صورت فعالیت‌های سیاسی و گاه درگیری های مسلحانه برضد انقلاب شکل گرفت. حساس‌ترین و پر خطرترین این دسیسه‌ها تجاوز عراق به ایران و اشغال بخشی از مناطق مرزی بود. این توطئه چینی‌ها که احتمال داشت اساس انقلاب را به خطر اندازد، برای مردم فداکاری که در راه پیشرد انقلاب ایثارگری‌ها و جانفشانی‌ها کرده بودند ضرورتی مقطعی و نیاز جمعی فوری پدید آورد: دفع و سرکوبی این توطئه‌ها و پاسداری از دست آوردهای انقلاب» در این جا نیز مساجد، پایگاه بزرگ دینی و مردمی برای چنین تلاش مقدسی بودند.

از جمله کارکردهای مقطعی مساجد، برقراری امنیت و آرامش روانی در مواقع خطیر و بحرانی بود. حضور مردم در مساجد در روزهای اوج انقلاب و چه در دوره‌های بحرانی پس از آن[1] فقط به منظور پیشبرد یا حفظ انقلاب نبود، بل این حضور یا بخشی از انگیزه‌های این حضور با کارکرد مساجد در برقراری تعادل روانی و ارضای نیاز به امنیت نیز ارتباط داشت. افزایش حضور در مساجد به هنگام بحران‌ها و آشفتگی‌های سیاسی در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است؛ از جمله در باره‌ی پاکستان گفته شده است که «حضور مردم در مساجد برای برپایی نمازهای روزانه در زمان جنگ با هند در سال ۱۹۶۵ م به دو برابر رسیده است».[2] با سپری شدن دوره‌های خطر و بحران و بی‌ثباتی، این کارکرد مساجد و انگیزه‌های مرتبط با آن نیز منتفی شد.

---

۱ . دورهٔ جنگ و موشک باران و فعالیت تروریستی گروهک‌ها.

۲ . اطلاعات ۱۳۶۶/۹/۲ .

تغییر در تعادل نیازی

اگر مساجد بتوانند پاسخ‌گوی بعضی از نیازهای مردم باشند، اما آن نیازها در تعادل نیازی مردم جایگاهی مهم نداشته باشد، ایفای آن کارکرد، اثر مهمی در استقبال و حضور مردم نخواهد داشت. به نظر می‌رسد که بخشی از علل کاهش حضور مردم در مساجد را می‌توان از این زاویه مشاهده کرد. پیش‌تر گفته شد که کارکردهای معنوی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و رفاهی مساجد، پاسخ‌گوی نیازهای متعالی، جمعی و رفاهی بوده است. بحث کنونی ما به کارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی مساجد که پاسخ‌گوی نیازهای متعادلی و جمعی هستند، اختصاص دارد.

اگر در دوره‌ی رکود، شاهد کاهش نسبی حضور مردم در مساجد بوده‌ایم، بخشی از علل این پدیده را باید در کاهش اهمیت نسبی نیازهای متعالی و جمعی در تعادل نیازی یا تعادل ارزشی عده‌ای از افراد جست‌وجو کنیم. از نظر این‌گونه افراد فعالیت‌های معطوف به اهداف رفاهی، نظیر اشتغال به کاری درآمدزا، رفتن به گردش و تفریح و شب‌نشینی، مشاهده‌ی برنامه‌های جذاب تلویزیون ویدئو و سینما در مقایسه با کنش‌هایی مانند شرکت در نماز جماعت، گوش دادن به سخنرانی با مضمون اخلاقی یا اعتقادی، مراودت با نیاکان یا شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مساجد، با ارزش‌تر تلقی می‌شده است.

این عوامل به خارج از حیطه‌ی مسجد مربوط می‌شود و در واقع، تأثیر جامعه‌ی کل را بر تعادل نیازی و ارزشی افراد و سپس بر میزان حضور آن‌ها در مساجد آشکار می‌سازد.

فاصله واقعیت‌ها و آرمان‌ها

اگر پس از پیروزی اولیه انقلاب، جامعه همچنان به‌گونه‌ای محسوس به سوی هدف‌ها و آرمان‌های از قبل تعیین شده پیش می‌رفت، نشان از دلبستگی و اشتیاق مردم به اهداف و آرمان‌های مذکور با همان شدت و قوت روزهای نخستین داشت، اشتیاقی که موجب می‌شد برای تحقق اهداف جمعی از اهداف رفاهی خود چشم بپوشند، اما به موازات دور شدن واقعیت‌های جامعه از آن اهداف و آرمان‌ها بدیهی است که علاقه و اعتقاد مردم نیز به آن اهداف وایده‌آل‌ها به تدریج کاهش خواهد یافت و علایق رفاهی به جای آن‌ها تقویت گردد.

انتظار مردم پس از آن همه تلاش‌ها و ایثارگری‌ها این بود که با پیروزی انقلاب معیارها، ارزش‌ها، شعائر و سایر مظاهر اسلامی در کلمه ارکان و اجزای حکومت و به‌طور کلی در سطح جامعه حاکم گردد. آن‌ها آرزو داشتند که در جامعه‌ی پس از انقلاب، مواردی از قبیل ظلم و حق کشی و فساد اخلاقی و نظایر آن، ریشه‌کن شود یا به‌کم‌ترین حد ممکن تنزل یابد و جامعه‌ی انقلابی با مصون ماندن از آفت‌های مذکور، به سوی رشد و شکوفایی و توسعه‌ی همه جانبه حرکت کند و نمونه‌ی مطلوبی از جامعه‌ی سالم و مترقی را در معرض دید توده‌های مسلمان سراسر دنیا قرار دهد.

اگرچه اقدامات اصلاحی بسیاری صورت گرفت، اما به تدریج مواردی از نابسامانی‌ها و انحرافات مذکور در جامعه ظاهر شد و نهایتاً آن چه تحقق یافت با انتظارات مردم، فاصله‌ی چشم‌گیری داشت.

در شرایطی که افراد به اهداف و نیازهای جمعی علاقه و کششی ندارند، هیچ یک از فعالیت‌های مسجد که در جهت ایفای کارکرد سیاسی خویش و حفاظت از انقلاب و پیشبرد اهداف نظام انجام می‌دهد، نظیر برپایی جلسات سخنرانی، مناظره، میزگرد، پاسخ به پرسش‌های مردم با شرکت مسؤولان، تشکیل شوراهای محلی جهت انعکاس معضلات مردم و پی‌گیری روند آن فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی، تأثیری فراوان بر جلب آنها به سوی مسجد و حضور در آن نخواهد داشت.

فقر و افزایش سطح انتظار از زندگی

افرادی که در تهیه‌ی حداقل امکانات زندگی به هر علتی با مشکل مواجه هستند، معمولاً همه‌ی ظرفیت و توان خود را در امور معیشتی به‌کار می‌گیرند و حتی گاه ناگزیرند دو یا سه شغل داشته باشند. از آن جاکه بخش اعظم نگرانی و دل مشغولی این افراد معطوف به نیازهای رفاهی است، اعتنای کمتری به نیازهای متعالی و جمعی نشان می‌دهند. البته این سخن هرگز به این معنا نیست که همه‌ی افرادی که در شرایط فقر و تنگدستی به سر می‌برند، علاقه‌ی خود را به ارزش‌های متعالی و جمعی از دست می‌دهند، بل تأکید بر این نکته است که حتی در شرایط فقر و تنگدستی

نیز می‌توان با تمهیدات اجرایی و تبلیغی خاص، تعادل نیازی افراد را به‌طور نسبی حفظ کرد و مانع از بی‌توجهی آنها به نیازهای متعالی و جمعی شد.

البته عامل دیگری که مانع از دلبستگی به ارزش‌ها و نیازهای متعالی و جمعی است، افزایش سطح انتظار مردم از زندگی است. به عبارت دیگر، گاه افراد به رغم نداشتن مشکلات معیشتی، صرفاً به علت بالا بودن سطح انتظاراتشان از زندگی، همه‌ی نیرو و تلاش خود را برای دست‌یابی به سطح مطلوب زندگی از نظر خویش به کار می‌برند.

بالا رفتن سطح انتظار اگرچه با مسئله‌ی فقر متفاوت است، اما از این جهت که افکار، علایق و تلاش‌های انسان را عمدتاً به نیازهای رفاهی معطوف می‌کند و انگیزه‌های متعالی و جمعی را به سود انگیزه‌های رفاهی ضعیف می‌نماید، تفاوتی با پدیده‌ی فقر ندارد.

کم‌تحرکی نهادهای فرهنگی و تبلیغی به موازات افزایش هجوم فرهنگی

پدیده‌های دیگری مانند هجوم فرهنگی بیگانگان و نارسایی‌های موجود در عملکرد نهادهای فرهنگی و تبلیغی نیز در تغییر تعادل نیازی و ارزشی افراد مؤثر بوده است. از جمله هدف‌های مهم هجوم فرهنگی که به شیوه‌های متنوع پی‌گیری و اجرا می‌شود، تضعیف ارزش‌های متعالی و جمعی و تقویت انگیزه‌ها و ارزش‌های رفاهی است؛ چرا که ارزش‌های متعالی و جمعی از عواملی اساسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استمرار آن تاکنون بوده است.

انتظار این بوده است که نهادهای تبلیغی و فرهنگی با به‌کارگیری کارشناسان متخصص و متعهد و بهره‌گیری از دست‌آوردهای برخی از رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی ارتباطات و اتخاذ شیوه‌های علمی و کارآمد تبلیغی و فرهنگی، تعادل نیازی مردم را به سمتی هدایت کنند که نیازهای متعادلی و جمعی تقویت گردد.

تغییر در شیوه‌ی ارضای نیازها

دگرگونی در شیوه‌ی ارضای نیازهایی که مسجد عهده دار آن بوده است و تمایل مردم به این که همه یا بخشی از آن نیازها را به طرق دیگری تأمین کنند، موجب کاهش حضور آن‌ها در مسجد خواهد بود که منشأ ترجیح مذکور دو چیز است:

ـ پیدایی سازمان‌های جایگزین

اندکی پس از پیروزی انقلاب، در جامعه‌ی ما به تدریج نهادها، سازمان‌ها و مراکزی پدید آمدند که به تدریج جانشین مسجد در ایفای بعضی از وظایف و کارکردهای آن شدند. از آنجا که با ایجاد و شکل‌گیری این سازمان‌ها و مراکز رفته‌رفته کارکردهای مسجد، که خود عاملی مؤثر برای حضور جوانان در این مکان بود، کاهش یافت.

تأسیس مراکزی مانند دفاتر و سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه‌های جدید علوم دینی و راه‌اندازی نشریات مذهبی جدید، نهادها و مراکز فرهنگی دیگری از قبیل مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات نیز با تغییراتی که در اهداف، برنامه‌ها و شرح وظایف آن‌ها پدید آمده بود، نقشی مؤثر در ارتقای فرهنگ مذهبی برعهده گرفتند. این نهادها و مراکز که در سطح ملی یا منطقه‌ای فعالیت می‌کردند، در قیاس با مساجد که قلمرو فعالیت‌شان عمدتاً به یک محله محدود می‌شد ـ از امکانات و مزایای بیشتر و به ویژه از توان بالاتری جهت جذب نیروهای فرهنگی کار آمد برخوردار بودند؛ لذا بسیاری از افرادی که به فراگیری و پژوهش در معارف دینی علاقه داشتند و پیش از آن، عمدتاً مسجد پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی آن‌ها بود، ترجیح دادند که همه یا بخشی از نیازهای خود را از طریق مراکز یاد شده تأمین نمایند.

در مجموع می‌توان گفت با توجه به این که کنش‌های انسان را غالباً انگیزه‌های متعددی حمایت می‌کنند که از جهت اهمیت و قدرت برانگیزندگی با هم متفاوت‌اند، در صورت ضعیف شدن یک یا چند انگیزه، تمایل به اجرای آن کنش کاهش خواهد یافت. کنش حضور در مسجد نیز از همین قاعده پیروی می‌کند، یعنی با سازمان های جانشین و انتقال کارکردهای فرهنگی، سیاسی و رفاهی مساجد به آن‌ها تمایل افراد برای حضور در مسجد کاهش می‌یابد.

علل کاهش توان کارکردی مسجد و رفع آن

کاهش توان کارکردی مساجد در جامعه ما عمدتاً ناشی از این مسئله بوده است که مسؤولان و کارگزاران بسیاری از مساجد و به ویژه ائمه جماعات از توانایی‌ها و شایستگی‌هایی که لازمه‌ی ایفای مسؤولیتشان بوده است، در حد مطلوب برخوردار نبوده‌اند.

یکی از شرایط بسیار ضروری جهت ایفای مطلوب کارکردهای معنوی، فرهنگی و سیاسی در مسجد، آگاهی به مقتضیات زمان است. کشف نیازها و مقتضیات هر زمان، فقط در پرتو هوشمندی و درگیری نزدیک با واقعیت‌های زندگی و آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی طبقات گوناگون به ویژه طبقه‌ی جوان و تحصیل کرده حاصل می‌شود. با اجرای سخنرانی‌ها و برنامه‌های یکنواخت و فاقد نوآوری، نمی‌توان نیازهای فرهنگی و فکری مخاطبان را اشباع نمود، بل باید به نیازها و علایق متنوع مخاطبان و پرسش‌ها و ابهامات مذهبی که در اذهان آن‌ها جوانه می‌زند به دقت توجه کرد. در دوره‌ی اخیر طبقات تحصیل کرده‌ی مذهبی بیش از سایر طبقات با پرسش‌های جدید رو به رو بوده‌اند که متأسفانه تاکنون مراکز دینی از جمله مساجد تلاش جدی و مناسبی برای پاسخ‌گویی اصولی به پرسش‌ها و ابهامات مذکور از خود نشان نداده‌اند. بسیاری از گردانندگان مساجد، توانایی و شرایط کافی برای ایفای کارکرد سیاسی مسجد ندارند. در صورتی که مسجد می‌تواند با آگاه ساختن جوانان در هر زمینه و دخیل کردن آنان در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و برقراری پل ارتباطی میان مردم و مسؤولان، گام‌هایی مفید به منظور حل مشکلات مذکور بردارد، اما ایفای چنین کارکردی مستلزم وجود افرادی است که مشکلات و اولویت‌های دوره خویش، موقعیت سیاسی و اجتماعی جامعه، شیوه‌های آگاه‌سازی مردم و جلب همکاری ایشان را به خوبی بشناسند. اما در حال حاضر شمار بسیار محدودی از کارگزاران مسجد چنین ویژگی‌هایی دارند.

نبود سعه‌ی صدر، بلند نظری و جامعه‌نگری در میان بسیاری از کارگزاران مساجد از جمله دیگر عوامل موثر در کاهش توان کارکردی مسجد است. مسئولان مساجد به ویژه ائمه‌ی جماعت، جهت توفیق هر چه بیشتر باید با مخاطبان خود از جمله جوانان رفتاری احترام‌آمیز و بزرگوارانه داشته باشند و از هرگونه رفتار تند و تحقیرآمیز خصوصاً با جوانان پرهیز کنند. همچنین مسجد باید پذیرای متدین و متعهد پویا و آشنا با سلیقه‌های فکری و احیاناً گرایش‌های سیاسی جوراجور باشد. کارگزاران مسجد باید از دامن زدن به اختلافاتی که میان گروه‌ها و جناح معتقد به اسلام و نظام بروز می‌کند و ایجاد هرگونه درگیری و تشنج به این علت که

موجب هرز رفتن نیروها و امکانات و جلوگیری از اقدامات سازنده می‌شود، تا آن جاکه امکان دارد پرهیز کنند. اما متأسفانه آنچه از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون شاهد بوده‌ایم، بعضی رفتارهای خشونت بار و تحقیرآمیز همراه با تنگ نظری‌ها، گروه بازی‌ها و بی‌درایتی‌ها بوده که سبب رانده شدن برخی از عوامل متعهد و ایجاد تنش و ستیزه و نهایتاً تضعیف توان کارکردی مسجد شده است.

به علاوه برخی عملکردهای نامناسب و رفتارهای حاکی از نداشتن صداقت، ناخالصی و بی‌تقوایی عده‌ای از گردانندگان مسجد و یا کسانی که مسجدی شناخته می‌شوند، موجب شده تا به ارزش معنوی مسجد آسیب وارد آید و کفایت و صلاحیت آن نهاد در ایفای مسؤولیت‌هایی که برعهده دارد؛ مورد تردید واقع شود و مردم از جمله جوانان حتی اگر انگیزه و علایق معنوی و فرهنگی داشته باشند، تمایلی به حضور در مسجد از خود نشان ندهند و این‌گونه نیازها را به‌طور انفرادی یا از طریق سازمان‌های جانشین ارضا کنند.

ویژگی‌های مسجد نمونه

الف) ویژگی‌های عبادی مسجد نمونه برترین و اصیل‌ترین محفل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال.

ب) ویژگی‌های تربیتی مسجد نمونه ـ مسجدگرد ملال و اندوه را از چهره‌ی جان بزداید ـ و شادمانی، نشاط و تکامل روحی را جانشین آن کند.

ج) ویژگی‌های فرهنگی ـ آموزشی مسجد نمونه ـ پیش از پیدایش مدارس، مسجد یگانه مرکز مهم آموزش فرهنگ در کشورهای اسلامی بوده است.

د) ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی مسجد نمونه مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای موضع است.

نکاتی چند در باره‌ی ابعاد فرهنگی مسجد نمونه

مسجد، کانون رایزنی و مشورت ـ مشورت و مراجعه به آرای عمومی در مسائل اجتماعی، نقشی به سزا در تکامل جامعه دارد و در جایگاه اصیل خویش محل رایزنی‌های سیاسی اجتماعی است.

مسجد و تعاون اجتماعی: برپایی نماز جماعت در مساجد همکاری وتعاون مسلمانان با تقوا برشمرده شده است.

مسجد و احیای ارزش‌ها: در مسجد منحصراً ارزش‌های حقیقی مطرح است (ایثار، تقوا و جز آن).

مسجد و وحدت اجتماعی: مسجد عامل اساسی سلامت و بقای اصیل وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌کند.

مسجد و پاسداری از عدالت: مسجد اصیل‌ترین عاملی است که باید به زیور عدالت آراسته باشد.

مسجد و حکومت: مسجد همواره با حکومت‌های ناصالح و فاسد در ستیز و مبارزه بوده است.

مسجد و امر به معروف و نهی از منکر: مسجد پایگاه جوانمردی است و در برابر تعرض به مقدسات دینی بر می‌آشوبد و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کند.

نتیجه‌گیری

عوامل مؤثر بر کاهش حضور در مساجد، تحت سه عنوان کلی: مقطعی بودن بعضی از نیازها، تغییر در تعادل نیازی و تغییر در شیوه‌ی ارضای نیازها بررسی شد، عامل نخست یعنی مقطعی بودن نیازها اشاره به اختصاص آن‌ها به دوره‌ای معین دارد واین که نمی‌توان و نباید آن‌ها را به همان شکل سابق احیا کرد. همچنین بیانگر تأثیر نیازهای ایجاد شده بر رونق مسجد به مثابه مناسب‌ترین سازمانی است که می‌توانسته آن نیازها را پاسخگو باشد. بنابراین، بخشی از پدیدهٔ کاهش حضور مردم در مساجد عادی و بدیهی است و از آن گریزی نیست.

عامل دوم یعنی تغییر در تعادل نیازی و تفوق نیازهای رفاهی بر نیازهای جمعی و متعالی خود متأثر از متغیرهای کلان دیگری است که به جامعه‌ی کل مربوط می‌شود مانند فاصله‌ی واقعیت‌های جامعه با آرمان‌های پیشین مردم، فقر و افزایش سطح انتظار مردم از زندگی، و نهایتاً کم‌تحرکی نهادهای تبلیغی و ارشادی در تنظیم تعادل نیازی. این عامل نه فقط برکاهش حضور مردم در مساجد مؤثر بوده، بل بسیاری از جنبه‌های مهم حیات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها را دستخوش تخریب کرده است؛ لذا ضروری است با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیازی و ارزشی مردم می‌شوند، جهت‌گیری این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها وارزش‌های جمعی و متعالی تغییر دهیم.

عامل سوم یعنی تغییر در شیوه‌ی ارضای نیازهای ناشی از پیدایی سازمان‌های جانشین وکاهش توان‌کارکردی مسجد و در نتیجه افزایش تمایل مردم به تأمین نیازهای جمعی و متعالی به شیوه‌ای غیر از حضور در مسجد است.

آن بخش از کاهش حضور مردم در مساجد که به پیدایی سازمان‌های جانشین مربوط می‌شود، بازتاب فرآیندی عادی است که همراه با پیچیده‌تر شدن جوامع بروز می‌کند و موجبات هیچ‌گونه نگرانی را درباره‌ی این که چرا مردم نیازهای غیررفاهی خود را از طریق دیگری تأمین می‌کنند، فراهم نمی‌آورد. لذا نباید به منظور افزایش حضور مردم در مساجد، سازمان‌های جانشین مانند مطبوعات، صدا و سیما، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و نظایر آن را تضعیف نمود. اما بخشی از کاهش حضور مردم در مساجد که به کاهش توان‌کارکردی مساجد ارتباط می‌یابد، حاکی از خلاها وکاستی‌هایی است که باید در پی رفع آنها بود. بدیهی است برای نیل به هدف، مساجد باید فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را ارتقا دهند و بر جاذبه‌های آن بیفزایند. تشریح موضوعات فرهنگی مرتبط با نیازهای عینی جامعه به کمک سخنرانان مذهبی، تمهید شرایط مناسب برای مطالعه، با برگزاری مناظره، میزگرد، سخنرانی و تشکیل کلاس‌های مناسب جهت بهره‌مندی مخاطبان عام و خاص و غیره فعالیت‌هایی است که برتوان کارکردی مسجد می‌افزاید.

افزودن جاذبه‌ی مسجد با توسل به شیوه‌هایی چون برگزاری کلاس‌های هنری و علمی، تأسیس مکان‌های مناسب ورزشی، تنظیم برنامه‌های ویژه‌ی کوهنوردی و شنا، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و تئاتر تأسیس مهدکودک در ساعات فعالیت مسجد، مراعات دقیق نظافت در مسجد و امثال آن ممکن خواهد بود، البته مؤثرترین عامل در افزایش توان کارکردی مسجد، یاری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، با خلوص، فعال، خوش رفتار، متواضع، دارای سعهٔ صدر و توانمند در برقراری ارتباط صمیمی با طبقات جامعه و آشنا به شیوه‌های مؤثر تبلیغ است.

نکته‌ی مهم در تقویت توان کارکردی مساجد، تمرکز بر ایفای آن دسته از کارکردهایی است که از عهده‌ی سازمان‌های رقیب برنمی‌آید. برای مثال: رسانه‌های مکتوب و تصویری به رغم پوشش فراگیری که دارند، نمی‌توانند ارتباط چهره به چهره با مخاطبان خود برقرار کنند؛ اما مساجد با برخورداری از این امتیاز می‌توانند کارکردهای منحصر به فرد و رقابت ناپذیر به ویژه در زمینه‌های تربیتی، داشته باشند.

برای این که مسجد در قالب نهادی مهم و اجتماعی همیشه پایدار باشد باید از ابعاد گوناگون مانند امکانات کتابخانه‌ای و سالن مطالعه، سطح سواد و اطلاعات علمی امام جماعت و وضع بهداشت مسجد و امکاناتی مانند اینترنت و رایانه مجهز باشند تا بتوانند پاسخ‌گوی نسل جوان که حدوداً ۷۰ درصد جمعیت و زیر ۳۰ سال هستند پاسخ‌گو باشد و در نتیجه موجب حفظ دوام و بقای این نهاد گردد و نگرش مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد را از ابعاد گوناگون افزایش دهد.

در پایان باید گفت: مساجد بیش از پیش به نقش آفرینی و تحول‌سازی در سطوح جامعه، در ادوار گذشته پرداخته است که هر قدر این فعالیت‌ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، از زمینه‌ی جذابیت و اقبال بیشتری برخوردار خواهد بود و با استقبال گسترده‌تری از سوی کلیه‌ی گروه‌های جامعه به‌ویژه جوان و نوجوان روبرو خواهد بود.

فهرست منابع

۱ ـ نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، انتشارات ستاد اقامه نماز ۱۳۷۵ ش .

۲ ـ موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، جلد اول، انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .

۳ ـ موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، جلد دوم انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .

۴ ـ موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، جلد سوم، انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .

۵ ـ مکی السباعی، محمد، «مترجم: شکوهی، علی» نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، گروه انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۳ ش .

۶ ـ «فصلنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی و هنری» دارالارشاد اردبیل، بهار ۱۳۸۴ ش .

۷ ـ «فصلنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی و هنری» دارالارشاد اردبیل، تابستان ۱۳۸۳ ش .

۸ ـ بهشتی، محمود سلامتی تن و روان، انتشارات پارسایان، ۱۳۷۹ ش .

خاطراتی از
معصومین علیهم‌السلام و مسجد

▣ علی مختاری

▣ چکیده

در این مقاله جلوه‌هایی از اتفاقات و مواردی که برای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حضرت فاطمه علیهاالسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام رخ داده منعکس شده است که البته هر خاطره در بردارنده‌ی پیام یا پیام‌هایی نیکوست. در فصل نخست مقاله، خاطراتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و در فصل دوم آن خاطراتی از معصومین علیهم‌السلام درج شده است.

مقدمه

در این مقاله جلوه‌هایی از خاطراتی که برای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فاطمه زهرا علیهاالسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام رخ داده است، منعکس می‌شود، بدیهی است که نقش کلیه‌ی ماجراها و حوادث، بخشی گسترده از معارف اسلامی را با مجلّداتی چند شامل خواهد شد. از این رو به جلوه‌هایی از خاطرات بسنده شده است.

مزایای مقاله

۱ . آنچه آمده برگرفته از آیات و روایات شریف است.

۲ . هر داستانی پیام یا پیام‌هایی دارد و نشان دهندهٔ اوضاع و احوال سیاسی آن مقطع و همان مکانی است که اتفاق افتاده است، البته ما تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری‌ها را به خوانندگان محترم وانهاده‌ایم.

۳ . مخاطبان مقاله اگر از وعاظ و امامان جماعت مساجد باشند می‌توانند از این قصه‌ها به مناسبت‌های گوناگون، مثل میلادها و شهادت‌ها بهره‌برداری کنند.

از آن جاکه این نوشتار از طرح مباحث علمی و فلسفی خالی و به داستان‌های کوتاه واقعی پرداخته است، برای سایر خوانندگان نیز إن شاءالله پرجاذبه و شیرین خواهد بود.

۴ . چینش این نوشتار به ترتیب تاریخ زندگانی معصومان علیهم‌السلام است.

شایان ذکر است که به علت فارسی بودن مقاله، بیشتر ازکتاب‌های فارسی و به اصطلاح منابع متأخّر نقل شده است، زیرا ترجمه‌ی احادیث در منابع قدما، فرصتی بسیار می‌طلبد، گرچه منابع اوّلیه نیز در دسترس بود.

فصل او دربارهٔ‌ی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فصل دوم دربارهٔ‌ی سایر معصومین علیهم‌السلام است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تأسیس مسجد در مدینه

اشاره به چگونگی تأسیس مسجد در مدینه خالی از لطف نیست. لذا در این بخش به صورت مختصر به ساخت مسجد قبا و نحوهٔ‌ی ورود پیامبر به مدینه و تعیین زمین مسجد و مشارکت عمومی پیامبر و مردم در ساخت مسجد و نیز طرح بنای مسجد که در مناسبت کامل با روح اسلام بوده است، سخن به میان می‌آید.

مسجد قبا

﴿لمسجد أُسِّسَ على التقوى من أوّل يوم أحقّ أن تقومَ فيه فيه رجالُ

یحبّون أن یَتَطهّروا واللّهُ یحبّ المطهّرین﴾.[۱]

«همان مسجد که بنیانش از اول بـر پـایه‌ی تـقوا مـحکم بـنا گـردیده سزاوارتر است بر اینکه در آن اقامه‌ی نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نـفوس خـودند درآیـند و خـدا، مـردان پـاک مـهذب را دوست می‌دارد».

این آیه به نظر اکثر مفسران درباره‌ی مسجد قبا، یعنی همان مسجدی که پیامبراکرم پس از هجرت در نخستین روزهای ورود به حوالی مدینه آن را ساخت، نـازل شـده است البته برخی نیز بر این عقیده‌اندکه آیه درباره‌ی مسجد شریف نبوی است؛ مسجدی‌که اساس آن بر تقواگذاشته شده و در آن مردانی حضور می‌یابندکه خالصانه درصدد بندگی و تهذیب نفس هستند.

در باره‌ی ساخت این مسجد درکتب معتبر تاریخی چنین نقل شده است‌که:

«روز دوشنبه بودکه رسول خداﷺ به محله قبا وارد شد و تا روز جمعه در قبا در میان قـبیله بـنی‌عمرو بـن عـوف مـاند و در هـمان چـندن روز، مسجد قبا، یعنی نخستین مسجد اسلام را به دست خود بنا کرد».[۲]

مسعودی نیز در مروج الذهب با اشاره به تاریخ ورود پیامبر روایت مشابهی را نقل می‌کند و می‌نویسد:

«ورود پـیامبرﷺ بـه مـدینه روز دوشـنبه دوازدهـم ربـیع الاول بـود. وقتی به‌مدینه رسید در قبا بر سعد بن خیثمه فرود آمد و مسجد قبا را ساخت و روز دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در قبا بود و روز جـمعه چاشتگاه به راه افتاد».[۳]

---

۱. توبه / ۱۰۸.

۲. سیره‌ی ابن‌هشام: ج ۱، ص ۳۲۶.

۳. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر: ج ۱؛ ابوالقاسم پاینده، تهران علمی فرهنگی،۱۳۷۴ش،ص ۶۲۴؛ برای آگهی بیشتر: ر.ک: بحارالانوار: ج ۱۹، ص ۱۱۵؛ الکافی: ج ۸، ص ۳۳۸.

به این ترتیب اگر تاریخی راکه مسعودی نقل کرده است، بپذیریم، ساخت مسجد قبا در فاصله‌ی دوازدهم تا شانزدهم ربیع الاول سال اول هجری صورت گرفته است. با توجه به اینکه پیامبر برای رسیدن علی علیه‌السلام که در مکه مأمور بود باقی مانده و سپس حرکت کرده بود، چون می‌خواستند که با علی علیه‌السلام وارد مدینه شوند. پس از پیوستن ایشان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قبا به موجب برخی روایات، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد قبا را با یاری علی علیه‌السلام بناکردند.[۱]

ابن‌سعد می‌نویسد:

«چون قبله از بیت‌المقدس به کعبه تغییر پیدا کرد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به محل مسجد قبا آمد و دیوار آن را در همین محل که امروز قرار دارد، (زمان مؤلف) بنا نهاد و فرمود جبرئیل جهت قبله را برای من تعیین می‌کند.[۲] خود آن حضرت و یارانش برای ساختن آن مسجد سنگ حمل می‌کردند».[۳]

پس از این نیز پیامبراکرم در تمام دوران مدینه احترام و تکریم خاصی از مسجد قبا می‌فرمودند و پیوسته مسلمین را به حضور و نمازگزاردن در این مسجد تشویق می‌نمودند و می‌فرمودند:

«هر کس به این مسجد من که مسجد قباست، بیاید و در آنجا دو رکعت نماز بگزارد با برخورداری از ثواب عمره باز می‌گردد».[۴]

علاوه براین تشویق‌ها، پیامبر خود نیز دائماً در این مسجد حضور می‌یافت و در آن اقامه نماز می‌فرمود، به‌طوری که ابن‌سعد چنین نقل می‌کند که:

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هر روز شنبه پیاده به مسجد قبا می‌آمد».[۵]

---

۱ . تاریخ صدر اسلام: ص ۳۳۹ ، نقل از درآمدی بر جایگاه مسجد، در تمدن اسلامی: ص ۵۲ .

۲ . برای اطلاع از اعجاز پیامبر در قبله‌یابی بنگرید، علامه حسن‌زاده آملی، بنای مسجد مدینه و تعیین قبله آن به دستور پیامبراکرم، دو ماهنامه مسجد: ش ۴۹ ، ص ۸ .

۳ . طبقات الکبری: ج ۱ ، ص ۲۳۰ .

۴ . من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ، ص ۳۴۴ .

۵ . طبقات الکبری: ج ۱ ، ص ۲۳۰ .

این‌ها جملگی حاکی از منزلت و جایگاه ویژه‌ی مسجد قبا در نزد پیامبر بود. شاید بتوان گفت که این مسجد در مدینه پس از مسجدالنّبی در رتبه‌ی دوم اعتبار و اهمیت قرار داشته و دارد؛ مسجدی که به تعبیر قرآن کریم بنیان آن بر تقوای الهی بنا نهاده شده است.

ورود به مدینه و مأموریت ناقه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جمعه پس از چهار روز اقامت در قبا به همراهی علی بن ابی‌طالب علیه السلام در میان استقبال پرشور انصار که از مدت‌ها قبل انتظار ورود آن حضرت را می‌کشیدند، وارد مدینه شد.

«مردم انصار طایفه به طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند، پیش آن‌ها فرود آید و مهار شترش را می‌گرفتند [پیامبر مهار] آن را می‌کشید و می‌فرمود: بگذارید برود که مأمور است».[۱][۲]

این تدبیر موجب شد که زمینه‌ی هرگونه سوء تفاهم میان طوایف مدینه از بین برود، طبیعی است که میزبانی از پیامبر افتخار بزرگی بود که اگر انتخاب پیامبر نصیب یکی از طوایف می‌گشت موجب آزردگی و ناخشنودی دیگر قبایل می‌شد و همین مسئله در بدایت امر می‌توانست مشکلاتی برای پیامبر و جامعه‌ی مدینه فراهم کند، بخصوص که یثرب همواره آبستن درگیری‌های سنگین و سخت میان قبایل خود بود؛ اما این تدبیر که ناقه مأمور انتخاب منزلگاه پیامبر باشد، همه را قانع کرد؛ چراکه آن را ناشی از مشیّت الهی می‌دیدند و لذا همه نیز به جایگاه انتخابی رضا دادند.

پس از اینکه مأموریت ناقه به اطلاع انصار رسید:

«شتر مزبور همچنان بیامد تا به محله‌ی بنی‌مالک بن نجار رسید، یعنی در همان جای که اکنون مسجد آن حضرت قرار دارد، زانو زد و خوابید. زمین مزبور متعلق به دو کودک یتیم بود به نام‌های سهل و سهیل فرزندان

---

۱ . مروج الذهب: ج ۱، ص ۶۲۵.

۲ . «خلّوا زمام الرّاحله فإنّها مأمورة» به نقل از تاریخ یعقوبی: ج ۱، ص ۴۰۰.

عمرو که تحت سرپرستی معاذ بن عفرا زندگی می‌کردند و در آن زمین خرمای خود را که از درخت می‌چیدند خشک می‌کردند. شتر رسول خدا در آن زمین خوابید، ولی آن حضرت پیاده نشد، از این‌رو شتر برخاست. چند قدمی برداشت ولی مجدداً به پشت سر خود نگاه کرد به همان جای اول بازگشت و همانجا زانو زده خوابید و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسباند. در این وقت رسول خدا از شتر پیاده شد و پرسید: این زمین کیست؟ معاذ بن عفراء پیش آمد عرض کرد: این جا متعلق به فرزندان یتیم عمرو، سهل و سهیل است که تحت سرپرستی من هستند و من آن دو را راضی می‌کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در اینجا مسجدی بنا کنید».[۱]

پیامبر به واگذاری زمین راضی نشدند و آن را از آن دو طفل خریداری نمودند.

«پیامبر آن دو پسر بچه را خواست و پیشنهاد کرد آن قطعه زمین را برای ساختن مسجد بفروشند. گفتند زمین را برای مسجد می‌بخشیم و به شما می‌دهیم. رسول خدا نپذیرفت و فقط به خریدن از آنها قبول کرد».[۲]

درباره این زمین نیز که برای مسجد انتخاب شد، نقل‌هایی هست که پیش از ورود پیامبر به مدینه نیز نمازگاه مسلمین مدینه بوده است، از جمله ابن‌سعد نقل می‌کند که:

«آن زمین به صورت چهار دیواری بدون سقف و قبله‌اش به جانب بیت‌المقدس بود که اسعد بن زراره آن را ساخته و با یاران خود آنجا نماز می‌گزارد».[۳]

---

۱ . سیره‌ی ابن‌هشام: ج ۱ ، ص ۳۲۷ .

۲ . شهاب‌الدین احمد نویری، نهایة الارب فی فنون الادب: ج ۱ ، محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۳۲۴ ـ ۳۲۵ .

۳ . طبقات الکبری: ج ۱ ، ص ۲۲۵ .

از جا دادن جویبر تا بستن درها

به روایت ابوحمزهٔ ثمالی، امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«جویبر مردی بود از اهل یمامه، که نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آمد تا از اسلام بهره‌ای برگیرد؛ جویبر اسلام آورد و مسلمان شایسته‌ای و چون مردی کوتاه قد، بی‌چیز، نیازمند، برهنه و سیه چرده‌ای زشت رو بود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را به لحاظ غربت و برهنگی‌اش، به حمراه خود برد و یک پیمانه غذا با ظرفی خرما به او داد و دو ردا بر او پوشانید و به او دستور داد: در مسجد بماند و در آنجا بخوابد. به خواست خدا وی مدتی در مسجد ماند تا غریبان نیازمندِ به اسلام گرویده، در شهر مدینه فراوان شدند و مسجد برایشان تنگ شد. آنگاه خدای عزّوجلّ به پیامبرش وحی فرمود که مسجد را پاکیزه کن و کسانی را که شب در مسجد می‌خوابند از آن بیرون کن و فرمان به بستن درهای حجرهٔ کسانی بده که دری به مسجد دارند. بجز درِ حجرهٔ علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام. حتماً هیچ جنبی از آن پا نگذارد و غریبی در آن نخوابد.

ـ امام فرمود ـ : آنگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمان به بستن درهای منزل ایشان، داد مگر درِ حجرهٔ علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام که آن را به حال خود گذاشت».[1]

نبینم در مسجد بخوابی!

ابوالاسود دوئلی گوید:

من دوست داشتم ابوذر را ببینم تا علت بیرون آمدنش از مدینه را بپرسم. پس، در ربذه فرود آمدم و به او گفتم: مرا خبر نمی‌دهی که آیا به میل خود از مدینه بیرون آمدی یا به‌زور تبعیدت کردند؟

---

۱ . الکافی: ج ۵ ، ص ۳۳۹ ، ح ۹۵۲۸ ؛ ترجمه از حدیث مسجد: ص ۹۷ .

گفت: من در یکی از مرزهای مسلمانان بودم و ایشان راکفایت می‌کردم. پس مرا به مدینه راندند. گفتم آنجا شهری است که خد و یارانم در آن اقامت کرده‌ایم. ولی از مدینه نیز مرا به این جا کی می‌بینی، تبعید کردند.

سپس گفت: شبی به روزگار رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خوابیده بودم که حضرت بر من عبور کرد و نوک پایی به من زد و فرمود: نبینم که در مسجد بخوابی.

گفتم: پدرو مادرم فدایت باد! خواب بر چشمم چیره شد و خوابم برد.

فرمود: آن‌گاه که تو را از این جا بیرون کنند چه کار خواهی کرد؟

گفتم: به شام می‌روم که سرزمینی مقدس است و سرزمین نیکان مسلمان و سرزمین جهاد در راه خدا.

گفت: از آن جا هم بیرونت کنند، چه می‌کنی؟

گفتم: بر می‌گردم به مسجدالحرام.

گفت: از آن جا هم بیرونت کنند چه می‌کنی؟

گفتم: شمشیرم را می‌گیرم و با آنان زد و خورد می‌کنم.

گفت: آیا راهی از این بهتر به تو ننمایم؟ به هر جا برانندت، با ایشان برو، بشنو و فرمانبر باش.

من نیز شنیدم و فرمان بردم و می‌شنوم و فرمان می‌برم و به خدا سوگند عثمان در حالی می‌میرد که به من ستمکار است.[1]

به تازه واردان مسجد جا بدهید

روز جمعه بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان یاران خویش و در گوشه‌ای از مسجد النبی نشسته بودند. در این میان عده‌ای از بدریّون (آنانکه در جنگ بدر شرکت داشتند) وارد شدند. وقتی نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، سلام کردند پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ گفت. سپس آنها به حاضران سلام کردند، آنان نیز پاسخ دادند.

---

۱ . ترجمهٔ الغدیر: ج ۱۶ ، ص ۱۳۱ ؛ نقل از داستان‌ها و حکایت‌های مسجد: ص ۱۴۸ .

بدریون همان‌گونه روی پا ایستاده بودند، چون جایی برای نشستن نمی‌یافتند و مهاجر و انصار که در اطراف پیامبرﷺ بودند، از جای خود حرکت نمی‌کردند که به تازه واردان جا بدهند.

این پیش آمد، برای پیامبرﷺ ناگوار و سخت آمد و به بعضی از کسانی که در اطراف ایشان نشسته بودند فرمود: شما چند تن برخیزید و به تازه واردان جا بدهید، آنان برخاستند و بدریّون به جای آنها نشستند، اما این پیش‌آمد برای آن چند تن که برخاستند ناگوار آمد، به‌طوری که آثار ناخشنودی از چهره‌ی آنان مشاهده می‌شد.

منافقان (که از هر فرصتی سوء استفاده می‌کنند، در اینجا فرصت به‌دست آورده)گفتند: پیامبرﷺ کسانی را به لحاظ علاقه‌ی بیشتر به ایشان، درکنار خود نشاند و رسم عدالت را مراعات نکرد (و تبعیض قائل شد)، و به سبب افرادی که بعد آمدند، عده‌ای از مسلمانان را از جا بلند کرد و آن‌گاه این آیه نازل شد:

﴿یٰا ایُّهَا الَّذینَ اٰمَنُوا اِذا قیلَ لَکُمْ تَفَسَّحُوا فِی الْمَجالِسِ فافْسَحُوا یَفْسَحِ اللّهُ لَکُمْ وَاِذٰا قیلَ انشزوفا انْشُزُوا یَرْفَعُ اللّهُ الَّذینَ اٰمَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذینَ اُوتُوا الْعِلمَ دَرَجٰاتٍ﴾.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی به شما بگویند در مجالس، جا باز کنید، جا بگشایید تا خداوند جای وسیع (= نعمت وسیع) به شما عنایت فرماید و چون گفته شود بخیزید، بپا خیزید! و خداوند مؤمنان را در میان شما بالا برد و کسانی را که علم و دانش داده است، دارای درجاتی هستند».[1]

به این ترتیب پاسخ کوبنده به منافقان داده شد، و آنان نتوانستند مقاصد شوم خود را (که اختلاف اندازی بود) اجرا سازند.

و این دستور اخلاقی اسلامی، برای همیشه یک درس بزرگ برای مسلمانان است.

---

۱. تفسیر روح المعانی: ج ۲۸، ص ۲۵؛ و آیهٔ ۱۱ سوره‌ی مجادله است.

جذبه‌ی زرق و برق دنیا

در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وإذا رأوا تجارةً أو لهواً انفضُّوا إليها وتركوك قائماً﴾.[۱] یعنی هرگاه تجارت یا بازیچه‌ای ببینند، پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و شما را [ای رسول الله] ایستاده رها می‌کنند.

ابن عباس می‌گوید:

دحیه‌ی کلبی روز جمعه از شام، خواربار و خوراکی آورد و در «احجار الزیت» ـ دکّه‌ای در بازار مدینه ـ پیاده کرد. آنگاه طبل‌ها را به صدا درآورد تا مردم را از ورود خود آگاه کند. همهٔ مردم از صف نماز جمعه پراکنده شدند و به سوی او شتافتند، جز علی، حسن، حسین، فاطمه، سلمان، ابوذر، مقداد و صُهیب رفتند و پیامبر ﷺ راکه ایستاده بر منبر خطبه نماز جمعه را می‌خواند، رها کردند. پیامبر ﷺ فرمود:

«خداوند روز جمعه به مسجدم نگریست، اگر این گروه برای اقامه‌ی نماز در مسجدم نمی‌ماندند، شهر مدینه و مردمانش در آتش خشم الهی می‌سوخت و چونان قوم لوط به عذاب سنگباران گرفتار می‌آمد».

در بارهٔ کسانی هم که ماندند این آیه نازل شد:

﴿رجال لاتُلْهيهم تجارة و لابيع عن ذكرالله...﴾.[۲]

«آنان را هیچ تجارت و دادوستدی از یاد خدا و نمازگزاردن و زکات باز نمی‌دارد».

باید پیامبر ﷺ ریسمان را بگشاید

در جریان بنی‌قریظه، به سبب خیانتی که یهودیان به اسلام و مسلمین کردند، رسول اکرم ﷺ تصمیم گرفت که کار آنها را یکسره کند.

یهودیان از پیامبر ﷺ خواستند که ابولبابه را پیش آنها بفرستد تا با او مشورت نمایند.

---

۱ . جمعه / ۱۱ .
۲ . نور / ۳۷ .

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ابولبابه! برو، ابولبابه دستور آن حضرت را اجابت کرد و با آنان به مشورت نشست.

اما او بر اثر روابط خاصی که با یهودیان داشت، در مشورت منافع اسلام و مسلمین را مراعات نکرد و با جمله‌ای گفت که آن جمله و آن اشاره به نفع یهودیان و به ضرر مسلمانان بود.

وقتی از جلسه بیرون آمد، احساس که خیانت کرده، اگرچه هیچ کس هم خبر نداشت. امّا قدم از قدم که برمی‌داشت و به طرف مدینه می‌آمد، این آتش در دلش شعله ورتر می‌شد. به خانه آمد، امّا نه برای دیدن زن و بچّه، بل یک ریسمان از خانه برداشت و با خویش به مسجد پیامبر آورد و خود را محکم به یکی از ستون‌های مسجد بست و گفت: خدایا تا توبهٔ من قبول نشود، هرگز خود را از ستون مسجد باز نخواهم کرد.

گفته‌اند فقط برای خواندن نماز یا قضای حاجت یا خوردن غذا، دخترش می‌آمد و او را از ستون باز می‌کرد و مجدداً باز خود را به آن ستون می‌بست و مشغول التماس و تضرع می‌شد و می‌گفت:

خدایا غلط کردم، گناه کردم، خدایا به اسلام و مسلمین خیانت کردم، خدایا به پیامبر تو خیانت کردم، خدایا تا توبه‌ی من قبول نشود، همچنان در همین حال خواهم ماند تا بمیرم.

این خبر به رسول اکرم ﷺ رسید فرمود: اگر پیش من می‌آمد و اقرار می‌کرد، در نزد خدا برایش استغفار می‌نمودم ولی او مستقیم نزد خدا رفت و خداوند خودش به او رسیدگی خواهد کرد.

شاید دو شبانه روز یا بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که ناگهان بر پیامبر اکرم ﷺ ـ در خانهٔ امّ سلمه ـ وحی نازل و به پیامبر خبر داده شد که توبهٔ این مرد قبول است.

پس از آن پیامبر فرمود: ای امّ سلمه! توبه ابولبابه پذیرفته شد. امّ سلمه عرض کرد: یا رسول اللّه! اجازه می‌دهی که من این بشارت را به او بدهم؟ فرمود: مانعی ندارد.

اتاق‌های خانه‌ی پیامبر هریک دریچه‌ای به سوی مسجد داشت و آنها را دور تا دور مسجد ساخته بودند. امّ‌سلمه سرش را از دریچه بیرون آورد و گفت: ابولبابه! بشارتت بدهم که خدا توبه‌ی تو را قبول کرد.

این خبر مثل توپ در مدینه صدا کرد، مسلمانان به داخل مسجد ریختند تا ریسمان را از او باز کنند، امّا او اجازه نداد و گفت: من مایلم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دست مبارک خود این ریسمان را باز نمایند. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند: یا رسول الله! ابولبابه چنین تقاضایی دارد، پیامبر به مسجد آمد و ریسمان را باز کرد و فرمود:

«ای ابولبابه توبهٔ تو قبول شد، آن چنان پاک شدی که مصداق آیهٔ: ﴿یحبّ التوّابین و یحبّ المتطهّرین﴾ گردیدی. الآن تو حالت آن کودکی را داری که تازه از مادر متولّد می‌شود، دیگر لکّه‌ای از گناه در وجود تو نمی‌توان پیدا کرد».

بعد ابولبابه عرض کرد: یا رسول اللّه! می‌خواهم به شکرانهٔ این نعمت که خداوند توبهٔ مرا پذیرفت، تمام ثروتم را در راه خدا صدقه بدهم.

پیامبر فرمود: این کار را نکن. گفت: یا رسول اللّه اجازه بدهید دو ثلث ثروتم را به شکرانهٔ این نعمت صدق بدهم. فرمود: خیر، گفت: اجازه بده نصف ثروتم را بدهم: فرمود: خیر، عرض کرد:

اجازه بفرمایید یک ثلث آن را بدهم. فرمود: منعی ندارد.[1]

صدای گریه‌ی کودک در مسجد

عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ظهر فرا رسید، مؤذّن در مسجد النّبی مدینه اذان ظهر را گفت و مردم را به شرکت در نماز جامعت با پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد آمد و مسلمین ازدحام کردند و صفوف نماز تشکیل شد، و نماز جماعت شروع شد، در وسط نماز ناگاه دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواهد با شتاب و عجله نماز را تمام کند.

با خود گفتند خدایا چه شد؟ مگر بیماری شدیدی بر پیامبر صلی الله علیه و آله عارض گردیده؟ او که همواره به وقار و آرامش در نماز سفارش می‌کرد، اکنون چرا مستحبّات نماز را مراعات نمی‌کند، آن همه عجله برای چه؟ چرا؟ یعنی چه؟

---

۱ . گفتارهای معنوی: ۵۶؛ داستان‌ها و حکایت‌های مسجد: ۴۰ ـ ۴۱ .

چند لحظه نگذشت که نماز تمام شد، مردم نزد آن حضرت احوال پرسیدند، می‌گفتند: ای رسول خدا! آیا پیش آمدی شده؟ حادثهٔ بدی رخ داده؟ چرا نماز را این گونه با شتاب و سرعت به پایان رساندی؟

پاسخ همه این چراها، فقط این جمله بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود:

«اَما سَمِعْتُمْ صُراخَ الصَّبِيُّ».[1]

«آیا شما صدای گریه و جیغ کودک شیرخوار را نشنیدید؟».

معلوم شد، کودک شیرخواری در نزدیکی آنجا گریه می‌کرد و کسی نبود که او را آرام نماید، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را با شتاب تمام کرد، تا کودک را آرامش و نوازش دهد.

کودکان در مسیر مسجد

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز، به مسجد می‌رفت، در راه، گروهی از کودکان انصار، بازی می‌کردند، تا آن حضرت را دیدند، دور آن حضرت آمدند، و به لباس او خود را آویختند، و به گمان اینکه آن حضرت، همواره حسن و حسین علیهما السلام را به دوش خود می‌گرفت، آنان را نیز به دوش بگیرد، هر یک می‌گفت: کُنْ جَمَلی: «شتر من باش».

آن حضرت از یک سو نمی‌خواست، ایشان را برنجاند، و از سوی دیگر مردم در مسجد، منتظر بودند، و می‌خواست خود را به مسجد برساند.

بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جست‌وجوی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت، آن حضرت را در کنار جمعی از کودکان یافت، جریان را فهمید، بلال قصد کرد که کودکان را گوشمالی دهد، تا آن حضرت را آزاد کنند.

آن حضرت، بلال را از ماجرای تصمیم خود، نهی کرد و فرمود: تنگ شدن وقت نماز، برای من محبوب‌تر از رنجاندن این کودکان است، سپس به بلال فرمود: برو در حجره‌های خانه بگرد و آنچه (از گردو یا خرما و غیره) یافتی بیاور، تا خود را از این کودکان بازخرید کنم.

---

۱. کافی: ج ۶، ص ۴۸، ح ۴، باب حقّ الأولاد.

بلال رفت و پس از جست‌وجو، هشت دانه گردو یافت و به حضور پیامبرﷺ آورد، پیامبرﷺ به کودکان فرمود:

«اتبیعُونَ جَمَلُکُم بِهذِهِ الْجَویزاتِ».

«آیا شما شتر خود را به این گردوها، می‌فروشید؟».

کودکان به این دادوستد راضی شدند و گردوها راگرفتند و آن حضرت را آزاد نمودند، پیامبرﷺ به راه خود به طرف مسجد ادامه داد، در حالی که می‌فرمود:

﴿رَحِمَ اللّهُ أَخِي یُوسُفَ باعُوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَراهِمَ مَعْدودَةٍ...﴾.[1]

«خداوند برادرم یوسف را رحمت کند که او را (برادرانش) به چند درهم اندک فروختند».

«امّا این کودکان، مرا به هشت دانه گردو فروختند، با این فرق که برادران یوسف، وی را از روی دشمنی فروختند، ولی این کودکان از روی نادانی فروختند».

وقتی بلال این همه محبّت و بزرگواری پیامبرﷺ را دید، تحت تأثیر قرار گرفت و به پای مبارک آن حضرت افتاد و اظهار تواضع کرد و گفت:

«اَللّهُ اَعْلَمُ حَیثُ یَجْعَلُ رسالَتَه».[2]

«خداوند می‌داند که مقام رسالت را در وجود چه کسی قرار دهد؟».

در حلقه‌ی اهل دل و دیده

اسحاق بن عمّار گوید: از امام صادقؑ شنیدم که می‌فرمود: رسول خداﷺ نماز صبح را با مردم می‌خواند، آنگاه جوانی را در مسجد دید که چرت می‌زد و سرش پایین می‌افتاد، زردگون بود و جسمی نحیف و چشمانی به گودی نشسته داشت.

---

۱ . یوسف / ۲۰ .

۲ . نفائس الأخبار، نقل از داستان‌های مسجد: ص ۴۵ .

پیامبرﷺ به او فرمود: «**کیف أصبَحْتَ یا فلان؟**» این فلانی حالت چطور است؟ چگونه صبح کردی؟ پاسخ داد: ای رسول خداﷺ با یقین کامل وارد صبح شدم. پیامبر اکرم از سخنش تعجب کرد (یا لذّت برد) و به او فرمود: هر یقینی را حقیقتی است، حقیقت یقین تو چیست؟

پاسخ داد ای رسول خدا به راستی یقین من همان چیزی است که مرا محزون نموده و سبب شب بیداری و تشنگی‌ام در روزهای بسیار گرم شده است ـ کنایه از قیام شب و صیام روز ـ به دنیا و آنچه در آن است رغبتی ندارم تا آنجا که گویا عرش پروردگارم را می‌نگرم که برای محاسبه‌ی اعمال برپا شده است و خلایق برای حسابرسی گرد آمده‌اند و من نیز در میانشان هستم و گویا اهل بهشت را می‌بینم که در نعمت می‌خرامند و با تکیه زدن بر کرسی‌ها، به معرفی یکدیگر می‌پردازند و گویا دوزخیان را می‌نگرم که گرفتار عذابند و به فریادرسی ناله سر می‌دهند و گویا هم‌اکنون آهنگ زبانه کشیدن آتش را می‌شنوم که در گوش‌هایم طنین‌انداز است.

آنگاه رسول خداﷺ فرمود:

«**هٰذا عَبدٌ نوّر الله قلبه بالإیمان**».

«این جوان، بنده‌ای است که خداوند دلش را به نور ایمان روشن کرده است».

سپس به او فرمود:

«**اَلزِم ما أنت علیه**».

«براین حال که داری، ثابت قدم باش».

آن جوان گفت: ای پیامبر خدا، از خدا بخواه تا شهادت در رکاب شما را نصیبم گرداند، رسول خداﷺ برایش دعا کرد و طولی نکشید که در یکی از غزوه‌های آن حضرت شرکت جست و پس از شهادت نه تن شهید شد و او دهمین نفر بود.[1]

---

۱. بحار الانوار: ج ۷۰، ص ۱۵۹، ح ۱۷؛ الکافی: ج ۲، ص ۵۳.

اخراج اخلال‌گران

به اشارت پیامبرﷺ مردم با منافقانی که با رفتارهای نفاق‌آمیز در مسجد حاضر می‌شدند، برخورد و اگر لازم بود آنان را از مسجد، بیرون می‌کردند. ابن‌هشام ماجرایی را نقل می‌کند که طیّ آن، مسلمانان به فرمان پیامبرﷺ گروهی از منافقان را از مسجد، بیرون انداختند. او پس از ذکر نام چند تن از این منافقان و کارهای ناپسند آنان می‌گوید:

«اینان در مسجد حاضر می‌شدند. به سخنان مسلمانان گوش فرا می‌دادند و سپس شروع به استهزا می‌کردند. روزی عدّه‌ای از آنان در مسجد حاضر شدند. رسول خداﷺ فرمان داد تا آنان را از مسجد بیرون کنند.

ابوایّوب به سوی عمر بن قیس حرکت کرد و در حالی که پاهایش را می‌کشید او را از مسجد بیرون انداخت. سپس به سراغ رافع بن ودیعه رفت؛ با او گلاویز شد و در حالی که او را می‌کشید به صورت او می‌زد و گفت: اُف بر تو باد! منافق خبیث؛ از همان راهی که آمده‌ای برگرد! عمّاره بن حزم، هم به سوی زید بن عمرو شتافت. زید دارای ریش‌هایی بلند بود. عمّاره، ریش او را گرفت و با شدّت و خشونت او را می‌کشید تا از مسجد بیرون انداخت. او گفت عمّاره مرا خون‌آلود کردی. عمّاره پاسخ داد: خداوند تو را از رحمت خود دور کند! عذابی که خداوند برایت آماده فرموده، بسیار شدیدتر از این است؛ از این پس حقّ نداری هیچ گاه به مسجد پیامبرﷺ نزدیک شوی. مسعود بن اوس هم به سراغ قیس بن عمرو رفت. قیس، تنها جوان منافق در میان منافقان دیگر بود! مسعود از پشت سر به او می‌زد تا اینکه او را از مسجد بیرون کرد. عبدالله بن حارث هم بی‌درنگ پس از دستور رسول خداﷺ به سمت حارث بن عمرو رفت. حارث زلف‌های بلندی داشت؛ عبدالله او را با موهایش روی زمین می‌کشید تا اینکه از مسجد بیرون کرد. این منافق به عبدالله می‌گفت: عبدالله! چرا این قدر با خشونت و درشتی رفتار می‌کنی؟ عبدالله گفت: تو به لحاظ فرمان الهی سزاوار خشونتی؛ ای دشمن خدا! تو نجس هستی، پس از این، حقّ نداری به مسجد پیامبرﷺ نزدیک شوی. مردی از بنی‌عمرو بن عوف هم به سراغ برادرش زوّی بن حارث رفت و با خشونت او را از مسجد بیرون انداخت و بر او اُف کرد و گفت: شیطان و فرمان او بر تو غالب شده است. این‌ها کسانی از منافقان بودند که آن روز در مسجد حاضر بودند و به فرمان رسول خداﷺ از مسجد اخراج شدند».[1]

---

۱. السیرة النبویّة، ابن‌هشام: ج ۲، ص ۱۷۵ ـ ۱۷۷.

این رویداد تاریخی به نیکی بیانگر آن است که مسجد در اسلام، جایگاه نمایش پیوستگی و همبستگی مسلمانان است؛ از این رو چنانچه کسانی بخواهند با رفتار منافقانه‌ی خود به نقش مسجد، آسیب برسانند، باید قاطعانه با آنان برخورد نمود. همچنان که با مسجدی که به منظور ایجاد تفرقه و نفاق در جامعهٔ اسلامی بنا شود نیز به طور جدّی مبارزه خواهد شد.[۱]

البتّه رویدادهایی این چنین هرگز نباید دست آویزی برای برخوردهای سطحی و تنگ نظرانه با مسلمانان باشد. حادثه‌ای که گذشت مربوط به کسانی است که واقعاً به قصد ایجاد نفاق و تفرقه و استهزای مسلمانان در مسجد حاضر می‌شدند.

بنابراین، اختلاف‌های مذهبی در میان پیروان اهل مذاهب گوناگون و نیز اختلاف سلیقه در میان پیروان هر مذهب را باید کاملاً از مقوله‌ی یاد شده جدا کرد.

خوشبویی و مسجد

گروهی از اهالی عراق نزد ابن‌عباس آمدند و گفتند: آیا غسل جمعه را واجب می‌دانی؟

گفت: خیر، ولی این غسل، برای کسی که آن را انجام می‌دهد بهتر است، امّا بر کسی که غسل نکند، اشکالی وارد نیست. اکنون به شما خبر می‌دهم که مسئله‌ی غسل کردن چگونه پیدا شد، مردم زحمتکشانی بودند که لباس پشمی می‌پوشیدند و بار بر پشت خود حمل می‌کردند و مسجدشان نیز چونان کلبه‌ای تنگ و کوتاه سقف بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزی گرم به مسجد آمد و دید که مردم در آن لباس پشمین عرق کرده بودند، به حدّی که از بدنشان بویی ناخوشایند و آزار دهنده، به مشام می‌رسید، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله این بو را استشمام کرد، فرمود:

«ای مردم، هرگاه روز جمعه فرا رسید، غسل کنید، و هر یک از شما بهترین روغن و عطری که دارد، استعمال کند».

---

۱. این مسأله مربوط به مسجد ضرار مطرح است.

ابن‌عباس گوید:

«سپس خداوند خیر و نیکی را به ارمغان آورد و مردم لباس غیرپشمی پوشیدند و در روز جمعه دست از کار کشیدند، و مسجدشان وسیع گشت و آن عرفی که موجب آزارشان می‌شد، از بین رفت».[۱]

واپسین دیدار

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در واپسین روزهای عمر شریفش به مسجد آمد و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

«ای مردم! خدایم حکم کرده و قسم یاد نموده که از ظلم و ظالم نگذرد، مگر آن که عفو مظلوم و یا قصاص را در پی داشته باشد.

من شما را سوگند می‌دهم که هرکس مرود ظلم من قرار گرفته است برخیزد و قصاص کند؛ زیرا قصاص در دنیا نزد من بهتر از قصاص در آخرت است».

شخصی به نام «سوادة بن قیس» از جا برخاست و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! روزی شما از طائف بر می‌گشتید و من به استقبال شما آمده بودم. شما بر ناقه سوار بودید و چوب ممشوق در دست داشتید. پس آن چوب را بلند کردید تا به ناقه بزنید، امّا به شکم من اصابت کرد و من نمی‌دانم عمدی بود یا از روی خطا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«پناه بر خدا سواده، که عمداً زده باشم».

آنگاه فرمودند:

«ای بلال نزد دخترم فاطمه برو چوب ممشوق را از او بگیر و بیاور».

بلال به خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام رفت و گفت: آن چوب را به من بده. آن حضرت فرمودند: امروز چه وقت آن چوب است؟ پدرم با آن چوب می‌خواهد چه بکند؟ بلال گفت:

---

۱. حدیث مسجد: ح ۲۸۹؛ سنن ابی‌داود: ج ۱، ص ۸۸، ح ۳۵۳.

پدرت با مردم وداع کرده است! حضرت زهرا صیحه‌ای کشید و گفت: «واحزناه ای حبیب خدا و ای محبوب قلب‌ها». سپس چوب مخصوص را به بلال داد و بلال آن را به مسجد آورد و به محضر رسول خدا تقدیم کرد.

پیامبر فرمودند: سواده کجاست؟ عرض کرد: اینجا هستم یا رسول الله. حضرت فرمودند: بیا قصاص بنما تا راضی شوی! سواده گفت: یا رسول الله! شکم خود را به من بنمایید.

حضرت لباس خود راکنار زدند. سواده گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می‌دهید لبانم را بر شکم مبارک شما بگذارم؟ حضرت اجازه دادند.

سواده شکم مبارک آن حضرت را بوسید و گفت: خدایا به شکم مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را سوگند می‌دهم که مرا از عذاب قیامت حفظ بنمایی.

حضرت فرمودند: ای سواده! آیا عفو می‌کنی یا قصاص می‌نمایی؟

سواده گفت: عفو می‌کنم ای رسول خدا! سپس حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خدایا! سواده از رسول تو گذشت، تو هم او را عفو بنما».[۱]

واپسین نماز

صاحب کتاب إرشاد القلوب ـ در حدیثی طولانی ـ از حذیفه نقل می‌کند که در بیماری منجر به وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، ابوبکر خواست بدون اذن پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم نماز بگزارد.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این خبر را شنید باکمک علی علیه السلام و فضل بن عباس به قصد مسجد از خانه خارج شد و به سوی محراب رفت و از پشت ابوبکر را بگرفت و از محراب کنار زد و مردم پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که نشسته نماز می‌خواند، نماز خواندند و بلال نیز مکبّر بود تا این که نماز پیامبر صلی الله علیه و آله پایان یافت.[۲]

---

۱. محجة البیضاء: ج ۸، ص ۲۷۶ ـ ۲۷۵.

۲. بحار الانوار: ج ۸۸، ص ۹۶، ح ۶۵، نقل از حدیث مسجد: ص ۳۲۹.

در روزهای تنهایی

پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، در روزهای تنهایی، آن حضرت در مسجد الحرام در نماز و مسجد بود، ابوجهل، اراذل و اوباش را جمع و تشویق به اهانت کرد، آنان شکمبه‌ی آلوده‌ای را بر سر حضرت واژگون کردند. ابوجهل و مشرکان با صدای بلند خندیدند.

گرچه برخی تازه مسلمانان، صحنه را می‌دیدند ولی جرئت نکردند پیش روند و مقابله کنند.

همین که فاطمه علیها السلام با خبر شد به مسجد بشتافت و به دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت و باکمال شجاعت، ابوجهل و یارانش را سرزنش و محکوم و بر آنان نفرین کرد.[۱]

فصل دوم
خاطراتی از سایر معصومین علیهم السلام

پنج هدیه در مسجد و محراب

پنج تن، پنج چیز را در محراب به دست آوردند: سلیمان تا یک سال پس از مرگش همچنان پادشاه بود:

﴿ما دلّهم علی موته إلّا دابّة الأرض﴾.[۲]

«کسی جز موریانه مردم را بر مرگش آگاه نکرد».

داوود عفو را به دست آورد:

﴿فاستغفر ربّه وخرّ راکعاً و أناب﴾.[۳]

«پس از پرودگارش آمرزش خواست و با تواضع و فروتنی به درگاه خدا بازگشت».

---

۱ . صحیح بخاری: ج ۵، ص ۸.
۲ . سبا / ۱۴.
۳ . ص / ۲۴.

حضرت مریم را طعام بهشتی نصیب شد:

﴿کلّما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً﴾.[۱]

«هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزدش خوردنی می‌یافت».

زکریا به یحیی بشارت یافت:

﴿فنادته الملائکة وهو قائم یصلّی فی المحراب﴾.[۲]

«همچنانکه در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان ندایش دادند».

و علی نیز در مسجد و نماز به آیهٔ ولایت و امامت مفتخر گشت:

﴿إنّما ولیّکم الله و رسوله...﴾.[۳]

«به‌درستی که ولیّ شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌گزارند و همچنان که در رکوعند، انفاق می‌کنند».[۴]

امیرمؤمنان در بَراثا

جابر بن عبدالله انصاری در بیان فضیلت مسجد «براثا» خاطره‌ی ذیل را نقل می‌کند:

در بازگشت از جنگ با خوارج نهروان، در مسجد بَراثا، نماز را به امامت امیرمؤمنان علیه‌السلام اقامه کردیم، در حالی که جمعیت ما حدود صد هزار تن بود.

مردی نصرانی از صومعهٔ خویش ـ نزدیک محل نماز ـ فرود آمد و پرسید: فرمانده‌ی این گروه کیست؟ ما امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را به او نشان دادیم. مرد نصرانی رو به حضرت، سلام نمود و از امام علیه‌السلام پرسید: آیا شما پیامبری؟ حضرت فرمود: خیر، «**النبیّ سیّدی قد مات**». «پیامبر سرورم بود که رحلت فرمود». سؤال کرد: پس شما وصیّ پیامبرید؟ امیر المؤمنین علیه‌السلام پاسخ داد: آری. آنگاه امام فرمودند: بنشین، چه شده که از این موضوع سؤال کردی؟

---

۱ . آل‌عمران / ۳۷ .

۲ . آل‌عمران / ۳۹ .

۳ . مائده / ۵۵ .

۴ . بحار الانوار: ج ۳۹ ، ص ۷۸ ـ ۷۹ ، باب شباهت علی علیه‌السلام به پیامبران.

نصرانی گفت: این صومعه، فقط به سبب همین مکان که براثا نامیده می‌شود ساخته شده است. در کتاب‌های آسمانی خوانده‌ام که در این مکان و در چنین جمعی، کسی جز پیامبر یا وصیّ پیامبر صلی الله علیه و آله نماز نمی‌گزارد من آمده‌ام که مسلمان شوم.

جابر گوید: مرد نصرانی مسلمان شد و با ما به کوفه آمد. حضرت علی علیه السلام از او پرسیدند: آیا می‌دانی چه کسی در این جا [مسجد بَراثا] نماز به جای آورده است؟ نصرانی گفت: عیسی بن مریم و مادرش، علی علیه السلام فرمود: آیا مایلی به تو خبر دهم پیش از آنان چه کسی در این جا نماز گزارده است؟ عرض کرد: آری. امام علیه السلام فرمودند: ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در این جا نماز گزارده است.[۱]

این مسجد بین بغداد و کاظمین، در منطقه کرخ، معروف و بسیار پرفضیلت است. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به «تاریخ مسجد براثا» نوشته‌ی شمس المحدثین، حسینی و «موسوعة العتبات المقدسة» نوشتهٔ جعفر الخلیلی، ج ۹، و مفاتیح الجنان، پس از نقل زیارت امام کاظم علیه السلام و جز آن.

با لباس شایسته و آراسته در مسجد

عبدالصمد بارقی گوید:

«عقیل بر علی علیه السلام که در صحن مسجد کوفه نشسته بود، وارد شد و سلام کرد، حضرت علی علیه السلام رو به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: برخیز و عمویت را در پیاده شدن کمک کن. امام حسن به سوی عمو رفت و او را پایین آورد و نزد پدر باز گشت. امام علیه السلام به فرزندش فرمود: برو و برای او پیراهن نو، ردایی نو، شلواری نو و کفشی نو بخر، عقیل فردای آن روز با سر و وضعی آراسته و لباسی نو بر علی علیه السلام وارد شد...».[۲]

---

۱. وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۵۴۹، باب ۶۲، ح ۱؛ ر.ک: مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۴۳۰؛ باب ۴۸، از ابواب احام المسجاد؛ بحار الانوار: ج ۱۰۲، ص ۲۸، ح ۴.

۲. بحار الانوار: ج ۳۳، ص ۱۹۹، ح ۴۸۸.

حضرت رضا علیه السلام از پدران گرامی‌اش از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که:

«امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام به بازار پیراهن‌فروشان آمد و با پیرمردی سرگرم دادوستد شد و فرمود: ای پیرمرد، پیراهنی به سه درهم به من بفروش. آن پیرمرد گفت: با کمال میل و احترام. امام پیراهنی به سه درهم خرید و پوشید که تا مچ دست و قوزک پا را می‌پوشاند، آنگاه به مسجد آمد و دو رکعت نماز خواند و گفت: **اَلْحَمدُ لِلّهِ الَّذِی رَزَقَنی مِنَ الریاشِ ما اتَجَمَّلُ بِهِ فی النّاسِ، وَ اُؤَدِّیَ فیهِ فَرِیْضَتی واسْتُرُبِهِ عَوْرَتی...**».[۱]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خادمِ امامِ سجاد علی بن الحسین علیه السلام در شبی سرد با امام روبرو شد، در این حالت که جامه و ردا و عمّامه‌ای از خز پوشیده و محاسن را با عطر غالیه خوشبو کرده بود. به حضرت عرض کرد: فدایت شوم، در چنین ساعتی از شب و با این وضع کجا می‌روید؟ فرمودند: **إلیٰ مَسْجدِ جَدِّی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أخْطُبُ الحُورَ العِین إلی اللّهِ عَزَّوجلَّ**؛ به سوی مسجد جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای خواستگاری حورالعین از خدای عزّوجلّ می‌روم».[۲]

از امام رضا علیه السلام دربارهٔ آیهٔ: ﴿**خُذُوا زِیْنَتَکُم عِندَ کُلِّ مسجدٍ**﴾.[۳] «زینت خود را [به گاه عبادت] در مسجد بر گیرید» پرسیدند؛ حضرت فرمود: «**مِنْ ذٰلِكَ التمشُّط عِندَ کُلِّ صَلاةٍ**». یکی از آن زینت‌ها، شانه زدن موهاست، به هنگام هر نماز.[۴]

امدادگری به فقرا

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه نماز ظهر می‌خواند، علی علیه السلام نیز حاضر بود، فقیری وارد مسجد شد و از مردم خواست که به او کمک کنند، هیچ کس به او چیزی نداد.

---

۱. حدیث مسجد: ص ۲۱۱، ص ۳۵۵.
۲. کافی: ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۳۳۹.
۳. اعراف / ۳۱.
۴. فقیه: ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۸ ـ ۳۵۹.

دل فقیر شکست و عرض کرد: «خدایا گواه باش که من در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کمک کردم ولی هیچ کس به من کمک نکرد».

در این هنگام علی علیه السلام که در رکوع بود، با انگشت کوچکش اشاره کرد، فقیر به جلو آمد و با اشارهٔ علی علیه السلام، انگشتر را از انگشت علی علیه السلام بیرون آورد و رفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نماز به خدا متوجّه شد و عرض کرد:

پروردگارا برادرم موسی از تو تقاضا کرد:

﴿رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری وَ یَسِّرْلی اَمْری * واحْلُل عُقْدَةً مِنْ لِسانی یَفْقَهُوا قَوْلِی وَاجْعَلْ لی وزیراً مِنْ اَهْلِی * هٰارونَ اَخِی * اُشْدُدْ بِهِ اَزْری * و اَشْرِکْهُ فی اَمری﴾.[1]

«سینه مرا گشاده دار، کار مرا آسان کن، و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند، و وزیری از خاندانم برای من قرار بده، برادرم هارون را، به وسیلهٔ او پشتم را محکم گردان، و او را در کار من شریک کن».

پس از این پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کرد:

«خدایا خواسته‌ی موسی را عنایت کردی».

«اللّهم اشْرَحْ لي صَدْري * وَ یَسِّرْلي اَمْری * وَاجْعَلَ لي وَزیراً مِنْ اَهْلي، عَلیّاً، اُشْدُدْ بِهِ اَزْري...».

«پروردگارا سینهٔ مرا گشاده دار ـ کار مرا آسان گردان، و وزیری از خاندانم برایم قرار بده که علی باشد، بوسیله او پشتم را محکم کن».

هنوز سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را نازل کرد:

﴿اِنَّمٰا وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ والَّذینَ اَمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلوةَ وَیُؤْتُونَ الزّکاةَ وهُمْ رٰاکِعُونَ﴾.[2]

«سرپرست و رهبر شما، فقط خداست و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌پردازند».

---

۱. طه / ۲۵ تا ۳۲.

۲. مائده / ۵۵.

به این ترتیب، ولایت و رهبری علی علیه‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی خدا اعلام گردید.[۱]

سؤالات راهب در مسجد

جمعی از مسیحیان به همراه راهب خود به مدینه و به مسجد وارد شدند و همراه خود قطعات طلا و اموال گران‌بهایی آورده بودند.

راهب در مسجد، خود را به جمعیتی که در مسجد در حضور ابوبکر نشسته بودند، رسانید و پس از ادای احترام، گفت: «کدام یک از شما خلیفه‌ی پیامبر و امین دین است؟».

حاضران به ابوبکر اشاره کردند.

راهب به ابوبکر نگریست و گفت: نام تو چیست؟

ابوبکر: نام من «عتیق» است.

راهب: دیگر چیست؟

ابوبکر: نام دیگرم «صدّیق» است.

راهب: دیگر چیست؟

ابوبکر: نام دیگری ندارم.

راهب: مقصود من تو نیستی شخص دیگری است.

ابوبکر: منظور تو کیست؟

راهب من همراه جمعی از روم آمده‌ام و بار شتر من، طلا و نقره است، منظور من از پیمودن راه طولانی و آمدن به اینجا این است که مسائلی از خلیفهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بپرسم، که اگر پاسخ صحیح داد، آئین اسلام را بپذیرم و از اوامر خلیفهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اطاعت نمایم، و ضمناً اموالی را با خود آورده‌ام تا آن را بین مسلمین تقسیم کنم.

و اگر خلیفه نتوانست پاسخ دهد، به وطن بازگردم.

---

۱. ناسخ التواریخ حضرت علی: ج ۱، ص ۲۷۸ ـ این روایت با مختصر تفاوتی از کتب معتبر شیعه و سنّی نقل شده است، برای اطلاع بیشتر به کتاب احقاق الحق: ج ۲، ص ۳۹ تا ۴۱ و حیاة أمیرالمؤمنین علی صلی‌الله‌علیه‌وآله، ناظم‌زاده: ص ۷۸.

ابوبکر گفت: مسائل خود را بپرس.

راهب: شما باید به من امان و آزادی بدهی که مورد آزار قرار نگیرم.

ابوبکر: در امن هستی بپرس.

راهب: به من خبر بده:

۱ ـ آن چیست که برای خدا نیست؛

۲ ـ و در نزد خدا نیست؛

۳ ـ و خدا آن را نداند؟!

ابوبکر در پاسخ این سه سؤال متحیّر شد، پس از سکوت طولانی، به بعضی از اصحاب گفت که عمر را حاضر کنید.

به عمر اطّلاع دادند و به مجلس آمد، راهب رو به عمر کرد و سؤالات خود را مطرح نمود، او نیز از پاسخ درمانده شد، سپس عثمان را خبر کردند و به مسجد آمد، راهب از او پرسید، او نیز در پاسخ درمانده شد (همهمه در مسجد افتاد و می‌گفتند خدا همه چیز را می‌داند و همه چیز در نزد او هست، این چه سؤال‌های نامناسبی است که راهب می‌کند؟!).

راهب گفت: این‌ها پیران بزرگواری هستند، ولی متأسفانه به خود مغرور شده‌اند، سپس تصمیم گرفت تا به وطن بازگردد.

در این هنگام سلمان با سرعت به حضور امام علی علیه‌السلام آمده و جریان را به او خبر داد و از آن حضرت استمداد نمود تا آبروی اسلام را حفظ کند.

امام علی علیه‌السلام با دو فرزندش حسن و حسین علیهماالسلام وارد مسجد شد، وقتی که جمعیّت مسلمین او را دیدند، شادمان شدند و تکبیر گفتند، برخاستند و با احترام، آن حضرت را به پیش خواندند.

ابوبکر به راهب گفت: کسی که تو می‌خواستی حاضر شد، هرچه سؤال داری از او بکن.

راهب به آن حضرت رو کرد و گفت: نام تو چیست؟

علی: نام من در نزد یهود «الیا» و در نزد مسیحیان «ایلیا» و نزد پدرم «علی» و نزد مادرم «حیدر» است.

راهب: چه نسبتی با پیامبر داری؟

علی: او برادر و پسر عموی من است و من داماد او هستم.

راهب: به حق عیسی علیه‌السلام مقصود و گم شدهٔ من تو هستی، اکنون به من خبر بده: آن چیست که برای خدا نیست، و در نزد خدا نیست، و خدا آن را نمی‌داند؟!

علی: آن چیست که برای خدا نیست، فرزند و همسر است، و آنکه در نزد خدا نیست، ظلم است که به بندگان تعلق نمی‌گیرد، و آنکه خدا آن را نمی‌داند، شریک است که در ملک خود آن را برای خود نمی‌داند.

راهب تا پاسخ‌ها را شنید برخاست و زُنّار و کمربند گذاشت و سر امام علی علیه‌السلام را در آغوش گرفت و بین دو چشم آن حضرت را بوسید و گفت: گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست، و محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله رسول خداست و تو جانشین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امین امّت و معدن حکمت و این دین و سرچشمه‌ی علم و برهان هستی، نام تو در تورات «الیا» و در انجیل «ایلیا» و در قرآن، «علی» و در کتاب‌های پیشین «حیدر» است، من تو را وصی به حقّ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یافتم، و تو بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سزاوار مقام رهبری هستی. سزاوار است که تو در این مجلس بنشینی، بگو بدانم سرگذشت تو با این قوم چیست؟

امام علی علیه‌السلام پاسخ خلاصه‌ای به او داد.

آنگاه راهب برخاست و همهٔ اموال خود را به آن حضرت تقدیم کرد، امام علی علیه‌السلام آن را گرفت و در همان مجلس بین مستمندان مدینه تقسیم نمود، راهب و همراهان در حالی که مسلمان شده بودند به وطن بازگشتند.[1]

جمعه بازار شیاطین

عطاء خراسانی [از قاریان و مفسّران صدر اسلام] از قول کنیز همسرش امّ‌عثمان نقل نمود که گفت: از علی علیه‌السلام شنیدم ـ بر فراز منبر مسجد کوفه ـ می‌فرمود چون روز جمعه فرا رسد، شیاطین به وقت صبح با پرچم‌های خود به بازارها می‌روند و مردم را از طریق قرار دادن موانعی فریبنده بر سر راه، از رفتن به نماز جمعه باز می‌دارند.

---

۱. احتجاج طبرسی: ج ۱، ص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ الغدیر: ج ۷، ص ۱۷۸.

و فرشتگان بامدادان بر در مسجد می‌نشینند و نام افراد را از ساعات اول و دوم می‌نویسند تا هنگامی که امام جمعه بیرون می‌آید برای نماز.[۱]

محراب، نزدیک‌ترین نقطه‌ی اوج

میسّر نگردد به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت

امام علی علیه‌السلام به سوی مسجد روانه شد طبق معمول دو رکعت نماز خواند و سپس بالای بام رفت تا اذان بگوید، با صدای بلند اذان گفت که صدایش به گوش کل ساکنان کوفه می‌رسید، پس از بام پائین آمد و به محراب رفت و مشغول نماز نافله‌ی صبح شد. وقتی خواست سر از سجدهٔ اول رکعت اوّل بردارد، ابن‌ملجم لعین شمشیر را بر فرق مقدس آن حضرت زد و آن امام را در حال عبادت و خواندن نماز شهید نمود. چه زیباست که انسان در حال عبادت شهید شود و بگوید: «**فُزْتُ وَ رَبُّ الکَعْبه**».

مراسم ازدواج فاطمه علیهاالسلام

امام باقر علیه‌السلام ازدواج علی و فاطمه را از قول جابر چنین بیان می‌کند: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خواست که فاطمه را به ازدواج علی علیه‌السلام درآورد، به او فرمود: ای ابوالحسن، به مسجد برو، من نیز در پی تو به مسجد خواهم آمد و در حضور مردم تو را به همسری فاطمه درخواهم آورد. و شمّه‌ای از فضائلت را ـ که بدان چشمت روشن شود ـ بازگو خواهم کرد.

علی علیه‌السلام گوید: من از نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خارج شدم در حالی که از شدّت شادی و سرور در پوست نمی‌گنجیدم. در میان راه ابوبکر و عمر با من روبرو شدند و گفتند: ای ابوالحسن، چه خبر؟ گفتم: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا به ازدواج فاطمه درمی‌آورد و آگاهم ساخت که خداوند او را به ازدواج من درآورده است. اینک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از پی من روانه‌ی مسجد است تا در محضر مردم آن را بیان فرماید. آن دو شادمان همراه من به مسجد درآمدند.

---

۱. حدیث مسجد: ص ۱۳۱، ح ۱۸۳؛ از سنن ابوداوود: ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵۱.

علی علیه‌السلام گوید: به خدا سوگند، هنوز میان مسجد نرسیده بودیم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ما پیوست در حالی که چهره‌اش از شدّت شادی و سرور می‌درخشید، آنگاه فرمود: بلال کجاست؟ پاسخ داد: لبّیک، در خدمتم یا رسول الله پرسید: مقداد کو؟ جواب داد: گوش به فرمانم ای رسول خدا. سپس پرسید: سلمان کجاست؟ پاسخ داد: فرمانبردارم، ای رسول خدا. سرانجام فرمود: ابوذر کجاست؟ عرض کرد: فرمان پذیرم ای رسول خدا.

هنگامی که همگی در برابر دیدگان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفتند، فرمود: برخیزید و به اطراف مدینه بروید و مهاجران و انصار و مسلمانان را فراهم آورید. آنان فرمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اجابت کردند و آن حضرت پیش آمد و بر بالاترین پلّه‌ی منبر نشست.

چون مسجد از مسلمانان پر شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برخاست و حمد و ثنای الهی را به جای آورد و فرمود: سپاس مخصوص خداوندی است که آسمان را برافراشت و زمین را گستراند... .

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ضمن ایراد سخنرانی خطبه‌ی عقد را خواندند و همه مسلمانان برای آن دو دعا کردند.[1]

در هفت سالگی

امام حسن در هفت سالگی، به مسجد می‌رفت، و پای منبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نشست و آنچه در مورد وحی، از آن حضرت می‌شنید، به منزل، باز می‌گشت و برای مادرش فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام نقل می‌کرد (همچون یک خطیب، روی متّکائی می‌نشست، و سخنرانی و در ضمن؛ آنچه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فراگرفته بود، بیان می‌کرد).

حضرت علی علیه‌السلام هرگاه وارد منزل می‌شد و با فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام سخن می‌گفت، درمی‌یافت که فاطمه علیهاالسلام آنچه از آیات قرآن، نازل شده، اطّلاع دارد، از او پرسید:

«با اینکه شما در منزل هستید، چگونه به آنچه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد بیان کرده، آگه هستی؟!».

---

۱ . بحار الانوار: ج ۱۰۰ ، ص ۲۶۹ ـ ۲۷۱ ، ح ۲۱ .

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام جریان را به عرض رساند، که این آگاهی، از ناحیهٔ فرزندت حسن علیه السلام به من انتقال می‌یابد.

روزی علی علیه السلام در خانه مخفی شد، حسن علیه السلام که در مسجد، وحی الهی را شنیده بود، وارد منزل شد و طبق معمول، بر متّکا نشست، تا به سخنرانی بپردازد، ولی لکنت زبان پیدا کرد، حضرت زهرا علیها السلام تعجّب نمود!، حسن علیه السلام به مادر عرض کرد: «تعجّب مکن، چرا که شخص بزرگی، سخن مرا می‌شنود، و استماع او مرا، از بیان مطلب، بازداشته است».

در این هنگام علی علیه السلام از مخفیگاه خارج شد و فرزندش، حسن علیه السلام را بوسید.[۱]

امام حسن علیه السلام در مسجد کوفه

در آن هنگام که امام حسن علیه السلام در کوفه بود، وقتی معاویه بر اوضاع مسلّط شد، به کوفه آمد، جمعی از طرفدارانش به او گفتند:

«حسن بن علی علیه السلام در نظر مردم کوفه مقامی بس ارجمند دارد، اگر او را به اجبار وارد مسجد کنی، و در ملأعام بر بالای منبر بروی و او را در حضرو مردم سرافکنده کنی، کار شایسته‌ای نموده‌ای، معاویه این پیشنهاد را نپذیرفت، آنان اصرار کردند، سرانجام معاویه پذیرفت، برای نماز به مسجد آمد و جمعیّت در مسجد بودند، امام حسن علیه السلام را ناگزیر به مسجد آوردند معاویه بالای منبر رفت و بسیار هتّاکی کرد و به ساحت مقدّس حضرت علی علیه السلام ناسزا گفت.

همانندم امام حسن علیه السلام برخاست و فریاد زد: این پسر جگر خواره، آیا تو به امیرمؤمنان علی علیه السلام ناسزا می‌گویی، با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

«هرکس به علی علیه السلام ناسزا بگوید به من ناسزا گفته، و هر کس به من ناسزا بگوید، به خدا ناسزا گفته، و کسی که به خدا ناسزا بگوید، خدا او را داخل دوزخ می‌کند، به طوری که تا ابد در دوزخ بماند».

سپس امام حسن علیه السلام به صورت اعتراض، مجلس را ترک کرد.[۲]

---

۱ . سفینة البحار: ج ۱، ص ۲۵۴ .

۲ . احتجاج طبرسی: ج ۱، ص ۱۴۵ .

گریه‌های معصومین علیهم‌السلام

امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:

«در مسجد نشسته بودیم ناگاه مؤذّن بر بالای مناره رفت و فریاد زد: «اللّه اکبر، اللّه اکبر».

«**فبکی أمیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب علیه‌السلام و بکینا ببکائه**».

«آنگاه امیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب گریست و با گریه‌اش ما نیز گریستیم».

هنگامی که مؤذّن، اذان را به پایان رساند، فرمود: آیا می‌دانید مؤذّن چه می‌گوید: گفتیم: خدا و رسول و وصیّ او بهتر می‌دانند.

آنگاه فرمود: اگر بدانید چه می‌گوید، بسیار کم می‌خندید و بسیار زیاد می‌گریید...».[۱]

در آستانه‌ی مسجد

در حالات امام سجّاد علیه‌السلام آمده است که سیره‌ی آن حضرت چنین بود که هنگام وضو بند از بندش می‌لرزید و رنگش زرد می‌شد. وقتی از ایشان در این باره پرسیدند، فرمود:

«**حَقٌّ عَلیٰ کلّ مَنْ وَقَفَ بین یَدَیْ ربِّ العرشِ أن یَصْغَرَّ لَوْنُه، وتَر تَعِدَّ مَفاصِلُهْ، وکانَ علیه السلام إذا بَلَغَ بابَ المسجدِ رَفَعَ رأسَه ویقولُ: إلهی ضیفُکَ ببابِکَ، یا مُحْسِنُ قد أتاکَ المُسی، فتجاوَزْ عَن قَبیحِ ما عِنْدي بِجَمیلِ ما عِنْدَکَ، یا کریم...**».[۲]

«شایسته است هرکس در برابر پروردگار می‌ایستد رنگش زرد گردد و مفاصلش بلرزد و ایشان هنگام رسیدن به در مسجد، سرش را بلند و می‌کرد و عرض می‌کرد: خداوندا میهمانت بر در خانه‌ات آمده است،

---

۱ . حدیث مسجد: ص ۷۲ ، ح ۶۲ ؛ از بحار الانوار: ج ۸۴ ، ص ۱۳۱ ، ح ۲۴ .
۲ . حدیث مسجد: ح ۳۲۵ ؛ بحار: ج ۴۳ ، ص ۳۳۹ ، ح ۱۳ .

ای خدواند احسان کننده، بنده‌ی گناهکارت نزد تو آمده، پس به نیکی آنچه نـزد تـوست تـو را سـوگند مـی‌دهم کـه از اعـمال قـبیح مـن در گـذری ای کریم».

از پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن آداب ورود، این دعاها نیز نقل شده است:

«بِسْمِ اللّه و عَلی اللهِ توَکَّلْتُ، لاٰ حَوْلَ ولاٰ قُوَّةَ إلّا بِاللّهِ».

و هنگام خروج:

«بِسْمِ الله و أعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَیْطانِ الرَّجیم».[1]

دعاهای دیگری نیز در این باب رسیده است، مثل قرائت آیةالکرسی، معوّذتین، و غیره. در این باره رجوع شود به احادیثی در بحار: ج ۸۴، ص ۲۴، ح ۱۶ و ج ۴۳، ص ۳۳۹ و ج ۸۳، ص ۳۴۸ و ص ۹۸، ح ۶۸؛ و تهذیب الأحکام: ج ۲، ص ۶۵، ص ۱ و ج ۳، ص ۲۶۳ و نظایر آن.

امام سجادعلیه‌السلام در مسجد جامع شام

پس از قیام خونین کربلا، به هنگام اسارت اهل‌بیت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در شام روز جمعه‌ای، برای اقامه‌ی نماز جمعه در مسجد شام حاضر شدند و حضرت سجّادعلیه‌السلام را که در اسارت بود به مسجد آوردند.

به دستور یزید، خطیب او به منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی، و تمجید امویان و یزید، سخن خود را با سبّ و بدگویی به حضرت امام علی و امام حسینعلیهماالسلام آغاز کرد.

در این موقع حضرت سجّادعلیه‌السلام فریاد زد:

«وَیلك أیّها الخاطِب اشتریت مرضات المخلوق بسخط الخالق...».[2]

«وای بر تو ای سخنران رضای مخلوق با سخط خالق خریداری کردی و برای خشنودی یزید خدا را به خشم آوردی».

آنگاه یزید را ـ بدون آداب و احترام و القاب ـ صدا زد و فرمود: اجازه بده بالای این چوب‌ها بروم و غیره.

---

۱ . حدیث مسجد: ح ۳۱۰؛ بحار الأنوار: ج ۸۴، ح ۲۶، ص ۱۹ .

۲ . نفس المسموم: ص ۲۸۴ .

یزید بر اثر فشار افکار عمومی ناچار شد اجازه دهد، حضرت با خطبه‌ای بسیار افشاگر، بنی‌امیه را رسوا و قیام کربلا را جاودانه ساخت... .

مساجد در شب تار

محمد بن منکدر ـ که روحیه‌ای مقدس مآبانه و خودپسند داشته است ـ می‌گوید: امام باقر علیه‌السلام را در شبی تاریک و بشدّت ظلمانی دیدم که به مسجد می‌رفت و من به سرعت رفتم تا به او رسیدم و سلام کرد، جواب سلامم را داد و فرمود: ای محمد بن منکدر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«**بشّر المشّائین إلی المساجد في ظلم اللیل بنور ساطع یوم القیامة**».

«آنان را که در تیرگی شب به مسجد می‌روند، به نوری ساطع در قیامت بشارت باد».

نیز محمد بن منکدر گوید: از امام کاظم علیه‌السلام شنیدم که به نقل از پدرش علیه‌السلام فرمود:

«بهشت و حوریان مشتاق کسی هستند که مسجدها را جارو و غبارروبی کند».[1]

حضرت امام صادق علیه‌السلام:

«پدرم امام باقر علیه‌السلام هرگاه حاجتی از خدا می‌خواست، هنگام ظهر از خداوند درخواست می‌نمود، او هرگاه حاجتی داشت، ابتدا چیزی را در راه خدا صدقه می‌داد، بوی خوش به کار می‌برد، آنگاه به سوی مسجد می‌شتافت و حاجت خود را در آنجا از خداوند می‌طلبید».

داود بن فرقد نیز می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: همواره هرگاه حاجتی از خداوند دارم، هنگام ظهر برای دعا به مسجد می‌روم.[2] آن حضرت در شبی از شب‌های قدر با آنکه به سختی بیمار بود، دستور داد وی را با همان حال بیماری به مسجد ببرند تا در خانهٔ خدا به دعا و عبادت

---

۱ . حدیث مسجد: ص ۱۱۵ ؛ نقل از الکافی: ج ۲ ، ص ۶۳۵ ، ح ۳ .
۲ . ر.ک: بحارالانوار، علّامه محمدّد باقر مجلسی: ج ۴۷ ، ص ۳۴۷ ، ش ۴۴ .

بپردازد.[۱] وقتی فشارهای سیاسی امویان بر پیروان امام سجّاد علیه السلام شدّت یافت، آن حضرت، فرزندگرامی‌اش، امام باقر علیه السلام را فرمان داد تا به مسجد برود و برای رفع گرفتاری‌های شیعیان دعا کند. امام باقر علیه السلام به مسجد رفت؛ دو رکعت نمازگزارد، گونهٔ خود را بر خاک نهاد و برای رفع گرفتاری‌ها دعاکرد و دعای او کارگر افتاد.[۲]

شواهدی در دست است که مسلمانان صدر اسلام، بر این باور بودند که به هنگام بروز حوادث سخت باید در مسجد حاضر شوند و دعاکنند.[۳] آنان مسجد را محضر خاصّ حقّ تعالی و جایگه فرود آمدن رحمت گستردهٔ او می‌دانستند. ماجرای پناه آوردن ابولبابه به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی، این باور مسلمانان را روشن می‌کند.

بر پایهٔ آنچه برخی از مفسّران در شأن نزول آیهٔ ده از سوره‌ی توبه بیان کرده‌اند، در جنگ تبوک نیز گروهی از مسلمانان[۴] که بدون عذر از حضور در جنگ خودداری کرده بودند، از سر توبه و ابراز پشیمانی به مسجد پناه آوردند و برای جلب رحمت خاصّ خداوند خود را به ستون‌های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بستند.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که در صدر اسلام، مسلمانانی که دچار خطا و لغزش می‌شدند و خود را نیازمند به لطف و احسان ویژه‌ی خداوند می‌دانستند، به مسجد پناه می‌آوردند، زیرا این جایگاه مقدّس را جلوه‌گاه رحمت خاصّ خداوند مهربان می‌دانستند. این باور مسلمانان مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قرارگرفته بود.

بر پایهٔ نقلی، آنان که پس از جنگ تبوک خود را به ستونهای مسجد بستند نیز به‌دست پیامبر صلی الله علیه و آله ریسمان از آنها گشوده شد.[۵]

---

۱ . وسائل الشیعة: ج ۵ ، ص ۵۳ ، ح ۸۷ .
۲ . ر.ک: همان منبع: ج ۴۶ ، ص ۲۰ ، ح ۶۱ .
۳ . ر.ک: همان منبع: ج ۴۶ ، ص ۲۷۸ .
۴ . برخی، نام ابولبابه را نیز در شمار افراد این گروه ذکر کرده‌اند. ر.ک: مجمع البیان في تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی: ج ۵ ، ص ۶۷ .
۵ . ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی: ج ۵ ، ص ۶۷ .

دعای امام صادق علیه السلام در سهله

بَشّار مُکاری می‌گوید: در کوفه به محضر امام صادق علیه السلام رسیدم، طبقی خرمای بسیار مرغوب طبرزد در نزد حضرت بود و میل می‌فرمود، فرمود: ای بشّار پیش بیا و بخور.

عرض کردم: خدا گوارایت کند و مرا فدایت گرداند، نمی‌توانم بخورم زیرا در راه صحنه‌ای غمناک دیدم که غصه گلوگیرم شده و دلم را به درد آورده است، فرمود: به حقّ خودم سوگند می‌دهم که پیش بیایی و میل کنی؛ از این رو جلو رفتم و خوردم.

آنگاه از من پرسید: چه شده است؟

عرض کردم: در راه دیدم نیروهای گارد حکومتی بر سر زنی می‌زدند و به زندانش می‌بردند، و آن زن با صدای بلند فریاد می‌زد: «المستغاث باللّه و رسوله» و کسی به دادش نمی‌رسید.

امام پرسیدند: چرا با او چنین می‌کردند؟ گفتم: مردم می‌گفتند: این خانم در راه لغزید، با پهلو به زمین خورد، به یاد ضربهٔ فاطمه علیها السلام گفت: «**لعن الله ظالميك يا فاطمة**». «ای فاطمه، خدا جفاکارانت را لعنت کند». از این رو او را می‌زدند و می‌بردند.

بشار گوید: امام علیه السلام به قدری ناراحت شد که دست از غذا کشید، نتوانست تناول کند و گریان شد، همواره اشک می‌ریخت تا جایی که محاسن، دستمال و سینه‌اش از اشک خیس شد. آنگاه به من فرمود: «بشّار برخیز با هم به مسجد سهله برویم و نجاتش را از خدا بخواهیم».

بشّار گوید: امام شخصی از شیعیان را به سوی دارالإماره فرستاد و فرمود: اوضاع را بررسی کن و جایی نرو تا قاصدم بیاید و اگر خبری شد هر جا باشیم به ما برساند.

ما به طرف مسجد سهله روانه شدیم و هر یک دو رکعت نماز خواندیم، آنگاه امام صادق علیه السلام دست بر آسمان این دعا را خواند: «**أنتَ اللّه**...» تا آخر دعا، سپس به سجده افتاد که من جز نَفَس، چیزی از او نمی‌شنیدم، سپس سر برداشت و فرمود، برخیز، آن زن آزاد شد.

با هم بیرون شدیم، در بین راه بودیم که آن مرد شیعه‌ای که حضرت به درِ دارالإماره فرستاده بود، به ما ملحق شد، فرمود: چه خبر، عرض کرد: ایستاده بودم که یک مأمور آمد و زن را

از بازداشتگاه بیرون آورد و از زن پرسید: چه گفتی؟ زن جواب داد: بر زمین خوردم، سپس گفتم: «**لعن الله ظالميك يا فاطمه**» این گونه با من رفتار شد.

مأمور، دویست درهم به او داد و گفت: این را بگیر و امیر را حلال کن. آن زن نگرفت، وی نزد امیر رفت و ماجرا را شرح داد و برگشت و به زن گفت: تو آزادی، برو، و زن به‌طرف خانه‌اش رفت.

امام علیه‌السلام پرسید: دویست درهم را نگرفت؟ شیعه پاسخ داد: آری، با آن که به خدا قسم به آن پول‌ها نیاز داشت، نگرفت.

آن گاه امام صادق علیه‌السلام کیسه‌ای حاوی هفت دینار [طلا] از جیب خود در آورد و گفت: این را به منزلش ببر و سلام مرا به آن زن برسان.

با هم رفتیم و سلام امام علیه‌السلام را به او ابلاغ کردیم.

زن با شگفتی پرسید: تو را به خدا. امام جعفر بن محمد به من سلام رسانده است؟

به زن گفتم: خدا خیرت دهد به خدا قسم جعفر بن محمد به تو سلام می‌رساند، از خود بی‌خود شد، گریبان چاک زد و مدهوش بر زمین افتاد. بشّار مکاری گوید: صبر کردیم تا به هوش آمد و گفت: دوباره بگو. ماجرا را اعاده کردیم، باورش نمی‌شد تا سه بار تکرار کردیم و به او گفتیم: این مژدگانی را از امام صادق علیه‌السلام بپذیر، دینارها را گرفت و گفت: از او بخواهید برایم دعا کند تا خدا مرا بیامرزد، زیرا احدی را نمی‌شناسم که برای توسّل به درگاه خدا، از آن امام و آبا و اجدادش ـ صلوات الله علیهم ـ مؤثّرتر باشد؛ ما نزد امام علیه‌السلام برگشتیم، هنگامی که با امام سخن می‌گفتیم، می‌گریست و برایش دعا می‌فرمود.

از فرصت استفاده کردم، پرسیدم: کاش می‌دانستم چه زمان فرج آل‌محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را خواهم دید.

فرمودند: ای بشّار، هنگامی است که آن ولی اللّه که چهارمین تن از فرزندان من است از دنیا رود، در دشوارترین شهرها و میان شرورترین بندگان، آنگاه است که به همه بنی‌فلان [بنی‌عباس] مصیبتی خواهد رسید. آن زمان را که دیدی، وقتی است که کار حکومت‌شان دشوار

و تنگ گردد، «ولا مرَّ لأمر اللّه»؛ «کسی نمی‌تواند، از خواست خدا جلوگیری کند».[۱]

معامله‌ای معنوی مقابل مسجد

از امام جواد علیه‌السلام نقل شده است که امام صادق علیه‌السلام اسبی داشت، هر وقت به مسجد می‌رفت بر آن سوار می‌شد، غلام ایشان آن اسب راکنار مسجد نگه می‌داشت، روزی مردی خراسانی نزد غلام رفت و گفت: این اسب از کیست و نام آقای تو چیست؟ او گفت: من غلام امام صادق علیه‌السلام هستم و این اسب از آن حضرت است، آن مرد به غلام گفت: ممکن است با من یک معامله بکنی و آن اینکه همه‌ی ثروتم را به تو بدهم و این شغل خود را به من بدهی، من ثروت بسیار در خراسان از ده و مزرعه دارم، می‌نویسم همهٔ اموالم را بگیری و شغل خود را به من بدهی، من مملوک شوم و تو آزاد.

غلام گفت: باید از مولای خود اجازه بگیرم، چون امام از مسجد بیرون آمد و برحسب معمول سوار بر اسب شد و غلام در خدمت آن حضرت به منزل آمد، غلام اسب را در بهاربند بست و به حضور امام شرفیاب شد، و عرض کرد، من مدت‌ها در خدمت شما هستم و از نوکری مضایقه ندارم، حال اگر اقبالی به من روی داد شما دربارهٔ آن مضایقه چه می‌فرمائید؟!

آن حضرت فرمود: نه فقط مضایقه نمی‌کنم، بل کمک هم می‌کنم، عرض کرد: مردی خراسانی آمده و چنین می‌گوید و جریان را گفت.

حضرت فرمود: اختیار با خود توست، آزادی، اگر میل داری برو.

غلام عرض کرد: منظورم مشورت با شماست.

صلاح من در چیست، امام فرمود: نظر به اینکه مدت طولانی این جا هستی و انس و محبت بین ما پیدا شده است، لازم می‌دانم تو را نصیحت کنم، این مرد که راضی است آزادی خود را تبدیل به بندگی کند و از آن همه مال و ثروت خود بگذرد، و از شهر و وطن قطع علاقه کند و قبول خدمت کرده و غلام شود، دیوانه نیست، مردی است شریف و بزرگوار و با ایمان، چون روز قیامت شود، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به نور لطف خدا و عنایت حق تعالی می‌پیوندند و علی علیه‌السلام و همچنین حضرت صدیقه‌ی طاهره علیهاالسلام و پیشوایان دین و امامان معصوم همه با همند

---

۱ . بحار الانوار: ج ۴۷ ، ص ۳۷۹ ـ ۳۸۱ .

و از یکدیگر جدا نیستند، پیروان و خدمتگذاران ما نیز با ما هستند، و مقامی که در دنیا داشته‌اند، در عالم آخرت محفوظ و همان ارتباط برقرار است، غلام تأمّلی کرد و گفت: یابن رسول الله نمی‌روم و به هیچ قیمت این مقام را از دست نمی‌دهم.

من از آن روز که در بند توام آزادم — پادشاهم چو بدام تو اسیر افتادم
همه غم‌های جهان هیچ اثر می‌نکند — ور من از بسکه بدیدار عزیزت شادم
خرم آن روز که جان می‌رود اندر طلبت — تا بیایند عزیزان به مباک بادم
من که در هیچ مقامی نزدم خیمه‌ی انس — پیش تو رخت بیفکندم و دل بنهادهم
دانی از دولت وصلت چه طمع من دارم — یاد تو مصلحت خویش ببرد از یادم
سخن راست نیاید که چه شیرین سخنی — وین عجبتر که تو شیرینی و من فرهادم[۱]

امام رضا علیه‌السلام در مسجد مدینه

ابواصلت هروی ـ در باره‌ی تلاش‌ها و ارشادات علمی امام رضا علیه‌السلام در مسجد ـ می‌گوید: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: برنامهٔ من چنین بود که در روضه [کنار مرقد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد مدینه] می‌نشستم، با آنکه شمار عالمان در مدینه زیاد بودند، هرگاه یکی از آنان در مسئله و موضوعی درمی‌ماند و با مشکل مواجه می‌شد، همگی به من اشاره می‌کردند و مشکلات را نزد من می‌فرستادند و من پاسخگو بودم.[۲]

سرگرمی‌های دنیوی در مسجد

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«إنّ أمیرالمؤمنین علیه‌السلام رأی قاصّاً[۳] في المسجد فضَربَه بالدّرة و طردَه».[۴]

---

۱ . داستان‌ها و پندها: ج ۳، ص ۵۰.
۲ . بحار الانوار: ج ۴۹، ص ۱۰۰.
۳ . برخی «قاص» را آرایشگر معنا کرده‌اند. سیمای مسجد: ج ۱، ص ۳۲۵؛ و طبق کتب لغت معنای بالا صحیح است. ر.ک: المعجم الوسیط، (قصص).
۴ . وسائل الشیعة: ج ۳، ص ۴۹۶، باب ۱۷، ح ۳.

«امیر المؤمنین علیه السلام داستان‌پردازی و قصه‌گویی را در مسجد دید ـ که معرکه گرفته و مردم را سرگرم کرده است ـ وی را با تازیانه زد و از مسجد بیرونش کرد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز روزی در مسجد به مردی که تیرهای خود را می‌تراشید برخورد نمودند، وی را از این کار در مسجد منع کردند و فرمودند:

«**إنّها لِغیر هذا بُنیَت**».[1]

«مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند».

اهتمام به نماز جماعت صبح

عبدالله سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه نماز صبح را با اصحاب خویش به جای آورد، رو به آنان کرد و درباره‌ی افرادی ـ با ذکر نام ـ جویا شد که آیا در نماز جماعت حضور دارند؟ گفتند: خیر، حاضر نیستند ای رسول خدا. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا در مسافرت‌اند؟ گفتند: خیر، ای رسول خدا.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **أما إنّه لیس مِن صلاةٍ أشدّ علی المنافقین من هذه الصلاة والعشاء؛ ولو علموا أیّ فضلٍ فیهما لأتوهما ولو حَبْواً.** یعنی نمازی برای منافقان، شکننده‌تر از نماز صبح و عشا نیست؛ اگر مؤمنان می‌دانستند که این دو نماز چه فضیلتی دارد؛ با حالت سینه‌خیز هم که بود خود را می‌رساندند و در آن شرکت می‌کردند».[2]

---

۱ . سیمای مسجد: ج ۱ ، ص ۳۲۵ .

۲ . وسائل الشیعة: ج ۵ ، ص ۳۷۸ ، باب ۳، ح ۱ و ر.ک: صحیح مسلم: ج ۵ ، ص ۱۵۴ .

عنایت حضرت امام جواد علیه‌السلام

علی بن خالد می‌گوید: در شهر سامرا، با خبر شدم مردی را دست بسته از شام آورده و در این جا به زندان انداختند، و می‌گویند: ادعای پیامبری دارد.

به زندان رفتم و با مأموران زندان محبّت کردم و خواستم تا مرا نزد او بردند، ولی وقتی از نزدیک او را دیدم، وی را مردی با شخصیت با فهم و خردمند یافتم، پرسیدم: داستان تو چیست؟

گفت: در شام در محلی که می‌گویند سر مقدس سیدالشهدا حسین بن علی علیه‌السلام را در آنجا نصب کرده بودند، عبادت می‌کردم، یک شب در حالی که به ذکر خدا مشغول بودم ناگهان شخصی را جلو خود دیدم که به من گفت: برخیز.

من نیز برخاستم و به همراه او چند قدمی پیمودم که دیدم در مسجد کوفه هستیم. از من پرسید: این مسجد را می‌شناسی؟[1]

گفتم: آری مسجد کوفه است. در آنجا نماز خواندیم و بیرون آمدیم. باز اندکی راه رفتیم که دیدم در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه هستیم. تربت پیامبر را زیارت کردیم، و در مسجد نماز خواندیم و بیرون آمدیم. اندکی راه پیمودیم که خود را در شام و در جای خود یافتم و آن شخص از نظرم پنهان شد.

از آنچه دیدم در تعجب و شگفتی ماندم، تا یک سال گذشت و باز همان شخص آمد و همان مسافرت و ماجرا که سال پیش دیده بودم به همان شکل تکرار شد. اما این بار وقتی می‌خواست از من جدا شود او را سوگند دادم که خود را معرفی کن لذا فرمود:

«من، محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن أبی‌طالب، هستم».

این داستان را برای برخی نقل کردم و خبر آن به «محمد بن عبدالملک زیّات» وزیر معتصم خلیفه‌ی عباسی رسید، لذا فرمان داد تا مرا بند کرده به اینجا آورند و زندانی سازند. و به دروغ شایع کنند که من ادّعای پیامبری کرده‌ام.

علی بن خالد می‌گوید: به او گفتم: می‌خواهی ماجرای تورا به «زیّات» بنویسم تا اگر از حقیقت ماجرا مطلع نیست مطلع شود؟

---

۱. بحار: ج ۵۰، ص ۴۷ به نقل از خرائج راوندی.

گفت: بنویس. داستان را به «زیّات» نوشتم و در پشت همان نامه‌ی من پاسخ داد: «به او بگو از کسی که یک شبه او را از شام به کوفه و مدینه و مکه برده و بازگردانده است بخواهد تا از زندان نجاتش دهد».

از این پاسخ اندوهگین شدم، و فردای آن روز به زندان رفتم تا پاسخ را به او بگویم و او را به صبر و شکیبایی توصیه نمایم. امّا دیدم زندانبانان و پاسبانان و بسیاری دیگر ناراحت و مضطرب هستند. پرسیدم: چه شده است؟

گفتند: مردی که ادّعای پیامبری داشت، دیشب از زندان بیرون رفته و نمی‌دانیم چگونه رفته است؟ به زمین فرو رفته و یا به آسمان پرواز کرده است؟! هرچه جست‌وجو کردند اثری از او به دست نیاوردند.[۱]

حضرت مهدی علیه‌السلام

حبّهٔ عرنی، از اصحاب امیرمؤمنان علیه‌السلام گوید: امیرمؤمنان علیه‌السلام از کوفه به طرف حیره[۲] روانه بود، در بیرون شهر فرمود: «**لَتُصَلّنّ بهذه...**» حتماً در این جا اقامهٔ نماز خواهد شد و با اشارهٔ دست به سوی کوفه و حیره فرمود: تا آن جاکه مساحت یک زراع زمین بیابان بین کوفه و حیره به دینارها فروخته خواهد شد وحتماً در حیره مسجدی با پانصد باب برای حضرت قائم عجل‌الله تعالی فرجه بنا می‌شود، زیرا مسجد کوفه گنجایش آنان را ندارد و قطعاً در آن مسجد دوازده امام عادل نماز می‌گزارند.

پرسیدم یا امیرالمؤمنین: آیا این مسجدی که وصف آن را بیان می‌فرمایید، در آن روزگاران گنجایش آن جمعیت را خواهد داشت؟

فرمودند: برای او چهار مسجد بنا شود، که مسجد کوفه کوچک‌ترین آنهاست و این دو مسجد دیگر در دو طرف کوفه از آن طرف و این طرف بنا شود و اشاره کردند به طرف بصری‌ها و نجفی‌ها.[۳]

---

۱ . ارشاد مفید: ص ۳۰۴؛ اعلام الوری: ص ۳۳۲؛ الفصول المهمّة: ۲۸۹ .
۲ . روستایی نزدیک کوفه و تبعیدگاه دوساله امام صادق علیه‌السلام بوده است.
۳ . التهذیب: ج ۳، ص ۲۵۳؛ معجم اعلاحم والفتن: ج ۴، ص ۲۱۰ .

بخش دوّم

معماری و آداب مساجد

معماری مساجد و بهداشت جسمی و روانی انسان

▣ محمد ربانی خوراسگانی

▣ چکیده

مقاله با اشاره به اهمیت ویژه مراکز عبادی در ادیان الهی و انتخاب معماری صحیح را زمینه‌ساز نیل به اهداف مقدس معابد و مساجد معرفی نموده است؛ نگارنده در بخش نخست برخی از دستورات بهداشتی اسلام درخصوص مساجد همچون نظافت و آراستگی و نهی از تولید سروصداهای بلند و آزاردهنده را مطرح ساخته و در بخش دوم برخی از مصادیق رعایت سلامتی در معماری مسجد همچون برخورداری از نور و تهویه مناسب، رنگ‌آمیزی شاداب و رعایت بهداشت روانی را مورد توجه قرار داده است.

اشاره

از دیدگاه ادیان الهی، عبادت و اظهاربندگی و خضوع در برابر آفریدگار هستی اهمیت ویژه‌ای دارد و براین اساس، مکان عبادت از جایگاه والایی برخوردار است. در مکتب اسلام، به مسجد به عنوان «بیت‌الله» و مرکز عبادت و نیایش عبادالله توجه و عنایت خاصی شده است، چنان‌که از زمان تأسیس نخستین مسجد در زمان حیات پربرکت نبی اکرم ﷺ تا دوران کنونی، علی‌رغم فراز و نشیب‌هایی که مسلمین در طول تاریخ داشته‌اند مساجد همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. معماری مساجد نمودهایی از این توجه را به‌خوبی آشکار می‌سازد.

معماری می‌تواند زمینه‌ساز و تسهیل کننده نیل به اهداف مقدس و انسان‌ساز در مکان‌های عبادی باشد. با استفاده از متون اسلامی می‌توان استنتاج نمود که چنان‌چه مساجد با استمداد از دیدگاه‌های اسلام طراحی و ساخته و استفاده شود، دستیابی به سلامت جسمی و روانی مورد نظر مکتب اسلام نیز تسهیل خواهد شد.

در واقع بهره‌گیری از دستورهای جامع‌نگر و انسان‌ساز اسلام زمینه‌ساز اعتلای نقش مساجد در تأمین سلامت جسم و روح انسان‌هاست.

این مقاله، پس از نگاهی کوتاه به آیات و روایات مرتبط با مسأله، بعضی از مصادیق عینی رعایت بهداشت جسمی و روانی را در مساجد گوش زد می‌کند.

بخش اول: برخی از دستورهای بهداشتی اسلام درخصوص مساجد

۱. نظافت و پاکیزگی مساجد: در متون اسلامی علاوه بر دستورهایی که در بارهٔ عمران مساجد آمده، توصیه‌های بسیاری به نظافت و پاکیزگی مساجد شده است که ذیلاً برخی از آنها ذکر می‌شود:

ـ دستور تطهیر خانه خدا به حضرت ابراهیم علیه‌السلام:

﴿طهّرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود﴾.[۱]

ـ امام صادق علیه‌السلام از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت فرمود:

«هر که مسجدی را نظافت کند، حق تعالی ثواب آزاد کردن یک بنده را برای او بنویسد و اگر کسی به اندازهٔ دارویی که در چشم می‌ریزند از مسجد خاکروبه بردارد، خداوند دو بهره عظیم از رحمت به او کرامت فرماید».[۲]

ـ از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: کفش خود را (جهت حفظ پاکیزگی مسجد) نزدیک در مسجد، در مکان مشخصی محفوظ دارید.

در کتب فقهی نیز احکامی مبسوط در بارهٔ طهارت مساجد آمده است.[۳][۴]

---

۱ . بقره / ۱۲۵ .

۲ . مجلسی، محمدباقر، عین‌الحیوة، مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر: ص ۲۷۷ ـ ۲۷۵ ؛ ۵۷۴ ـ ۵۷۳ .

۳ . امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح المسائل، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، مسائل شماره ۷۹۸ الی ۸۶۵ .

۴ . رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲ .

۲. نظافت و بهداشت بدن و پوشاک نمازگزار: خداوند در قرآن کریم ضمن بیان خصوصیات مسجد قبا می‌فرماید:

﴿... فیه رجال یحبون ان یتطهروا...﴾.[۱]

«در آن مسجد کسانی هستند که دوست دارند از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها (ظاهری و باطنی، جسمی و روحی) پاک شوند...».[۲]

احادیثی بسیار در فضیلت ورود با طهارت به مسجد وارد شده است از جمله:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«**لا تدخل المساجد الا بالطهاره**».

«داخل مسجد نشوید مگر با طهارت».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«**علیکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض و من اتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه و کتب من زواره...**».

«برشما باد رفتن به مساجد، به‌درستی که مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند و هرکه با طهارت به مسجد رود خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و او را از زوار خودش محسوب دارد».[۳][۴]

هم‌چنین توصیه شده است نمازگزار قبل ورود به مسجد، ته‌کفش خود را بررسی کند تاکثیف و آلوده نباشد.

در مورد لباس نمازگزار نیز احکام فقهی متعددی بیان شده، به نحوی که پاک بودن لباس نمازگزار و آلوده نبودن به نجاساتی چون خون، ادرار و مردار از جمله شرایط آن است.

---

۱. توبه / ۱۰۸.

۲. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۳. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۴. ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، المجلد الرابع، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲: ص ۳۹۰ ـ ۴۰۰.

همچنین استحباب پوشیدن لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و کراهت پوشیدن لباس سیاه و چرک و مسائلی دیگر در کتب فقهی بیان شده است.[۱][۲]

بدیهی است طهارت و پاکی جسم مرحله ابتدایی و مقدماتی طهارت روح است لذاانسان مسلمان باید از مرحله طهارت جسم گذر کند تا به طهارت روح دست یابد. مسجد مکان افراد پاک و مطهر از لحاظ جسم و روح است، چنان‌که در آیه ۲۸ سوره توبه، مشرکان ناپاک محسوب شده‌اند و حق ورود به مسجدالحرام از آنان سلب شده است.[۳]

امام خمینی‌ﷺ در بارهٔ اولویت تطهیر روح بر جسم پس از بیان آیه شریفه: ﴿رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین﴾ می‌نویسند:

«و سالک روشن ضمیر از دستور شرع مقدس به تطهیر ظاهر در حال نماز متفطن می‌گردد که نجاست باطن و آلودگی جان به مراتب بیشتر و شدیدتر از نجاست و آلودگی ظاهر تن است که به فرموده عارف رومی:

این نجاست ظاهر، از آبی رود
و آن نجاست باطن، افزون می‌شود
این نجاست بویش آید بیست گام
و آن نجاست بویش از ری تا به شام
بلکه بویش آسمان‌ها بر رود
بر دماغ حور و رضوان به شود

پس اعتنا به تطهیر دل و جان بیش از تطهیر تن و لباس کند...».[۴]

۳. آراستگی هنگام ورود به مساجد: در آیه ۳۱ سوره اعراف به مسلمانان توصیه شده است که در مساجد همراه با زینت حضور یابند:

﴿خذوا زینتکم عند کل مسجد﴾.

«در رفتن به مساجد زینت‌های خود را بردارید».

---

۱. امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح المسائل، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ : مسائل شماره ۷۹۸ الی ۸۶۵.
۲. نجفی، گودرز، راز نیایش، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ : ص ۷۰ ـ ۸۱.
۳. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.
۴. امام خمینی‌ﷺ، پرواز در ملکوت (اسرار الصلوة)، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹: ج ۱ ، ص ۱۲۸.

در متون اسلامی به حضور انسان به نحو مناسب در مساجد توصیه شده، چنان‌که استفاده از عطر و گلاب و امثالهم سفارش شده است.[۱]

برخی اظهار داشته‌اند که منظور آیه تنها آرایش ظاهری نیست؛ بل آراستگی معنوی را هم شامل می‌شود.[۲] علاوه براین، به خوشبو کردن مساجد نیز توصیه شده است.[۳]

٤. نهی از انداختن آب دهان در مساجد: از جمله اعمالی که انجام دادن آن‌ها در مسجد مکروه شمرده شده، انداختن آب دهان و بینی و خلط سینه در مسجد است.[۴]

بدیهی است که این مسأله، در پیشگیری از انتقال آلودگی‌های ناشی از عوامل عفونی نقشی مهم خواهد داشت.

۵. نهی از تولید سر وصداهای بلند و آزار دهنده در مساجد: امروزه در جهان مسأله آلودگی صوتی و عوارض آن بر انسان از جمله مسائل شایان توجه است.[۵] در متون اسلامی، برای حفظ حرمت و جایگاه والای مساجد، بانگ و آواز بلند در مساجد ناپسند شمرده شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش «ابوذر» مبنی بر این که چگونه مساجد خدا آباد می‌شود؟ فرمودند:

«با بلند نکردن صدا، به کارهای باطل مشغول نشدن، در مسجد خرید و فروش نکردن و ترک کارهای لغو در آن».[۶][۷]

---

۱. امام خمینی قدس سره، رساله توضیح المسائل، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴: مسائل شماره ۷۹۸ الی ۸۶۵.

۲. صبورادوبادی، احمد، آئین بهزیستی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷: ج ۱، صص ۶۹، ۱۲۷ ـ ۱۲۵، ۱۳۱.

۳. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۴. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۵. ربانی، محمد، نگرشی بر صدا و آن بر انسان با استفاده از متون دینی، فصلنامه علمی، آموزشی، تخصصی و تحقیق شنوایی‌شناسی، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۸.

۶. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.

۷. ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، المجلد الرابع، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲: ص ۳۹۰ ـ ۴۰۰.

این‌ها تنها گوشه‌ای از تعالیم اسلام بود. این گونه موارد، نشان دهنده آن است که اسلام برای حفظ حریم مساجد از جنبه‌های گوناگون، از جمله رعایت مسائل بهداشتی اهمیت زیادی قایل است و براین‌اساس باید در معماری مساجد به سلامت جسم و روح انسان توجه کامل شود.

بخش دوم: برخی از مصادیق رعایت سلامتی در معماری مسجد

به نظر می‌رسد در معماری مساجد باید به موارد زیر توجه شود تا زمینهٔ سلامت جسمی و روانی انسان فراهم شود:

۱. طراحی مکان‌های مناسب برای انجام دادن مقدمات نماز: در متون اسلامی توصیه شده است که افراد با طهارت به مساجد وارد شوند. براین اساس ضرورت دارد مکان‌های بهداشتی مناسب برای انجام دادن مقدمات نماز در نظر گرفته شود. ایجاد اماکن مناسب برای تخلی (مستراح)، وضو، استنشاق و مضمضه برای حفظ طهارت روحی و جسمی نمازگزاران ضرورت دارد.

با بهره‌گیری از اسلوب‌های صحیح معماری این‌گونه اماکن، می‌توان بنای مسجد را به نحوی طراحی نمود که ضمن کارآمدی مناسب و رفع نیازهای متداول نمازگزاران، از زیبایی، سادگی و وضعیت بهداشتی مناسب برخوردار باشد و از اسراف، تجملات بیهوده و به هدر رفتن سرمایه‌های ملی اجتناب شود.

به عنوان مثال، چنان‌که بعداً نیز اشاره خواهد شد باید ساختار و طراحی سرویس‌های بهداشتی به صورتی باشد که امکان انتقال آلودگی‌های عفونی به حداقل برسد و به‌علاوه در مصرف آب صرفه‌جویی شود.

۲. برخورداری از امکان نظافت و طهارت به نحو شایسته: با عنایت به لزوم پاکیزگی مساجد، معماری ساختمان آن باید به‌گونه‌ای باشد که امکان تمیز کردن، نظافت و طهارت به سهولت فراهم باشد.

مصالح ساختمانی مساجد در محل‌هایی که در معرض شستشو و نظافت است باید از مقاومت و استحکام لازم برخوردار باشد و حتی در مقابل ترکیبات شیمیایی که برای ضدعفونی کردن استعمال می‌شوند مقاوم باشد.

۳. برخورداری از نور و تهویه مناسب: نور و تهویه مناسب بر سلامت جسم و نشاط روحی انسان تأثیر دارد لذا در معماری مساجد باید به این دو نکته توجه شود.

۳.۱ـ برخورداری از نور مناسب: در مورد روشنایی مساجد احادیثی بسیار وارد شده است، از جمله: از نبی مکرم اسلام ﷺ روایت شده است:

«هرکه درمسجدی از مساجد خدا چراغی برافروزد تا زمانی که روشنایی چراغ درآن مسجد باشدپیوسته ملائکه و حاملان عرش برای او استغفار کنند».[۱][۲]

مهم‌ترین منبع نور، آفتاب است. ضرب‌المثلی ایتالیایی می‌گوید:

«آنجا که آفتاب داخل می‌شود پزشک وارد می‌گردد».

نور جان‌بخش آفتاب در سلامت انسان تأثیری مهم دارد. انوار آفتاب از عوامل مهم نابودکننده ویروس‌های عفونت‌زا است. پرتوهای آفتاب تعدادگلبول‌های سفید سطحی بدن را افزایش می‌دهد و در بهبود دردهای مفصلی و استخوانی مؤثر است.[۳]

لذا بهتر است در معماری مساجد با رعایت نکات زیر امکان بهره‌برداری مناسب از نور خورشید فراهم گردد:

ـ با طراحی صحیح ساختمان و با تعبیه پنجره‌های بزرگ در دیوار مساجد می‌توان از نور آفتاب در طول روز برای مدتی طولانی بهره گرفت.

ـ در مورد تدارک نور مناسب برای شب‌ها نیز طراحی شایسته به عمل آید تا نور از بالای سر بتابد؛ زیرا تغییرات ناگهانی در شدت نور موجب جمع شدن و اتساع پی‌درپی مردمک می‌شود.

ـ درخشندگی شدید چشمه نور بر اثر طولانی شدن مدت تطابق، سبب خستگی پی‌ها و عضلات چشم می‌گردد. بنابراین چشمه نور مصنوعی باید دارای شدت کافی و ثابت باشد.

---

۱. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و تقوی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.
۲. مجلسی، محمدباقر، عین الحیوة، مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر: ص ۲۷۷ ـ ۲۷۵ ، ۵۷۴ ـ ۵۷۳.
۳. مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

ـ روشنایی غیرمستقیم و نامرئی برای چشم مناسب‌تر است. بعد از نـور غـیرمستقیم، وسیله جانشین مناسب منبع نور ثابت است که به وسیله شیشه مات پوشیده شده باشد.(۱)

ـ روشنایی باید در حد معقول باشد؛ زیرا چنانچه شدت نور از حد معینی فراتر باشد چشم افراد خـیره و خسـته مـی‌شود.(۲) نـور کـم هـم سـبب خسـتگی چشـم‌ها مـی‌شود.(۳) جداول ویژه‌ای برای تعیین مقدار نور مکان‌های گوناگون وجود دارد.

ـ در انتخاب منبع نوری مناسب باید بـا بـهره‌گـیری از نـظریات کـارشناسان مـتعهد و با توجه به توان، مصالح ملی و شرایط اقلیمی عمل نمود.

۲ . ۳ ـ تهویه مناسب: استفاده از هوای پاکیزه توأم با روشنایی و حرارت مناسب آثـار و فوائدی بسیار در سلامت و تندرستی دارد.

هوای اطراف به واسطه حرارت، حرکت یا سکون، فشار، رطوبت و حتی بوی خوب، بر اعضای حسی و عصبی پوست بدن اثر می‌گذارد و در تنظیم حرارت، دم زدن، گردش خون وامثالهم اهمیت زیادی دارد. هوای تمیز و تازه سبب تحریک قوای فکری و نیز تحریک گردش خـون در مـویرگ‌ها مـی‌شود و در نـتیجه تـهویه در شش‌هـا بـهتر انـجام مـی‌گیرد.(۴) بر عکس، هوای نامطبوع موجب احساس ناراحتی، گرفتگی و مریضی می‌شود.

هوای محل تجمع افراد دائماً به واسطه تنفس، تبخیر عرق، تصاعد گازهای حـاصل از سوخت و غیره فاسد می‌شود. لذا به نتاسب حجم هوا باید منافذی برای دخول هوای تازه و تمیز وجود داشته باشد تا بتوان هرچه بیشتر هوای داخلی آن را تجدید کرد.(۵) و تهویه بهداشتی را فراهم نمود. تهویه بهداشتی عبارت است از فراهم کردن هوای خوب و عاری از میکروب، گازهای سمی، گرد و غبار و دارای درجه حرارت، رطوبت، فشار و حرکت مناسب. در معماری مساجد باید به تدارک تهویهٔ مناسب، به ویژه بهره‌مندی از هوای پاکیزه طبیعی اهتمام داشت و از ایجاد فضاهای محبوس و محروم از هوای تازه اجتناب نمود.

---

۱ . مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ .
۲ . مرتضوی، ناهی، نور و روشنایی مناسب در کتابخانه‌ها، فصلنامه کتاب، بهار ۱۳۷۴: ص ۴۳ ـ ۳۴ .
۳ . مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ .
۴ . مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ .
۵ . مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ .

استفاده از پنجره‌های مناسب می‌تواند نور و هوای تازه را به ارمغان آورد.

٤. کاهش امکان سرایت بیماری‌های عفونی: در معماری مساجد باید مسائل پیش‌گیری‌کننده از سرایت بیماری‌های عفونی نیز مدنظر قرار گیرد چراکه مساجد محل تجمع افراد با سنین متفاوت است و امکان سرایت بیماری‌های عفونی به طور بالقوه وجود دارد. برای کاهش سرایت بیماری‌های عفونی می‌توان راه‌های زیر را مدنظر قرار داد:

ـ به نقش نور خورشید در کاهش انتقال ویروس‌های عفونت‌زا توجه شود.

ـ با توجه به این‌که در بروز برخی بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های تنفسی، تراکم جمعیت و فقدان تهویه مناسب نقش شایان توجهی دارد. لذا ایجاد ساختمان به نحوی‌که از تهویه مناسب برخوردار باشد در کاهش سرایت بیماری‌های عفونی نقش به سزایی دارد.

ـ ساختمان مسجد به ویژه کف ساختمان و نیز وضوخانه و سرویس بهداشتی باید از مواد و مصالحی ساخته شود که در برابر مواد ضدعفونی‌کننده مقاوم باشد.

ـ ساختمان مسجد باید در محل و به شکلی باشد که در معرض کوران هوا نباشد.

ـ مساجد باید از آب بهداشتی و سالم بهره‌مند باشند.

ـ مساجد باید از سیستم فاضلاب و دفع مواد زاید به صورت بهداشتی برخوردار باشند.

ـ در وضوخانه مساجد امکان بهره‌گیری از مواد صابونی به ویژه صابون مایع به سهولت فراهم باشد.

ـ برای جلوگیری از نفوذ حشرات و حیوانات موذی و منتقل‌کننده بیماری‌های عفونی، پنجره‌ها از توری سیمی برخوردار و دیواره‌ها فاقد منافذ و محل‌های نفوذ حیوانات و حشرات باشد و به راحتی تمیز شود.[۱]

۵. تدارک محل تغذیه و پذیرایی: هرچند اساساً مسجد از اماکن عبادی است، در مواردی اقتضا دارد که از نمازگزاران پذیرایی شود. لذا برای حفظ اصول بهداشتی و نیز حرمت مساجد باید فضاهای مناسبی به تدارک امورپذیرایی اختصاص یابد و در آن فضاها شرایط بهداشتی

---

۱. صادقی حسن‌آبادی، علی، کلیات بهداشت عمومی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز با همکاری انتشارات کوشا مهر: ص ۴۸، ۷۹ ـ ۷۸، ۸۱ ـ ۸۰.

مورد لزوم مراعات گردد، از جمله شستشوپذیر بودن کف و دیواره‌ها (مثلاً کاشی کردن دیواره‌ها)، آفتابگیر بودن، داشتن هواکش، وجود لوله‌کشی آب سرد و گرم، داشتن انبار مواد غذایی مناسب، داشتن سکو و میز مناسب.(۱)

۶. رعایت بهداشت روانی و پرهیز از ایجاد تنش: محیط زندگی و فضایی که انسان در آن اوقات خود را می‌گذراند بر روح و روان تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، وضعیت فیزیکی محیط، بر جسم و روان آدمی که روان او را نیز تحت تأثیر می‌گذارد. درخصوص معماری مساجد، به منظور ایجاد فضایی مناسب که به آرامش روانی او کمک نماید باید نکات زیر را مدنظر قرار داد:

۱. ۶) استفاده از رنگ‌های آرام‌بخش: امروزه روان‌شناسان به تأثیر فراوان رنگ‌ها بر روی روان انسان پی برده‌اند، لذا در مورد آن تحقیقات بسیاری انجام داده‌اند. در قرآن و فرهنگ غنی اسلامی نیز به این مسئله عنایت شده، چنان که داستان قربانی کردن گاو بنی‌اسرائیل، به رنگ زرد اشاره شده و می‌فرماید:

﴿تسر الناظرین﴾.(۲)

«این رنگ بینندگان را شاد می‌کند».(۳)

در معماری ادوار اسلامی، غالباً رنگ‌هایی استفاده شده است که آثار محرک و مخرب بر اعصاب ندارد بلکه اثر تسکین دهنده و آرام‌بخش است، رنگ آبی از جمله آن‌ها است. در واقع آدمی در مواجهه با این‌گونه رنگ‌ها احساس آرامش خاص می‌کند، تماس مداوم بااین رنگ‌ها حتی اگر در سطح وسیعی نیز باشد ایجاد خستگی یا آثار سوء دیگر نمی‌کند.(۴)

---

۱. مولوی، محمدعلی و ثمر ـ گیتی، بهداشت همگانی، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۲. بقره / ۶۹.

۳. خرمشاهی، بهاءالدین، روان‌شناسی رنگ در قرآن، روزنامه جوان، شماره ۶۱، ۱۳۸۷/۲/۲۸.

۴. صبور اردوبادی، احمد، آئین بهزیستی اسلام، خودآرایی، (رنگ پوشاک) دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۵۴ ـ ۳۴.

در معماری مساجد باید این شیوه حسنه هم‌چنان مورد توجه باشد و با بهره‌گیری از روان‌شناسی رنگ‌ها، تعمیق و گسترش یابد.

۲. ۶) هم‌خوانی با طبیعت: جهان طبیعت جلوه جمال الهی و نمود قدرت و حکمت یزدانی است. این نمودهای طبیعی و جلوه‌های آفرینش در تعبیرات قرآنی نشانه‌ها و آیات الهی هستند. علاوه بر فواید گوناگون مادی که از قِبَل محیط زیست و جلوه‌های طبیعت عاید انسان می‌شود، مناظر زیبا، اصوات موزون و نغمه‌های طرب‌انگیز موجود در طبیعت برای انسان نشاط روحی ایجاد می‌کند.[۱]

براین اساس، در معماری مساجد باید به هماهنگی با طبیعت توجه شود و حتی‌المقدور از ایجاد ساختمان‌های ناهمگون با بستر طبیعی خودداری شود. حفظ پوشش سبز علاوه بر زیبایی، در ایجاد هوای معتدل در منطقه نیز مؤثر خواهد بود.

۳. ۶) رعایت شرایط اقلیمی و جغرافیایی: انسان برای بهره‌برداری مناسب از محیط طبیعی و زیستگاه خود نیازمند بهره‌گیری از دانش جغرافیاست تا بتواند به‌کمک آن، به شناخت صحیح شرایط زندگی دست یابد و پس از شناخت از آنها بهره‌گیرد.[۲] آگاهی از شرایط جوی و اوضاع اقلیمی و وضعیت آب و هوا برای ایجاد بناهای مفید و پایدار ضرورت دارد. لذا در معماری مساجد باید تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیایی و انطباق بنا با آن مدنظر باشد تا در معرض تخریب و عوارض ناشی از ناسازگاری با وضعیت اقلیمی و جغرافیایی کمتر واقع شوند و به طور شایسته‌تری استفاده شوند.

دراین زمینه، موارد دیگری چون شرایط مناسب از لحاظ صوتی هم مطرح است که قبلاً اشاره شد. یادآور می‌شود این مبحث، نه تنها در تعارض با تأثیرات عظیم عبادت در ایجاد آرامش روانی و اطمینان برای انسان نیست؛ بلکه به نوعی مکمل آن است.

---

۱. ربانی، محمد، بهره گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلامی، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، آذر ۱۳۷۸، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست: ص ۲۴۵ ـ ۲۲۸.

۲. ربانی، محمد، بهره گیری شایسته از دانش جغرافیا با الهام از تعالیم اسلام، دهمین کنگره جغرافیای ایران، دانشگاه امام حسین، مهر ۱۳۷۸.

۷. رعایت فضای فیزیکی و زیستی جداگانه برای خانم‌ها و آقایان: با توجه به حضور گسترده خانم‌ها در مساجد، در معماری باید فضاهای مناسبی برای خانم‌ها در نظر گرفته شود تا ضمن رعایت حدود و حریم شرعی، از رفاه و آسودگی نسبی برخوردار باشند. ایجاد فضای مناسب برای امور عبادی و نیز رفع دیگر نیازهای ضروری زنان باید لحاظ شود.

۸. توجه به نیازهای بهداشتی و خدماتی مساجد خاص: رفع نیازهای نمازگزاران در مورد برخی مساجد مانند مسجد جامع شهر، محل‌برگزاری نماز جمعه و مساجد بین راه توجه بیشتری می‌طلبد. ایجاد سرویس‌های بهداشتی متناسب با نیاز (دستشویی و توالت‌های بهداشتی و ایجاد دوش‌های عمومی)، وجود محل‌های مخصوص برای نگهداری، استراحت یا بازی اطفال، و استفاده از مساجد در غیر اوقات نماز برای امور فرهنگی و آموزشی متناسب با شؤون مساجد، هم‌چنان‌که از صدر اسلام در مورد مساجد بزرگ معمول بوده است.[۱][۲] از جمله این موارد است.

جمع‌بندی

آنچه به اجمال در این مقاله مطرح شد نشانگر آن است که در بارهٔ نقش معماری مساجد در بهداشت جسمی و روحی انسان، زمینه‌های بسیاری برای تحقیق و عمل مطرح است و استمداد از احکام الهی و بهره‌گیری از متون دینی در این زمینه بسیار راهگشاست. امید است این مختصر برای علاقه‌مندان مفید و در ایجاد انگیزه برای تلاش‌های تحقیقی و کاربردی گسترده مؤثر باشد. ان شاء الله

---

۱. ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، المجلد الرابع، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲: ص ۳۹۰ ـ ۴۰۰.

۲. امیدیانی، سیدحسین، نقش موقوفات ایران اسلامی در توسعه علم و دانش، روزنامه اطلاعات، مؤرخه ۱۴ و ۱۵ تیر ۱۳۷۶.

تأثیر معبودها و هنرهای مقدس در شکل‌دهی به معابد در ادیان گوناگون

▣ مهدی حمزه‌نژاد

▣ چکیده

معبود در هنر و معماری حضور داشته و در شکل‌های مختلف تجلی یافته است. بررسی تطبیقی و مراتب معبودها و ساختار عددی آنها در آفرینش هنری تأثیرگذار بوده است. مقاله با مقایسه هنر مقدس در معابد شرق و با استناد به آثار برخی از پژوهشگران نکاتی را مطرح و مساجد را اصلی‌ترین هنر قدسی در سنت اسلامی شناسانده است و در جدولی جایگاه معبود در هنر و سنت معنوی اسلامی باز نمایانده است.

۱ ـ معبود در هنر و معماری معاصر

به نظر می‌رسد گزارش نیچه در رابطه با «مرگ خدا» برای انسان امروز گزارش یک واقعیت دوران معاصر بود زیرا این مسئله را به خوبی می‌توان در زندگی امروز مشاهده کرد. البته میشل فوکو به سخن نیچه این گفته را افزود که انسان امروز، با کشتن خدا در واقع خود را کشته است.[1] آری دلیل اصلی انسانی نبودن فرهنگ و تمدن امروز ما، الهی نبودن آن است.

---

۱ . مضمون آیهٔ شریفهٔ ﴿نسوالله فانسیهم انفسهم﴾. حشر / ۱۹ . «خدا را فراموش کردند، خدا هم خودشان را از یادشان برد». براساس حکمت قرآنی انسان‌شناسی و خداشناسی ارتباطی تنگاتنگ دارند و به تعبیری خدا ذات همهٔ هستی و از جمله انسان است.

پیش از این معبود انسان مجموعه‌ای از آرمان‌ها و اهداف او بود که همراه، دوست و مراقب همیشگی او بود. او در همهٔ زندگی انسان حتی در پیش پا افتاده‌ترین امور حضور داشت و به همین جهت همهٔ فعالیت‌های انسانی به شکلی نمادین این حضور را نشان می‌دادند. این نماد الهی هرگز چنین تصنعی و یا قراردادی نبود، بلکه حقیقتی بود که همهٔ مردم همیشه با آن مأنوس بودند. انسان دینی، خدا را پرکنندهٔ همهٔ هستی می‌بیند و فاصلهٔ خود را با خدا نزدیکتر از رگ گردن و یا در میانهٔ بین خود و قلب خود می‌بیند.(۱) اما انسان مدرن خود را گم کرده است و به همین جهت دیگر هیچ آدرسی از خدا ندارد و نمی‌داند چگونه باید به دنبال خدا بگردد.(۲) انسان مدرن در حضور نیست، او با خدا زندگی نمی‌کند و از او بیگانه است و رابطهٔ او با خدا محدود به ساعات خاصی در هفته است. او خدا را نمی‌بیند و تنها از دور گاهی خدایا می‌کند. خدا دیگر برای او نام «محیط» و یا «حاضر» و یا «ناظر» حتی هیچ اسمی دیگری ندارد و حداکثر او خالقی مرده است، به همین جهت چنین انسان آرمان و یا هدف با عظمتی ندارد و حداکثر هدف او دستیابی به برخی لذات سریع است. او عالم را در ارتباط با آرمان‌ها و هوشمند نمی‌بیند و به شکل ابزاری بی‌جان به عالم نگاه می‌کند. در نتیجه این بیگانگی با معبود، شکلی از هنر و معماری در دورهٔ مدرن در غرب رخ داد که نتوانست در بلوک شرق حتی در چین با تکنولوژی قوی‌تر از غرب ظهور پیدا کند؛ چرا که در آئین هندو، تائوئیسم و کنفوسیوس هرگز کارهای خدا با نظم و منطقی نیست، بلکه خدای پیچیده، مبهم و پر رمز و رازی است که باید رمزگشایی شود. زندگی مدرن، خدای منطقی و منظمی که دارد نزدیک به بینش یونانیان است. تفاوت موجود بین این دو معبود، مانع از شکل‌گیری مدرنیسم در شرق شد. هنر آزاد و هنر معطوف به معبود را به طور خلاصه می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد.

هنر آزاد	جزیی‌نگر، بی‌آرمان، دارای اهداف آزاد و پسینی، کاملاً شکل‌پذیر و تابع شرایط، بی‌بند و بار
هنرآرمانی و معبودگرا	کل‌گرا، آرمان‌گرا، دارای اهداف مشخص پیشینی و پسینی، هماهنگ با هستی در جهت بسترسازی کمال انسان‌ها

۱. اشاره به دو آیهٔ ﴿نحن اقرب الیه من حبل‌الورید﴾. قاف / ۱۶ و ﴿انه یحول بین‌المرء و قلبه﴾. انفال / ۲۴.

۲. به تعبیر حافظ:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

۲ ـ نحوهٔ ظهور معبودها در هنر و معماری

مهمترین اثر معبودها را باید در ویژگی‌های آرمانی آن‌ها دانست، این ویژگی‌های آرمانی، مهمترین عوامل تعیین‌کنندهٔ نظام‌های زیبایی‌شناسی هستند و هرچه این ویژگی‌ها در یک اثر و فعالیت انسانی بیشتر جلوه‌گر شود، کار زیباتر خواهد بود. به همین جهت کمال انسان‌ها در این است که مظهری از این معبود و ویژگی‌ها و صفات او شوند. ظهور این صفات را در سه شکل مختلف می‌توان بررسی کرد:

الف) ظهور ناخودآگاه: مطابق تحلیل بسیاری از نظریه‌پردازان و حکمای دینی، سیر تاریخ را می‌توان صحنهٔ ظهور ادواری اسماء و صفات الهی دانست و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را براساس این اسماءالله بازشناسی کرد، اما بشر امروز ناآگاهانه خود را اسیر در جبر تاریخ و جبر سبک‌های تاریخی می‌انگارد و از حقیقت امر آگاه نیست.

ب) ظهور آگاهانه در انسان‌های آرمان‌خواه: انسان کمال‌طلب در تلاش برای نزدیک کردن خود با ویژگی‌های الهی است و آنقدر خود را صیقل می‌دهد تا بتواند بازتابی از ویژگی‌های او را پیداکند، به این ترتیب می‌تواند مظهر صفات و افعال الهی شود و صفت «خلاق» یا «بدیع» یا «مصور» یا «باعث» یا «حی» را پیداکند.

ج) تجلی نسبی آیه‌ای و رمزی در آثار هنری: بهترین نمونه‌ای که می‌توان ظهور ویژگی‌های معبودها را در آن دید معابد و عبادت‌گاه‌هاست. اساساً خانهٔ هر موجودی متناسب با ویژگی‌های او طراحی می‌شود و با بررسی تطبیقی معبودها می‌توان به بررسی تطبیقی معابد رسید و برعکس مهمترین ویژگی این معابد، ظهور نمادین معبود در آن‌هاست،[1] در حالی که معماری امروز حتی در بناهای مذهبی آن هم بیشتر به معماگفتن تمایل پیدا است و نمونه‌های فراوانی را می‌توان نام برد که کلیساها براساس ایهام‌هایی از خرچنگ و مرغابی و کلاه پیرزن (رنشان) تاخوردگی‌های توپوگرافی و زلزله (۲۰۰۰ آیزنمن) و یا استخوان‌های دایناسور (۲۰۰۰ کلاتراوا) و... ساخته شده‌اند. آیا معبود انسان امروز طبیعت شده است؟

---

۱. معماری و فرهنگ: ش ۱۷، ص ۶۴ تا ۷۱.

جارلز جنگز در مقاله‌ای با عنوان گفتگوی طبیعت با طبیعت می‌گوید:

استدلالی وجود دارد که توسط آلفرد نورث وایتهد فیلسوف ارائه شده که به موجب آن، علم مدرن به این علت یک بار و فقط یک بار در غرب (و نه در چین یعنی جایی که فناوری بسیار پیشرفته‌تری داشت). اختراع شد که متفکران غربی تمایل به این عقیده داشتند که خدا، هرچند تمام قوانین پیچیده را وضع کرده ولی یک هندسه‌دان منطقی و دارای بینش ریاضی است. کارهای خدا، همان‌طور که انیشتین گفته «هوشیار و دقیق است ولی بدخواه نیست» و پس از کار ابداعی، می‌توان آن را درک کرد. آیین هندو و تائوئیزم، اسلام، آیین کنفوسیوس و تمام ایمان‌های دیگر این عقیده را ندارند که جهان سرانجام قابل رمزگشایی و نمایش به صورت معادلات منطقی است.

مذهب، هنر و علم غربی و معماری اواخر قرون وسطی و اوایل رنسانس تحت تأثیر انگیزهٔ تلاش برای یافتن حقایق اساسی طبیعت یا قوانین تجریدی و بازنمایی آن‌ها قرار داشت.

در چنین قرائتی، این دوگانگی نمایانگر جنگ بین علم و مذهب است که از قرن هفدهم به بعد بر دنیای معاصر حاکم بوده است.

۳ ـ بررسی تطبیقی ویژگی‌های معبودها[1]

۱ـ ۳) انواع شناخت معبودها: اگر بخواهیم مروری بر تعاریف موجود از معبودها داشته باشیم سه دسته تعریف در آغاز مشاهده می‌شود:

---

۱. منابع فراوانی برای مطالعه دقیق‌تر راجع به موضوع خداشناسی تطبیقی وجود دارد. اهم مراجعی که ما از آن‌ها استفاده کرده‌ایم عبارتند از: ۱. رسالهٔ تاریخ ادیان، میرچا الیاده، انتشارات سروش، ۱۳۷۶؛ ۲. دایرةالمعارف فرهنگ و دین، میرچا الیاده، سروش، ۱۳۷۳؛ ۳. عهد عتیق و عهد جدید، چاپ خارج از کشور، بی‌تا؛ ۴. ادیان و مکاتب فلسفی هند، داریوش شایگان، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵؛ ۵. شیوه‌های تفکر ملل شرقی، هاجیمه ناکامورا، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷؛ ۶. خدا در اندیشهٔ بشر، عبدالله انصاری، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰؛ ۷. بررسی تطبیقی اسماء الهی، مرضیه شنکایی، ۱۳۸۱؛ ۸. درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲.

عنوان نظریه	تبیین	نتیجه	نمونه
معبود پسینی	ـ معبود به‌عنوان محصول فرهنگ ویژگی‌های آثار فرهنگی = ویژگی‌های معبود	ـ اعتقاد به معبود حقیقی = تحریف خدا ـ عدم اعتقاد به معبود حقیقی = توجیه خدا ـ عدم اعتقاد به معبود حقیقی	ـ یهودیت و مسیحیت تحریف شده موجود ـ مارکسیسم و...
معبودپیشینی	ـ معبود به‌عنوان مولد فرهنگ ـ ویژگی‌های معبود = ویژگی‌های آثار فرهنگی	تعریف خدا با صفاتش	ادیان الهی
معبود پیشینی و پسینی	ـ معبود به‌عنوان مولد و محصول فرهنگ ـ ویژگی‌های معبود = ویژگی‌های آثار فرهنگی	توصیف صفاتی و شهود مراتب عالی‌تر هستی	عرفا و انسان‌های بار یافته

۲ـ۳) مراتب ظهور معبودها: معبودها را در سه سطح می‌توان معرفی کرد:

ـ چیستی ذات؛

ـ ویژگی‌ها و صفات؛

ـ کارها و افعال.

حوزهٔ ذات بخش مشترک همهٔ فرهنگ‌ها، این حوزه همواره به شکل مبهم غیب مطلق و الوهیت مطرح می‌شود. برای بررسی تطبیقی باید به سراغ صفات و افعال معبود رفت. در برخی از فرهنگ‌ها همچون بودیزم، معبود هیچ تعیّن خاصی از قبیل صفات و افعال ندارد. یک معنویت و الوهیت محض است. همچنین برخی فرهنگ‌ها همچون یهود، دست خداوند را برای انجام هر کاری بسته‌اند. خدای آن‌ها تنها در آغاز خلقت نقش داشته و امروزه تنها به نظارهٔ هستی نشسته است. اسلام تأکید فراوانی بر ویژگی‌ها (صفات) و کارها (افعال) الهی دارد و به شدت به دیدگاه‌های غلط یهودی و مسیحی انتقاد می‌کند.[۱]

۳ـ۳) دسته‌بندی ویژگی‌های آرمانی در معبودها: اگر بخواهیم ویژگی‌های معبودها را در فرهنگ‌های مختلف بررسی کنیم، مهمترین دسته‌بندی که می‌توان در ویژگی‌های آن‌ها انجام داد. نحوهٔ مواجههٔ آن‌ها با انسان است. برخی از معبودها چهره‌ای گشاده و دوست‌داشتنی

۱. آیات سورهٔ آل‌عمران و مائده به شکلی گسترده همین موضوع را بررسی نموده‌اند.

و جمالی برای انسان‌ها دارند و رابطهٔ بین آن‌ها با انسان‌ها از نوعی رحمت و علاقه و انس است؛ در مقابل معبودهای دیگری هستند که دارای جبروت و عظمت و هیبت هستند و انسان تنها کوچکی خود را می‌بیند و به اطاعت و تعظیم می‌پردازد و ویژگی‌های نوع اول را جمالی و نوع دوّم را جلالی می‌نامند. هرکدام از این ویژگی‌ها، سبب شکل‌گیری ساختار خاصی در دین مربوطه و در نتیجه روابط اجتماعی انسان‌ها می‌شود. ویژگی‌های جمالی، معبود را همچون پدر و مادری نزدیک و دوست‌داشتنی می‌داند که شباهت با معبود هم شباهت پدر و فرزندی است، در این مکاتب بحث فرزند داشتن خدا و یا حلول او در انسان‌ها فراوان مطرح می‌شود که مهمترین نمونهٔ آن مسیحیت است. در مقابل معبودهای جلالی بیشتر حالت فرمانروا و پادشاه دارند که احکامی را تشریع می‌کنند و برای دفع عقوبت و کسب رضایتشان باید به فرامین‌شان توجه کرد، مهمترین نمونهٔ این مکتب یهود است. در اسلام به صورت اشتمالی و جامع خداوند به هر دو وجه (جمالی) و (جلالی) توصیف شده که در عین حال وجه جمالی آن در رابطه با انسان غالب می‌باشد. پیامبر اسلام فرمود:

«عیسی خدا را با یک چشم می‌دید، موسی با چشم دیگر و من با هر دو چشم».

خداوند نیز به شیطان می‌فرماید:

«چرا به چیزی که با دو دستم آفریدم سجده نمی‌کنی؟».[۱]

منظور این است که در وجود انسان صفات جمال و جلال خداوند هر دو موجود است. در وجود زن، جمال آشکارتر و در وجود مرد، جلال واضح‌تر است.

۳ـ٤) ساختار عددی معبودها: از مهمترین مسائلی که در معبودشناسی تطبیقی و تأثیر آن بر هنر مورد توجه است، ساختار عددی مربوط به معبود است، در بسیاری از ادیان این نظام به شکلی کاملاً کثرت‌گرا در دو صورت عرضی و یا طولی تبیین شده که مهمترین آن‌ها نظام‌های سه‌گانه و دوگانه هستند. حتی برخی از صور تحریف یافته مکاتب اسلامی هم به نوعی کثرت هفت‌گانه اعتقاد دارند. در مقابل می‌توان مفهوم بودیستی تهی و خلأ و یا صفر را به عنوان ساختار الهی مطرح کرد.

---

۱. صاد / ۷۵.

توحید از ارکان اصلی تفکرات شیعی است و در هر سه ساحت ذات، صفات و افعال او سرایت دارد. مهمترین نکته در اینجا آن است که نباید خدا را یک موجود در کنار دیگر موجودات تصور کرد، چراکه وحدت او عددی نیست، بلکه وحدت احدی است؛ یعنی او تنها وجود در هستی است و همه چیز در حقیقت جلوه‌ای از اوست، همهٔ صفات و افعال در هستی هم جلوه‌هایی از صفات و افعال اوست.

۳ ـ ۵) تکامل تاریخی شناخت ویژگی‌های معبودها: در تاریخ، گاه خدا را در قالب یک بت (خدای آفتاب، باران و...) می‌بینیم که با آثار یا افعال خدا توصیف می‌شود. نهایتاً با تکامل عقل انسان، خدا با صفاتش توصیف می‌شود: عظمت، قدرت، رحمت و... با جمع‌بندی این موارد، توصیف تقریباً کاملی می‌توان داشت (توحید ذات ـ صفات ـ افعال). شناخت معبودها در طول تاریخ بشری همراه با تکامل ادیان، در حوزهٔ صفات و افعالی کامل‌تر شده است. هر پیامبری به میزان عروج خود و شناخت خود از معبودش، او را برای انسان‌ها معرفی می‌کرد و به همین جهت معرفی کامل‌ترین معبود در دین اسلام صورت گرفته است. در اسلام تأکید فراوانی در معرفی ویژگی‌های معبود است؛ به طوری که هیچ مکتبی را نمی‌توان یافت که به اندازهٔ اسلام بر اسماء و صفات الهی تأکید داشته است. غالب آیات قرآن با یک یا دو اسم خداوند تمام شده‌اند و بارها این اسماء به عنوان ویژگی‌های برتر (اسمای حسنی) مورد تأکید بوده‌اند که مجموعه تعداد آن‌ها ۹۹ اسم است. این ویژگی‌ها هم شامل هر دو نوع صفات جمال و جلال می‌شوند و سوره‌هایی همچون توحید، حدید و حشر که بر اسماء الهی تأکید دارند، خداوند را برای فهم مردم آخرالزمان توصیف کرده‌اند و علت همهٔ این‌ها آن است و هر چه عقل بشر تکامل پیداکند، درک او از خداوند و نیاز به یافتن اسماء و صفات او بیشتر می‌شود. از میان همهٔ اسماء الهی هفت صفت را به عنوان مادر دیگر اسماء می‌دانند که عبارتند از: متکلم، قادر، مرید، حی، سمیع، بصیر و علیم.[۱]

مجموعهٔ مباحث فوق را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد. سایر علوم مانند معبودشناسی از کثرت به وحدت حرکت می‌کنند. همچنانکه با انجام صدها آزمایش علمی تنها به یک قانون علمی یا فرمول می‌رسیم، با شناخت صدها صفت خداوند، حقیقت واحد ذات او را درک می‌کنیم.

---

۱. به گفتهٔ آیة‌الله شاه‌آبادی (استاد عرفان حضرت امام) این اسماء سبعه اولین مرتبه ظهور کثرت در عالم امکان است که مقام و احدیت یا مقام اسماء و صفات را شکل می‌دهد. (آیة‌الله شاه‌آبادی، محمد علی، رشحات‌البحار، ۱۳۶۰، انتشارات زنان مسلمان: ص ۱۴۹).

جدول

۴ ـ جایگاه معبود در آفرینش هنری

از آنجاکه آغاز و انجام عالم از خداوند و به سوی است، و این واقعیت به خوبی در آیهٔ شریفهٔ ﴿انّالله و انّا الیه راجعون﴾ نمودار است، به دقیق‌ترین معنا می‌توان علت فاعلی، علت غایی، علت صوری و علت مادی همه‌چیز را خداوند دانست. یعنی خداوند همه علل سلسله را ابداع نموده است. هنرمند مسلمان هم با تأسی به سیرهٔ تنها هنرمند حقیقی عالم یعنی ذات احدی، و به تقلید از عمل او می‌آفریند. به گفتهٔ نصر:

> فقط آنچه از «احد» شرف صدور می‌یابد، می‌تواند به سوی آن هدایت کند. اگر طبیعت بکر محمل یاد خدا یا ذکر است، از آن‌روست که خالق آن «صانع الهی» بوده است. چنانکه یکی از اسماء پروردگار همانا «صانع» به معنای سازنده یا صنعتگر است. به همین ترتیب، اگر هنر اسلامی (مسلمانان) می‌تواند محمل ذکر «احد» قرار گیرد، به این دلیل است که گرچه خالق آن انسان است، اما از نوعی الهام فرافردی و «حکمت» ناشی می‌شود که به «او» بازمی‌گردد.(۱)

غیر از صفت صانع، صفات فراوان دیگری هم هست که هنرمند در حقیقت در پرتو تحقق و تجلّی آن صفات است که کار خود را بروز می‌دهد. از میان صفات فراوانی همچون «بدیع» و «باعث» و «محیی» و... نصر، صفت مهم «مصوّر» را هم یادآوری می‌کند که در بسیاری از سنت‌های کهن به شکل‌های مختلفی به خدا نسبت داده شده است:

> «در اسلام خداوند را المصوّر یعنی آفرینندهٔ صورت‌ها نامیده‌اند. همچنان در سنت هندو شیوا هنرها را از آسمان (عالم بالا) به زمین آورده است، و نیز در تلقین و آموزش صنایع دستی قرون وسطی، همانطور که در مورد فراماسونری دیده می‌شود، خداوند «معمار اعظم» عالم هستی نامیده شده است. ولی خدا تنها معمار یا هندسه‌دان اعظم نیست، بلکه شاعر، نقاش، موسیقی‌ئان، (اعظم) نیز هست، و این که انسان می‌تواند بسازد، شعر بسراید، نقاشی کند یا موسیقی تصنیف کند، دلیلش همین است».(۲)

---

۱. نصر ۱۳۷۵ : ۱۸ .
۲. نصر ۱۳۸۰ : ۴۲۸ .

بورکهارت هم همین معنا را به زبانی دیگر می‌گوید؛ به عقیدهٔ او:

«به موجب نظریهٔ مشترک میان تمدن‌های سنتی، هنر دینی باید از صنعت الهی تقلید کند، البته این بدین معنا نیست که هنر دینی باید برگردانی از آفرینش پایان‌یافتهٔ الهی یعنی دنیا بدان‌گونه که می‌بینیم باشد. چون این دعوی گزافی بیش نیست. «طبیعت‌گرایی» طابق‌النعل بالنعل در هنر دینی جایی ندارد. آنچه باید مورد تقلید قرار گیرد، نحوهٔ فعل روح قدسی است. به عبارت دیگر باید قوانین این روح قدسی و نحوهٔ عملش را در قلمرو محدودی که انسان با مقیاس خویش می‌سازد، یعنی صنعتکاری به‌کار بست».(۱)

اما هنرمند امروز از این مفاهیم کاملاً بیگانه است؛ او نه‌تنها خود را مظهری از اسماء و صفات الهی نمی‌داند، بلکه خویشتن را به مثابهٔ خداوند فرض کرده، خودرأیی و خودبنیادی روی آورده است، به‌گفتهٔ نصر:

«انسان عاصی، هنری را نه به تقلید از خداوند، بلکه در رقابت با خداوند می‌آفریند و از همین‌رو است که شاهد آن طبیعت‌گرایی در هنر عاصیانه هستیم که می‌کوشد صورت ظاهر طبیعت را سرمشق خویش سازد؛ ولی انسان خلیفةالله هنر خویش را با آگاهی کامل نسبت به تقلیدش از خلاقیت خداوند، نه بر سبیل رقابت، بلکه بر سبیل اطاعت از «الگوی الهی» که سنت در اختیارش قرار می‌دهد، خلق می‌کند. بنابراین، همانطور که قدیس توماس قاطعانه بیان داشته است، او نه صورت‌های ظاهری طبیعت، بلکه نحوهٔ عملکرد طبیعت را سرمشق قرار می‌دهد».(۲)

اینجاست که تفاوت‌های ایجاد شده میان هنر دوران اسلامی و هنر معاصر غرب کاملاً روشن می‌شود؛ به‌گفتهٔ نصر:

---

۱ . بورکهارت ۱۳۴۹ : ۶ .
۲ . نصر ۱۳۸۰ : ۴۲۹ .

«مسئله این نیست که هنرمندان مسلمان نمی‌توانند آثار هنری عـظیم یا پرومته‌دار خلق کنند کما این‌که در سال‌های اخیر چنین کرده‌اند و توانایی خود را به خوبی به نمایش گذاشته‌اند؛ بلکه این است که هیچ مسلمانی مادام که نقش و اثر معنویت بر روح او قوی باشد، دست به چنین کاری نمی‌زند وعظمت پروردگارمانع از آن می‌شود که تا هر نوع اومانیسم برومته‌وار در آن مجال بروز بیابد. اسلام با تعلیم و تربیت انسان در قالب «انسان مسلمان» که در آنِ واحد، بندهٔ خدا و جانشین اوست («عبد» و «خلیفه» به تعبیر قرآن) مانع ظهور چنین هنری می‌شود. اگر مسلمان سنتی مجسمه‌های غول‌پیکر میکل‌آنژ را خردکننده و کلیساهای به سبک روکـوکو را خـفقان‌آور مـی‌یابد، به واسطهٔ همین تسلیم در برابر پروردگار و ترس از تعظیم نفس در مقابل حضور الهی‌است که معنویت‌اسلامی در روح و ذهن او برانگیخته است».[۱]

شوان در همین‌باره می‌گوید:

«هنر بیزانسی، رومی و گوتیک ابـتدایـی، هـنری‌انـد کـه وجـود خـدا را اصل مسلم می‌گیرند، یا بـهتر بگـوییم او را در سـطح خـاصی درمـی‌یابند. هنر شبه مسیحی‌ای که سلسله جنبانش شرک نوین رنسانس بود، فقط در جستجوی انسان است و فقط او را می‌یابد. این هـنر رازهـایی را کـه بـاید در جار و جنجال سطحی و ضعیفی که به ناچار، ویـژگی فـردگرایـی است، نشان دهد، خفه می‌کند و بـه هـر حـال عـمدتاً بـا دورویـی جـاهلانه‌اش، خسارت بسیار بزرگی به جامعه وارد می‌کند، چگونه می‌تواند جز این باشد، حال آنکه این هنر فقط شرکی است در هیئت مُبدّل و در زبان صوری‌اش به عفت دینی و عرفانی و زیبایی غیرمادی روح اناجیل اهمیتی نمی‌دهد. چگونه می‌توان بدون کتمان حقیقت، هنری را مقدس خواند که با غفلت از

---

۱. نصر ۱۳۷۵: ۱۷.

سرشت تقریباً قداست‌آمیز تصاویر قدسی و نیز با غفلت از قواعد سنتی صنایع و حرف، رونوشت‌های پرزرق و برق و شهوانی را از طبیعت و حتی تصاویر رفیقه‌هایی را که اهل فسق و فجور کشیده‌اند، به ساحت محترم مؤمنان تقدیم می‌کند؟».[۱]

در زمینهٔ تأثیر مفهوم خداوند در سنت‌های هنری، هنوز کار دقیق و جامعی صورت نگرفته است، تنها می‌توان به اشاره‌های جسته گریختهٔ برخی از محققان اشاره کرد؛ بورکهارت در مقاله‌ای تحت عنوان «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی» سرآغاز این بحث را نشان داده است. او معیار تطبیق هویت‌های هنری را با معنایی از الوهیت (اسماء و صفات خدا) که در آن سنت طرح شده، قرار داده است و براین اساس، تفاوت هویت‌های هنری سنن معنوی را نشان داده است. شبیه همین کار را شوان هم در مقالهٔ «اصول و معیار هنر جهانی» انجام داده است. دیدگاه او دنبالهٔ دیدگاه بورکهارت است. شوان سعی دارد تا نشان دهد که در هر سنت معنوی کدام قالب هنری به بهترین وجه می‌تواند مبانی معنوی در عرصهٔ ماده تجلی دهد. در این نوشتار سعی خواهید شد با ترکیب این دو دیدگاه سرآغازی را برای بحث تطبیقی هنر در سنت‌های معنوی ترسیم گردد.

٤ـ١) هنر مقدس و معابد شرق: این هنر مربوط به هند و چین و ژاپن و فرهنگ‌های هندو، بودایی، تائویی و ذن است که همهٔ آن‌ها مربوط به نژاد زرد هستند؛ در هنر و معماری این اقوام شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که قابل توجه‌اند. شباهت عمدهٔ آن‌ها مربوط به تأثیرات قدسی و ملکوتی در هنر است. غالب این فرهنگ‌ها، هنر را به شکلی نمادین و پر رمز و راز و واسطهٔ عالم باطن و غیب می‌دانند. اما در میان آن‌ها تفاوت‌هایی هم وجود دارد که سبب تمایز هویت هر یک می‌شود که ریشهٔ آن در تمایزات هستی‌شناسی و معبودشناسی آن‌هاست. این تمایز در شکل کالبدی هنر و معماری آن‌ها نیز آشکار است، در اینجا با بهره گیری از آثار برخی از پژوهندگان، این بررسی را دنبال می‌کنیم.

---

۱. شوان ۱۳۷۷ : ۱۳۴ .

الف ـ هنر مقدس و معابد هندو: بورکهارت در تعریف این هنر و رابطهٔ آن با الهیات می‌گوید:

«مفهوم هنر الهی در آئین هندو چنان نقش اساسی‌ای دارد که همانندش را در هیچ یک از نظریه‌های سنتی نمی‌توان یافت. زیرا مایا(Mayua) تنها آن قدرت اسرارآمیز الهی نیست که موجب می‌شود چنین به نظر آید که دنیا خارج از واقعیت الهی وجود دارد، تا آنجا که او ـ یعنی مایا ـ سرچشمهٔ همهٔ دوگانگی‌ها و پندارهاست. مایا علاوه برآن به اعتبار جنبهٔ مثبتش هنر الهی است که سازندهٔ همهٔ صور و اشکال است. اساساً مایا چیزی نیست جز این امکان و توانایی نامتناهی که می‌تواند خود را محدود کند؛یعنی خود راموضوع «رؤیت» خویش قرار دهد بی‌آنکه این امر موجب تحدید لایتناهیتش گردد بدین‌گونه که خداوند خود را در جهان متظاهر می‌سازد و نمی‌سازد، او در عین حال سخن می‌گوید و خاموش است».(۱)

عامل واسطه در این رابطه، فرشتگان هستند و هنرمند ناچار از ارتباطی ملکوتی با فرشتگان است. به گفتهٔ او:

«اصل ملکوتی هنر در سنت هندی صریحاً بیان شده است. به‌موجب آیتریا براهمانا (Aitareya Brahmana) هر اثر هنری در روی زمین چه یک فیل از گِل پخته باشد چه شیء روئین، یک جامه، شیء زرین، یا گردونه‌ای که به استر باید بست، به تقلید از هنر ملائکه (دواهاde vas) ساخته و پرداخته شده است. دواها معادل فرشتگانند. بعضی از افسانه‌های مسیحی که به موجب آن‌ها برخی از تصاویر اعجازآمیز اصل ملکوتی دارد، متضمن همین اندیشه است. دواها در واقع کنش‌های خاص روح کل و ارادهٔ جاودانهٔ خداوندند».(۲)

---

۱. بورکهارت ۱۳۴۹ : ۶.
۲. همان: ۵.

هنر اصلی در مکتب هندو، رقص است و همهٔ هنرها در پرتو رقص تعریف می‌شوند، چرا که خداوند هم در حالت رقص عالم را آفریده است و شیوا همان الههٔ رقص است که منشأ و مبدأ هنر است.

شوان در این‌باره می‌گوید:

«دربارهٔ هنر تصویری هندو می‌توان گفت که این هنر از حالت‌ها وحرکات جوک و رقص‌اساطیری سرچشمه می‌گیرد، رقص یا هنر الهی شیوا ـ ناتاراجا (Shiva Nataraja) ـ که رب‌النوع رقص است، توسط خود شیوا و همسر او پارواتی (Parvati) به حکیم بهارات مونی (Bharat Muni) الهام شد و این حکیم آن را در بهاراتا ـ ناتیا ـ شاسترا (Bhaiata _ Natya _ Shastra) مدون ساخت. موسیقی هندو که رابطهٔ نزدیکی با رقص دارد، مبتنی بر ساماودا (Sama Veda) است و اوزان آن از عروض سنسکریت سرچشمه می‌گیرد. رقص است که عالم مؤثر تمام هنر هندو است، تصاویر مقدس، این اساطیر تصویری یا الهیات تصویری را به مادهٔ بدون حیات مبدل می‌سازد. باید این نکته را افزود که این هنر که اخلاقی‌است و نه ضداخلاقی، زیرا هندو در امور جنسی جبنهٔ اساساً کیهانی و الهی آن را می‌بیند و نه جنبهٔ عرضاً جسمانی آن را».[۱]

بررسی بیشتر این زمینه را باید در نوشته‌های آناندا کومارسوامی یافت. او که خود اصالتی هندو دارد، در مقاله‌ای تحت عنوان «فهم هنر هندو» با اشاره به برخی از جملات بزرگان هندو می‌گوید: «بدون آگاهی از علم رقص مشکل بتوان قواعد نقاشی را درک کرد». (ویشنو دارموتارا ـ Visnudharmottara) «فقط آن مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی را باید زیبا خواند که مطابق دستورالعمل‌های قوانین دینی است نه آنان‌که سلیقه یا وهم محض را ارضاء می‌کند «شوکراچاریا ـ Sukracarya». به صورت خاصی که برای هر نقش مناسب است، در «شیلپاشاسترها ـ Silpa_Sastras» یا متون قوانین دینی که نقاشان از آن پیروی می‌کردند، توصیف شده است. این متون اطلاعاتی راکه برای تصویر ذهنی ـ که نمونهٔ (مدل) مجسمه‌ساز

---

۱. شوان ۱۳۷۶ : ۱۰۶.

می‌باشد ـ لازم است، فراهم می‌سازد. بنابه گفتار شوکراچاریا هنرمند طبق شهود خود «از حقیقت» تصاویری را از الوهیت که آن را عبادت می‌کند در معابد می‌سازد. به این منوال و نه به طریقی دیگر، طبق حقیقت و نه دیدار مستقیم «عالم خارج». او می‌تواند به هدف خود نائل آید. بنابراین قسمت اصلی هنر که «مشاهده» است (و در مورد سماع توأم با وجد موسیقی‌دان نیز همین را می‌توان تأیید کرد) یک نوع جوک «یوگا» است. در برخی موارد هنرمند را یک نوع جوکی می‌دانند. در بسیاری از موارد، قبل از آغاز کار هنری، او در مراسم مخصوص مذهبی که هدف آن مردود ساختن ارادهٔ فردی و آزاد ساختن نیروهای درونی است، شرکت می‌کند. در این مورد حقیقت از مشاهدهٔ بصری سرچشمه نمی‌گیرد. بلکه منشأ آن «آگاهی عضله‌ای» حرکاتی است که هنرمند در اعضای بدن خود درک و احساس کرده است. کتبا شاستراها (Sastras) چنین قوانین تناسب را دربردارد و این نسبت‌ها در مورد هر الهه‌ای که قرار است مجسم شود، فرق می‌کند. معماری نیز دارای نوامیس خود است که تاکوچکترین جزئیات را تنظیم می‌کند.[۱]

شوان همین مباحث سوامی را در حوزهٔ معماری گسترش بیشتری داده و می‌گوید:

«اساس معماری هندو در کتاب آسمانی است و رابطهٔ عمیق آن با رقص هندو از شکل قربانی، ودائی سرچشمه می‌گیرد. تمام معماری هندو در اصل هماهنگ ساختن دایره و مربع طبق قربانگاه آتش ودایی یا آگنیAgni است، یا به عبارت دیگر معماری از قربانگاه اولیه اخذ شده است».[۲]

«جهان‌شناسی هندو مربوط به چهار جهت اصلی به صورت حیرت‌انگیزی به دیدگاه سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و تا حدی به دیدگاه مردم سیبری شباهت دارد، و بنابراین به آسانی می‌توان در این امر وجود میراثی واحد را از سنت «قطب شمال» مشاهده کرد. دایره بار دیگر در حالی که مربع در مراسم مذهبی «چیق مقدس» ظاهر می‌شود. این معماری ترکیبی از هن، آیین مذهبی Liturgique و معماری است. همان امر را

۱. شوان ۱۳۷۶ : ۱۰۷.
۲. شوان ۱۳۷۶ : ۱۰۶.

می‌توان درموردآیین عشاء ربانی مسیحی «که آن نیز یک قربانی به صورت حرکات تقلیدی است» تأیید کرد که در آن عوامل نمایشی (دراماتیک) و معماری به صورت تفکیک‌ناپذیر با هم متحد می‌باشد».[۱]

ب ـ هنر مقدس و معابد تائو و ذن (چین و ژاپن): هنر تائویی را هم به نوعی می‌توان هنر الهی دانست. ولی خدا را در اینجا باید عامل ثبات و پایه برای حرکت در عالم شمرد. به گفتهٔ بورکهارت:

«به موجب بینش تائوئیستی، هنر الهی اساساً هنر تغییرات و دگرگونی‌هاست؛ طبیعت سراسر مطابق قانونی دوری لاینقطع تغییر می‌کند، مرکز آن را هم که جوهر حرکت دوری است، شناخته است. هدف هنرتطابق یافتن بااین وزن و آهنگ کیهانی است، به ساده‌ترین بیان غایت مهارت در هنر، عبارت است از توانایی کشیدن دایره‌ای کامل با یک خط و به‌طور ضمنی خود را با مرکز آن دایره، که من حیث مرکز، همیشه توصیف‌ناپذیر است، یکی کردن».[۲]

البته در چین نوع دیگری از هنر ظاهرگراتر هم وجود دارد که همان هنر کنفوسیوسی است و با هنر تائوئی تفاوت ذاتی دارد. به گفتهٔ شوان:

«دربارهٔ نقاشی کنفوسیوسی می‌توان گفت که آن نه اساساً هنری دینی است و نه کاملاً دنیوی؛ هدف آن اخلاقی است. به معنای خیلی کلی این کلمه، تمایل این نقاشی به مجسم ساختن معصومیت «عینی» اشیاء است و نه طبیعت درونی آن‌ها و اما نقاشی‌های دورنمای طبیعت تائوئی، آن‌ها جلوه‌گر سازندهٔ احوال عرفانی درونی در عالم خارج است. منشأ آن‌ها فضا نیست، بلکه «خلا» است و موضوع آن‌ها اساساً «کوه و آب» است که هدف‌های جهانشناختی و عرفانی خود را با آن می‌آمیزند. در اینجا می‌توان یکی از پرقدرت‌ترین نمونه‌های هنر دینی را مشاهده کرد، از یک لحاظ این

---

۱. همان: ۱۰۸.
۲. بورکهارت ۱۳۴۹: ۷.

هنر درست نقطهٔ مقابل هنر هندو است، که در آن اصل نحوهٔ نمایان ساختن، دقت و وزن است و نه لطائف نامحسوس مشاهدهٔ عرفانی که از عناصر سنجش‌ناپذیر ترکیب یافته است. جای تعجب نیست که مکتب بودایی چان (Chan) «ذن در ژاپونی» که خصلت آن در عین حال غیرملفوظ و در اشارات و لطائف معنی غنی است، در هنر تائوئی نحوهٔ بیان مناسبی به دست آورد».[۱]

به نظر شوان، هنر تائوئی با هنر ذن شباهت فراوان دارد ولی از هنر هندو متفاوت است. به همین دلیل هنر ژاپنی ذن هم بسیار به هنر چینی نزدیک است. به گفتهٔ شوان:

«هنگامی که از هنر چینی سخن می‌گوییم شامل هنر ژاپونی نیز هست. هنری که بخشی بسیار مبتکرانه از هنر چینی است و دارای روح خاص خود می‌باشد واز خصائص وزن و وقار ودلیری و ظرافت و ذوق عرفانی برخوردار است. خانهٔ ژاپونی شرافت طبیعی مواد اولیه و سادگی اشکال و صور را با لطافت فوق‌العادهٔ هنری می‌آمیزد و این عوامل آن را به صورت یکی از مبتکرانه‌ترین پدیده‌های هنر به طور کلی درمی‌آورد».[۲]

شوان، شالودهٔ این هنرها را در طبیعت می‌داند و مهمترین هنر در این مکاتب را هنر خطاطی می‌شمرد:

«در هنر چینی اگر نفوذهای هندو را که از طریق بودایی سرایت کرده است، به کنار بگذاریم، همه چیز از یک سو از خط که دارای خصلت مقدس است، سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر از طبیعت که آن نیز مقدس است و با عشق و علاقه مشاهده می‌شود؛ زیرا طبیعت مظهر جاویدان اصول کلی است، برخی از فنون و مواد از قبیل مفرغ و کاغذ، مرکب هند و لاک، الکل و ابریشم و نی چینی به ابتکار این هنر کمک می‌کند و بعضی از انحاء آن را معین می‌سازد. رابطهٔ بین خط و نقاشی هم نزدیک و هم قاطع است،

---

۱. شوان ۱۳۷۶ : ۱۰۹.
۲. همان: ۱۰۹.

رابطه‌ای که در هنر مصری نیز دیده می‌شود. خط نوعی از نقاشی است، نژاد زرد خط خود را با قلم مو می‌نویسد و نقاشی آن‌ها دارای خصایص خطاطی است و دست و چشم همان عکس‌العمل‌ها را حفظ می‌کند».[۱]

توصیفی که شوان در تحلیل نمای ساختمان‌های چینی و ژاپنی به دست داده به‌خوبی اصالت طبیعت را در آن فلسفه نشان می‌دهد.

«در معماری بناهای اصلی نژاد زرد دارای همان منحنی‌های روی هم قرار یافتهٔ درخت‌های صنوبر است که آن‌ها را احاطه می‌کند. سقف‌های عریض و شاخدار و به یک معنی گیاهی خاور دور که همهٔ آن‌ها معمولاً بر روی ستون‌های چوبی قرار دارد و حتی اگر اصل آن در کاج‌های مقدس یافت نشود، حیات باتحرک و جلال آن‌ها را منعکس می‌سازد وهنگامی که‌فردی از نژاد زرد وارد یک معبد یا قصر می‌شود، او بیشتر داخل یک «جنگل» می‌شود تا یک «غار»؛ معماری این نژاد دارای عاملی زنده و گیاهی و گرم است. حتی منحنی‌های معکوس گوشه‌ها با هدف سحرآمیز آن که به سقف حافظ معبد یک نوع جنبهٔ دفاعی می‌بخشد، ما را به رابطهٔ بین درخت‌ها و صاعقه و بنابراین طبیعت بکر بازمی‌گرداند».[۲]

البته شوان دیدگاه دیگری را هم برای این شکل خانه‌ها بازگو می‌کند که مربوط به افسانه‌های کهن چینی است.

«بر پایهٔ دیدگاهی، سقف چینی نمودار یک قایق معکوس است. در یکی از افسانه‌های چینی و مالایایی آمده است که خورشید از شرق در قایقی حرکت می‌کند و قایق در غرب می‌شکند و در حالی که دگرگون می‌شود، خورشید را می‌پوشاند و شب را به وجود می‌آورد. نه تنها میان قایق واژگون شده و تاریکی شب، بلکه همچنین میان سقف و خوابی را که حفاظت می‌کند، رابطه‌ای ایجاد شده است. یکی دیگر از منابع معماری

---

۱. همان: ۱۰۹.
۲. همان: ۱۱۰.

خاور دور تا آنجا که مربوط به ستون‌های چوبی است، ممکن است خانه‌های پیرامون دریاچه متعلق به اولین چینی‌ها و مالایایی‌ها باشد».[۱]

پ) هنر مقدس و معابد بودایی: از آنجا که بودیسم هیچ تعینی برای خدا نمی‌پذیرد، هویت هنر بودایی باید با محوری دیگر تعیّن پیدا کند. بورکهارت در این مورد می‌گوید:

«تا آنجا که بتوان مفهوم «هنر الهی» را در مذهب بودا که از هرگونه تشخص بخشیدن به مبدأ مطلق اعراض دارد، سراغ کرد، باید مصداق آن را در زیبایی اعجازانگیز بودا یافت. با وجود اینکه هیچ نظریه‌ای دربارهٔ خداوند نیست که بیانش دارای خصیصهٔ وهم‌آمیز ذهنیت نباشد، ذهنیتی که نامتناهی را به حدود خود درمی‌آورد و اشکال و صور عرضی خویش را به آنچه تجسم‌ناپذیر است، می‌بخشد، زیبایی بودا روشنگر یک حالت هستی‌است که هیچ فکری آن رامحدود نمی‌تواند ساخت. این زیبایی که در زیبایی بودا متمثل شده، به شیوه‌ای آیینی در هر صورتی که از «سعادتمند ازلی» می‌کشند یا می‌تراشند، تجدید و احیاء می‌شود».[۲]

به گفتهٔ شوان:

«مفهوم بودایی هنر اقلاً از جهاتی به مفهوم مسیحی نزدیک است، مانند هنر مسیحی هنر بودایی مبتنی بر تصویر مافوق بشر است، که حامل وحی است، گرچه این هنر به علت نظرگاهی که معتقد به جنبهٔ غیرشخصی الوهیت است، از هنر مسیحی متمایز است و این امر همه چیز را به جنبهٔ غیرشخصی بازمی‌گرداند. اگر از لحاظ منطقی انسان در مرکز جهان قرار گرفته است، و برای آیین بودایی این حقیقت یک امر عرضی است و مانند مسیحیت یک ضرورت مذهبی نیست، اشخاص بیشتر «معقولات»اند تا افراد».[۳]

---

۱. همان: ۱۱۰.
۲. بورکهارت ۱۳۴۹: ۷.
۳. شوان ۱۳۷۶: ۱۰۵.

به همین جهت است که هنر محوری در بودیسم مجسمه‌سازی است:

«محور هنر بودایی تصویر مقدس بودا است که طبق یک روایت در دوران حیات «آن وجود خجسته» به صور مختلف هم مجسمه و هم نقاشی بیان شده است. در مورد هنر بودایی وضع برعکس هنر مسیحی است. زیرادر آن مجسمه‌سازی ازنقاشی مهمتر است، گرچه نقاشی نیز کاملاً طبق قوانین سنتی است و «انتخابی» نیست، مانند مجسمه‌سازی مسیحی».[۱]

جایگاه معبود در هنر سنت‌های معنوی
(در هنر شرق)

هنر هندو	۱ ـ بیشترین تجلی الهی در هنر به مایا است، مایا سازنده همه صور و اشکال است.	۲ ـ تقلید از هنر ملائکه دواها مهمترین رکن هنر هندی است.	۳ ـ رقص هنر اصلی هندو است و تمام هنر هندو از جمله نقاشی و موسیقی، معماری و... در رابطه با آن تنظیم می‌شود هنرمند هندو شهود خود را از خدا معماری می‌کند.
هنر تائو و ذن	۱ ـ خدا عامل ثبات و پایه حرکت در عالم. هنر هماهنگ با کیهان در حرکت لاینقطع است و مرکز و پایه این حرکت خداست.	۲ ـ هنری در مقابل هنر هندو که تأکید آن بیشتر بر نمایان ساختن دقت و وزن به جای لطائف نامحسوس مشاهدات عرفانی است.	۳ ـ اگر تأثیر مکتب هندو و بودیسم راکنار بگذاریم همه هنرها در پرتو هنر خط و نقاشی تعریف می‌شود خط هم نوعی نقاشی است. خانه با واژه کلمه خانه همشکل است. همچنین شکل یک درخت صنوبر با کاج را دارد. هماهنگ با اسطوره قایق حامل خورشید که در غرب واژگون شد و شب را ایجاد کرده است.
هنربودایی	۱ ـ عدم تعیّن برای خدا و قرار گرفتن تأکید بر شخص بودا.	۲ ـ این هنر همچون هنر مسیحی تجلی تصویر مافوق بشری از یک انسان است.	۳ ـ هنر محوری بودیسم مجسمه‌سازی است که به همه هنرهای دیگر شکل می‌دهد.

۱. همان: ۱۰۶.

٤ـ ۲) هنر مقدس و معابد غرب

الف ـ یونان و روزگار کنونی: اگرچه غرب هم هنر باطنی و معنوی فراوان دارد و نمونه‌های آن چه در یونان باستان و چه در سده‌های پسین کم نیستند. اما آنچه در جهان امروز از هنر غرب شهرت یافته، عمدتاً مربوط به هنر روزگار تباهی در تمدن یونان و معاصر غرب است، ریشه‌های انحطاط هنر معاصر در هنر یونانی به خوبی قابل ردیابی است. شوان هنر یونانی را نقطهٔ مقابل هنر هندو دانسته، می‌گوید:

«در حالی که معبد هندو دارای جنبه‌ای است گیاهی و بنابراین زنده، به علت نوعی لذت جسمانی توأم با معنویت که از خصائص روح هندو است و همیشه به زهد و مرگ نزدیک است، و به سوی بی‌نهایت انشراح می‌یابد، معابد مصری و یونانی هر یک به نوبهٔ خود نظر متقابل را جلوه‌گر می‌سازد. معبد یونانی مربوط به نظرگاه حکمتی است که دارای روشنی و وضوح است و بدون شک زیاده از حد استدلالی است. این نوع معبد به اندازه و مقیاس و آنچه از لحاظ منطقی محدود است، اشاره می‌کند. به کار بردن مرمر وانتخاب اشیاء دنیوی در معابد با انحطاط مجسمه‌سازی که در بدو امر چوب و فلزات به کار برده و فقط خدایان را متجسّم می‌کرد، توأم بود اما معبد مصری مانند معبود یونانی در فضا قرار نگرفته است. بلکه مأوای آن در ابدیت است و به اسرار حقیقت لایتغیر اشاره کرده و به انسان احساسی مشابه به احساس مشاهدهٔ آسمان پرستاره می‌بخشد».[۱]

به‌گفتهٔ شوان، وضوح کامل و حذف همهٔ رازها و ایهام‌ها، اصلی‌ترین ویژگی هنر یونان است و به همین جهت از دید یونانیان و دنباله‌روان آن‌ها در تمدن جدید، هنر قدسی و رازآمیزی آن کاملاً غیرمنطقی و بی‌سامان است. به‌گفتهٔ شوان:

«هنر دورهٔ کهن باستانی (یونان و روم) را بسیار با روشنایی کامل نور روز مقایسه کرده‌اند، ولی فراموش کرده‌اند که این هنر همچنین دارای کیفیت

---

۱. همان: ۱۰۸.

«ظاهری» نورِ روز است که فاقد هرگونه سر و جنبه‌ای از جوانب نامتناهی است و از دیدگاه این کمال مطلوب، صرفاً استدلالی، هنر کلیساهای قرون وسطی ونیز هنرآسیایی بالطبع توأم با هرج و مرج و «بی‌نظم» و غیرمنطقی و غیرانسانی جلوه می‌کند».

«بـه اخـتصار بـاید گـفت کـه تـمام آنـچه «مـعجزهٔ یـونان» مـی‌نامند، فقط جایگزین ساختن نیروی استدلالی که یک جانبه به جای عقل است، سبک کاملاً طبیعی در هنر بدون فلسفهٔ استدلالی «راسیونالیزم» کـه آن را افتتاح کـرد، غـیرقابل تـصور است. سـبک طـبیعی افـراطـی، نـتیجهٔ آئـین «صورت‌پرستی» است. به عنوان شیء محدود و نه یک «رمـز و تـمثیل»، نیروی‌استدلالی در واقع بر علم آنچه محدود است و دارای حد و نظم است، حکم‌فرمایی می‌کند و بنابراین یک امر منطقی است که هنری کـه تـوسط نیروی اسـتدلالی رهـبری مـی‌شود، مـانند خـود نـیروی اسـتدلالی دارای یک‌نواختی باشد که در مقابل هرگونه سرّ و حقیقت باطنی متمرد است».[۱]

در یک نگاه کلی اگر معماری هند و چـین وجـهی گـیاهی داشت و رازآلود بـودن یک جنگل پرایهام را نمایان ساخت و مادهٔ اصلی آن چـوب و در هـیئتی درخت‌وار بـود، ولی معماری یونانی نمایانندهٔ ساخت مادی طـبیعت و صـورت عـینی آن و قـاطعیت ابـعاد و تناسبات و نظم ملموس آن است، مادهٔ اصلی آن سنگ است و معماری در تودهٔ پرساختمان نمایان می‌شود.

این نکته بسیار ظریف است که شوان این نگاه یونانی را هرگز عقل‌گرایی نـمی‌نامد، بلکه آن را سوءاستفادهٔ یک بُعدی از عقل لقب می‌دهد. از دید او عقل کامل و سلیم هرگز به چنین شکلی یک‌جانبه نمی‌شود.

ریشهٔ این دیدگاه در تفاوت معنای عقلانیت در دو تمدن است؛ بورکهارت در این زمینه می‌گوید:

---

۱. همان: ۱۱۴.

«ما می‌دانیم که بعضی مردم (معماری اسلامی) را مورد انتقاد قرار می‌دهند، چون برعکس معماری دورهٔ رنسانس که باید بیشتر وزن را حمل کند و نیز خطوطی که وزن عمارت را نگاه می‌دارد، تقویت شده و در نتیجه این عناصر یک جنبهٔ آگاهی زنده یافته است. همین امر از نظر اسلامی باز یک اشتباه بین دو مرتبه از واقعیت و نداشتن صداقت عقلی و فکری است. اگر ستون‌های لطیف و نازک بتواند یک گنبد را نگاه دارد، چه فایده دارد، تصنعاً به‌آن یک وضع و حال کشش و فشار داد که به هر حال از آن جمادات طبیعی نیست».[۱]

شوان به روشنی تمام در نقد هنر و معماری جدید می‌گوید:

«هنر جدید، کلیساهایی می‌سازد به شکل جانوران نرم‌تن و دیوارهای آن را با پنجره‌هایی بدون قرینه سوراخ می‌کند که مشابه نتیجهٔ آتش رگبار مسلسل است.[۲] انگار به این نحو می‌خواهد احساسات واقعی خود را فاش کند. هر چقدر مردم به گستاخی یک چنین طرح معماری ببالند، نمی‌توانند از معنای ذاتی اشکال و صور فرار کنند، آن‌ها نمی‌توانند مانع شوند که چنین اثری توسط زبان آشکال و صور خود به عالم ارواح شیطانی صفت و کابوس ارتباط داشته باشد. این آثار تبدل یافتن دید «مکتب احضار ارواح» به بتن آرمه است».[۳]

البته چنین نقدهایی تنها از منظر دیدگاه اسلامی مطرح نمی‌شود. شوان به دیدگاه سرخ‌پوستان سنتی در این زمینه اشاره کرده، می‌گوید:

«عکس‌العمل یک رئیس قبیله سرخ‌پوست سو (Sioux) هنگامی که یک موزهٔ نقاشی را به او نشان می‌دادند، حائز ارزش بسیار است؛[۴]

---

۱. بورکهارت ۱۳۴۹: ۲۴.

۲. از قوانین سخن او برمی‌آید که احتمالاً «منظور او کلیسای رنشان لوکوربوزیه» است.

۳. شوان ۱۳۷۶: ۱۱۸.

۴. نقل از کتاب Charles Eastman تحت عنوان The Indian Today .

رئیس قبیله با تعجب گفته بود: پس حکمت عجیب سفیدپوستان این است، آن‌ها جنگل‌هایی که قرن‌ها با سرافرازی و بزرگی ایستاده بودند، می‌بُرند وسینهٔ مادر ما زمین را می‌شکافند ورودخانه‌های آب زلال را کثیف می‌کنند. بدون ترحّم نقاشی‌ها و بناهای منظم خداوند را خراب می‌کنند و سپس یک پرده را با یک رنگ آلوده می‌کنند و آن را شاهکار می‌نامند. در این مورد باید تذکر داد که نقاشی سرخ‌پوستان یک نوشته است، یا به طور دقیق‌تر بگوییم یک تصویرنگاری است».[۱]

ب) هنر مقدس و معابد در مسیحیت و یهودیت: از میان همهٔ سنت‌های معنوی، ادیان ابراهیمی هویتی ویژه و مخصوص به خود دارند. هدف نهایی این ادیان تفاوت زیادی را با هم نشان نمی‌دهد. تنها چیزی که در میان متون اسلامی مشاهده می‌شود، تأکید دین یهود و سنت موسوی بر جلال الهی و تأکید دین مسیح و سنت عیسوی بر جمال الهی است و حال آنکه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله صاحب دو جنبهٔ جمال و جلال است و هر دو را به تعادل در وجود خود متجلی کرده است. به هر حال تفسیری که در طول تاریخ از این ادیان در هنر آن‌ها شد، تفاوت‌های جدی را نشان می‌دهد.

بورکهارت با بررسی نحوهٔ تجلّی الوهیت در هنر مسیحیت و مقایسهٔ آن با هنر اسلامی می‌گوید:

«از لحاظ مسیحیت خداوند «هنرمند» به بلندترین معنای کلمه است؛ زیرا او انسان را «طبق صورت خود»[۲] آفریده است، اما چون این تصویر نه تنها با نمونهٔ خود شباهت دارد، بلکه متضمن عدم شباهتی تقریباً مطلق با آن نیز هست، پس ناگزیر می‌بایست فاسد گردد، بدین‌گونه با هبوط آدم، جلوهٔ الوهیت در انسان به تاریکی گرائید و آینه تیره و تار شد. با وجود این، جلوهٔ الوهیت نمی‌توانست کلاً زایل گردد؛ زیرا اگر مخلوق محدود به حدود

---

۱. همان: ۹۶.
۲. آفرینش: ۲۷.

خویش‌است، تمامی و کلیت خالق و محدود به هیچ حدی نیست و این بدین معناست که این حدود بر سر راه این کلیت و کمال کـه بـه صـورت عشـق نامتناهی جلوه‌گر می‌شود و حتی لایتناهی بودنش ایجاب می‌کند که خداوند خود را چون کلام جاودانی و ابدی بخواند و در این جهان خاکی «فرود آید» و به نوعی حدود فناپذیر تصویر ـ یعنی طـبیعت بشـری ـ را بـر ذمـه گـیرد تا زیبایی اصیلیش را احیاء و تجدید کند، سد و مانع قطعی ایجاد نمی‌توانند کرد. در مسیحیت تصویر الهی به حد کمال، صورت و قالب انسانی مسیح است و بر این اساس هنر مسیحی فقط یک موضوع دارد و آن عبارتست از تغییرشکل و تبدیل صورت انسان و دنیای وابسته به انسان با انباز کردنشان در مسیح».[۱]

«آنچه بینش مسیحی از راه نوعی تمرکز عاشقانه بر کلامی که در وجود عیسی متجّسد شده درمی‌یابد، بینش اسلامی در عالم جـبروتی و مـافوق انسانی می‌جوید. به مـوجب آمـوزهان قـرآن خـداونـد «هـنرمند» (مـصور) است».[۲]

«مقایسه‌ای بین نظر اسلامی و مسیحی دربارهٔ تصویر انسان مطلب را روشن‌تر خواهد ساخت. در پاسخ به «شمایل شکنی» بیزانسی که کم و بیش تـحت نـفوذ نـظریهٔ اسـلامی قـرار داشت، هـمچنین مـجلس اسـقف‌های مسیحی[۳] به کار بردن شمایل مذهبی را در مراسم آئینی مسیحی با ایـن برهان توجیه کرد. خداوند در ذات خود غیرقابل توصیف است ولی از آنجا که کلام الهی صورت انسانی بـه خـود گـرفت، ایـن کـلام صـورت انسـانی را به‌صورت اصل خود بازگردانید. جمال الهی را وارد آن ساخت. پس در تصویر صورت بشری حضرت عیسی‌علیه‌السلام، هـنر، انسـان را از اسـرار حـلول یـادآور

۱. بورکهارت ۱۳۴۹ : ۶.
۲. همان: ۷.
3 . Qecumenic Council

می‌سازد. بدون شک بین این نظر و عقیدهٔ اسلامی اختلاف فاحش وجود دارد، ولی در عین حال هر دو به یک اساس مشترک اشاره می‌کنند آن صورت انسانی به‌عنوان تجلّی‌گاه اسماء و صفات الهی است».

«حائز توجه است که در اینجا تذکر دهیم که یکی از عمیق‌ترین تعبیرهایی که تاکنون از نظر مسیحی دربارهٔ هنر شده است، از عارف معروف، شیخ اکبر، محیی‌الدین ابن‌عربی است که در فتوحات مکیهٔ خود می‌فرماید: مردم روم (بیزانس) هنر نقاشی را به کمال خود رسانیدند، زیرا برای آن‌ها طبیعت فرد (فردانیه) حضرت عیسی علیه‌السلام چنانکه در تصویر او بیان شده است، بهترین کمک به مشاهدهٔ وحدانیت حق است، چنانکه این گفتار نشان می‌دهد ارزش تمثیلی و رمزی یک تصویر فی نفسه برای مسلمانان عارف و متفکر غیرقابل فهم نیست، گرچه با پیروی از شریعت قرآن آنان‌همواره به‌کار بردن تصاویر مذهبی را طرد کرده و بنابراین تنزیه را بر تشبیه ترجیح می‌دهند».[1]

شوان هم در تحلیلی مشابه، هنر اصلی را در سنت مسیحی «نقاشی» دانسته است، به طوری که همهٔ هنرهای آن‌ها به نوعی در ارتباط با نقاشی شکل گرفته است. به گفتهٔ شوان:

«هنرمسیحی از جهت عقیده‌ای مبتنی بر سر «ابن» به عنوان «تصویر»، «اب» است یا این امر که خداوند «انسان شد» تا اینکه انسان (که بنابر صورت‌الهی خلق شده است) «خداوند شود» در این هنر عنصر اصلی نقاشی است. طبق روایت، این نقاشی از تصویر حضرت مسیح علیه‌السلام که به نحوی معجزه‌آسا بر روی پارچه‌ای که به پادشاه ابگار (Abgar) فرستاده شده بود، نقش بسته بود، منبعث شده است. نیز از نقاشی چهرهٔ حضرت مریم علیهاالسلام توسط قدیس لوقا یا توسط ملائکه یکی دیگر از رب‌النوع‌های شمایل‌های صورت مقدس بالطبع «کفن مقدس» است که نمونهٔ اصلی نقاشی‌های

---

۱. همان: ۱۳.

صورت‌های دینی‌است و سپس صلیب. هفتمین مجمع اسقف‌های مسیحی اعلام کرد که «نقاشی شمایل‌ها به هیچ وجه توسط نقاشان ابداع نشده بود، بلکه برعکس، تشکیلاتی تأیید شده و سنتی است متعلق به کلیسا». ولی به کار بردن شمایل به طور عمومی بدون اشکال نبود. اگر مسیحیان دوران اولیه با اشکال می‌توانستند آن را بپذیرند، به علت میراث یهودی آن‌ها بود، تردید آن‌ها از همان نوع بود که در مورد مسیحیان یهودی‌الاصل دربارهٔ کنار گذاشتن دستورات تغذیهٔ حضرت موسی علیه‌السلام دیده می‌شود. در طبیعت بعضی از روش‌های سنتی نهاده شده است که به فعلیت نرسد مگر با توجه به یک وضع مشخص انسانی، عقیدهٔ قدیس یوحنای دمشقی در قلمرو دینی مشیت الهی بوده، زیرا حقایقی را که افشای آن در آغاز امر امکان‌پذیر نبود، بیان کرد».[۱]

شوان به شباهت منع تصویرسازی در سنت یهودی و اسلام اشاره می‌کند که هر دو ناشی از جنبهٔ جلالی و تنزیهی این ادیان است، اما راهی که این دو مکتب به جای تصاویر برگزیدند، متفاوت بود. به گفتهٔ او:

«هنرهای‌انتزاعی و غیرتصویری یهودیت و اسلام را نباید نادیده گرفت. هنر یهودی در خود تورات آشکار شده و کاملاً مقدس است. هنر اسلامی در حذف تصاویر انسانی و حیوانی با هنر یهودی مشابهت دارد و اما از لحاظ مبدأ آن، این هنر از صورت ظاهری کتاب آسمانی سرچشمه می‌گیرد، یعنی از حروف مشبک آیات قرآنی و نیز گرچه ممکن است عجیب بنماید، از تحریم کردن تصاویر، این محدودیت در هنر اسلامی با حذف برخی از امکانات خلاقیت برخی دیگر را شدت بخشید، مخصوصاً که تصویر گیاهان به وضوح و مشروح اعلان شده بود، اهمیت اساسی طرح‌های اسلیمی و تزئینات هندسی و گیاهی از اینجاست».[۲]

---

۱. شوان ۱۳۷۶: ۱۰۴.
۲. همان: ۱۱۰.

«مینیاتور ایرانی اشیاء را در سطحی بدون ژرف‌نمایی (پرسپکتیو) و بنابر این به گونه‌ای بدون حد و نهایت ادغام می‌کند و مانند قطعه‌ای پارچهٔ نساجی شده است. همین امر است که آن را به عنوان شیء «دنیوی» با دید اسلامی سازگار می‌سازد. معمولاً مسلمانان از هر نوع تجسّم دادن به موضوع‌های دینی اکراه دارند. از بیم اینکه مبادا تجسّم محسوس، زیاده از حد، حقایق معنوی محتویات این حقایق را تحلیل دهد. در واقع تصویرهای تراشیده شده و دراماتیک کلیسای غربی به صورت یک شمشیر دو لبه در آمده، به جای اینکه سعی کند این هنر را «ملایم» و «عامیانه» سازد، کلیسا می‌بایست جنبهٔ انتزاعی ـ روحانی را که در مجسمه‌های رومی‌وار (رومانسک ـ Romanesque) دیده می‌شود حفظ کند. تنها وظیفهٔ هنر این نیست که به سطح عوام «تنزل کند»، هنر باید همچنین به حقیقت ذاتی‌خود وفادار بماند و به انسان اجازه دهد به سوی حقیقت صعود کند».[۱]

سنت یهودی بنابر خواست خدا و قهر الهی نسبت به آن‌ها (بنابر تصریح قرآن) چندان مجال تمدن‌سازی و بسط هنر و معماری نیافت. حتی از معابد عظیم حضرت سلیمان هم اثر روشنی یافت نمی‌شود. اما در مورد مسیحیت به راحتی می‌توان تجلی اصول معنوی آن‌ها را در هنر و معماری نشان داد. بورکهارت برخی از ویژگی‌های متجلی شده در معماری گوتیک و رنسانس را در مقایسه با معماری اسلامی مطرح کرده است که در مباحث معماری با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در اینجا مناسب است برخی تفاوت‌های اصلی در هنر قدسی مسیحی و مسلمان بنابر نظر بورکهارت ارائه شود؛ اولین تفاوت مهم این دو معماری در ساختار فضایی آن‌هاست. در معماری مسیحی همیشه نوعی کشیدگی، به بالا و یا به جلو وجود دارد. به تعبیر بورکهارت:

---

۱. همان: ۱۱۱.

«به درستی گفته شده است که یک گنبد مسیحی یا به سوی آسمان صعود می‌کند و یا به سوی میز عشاء ربانی نزول می‌کند. تمام معماری یک کلیسا، فرد مؤمن را یادآور می‌شود که حضور الهی از عشاء ربانی که بر روی میز خاص آن قرار گرفته است، فیضان می‌یابد مانند نوری که در تاریکی می‌درخشد. [ولی] مسجد دارای یک مرکز برای مراسم آئینی نیست، محراب فقط نشان‌دهندهٔ جهت قبله است، در حالی که تمام نظام و فضا آنچنان است که حضور خداوند را در جمیع جهات و محیط بر انسان خاطرنشان می‌سازد».(۱)

«معماران‌مسلمان تلاش کرده‌اند فضایی‌به‌وجود آورند که در خود غنوده و آرامش یافته باشد، درون هیچ یک از مراکز عبادی اسلامی احساس نمی‌کنیم که به سمت و سوی خاصی کشیده می‌شویم و حدود فضایی آن‌ها آزاردهنده نیست. راست گفته‌اند که معماری مسجد هرگونه کششی و کشاکشی را بین زمین و آسمان، منتفی کرده است».

«نکتهٔ بعد نحوهٔ توجه به مصالح مادی است که ظاهراً هر دو معماری تلاش در سبک کردن کالبد ساختمان و کاستن از مادیت آن و گشادگی دارند؛ اما معماری مسیحی این کار را با ارتفاع گرفتن انجام می‌دهد، (خصوصاً معماری گوتیک) و معماری اسلامی با بهره‌گیری از نور. معماری اسلامی سعی نمی‌کند که سنگینی طبیعی سنگ را با نشان دادن یک حرکت صعودی در سنگ مرتفع سازد. چنانکه در معماری گوتیک، متداول است. اعتدال بی‌حرکت مستلزم عدم حرکت است، ولی در معماری اسلامی، ماده سنگین و بی‌شکل با حکاکی طرح‌های تزئینی زخرفی و اسلیمی و حجاری به اشکال مقرنس و مشبک، سبکی یافته و شبیه

---

۱. بورکهارت ۱۳۴۹: ۱۵.

به اشیاء حاکی ماوراء می‌شود و بدین‌وسیله نور بر هزار جهت تابیده و سنگ و گچ را مبدل به یک جوهر قیمتی می‌سازد. طاق‌های مسلسل (رواق) حیاط‌الحمراء و برخی مساجد مغرب (مراکش و الجزیره و غیره) نوعی احساس آرامش و صفای کامل می‌بخشد و به نظر می‌رسد که آن‌ها از اشعه‌های درخشان نور، بافته شده است و در واقع نور است که به بلور مبدل شده است. انسان فکر می‌کند که مادهٔ درونی اطاق‌های پیوسته اصلاً سنگ نیست، بلکه نور الهی است و آن عقل خلاق است که به صورت اسرارآمیزی در همه‌چیز منزل دارد».[۱]

جایگاه معبود در هنر سنت‌های معنوی

(در هنر غرب)

	تعریف معبود	نحوه تحقق	هنر اصلی
یونان‌باستان	۱ ـ تصویری روشن و واضح و استدلالی از الهه‌هاست برخی آن را همان نور دانسته‌اند اما هیچ نوع نمادورزی در این تعبیر نیست.	۲ ـ نقطه مقابل هنر هندو است و با هر نوع راز و رمزی مخالف است. در عین حال در اینجا هم از مجسمه بهره برده‌اند.	۳ ـ هنر محوری یونان باستان مجسمه‌سازی در شکل کاملاً مادی و دنیایی است.
یهود	۱ ـ تأکید بر جنبه تنزیهی خدا و جدا بودن از زندگی مادی دنیا.	۲ ـ منع هر نوع تصویرگری و بت‌سازی همچون اسلام و در عین حال حضور خداوند به هیچ شکل انتزاعی یا نمادین هم وجود ندارد.	۳ ـ کم توجه به مسئله هنر.
مسیحیت	۱ ـ تأکید بر جنبه تشبیهی و جمالی خدا و در عین حال دست نیافتنی بودن او و حلول او در کلمه او یعنی مسیح.	۲ ـ تنها در ارتباط با کلمه خداست که می‌توان به خدا نزدیک شد.	۳ ـ نقاشی اصلی‌ترین هنر بیانگر حقیقت کلمه الهی (مسیح).

۱. همان: ۲۴.

٤ـ ۳) هنر مقدس و معابد اسلامی: براساس دیدگاه نظریه‌پردازان هنر اسلامی اصل اساسی هنر اسلامی همان مفهوم عمیق توحید است که روح قرآن کریم را شکل داده است به طوری که همهٔ هنرها را در اسلام می‌توان جلوهٔ کتاب آسمانی و قرآن کریم دانست. به گفتهٔ بورکهارت:

«اگر بتوان تأثیر ناشی از قرآن را ارتعاشی روحانی خواند و کلمهٔ بهتری هم برای آن نمی‌توان یافت، چون تأثیر مورد نظر ماهیتی معنوی و در عین حال شنیداری دارد، آن‌گاه باید گفت که همهٔ هنرهای اسلامی به ناگزیر باید محمل نقشی از این ارتعاش باشند. این چنین هنر بصری اسلامی بازتاب بصری کلام وحی است و جز این نمی‌تواند باشد...».

«به‌گونه‌ای که هنر مسیحی اپیزودهایی (بخش‌هایی) را از انجیل و تورات ترسیم می‌کند کیهان‌شناسی خاصی هم در قرآن وجود ندارد که بتواند در قالب طرح‌ها و نقشه‌های معماری ترجمه شود، به نحوی که کیهان‌شناسی ودایی در معماری هندو تجسم یافته است. از دیگر سو، جستجو در قرآن برای چیزی شبیه به قاعدهٔ ترکیب (کمپوزیسیون) که قابل تبدیل به زبان هنر باشد، بیهوده خواهد بود...».

«ریتم قرآن، در عین استحکام و توانمندی، از قاعدهٔ ثابتی پیروی نمی‌کند. حال آنکه هنر اسلامی تماماً نظم و قانون‌مندی، وضوح، سلسله مراتب و شکل بلورین است. پیوند اصلی میان کلام وحی و هنرهای بصری اسلامی، نباید در سطح بیان صوری جستجو شود. قرآن اثری هنری نیست و با وجود زیبایی بسیاری از آیاتش، چیزی کاملاً متفاوت است. هنر اسلامی نیز نه از معنا یا شکل ظاهری قرآن، بلکه از حقیقت و جوهر بی‌شکل آن نشأت می‌گیرد.

اسلام در ابتدای ظهورش نیازی به هنر نداشت، هیچ مذهبی در آغاز پیدایش خود در جهان به هنر توجه نمی‌کند، احتیاج به چهارچوبی برای حفاظت دین که از صور سمعی و بصری ترکیب شده باشد، همچنانکه نیاز

به تفاسیر متعدد کتاب وحی، بعدها به وجود می‌آید. اگرچه تعبیر و تبیین حقیقی و اصیل دین به صورت بالقوه در جلوهٔ نخستین آن نهفته است.

هنر اسلامی در اصل از توحید، یعنی از تسلیم در برابر یگانگی خدا وشهود آن‌حاصل می‌شود. جوهر توحید در ورای‌کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطهٔ بارقه‌های ناگهانی و منقطع متجلی می‌سازد. این بارقه‌ها در ساحت تخیّل بصری در صور بلورین تبلور می‌یابد و این صور هستند که به نوبهٔ خود جوهر هنر اسلامی را پدید می‌آوردند».[۱]

نصر هم بر این نکته تأکید دارد که همهٔ هنر قدسی اسلامی را می‌توان تجسم یافتن کلام الهی دانست. به گفتهٔ نصر:

«هنر قدسی اسلام هم از جهت صورت و هم معنا با «کلام الهی» و وحی قرآنی مناسبت دارد. چون «کلام» اسلام برخلاف مسیحیت، کالبد بشری نپذیرفته، بلکه به صورت کتاب نزول یافته است. هنر قدسی با تجلّی حروف و اصوات کتاب الهی سر و کار دارد، نه با شمایل انسانی که خود لوگوی متجسّد است».[۲]

٤ـ٤) مساجد، اصلی‌ترین نمودگار هنر قدسی در سنت اسلامی: در گفته‌های شوان نشان دادیم که سنت‌های مختلف نوع تقدس و معنویتی که تعریف می‌کنند، هنر خاصی را به‌عنوان محور و اساس هنرها طرح کرده‌اند. حال باید همین مسئله را در مورد سنّت معنوی اسلام نشان دهیم.

بورکهارت در این زمینه می‌گوید:

«صورت و شمایل بشری، تقریباً عنصر غالب در هنر اروپایی است. نتیجتاً در سلسله مراتب هنر اروپایی، چهره‌پردازی و مجسمه‌سازی بالاترین مرتبه را دارا می‌باشند و «هنر مطلق» خوانده می‌شوند، حال آنکه معماری، چون مشروط به ضرورت‌های تکنیکی است، در مرتبهٔ پایین‌تری

---

۱. بورکهارت ۱۳۷۳: ۲۶.
۲. نصر ۱۳۷۳: ۴۵.

واقع می‌شود. شأن هنرهای «تزئینی» از آن هم نازل‌تر است؛ معیار سنجش یک فرهنگ هنری در بینش اروپایی، توانایی آن در ترسیم طبیعت و حتی بیش از آن، در تصویر انسان است. در مقابل، هدف اصلی هنر در بینش اسلامی، تقلید یا توصیف طبیعت نیست، بلکه شکل دادن به محیط انسان است، چرا که فعل بشر هرگز با هنر الهی برابر نخواهد بود».[۱]

«می‌توان گفت که معماری در میان هنرهایی که محیط انسان را شکل می‌دهند و آن را مهیای نزول برکت می‌سازند، جایگاه اصلی را داراست».[۲]

او در تبیین علل این مسئله می‌گوید:

«هنر اسلامی با بهره‌گیری از حکمت اسلامی، سعی می‌کند که ایجاد یک نوع خلأ کند و همهٔ پریشانی‌ها و تمایلات شهوانی دنیا را از میان بردارد و نظامی را جایگزین آن سازد که مُبیّن تعادل و آرامش و صلح است. از این امر می‌توان فوراً به اهمیت اساسی و مرکزی معماری در هنر اسلامی پی برد. گرچه پیغمبرﷺ فرمودند که خداوند امت خود را مورد عنایت قرار داده و تمام سطح زمین را جایگاه عبادات او قرار داده است، معماری است که در اماکن پرجمعیت، باید وضع صفا و آرامش را که همه‌جا در طبیعت یافت می‌شود، از نو ایجاد کند و اما زیبایی طبیعت بکر و دست‌نخورده که‌به‌مثابهٔ آثار دست خالق و آیات قدرت اوست، آن نیز در سطح و مرتبه‌ای دیگر توسط معماری به وجود می‌آید. در مرتبه‌ای که به عقل بشری نزدیک‌تر و به همین جهت به نحوی محدودتر است ولی به هر حال از حکومت جابرانهٔ شهوات فردی به دور است».[۳]

«ابن‌خلدون اکثر صنایع ظریفه از قبیل نجاری و درودگری و منبت‌کاری در چوب، گچ و کاشی ساخته شده از سفال و گل و نقاشی تزئینی و حتی

---

۱. بورکهارت ۱۳۷۳: ۳۰.
۲. همان: ۳۱.
۳. همان: ۱۴.

قالی‌بافی را که آن‌قدر شاخص جهان اسلامی است، در حقیقت با معماری مرتبط می‌سازد؛ حتی هنر خط را می‌توان بـه صـورت کـتیبه‌های تـزئینی با معماری ارتباط داد. لکن هنر خط اسلامی ذاتاً یک هنر فـرعی نـیست، از آن‌جا که این خط برای نوشتن قرآن کریم به کار می‌رود، دارای بالاترین مقام در هنرهای اسلامی می‌باشد».(۱)

بورکهارت در گفتاری گسترده‌تر، هنر بصری اسلامی را دارای دو کانون مکمّل هم معرفی می‌کند و می‌گوید:

«بحث دربارهٔ تمام هنرهای اسلامی به طول مـی‌انـجامد. کـافی است به دو قطب هـنرهای بـصری در اسـلام، یـعنی مـعماری و خـط بـنگریم. اولی هنری است که بیشتر از دیگر هنرها مشروط به عوامل مـادی است، در حالی که دومی از این لحاظ از همهٔ هنرها آزادتر است. با وجود این هنر خط، تحت قوانین شدید از لحاظ اشکال مشخص حروف و تـناسب آن‌هـا و استمرار وزن و انتخاب سبک قرار دارد. از سوی دیگـر امکـانات تـرکیب حروف، تقریباً بی‌نهایت است وسبک‌ها فرق بسیار دارد. از سبک چهارگوش کوفی تا روان‌ترین سبک‌های نسخی، وحدت بین حداکثر نظم با حداکـثر آزادی به خط اسلامی جنبهٔ شاهدانه می‌بخشد و در هیچ یک از هـنرهای بصری، روح اسلام آنچنان آزادانه تجلی نمی‌کند».(۲)

وی همچنان‌که در مباحث فوق، معماری را بهترین هنر شکل‌دهنده به محیط می‌دانست، در اینجا خط را به عنوان بهترین هنر نشانگر و بازگوکنندهٔ کلام الهی می‌داند. ضمن این‌که در میان هنرهای صوتی هم قرائت قرآن این مقام را دارد.

بورکهارت می‌گوید:

«اگر بخواهیم هنرهای تصویری را در اسـلام بـر حسب مـراتب تـقدم

---

۱. همان: ۱۹ .
۲. بورکهارت ۱۳۴۹: ۱۹ .

و تأخـر آن‌هـا بـه طـور اجـمال بـررسی نـمائیم، اصـیل‌ترین ایـن هـنرها خوش‌نویسی است، خوش‌نویسی این امتیاز را دارد که کلام الهی قرآن را در قالب شکل‌های بصری ارائه مـی‌کند. فـی‌الواقـع خـطاطی عـربی نـه تـنها به نقطهٔ اوج کمال رسید، بلکه طیف وسیعی از سبک‌های مختلف را، از خط کوفی مستطیلی گرفته تا سیال‌ترین و دلپذیرترین اشکال «نسخ» به وجود آورد. هر کجا اسلام حاکمیت یافته است، گوهرهای بی‌شمار خوش‌نویسی عربی را می‌توان جستجو نمود».[۱]

مددپور در این رابطه می‌گوید:

«معماری که در هـنر اسـلامی شـریف‌ترین مـقام را داراست، یک روح اسرارآمیز را نمایش می‌دهد، معماران در دورهٔ اسلامی سعی می‌کنند تا همهٔ اجزاء بنا را به صورت مظاهری از آیه‌های حق تعالی ابداع کنند، خصوصاً در ایران که این امر در دورهٔ اسلامی به حد اعلای خویش می‌رسد، از اینجا در نقشهٔ ساختمانی و نحوهٔ آجرچـینی و نـقوشی کـه بـه صـورت کـاشی‌کاری و گچ‌بری و آیینه‌کاری و... کار شده است، توحید و مراتب تقرب به حق را به نمایش می‌گذارند و بنا را چون مجموعه‌ای متحد و ظرفی مطابق با تفکر تنزیهی دینی جلوه‌گر می‌سازند.

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کـرد
ایــن هــمه نــقش در آئــینه اوهــام افـتاد
این همه عکس می‌و نقش نگارین که نمود
یک فروغ رخ ساقی است که در جـام افـتاد

از این‌روست که می‌بینیم بهترین و جاودانه‌ترین آثار یا در مساجد و یا بر گرد مزار امـام مـعصوم علیه‌السلام یـا ولی‌ای از اولیـای خـدا مـتجلی مـی‌گردد که سرتاسر مزین به آیات الهی، اهم از نقش و خط است. نمونه‌هایی از آن

---

۱. بورکهارت ۱۳۷۳: ۳۰.

مظاهر و تجلیات را که الهامات غیبی بر دل مؤمنان خداست، یاد می‌کنیم تا ببینیم چگونه بخشی از تاریخ تمدن بشری ماده می‌گردد تا صورت دینی به خود بگیرد.

معماری اسلامی چون دیگر معماری‌های دینی به تضاد میان فضای داخل و خارج و حفظ مراتب توجه می‌کند. هنگامی که انسان وارد ساختمان می‌شود، میان درون و بیرون تفاوتی آشکار مشاهده می‌کند. این حالت در مساجد به کمال خویش می‌رسد، به این معنی که آدمی با گشت میان داخل و خارج، سیر میان وحدت و کثرت، و خلوت و جلوت می‌کند. هر فضای داخلی خلوتگاه و محل توجه به باطن و هر فضای خارجی جلوتگاه و مکان توجه به ظاهر می‌شود. بنابراین نمایش معماری در عالم اسلام، نمی‌تواند همهٔ امور را در ظرف ظاهر به تمامیت رساند و از سیر و سلوک در باطن تخلف کند. به همین اعتبار هنر و هنرمندی به معنی عام، در تمدن اسلامی، عبادت و بندگی و سیر و سلوک از ظاهر به باطن است».[۱]

بحث نصر نیز در این رابطه شنیدنی است. او تأکید دارد که:

«هنر قدسی اسلام در زمینهٔ هنرهای تجسمی بیش از هر چیز در قالب معماری مساجد و خوش‌نویسی نمود یافته است. یکی فضایی می‌آفریند که کلام الهی در آن انعکاس می‌یابد و دیگری حروف و خطوطی خلق می‌کند که گویی صورت تنزل یافته کلام الهی در قالب الفبای زبان فارسی و عربی است. هنر قدسی اسلامی، قالب‌های بیانی دیگری را نیز دربرمی‌گیرد. اما هنر قدسی به معنای دقیق کلمه، شامل معماری و خوش‌نویسی است که با تار و پود صورت و معنای قرآن در آمیخته‌اند و گویی از آن جاری می‌شوند».

«فضای درون مسجد نه تنها عارضی و اتفاقی نیست، بلکه عمداً به‌گونه‌ای طراحی شده که هرگونه تراکم و انجماد یا کششی را مانع گسترش

---

۱. مددپور ۱۳۷۴: ۱۳۶.

کلام در فضای نامحدود و یکدست شود، خنثی نماید، فضایی سرشار از سِلم و توازن که روح در آن به جای تمرکز و استقرار در قالب پیکره یا شمایلی خاص، همه‌جا هست و حضوردارد. شمایل‌شکنی اسلامی که بسیار موضوع بحث واقع شده به معنای تقابل یا ضدیت اسلام با هنر قدسی نیست؛ چراکه هیچ مذهبی بدون هنر، قادر به آفرینش فضایی مناسب برای نمودها و تجلیات زمینی خویش نخواهد بود، بلکه بدین معناست که اسلام زندانی ساختن روح یا کلام الهی را، در هیچ قالبی که آزادی باطنی آن را تهدید کند و جلوه‌ها و نمودهای آن را بپوشاند، نمی‌پذیرد. از سوی دیگر، این امر با تأکید اسلام بر اصل «یگانگی» الوهیت» یا «توحید» که هرگز در قالب صور خیال نمی‌گنجد و نیز با این خوی روحانی که «صحراگردی» را بر «سکون و قرار» ترجیح می‌دهد و از انجماد در فضا می‌پرهیزد، مرتبط است. بدین‌گونه معماری مسجد در اهدافی که می‌جوید و در واقعیت روحانی‌ای که می‌آفریند، از باطن قرآن مقدس الهام می‌گیرد و این مسئله که معماری اسلامی به گونه‌ای شکل گرفته تا از طریق رمز و تمثیل، با روشنی خیره‌کننده‌ای، اسماء و صفات گوناگون الوهیت را جلوه‌گر نماید. گنبد زیبایی الهی یا «جمال» را و مناره‌ها، ابهت خداوندی که ریشه در فضای روحانی واحدی دارد، مساجد چنین متفاوت چون مسجد قرطبه، مسجد جامع اصفهان و مسجد دهلی را به هم می‌پیوندد».[۱]

«ایران اسلامی در زمینهٔ هنرهای تجسمی به خلق صورت‌های دیگری ازهنر سنتی نیز پرداخته است که با صور هنر قدسی که بی‌واسطه از آموزه‌ها و مناسک دینی مایه می‌گیرند، پیوند دارد. برای نمونه در قلمرو معماری، خانهٔ سنتی به نوعی گسترش و امتداد مسجد تلقی می‌شود به این معنی که سادگی و طهارت مسجد را استمرار می‌بخشد. فرش‌هایی که انسان با کفش برآن‌ها پا نمی‌نهد، پاکی آئین‌شان که نماز و عبادت بر روی آن‌ها را همچون

۱. نصر ۱۳۷۳: ۴۸.

فرش‌های مسجد ممکن می‌سازد. «خلوت» اطاق‌های سنتی خالی از مبلمان و عناصر فراوان دیگر، میان خانه و مسجد پیوندی معنوی برقرار می‌نماید. در مقیاس وسیع‌تر، کل طراحی شهر با مسجد مرتبط است، و این امر علاوه بر نقش مرکزی مسجد در شهر سنتی، به گونه‌ای بسیار دقیق‌تر، از اصل وحدت و انسجام سرچشمه می‌گیرد که بر همهٔ شهر، از خانه‌های شخصی تا شهر در کلیت خود حاکم است، اصفهان و کاشان هنوز نمونه‌های شاخص این اصل کلی‌اند. در محدودهٔ هنرهای تجسمی، قالب‌های سنتی دیگری هم وجود دارند که با هنرهای دینی محض مرتبط بوده، اصطلاحاً به نام «هنرهای فرعی» شهرت یافته‌اند. این مقوله نیز از آن جهت که انسان را در زندگی روزانه احاطه کرده و عمیقاً بر او تأثیر می‌نهد، اهمیت ویژه‌ای یافته است. اینجا هم «مهر تقدّس» حقیرترین اشیاء را جلایی خاص می‌بخشد. به‌عنوان نمونه قالی‌ها که همچون باغ‌ها و حیاط‌های ایرانی، قابی آن‌ها را محصور ساخته و گویی به مرکزی باطنی نظر دوخته‌اند، تداعی‌گر و تکرار بهشتند. جامهٔ سنتی در همهٔ اشکال خود نه‌تنها انجام آداب و عبادات را تسهیل می‌کند، بلکه سرشت الهی انسان را جلوه‌گر می‌سازد. مینیاتور که با مصورسازی کتاب پیوند نزدیک دارد، نوعی «بسط» وگسترش خوش‌نویسی است و باز هم گویی مراتب ملکوت را متمثل می‌نماید. همهٔ قالب‌های هنری مذکور، بر مبنای بینشی کامل و کل‌نگر نسبت به حیات که مشخصهٔ اصلی فرهنگ سنتی ایران است، از طریق قوانین سنتی به یکدیگر می‌پیوندند. هنر، به وساطت این قوانین، صبغه‌ای قدسی یافته، اصول روحانی حاکم بر تمامی وجوه زندگی انسان سنتی از ورای آن تجلّی پیدا می‌کند».[۱]

---

۱. همان: ۵۳.

جایگاه معبود در هنر سنت معنوی اسلام

تعریف معبود	نحوه تحقیق	هنر اصلی
۱ ـ خداوند با دو جنبه جمال و جلال خود هم در دنیا جلوه‌گر شده وهم از همه صورت‌ها منزه است. درعین حال وحدت فراگیر او تجلّی او را به همه هستی می‌رساند.	۲ ـ روح قرآن مهمترین تجلی الهی است که بنیاد هنر اسلامی را می‌سازد. اما این هنر تقلید مستقیم از محتوای داستانی قرآن و یا کیهان‌شناسی آن یا شکل قالبی آن نیست.	۳ ـ در هنر اسلامی معماری بهترین هنری است که می‌تواند شکل دهنده به زندگی باشد و در عین حال حضور الهی را هم به شکلی نمادین در زندگی وارد کند به گفته ابن‌خلدون همه هنرهای اسلامی همچون درودگری، تزئینات، خط، قالی‌بافی و... همه در پرتو معماری شکل گرفتند.

بررسی تطبیقی معماری نیایش‌گاه‌های غربی و مساجد

▣ علی‌محمّد رنجبر کرمانی

▣ چکیده

معماری نیایشگاه‌ها بازتاب باورها و آیین‌ها و مناسک در ادیان گوناگون ر قالب کالبد و فضا می‌باشد با بررسی و تحلیلی این باورها می‌توان به‌درک درستی از چگونگی ساماندهی فضایی این ساختمان‌ها دست یافت. در گذر زمان انسان همواره عالی‌ترین جلوه‌های آفرینش‌گری و خلاقیت هنری خود را در ساختمان نیایشگاه‌ها متجلی ساخته است. تاریخ معماری گواه آن است که مهم‌ترین ساختمان‌ها از دیدگاه معمارانه در میان همه فرهنگ‌های جهان از گذشته تاکنون نیایشگاه‌ها بوده‌اند.

معماری نیایشگاه با حضور انسان نیایش‌کننده کامل می‌شود این بدان معنی است که همه عوامل کالبدی ـ فضایی نیایشگاه‌ها به همراه انسان نیایش‌کننده تشکیل یک سامانه منسجم را می‌دهند که برای دستیابی به یک هدف متعالی انتظام یافته‌اند و آن یافتن خود در برابر نیرویی بی‌پایان که همه هستی به دست اوست می‌تواند باشد.

جلوگرترین بخش نیایشگاه‌ها عناصری هستند که همچون نماد حضور

الهی در فضا به کار گرفته می‌شوند. این عناصر می‌توانند کل معماری نیایشگاه را تحت تأثیر خود قرار دهند و به آن جهت بدهند یا ریخت و شکل آن را بسازند.

در این پژوهش مقایسه‌ای میان نیایشگاه‌های غربی و مساجد از دیدگاه کالبدی ـ فضایی و عوامل مؤثر برآن دو و به‌ویژه چگونگی ساماندهی فضایی آنها انجام می‌شود. در این روند نخست به تحلیل ریشه‌ها و خاستگاه معماری نیایشگاه‌ها رسیدگی شده است. مهم‌ترین این نیایشگاه‌ها کلیساها هستند که با همه گوناگونی فرهنگ‌ها و فرقه‌های مسیحی از ویژگی‌های کالبدی ـ فضایی کمابیش همانندی در کشورهای مختلف برخوردار هستند.

خاستگاه معماری کلیساها را باید در نیایشگاه‌های یونانی و رومی جستجو کرد. نیایشگاه‌هایی که خانه خدایان بود خدایانی ساخته ذهن آدمیان و نه خانه خدای یگانه و خانه قیام انسان‌ها. از این‌رو یگانه نبود و هر خدایی برای خود نیایشگاهی ویژه داشت. این نمونه‌ای از چیرگی شرک و چند خدایی به جای وحدانیت خدا بود. آیین‌ها در بیرون از نیایشگاه و گرداگرد آن برگزار می‌شد و نه در درون فضا و میان انسان و خدا، جدایی و فاصله بود. انسان با یک میانوند و واسطی با خدا در ارتباط بود و در برابر عظمت تندیس‌های نفوذناپذیر و نیرومند، احساس خردی و کوچکی می‌کرد. در مجموع معبد حالت مجسمه‌گونه داشت و برای تماشا از خارج طراحی شده بود.

کلیساهای مسیحی نیز که متأثر از تالارهای ستوندار یونانی بود در گذر زمان با دو الگوی بنیادی مرکزی و کشیده، یکی در روم شرقی و دیگری غربی، به تکرار فضا و کالبد ادامه داد. تحولات سازه‌ای در شیوه‌های مختلف معماری اروپایی مانند رومی‌وار و گوتیک و نوزایی

و باروک چندان تأثیری برچگونگی ساماندهی فضایی کلیساها نگذاشت و تنها ریخت کالبدی آنها را دگرگون کرد. گرچه که تجربیات جالبی از بهره‌گیری از آرایه‌ها و بازی با نور و شمایل و نقاشی و... پدید آمد و تلاش بسیاری برای خلق فضایی روحانی شد. با این همه پس از پشت سر گذاشتن روزگار نوزایی و مدرنیسم، همه آن دستاوردها نادیده گرفته شد و کلیساها به ساختمان‌هایی بی‌روح و صرفاً کارکردی تبدیل شدند که دیگر به‌کار نیایش و تمرکز نمی‌خورد و تنها فضایی برای انجام مراسم بود.

بدین‌گونه باید گفت سیر تحول معماری کلیساها همچون تحولات در خود آیین مسیحیت رخ نمود یعنی سیری از جهان سنتی مسیحی با باورهای جزمی خود که ترجمان آن را می‌شد در کلیساهای رومی‌وار و گوتیک یافت، به جهان مدرن رخ داد که ترجمان آن را می‌شد در کلیساهای باروک و روکوکو و سپس معماری مدرن یافت. دستاورد آن همه جسارت در واپس زدن هر آنچه که از گذشته به جا مانده که از ویژگی‌های بنیادی تاریخ معماری غرب بوده این شد که انبوهی از تجربیات ارزشمند رخ نمود، ولی هیچ‌کدام راه کمال نپیمود و گاه در اوج جلوه‌نمایی مورد بی‌مهری قرار گرفت.

از ویژگی‌های بنیادی و شگفت معماری روزگار اسلامی این نکته است که با به‌کارگیری چند فضای مشخص و تعریف شده، مانند گنبدخانه، ایوان، میانسرا، رواق، دالان، هشتی و... نمونه‌های گوناگونی را از انواع ساماندهی فضایی برای انواع کارکردها پدید آورد که هر کدام از دیگری متمایز بود و در عین‌حال به شایستگی کارکردهای مورد نیاز را پاسخ می‌داد. معماری تمدن اسلامی بیش از هر چیز در وجود مسجد متجلی شد که خود تجسم بازآفرینی و تکرار هماهنگی، نظم و آرامش طبیعت بود. فضا در معماری اسلامی و به ویژه در مساجد با همه سادگی و وقارش با حضور انسان مؤمن

تقدس می‌یافت و جایگاه تجلی جمال خداوند می‌شد. برخلاف آن بی‌اعتنایی‌ها به فضای درون که در معماری غریب بارها رخ داد، در مساجد با وقار تمام هر عامل دیگر را از خود متأثر کرد. بینش توحیدی اسلام پایه و اساس معماری قرار گرفت و همه عوامل کالبدی ـ فضایی به خدمت گرفته شدند تا فضایی پدید آید که در انسان مؤمن در کمال آرامش به «ذکر» پردازد و «حضور الهی» را تجربه کند. حضوری که به زیبایی در شکل‌ها و کالبد و نماهای درونی، در آرایه‌ها و در کتیبه‌ها، و از همه مهم‌تر در چگونگی ساماندهی فضایی که برپایه اصل حرکت از کثرت شکل و کالبد، به وحدت شکلی و کالبدی و فضایی می‌رسید. چون آن همه ریخت و شکل و هندسه وآرایه همه به‌یک سو رهنمون می‌شدند وازهمان سو نشأت گرفته می‌شدند.

از دیدگاه اسلام عنایت الهی مستقیماً و نه با وسائط و میانجی‌ها شامل حال مردمان می‌شد و از مقتدایان دینی و مراجعی که گناه کسان را می‌خزند و احکام کیش را معین می‌کنند خبری نبود. در واقع نیایش و دعا چون بی‌واسطه از خود خداوند و آفریننده جهان خواسته می‌شود، نه‌آن‌گونه که در میان مسیحیان انجام می‌گرفت، قطعاً تأثیرات و مناسک و نتایج مختلفی به‌بار می‌آورد. پس نقاط فضا به طور یکسان اعتبار می‌یافت و تنها روکردن به یک جهت خاص بود که موجد همنوایی مؤمنان می‌شد. محورگرایی و تأکید برجهت خاص در همه فضاهای مسجد، همراه با برتری فضا نسبت به کالبد و نیز استقلال فضاها در عین همبستگی آنها، ساختمان مسجد را همچون نغمه‌ای دلنشین و منسجم در نظر جلوه‌گر می‌ساخت که همه اجزایش در خدمت یک هدف بودند.

درتفکر اسلامی، مکان از آن جهت که محضر خداست، تقدس می‌یافت عالم، تجلی خداوند و از این‌رو مقدس است. این تجلی در مراتبی گوناگون در طول هم رخ می‌دهد، و کعبه بنیاد محوری است که این مراتب

یا عوالم را به هم مرتبط می‌کند. پس کعبه از آن‌رو مقدس است کـه نـماد اتصال عالم به حق تعالی است. جهت‌گیری به سوی کعبه، یا سمت قبله نیز روکردن نمادین به این اتصال و قرار گرفتن در جهت ارتباط با مبدأ هستی است. این جهت مقدس به فضای معماری مسـلمانان کـه از نـظر کـالبدی معمولاً فاقد جهت است، جهتی معنوی می‌بخشد.

از دیدگاه اسلامی کالبدها از آنجا که مادی هسـتند، وابسـته بـه زمـان و مکان‌اند و فقط به صورت متشابه، رمزی، آیه‌ای و تمثیلی می‌توانند برای انسان اندیشمند و دل‌آگاه تداعی معنا نموده و وسیله یاد و یادآوری شوند. کالبدها به صورت نسبی می‌توانند معنا و مفهومی را تداعی و یادآوری نموده و در مجموع حداکثر زمینه و وسـیله‌ای مـتناسب بـرای سـیر و صـیرورت متعالی و ارادی انسان باشند و ذاتاً جنبه اعتباری دارند.

هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیـبایی مـی‌توانـد در بـی‌نهایت شکل‌ها و کالبدهای مـتفاوت بـه صـورت نسـبی و تـمثیلی مـتجلی شـود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بعد انتها نـدارد. بـه‌خصوص بـا تـوجه به جمیع شرایط متغیر و متنوع زمانی و مکانی، بنابراین هر مفهوم و اصل ثابت نظری، نظیر مفاهیم (جمال، جلال، عدل) می‌توانند در بـی‌نهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یابد و متجلی گردد.

اشاره

این نوشتار به بررسی تطبیقی ویژگی‌های معماری نیایش‌گاه‌های غـربی از روزگـار پـیش از مسیحیت و پس از آن، با معماری مساجد به‌ویژه مسجدهای ایرانی می‌پردازد. روشن است که به دلیل گستردگی و وسعت کار تنها بـه بـرخـی ویـژگی‌های بـنیادی پـرداخـته مـی‌شود. نگارنده در این مقاله تلاش می‌کند نشان دهد چه رابطه‌ای میان کالبدها و فضاهای معماری با جهان‌بینی و نگرش نیایش‌گران در معماری یک نیایش‌گاه می‌تواند پدید آید.

۱ ـ ویژگی‌های کلی

تاریخ تحولات معماری، گواه روشنی بر گرایش‌های دینی و اعتقادی گوناگون در ساختمان نیایش‌گاه‌ها است که به دست بشر در گذر زمان در جوامع مختلف ساخته شده است. در همهٔ فرهنگ‌ها و دین‌ها سازندگان نیایش‌گاه‌ها تلاش بسیاری را برای پدیدارسازی باورهای جمعی جامعهٔ خود در کالبد و فضای نیایش‌گاه‌ها داشته‌اند. از این‌رو «معماری نیایش‌گاه‌ها» بازتاب باورها و آیین‌ها و مناسک در ادیان گوناگون می‌باشد. با این همه تأثیر باورها و اعتقادات در معماری نیایش‌گاه‌ها همواره یکسان نبوده است. به ویژه گذر زمان و دگرگونی‌هایی که در اعتقادات مردم نسبت به مبانی و فروع دین رخ می‌داده، در معماری نیایش‌گاه‌ها بی‌تأثیر نبوده است.

از سوی دیگر معماری نیایش‌گاه‌ها همچون معماری‌های دیگر متأثر از عوامل آب و هوایی (اقلیمی)، عوامل جغرافیایی و تاریخی و نیز عوامل دیگر بوده است. این واقعیت باعث شده که مردمی که به یک دین واحد باور داشته‌اند، در سرزمین‌های گوناگون و در آب و هواهای مختلف، نیایش‌گاه‌های گوناگونی از دید معماری بسازند. پس معماری نیایش‌گاه‌ها را می‌توان دارای دو دسته ویژگی‌های معمارانه دانست:

الف ـ ویژگی‌های مشترک نیایش‌گاه‌ها که برگرفته از تعلّق به دین واحد با باورها و اعتقادات و مناسک همسان می‌باشد.

ب ـ ویژگی‌های متمایز نیایش‌گاه‌ها که متأثر از عوامل آب و هوایی، اقتصادی، فناورانه (تکنیکی) و دیگر عوامل اختصاصی و به ویژه باورهایی است که در سایهٔ یک دین واحد از سوی مردم در گرایش‌های فرعی ایجاد شده است.

روشن است که عوامل دستهٔ نخست، به مراتب مؤثرتر و قوی‌تر از دستهٔ دوم هستند. زمینه‌هایی معمارانه‌ای که این ویژگی‌های مشترک و متمایز در آن‌ها رخ می‌نمایند، همان زمینه‌هایی هستند که در دیگر ساختمان‌ها نمودار می‌شوند.

الف ـ زمینه‌های بیرونی: زمینه‌هایی که ساختمان را با پیرامون مرتبط می‌کند. مانند:

ـ چگونگی استقرار ساختمان بر زمین؛

ـ رابطهٔ آن با عناصر پیرامون، هم از جنبهٔ بصری و هم دسترسی؛

ـ چگونگی دستیابی و ورود به ساختمان؛

ـ چگونگی جداسازی درون و بیرون ساختمان؛

ـ جهت‌یابی ساختمان به سمتی ویژه؛

ب ـ زمینه‌های درونی: زمینه‌هایی که به روابط درونی و میان بخش‌ها و کالبد و فضایی می‌پردازد، شکل (فرم) بیرونی و درونی ساختمان، ویژگی‌های کمی و کیفی فضاها مانند اندازه‌ها و تناسبات به‌کار رفته، ریخت هندسی فضا، چگونگی نورگیری و بازشوها، چگونگی دسترسی به فضاها و از همه مهمتر، چگونگی ساماندهی فضاها در کنار یکدیگر و سرانجام ویژگی‌های آرایه‌ای یا تزیینی فضاها، هم در نماهای درونی و نماهای بیرونی، افزون بر این‌ها به مواردی مانند ارتباط فضاهای باز و بسته، درصد فضاهای باز و بسته، درونگرا یا برونگرا بودن فضا و کالبد ساختمان، گستردگی حوزهٔ دید (شفافیت) و حوزهٔ حرکت (سیالیت) و مواردی از این دست باید توجه شود.

دربارهٔ شکل فضاهای نیایش‌گاه‌ها و جنبهٔ کمی و کیفی آن‌ها به طور کلی می‌توان دو دسته فضا را متمایز کرد:

الف ـ فضاهای گذر و عبور برای دسترسی به فضاهای تأمل؛

ب ـ فضاهای تأمل و مراقبه و عبادت.

«میرچا الیاده» این دو فضا را «راهرو» و «مقام» نامیده است. به گفتهٔ او برای اینکه یک راهرو و مسیر قابل تشخیص باشد باید دارای این ویژگی‌ها باشد: کناره‌های محکم، پیوستگی، جهت‌داری، قسمت‌های برجستهٔ قابل تشخیص، یک پایانهٔ مشخص، تمایز یک انتها از انتهای دیگر.

برای اینکه یک مقام یا محل قابل تشخیص باشد باید از نظر شکل در مرزهای اعلام شده متمرکز باشد، شکل آسان‌فهمی داشته باشد، اندازهٔ آن محدود باشد، جای تجمعی داشته باشد،

بتوان آن را به صورت یک منطقهٔ درونی نسب به محیط بیرونی پیرامون تجربه کرد، عمدتاً جهت مشخصی نداشته باشد.[۱]

به گفتهٔ او این ویژگی‌ها را در ساختمان‌های مذهبی می‌توان به کوتاهی با تقابل میان ساختمان بازیلیکایی کلیسا و متمرکز مسجد روشن کرد. بازیلیکا راهرویی است که به مذبح ختم می‌شود. همهٔ جزییات طرح بازیلیکا مؤید این نکته است. صحن کلیساکه راهروهایی به آن شکل داده‌اند وکناره‌های سخت و صلبی دارد. انگاره‌های کف و ردیف پیش‌روندهٔ ستون‌ها پیوستگی را به وجود می‌آورندکه آن نیز به نوبهٔ خود بر جهتی خاص دلالت دارد. در اینجا همه چیز متوجه یک میز مقدس است که در یک تاق جای گرفته و توسط شکل در برگیرندهٔ شاه‌نشین حمایت می‌شود. برای یک زائر و برای کسانی که در اینجا هیچ جایگاه بی‌زوالی ندارند، این بارهٔ سلطانی بسیار مناسب است.

ولی یک مسجد متمرکز، شبیه به مسجدی که توسط سنیان در استانبول طراحی شده، هیچ حرکت یا جنبشی را در برندارد. این مسجد یک مقام و محل یا یک نقطهٔ مراجعه و تجمع است که تمرکز یافته است؛ اگر فردی به مسجد وارد شود تمایلی به ترک آن ندارد و تشویق می‌شود که در آن بماند. این محل با صورت خارجی دادن به تعادل، مایهٔ تأمل فرد می‌شود. این محل یک معماری متمرکز همه شمول دارد. وسعت محل، بیان‌کنندهٔ اعتقاد خاصی که مسیحیان به تجسد دارند نیست؛ بلکه برحضور مطلق خداوند دلالت می‌کند. مسجد بیان‌کنندهٔ توحید است که مفهوم آن وحدت خداوند به عنوان مبدأ و سرچشمهٔ همهٔ کثرت‌هاست. بدین ترتیب تفاوت میان بازیلیکا و مسجد تفاوتی در سبک نیست، هر دو انواع متمایزی از معماری هستند و در این دو مورد با درک دین‌داران از دین خویش همخوانی دارند.[۲]

ج ـ زمینه‌های کاربردی: کارکرد ساختمان‌های دینی در فرهنگ‌های گوناگون، پدیدار ساختن فضایی برای انجام آیین‌ها و مناسک دینی و یادآور شدن مفاهیم دینی و انجام فعالیت‌هایی است که در مسیر هدف‌های دینی و به گونه‌ای در پیوند با آن هستند.

---

۱. جی، جِی، دیویز. دائرةالمعارف دین، ویراسته میرچا الیاده، ش ۱۹، زمستان ۱۳۷۴ .
۲ . همان.

یکی از ویژگی‌های مهم ساختمان‌های دینی این است که در آن‌ها کارکرد (Function) ساختمان در شکل‌دهی و سازماندهی فضایی آن نقش کم اهمیت‌تر از پدیدار ساختن «مکان» دارد. در ساختمان‌های دینی کارکرد به معنی یک فعالیت ویژه که در یک فضا انجام می‌شود، در برابر هدف اساسی خلق فضا در آن‌ها چندان نمی‌تواند پراهمیت شمرده شود. فعالیت‌های عملی که در آن‌ها انجام می‌شود، همگی برای آماده شدن و ایجاد حس و تجربهٔ دینی و پیوند با عالمی به جز این دنیاست و نقش زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی دارد. ازاین‌رو روشن است که سازندگان آن ساختمان‌ها همهٔ تلاش خود را برای خلق چنین فضایی به‌کار می‌گیرند: فضایی که چنین حس و حالی را در بیننده و استفاده‌کننده از فضا پدید آورد، در ذهن او مفاهیمی را بیدار کنند که دنیای مادی بر آن‌ها سرپوش گذاشته و در پیش چشم او هستی برتر و هستی‌بخش این جهان را به‌گونه‌ای تداعی کنند. همهٔ این تأثیرات فضایی کالبدی را می‌توان کارکردهای اصلی ساختمان‌های دینی برشمرد، در برابر کارکردهای فرعی آن‌ها که انجام آیین‌ها و مناسک دینی باشد.

د ـ حضور انسان: معماری نیایش‌گاه با حضور انسان نیایش‌کننده کامل می‌شود. این بدان معنی است که همهٔ عوامل کالبدی ـ فضایی نیایش‌گاه‌ها به همراه انسان نیایش‌کننده تشکیل یک سامانهٔ منسجم را می‌دهند که برای دستیابی به یک هدف متعالی انتظام یافته‌اند و آن یافتن خود در برابر نیرویی بی‌پایان که همهٔ هستی به دست اوست می‌تواند باشد.

پس باید گفت ساختمان نیایش‌گاه با حضور انسان نیایش‌کننده هویت تمام می‌یابد. این سخن درست رویاروی دیدگاه‌هایی است که در آن‌ها هویت مکان تنها با حضور عناصر معمارانه تعریف می‌شود. در برابر این دیدگاه، برخی حس مکان را امری ادراکی و ذهنی دانسته‌اند که بر پایهٔ ویژگی‌های فضا در ذهن ساخته می‌شود. پس هویت مکان مشروط به وجود ذهن ادراک‌کننده می‌شود.

هـ ـ حضور الهی: جلوه‌گرترین بخش نیایش‌گاه‌ها عناصری هستند که همچون نماد حضور الهی در فضا به‌کار گرفته می‌شوند. این عناصر می‌توانند کل معماری نیایش‌گاه را تحت تأثیر عناصر خود قرار دهند و به آن جهت بدهند یا ریخت و شکل آن را بسازند. به‌گفتهٔ الیاده، حضور

خداوند را می‌توان به طرق گوناگون نمایش داد. این حضور اغلب با پیکره‌های مقدس در معابد مصری، یونانی و هندو تعیین می‌یابد. می‌توان از کاشی‌ها یا نقاشی‌ها برای اشاره به حضور خداوند استفاده کرد. در برخی ادیان، کل ساختمان تجلی خداوند تلقی می‌شود. از محراب‌های یونانی این تلقی وجود داشت. معابد هندو تا زمان ما نه فقط مکان عبادت و تجمع، بلکه دارای حرمت و قداست الهی بوده‌اند. خانهٔ کعبه در مکه که مقدس‌ترین عبادتگاه و مکان مذهبی در اسلام است، نماد تلاقی محور عمودی روح و صفحهٔ افقی حیات انسانی است. این خانه یک مکعب میان تهی از سنگ است و محور دنیوی کیهان‌شناسی اسلامی است. دیرک چوبی یا ستون سنگی در ادیان دیگر همین نقش را ایفا می‌کنند.

در تفکر اسلامی، مکان از آن جهت که محضر خداست، تقدس می‌یابد. عالم، تجلی خداوند و از این رو مقدس است. این تجلی در مراتبی گوناگون در طول هم رخ می‌دهد و کعبه بنیاد محوری است که این مراتب یا عوالم را به هم مرتبط می‌کند؛ پس کعبه از آن‌رو مقدس است که نماد اتصال عالم به حق تعالی است، جهت‌گیری به سوی کعبه، یا سمت قبله نیز روکردن نمادین به این اتصال و قرارگرفتن در جهت ارتباط با مبدأ هستی است. این جهت مقدس به فضای معماری مسلمانان که از نظر کالبدی معمولاً فاقد جهت است، جهتی معنوی می‌بخشد.

کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان‌اند و فقط به صورت متشابه، رمزی، آیه‌ای و تمثیلی می‌توانند برای انسان اندیشمند و دل‌آگاه تداعی معنا نموده و وسیلهٔ یاد و یادآوری شوند. کالبدها به صورت نسبی می‌توانند معنا و مفهومی را تدعی و یادآوری نموده و در مجموع حداکثر زمینه و وسیله‌ای متناسب برای سیر و صیرورت متعالی و ارادی انسان باشند و ذاتاً جنبهٔ اعتباری دارند.

هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می‌توانند در بی‌نهایت شکل‌ها و کالبدهای متفاوت به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بُعد انتها ندارد. به خصوص با توجه به جمیع شرایط متغیر و متنوع زمانی و مکانی؛ بنابراین هر مفهوم و اصل ثابت نظری، نظیر مفاهیم (جمال، جلال، عدل) می‌توانند در بی‌نهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یابد و متجلی گردد.

۲ ـ ویژگی‌های نیایش‌گاه‌های غربی

منظور از نیایش‌گاه‌های غربی در این پژوهش، بیشتر کلیساها در کشورهای غربی و در میان فرقه‌های گوناگون مسیحی می‌باشد. همان‌گونه که همهٔ مورخین هنر نوشته‌اند الگوی بنیادی ساختمان کلیساها، تالارهای ستوندار یونانی یا باسیلیکاها بوده‌اند که در معماری رومی نیز ساخته می‌شده‌اند. همچنین عناصر دیگری از معماری پیش از یونانی در آن مؤثر بوده‌اند. بر این پایه برای بررسی سیر دگرگونی‌ها در نیایش‌گاه‌های غربی به ناچار باید ریشه‌های اصلی را تحلیل کرد.

به گفتهٔ نویسندگان، نخستین الگوها برای ساخت معابد یونانی، نیایشگاه‌های پیش از یونان کلاسیک بوده‌اند. در میان مردم آن زمان باورهای دینی شامل اعتقاد به خدایان و مقدّس شمردن اجزاء طبیعت بود. آنان به قصد تسکین خدایان به شعائر فراوان مشتمل بر دعا و قربانی تشریفات دست می‌زدند. در فرهنگ یونانی پرستش طبیعت به پرستش شخصیت‌ها، تکامل یافته و خدایان شکل‌هایی انسانی به خود می‌گرفتند. برخلاف خدایان مصر و میانرودان، یگانه تفاوت واقعی این خدایان با انسان‌ها این بود که ایشان فناناپذیر بودند.

شیوه‌های عبادت یونانی هم مانند خدایان یونانی بسیار متنوع بوده است. یونانیان برای دفع شر خدایان زمینی به عبادت آنان می‌پرداختند؛ ولی خدایان آسمانی را صمیمانه پرستش می‌کردند. اجاق‌خانه مانند آتشدان بزرگ شهر که در میدان عمومی قرار داشت، محل عبادت بود. نیایشگاه‌ها و غارها و شکاف‌های زمین که مسکن خدایان زمینی محسوب می‌شوند، برای عبادت به کار می‌رفتند. یونانیان حریم نیایشگاه‌ها را مقدس می‌شمردند و بدان تجاوز نمی‌کردند. در آنجا مؤمنان گرد می‌آمدند. یونانیان نیایشگاه‌ها را خانهٔ خدایان می‌شمردند، نه خانهٔ عبادت‌کنندگان. تندیس خدایان در نیایشگاه قرار داشته و در برابر این تندیس‌ها آتش جاویدان شعله می‌کشیده است.

خاستگاه نیایشگاه‌های کلاسیک یونان را خانه‌های نخستین و سادهٔ یونانیان کهن دانسته‌اند. این نیایشگاه‌ها نخست دارای یک اتاق تکی به عنوان درونخانه بوده و یک ایوان ستوندار نیز در پیشگاه آن بوده است. این ایوان‌های ستوندار بخش اصلی و اساسی نیایشگاه

یونانی شمرده می‌شدند. زائرین به درون نیایشگاه راه نداشتند، زیرا جایگاه خداوند وگنجینه‌های الهی بود. عبادت و آیین‌های نیایش و قربانی در مذبح یا قربانگاه خارجی انجام می‌شد. نزدیک‌ترین محلی که یک عابد معمولی به جایگاه تجسم تقدس الهی راه داشت؛ همان فضای سرپوشیده ورودی نیایشگاه بود. یونانیان، خود ساختمان راگونه‌ای پیکره می‌پنداشتند که شکلی انتزاعی دارد و از نیروی پیکره برای مجسم ساختن صفات انسانی برخوردار است. هر نیایشگاه دارای این فضاها بود:

ـ یک اتاق تکی یا دو اتاق تو در تو (مقصوره) بدون پنجره، با یک در.

ـ یک اتاق تکی یا دو اتاق میان دو دیوار دو سوی ایوان.

ـ یا یک ردیف ستون در جلوی ایوان.

ـ یا دو ستون میان دو دیوار و یک ردیف ستون در جلوی آن.

ساماندهی فضایی نیایشگاه یونانی را از لحاظ نظم و تقارن فضاها دستاوردی پس از معماری خاور نزدیک برشمرده‌اند. معماری یونانی همچون موسیقی کلاسیک، یک تم یا مضمون سادهٔ مرکزی داشت. نیایشگاه یونانی دارای فضاهایی مشخص و تعریف‌شده بود که در همهٔ نمونه‌ها به یکسان و با سامان‌بندی تکراری به کار می‌رفت. گرچه در اندازه تغییری رخ می‌داد ولی فضاها و حتی تناسبات میان اندازه‌ها یکسان می‌ماند. یک اتاق اصلی، ایوان ستوندار و ردیف ستون‌ها درگرداگرد این واحد فضایی. این سه عنصر اصلی همواره کاربرد داشت. گاردنر این ساده‌گرایی در محتوا راکه بخش‌هایی ساده هم از درون آن فرا می‌رویند، به دانش هندسهٔ یونانی شبیه کرده است.

دربارهٔ الگوبرداری معماری یونانی از معماری مصری به‌گمان ما نمی‌توان از تمایزات آن‌ها درگذشت؛ چون ممکن است معماری ستوندار مصر، یک شیوه ستون‌بندی را به یونانیان یاد داده باشد، ولی باید توجه داشت که پرستشگاه‌های مصری آشکارا درونگرا هستند. ردیف ستون‌هایشان نمای درونی را می‌آراید و آسمانه را نگه می‌دارد. ولی پرستشگاه یونانی درست برعکس پرستشگاه مصری است. پرستشگاه آشکارا برونگراست و حالتی ظاهری و نمایشگرانه دارد.

در معماری یونان باستان، توجه به مجسمه‌سازی به مراتب بیشتر است تا به فضای درونی. از این‌رو کالبد ساختمان نقشی ویژه یافته است. شاخص نیایشگاه یونانی، یک فضای خالی درونی و نوعی برتری در تمامی طول تاریخ است، خلاء درونی‌اش در فراموش کردن فضای معماری آن، ثبات و دوام می‌یابد و افتخارش در مقیاس انسانی آن موجودیت پیدا می‌کند. پس می‌توان گفت نیایشگاه یونانی:

۱ ـ هیچ فضای مثبتی ندارد و هستهٔ آن یک مجسمهٔ توخالی است.

۲ـ این هستهٔ، کارکردی برای مردم ندارد و جایگاه خدایان است.

۳ ـ تمام اهمیت به فضای پیرامون این هسته داده شده و با انبوهی از آرایه‌ها نمودار می‌شود.

۴ ـ با این همه نیایشگاه یونانی دارای مقیاس انسانی است.

در معماری رومی، نیایشگاه رومی بر خلاف معماری مذهبی فرهنگ‌های پیشین (از جمله یونانی) نمونهٔ نوآورانه ویژه‌ای را ارائه نکرد. بلکه معماران رومی، بیشتر نیروی خود را صرف ساختن ساختمان‌های پرشکوه و شهرها کردند. آنان نیایشگاه‌هایی با الگوی یونانی و اتروریایی نیز ساختند. رومی‌ها نیز مانند یونانی‌ها از رواق‌ها یا ایوان‌های پرستشگاه‌ها بهره‌گیری می‌نمودند.

در نیایشگاه رومی درست برخلاف معماری‌های پیشین، شکل فضای به دست آمده حاصل طرز قرارگرفتن دیوارها نیست. دیوارها و احجام در معماری مصر و میانرودان به قدری اهمیت می‌یابند که آنچه دیده می‌شود همین‌ها هستند. فضا فقط به شکلی منفی وجود دارد، یعنی تصادفاً بین احجام ظاهر می‌شود. این‌گونه معماری را معماری احجام نامیده‌اند. معماری یونانی نیز که مخصوصاً به احجام، نسبت‌های میان احجام و شکل دادن به عناصر حجمی توجه داشت، با صفت معماری استخوان‌بندی یا ساختاری متمایز شده است.

ویژگی‌های اساسی فضای رومی چنین برشمرده می‌شود:

۱ ـ تقارن در فضاهای دایره‌ای و مستطیلی؛

۲ ـ داشتن استقلال‌فضایی نسبت به فضاهای دیگر به‌گونهٔ جداسازی با دیوارهای ستبر؛

۳ ـ محوربندی فضاها؛

۴ ـ داشتن مقیاس غیرانسانی و عظیم؛

۵ ـ تأکید بر عظمت و حاکمیت و نشانه‌ای از برتری نسبت به جمعیت شهروند، به گونه‌ای که آشارا اعلان می‌کند که امپراطوری به مثابه منطق و قدرت زندگی وجود دارد. مقیاس ساختمان رومی، مقیاسی است که اسطوره را در اذهان مسجم می‌سازد؛ ولی در واقع این قدرت‌نمایی چیزی را جز اندوه در اذهان مجسم نمی‌کند. چنین مقیاسی انسانی نیست و نمی‌خواهد انسانی باشد.

برای نمونه ساختمان نیایشگاه پانتئون دارای یک گنبد خانه تک است که گنبد آن بر روی استوانه‌ای ساخته شده است. دیوارهای استوانه بی هیچ گسستی، یکباره تا نوک گنبد کشیده می‌شوند، گنبد با دیوارها یکی شده و هیچ رده‌بندی کالبدی در آن دیده نمی‌شود. در برابر آن، گنبدخانه‌های مسجدها رده‌بندی کالبدی مشخصی دارند که از نقشهٔ کف مربع به هشت گوشه، از هشت گوشه به شانزده نمودار می‌شود و می‌تواند سلسله مراتب هستی را از جهان طبیعت، ملکوت تا عالم ناسوت، تداعی کند. بخش‌بندی کالبد گنبد با خطوط و تورفتگی‌هایی با شکل‌های ذوزنقه که هرچه به بالا می‌روند، کوچکتر می‌شوند، دارای یک‌نواختی و هندسه‌ای بی‌روح هستند. در برابر آن بخش‌بندی‌ها در زیر سقف مسجدها که با کاربندی، رسمی‌بندی و چفدآمیز (مقرنس‌ها)، هماهنگ با راستای انتقال نیروهای کالبدی بر ساختمان، با تنوّع خود و اشکال گوناگون، یک رده‌بندی از هستی را به نمایش می‌گذارند. ذوزنقه‌ها و تورفتگی‌های گنبد سرانجام در بالا به یک سوراخ بزرگ دایره‌ای می‌رسند و به یکباره آهنگ آن‌ها خاموش می‌شود و نور با شدت به درون می‌تابد و این امر دوگانگی فضای درون و بیرون را افزون می‌کند. در برابر آن، ترکیب و پیوند هماهنگ کاربندی‌ها با خورشیدی در کانون آن‌ها که در عین تنوع و کثرت، دارای وحدت عناصر و خطوط هستند. نور گنبدها به گونه‌ای لطیف‌تر از زوایه‌های گوناگون از راه شبکه‌ها، نورشکن‌ها و گاه شیشه‌های رنگی به درون می‌تابد و از دوگانگی فضای درون و بیرون می‌کاهد و یک وحدت میان فضاها را نمودار می‌سازد.

در یک بررسی کلی می‌توان دربارهٔ نیایشگاه‌های یونانی که پیش درآمد کالبد کلیساها بوده‌اند چنین گفت: نیایشگاه، خانهٔ خدایان است؛ خدایانی ساختهٔ ذهن آدمیان و نه خانهٔ خدای یگانه و خانهٔ قیام انسان‌ها. از این‌رو یگانه نیست و هر خدایی برای خود نیایشگاهی ویژه دارد. این نمونه‌ای از چیرگی شرک و چندخدایی به جای وحدانیت خدا است. آیین‌ها در بیرون از نیایشگاه و گرداگرد آن برگزار می‌شود و نه در درون فضا. پس میان انسان و خدا، جدایی و فاصله است. انسان با یک میانوند و واسطه‌ای با خدا در ارتباط است. انسان در برابر عظمت تندیس‌های نفوذناپذیر و نیرومند، تنها احساس خردی و کوچکی می‌کند. انسان، تنها تماشاچی و رهگذر است و کششی بسوی خدایان ندارد، بلکه واپس زده شده، بر جای می‌ماند.

سیر تحول معابد یونانی بدین‌گونه است که در گذر زمان نسبت مساحت فضای بیرونی به فضای درونی بیشتر می‌شود. عناصر تزیینی نظیر ستون‌ها به تدریج افزوده می‌شود، ابتدا علاوه بر ورودی در قسمت مقابل آن، سپس چهار طرف و به تدریج ردیف‌های بیشتر و پرشدن محوطهٔ ورودی فضای داخلی کم‌کم از نقشه مربع به مستطیل کشیده و نوارهای باریک فضایی تبدیل می‌شود. هیچ عنصر تعیین‌کننده در بدنهٔ دیوارها و فضاها مشوقی برای توقف و سکون و توجه نیست، مگر مجسمه و رب‌النوع. کلاً یک محور طولی در فضای داخلی و ورودی مسلط است، و همواره حالت عبور را تشدید می‌کند.

حجم خارجی یک حجم مستقل، منظم و در مجموع یکنواخت است که کاملاً از فضای اطراف خود جدا و حالت نمایشی یک مجسمه را دارد. هیچگونه نشانه‌ای که محور ورودی را مشخص کند وجود ندارد و فواصل ستون‌ها کاملاً یکنواخت است و این برونگرایی و مجسمه گونگی را به شدت تشدید می‌کند. سکوی بلند و جدا شدن از زمین اطراف، این حالت نمایشی را تشدید می‌نماید.

در مجموع قسمت پرساختمان نسبت به فضای خالی آن مسلّط است و ساختمان پر احساس می‌شود. عناصر تزیینی به خصوص سرستون‌ها و نقش برجسته‌ها و مسجمه‌های متنوّع بر روی سنتوری و بر روی سقف حالت نمایشی و مجسمه گونهٔ آن را تشدید می‌نماید.

همهٔ مراسم عبادی به صورت جمعی انجام می‌شود و فضایی برای حضور قلب و عبادت فردی وجود ندارد. امپراطوریان و حاکمان جانشینان خدا در زمین و انسان برتر تلقی می‌شوند و کاهنان منتخب آنان فقط مجری مراسم هستند. معبد در مجموع دور از بافت متمرکز و اصلی شهر و بر روی ارتفاعات قرارگرفته است و قابل دسترسی مداوم و روزمره افراد نیست و گهگاه مراسمی در آن برپا می‌شود.

پس درگذر زمان، نسبت مساحت فضای بیرونی به فضای درونی بیشتر می‌شود. به شمار ستون‌ها درگرداگرد نیایشگاه افزوده می‌شود، نخست به رواق پیشگاه نیایشگاه، سپس در پیش ایوان، و پس از آن در چهار سوی نیایشگاه و در فضای درونی آن. فضای درونی کم‌کم از هندسه چهارگوشه و مربع به هندسهٔ مستطیل کشیده و رواق‌های باریک دگرگون می‌شود. کانون توجه و کشش در فضای درونی، تنها تندیس خدایان است و به جز آن عنصر نیرومندی دیگر نیست که انگیزه توجه و ایستادن در برابر آن باشد. کالبد ساختمان دارای یک راستای طولی است که همواره انگیزهٔ گذر و ناایستادن را افزون می‌کند. فاصله‌های میان ستون‌ها یکسان است و آهنگ یک‌نواختی دارد. از این‌رو نمی‌تواند به شناخت عناصر فضا یاری رساند و آن‌ها را از هم جدا بنمایاند. این ویژگی، برونگرایی و تندیس‌گونگی، کالبد ساختمان را افزون می‌کند. ساختمان روی سکویی ساخته شده که بدان حالت نمایشی داده است. کالبد ساختمان بر فضای آن چیره است، چون بخش پر ساختمان بر بخش تهی چیره است.

آرایه‌ها و سرستون‌ها و نگار برجسته‌ها و تندیس‌ها بر روی سه‌گوشهٔ پیشانی (سنتوری)، ساختمان را همچون یک تندیس بزرگ نمودار می‌سازد و سرانجام این‌که در روند دگرگونی کالبد نیایشگاه‌ها از سادگی فضایی به سوی پیچیدگی تندیس‌گونه سیر کرده یا از الگوی فضایی خانهٔ کعبه به سوی الگوی جمرات سه‌گانه رفته است.

کالبد ساختمان، کاملاً برونگرا است و هیچ درگاه و دروازه‌ای با هدف پدید آوردن کشش به سوی درون فضا و دعوت‌کننده ندارد. یک نظم هندسی بسیار یک‌نواخت و تکراری پیرامون نیایشگاه را دربرگرفته است. کالبد پر و سخت ستون‌ها بر فضای میان آن‌ها چیرگی دارد و ساختمان را بیشتر تندیس‌گونه می‌نمایاند. سقف شیب‌دار نیایشگاه، ساختمان را بر زمین نشانده

وکالبد آن را زمینی کرده است. تندیس‌ها، نگاربرجسته‌ها، آرایه‌ها و ستون‌ها با جرم سنگین خود و نمودهای تندیس‌گونهٔ خود، آنچنان به فضای تهی چیره هستند که کل کالبد ساختمان همچون یک تندیس به چشم می‌آید تا یک فضای معمارانه، ساختمان به شدت برونگرا است. گرداگرد ساختمان را رواق‌ها پوشانده‌اند، و هستهٔ کانونی ساختمان بسیار کوچکتر از نمود بیرونی آن است. درون نیایشگاه بسیار ساده و بی‌آرایه است. دیوارها تخت و یکدست هستند و ردیف ستون‌ها در راستای طولی نیایشگاه، توجه را به سوی کانون و جایگاه خدایان می‌کشاند، و بیشتر حالت گذر و عبور را تشدید می‌کند، تا ایستادن و حضور را. کانون و نقطه تمرکز فضای درونی و قلب فضا، یک فضای تهی و کوچک و دربسته است که جایگاه نذورات و هدایا و گنجینه‌ها است. در روند دگرگونی نیایشگاه‌ها، از درون‌گرایی به بیرون‌گرایی، سیری از نیایشگاه بودن به معبود شدن را می‌توان مشاهده کرد.

در معماری بیزانسی دگرگونی‌هایی در طرح گنبد مرکزی پدیدار شد. الگوی کلیسا به شکل مکعب گنبددار (ندرتاً به شکل چهارگوش با قاعده‌ای غیرمربعی) بود. کلیساهای کوچک، عمودی بودند و برخلاف ساختمان‌های پیشین بیزانسی، سطوح دیواره‌های بیرونی‌شان با نقش برجسته تزیین شده بود.

در سده‌های میانه، کلیساها بیشتر با الگوی کشیده و با سیلیکایی ساخته می‌شدند و نه نقشهٔ مرکزی. گرچه الگوی گرد برای نمازخانه‌های خصوصی و آرامگاه‌ها به کار می‌رفت، مانند نمازخانه کاخ شارلمانی در آخن، ولی آنچه شالودهٔ تکامل معماری رومانسک قرار گرفت و نقشی قاطع در آن داشت، الگوی کشیده بود با آن‌که در سدهٔ هشتم چندین کلیسای کشیده ساخته شد، ولی همگی ویران شده‌اند.

بازیلیکا ساختمانی است که دو محور تقارن عمود بر هم دارد. هم تقارن طولی دارد و هم عرضی. ولی کلیسای مسیحی تنها تقارن طولی را حفظ می‌کند و تقارن عرضی را به هم می‌زند. در ورودی در ضلع کوچکتر در عرض قرار می‌گیرند و روبروی آن محراب که همان نیم‌دایره بازیلیکاست که در هر دو سو بود و در اینجا یکی است تا بدین طریق جهت هدایت را نشان دهد.

معمار دورهٔ رومانسک، ساختمان را به شکل روابط و نسبت‌های هندسی میان اجزای آن برشمرد. و این دیدگاه از پایه با دیدگاه معماری دورهٔ مسیحیت آغازین تفاوت داشت؛ زیرا وی هیچگاه در اندیشهٔ روابط و نسبت‌های هندسی اجزای بزرگ نبود و دیوار را اصولاً یک ساختمانی نمی‌دانست، بلکه سطحی می‌پنداشت که می‌بایست روی آن آرایه‌بندی کند.

عناصر کالبدی کلیسای رومانسک همچون گذشته عبارت بودند از یک تالار ستوندار با دیوارهای حجیم و دو ردیف ستون در میان آن که تاق‌های چهاربخشی را در میان نگه می‌داشتند. بازوهای طرفین این تالار چندان بلند نبودند و گاه این بازویی‌ها حذف می‌شدند. دیوارهای ستبر مانع از این می‌شدند که نور فراوان به درون کلیسا بتابد. در جای برخورد تالار ستوندار بازویی یک گنبد بلند زده می‌شد و این بخش را پرنورتر می‌کرد.

برخلاف معماری مسیحیت نخستین که در جستجوی خدا به درون نظر داشت، سبک رومی‌وار (رمانسک) مقیاسی انسانی داشت. انسانی که قصد داشت تا خدا را از آسمان به زمین بیاورد. دیدگاه این معماری نسبت به فضا نیز تأییدکننده همین نظریه بود؛ فضای کلیسای ابتدایی مسیحی با روحانیت رویایی‌اش تبدیل به فضایی مرکب از چند فضای کوچکتر شد که تابع نظمی صریح و روشن بود. به این منظور قبل از هر چیز، دالان طولانی و اصلی کلیسا به غرفه‌هایی متشابه تقسیم شد و ساختمان، ساختار کالبدی خود را به نمایش گذارد و ضرب آهنگ این تکرار اجزاء، ساختمان را به مقیاس‌های انسانی نزدیکتر ساخت. دیگر انسان، تنها تماشاگر مبهوت ساختمان نبود، بلکه به گونه‌ای در این مجموعه ایفای نقش می‌کرد و جزئی از کل این نظام به‌شمار می‌آمد.

شبستان در کلیساهای رومی‌وار، فضایی خطی بود. این محور خطی تنها دالان‌های جنبی را در برخی نقاط قطع می‌کرد که این انقطاع به اشکال گوناگون پیش می‌آمد یا این‌که دالان عمودی فرعی که از مسیر اصلی کوتاهتر بود، مدام بین محراب اصلی بود و یا اینکه به دو قسمت تقسیم گردیده و از دو سو به مسیر ناوی شکل اصلی می‌پیوست. الگوی اصلی و شاخص در کلیساهای رومی‌وار آمیزه‌ای بود از این دو شکل ناوهای اصلی و عمودی. هر دو هم‌اندازه و هم‌ارتفاع بودند و دو فضای متداخل ایجاد می‌کردند که این تداخل، الگوی چلیپایی را پدید می‌آورد.

معماری رومانسک، چندین ویژگی مشخص پدید آورد:

ـ طرح پیمون‌بندی شده مربع در نقشهٔ کف.

ـ روش ستون‌بندی یکی در میان که تویزه‌های نیم‌دایره را که ضربدری با یکدیگر برخورد می‌کنند را نگه می‌دارد.

ـ برجستگی و گودی فزایندهٔ دیوارها و جرزها در جایی که به تاق‌های بالایی می‌پیوندد.

ـ تأکید بر پیمون‌بندی در نقشهٔ کف.

در سبک رومی‌وار برای اولین بار دیوارهای بیرونی کلیسا اهمیت بیشتری یافت: دیوار بیرونی، بافتی همگون با فضای درونی داشت و برج آن از نظر شکل اهمیت یافت. دلیل این شکل‌پردازی را باید در گشایش معنوی جستجو کرد. کلیسا وظیفه‌ای مبشّرانه داشته و ساختمان آن نیز باید با فرم و فضای خود تأکیدی باشد و به این درخشش بشارتگر.

کالبد کلیسای رومانسک دارای دو ویژگی مهم بود:

۱ـ پیوستگی کالبدی: در اینجا معماری به کارکردش در حد سطوح و پوسته‌ها پایان می‌بخشد و خود را در استخوان‌بندی بیان می‌کند.

۲ـ پیمون‌بندی فضایی: ساختمان دارای پیمون و وزن است مانند شعار ادبی. گام‌ها در کلیسای صدر مسیحیت، یکنواخت و با قافیه است. در کلیسای بیزانس، لغزنده است. ولی در رومانسک دارای ایست‌های آهنگینی شده بود.

تلاش معماران گوتیک بر این بود که کلیسا با نوری شگفت‌انگیز، پیوسته بدرخشد. در سده‌های میانه این را نظریه‌ای می‌دانستند که‌انگیزه پی‌ریزی سبک گوتیک گردیده است و آنچه تحقق این نظریه را میسّر گردانید، دانش فنی و مهارت عملی بود. تفاوت بین این دو، مشابه تفاوت بین فیزیک و مهندسی مدرن بود. وقتی معمار سده‌های میانه از هنر هندسه سخن می‌گفت، منظورش نه ماهیت انتزاعی شکل‌های هندسی، بلکه کاربردهای عملی فرمول‌بندی‌های ریاضی در طراحی یک مجسمه یا پی‌ریزی یک ساختمان بود. لیکن با تلاش برای پی بردن به اینکه معماری گوتیک عمدتاً با نظریه سر و کار داشته یا پی‌ریزی یک ساختمان بود. لیکن با تلاش برای پی بردن به این‌که معماری گوتیک عمدتاً با نظریه

سر و کار داشته یا با دانش فنی و مهارت عملی، نمی‌توان این معماری را شناخت. بلکه باید پذیرفت که کلیساهای گوتیک حاصل کاربست توأمان نظریه و دانش فنی بوده‌اند.

پیوستگی فضایی در شیوهٔ گوتیک پیشرفته با طرح تازه‌ای که به دیوارهای تالار داده شده و به دنبال آن نور بیشتری از راه ردیف پنجره‌های بزرگتر شدهٔ زیر تاق‌ها به درون تالار راه یافت، با تأکید بیشتری در برابر دید بینندگان قرار گرفت. با کاربرد پشت‌بندها در بیرون از کالبد، بالکانه‌های خطابه از بالای رواق‌ها حذف شدند. بالکانه‌ها از معماری رومانسک و گوتیک آغازین می‌توانستند همچون پشت بند برای تاق تالار نقش ایفا کنند. فضاهای درونی برخی از کلیساهای دورهٔ گوتیک پیشرفته، با همهٔ افزایش چمشگیر اندازهٔ پنجره‌های زیر تاقی نسبتاً تاریک بودند چراکه بیشتر شیشه‌های پنجره‌ها رنگی بودند و جلوی نور را می‌گرفتند. گرچه شیشه‌های رنگی باعث تاریک شدن فضای درون می‌شدند، ولی نور رنگین زیبایی به درون می‌تاباندند که برای شیفتگان معماری گوتیک بسیار گیرا بود. ویژگی‌های مهم معماری گوتیک در نمونه‌های بعدی تکامل یافت. این ویژگی‌ها چنین بودند:

- شیوهٔ پیمون‌بندی در تالار؛
- تاق نوک‌تیز چهارقابی؛
- شبکهٔ پشت‌بندی‌های واژگون در بیرون از کلیسا.

این ویژگی‌ها گونه‌ای معماری استخوان دار را به نمایش می‌گذاشتند؛ در این کلیساها آنچه از دیوارها بر جا می‌ماند، همچون پوستی میان جرزها کشیده شده بود انگار که نقشی جز تأمین یک پردهٔ عایق هوا برای فضای درونی نداشتند. خطوط تند و برجستهٔ رگه‌های تاق از بلندایی بسیار زیاد به یکدیگر نزدیک می‌شدند و به ستونک‌های دیواره تالار می‌رسیدند و از دیوارهای پوسته مانند، به سوی جرزهای مرکب کشیده می‌شدند. تقریباً تک‌تک بخش‌های ساختمان، عنصری همانند خود در پایین داشتند. آن‌چه پدیدار می‌شد کالبدی کم‌وزن و شناور در فضا بود که چشم، ارتباطی میان آن و مادیت خشن سنگ نمی‌دید. تاق‌های جایگاه خوانندگان اگر مستقیماً از زیر سقف مشاهده می‌شدند، مانند آسمانه‌ای به‌نظر می‌رسیدند که همچون سقف چادر از تیرک‌های دسته‌دسته شده آویخته شده باشند. نوری که سیل‌وار از

پنجره‌های زیر تاق به درون می‌تابید، باعث بلند نمایاندن تاق می‌شد و در همان حال، خطوط کرانی ساختمان را محو می‌کرد. نتیجه چیزی خیالی بود و ساختمان بزرگ دیگری را به چشم پدیدار می‌ساخت که سراپا با آن کلیساها تفاوت داشت. یعنی ما را به‌یاد ساختمان کلیسای ایاسوفی در استانبول می‌انداخت که در آن کلیسا نه تنها کالبد مادی ساختمان در اثر نبوغ و جسارت نوآورانه ساختمانی کاهش یافته، بلکه آنچه بر جای مانده از لحاظ بصری به وسیلهٔ نور، حالتی غیرمادی پیدا کرده است.

در شیوهٔ گوتیک، برخلاف شیوهٔ رومی‌وار که کم و بیش به‌گونه‌ای یکسان در همه‌جا به‌کار گرفته می‌شد، دگرگونی‌های ویژه‌ای رخ داد که همه رو به یک سو داشت. شفاف کردن دیوار کلیسا که هدف معماران سبک رومی‌وار (رومانسک) در بازی با نور بود، در سبک گوتیک عملی گردید. دیوارها شفافیت یافتند و قسمت باربر ساختمان در حد یک استخوان‌بندی که آن هم تا حد امکان در میان دیوارهای جانبی فضاها قرار گرفته، خلاصه می‌شد.

الگوی اصلی شیوهٔ گوتیک که ساختن بخشی از آسمان در روی زمین بود، فضایی غیرمادی طلب می‌کرد. دو عامل می‌توانستند در حل این مشکل یاریگر باشند. عامل نخست، انتقال سازهٔ باربر ساختمان به بیرون بود و نورپردازی مناسب را می‌توان عامل دوم دانست. آن‌ها ابعاد عناصر سازه‌ای در درون را تا حد امکان کم کردند و به این ترتیب توانستند در سطوح آزاد شده پنجره‌های بسیار بزرگ کارگذارند. نوری که از بخش بالای دیوارهای ناو میانی به داخل می‌تابیدند چنان شدید بود که در این بخش هیچ قسمت تاریکی باقی نمی‌ماند. بیننده به راستی می‌پنداشت که سقف میانی بالای سر او معلق است. به عکس، بخش پایین ناو میانی نیمه‌تاریک بود. دو ناو کناری با داشتن ابعاد لازم برای عناصر سازه‌ای در قسمت پایین دیوارهایشان امکان چنین نورپردازی‌ای را نمی‌دادند. انسان در این قسمت خیال می‌کرد که در فضای تاریک زمینی ایستاده است و وقتی که به بالا نگاه می‌کند آسمان روشنی را که جایگاه هر آنچه که خدایی است می‌بیند.

یک کلیسای جامع گوتیک را بایستی یک مجموعه از کارهای هنری با محتوای نمادینی دانست که امروز برای ما تصوّرش مشکل است. وظیفهٔ کلیسای گوتیک، نشان دادن مقر حکومت خداوند بر روی زمین بود. براین اساس نمی‌توان مدخل کلیسا را با تمام مجسمه‌هایی که آن را تزیین می‌کردند، تنها یک حد فاصل ساده میان فضای درون و بیرون شمرد. بلکه این مدخل در واقع معبری است از زندگانی زمینی به زندگانی ابدی در دنیای دیگر، یا به تعبیر دیگر نمایشگر روز رستاخیز. پنجره گرد بالای سردر میانی، به‌گونه‌ای نور را به داخل کلیسا می‌تاباند که با تأکیدی بر جهت حرکت به سوی محراب باشد. از سوی دیگر این پنجره نمادی نیز از خورشید و کهکشان بود. این پنجره به شکل گل سرخ بود که نماد حضرت مریم است. از آنجا که نور می‌تواند از شیشه و سنگ‌های کمیاب عبور کند، بدون این‌که به آن آسیبی برساند، در سده‌های میانه، نماد روح‌القدس به شمار می‌رفته است.

دایره در نظر بسیاری از معماران و نظریه‌پردازان عصر رنسانس، شکل هندسی کمال مطلوب بود. زیرا این شکل که آغاز و پایانی ندارد و فاصلهٔ تمام محیطش از نقطهٔ مشترک مرکزی ثابت است، به نظر می‌رسید بازتابی از شکل کائنات باشد. از این رو برای نقشهٔ کلیسا بسیار مناسب دانسته می‌شد.

در شیوهٔ باروک نیز نورپردازی اهمیت داشته، ساماندهی بخش‌های روشن و سایه به تناوب باعث پدید آمدن تصور عمیق می‌شده است. بیننده می‌پندارد که فضا تا بی‌نهایت ادامه دارد. سازهٔ ساختمان با نورپردازی مناسب به صورتی غیرخوانا درمی‌آید و نمای ساختمان حالتی خیال‌انگیز به خود می‌گیرد. در این دوره به ویژه در ساختمان‌های آخر روزگار، باروک بهره‌گیری از نور غیرمستقیم نیز رایج بود. اغلب در این ساختمان‌ها بیننده تقریباً نمی‌توانست پنجره‌ها را ببیند و روشنایی فضای درونی از بازتاب نور روی دیوارها تأمین می‌شد.

استفاده از ترفندهای گوناگون در نورپردازی برای تقویت خیال‌پردازی از دوران باروک تا امروز معمول بوده است، در معماری مذهبی با بهره‌گیری از شکل‌های خاص و نورپردازی متناسب با آن، حال و هوایی عرفانی به فضای درون داده می‌شود. یکی از نمودهای مهم کلیسای گوتیک، نمادپردازی در آن است.

در روزگار نوزایی، معماری، دوباره به سوی روزگار کلاسیک باستان نظری انداخت؛ مفاهیمی مانند وضوح، هماهنگی منطق و تناسب مطرح شدند. به‌گفتهٔ گروتر چون در آن زمان انسان خود را در مرکز معماری قرار داده بود و معماری دیگر نمی‌توانست برانسان فرمانروایی کند، پس فضاهای مرکزی مناسب‌تر از فضاهای خطی بود.

باور نوزایی این بود که کمال قدرت خداوند در طبیعت، قابل دیدن است و نیز در انسان؛ پس نیازی نیست که دنیای دیگر و آخرت در جستجوی آن باشیم. بدین‌گونه دیگر طی طریق در مسیر خاص لازم نبود. ولی از آنجاکه فضای مرکزی برای مراسم عبادی آن زمان چندان مناسب نبوده، در بیشتر کلیساها ترکیبی کم و بیش متناسب بین الگوی گرد و الگوی کشیده پدید آمد.

در هنر و معماری رنسانی پسین به‌کاربرد گسترده و افراطی یا غیرطبیعی از یک الگوی ویژه را «شیوه‌گزینی» نامیده‌اند. در سدهٔ شانزدهم به جز شیوه‌گزینی، معمارانی بزرگ پدید آمدند که یکی از آن‌ها پالادیو بود. او هم به دنبال نمودار ساختن الگوهای کلاسیک در نما و طرح کلیسا بود. ساماندهی دقیق، روشن و منطقی اجزاء ساختمانی با عناصر کلاسیک ستون و سنتوری.

در سدهٔ هفدهم و هیجدهم در اروپا پس از سبک نوزایی (رنسانس)، سبک باروک پدیدار شد؛ عصر باروک عصری پردامنه، پویا، درخشان و رنگارنگ، نمایشی، پرشور، احساسی و خلسه‌آور، پرشکوه و مسرف و نوجو بود. عصر باروک عصر انبساط در پی عصر اکتشافات بود. در کلیساهایی که در این سبک ساخته می‌شوند، عناصر و خطوط، شکل مارپیچ می‌گیرند و دیوارها گود و برجسته می‌شوند. دیگر آن نماهای تخت سنتی که حدود خارجی ساختمان را تعیین می‌کرد، کنار می‌رود و کالبد ساختمان دارای پوسته زنده‌ای می‌شود که نه برای جداسازی درون و بیرون، بلکه برای فراهم آوردن امکان اتصال سیال‌گونه بین آن دو کار شده است. سادگی و خوانایی روزگار نوزایی در شیوهٔ باروک به کلی کنار گذاشته شد. فضای باروک آکنده از تضاد است و گویی تلاش می‌شود که ذهن را فریب دهد.

معماری باروک، آزادی فضایی است، آزادی فکری از قوانین قراردادی است و از هندسه مسطحه، از سکون، از تقارن، از تضاد میان فضای درون و بیرون آزاد است.

به‌خاطر چنین گرایشی نسبت به آزادی است که باروک خود را به بیانی از لحاظ روانی بالا می‌کشد. باروک با تفسیرهای نو از الگوهای کهن، خود را محدود نمی‌کند، بلکه مفهوم قرارداد فضایی جدیدی را پدید می‌آورد. درک معماری باروک، تنها به مفهوم آزاد شدن از همنوایی با ارزش‌های کلاسیک نیست، بلکه به معنای قبول شجاعت، ایده، تحرک است. در واقع بیش از هر چیز دیگری، به معنای درک فضا است.

۳ ـ معماری مسجد

بی‌گمان معماری روزگار اسلامی و به ویژه مساجد در آغاز از تأثیر معماری ساسانی و معماری رومی بیزانسی به دور نبوده است. در سده‌های بعد، اسلام به هر کشوری که راه می‌یافته، پدیدآورندهٔ هنری بوده که در خود عناصری بومی و خودی را مستتر داشته است. اما هنرمندان و سازندگان مسلمان، به‌گواه تاریخ، هیچ‌گاه در ساماندهی فضاکه پایهٔ معماری است و نسبت به جنبه‌های ساختاری و آرایی ای در درجهٔ اول اهمیت است، مقلد و الگوبردار نبوده‌اند. آنها به شیوه‌ای کاملاً آگاهانه، عناصر و اندام‌های معماری را به کار گرفته و ساختمان‌هایی را پدید می‌آوردند که در عین این‌که اندام‌هایی آشنا و با پیشینه‌ای تاریخی داشت، نوآورانه و ابتکاری بود. در بررسی و تجزیه و تحلیل آثار معماری و در این مورد ویژه، معماری مساجد باید به سامانهٔ «کارکردی»، «سازه‌ای» و «کالبدی» توجه داشت.

الف ـ سامانهٔ کالبدی: همانگونه که در بسیاری از نوشته‌ها پژوهش‌ها آمده، بیشتر اندام‌ها و عناصر معماری روزگار اسلامی، دارای پیشینه‌ای قبلی می‌باشند، برخی از آن‌ها هم به اقتضای نیازهای تازه، در همان دوره و به تدریج پدید آمده‌اندکه در جای خود بدان خواهیم پرداخت اما دربارهٔ آرایه‌ها و تزیینات ساختمانی که در بستری از میراث گذشته رشد کرد و در سده‌های پس از آن به شکوفایی و اوج جلوه‌گری رسید. در این‌باره هنرمندان مسلمان نوآوری‌های بسیاری داشتند که همانندش در گذشته هرگز پدید نیامده بود.

ب ـ سامانهٔ سازه‌ای: تمدن اسلامی به طور طبیعی مانند هر تمدن دیگری عناصر کالبدی خود را نخست با بهره‌گیری از تجربیات موجود شکل داد و سپس بر حسب لزوم، آن‌ها را

متکامل نمود و ماهیت آن‌ها را بر پایهٔ فرهنگ خود دگرگون ساخت. این تمدن با توجه به شرایط جغرافیایی و گسترش مرزهای شمالی و شرقی و غربی با تمدن‌های کهن آن زمانی یعنی ایران و سومر و آشور و کلدانی و بیزانس و مصر ارتباط برقرار نمود و از تجربیات فنی آن‌ها بهره گیری کرد.

ج ـ سامانهٔ کارکردی: ما بر این باوریم که مهمترین و ارجمندترین نوآوری‌ها در معماری روزگار اسلامی در این بخش رخ داده است. تمدن اسلامی بر پایهٔ نظام دینی و اجتماعی خاص خود، کارکردهای تازه‌ای را در جامعهٔ اسلامی پدیدار ساخت که تا پیش از آن نمونه‌ای نداشت. مهترین این کارکردها در زمینهٔ عبادت و نیایش بود. نحوهٔ خاص نیایش در اسلام با همهٔ قواعد و مناسک آن در هیچ دینی مطرح نبود، به فضای ویژه و درخور نیاز داشت.

نخستین نمونهٔ این فضا در همان آغاز برای جامعهٔ اسلامی آماده بود، خانهٔ کعبه و پیرامون آن که در آن مناسک حج به جای آورده می‌شد و اما مراسم نماز جماعت که برای نخستین بار مسجدی ساده و بی‌پیرایه توسط پیامبر اکرم ﷺ و یارانش در مدینه ساخته شد، فضایی دیواربست (محصور) که بخشی از آن سر باز و بدون آسمانه و بخشی دیگری برای جلوگیری از تابش آفتاب، سرپوشیده بود. یعنی زمینی با میانسرایی درون آن و یک شبستان ستون‌دار در سوی قبله. این طرح ساده، الگوی همهٔ مسجدهای سده‌های نخست و پس از آن، در همهٔ کشورهای مسلمان‌نشین شد.

یکی از ویژگی‌های بنیادی و شگفت معماری روزگار اسلامی در این نکته است که با به‌کارگیری چند فضای مشخص و تعریف شده، مانند گنبدخانه، ایوان، میانسرا، رواق، دالان، هشتی و... نمونه‌های گوناگونی را از انواع ساماندهی فضایی برای انواع کارکردها پدید آورده است که هرکدام از دیگری متمایز است و در عین حال به شایستگی پاسخگوی عملکرد مورد نیاز می‌باشد. از این مهمتر و شگفت‌آورتر ظهور انواع ساماندهی فضایی برای یک کارکرد خاص است؛ تنها برای مدرسه‌های سنتی در معماری ایرانی که همگی دارای یک کارکرد خاص هستند، سه گونهٔ متمایز از ساماندهی فضایی را می توان از هم بازشناخت. برای کسانی که معماری روزگار اسلامی را آکنده از تکرار بی‌پایان عناصر و اشکال و نگاره‌ها می‌شمرند، باید افسوس

خورد و در پاسخ گفت: این معماری آکنده از خلاقیت و نوآوری در زمینهٔ ساماندهی فضا، آن هم با همین چند عنصر و نگاره و شکل است که همانندش در هیچ شیوهٔ معماری در جهان پدیدار نشده است. به‌طور کلی فضا در معماری اسلامی هرگز مستقل از شکل فرض نمی‌شود. این فضا، فضای انتزاعی اقلیدسی نیست که صورت خارجی پذیرفته و چهارچوبی برای استقرار شکل‌ها فراهم آورده باشد. فضا به واسطهٔ شکل‌های درون خود جنبهٔ کیفی پیدا می‌کند. یک مکان مقدس، قطبی است که فضای اطراف راگرد خود متمرکز می‌سازد.

معماری اسلامی، به ویژه در ایران، اهمیت خاصی برای نور قائل است. درون مسجد گویی نور در صور مادی تبلور یافته و این صورت‌ها انسان مؤمن را به آیهٔ نور در قرآن متذکر می‌شوند که ﴿**الله نورالسموات والارض**﴾.[1] در ایران به دلیل تابش شدید آفتاب در اکثر نقاط آن و آسمان بلورین این فلات مرتفع، نیاز به نور در فضاهای زیستی‌بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی مردم در طول تاریخ بوده است، بی‌جهت نیست که ادیان پیش از اسلام در ایران، به خصوص آیین زرتشت، تمثیل نور را برای تبیین تعالیم خود به کار می‌گرفتند و در دورهٔ اسلامی هم، حکمت اشراق سهروردی در این کشور گسترش بیشتری یافت.

نور برجسته‌ترین ویژگی معماری ایرانی است، نه فقط به عنوان عنصری مادی، بلکه به مثابهٔ تمثیلی از «وجود» و «خرد» الهی. نور جوهری معنوی است که در غلظت و تیرگی ماده شایستگی می‌بخشد تا نفس بشری در آن آشیان کند، نفسی که خود ریشه در عالم نور دارد که همان نشئهٔ روح است.

معماری قدسی اسلام پیش از چیز در وجود مسجد متجلّی است که خود تجسم «بازآفرینی» و «تکرار» هماهنگی، نظم و آرامش طبیعت است که پروردگار آن را به مثابهٔ خانهٔ همیشگی مسلمانان برای عبادت تعیین کرده است. مسلمانان با نمازگزاردن در مسجد، به تعبیری به آغوش طبیعت بازمی‌گردند. این ارتباط فقط بیرونی نیست، بلکه از طریق پیوندی درونی، مسجد را به اصول و ریتم‌های طبیعت مربوط کرده و فضای مسجد را با آن فضای مقدس خلاقیت ازلی متحد می‌سازد، تا آنجاکه طبیعت بکر توانسته در برابر حملات انسان پرومته‌وار

---

۱. نور / ۳۵ .

دوام آورد، در حضور الهی که آرام می‌بخشد ودر عین حال موجب وحدت روح می‌شود، گسترش یافته و همچنان گسترش می‌یابد. معماری قدسی اسلام، به واسطهٔ فرمان الهی که طبیعت را عبادتگاه مسلمانان قرار داده است به گسترش طبیعت مخلوق پروردگار در چهارچوب محیط مصنوع دست انسان تبدیل می‌شود.

۴ ـ ویژگی‌های کالبدی مسجد

الف) ارتباط مسجد با پیرامون: ـ ساختمان مسجد در مسیر گذرگاه‌های اصلی محلی یا شهری جای داشته و هیچ‌گاه دور از دسترس مردم نبوده است.

ـ مسجد به عنوان یک عنصر شهری، دارای عناصر شاخصی چون گنبد، سردر، مناره، ماذنه بوده است که این عناصر معماری می‌توانستند جایگاه مسجد را در بافت شهر و روستا کاملاً مشخص کنند یا به گفتهٔ دیگر مسجد در فضای شهری از خوانایی لازم برخوردار بوده است.

ـ ساختمان‌های پیرامون مسجد به لحاظ کاربری با مسجد سازگار و متجانس بوده‌اند، به ویژه کاربری‌هایی که در عرصه و اعیان مسجد قرار می‌گرفته‌اند (مسجد وکیل شیراز).

ـ درگذرگاه عمومی مردم، پیشخان یا جلوخان مسجد، بخشی از عرصهٔ ورودی مسجد شمرده می‌شده است. به گفتهٔ دیگر پیشخان مسجد، یک حریم مشخص در گذرگاه عمومی داشته و جزء جدایی‌ناپذیر عناصر ورودی آن به شمار می‌رفته است. (مسجد امام تهران)

ب) ویژگی‌های فضاها: عناصر و فضاهای اصلی مسجد همواره چنین بوده است؛ شبستان اصلی؛ مقصوره یا بخش جلوی محراب (گاه همان گنبدخان)، میانسرا یا حیاط مرکزی، عناصر فرعی نیز عبارت بوده‌اند: از وضوخانه، شبستان زمستان و ورودی و درگاه اصلی، انبارها.

از بررسی کیفی فضاها این نتایج به دست می‌آید:

الف) بهره‌گیری از هندسهٔ ساده و شکل‌های مربع و مستطیل برای خوانایی بیشتر فضاها و پرهیز از اغتشاش ذهنی.

ب) پرهیز از به‌کارگیری هندسه پیچیده و کثیرالاضلاع.

پ) بهره‌گیری از تناسبات زیباشناختی در هندسه کف (پلان) و در نماهای اصلی.

ت) بخش‌بندی فضاها به قسمت‌های کوچکتر با بهره‌گیری از جرزها و ستون‌ها و مردم‌وار کردن کالبدها.

ث) بهره‌گیری از عناصر زیباشناختی مانند تعادل، توازن و تقارن در کالبدها و نماها، به‌ویژه در جهت قبله، برای پدید آوردن فضایی آرامش‌بخش و به دور از آشفتگی زندگی روزانه.

ـ در بیشتر موارد از حیاط به جای نمازخانه روباز بهره‌گیری می‌شود. از این رو دارای سکو می‌باشد که با کفش از روی آن راه نمی‌روند.

ـ از حوض وسط حیاط به جای وضوخانه روباز استفاده می‌شود.

ـ از ایوان‌ها نیز در بیشتر موارد به جای شبستان بهره‌گیری می‌شود و از این‌رو آن‌ها دارای محراب هستند.

ـ شبستان‌های فرعی در بخش‌های دیگر مسجد نیز ساختار همان شبستان اصلی را دارند، ولی همواره از آن کوچکتر هستند.

پ) چگونگی ساماندهی فضایی:ـ جهت قبله به همهٔ فضاهای اصلی و فرعی مسجد شکل می‌دهد و در بیشتر موارد، چگونگی ساماندهی فضایی و قرارگیری فضاها در کنار یکدیگر را تعیین می‌کند.

ـ روش‌های گوناگون و بسیار هوشمندانه‌ای برای حل مسئلهٔ انحراف جهت قبله با راستای زمین یا گذرگاه مردم، در مساجد کهن تاریخی می‌توان یافت که همهٔ آن‌ها امروزه نیز کارآمد هستند. (مسجد حکیم اصفهان)

ـ به طور کلی همهٔ فضاها در راستای قبله قرار می‌گیرند، به جز ورودی اصلی شامل هشتی و سر در که ممکن است از راستای گذر عمومی پیروی کند.

ـ در جایابی فضاها، همواره نخست شبستان اصلی مسجد و سپس میانسرا، در راستای قبله شکل می‌گیرد. در هیچ نمونه‌ای حیاط مسجد در پس دیوار قبلی جای ندارد و نمونه‌های انگلشت‌شمار، جزء استثنائات هستند.

ـ در مساجد ستوندار، پهنای دهانه جلوی محراب یا مقصوره همواره بزرگتر از دیگر دهانه‌ها است و کلاً تلاش شده فضای جلوی محراب باز باشد تا محراب از بخش‌های دیگر شبستان قابل دیدن باشد.

ـ در مسجد گنبدخانه دار، گنبد اصلی روی مقصوره است و محراب کاملاً در برابر دید قرار می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود. در جلوی گنبدخانه، ایوان اصلی جای دارد که به میانسرا باز می‌شود. در دو سوی گنبدخانه شبستان‌های ستوندار جای دارند.

ـ برخی فضاهای فرعی و خدماتی گاه ممکن است در دیوارهای شرقی و غربی شبستان جای داشته باشند ولی دیوار قبلی به هیچ فضایی راه ندارد و هیچ دری در آن دیده نمی‌شود. در برخی نمونه‌ها که این دیوار بسیار دراز شده (مانند مسجد جامع اصفهان) گاه چند درگاه در آن دیده می‌شود.

ـ هیچ‌گاه بخش‌های وضوخانه و آبریزگاه در پس دیوار قبله قرار نمی‌گیرند.

ـ نکتهٔ بسیار مهم این‌که هیچ‌کدام از فضاهای اصلی مانند شبستان و میانسرا (حیاط) و حتی وضوخانه بدون میاندر یا فضای واسطه نیستند. گاه ایوان‌هایی که به شبستان دسترسی دارند همچون میاندر عمل می‌کنند و حیاط نیز بدون هشتی به بیرون راه نمی‌یابد.

۵ ـ سنجش و مقایسه

اولین وجه امتیاز اسلام بر مسیحیت، فقدان واسطه‌ای همچون سازمان کلیسا در عالم اسلام است. در اسلام عنایت الهی مستقیماً و نه با وسائط و میانجی‌ها شامل حال مردمان می‌شود. در اینجا از مقتدایان دینی و مراجعی که گناه کسان را می‌خرند و احکام کیش را معیّن می‌کنند، خبری نیست. در جهان مسیحیت از قرن دوم میلادی با سرکوبی نهضت موتنانیست‌ها، اقتدار ارباب کلیسا و تفسیر متشرّعانهٔ آنان از عهد عتیق و عهد جدید جای وحی پیغمبر و به طور کلی آزادی در تأویل و تفسیر معنوی را گرفت. در واقع نیایش و دعا هنگامی که بی‌واسطه از خود خداوند و آفریننده جهان خواسته می‌شود، با هنگامی که با واسطه انجام می‌گیرد، قطعاً تأثیرات و مناسک و نتایج مختلفی به بار خواهد آورد.

یک تقابل مهم میان معماری مسجد و معماری کلیسا، تقسیم‌بندی‌های مکانی است. در دنیای اسلام هر مکانی تصویر سبک شناختی خاص خود را دارد و این امر در نتیجه شرایط جغرافیایی و نیز مواد و مصالح در دسترس بوده است.

نکتهٔ دیگر که معماری اسلامی را از جهت تاریخی در تقابل با کلیسا قرار می‌دهد، آن است که فرقه‌های مختلف و مذاهب گوناگون اسلام هرگز تأثیری بر سبک و سیاق معماری نداشته است؛ در دنیای مسیحیت اصلاح مذهب و نهضت ضد اصلاح مذهب، تأثیر بارزی بر معماری کلیسا داشته، در حالی که مذاهب سنی و شیعه در عالم اسلام مساجد مختلف از جهت معماری را به‌وجود نیاورده است. تنها تفاوت عمده مساجد سنی و شیعه در تزیین مسجد است. به نوعی که هر یک آیات قرآنی مورد علاقهٔ خود را به خط خوش بر دیوارهٔ مسجد می‌نویسند و این برای کسی که عربی نمی‌داند تفاوت عمده محسوب نمی‌شود. همچنین وجود یک یا دو مناره در مسجد که تفاوت عمده‌ای نیست.

در تحلیل نمادگرایی شکل صلیبی معبد می‌توان گفت که معبد مسلمانان وحدت خدایی است که بشر خلیفهٔ او بر روی زمین است در حالی که در جهان‌بینی مسیحیت وحدت براساس تثلیث استوار است و عیسی علیه‌السلام پسر خداست و معبد نیز تجلّی پیکر مسیح به‌عنوان پسر خداست. بنای معبد، تبلور حقیقی ادوار آسمانی و نیز تمثیلی از تصویر مسیح مصلوب است. مسیح به صلیب کشیده شده است تا تاوان گناهان بشریت را بدهد و با به صلب کشیدن او گناهان بشریت آمرزیده شده است و تنها راه رسیدن به رستگاری، وفاداری به مسیح به عنوان پسر خداست. پس در واقع او میانجی و شفاعت‌کنندهٔ بندگان نزد خداست. براین اساس می‌توان گفت که محورهای اصلی صلیب که در دایرهٔ محاط شده، پیونددهنده مربع میانی به مثابه انسان و دایرهٔ به مثابه خدا می‌باشد و در واقع مربع زمین را به دایرهٔ آسمان ارتباط داده و محورها به عنوان میانجی و رابط بین عالم ماده (مربع) و عالم معنی (دایره) عمل می‌کنند و قرارگرفتن پیکر مسیح درست بر روی همین محورها (مطابق شکل زیر) میانجی‌گری و رابط بودن او را بین انسان و خدا تبیین می‌کند.

در معماری اسلامی نقوش و اشکال فراتر از دنیای مادی‌اند و هر یک نمود ارزش‌ها و اعتقادات هنرمندی است که آن را برای تجلی احساساتش برای خلق عبادتگاهی به کار می‌گیرد. کل بنا، بیانگر تعادلی است که احدیت خداوند را در نظام کیهان انعکاس می‌دهد. در عین حال احدیت در هر مرتبه که مورد نظر قرار گیرد، همواره احدیت است. از این‌رو شکل منظم بنا را می‌توان تعبیری از الوهیت نیز دانست که در این صورت بخش کثیرالاضلاع ساختمان برابر با برهای تراش خورده یعنی وجود صفات الهی است و گنبد آن یادآور احدیت افتراق‌ناپذیر است.

معماران مسلمان تلاش کرده‌اند فضایی به وجود آورند که کاملاً در خود غنوده و آرامش یافته باشد. درون هیچ یک از مراکز عبادی اسلامی احساس نمی‌شود که حدود فضایی آن‌ها آزاردهنده است. معماری مسجد هرگونه کشش و کشاکشی را بین زمین و آسمان منتفی کرده است. نکتهٔ دیگر نحوهٔ توجه به مصالح مادی است که ظاهراً هر دو معماری تلاش در سبک کردن کالبد ساختمان و کاستن از مادیت آن و گشادگی دارند؛ اما معماری مسیحی این کار را با ارتفاع گرفتن انجام می‌دهد، (خصوصاً معماری گوتیک) و معماری اسلامی با بهره گیری از نور به این توفیق دست یافته است.

اصل اساسی هنر اسلامی، همان مفهوم عمیق توحید است که روح قرآن کریم را شکل داده است، به طوری که همهٔ هنرها را در اسلام می‌توان جلوهٔ کتاب آسمانی و قرآن کریم دانست. تأثیر ناشی از قرآن را می‌توان ارتعاشی روحانی خواند، چون این تأثیر ماهیتی معنوی و شنیداری دارد. در این صورت باید گفت که همهٔ هنرهای اسلامی به ناگزیر باید محمل نقشی از این ارتعاش باشند. این چنین، هنر بصری اسلامی بازتاب بصری کلام وحی است و جز این نمی‌تواند باشد.

پدیدارشناسی مسجد در شهر اسلامی

▣ حسین خسروی

چکیده

نگاهی به تاریخ ادیان نشان می‌دهد که تعدادی از فرقه‌های بودایی و مسیحی معبدها و صومعه‌های خود را در دل کوه‌ها و اماکن دور از دسترس جامعه بنا می‌کنند، اما در دین اسلام مساجد در قلب اجتماع بنا می‌شود.

مسجد در اسلام قلب تپنده‌ی حیات اسلام است. مجموعه‌های شهرسازی اسلامی همه وابسته به مسجد جامع بوده و مسجد که قلب جامعه است روزی پنج نوبت مسلمانان را از مجموعه‌ها و از اجزای شهر گرد می‌آورد و ایمان آنان را تازه‌تر می‌سازد و به جای خود باز می‌گرداند.

سه نوع مسجد در شهر اسلامی احداث می‌شده است: مسجد جامع، مسجدمحله‌ومسجد بازار. اساساًالگوی‌مکان شهرهاتابع مسجدجامع است.

بازارهای اسلامی به مسجد جامع متصل است و طرز ساخت بازارها تقریباً مشابه شبستان مسجد است و مردم از مسجد وارد بازار می‌شوند. از دیگر فضاهای اطراف مسجد حمام است، زیرا اسلام به پاکیزگی اهمیت خاصی می‌دهد.

از دیگر فضاهای همجوار با مسجد مدارس علوم دینی است.

می‌توان گفت که هویت شهرسازی اسلامی در گذشته‌ای نه چندان دور به‌گونه‌ای از مساجد نشأت می‌گرفت. این هویت در ساختار این شهرها در گذشته کاملاً مشخص بود.

مقدمه

«شهر دینی را شهرسازان و معمارانی می‌توانند بسازند که به عالم‌دینی تعلق داشته باشند و با آن جا اشنا باشند شهر دینی با گشایش عالم دینی ساخته‌می‌شود و به‌عبارت دیگر در هوای و فضای عالم دینی است که شهر دینی در انداخته می‌شود».(۱)

«دکتر فوریه» فرانسوی که در زمان ناصرالدین شاه به‌عنوان طبیب مخصوص شاه وارد ایران شده بود در سفرنامه‌ی خود نوشت:

«امروز پس از عبور از کاروانسرای کوشک نصرت، ابتدا فوری به سمت مغرب راندیم بعد متوجه‌ی جنوب شدیم و دریاچه‌ی ساوه در این حالت طرف چپ ما قرار داشت، افسوس که در این نواحی قطره‌ای آب وجود ندارد و اگر هم تصادفاً چیزی از آن به‌دست آید شور و تلخ است. بعد از چهار ساعت حرکت وقتی با کالسکه به منظریه رسیدیم، از پنج فرسنگی گنبد طلایی مسجد حرم حضرت معصومه علیها السلام در آفتاب می‌درخشد».(۲)

جایگاه مسجد در شهرسازی اسلامی

با ورود اسلام به ایران، شهرسازی و شهرنشینی وارد مرحله‌ای تازه شد. در این دوره زندگی شهری شکل‌گرفته از دوره‌ی پیش از اسلام تغییر یافت. در دوره‌ی پس از ورود اسلام به ایران، قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع تأثیر به‌سزا داشت.

دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل‌گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی مؤثر بوده است؛ چنانکه تا قرن‌ها بیشتر فعالیت‌های شهرهای اسلامی بر مدار یک مسجد با موقعیت مرکزی انجام می‌گرفت و مساجد. بویژه مسجد جامع به شهرهای اسلامی

---

۱ . داوری اردکانی، رضا، ملاحظاتی در باب طرح مدینه فصلنامه‌ی آبادی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲، پائیز ۱۳۷۵: ص ۶ .
۲ . صاحبی، محمد جواد، قم از نگاه بیگانگان، مجله‌ی پزشکی کوثر، شماره‌ی ۴ و ۵ : ص ۱۴ .

چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید. این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشأ تحرک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقات متوسط شهری بوده است.

مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تأثیر پذیرفته است و شکل‌یابی شهری‌ها بعد از سال ۶۲ میلادی، که آیین حضرت محمد ﷺ در مدینه مطرح شد، شروع می‌شود. گسترش قوانین اسلامی، بعد از مدتی برخوردهای کند. بدین‌سان قوانین اسلامی، هم در چارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند.

ایدئولوژی اسلامی، هرگز سیستم کاست، طبقه گرایی، نژادگرایی و قوم‌گرایی را نپذیرفته است. در جامعه‌ی اسلامی، بروز مکتب‌های فکری در مدارس نظامیه یا مساجد (که بیشتر در مجاورت بازار فعالیت فلسفی علمی داشتند) به نحوی فرهنگ شهری را تحت تأثیر قرار داده است. این مکتب‌های مذهبی ـ فلسفی با نفوذ در فرهنگ شهری، احساسات و تعصبات وابستگی به قوم و قبیله و خاندان را بسیار تعدیل کرده است. در مساجد که محل عبادت مسلمان محسوب می‌شود همه‌ی مردم برابرند و هیچ نوع امتیازی از لحاظ طبقه، رنگ پوست و قوم بین مردم دیده نمی‌شود.

بعد از مسلمان شدن ساکنان نواحی مختلف جغرافیایی بر اثر ایدئولوژی اسلامی، یک جای‌گزینی کاملاً مشخص، بین زندگی عمومی و خصوصی مردم به وجود آمد، یعنی زندگی خصوصی خانواده‌ها به حریم استوار خانه یا مکان‌های محصور کشیده شد و از خیابان و کوچه (محل زندگی عمومی) قطع ارتباط پیدا کرد. از طرفی مناطق مسکونی شهرها به سوی مساجد و مدارس متمایل گشت. مکتب‌های فکری و فلسفی هر یک هوا دارانی پیدا کردند و غالباً در محله‌ی ویژه‌ای ساکن شدند. گاهی هم قبیله‌ها و گروه‌های قومی ساکن در شهرها هر یک از یک مکتب فکری اسلامی تبعیت می‌کردند. این گروه‌های قومی، از دانشمندان مکتب‌های اسلامی، فلسفه و قوامین اسلامی را فرا می‌گرفتند. این دانشمندان از امام جماعت، معلم، قاضی، مشاور و کارگزاران مساجد تشکیل می‌شدند. تنظیم آیین نامه‌ها و اصول رایج در

بازارها از تصمیمات آنها منشأ می‌گرفت.[۱] به‌طور کلی در اوایل گسترش اسلام، از همه‌ی عواملی که ساخت داخلی و مورفولوژیک شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داد، سه عامل مهم، یعنی محل حاکمان، مساجد جامع یا مناره‌ها و مأذنه‌ها و راسته بازار بسیار چشمگیر بود. (در قسمت‌های آتی توضیح داده شده است).

می‌دانیم که بِلال در زمان پیامبر اسلام ﷺ بر بلندترین بام‌های منازل اذان می‌گفت. این فکر که مؤذن در محل مرتفعی اذان بگوید مسلمانان را بر آن داشت تا برای او، جایگاه مخصوصی بسازند تا متصل یا نزدیک آن باشد.

دوران ظهور مأذنه در شهرسازی اسلامی به عصر اموی بر می‌گردد که در آغاز، شکل ساده‌ای داشت و بعد از مدتی اطراف آن، برج و دیوار و نرده‌ای کشیدند و بر روی آن سایه بانی قرار دادند. کم‌کم این فکر پیدا شد که هنگام مغرب، چراغی در مأذنه‌ها روشن کنند تا هم علامت فرا رسیدن وقت نماز باشد و هم مردم بدانند مسجد در چه نقطه‌ای از شهر قرار گرفته است.[۲]

در بارهٔ علت انتخاب شکل مناره، آرا و عقاید گوناگونی بیان شده است:

الف) مأذنه هایی که در شهرهای ایران و هند دیده می‌شود به شکل برج‌هایی است که برای دیده‌بانی یا نگهبانی شهرها می‌ساختند.

ب) عده‌ای معتقدند بناهای مذهبی عربی از بناهای مذهبی ایرانیان تأثیر پذیرفته است از طرفی گلدسته‌های قرینه، تزیینات و کاشی‌کاری نیز از مختصات مناره‌های شهرسازی ایرانی است.

ج) مأذنه‌های اسلامی به سایه‌بان‌ها و بادگیرهایی که روی بام‌های منازل ساخته شده است، مشابهت دارد.[۳]

---

۱ . شکوئی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳ : ج ۱ ، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۸ .
۲ . شکوئی، حسین، همان: ص۱۸۹ –۱۹۰ .
۳ . فاضل، محمود، مأذنه‌ها، مجله‌ی هنر و مردم: شماره‌های ۷۷ و ۷۸ .

استقرار مسجد در بافت جوامع، به تغییر شکل کالبدی آنها منجر شد به‌تدریج سازمان‌های دینی نوین در شالوده‌ی زندگی جوامع نفوذکرد. مسلمانان وظایف مذهبی خود را به جا می‌آوردند و روابط اجتماعی خویش را بر اساس قوانین اسلامی تنظیم و اجرا می‌کردند. بنابراین مسجد جای خود را در اجزای نظام اجتماعی بازکرد. همبستگی مذهبی، شکلی تازه به روابط موجود میان افراد ساکن در محلات داد. این همبستگی بین شهر و روستا نیز روابطی نو بر قرارکرد. مفهوم منطقه‌ی شهری در این دوره متجلی شد، که عبارت بود از روابط متقابل بین شهر و روستا براساس مبادله‌ی مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجان مذهبی و غیره بین یکدیگر و نفوذ شهر در روستاها و شهرهای کوچکتر اطراف در قرون اوّلیه اسلامی مسجد جامع به عنوان یکی از نشانه‌های تمایز شهر از روستا محسوب می‌شد.(۱)

در این دوره مجتمع‌های جمعیتی و مسکونی که دارای مسجد جامع و منبر بودند به عنوان شهر شناخته می‌شدند، که بعدها مساجد عمومیّت پیداکرد و در روستاها نیز احداث شد.

مسجد در قالب سمبل دین اسلام که در همه‌ی جنبه‌های زندگی مسلمین نفوذکرده بود، شناخته می‌شد. همچنین به‌لحاظ نقشی که مسجد در جامعه‌ی اسلامی در تجمع افراد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مذهبی ایفا می‌کند، اهمّیّت فراوانی یافت. در دوره‌ی پس از ورود اسلام، مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بود که به‌سبب مراجعه‌ی مستمر همه‌ی طبقات مردم شهر و به لحاظ خلوصی که می‌توانست بالقوه داشته باشد، نقطه‌ی پخش هرگونه آگاهی از شرایط عمومی شهروندان و نحوه‌ی زندگی و نظام اداری آنان محسوب می‌شد. در همین مکان نیز آگهی‌های پخش شده به بحث گذاشته می‌شدند و انعکاس آنها نیز در افکار عمومی، نقطهٔ بازگشت خود را می‌یافت.

مسجد جامع بیشتر مرکز مذهبی محسوب می‌شد تا یک مرجع اجتماعی. اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌گیری اهداف مربوط به آینده در این مکان صورت گرفت به این لحاظ است که مسجد جامع در ایران و به‌ویژه در آن شهرها که بیشتر در معرض هجوم خارجیان و یا تصرف نیروی حکومت‌های منطقه‌ای بوده‌اند، بیشتر از هر چیز بنیادی اجتماعی است.(۲)

---

۱ . اشرف، احمد، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، در نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تیرماه ۱۳۵۴ .

۲ . مشهدی‌زاده، ناصر، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴: ص ۱۹۲ .

در مسجد علاوه بر امور مذهبی، کارهای فرهنگی و تربیتی جامعه نیز انجام می‌شد، به عبارت دیگر قبل از پیدایی و تأسیس مدارسی که به‌صورت مستقل به تدریس علوم در سطوح متوسطه و عالی بپردازد، این نقش در جامعه‌ی اسلامی به عهده مسجد گذاشته شده بود. پس از محول شدن این نقش به مدارس جدید، مساجد به عنوان مراکز تبلیغی، فرهنگی، مذهبی و آموزش علوم و معارف اسلامی ادامه‌ی حیات دادند.

در شناخت سیمای داخلی سیمای خارجی شهرهای اسلامی می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که هم برای کاربری‌های شهری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و هم هدایت کننده‌ی مسافرانی بوده‌اند که نیاز به راهنمایی برای هدایت شدن به طرف مقصد داشته‌اند. مناره‌های مساجد در شهرهای اسلامی این نقش را به شایستگی ایفا می‌کردند.

در شناخت سیمای داخلی شهرهای ایرانی ـ اسلامی در درجه‌ی اول می‌توان سر در مساجد، خانه‌ها، آب انبارها و بازارها را مشاهده کرد.

کاشی‌کاری‌ها، قوس‌های تزئینی و هنرمندی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد و یا در ساختمانهای خصوصی و عمومی به کار رفته، ویژگی‌های زیبایی شناسانه‌ی سیمای شهرها را به نمایش می‌گذارد.

نشانه‌ها از عوامل مهم در سیمای درونی شهرهای ایرانی ـ اسلامی است. این عامل در شکل مناره‌ها، سردر وگنبد مساجد، سقف آب انبارها و یا قلعه‌ها که در بلندی ساخته می‌شدند در خور رؤیت است.

سه عامل عمده در ساخت شهرهای اسلامی خود نمایی می‌کند:

۱ـ ارگ و باروا: ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بوده که تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داد و همچنین مقر سلطان یا حاکم بوده است. در مرکز شهر داخلی محصور در دیوار، بازارها و مسجد جمعه قرار داشته که ارگ بر این دو مسلط بوده است.

در شهر، علاوه بر ارگ باروها و دیوارهای محافظت کننده نیز احداث می‌شد.

۲ـ مسجد جامع و فضاهای مذهبی و آموزشی: یکی از عوامل سه گانه در شهرهای اسلامی مسجد جامع است. مسجد جامع، گاه به‌عنوان مقر حکومت، پیوند دهنده‌ی مذهب با حکومت

بوده است، مانند مساجدی که دارالاماره بوده‌اند، یا ارگ تبریز که به‌صورت مسجد ساخته شد، ولی مدتی بعد در قالب مرکز حکومت ایفای نقش می‌کرد. مسجد جامع بعنوان الهی و مذهبی مدافع مردم و توده‌ی ملت در مقابل حاکمین ستمگر بوده و نقش هماهنگ‌کننده‌ی مبارزاتی بر ضد آنان را بر عهده داشته است.

تحولات مهم مسجد در شهر اسلامی را می‌توان در مراحل زیر مشاهده کرد:

در مرحله‌ی اول که مربوط به ابتدای ظهور اسلام می‌شود، مسجد صورتی ساده داشت. الگوی آن مسجدالنبی در مدینه است. این مسجد مکانی است که در حیاط آن دستورات به اطلاع امت رسانیده می‌شود. مسجد مکانی است که محل استقرار دولت اسلامی نیز هست. در شهرهای تسخیر شده این مسجد یا در مکان معابد قدیمی مستقر می‌گردد و یا بنائی ساده است که در کنار میدان اصلی شهر بر پا می‌گردد. در کنار «آگورا» یونانی، در کنار «فورم» رومی، در جوار «میدان» شار پارسی، همه جا در پر آمد و شدترین نقطهٔ شهر برپا می‌گردد. در این مرحله مسجد فقط دگرگونی عمده‌ای است که در سازمان فضائی ـ کالبدی شهر اسلامی شده رخ می‌دهد. چهره‌ی شهر عمدتاً همانی است که از قبل بوده داشته است.[۱]

در مرحله‌ی دوم، یعنی در عهد بنی‌امیه، مسجد و قدرت امپراتوری هم‌بستگی نزدیکی پیدا کردند. بین مسجد و دارالاماره فاصله‌ی اندکی دیده می‌شود از بسیاری موارد از طریق ارتباطی سر پوشیده دو بنا به یکدیگر مرتبط می‌شدند.

استقرار مسجد جامع معمولاً در ارتباط مستقیم با شارع عام و بازار نیز بررسی می‌شود.

نخستین حرکت‌های عمده برای دگرگونی بافت کالبدی و سازمان فضائی شهر، بر حسب موقعیت سیاسی ـ اقتصادی و اجتماعی ـ فرهنگی آن آغاز می‌شود.

در مرحله‌ی سوم یعنی در زمان خلافت عباسیان و در حین شکل‌گیری امپراتوری اسلامی به تدریج مسجد و قدرت سیاسی حکومت از یکدیگر جدا شدند.مسجد جامع

---

۱ . حبیبی، سیدمحسن، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ : ص ۴۳ .

به عنوان مکـان اصـلی اجـتماعات مـردمی بـه کـلی خـود را از حکـومت جـدا مـی‌کند.[۱] و از صورت ساده و بی‌پیرایه‌ی دوره‌ی اول و تا حدودی دوره‌ی دوم خارج می‌شود، در این زمان هنوز شهر جایی است که مسجد جامع در آن احداث شده باشد و در هر مکانی تا زمانی که مسجد جامع نباشد، علی‌رغم انبوهی جمعیّت و تمرکز فضائی مکان، شهر نامیده نمی‌شود.

در مرحله‌ی چهارم که از قرن ششم آغاز شد، در شکل و توزیع مساجد دگرگونی‌های بنیادی داده شد. مسجد جامع و دیگر مساجد، پیش از آن که محلی بـرای عـبادت بـاشند، مکانی جهت خودنمائی حکومت‌ها می‌گردند. ظاهر پر شکوه و معماری‌های به یادماندنی در ساخت مساجد نقش اساسی می‌یابند. به تبع این دگرگونی‌ها شهر نیز دچار تـغییرات عـمده می‌گردد. محلات بر مبنای جدائی قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و غیره بر پـا مـی‌گردند، هر محله مسجد خاص خویش را دارد.

تشکیل دولت اسلامی در این دوره و جدائی وظایف و آرمان‌های مذهبی از اهداف سیاسی، شکل‌گیری محلات در خود، بیگانه از یکدیگر و همراه با روسـتاهای هـم کـیش، هم‌فرقه، هم‌نژاد و جز آن سبب می‌گردد تا ملاک تعیین شهر براساس داشتن مسجد جامع از بین برود. به بیان دیگر در این دوره هر شهر می‌باید مسجد جامع داشته باشد، ولی هر جاکه مسجد جامع داشت مقام و موقع شهری پیدا نمی‌کرد.[۲]

در دوره‌ی دوم و سوم مساجد مهم‌ترین وجه تمایز شهر از روستا هستند و مسجد جامع مشخص کننده‌ی موقعیت شهری در اجتماعات اسلامی به‌شمار می‌آید.

مسجد در شهر به عنوان مهمترین بنای عـمومی تـلقی شـود و در تـفکرات مـربوط به شهرسازی اسلامی نقش عامل زیر بنایی را ایفا می‌کند. گاه نیز مساجد در شهرها طراحی‌های دیگر را مشروط به موقعیت خود می‌کرده‌اند.

اخذ این موقعیت مربوط به زمانی است که مساجد همراه با قسمت‌های دیگر یک شهر

---

۱ . یعقوبی، البلدان، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، سیمای بغداد.

۲ . قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تصحیح و تشحیه جلال‌الدین تهرانی، توسن، تهران، ۱۳۶۱ .

یا یک قسمت آن طراحی و ساخته می‌شدند. چراکه مساجد ایران را می‌توان از نظر طریقه‌ی جایگزینی آنها در بافت شهری به دو رده‌ی بزرگ تقسیم کرد:

نخست مساجدی که شکل‌گیری آنها در بستر کالبدی شهرها به‌تدریج در طی زمان صورت گرفته و تحت تأثیر عوامل مذهبی و اجتماعی، اقتصادی و شهرسازی تغییر شکل یافته است.

دوم مساجدی که با طرح قبلی و گسسته از بافت کالبدی مجاور، یک‌بار برای همیشه فضای آن تعیین و تثبیت گردیده است.

قبول مساجد بعنوان فضایی مهم در شهر به هنگامی است که پذیرش دین اسلام توسط مردم به صورت قلبی و ارادی صورت می‌گرفت و به عنوان محل انجام امور مذهبی و درکنار آن فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی انتخاب شد. به دیگر سخن در میان اندام‌های درون شهری هر شهر و روستا، نیایشگاه همواره جای ویژه خود را داشته و دارد و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشم‌گیرتر است.

مسجد جامع به عنوان مهم‌ترین نقطه‌ی عطف، بیشترین جاذبه را دارا بوده است؛ چراکه در ارتباط فضایی متقابل با بازار قرار داشته است. گاه نیز مسجد جامع یا مساجد دیگر در طول اندام بازار جای می‌گرفتند؛ یعنی آمیخته باکالبد واحدهای معماری ـ شهرسازی آن این اتصال به بدنه‌ی بازار به سبب دارا بودن قدرت مذهبی مسجد جامع بوده است؛ مانند تهران، اصفهان، تبریز، سمنان، قم و غیره بافت‌های مسکونی پشت یا اطراف بازار نیز از راه ورودی‌های متعدد مسجد جامع و یا در مسیر ارتباطی با درب مسجد به بازار راه پیدا می‌کرده است؛ نظیر موقعیت مسجد حکیم اصفهان، گاهی نیز مسجد در محل تقاطع چند راسته بازار یا امتداد مسیر بازار قرار داشته است.

بنابراین در شهرهای ایرانی مسجد جامع از یک سو در رابطه‌ی مستقیم با بافت مسکونی قرار داشته، از سوی دیگر در ارتباط با بافت تجاری ـ بازرگانی و خدماتی بوده است. گاه نیز در ارتباط و یا در تقابل با مرکز حکومتی ایفای نقش می‌کرده است.

در شهرها مساجد را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

مسجد جامع، مسجد متوسط، مساجد کوچکی که برای عبادت احداث شده بودند. مساجد مذهبی ـ آموزشی. پس مساجد علاوه بر نقش مذهبی، اجتماعی و سیاسی، تا قبل از احداث مدارس مستقل به ایفای نقش آموزشی نیز می‌پرداخته‌اند. در مساجدی که مرکز آموزشی نیز بوده‌اند، از تعلیمات ابتدایی تا پیچیده‌ترین مسائل فلسفی تدریس می‌گردیده است.

۳ـ بازارها: بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی ـ اسلامی نقشی مهم برعهده داشته‌اند، به‌نحوی که در شهرهای تازه‌ای که ساخته می‌شد، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد جامع و مقر حکومتی بنا می‌شد. می‌توان چنین گفت که دو عامل بازار و مسجد همواره در فرهنگ شهرهای اسلامی، نقشی مهم داشتند، به‌طوری که هنگام احداث یک شهر اسلامی، محل حکومت، مسجد جامع و یک میدان مرکزی با هم و وابسته به هم ساخته می‌شد و بازار و میدان از عوامل مهم تشکیل دهنده‌ای مورفولوژی شهری به‌شمار می‌آمد.

به‌طور کلی کیفیت عمومی شهرسازی، شیوه‌ی ترکیب و طراحی سازمان فضایی کارکردهای زندگی انسان در شهرها، از همان آغاز با توجه به جهان‌بینی حکومت اسلامی و آگاهانه بر محور بنیاد سه کارکرد اصلی یعنی مسجد (یا جامع یا حوزه‌ی علمیه)، ساختمان‌های دستگاه اجرایی حکومت و بازار به ترتیب برای اجرای ضرورت‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شهرها و حوزه‌های تابعه روستایی آنها، می‌چرخید.

ساختمان مسجد برای بر پاداشتن جمعی، مهم‌ترین وظیفه‌ی دینی، یعنی ادای نماز جماعت و حتی وظایف عبادت و اعمال مباح و محل اجتماع و موعظه و ارشاد و ابلاغ دستورات الهی بود.[1] به‌این ترتیب مسجد در قالب نخستین پدیده‌ی جغرافیایی برخاسته از اندیشهٔ اسلامی به عنوان یک کانون عبادی ـ سیاسی در سطح جهان گسترش یافت و با نقش‌های عمده‌ای که ایفا کرد، خمیر مایه‌ی تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری ـ سیاسی در سرزمین‌های

---

۱. مؤمنی، مصطفی، نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی ـ اسلامی، نمایه‌ی پژوهش شماره‌ی ۹ و ۱۰، ۱۳۷۷: ص ۳۷.

اسلامی گردید. هماهنگ با رشد و توسعه‌ی سر زمین‌های اسلامی، مساجد به صورت‌های گوناگون در نقاط مختلف ظاهر گشت و به صورت شبکه‌ی سازمان یافته‌ای در سطح شهر شکل گرفت. مسجد فقط فضائی ویژه برای عبادت نبوده است، بل علاوه بر جلسه‌های وعظ و ارشاد مسلمین، مجالس درس و بحث نیز در آن تشکیل می‌شده است. حتی پس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری که فضای مدرسه به صورت جدا و متمایز از مسجد پدید آمد.

علاوه بر این اغلب مسجدها سنگر مبارزهٔ اجتماعی مردم بر ضد حکام ظالم و کانون تجمع مردم در هنگام خوف و اضطرار بوده است.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره قلب و مرکز شهر جای داشته و دارد، یا چند سوی آن بازار امتداد می‌یافت و در پیرامون آن مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا، میهمانخانه‌هایی برای مسافرین، محل‌هایی برای فقر او بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب انبار، حمام و مدارس قرار داشتند و سپس فضای حسینیه و تکایاکه مربوط به دوره‌ی صفویه می‌شود به آن اضافه شدند.

افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ویژگی‌های اجتماعی آن در طول تاریخ به‌تدریج باعث افزایش تعداد مساجد در تمام شهرها شد به‌طوری که امروز اکثر شهرها مساجد متعددی دارند. در حال حاضر بیش از پانزده هزار مسجد در شهرهای ایران وجود دارد.[1] در پنجاه سال گذشته، با توسعه‌ی علم و فنآوری، دگرگونی در اقتصاد، نگرش‌های سیاسی و پویایی فرهنگ‌ها در برنامه‌ریزی شهری کشورهای اسلامی مؤثر بوده است و در بیشتر موارد، برنامه‌ریزی و نوسازی شهرها تحت تأثیر فرهنگ غربی، ساخت و بافت تازه‌ای به شهرهای اسلامی بخشیده که تا نیم قرن پیش سابقه نداشته است. این عملکردها بر اثر ملاخلهٔ برنامه‌ریزان، معماران و شهرسازانی صورت گرفته است که در غرب آموزش دیده‌اند و در برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی یا از الگوهای غربی تبعیّت می‌کنند، یا الگوها و معیارهای ویژه‌ی فرهنگ و جامعه‌ی پر درآمد دیگری را به کار می‌گیرند.

---

۱ . نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷ : ص ۲۶ .

در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی، بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و حتی اقلیمی، عوامل مهم شهرهای اسلامی را تخریب می‌کنند، در حالی که برخی از کارشناسان اروپایی معتقدند در سال‌های آینده، مناسب‌ترین طرح برای مرکزی شهرهای اسلامی همان طرحی است که از قرن‌ها پیش، بخش مرکزی شهرهای اسلامی را رونق داده و سامان بخشیده است. بدین‌سان، شهر اسلامی به جزیره‌ای می‌ماند که پیرامون بخش مرکزی آن را پیاده‌روها احاطه کرده است.

ملاحظه می‌شود که در گذشته، شرایط اقلیمی، اعتقادات مذهبی (نمونهٔ بارز آن مسجد) ـ اجتماعی، و سنت‌های محلی، شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده بود، در صورتی که در سال‌های اخیر در کشورهای نفت‌خیز منطقه به سبب تأمین ثروت‌های کلان از راه فروش نفت، مورفولوژی بسیاری از شهرهای اسلامی به کلی دگرگون شده و تحت تأثیر اقتصاد خدماتی شکل گرفته است.[۱]

۱. شکوئی، حسین، همان: ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

قانون خلأ و خلق فضای معنوی
(بررسی تطبیقی مسجد با دیگر فضاهای عبادی)

▣ جواد زیبافر

▣ چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که هر هنرمند و هر معماری همواره با آن درگیر است رابطه بین صورت و معنی یا قالب و محتوا می‌باشد؛ به عبارتی هر معنی و مفهومی را در قالب‌هایی خاص می‌توان بیان کرد که با توجه به نوع هنر و تکنیک‌های هنرمند بعضی از این قالب‌ها بهتر و گویاتر می‌توانند به‌معنی موردنظر اشاره کنند.

مسجد محل عبادت است و جایی که معمار به دنبال خلق فضایی است که در آن مخاطب بهتر از سایر فضاها بتواند حضور خداوند را احساس کند و به پرستش او بپردازد.

مقاله با اشاره به سه‌نوع نگرش نسبت به جهان به مقایسه تطبیقی فضاهای عبادی پرداخته است و با توجه عدم امکان بازنمایی حقیقت مطلق در نمادهای محدود مدل سوم را برگزیده و آن را شرح قانون خلاء معرفی نموده است و براین نکته تأکید کرده که هرچه خالی‌تر امکان تجلی حقیقت بیشتر و در پایان چنین نتیجه‌گیری نموده است:

در معماری مسجد قالب‌های گوناگونی را می‌توان برای خلق فضای معنوی بکار برد که تأثیرگذاری آن بر روی افراد گوناگون متفاوت خواهد بود. هرچه درک مخاطب از مفهوم خدا ابتدایی‌تر باشد قالب‌ها صوری و مادی مؤثرند و هرچه این درک عمیق‌تر شود قالب‌های انتزاعی مؤثرتر خواهند بود که در نهایت این قالب‌ها به فضای خالی منتهی خواهند شد. هیچ یک از این مراتب بی‌ارزش نیست و آنچه که بی‌ارزش است ساکن شدن و راکد ماندن در یک قالب خاص است و رمز حرکت و ساکن نشدن خالی شدن است.خالی شدن فکر و ذهن، خالی شدن دل و خالی شدن فضای معماری. ابتدا، خالی شدن از هر چیز زاید و بد و بعد خالی شدن از چیزهای بیهوده و در انتها خالی شدن از چیزهای خوب برای رسیدن به چیزهای بهتر.

صورتگر نقاشم هر لحظه بتی سازم وانگه همه بتها را در پیش تو اندازم
صد نقش بر انگیزم با روح در آمیزم چون نقش تو را بینم در آتشش اندازم[1]

از جمله مهمترین مسائلی که هر هنرمند و هر معماری همواره با آن درگیر است رابطهٔ بین صوت و معنی یا قلب و محتوا است. به‌عبارتی هر معنا و مفهومی را در قالب‌هایی خاص می‌توان بیان کرد که با توجه به هنر و تکنیک‌های هنرمند، بعضی از این قالب‌ها بهتر و گویاتر می‌توانند به معنای مورد نظر را برسانند.

آنچه در معماری مسجد و اصولاً معماری هر نوع فضای عبادی حائز اهمیت دیگر این است که از چه قالب‌ها و صورت‌هایی می‌توان برای نمایش معانی مورد نظر استفاده کرد.

مسجد محل عبادت است. لذا معمار در پی خلق فضایی است که در آن مخاطب بهتر از سایر فضاها بتواند حضور خداوند را احساس کند و به پرستش ذات حق بپردازد. حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که چه روش‌ها و قالب‌های معمارانه‌ای بهتر می‌توانند انسان را به خداوند نزدیک کند.

---

۱. مولوی.

البته این سؤالی نیست که فقط در باره مسجد صادق باشد؛ در طول تاریخ همواره عبادتگاه‌ها یکی از مهمترین آثار معماری هر تمدن به شمار می‌آمد و هدف معماران آن همواره خلق فضایی بوده که بتوان حضور خداوند را بیش از پیش در آن احساس کرد و به پرستش او پرداخت.

در این مقاله سعی می‌کنیم که با مقایسه‌ای تطبیقی برخی از فضاهای عبادی در فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون و مطرح کردن قانون خلأ، به این پرسش اساسی پاسخ دهیم. قبل از اینکه به سؤال پاسخ دهیم می‌باید به چند نکته مهم توجه کنیم.

ابتدا معنی خدا در ذهن هر فرد به گونه‌ای خاص تعریف شده و علی‌رغم اینکه همگان از کلمه‌ای واحد برای این معنا استفاده می‌کنند، شاید هیچ دو نفری را نتوان پیدا کرد که معانی یکسان از این کلمه در ذهن و دل خود جای داده باشند. این معنی می‌تواند بسیار سطحی و غلط تعریف شده باشد به‌طوری که فرد، منکر وجود خداست (که در اصل منکر تعریف غلط خود از خداست نه منکر وجود خدا) و نیز این تعریف می‌تواند به تدریج عمیق‌تر و به درک و شناختی عمیق از خداوند منجر شود.

دوم معنایی که هر فرد از مفهوم خداوند در ذهن دارد در طول زندگی فرد مدام در حال تغییر و تحول است و ممکن است در حال تعالی و یا تنزل باشد. انسان در حال رشد انسانی است که خدای هر لحظه او با لحظه بعدیش متمایز باشد و مدام معرفتش به‌این مفهوم عمیق‌تر گردد.

بی زارم از آن کهنه خدایی که تو داری هر لحظه مرا تازه خدای دگرستی

سوم همین‌طور که درک افراد گوناگون از این مفهوم متفاوت است، درک عمومی جامعه در شرایط گوناگون زمانی و مکانی ممکن است بسیار متفاوت و بسته به رشد آن جامعه می‌تواند سطحی و یا عمیق باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد پاسخ به این سئوال که خداوند را در چه قالب‌هایی می‌توان در معماری نشان داد، بسیار مشکل و پیچیده است و قبل از اینکه این سؤال را مطرح کنیم می‌باید بپرسم خدای چه کسی و یا چه جامعه‌ای را می‌خواهیم نشان دهیم.

بنابراین برای پاسخگویی به این سؤال به بررسی تطبیقی چند فضای عبادی در فرهنگ‌های گوناگون و مقایسهٔ آن با مسجد می‌پردازیم.

در تصاویر ۱ تا ۳، سه نوع فضای عبادی گوناگون را با هم مقایسه کرده‌ایم تصویر اول فضایی از یک کلیسای سبک باروک در آلمان، تصویر دوم مربوط به گنبد خانهٔ مسجد شیخ لطف‌الله و تصویر سوم مربوط به کلیسای آب اثر تادائو آندو می‌باشد. ملاحظه می‌شود که در این فضاها از چه قالب‌های گوناگون و متفاوتی برای نشان دادن مفهوم خدا استفاده شده است، که برای فهم آن باید اول ببینیم این فضا توسط چه کسی و برای چه کسانی و با چه سطح فهم از درک مفهوم خدا ساخته شده. در ابتدا به فضای کلیسا توجه کنیم همان‌طوری که ملاحظه می‌کنید این فضا مملو از آثار نقاشی و مجسمه‌سازی گوناگون است که به طرز بسیار متکثری در کنار یکدیگر قرار گرفته و معمولاً هر یک یادآور داستانی از انجیل هستند. برای درک معنویت موجود در این فضا می‌باید به نوع معرفی که مسیحیت از خداوند به‌دست داده و سطح درک مخاطبان آن از مفهوم خدا توجه کنیم. مسیحیت در دورانی ظهور کرد که امپراتوری روم بر بیش از نیمی از جهان حکومت می‌کرد و آنچه از مفهوم خدا در ذهن مردم پرورده شده بود خدایان و الهه‌های افسانه‌ای روم بود که می‌توان برای آنها صورتی کاملاً مادی تصور کرد که هر یک رب‌النوع یکی از صفات جمال یا جلال خدا بودند و در بین آنها و در دنیای آنها روابطی شبیه ما انسان‌ها برقرار است و شاید به سبب همین امر بود که مسیحیت به سمت تثلیث‌گرایش پیدا کرد.

وقتی درک عمومی جامعه از مفهوم خدا در این سطح است، بهترین روش برای برقراری ارتباط هنر نقاشی و مجسمه‌سازی است و بهترین وسیله برای ارائه معانی موجود در انجیل این است که مفاهیم و داستان‌های موجود در آن را به‌صورت نقاشی و مجسمه در داخل فضای عبادی به نمایش بگذارند. بدیهی است که چنین نمایشی برای عامه مردم و بخصوص برای افرادی که سواد مطالعه انجیل را ندارند بسیار محسوس و قابل فهم‌تر خواهد بود به‌همین خاطر به خلاف معماری مسجد نوشته و کتیبه‌ها نقش کمرنگی خواهند داشت و فرد زمانی به یاد معانی مذهبی می‌افتد و در فضا احساس معنویت می‌کند که فضا را مملو از چنین نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی می‌بیند. بنابراین در معماری کلیسا مشاهده می‌کنیم که فرشتگان، بهشت، جهنّم، مسیح و حتی خود خداوند به‌صورت انسانی قوی در آثار نقاشی و مجسمه‌سازی مشاهده می‌شوند.

حال به تصویر شمارهٔ نگاه کنید. برای فهم بهتر این فضا می‌باید به معرفی خدا از دیدگاه اسلام مراجعه کنیم. دین اسلام بعد از مسیحیت و در جهت تکمیل و تعالی این دین آمد و مهم‌ترین اصل آن براساس توحید بنا شد و شروع آن باکلمه لااله الا الله بود. در این کلمه معانی عمیق فراوانی نهفته است. از جمله این است که در این کلمه ابتدا هر چیزی از مقام الوهیت خلع می‌گردد تا خداوند اثبات شود. به عبارتی:

«براین حقیقت که خداوند کاملاً ورای تمام آن چیزهایی قرار دارد که ذهن و حواس عادی به عنوان واقعیت، به مفهوم رایج کلمه می‌شناسد اشاره دارد».[۱]

همین اصل را می‌توان در کلمه «الله اکبر» دید چون الله کبیر ذکر نشده وصف تفضیلی نشان می‌دهد که خداوند بزرگ‌تر است از هر آنچه که بتوان تصور کرد.

یا در جایی از قرآن داریم:

﴿سُبْحٰنَ رَبِّ العِزَّة عَمَّا یَصِفُون﴾.[۲]

«پاک و منزه است پروردگار تو که خدایی مقتدر و بی‌همتاست و از توصیف جاهلانه خلق مبر است».

پس با توجه به چنین تصویری که اسلام از خداوند به نمایش گذاشته این سؤال پیش می‌آید که چنین خدایی که از همه چیز منزّه هست، با چه قالب و روشی می‌توان در فضای معماری به آن اشاره کرد. مسلماً چنین خدایی را با هیچ صورت مادی نمی‌توان نشان داد، پس هنرمند مسلمان در پی چیزی فراتر از ماده می‌گردد. تا به‌وسیلهٔ آن فضایی معنوی خلق کند. شاید یکی از قالب‌هایی که به ذهن انسان می‌رسد نور است، چون تنها چیز غیرمادی است

---

۱. نصر، سید حسن، مقالهٔ اهمیت فضای خالی در هنر اسلامی. در ادامهٔ بحث ذکر می‌شود: «اگر پروردگار را جوهر غایی یا وجود ناب فرض کنیم، و به یاد داشته باشیم که در اصطلاح متافیزیک اسلامی، این امکان هست که وجود را شیء بنامیم. لاجرم جنبه‌ای از نیستی یا خلأ وجود دارد که در طبیعت کل نظام خلقت نهفته است و پیامد مستقیم این حقیقت است که، علی الاطلاق فقط خداوند واقعی است. طبق تعبیر دوم اگر اشیاء را به مفهوم متداول تلقی کنیم، آنگاه خلاء، یعنی آنچه از اشیا تهی است، به صورت اثر و پژواک حضور خداوند در نظام هستی جلوه می‌کند، زیرا از طریق نفی اشیاء در واقع به آنچه ورای همه چیزهاست اشاره دارد. بنابراین فضای خالی مظهر تنزه و تعالی پروردگار و حضور او در تمام اشیاست».

۲. صافات / ۱۸۰.

که دیده می‌شود و در قرآن نیز خداوند به نور تشبیه شده است ﴿الله نور السموات و الارض﴾ ولی در استفاده از نور می‌باید به نکاتی خاص توجه کرد.

اصولاً زمانی که هر چیزی بسیار آشکار شود، حضورش نامرئی خواهد شد. مثلاً جاذبهٔ زمین چیزی است که بشر همواره با آن سر و کار دارد، ولی چیزی به این روشنی و آشکاری سال‌ها از دید مردم و حتی دانشمندان بزرگ دنیا مخفی بود و کشف نشد. در بارهٔ نور هم زمانی که نور به وفور باشد دیگر حضورش حس نخواهد شد و زمانی می‌توان حضور آن را به‌صورت حقیقتی ماورایی حس کرد که به‌صورت پرتوی از نور در دل تاریکی بتابد. (مراجعه شود به تصاویر ۴)

و در اینجاست که حضورش به‌صورت ظهور و تجلی یک حقیقت بالا و بلند مرتبه احساس می‌شود و چشم و دل انسان را با خود به سوی سر چشمه نور می‌کشاند.[۱]

روش دیگر استفاده از آینه‌کاری است که نور را بی‌نهایت با در خود می‌شکند و خرد می‌کند و دریایی مواج و پرتلألؤ از نور به نمایش می‌گذارد که خود نقوش هندسی و هر شیئی که در این فضا قرار گیرد، بی‌نهایت بار شکسته شده و در فضا فانی می‌گردد و فضای فنای ماده و حضور نور و نورانیت است و شکست بی‌نهایت باعث می‌شود که این فضا علی‌رغم محدودیت مادی به‌صورت دریایی نامتناهی و بی انتها از نور حس شود، اما خدایی که در اسلام معرفی شده حتی از این مرحله نیز فراتر است که بتوان آن را فقط با نور فیزیکی نمایش داد و حتی در سورهٔ نور نیز که خداوند به نور آسمان‌ها و زمین تشبیه شده در ادامهٔ آیه ویژگی‌های خاص و پیچیده‌ای ذکر می‌شود که او را از نور معمولی منزه می‌گرداند، بنابراین فقط قالب و سمبلی که باقی می‌ماند هیچ و خلأ است.

---

۱ . تادائو آندو در قسمتی از مقاله خود دربارهٔ نور بعد از اینکه اشاره به پنجره‌های کوچک در معماری عربی می‌کند می‌نویسد: «...انگار که آنها تجسمی از نور بودند. شاید آنها، نشانگر این میل اساسی و دیرینه انسان بودن. به‌وجود آوردن تاریکی، برای ظهور نور هنگامی که، یک ستون درخشنده نور، در سکوت عمیق تاریکی نفوذ می‌کند حضور یک وجود والا و بلند مرتبه است آن پنجره‌ها نه فقط برای سرگرمی بصری ساخته نشده بودند، بل در واقع عاملی برای نفوذ بی‌واسطه نور بودند و نوری که به فضای داخلی معماری رخنه می‌کرد فضایی دارای ساختاری راسخ، استوار و سنگین را به‌وجود می‌آورد...». تادائواندو، مقاله نور، تهیه و تنظیم بهرام کشانی، معماری و شهرسازی، پائیز ۱۳۸۲ .

ولی به راستی چگونه می‌توان خلأ را به نمایش گذاشت؟ اگر قرار باشد فضا از همه چیز خالی شود اصولاً دیگر اثر معماری خلق نخواهد شد که بخواهیم در بارهٔ آن صحبت کنیم.

در طول تاریخ، معماران مسلمان از روش‌های گوناگونی برای نمایش خلأ استفاده کرده‌اند. یکی از آنها قرار دادن مرکز هندسهٔ فرم در فضای خالی است. به‌طور مثال اگر به سقف‌های مقرنس و یا یزدی‌بندی نگاه کنیم ملاحظه می‌کنیم که هندسهٔ اصلی آنها از دوایر متحدالمرکزی است که در حالتی که فرم سه بعدی شکل می‌گیرد این مرکز بر روی محوری در مرکز فضا و در داخل فضای خالی قرار می‌گیرند و معمولاً این محور به شمسه و یا نورگیری که در سقف قرار دارد، منتهی می‌شود. (تصویر شماره ۵ و ۶) بنابراین تمامی فرم‌های هندسی به نوعی اشاره به فضای خالی می‌کنند و نشان می‌دهند که سرچشمه وجودی آنها از خلأ گرفته شده است.

تصویر (۵) مقرنس‌کاری مقبره شیخ عبدالصمد در نطنز.

تصویر (۶) یزدی‌بندی کاخ هشت بهشت اصفهان.

تصویر (۷) نمونه‌ای از رسمی‌بندی در باغ دولت‌آباد یزد.

اصولاً در معماری اسلامی و در مساجد طراحی فضای خالی بر طراحی حجم و توده مادی غلبه دارد و بجز گنبد و گلدسته‌ها که از بیرون دیده می‌شود حجم قالبی در فضا دیده نمی‌شود و تمامی فضاهای داخلی به‌وسیله ساختار هندسی خود به فضای خالی مابین خویش اشاره می‌کنند.

در فرم مقرنس همان‌قدر که به فضای مثبت و حجم و توده مادی توجه شده به فضای خالی بین فرم‌ها و طراحی آنها نیز توجه گردیده و در آن فضای مثبت و منفی به نوعی یکدیگر را در برگرفته‌اند. (تصویر شماره ۵)

در معماری مسجد و معماری اسلامی معمولاً تقسیمات ورودی‌ها و بازشوها فرد است، مثل تک ایوان در وسط یا سه دری، پنج دری و غیره و هیچ‌گاه بازشوها به‌صورت دو دری، چهاردری و غیره استفاده نمی‌شود. در حالی که در بعضی از معماری‌های غربی می‌توان نمونه‌های آن را مشاهده کرد (مراجعه شود به تصاویر ۸ و ۹)

علت آن این است که اکس مرکزی و وسط یا محور تقارن که مهم‌ترین و پر تأکیدترین قسمت بناست در فضای خالی قرار داشته باشد.

تصویر (۸) تقسیمات فرد در معماری اسلامی.

تصویر (۹) تقسیمات زوج در معماری غربی.

تصویر (۱۰) خانه بروجردی‌های کاشان.

معمولاً در خانه‌های حیاط مرکزی و در بعضی از مساجد آکس بصری و آکس حرکتی از یکدیگر جدا می‌شوند و مرکز به آکس بصری اختصاص داده شده و حرکت‌ها از دو طرف انجام می‌شود.

در مرکز حیاط حوض آب قرار می‌گیرد که سمبلی از شفافیت و پاکی است و با انعکاس آسمان در داخل، فضای خالی را در پایین و بالای خود به نمایش می‌گذارد. (تصویر شماره ۱۰) ایوان اصلی در وسط قرار می‌گیرد و پله‌ها در طرفین آن و برخلاف معماری غربی پله هیچ‌گاه به‌صورت حجم و توده بیرون نمی‌زند و همواره در داخل فضای خالی قرار دارد.

حتی نوع استفاده از رنگ‌ها نیز به‌گونه‌ای است که ایجاد خلأ کند در بسیاری از مساجد صفویه به بعد رنگ‌ها نیز به‌گونه‌ای است که ایجاد خلأ کند در بسیاری از مساجد صفویه به‌بعد رنگ غالب زمینه آبی پررنگ و لاجوردی است که نقوس اسلیمی و یا خطوط بنایی با رنگ سفید بر روی آن می‌نشینند. از لحاظ علم رنگ‌شناسی آبی عمیق‌ترین رنگ است و تا می‌تواند خود را از زمینه دور می‌کند و در طبیعت نیز مناظر دور دست همواره به رنگ آبی دیده می‌شوند، ولی سفید سطحی‌ترین و روش‌ترین رنگ است که تا می‌تواند خود را از زمینه جلو می‌کشد.

با عقب رفتن آبی و جلو آمدن سفید در بین آنها خلاء ایجاد می‌شود و این خلأ تمامی فضای مسجد را تسخیر می‌کند و معنویتی خاص به آن می‌بخشد.

در نقوش اسلیمی و خطوط بنایی به همان اندازه که به خطوط سفید و نقوش مثبت اهمیت داده شده به فضای خالی بین آنها نیز توجه گردیده است و فضای خالی بین آنها نیز طراحی گردیده است.

برخلاف نقاشی‌های کلیسا هیچ یک از خطوط و نقوش به تنهایی ذهن و چشم را به طرف خود معطوف نمی‌کنند و کلیت فضاست که به‌صورت یک حقیقت واحد حس می‌شود و اجزا جدا از کل نیستند. به عبارتی همه چیز حضور یک واحد در کثرت است و منیّت تمامی اجزای فانی شده و هر جزئی تنها به آن کل واحد اشاره می‌کند. (تصویر شماره ۲)

حال به سراغ فضای معنوی که در تصویر شماره ۳ دیدیم می‌رویم. همان طوری که در این تصویر مشاهده می‌کنید، این بار فضا خالی‌تر شده و به جز صندلی هایی ساده برای نشستن چیز قابل توجه دیگر در فضا موجود نیست. یکی از جداره‌ها به‌طور کامل برداشته شده و رو به دریاچه‌ای باز می‌شود که در بالا آسمان و در پایین نیز تصویری از آسمان در آب مشاهده می‌شود که مملو است از فضای خالی و در اطراف طبیعت وحشی مشاهده می‌شود و در این زمینه صلیبی در وسط دریاچه نگاه را به سمت خود می‌کشاند و به فضا تمرکز می‌دهد.

با وجود اینکه فضای فوق یک کلیساست، ولی معمار آن که یک ژاپنی است بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ژاپنی و آیین ذن و شینتو به طراحی این فضا پرداخته است. بنابراین برای درک معنویت موجود در این فضامی باید به تعریف خدا از دیدگاه این آیین‌ها مراجعه کرد.

اگرچه در آیین ذن نامی از خدا برده نمی‌شود، ولی شاید آنچه را از آن به تهی یاد می‌شود بتوان معادل خدا فرض کرد.

مکتب ذن اعتقاد دارد واقعیت‌ها نسبی و ناپایدار و متغیرند، ولی ذات یگانه دارند که از آن به تهی یاد می‌شود. شناخت تهی در وحدت آن و مبتنی بر اشراق و شهود است، تهی ذات یگانه چیزهاست. و از راه منطق و استدلال در خور فهم نیست.

اندیشهٔ تهمت از اندیشه بودائی ناشی می‌شود فضای خالی هر چیز بیانگر تهمت است و این تهی بودن به معنای نیست بودن نیست.

شاید بتوان تهیت را به عنوان یک اصطلاح روحی به معنای این که جهان پیرامون خود را به‌طور کلی تهی کرده باشیم، ذکر کنیم. در این زمینه یکی از استادان ذن بیان می‌دارد که «آنگاه که جان به چیزی دلبسته نباشد، این تهیت است». همچنین در ذن این تصویر وجود ندارد که اشیاء چیزها و رویدادها در یک سو و ما در سویی دیگر واقع شده باشیم یا بطور کلی انفکاک انسان و طبیعت معنی ندارد. بنابراین طبیعت‌گرایی در این فرهنگ معنای ویژه خاص را

دارد، یعنی فطری زیستن و با طبیعت بودن با لحن هستی همنوا شدن، رهایی از هر نوع تعلق و در دامن طبیعت سر سپردن.[۱]

ذات مکتب ذن ایجاب می‌کند تا مردم از هر چیز دست ساخته دوری کنند و در پی آن سوی آن باشند این تلقی از ساده زیستن در فرهنگ مردم ژاپن باعث گردید تا اینان همواره دوستدار و خواهان سادگی بکر و صداقت طبیعت باشند.[۲]

بنابراین می‌توان آشکارترین و بارزترین جلوه‌های هنر و فرهنگ ژاپن را در طبیعت‌گرایی، بی توازنی، یک گوشه بودن، فقر، ساده سازی، تنهایی، حضور فضای خالی و بی‌علاقگی به تزئینات مفصل و مجلل ذکر نمود.

حال به خوبی می‌توان معنویت موجود در فضای شماره (۳) را درک کرد. ملاحظه می‌کنید این بار نیز به همان نسبتی که درک از مفهوم خدا انتزاعی‌تر و عمیق‌تر می‌گردد، فضا خالی‌تر می‌شود.

مقایسهٔ تطبیقی فضاهای عبادی

در مثال‌های یاد شده قالب‌های به کار گرفته شده در سه نوع فضای عبادی متفاوت را بررسی کردیم و ملاحظه کردیم که به میزان اینکه درک از مفهوم خدا عمیق‌تر می‌شود فضا ساده‌تر شده و از تجملات مادی خالی‌تر می‌شود. بنابراین شاید برای کسانی که به معرفت عمیق رسیده باشند، معنوی‌ترین فضا، فضایی کاملاً ساده و تاریک باشد. و شاید به همین لحاظ است که بسیاری از انبیا و عرفا در غار مشغول به عبادت می‌شدند.

ولی به راستی کدام یک از این قالب‌ها مناسب‌تر است و ما به عنوان یک معمار در طراحی مساجد از کدام یک بهتر است استفاده کنیم.

با توجه به مطالب فوق آیا می‌توان فضای مسجد را برتر از فضای کلیسای دوره باروک دانست، یا الگوهای به کار گرفته شده در کلیسای آب را بهتر از قالب‌های به کار گرفته شده در مسجد، قلمداد کرد؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق ابتدا سه نوع نگرش به جهان را در قالب

---

۱. اعتضادی، لادن، ذن و معماری ژاپن.
۲. پاشائی، ع. ذن چیست، انتشارات نیلوفر.

سه الگو راکه در تصاویر (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) می‌بینید، بررسی می‌کنیم و با توجه به قانون خلأ به توضیح این سؤال می‌پردازیم.

بررسی سه نوع نگرش به جهان

در مدل اول نگرش به جهان کاملاً نسبی است و هیچ حقیقت مطلقی در جهان و هیچ معیار مشخصی برای سنجش درستی، نادرستی و یا ارجحیت چیزی بر دیگری وجود ندارد؛ اوج این تفکر نسبی‌گرا را در فلسفهٔ دی‌کانستراکشن می‌توان مشاهده کرد که در سال‌های اخیر تأثیرات شایان توجهی در معماری غرب از خود به‌جای گذاشته است.

مدل دوم بیانگر نگاه مطلق‌گرا به جهان است که در آن فقط یک چیز حقیقت مطلق است و بقیه چیزها خالی از حقیقت، کفر آلود و یا شیطانی تلقی می‌گردند. گزینه‌ها یا کاملاً درست یا کاملاً غلط‌اند و نسبیتی وجود ندارد.

تصویر (۱۲) نگرش نسبیت دی‌کانستراکشنی.

تصویر (۱۳) نگرش مطلق‌گرا.

تصویر (۱۴) نسبت قطبی شده به سمت حقیقت مطلق.

در نگرش سوم که به نظر اینجانب کامل‌تر و درست‌تر است هم نسبیت وجود دارد و هم حقیقت مطلق، ولی هیچ چیز محسوسی حقیقت مطلق نیست و همهٔ موجودات به میزانی که به حقیقت مطلق نزدیک می‌شوند ارزش و بها پیدا می‌کنند و به میزانی که از آن دور می‌شوند کم ارزش‌تر تیره‌تر و ظلمانی‌تر می‌شوند ولی همان‌طورکه نمی‌توان هیچ‌کدام را حقیقت مطلق به حساب آورد، نمی‌توان هیچ یک را به‌طور کامل بی‌ارزش و به دور از نور حقیقت دانست. بنابراین هر انسانی تفکر و ایدئولوژی و هر فضای معماری و اثر هنری را می‌توان در جایی که از این طیف فرض کرد؛ ولی باید دقت نمود که مراتب پایین‌تر مقدمه‌ای برای رسیدن به مراتب بالاترند. بنابراین نمی‌توان آن را بی‌ارزش به حساب آورد. مثلاً اهمیت کلاس اول از کلاس دوم یا سوم کمتر نیست و هر کلاسی مقدمه برای رسیدن به کلاس بالاتر است و بدون طی آن فهم مرتبه بالاتر ممکن نخواهد بود. بنابراین برای انسانی که به سطح ابتدایی از مفهوم خدا رسیده

فضایی پرزرق و برق با تزئینات زیاد مثل تصویر شماره (۱) بسیار جالب‌تر و شورانگیزتر خواهد بود و در چنین فضایی احساس معنویت بیشتری خواهدکرد و فضایی خالی برایش خسته‌کننده وکسالت‌آور خواهد بود و زمانی‌که مخاطب در این مرحله است باید برای او از چنین قالب‌هایی استفاده‌کرد. به قول مولوی:

چونکه با کودک سروکارت فتاد هم زبان کودکان باید گشاد

و هیچ‌گاه نباید این سطح درک از فهم فضا را محکوم‌کرد، چون مقدمهٔ درک مرتبه بالاتر است. آنچه محکوم است سکون و توقف در هر مرحله است.

بنابراین فضای کلیسا می‌تواند مقدمه‌ای برای فهم عمیق‌تر فضای مسجد باشد و قالب‌های استفاده شده برای مسجد با وجود اینکه مرتبه‌ای بالاتر از درک خداوند را به نمایش می‌گذارد هیچ‌گاه نباید مطلق شده و در آنها متوقف شد و همراه با عمیق‌تر شدن درک عمومی جامعه می‌بایستی به سمت انتزاعی‌تر شدن و خالی‌تر شدن حرکت‌کند.

البته باید به این نکته توجه‌کرد که اثر هنری غنی اثری است که هم برای عوام جامعه در خور فهم باشد و هم مورد پسند خواص قرارگیرد و هرکس به اندازهٔ فهم خود بتواند از آن استفاده‌کند و نمی‌توان گفت که همواره بین این دو تناقص وجود دارد. بنابراین فضای معنوی می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شده باشدکه هر دو نوع سمبل‌های مادی و انتزاعی را در خود داشته باشد تا انسان را در اعماق خویش سیر دهد و درک او را به مراتب بالاتر ببرد. نمونهٔ بارز چنین آثاری را در معماری برخی از مساجد مثل مسجد شیخ لطف‌الله می‌توان مشاهده‌کردکه در آن از یک طرف با بکارگیری رنگ‌های متنوع و نقش و نگارهای فراوان توجه عوام را به خود جلب می‌کند و از طرف دیگر با استفاده از نور، فضای خالی و وحدت حاکم بر تمامی اجزای فضایی عمیق و پر رمز و رازی را برای خواص جامعه به نمایش می‌گذارد.

شرح قانون خلأ با توجه به مدل سوم

با توجه به مدل سوم در سیر تکاملی به سمت حقیقت مطلق همان‌گونه‌که هر مرحله مقدمه‌ای برای صعود به مرحله بالاتر است، می‌تواند به حجابی برای صعود به مرتبه بالاتر تبدیل شود.

تا زمانی که آن مرحله برای ما مطلق شود و تمام توجه ما را به زیبایی‌ها و ارزش‌های خود معطوف گرداند. نمی‌توان به مرتبه بالاتر صعود کرد و برای صعود به مرتبه بالاتر ابتدا می‌باید از آنچه داری، خالی شوی و تمامی بت هایی راکه مدت‌ها با آنها انس گرفته بودی و برای رسیدن به آنها زحمت‌ها کشیده بودی، بشکنی تا بتوانی بهتری را جایگزین آن کنی و این نوع خالی شدن حقیقت قانون خلأ به‌شمار می‌رود.

جای دخل است این عدم از روی نرم جای خرج است این وجود بیش و کم
کارگاه صنع حق چون نیستیست پس برون کارگه بی‌قیمتی است[1]

این قانون را در همه جا می‌توان مشاهده نمود. در طبیعت، در زندگی انسان و در فضای معماری و آن را این‌گونه می‌توان بیان کرد:

«هر چه خالی‌تر امکان تجلی حقیقت بیشتر»

نتیجه‌گیری

در معماری مسجد قالب‌های گوناگونی را می‌توان برای خلق فضای معنوی به‌کار برد که تاثیرگذاری آن بر روی افراد گوناگون متفاوت خواهد بود. هرچه درک مخاطب از مفهوم خدا ابتدائی‌تر باشد قالب‌ها صوری و مادی مؤثرترند و هرچه این درک عمیق‌تر شود قالب‌های انتزاعی‌تر مؤثرتر خواهند بود. که در نهایت این قالب‌ها به فضای خالی منتهی خواهند شد.

هیچ یک از این مراتب بی‌ارزش نیست و آنچه بی‌ارزش است ساکن شدن و راکد ماندن در یک قالب خاص است و رمز حرکت و ساکن نشدن خالی شدن است. خالی شدن فکر و ذهن خالی شدن دل و خالی شدن فضای معماری، ابتدا خالی شدن از هر چیز زائد و بد و بعد خالی شدن از چیزهای بیهوده و در انتها خالی شدن از چیزهای مطلوب برای رسیدن به چیزهای بهتر.

---

۱. مولانا، مثنوی معنوی، دفتر دوم.

اهمیت هندسه و تناسبات در معماری اسلامی

▣ ساسان حسینی

▣ چکیده

معماری تنها زمانی معماری اسلامی محسوب می‌شود که تزئینات مهم و معنی‌داری را نشان دهد.

اولین اصل در برخورد با معماری اسلامی و تزئیناتش دور ماندن از نگرش‌های معمولی درباره تزئین و تا حدی دور شدن از تعاریف معمولی معماری است.

ابعاد دیگری در درک اسلامی نگرش منصفانه به نظم خلق شده که شامل چشم‌انداز خدا محور است همان خلقت با یک خالق است.

ابن‌عربی تعلیم داد که بدون الگو هیچ معنی‌ای وجود ندارد.

بنابراین نظام هستی، الگو می‌باشد و بدین وسیله تمامیت دارد.

اسلام چهار علوم اصلی هندسه فیثاغورثی را به ارث بده و یکتایی دانش خودش را با حرفی که سیدحسین نصر آن را هندسه ابراهیمی نامیده بود، پیوند داده است.

چهار علم عبارتند از: حساب، هندسه، موسیقی، ستاره‌شناسی.

بنابراین الگوهای هندسه و اشکال مارپیچی که گاهی اسلیمی، عربی و گره‌های هندسی نامیده می‌شد. از درک درون طبیعت و با استفاده از چشم حکمت ایجاد می‌شوند.

بنابراین معماری اسلامی نقش روحانی‌اش را با نشـان دادن الگـوهای زیبا که در اشکال یگـانه جـمع شـده‌انـد و بـرای تـمام مسـلمین ضـروری می‌باشد، از جمله شکل گنبد اجرا کرد.

معماری فقط زمانی «معماری اسلامی» محسوب می‌شود که تزئینات مهم و معناداری از خود نشان دهد.

دکتر کیت کریچلو، استاد ممتاز بخش هنرهای تجسمی اسلامی و سنتی انستیوی معماری Prince of wales مشغول کار کردن معماری خود براسـاس اصـول طـراحـی صـحیح است. او اهمیت را در میراث هنر اسلامی و چگونگی را در حال حاضر توضیح می‌دهد.

نخستین اصل در برخورد با معماری اسلامی و تزئیناتش دور مـاندن از نگـرش‌های معمولی دربارهٔ تزئین و تا حدی دور شدن از تـعاریف مـعمولی مـعماری است، ایـن امـر، حداقل در مدت زمان مشخصی برای توجه کردن به اهداف و معیارهای متفاوت لازم است.(۱)

کلمهٔ «معماری» آکنده است از پیش فرض‌ها و ارتباطات و هر آنچه آن‌را تعریف می‌کند؛ ولی واضح است که تفاوت شایان ملاحظه‌ای بین یک مسجد تکمیل شده با مدرسه و محل روستای اسلامی کار آمد و مناسب، وجود دارد. تفاوت از نظر خدا آن‌گونه که از نظر مردم زیاد نیست. بخصوص تمایل جوامع مسلمان برای ایـنکه بـتوانـند در سـاختمان‌های عـمومی‌شان خشوع‌شان را به خالق نشان دهند.

بنابراین، برای رسیدن به تعریف صحیح‌تری از «معماری اسلامی» باید عمیقاً به‌معنای خود اسلام بیندیشیم. در این صورت نباید ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نکتهٔ تعریف را از دست دهیم. اختصار بیش از حد، خطایی جدّی است، اما همیشه سادگی ژرف و اساسی در مکاشفهٔ اسلام وجود دارد که بر همهٔ زوایای زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد. این همان اصل یگانگی است؛ اول: «بگو خدا یکتاست». دوم: دستوری که مؤمنان باید ۵ بار در روز نماز بخوانند باید

---

۱. معادل لغت «آرشیتک» در واژه‌های اسلامی «مهندس» بوده که به معنای هندسه‌دان می‌باشد که سازنده بناها و تزئینات منسجم است.

مورد توجه قرارگیرد. مفهوم آن این است که در هر فضایی که یک مسلمان برای زندگی دارد، باید فضایی جهت دار برای دعا و نماز در نظرگرفته شود. این شرط اصلی و اولیه برای هر ساختمان اسلامی است. در سطح دیگر اسلام به معنای زندگی کردن بنابر «خواست خدا» است. قرآن آنچه را موازین اخلاقی ایجاب می‌کند، شرح می‌دهد.

در این مقاله ابعاد دیگری در درک اسلامی راکه سید حسین نصر «علم مقدس» نامیده است، آشکار می‌شود. نگرش منصفانه به «نظم خلق شده» که شامل چشم‌انداز خدا محور است همان خلقت با یک خالق است.[۱]

این امر ما را در میراث دانش اسلامی و منابع مطالعات علمی که از تمدن‌های اولیه در دسترس اسلام بوده، متوقف می‌کند. این حقیقت که بزرگ‌ترین معلم معلمان، ابن‌عربی «پسر افلاطون» نامیده می‌شود. مرجع فلسفی مهمی برای علوم یونانی است.

داشته‌های آنهایی که دربارهٔ این موضوع نوشتند که چرا پیشینیان شخصیت‌های جامد را به عناصر اختصاص داده‌اند، نشان دهندهٔ مطالعه Timaens افلاطون است. برادران پاکدامنی گروهی گمنام از دانشمندان اسلامی قرن پانزدهم میلادی حجم جامعی از کار براساس تأثیرات فیثاغورثی / افلاطونی راگرد آوردند.

از نظر مسلمانان، هماهنگی و هارمونی در آفرینش و خلقت به معنای قادر بودن و آموخته شدن برای دانستن آن چیزهایی است که الگوهای اساسی‌اند و خلقت را به جای تصادفی بودن یک نظام می‌سازند. «ابن‌عربی» تعلیم داد بدون الگو هیچ معنایی وجود ندارد یا به عبارتی معنا تنها زمانی در درون ما شکل می‌گیرد که الگو را بتوانیم بشناسیم. هیچ کلمه‌ای از این مقاله را شما (خواننده) نمی‌توانید درک کنید مگر الگو را بتوانید تشخیص دهید. این جهان الگویی رایج است.

بنابراین نظام هستی. الگوست و بدین وسیله تمامیت دارد، همان‌طورکه سقراط درکتاب «جمهوریش» به گلاکون و دیگر افرادی که جمع شده‌اند، می‌گوید: یادگیری حساب و هندسه

---

۱. همان‌گونه که مطرح گردیده، شیوه رایج در تئوری Big Bang و محاسبات مربوط به آن، یک سری رخدادهای اتفاقی بوده که در مورد مباحثی کاربری داشته که فاقد عامل انجام کار می‌باشد.

مطمئن‌ترین راه برای برانگیختن دوبارهٔ چشم حکمت یا چشم بصیرت است که ارزشش یک هزار برابر چشم جسم است.

بنابراین از طریق تأثیر افلاطون، قدرت و حرمت هندسه به عنوان الگویی مهم در اذهان مسلمانان و در برنامه‌ی آموزشی آنان جای داده شده است.

ظاهراً مشاهدهٔ نقاط نورانی در آسمان شب علم دیگری بود که با جدّیّت مطالعه شد. بخصوص به سبب آنکه سرچشمه‌ای اصلی اطمینان در جهت یابی برای کاروان‌های صحرا بود که در شب مسافرت می‌کردند. جهان امروزی علم ستاره‌شناسی را به واسطه‌ی متخصصان بزرگ اسلام و انتقال دانش پیشینیان به ارث برده است.

واضح است که این امر با نامهایی با منشأ عربی که برای تعداد چشم‌گیری از ستارگان و صورتهای فلکی داریم، ثابت شده است.

اسلام چهار علوم اصلی هندسه فیثاغورثی را به ارث برده و یکتایی دانش خود را با حرفی که سیدحسین نصر آن را «هندسه ابراهیمی» نامیده بود، پیوند داده است. چهار علم عبارت بودند از: حساب به‌عنوان شاخص مطلق، هندسه به عنوان شاخص در فضا، موسیقی به‌عنوان شاخص در زمان و سرانجام ستاره‌شناسی (=کیهان‌شناسی) به‌عنوان شاخص در فضا و زمان.[۱] این‌ها زبان‌های عینی بودند که به‌طور جهانی در دسترس بودند و برای مسلمانان «الگوهای ذهن الهی» همان‌گونه که در خلقت بیان شده ارائه گردیدند.

پیغمبر خدا ﷺ هنر تصویری را با این گفته به هنرمندان منع کرد: «بله شما می‌توانید نشانه‌ای از موجودات زنده بسازید یا رنگ کنید، اگر بتوانید در آنها روح بدمید و آنها را زنده کنید». این امر هنرمندان مسلمان را برای توجه به نیروهای عینی درونی و سازنده که در پشت، درون و زیر سطح جهان زنده وجود دارند، هدایت کرد.

بنابراین، الگوهای هندسه و اشکال مارپیچی که گاهی اسلیمی، عربی و گره‌های هندسی نامیده می‌شد[۲] و زبانی عینی و فرا طبیعی از اشکال هنری را ایجاد می‌نمود. پس اشکال منحصر

---

۱. این موضوع یک کتاب از نویسنده تحت عنوان «نظم در فضا» می‌باشد.

۲. این یک واقعیت بوده که کاربری برخی لغات انگلیسی برای بیان واقعیات متافیزیکی مشکل می‌باشد.

به فرد و پر پیچ و خم هنر اسلامی با تقلید از طبیعت صورت نمی‌گیرند، بل از درک درون طبیعت و با استفاده از چشم حکمت ایجاد می‌شوند.

وقتی ما به طرحی اسلامی نگاه می‌کنیم، عاقلانه‌ترین کار جست‌وجوی نظمی کیهانی در درون آن است. ما مثال‌های اندکی از این را نشان خواهیم داد.[۱]

هیچ علمی باستانی یا جدید، دینی یا غیردینی برای توضیح کیهان‌شناسی بدون حساب و هندسه تلاش نکرده است. حتی شش روز خلقت با اشارات بعدی را دین یهود، مسیح و اسلام به‌طور برابر مقدس دانسته و قبول دارند.

هنرمندان اسلام شیوه‌ی رسیدن به چهار سطح معنی را در یک تلاش هنری یافتند:

اول: زبان حائز اهمیت و مشترک با هندسه.

دوم: الگوهای کامل از ریتم‌های آسمانی از کیهان (بروج دوازده‌گانه خود نمادی از تمام ریتم‌های سیاره‌ای است).

سوم: رسیدن به رضایت هماهنگ با تقارن، همراه با جلوه‌های رنگی تزئینی برای جدا کردن روح اثر.[۲]

چهارم: رسیدن به الگوهای مفاهیم کیهانی که توازن و تقارن‌های متفاوت را در خود جمع کرد.

این کار با چنان رفتار پیچیده‌ای انجام شد که دانستن اینکه تقارن پنج برابر می‌تواند سطح دو وجهی را برای ترک هر فضای اضافی پوشش دهد. تاکنون برای فیزیکدانان عربی طول کشیده است. زمانی که کیلر به ساده‌ترین کاشی‌کاری دو وجهی پنج ضلعی رسید، نبوغ مسلمانان اصول معروف به Penrose rhombs را قرن‌ها قبل از روشن ساخته و شاهکارهای پیچیده و فوق‌العاده زیبا را خلق کرده بود.

برای صنعت‌گران مسلمان به‌نظر می‌رسد که واژه «اسلیمی» مناسب است.

۱. برای نمونه، الگوهای اسلامی نویسنده را ببینید.

۲. رنگ اصولاً به‌عنوان اصل اولیه در یک فرایند در نظر گرفته نمی‌شود، اما موسیقی (موزیک) این‌گونه نمی‌باشد. از رنگ می‌توان برای بیان مفاهیم استفاده نمود.

بنابراین معماری اسلامی نقش روحانی خود را با نشان دادن الگوهای زیباکه در اشکال یگانه جمع شده‌اند و برای تمام مسلمین ضروری است. از جمله شکل گنبد اجراکرد. به علاوه با الگوهای نظم در نظم انعکاس این نظام، گسترش پیداکرد. همچنین نقش هدفمند و عینی نمایش زیبایی حقیقی را ایفاکرد و به اجرای نقش اجتماعی و انسجام یک جامعه خدا محور پرداخت. این معماری جامعه را به سوی تقدیر نهایی و نماز دعای منظم فرا می‌خواند. این امر بوسیلهٔ الگوهایی که نقش نماهای تعدادی از ساختمان‌های زیبا و اسلامی را تزئین می‌کند و با پی‌گیری اشکال جا نماز، به مؤمنان یادآور می‌شود تا ناز بخوانند و رابطه با خدا را به یاد آورند تا بتوانند به آن نقش اجتماعی دست یابند.

ما با وجود افرادی مثل حسن فتحی توانستیم به موفقیت‌های معماری اسلامی در سطح «حکمت طراحی محیطی» مسلط گردیم، البته او هرگز چشم از هدف نهایی و سرنوشت برنداشت.

صنعتی شدن و ثمره اجتناب ناپذیرش یعنی کامپیوتری (= رایانه‌ای) شدن، هر دو تأثیر مصیبت‌باری در مطرح نمودن بحث‌های و تعریف‌های جهانی اقتصادکه بر پایه ماده است، داشته‌اند و بدین وسیله، سازنده‌ی حجم را از سازنده‌ی روح جداکرده‌اند. این امر جوامع را در با تلاق عقلی وضعیت راحتی با تلویزیون رها نموده و بی‌توجهی بزرگی به عظمت یک تمدن نشان داده است چه رسد به هدف زندگی.

با وجود حمله ماتریالیست‌ها در جهان قدیم اسلام هنوز یک گزینه و انتخاب وجود دارد. درک همیشه کلید همزیستی مسالمت‌آمیز است. نتیجهٔ شناخت این است که همهٔ ما تقدیری مشترک داریم ولی هر یک از ما مستقل هستیم. بنابراین برای بازگو کردن اهمیت الگوهای اسلامی باید تعریفی عمیق و ژرف بر کلیت موضوع داشته باشیم.

معماری فقط زمانی معماری اسلامی محسوب می‌شود که تزیینات چشمگیری داشته باشد. وقتی به تزیین در معماری اسلامی می‌رسیم، می‌پرسیم، برچه اساسی انتخاب یا قضاوت می‌شود؟! و چند اثر معماری معاصر به درستی تزیین را درک کرده و از آن استفاده می‌کنند؟![1]

---

۱. کارهای آرشیتکتی که نویسنده انجام داده از جمله گوشه‌ای از اصول طراحی معتبر را مورد کاربری قرار داده است.

هر یک از سنت‌های ابراهیمی دارای جنبه‌های معانی درونی و بیرونی‌اند. همهٔ ما فقط از کاربرد و استفادهٔ نابجا از جنبه‌های بیرونی مذاهب متفاوت، آگاهیم، اما فقط ارزش ضروری و مستمر بر هماهنگی تعالیم درونی سه مذهب مبتنی بوده و نیاز به جست‌وجویی دقیق دارد.

احتمال اندکی است که هر کسی به درستی بگوید که ارزش و معنای هنر اسلامی را درک کرده است. مگر آنکه درخصوص حکمت درونی متخصصان (= هنرمندان) دانش و معرفت داشته باشد. اینها بی‌شک در دستورات صوفی هر منطقه یا مکتب دیده می‌شود.

صنف هنرمندان اسلامی به عنوان شرکت‌کننده در اراده و قانون خدا شناخته می‌شده و می‌شود و به‌این وسیله مسیر رسیدن به حقیقت از طریق عمل پالایشی و تصفیه‌کننده‌ی ادامهٔ تعالیم صنف دنبال می‌شود.

صنعتی شدن وکامپیوتری (= رایانه‌ای) شدن نه فقط بزرگترین تهدید برای هنر است، بل در نهایت باعث ابتذال روح است و اعضای تند روتر از جوامع اسلامی را برای تأمین بودجه‌ی جست‌وجوی انحصاری، سریع‌تر و با تلاش کمتر و در نتیجه بهره کشی از دیگران فریب می‌دهد. این دقیقاً هدف مقابل علم و سنت مقدس و دینی است.

خوشبختانه مراکز اندکی هستند که در عین مخفی بودن ولی این شعله را روشن نگه داشته‌اند و هنر و اصناف زیبایی فوق‌العاده‌ای را ایجاد می‌کنند.

برای تقویت و تعمیق تعالیم درونی صوفیسم اسلامی، ما دعای عبدالعزیزالمهدوی که یکی از معلمان ابن‌عربی را ذکر می‌کنیم. این دعا دارای ۲۴ جنبه بوده است. هر یک از ۲۴ دعا صریح، ساده، بدون ابهام و خالصانه هستند. اگر بخواهیم اندکی در اینکه چگونه این دعاها با این سادگی معصوم و قوی هستند و چگونه بر روی استفاده‌کنندگان تأثیر می‌گذارند. تأمل کنیم، می‌توانیم تفسیر Paboo benito و Stephen Hertenstein مترجمان این دعاها را مفید بدانیم.[1] که مضمون‌شان فهم در فهم و الگوی معنی در الگوی معناست.

عدد ۱۰ در مجموع ۲۴ دعا حول یک کلمه‌ی یک ریشه‌ای به عنوان اصل یگانگی قرار گرفته شده و آنها به صورت سه جنبهٔ بسیار مهم خالق پدیدار می‌شوند: جود و وجود و موجود. بنابراین هر جنبه‌ی کامل باید در دیگری نیز یافت شود.

---

۱. مجله جامعه ابن‌عربی: جلد ۳۴، چاپ ۲۰۰۳ را ببینید.

این نه فقط سه درجهٔ هستی‌شناسی را بیان می‌کند، بل سه جنبهٔ «حقیقت محمدی» است. اینها عبارت‌اند از: ژرف‌ترین معنی، کشف و اختفا. پس نه فقط الگو در الگو وجود دارد. بل معنای ژرف در معنی ژرف‌تر نیز هست؛ ولی این موضوع مکالمه‌ی مشارکتی است. نه صرفاً کشش نظری. این اصل آستانه ارزیابی و نقد تزیین در معماری اسلامی است. حدیثی قدیمی از پیامبر می‌گوید:

«خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد».

به‌طور خلاصه: نخستین اصل در تمام سه مذهب semehi Abrahamr یا کشف این است که ما همه در یک نظام زندگی می‌کنیم. این نظام شامل معانی: نظم عینی ـ اخلاقی ـ هارمونی ـ ریاضیاتی و بشری است.

این نظام مشترک، خلقتی است که برای هر سه مذهب در شش روز انجام شده است.

در اصل خلقت الگو وجود دارد؛ زیرا بدون الگو هیچ درک و قابل فهم بودنی وجود ندارد. کلمهٔ «Pattern» از همان ریشه‌ی لاتینی Father گرفته شده و پس نام و لقبی مشترک برای خالق است.

از لحاظ سنت، تولد بشر مستلزم فراموشی است. این آینده‌ای مشترک است تا آنجا که دعا، یاد بود، Zithr یا از نظر افلاطون «Anamnesrs» است. بنابراین الگو در هنر و معماری اسلامی حداقل دارای ارزشی سه برابر است که به ما معنای مذهبی انسان و کیهان‌شناسانه را یادآوری می‌کند. هندسه همهٔ این سه معنا را بدون مداخله در سلسله مراتب‌شان جمع می‌کند.

حکومت اسلامی (= توحید) الگو در الگو است. ما در اینجا یک سری مثال به زبان هندسه و الگوی هندسی را نشان داده‌ایم. همان‌گونه که سنت معماری اسلامی از آنها استفاده می‌کرد. ما اعتماد می‌کنیم و می‌پذیریم که مدارک ذکر شده خود شاهدی عینی است و برای توجه دادن ما، مفید و حائز اهمیت است.

بهینه‌سازی لرزه‌ای و راهکارهای ایمن‌سازی ساختمان مساجد کشور

▣ محسن وفامهر
▣ سیده سمیه میرمرادی

▣ چکیده

ایران، از جمله کشورهای زلزله‌خیز در جهان به‌شمار می‌رود. با وجود این واقعیت متأسفانه بخشی عظیم از مساجد کشور براساس ضوابط فنی استوار نیستند. این‌درحالی‌است که‌ساختمان مساجد یک سرمایه، هویت و فرهنگ ملی و مذهبی در کشور باید محسوب می‌شود. استحکام و مقاوم‌سازی ساخت و سازها در کشور باید در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان مسؤولان اجرایی از اولویتی ویژه برخوردار باشد. بعد از زلزله بم و فجایعی که برای مردم این منطقه پیش آمد، مجدداً بحث مقاوم‌سازی سخن روز همهٔ مسؤولان و حتی مردم شد و تعمیر، مرمت و مقاوم‌سازی ساختمان‌های قدیمی را مدنظر دارند، ولی نکته‌ی نگران کننده این است که متأسفانه حتی بعد از وقوع زلزله‌های اخیر، همچنان ساختمان‌های خصوصی، عمومی، آموزشی، و دولتی در حال احداث است که کلیهٔ ضوابط محاسباتی برای مقاوم‌سازی در برابر زلزله به‌طور اصولی و صحیح اجرا

نـمی‌شود. بـه هـرحـال مسـئلهٔ مـقاوم‌سازی در هـر دو زمـینه یـاد شـده (چه ساختمان‌های قدیم یا بافت‌های فرسوده و چه سـاختمان‌های جـدید و نـوساز) مـطرح است. در ایـن مـیان سـاختمان‌های عـمومی از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است، چون در گروه ساختمان‌های درجـهٔ یک بوده و تعداد کار بر آنها چشم‌گیر است. ساختمان مساجد عـلاوه بـر درجـهٔ اهمیت به لحاظ عمومی بودن بـا تـوجه بـه مـعیارها و ارزش‌هـای دیـنی و مذهبی کـه دارنـد، در درجـهٔ بـالایی از اهـمیت قـرار داشـته و در بـحث مقاوم‌سازی جایگاهی ویژه دارند.

رویکـرد ایـن مـقاله بـهینه‌سازی لرزه‌ای و راهکـارهای ایـمن‌سازی ساختمان مساجد کشور است.

مراحل بهسازی لرزه‌ای ساختمان مساجد

با توجه به مراحل بهسازی لرزه‌ای که در فصول دستورالعمل پژوهشکدهٔ زلزله‌شناسی نشان داده شده، مراحل بهسازی لرزه‌ای ساختمان مساجد را به چهار مرحله زیر تقسیم می‌شود:

مرحـلهٔ اول: این مرحله مربوط به اولویت‌بندی سـاختمان‌های مسـاجد است کـه بـاید با توجه به معیارهای موجود ساختمان مساجد را برای بهسازی با اولویت دسته‌بندی کنیم.

مرحلهٔ دوم: قبل از هرگونه اقدام به بهسازی لرزه‌ای، باید ویژگی‌های ساختمان مسجد مورد نظر به طور دقیق بررسی شود. ویژگی‌های ساختمان شامل مشخصات اجزای معماری، اجزای سازه‌ای، میزان خطرهای لرزه‌ای و ژئوتکنیک ساختگاه و نتایج ناشی از ارزش‌یابی مقدماتی لرزه‌ای است. سپس باید به جمع‌آوری اطلاعات ساختمان مسجد مورد نظر پرداخته شود، اطلاعات شامل پیکربندی، سیستم سازه‌ای، مشخصات مصالح، ساختمان‌های مجاور و ساختگاه خواهد بود. پس از جمع‌آوری اطلاعات در وضع موجود برای سطح عـملکرد انتخابی، نیاز یا عدم نیاز ساختمان به بهسازی مشخص خواهد شد.

مرحلهٔ سوم: در صورتی که ساختمان مسجد موجود با توجه به سطح عملکردی که دارد از نظر سازه‌ای مناسب تشخیص داده نشد، باید بهسازی شود. در این مرحله باید گزینه‌های مناسب راهکارهای بهسازی انتخاب و بهترین گزینه با توجه به ملاحظات اقتصادی و اجرایی انتخاب شود.

مرحلهٔ چهارم: پس از تصویب طرح بهسازی و تهیهٔ نقشه‌های اجرایی، مرحله اقدام فرا خواهد رسید.

کاهش خسارات ناشی از زلزله در ساختمان‌ها از دو جنبه در خور بررسی است. یکی توجه به مسئلهٔ ایمنی در ساختمان‌های مساجد در حال احداث است چون با اینکه در شرایط کنونی امری بدیهی و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود، ولی کاستی‌ها و نواقص شدیدی در این زمینه وجود دارد و در عمل فاصلهٔ فراوانی با استانداردهای جهانی داریم. از سوی دیگر چون بخش چشم‌گیری از ساختمان‌های مساجد در حال احداث از نوع اسکلت فلزی است که ایمنی آنها بیش از هر چیز به کیفیت جوش‌کاری‌ها بستگی دارد، از جمله مهم‌ترین علل رعایت نکردن موازین فنی و اصول ایمنی در ساخت و سازهای جدید، نبود کارگران ماهر و آموزش دیده است. لازم است نظارت کافی بر رعایت استانداردها در ساخت و سازهای جدید صورت گیرد، زیرا هرگونه مسامحه در نظارت و رعایت نکردن استانداردهای ساخت و جوشکاری موجب اضافه شدن بر انبوه ساختمان‌های غیراستاندارد خواهد شد؛ مسئلهٔ بعد بهسازی لرزه‌ای (= مقاوم‌سازی) یا هم‌آهنگ‌سازی ساختمان‌های مساجد موجود است که در سال‌های اخیر در دستور کار دولت هم قرار گرفته است.

اینک به تفصیل هر یک از مراحل را مورد توجه قرار می‌دهیم:

مرحلهٔ اول

درخصوص مقاوم‌سازی ساختمان‌های مساجد موجود باید سازماندهی لازم صورت گیرد و اولویت‌بندی خاصی لحاظ شود، در حال حاضر بسیاری از ساختمان مساجد موجود، ارزش لرزه و قابلیت مقاوم‌سازی ندارند؛ بنابراین باید اولویت را به ساختمان مساجدی داد

که قابلیت مقاوم‌سازی و صرف هزینه را دارند. می‌توانیم مساجد موجود در کشور را که در دستور کار مقاوم‌سازی قرار می‌گیرند، به دو دسته تقسیم کنیم:

دستهٔ اول مساجدی هستند که در حکم شناسنامهٔ ملی کشور محسوب می‌شوند و علاوه بر ارزشمند بودن خود ساختمان مسجد، ارزش تاریخی و ملی نیز دارند. این دستهٔ غالباً در دسته بناهای خشتی قدیمی قرار می‌گیرند.

«موضوع مقاوم سازی بناهای تاریخی و همچنین بناهای خشتی قدیمی در جهان تازه است. به این سبب که ما کمتر می‌توانیم در یک بنای تاریخی دخل و تصرف کنیم، حتی اگر شیوه‌های جدیدی هم برای مقاوم‌سازی بنا وجود داشته باشد، نمی‌توان آن بنا را تخریب و در برابر زلزله مقاوم کرد».

با توجه به اینکه ساختمان مساجد کشور اغلب از یک طبقه بیشتر تجاوز نمی‌کنند و اکثر آنها که جدیدالاحداث هستند. با استفاده از آجر ساخته شده‌اند و ساختمان‌های آجری، که یکی از پر تعدادترین نوع ساختمان‌ها در کشور است و زمینهٔ آسیب‌پذیری بیشتری دارند که زلزله‌های پیشین مؤید این نکته است. در این مقاله بیشترین تأکید را بر «بهینه‌سازی لرزه‌ای مساجد با ساختمان‌های آجری» قرار می‌دهیم.

بنای مساجد با مصالح آجری که بیشترین تعداد در سطح کشور بوده و هم اکنون از آنها استفاده می‌شود و دارای کاربری هستند، اغلب کوتاه و یک طبقه یا حداکثر دو طبقه هستند. سقف آنها آجری با طاق قوسی، طاق ضربی، چوبی و تیرآهن با فرم تخت است. در ساختمان‌های مساجد آجری بارهای ثقلی توسط دیوارهای باربر تحمل شده و به پی منتقل می‌گردند. این مساجد اغلب فاقد عامل مقاوم لرزه‌ای خاصی‌اند و عموماً به واسطهٔ شکل نامناسب سازه‌ای، ضعف مصالح و نحوه نامناسب اجرا در برابر زلزله ضعیف هستند.

مرحلهٔ دوم

رفتار ساختمان‌های آجری ـ منبع ۴

توزیع نیروی زلزله در ساختمان‌های آجری بدین صورت است که نیروهای اینرسی ناشی از حرکت زمین به هنگام زمین لرزه به جرم ساختمان وارد می‌گردند. در این ساختمان‌ها جرم در سقف و دیوارها متمرکز است. دیوارها به دو دسته عرضی و برشی تقسیم می‌گردند. دیوارهایی که در جهت اعمال نیروی زمین لرزه قرار دارند دیوارهای طولی (= برشی) و دیوارهایی که عمود بر جهت نیرو قرار گرفته‌اند عرضی نامیده می‌شوند. در مکانیسم توزیع نیروهای جانبی بین اجزای ساختمان آجری، نکتهٔ شایان توجه این است که این مکانیسم هنگامی پدید می‌آید که سقف از انسجام و یک‌پارچگی لازم برای تحمل و انتقال نیروهای خود و نیروهای وارد شده از طرف دیگر اجزا برخوردار باشد. سقف‌های تیرچه بلوک، دال بتونی، و حتی طاق ضربی که صلبیت برشی کافی داشته باشند از این ویژگی برخوردارند. براین اساس دیوارهای طولی (= برشی) تحت تأثیر لنگر خمشی و نیروی برشی درون صفحه‌ای و دیوارهای عرضی تحت تأثیر نیروهای خارج از صفحه قرار می‌گیرد. در ساختمان‌های آجری کلاف‌دار، کلاف‌ها نقش دورگیری دیوار و سقف‌ها را دارند و باعث انسجام و یک‌پارچگی سیستم سقف و دیوارهای بنایی لاغر، افزایش مقاومت و شکل‌پذیری. دیوارهای بنایی و کاهش خطر فروپاشی دیوارهای خسارت دیده یا ریزش سقف را موجب می‌شود. چگونگی توزیع نیروهای زمین لرزه در ساختمان آجری در حالت‌های گوناگون همراه با نقش کلاف‌ها و صلبیت سقف در شکل زیر نشان داده شده است.

نواقص متداول در ساختمانی آجری

مطالعهٔ گزارش زمین لرزه‌های گذشته و جمع‌بندی خساراتی که بر ساختمان‌های آجری وارد شده‌اند مؤید آن است که این ساختمان‌ها عموماً نواقص مشابهی دارند که در جدول زیر به آن اشاره شده است.

جدول (۱): نقاط ضعف متداول در ساختمان‌های آجری ـ منبع ۴

اجزا	نقاط ضعف ساختمان‌های آجری غیرمسلح	
مصالح	۱ ـ پایین بودن مقاومت و قدرت چسبندگی ملات	۲ ـ پایین بودن کیفیت و مقاومت واحدهای بنایی مانند سنگ، آجر، بلوک سیمانی
سیستم‌سازه‌ای ساختمان	۱ ـ کامل نبودن مسیر بار ۲ ـ ناتوانی ساختمان در حفظ انسجام هنگام ارتعاش ۵ ـ نامنظمی در پلان ۷ ـ عدم وجود پی‌مناسب	۲ ـ کافی نبودن مقاومت برشی ساختمان ۴ ـ عدم وجود سیستم مقاوم کمکی مانند کلاف ۶ ـ نامنظمی در ارتفاع ۸ ـ فقدان فاصلهٔ کافی با ساختمان
دیوارهای باربر	۱ ـ نادرست چیدن واحدهای بنایی ۳ ـ زیاد بودن نسبت ارتفاع به ضخامت دیوار ۵ ـ طول چشم‌گیر دیوارهٔ مهار نشده ۷ ـ نزدیکی بازشوها به انتهای دیوار ۹ ـ قرار داشتن نیروهای دال به صورت مستقیم بر روی دیوار ۱۱ ـ عبور لوله و دودکش از درون دیوار	۲ ـ خالی بودن درزهای قائم بین واحدهای بنایی از ملات ۴ ـ ارتفاع چشم‌گیر دیوار ۶ ـ تراکم دیوار به‌واسطهٔ وجود باز شوهای بزر ۸ ـ استفاده‌ازروش هشت‌گیر در اجرای دیوارها ۱۰ ـ فقدان مهارت مناسب نیروی رانش ناشی‌ازسقف‌های‌قوسی‌دربالادیوارهای‌باربر
دال	۱ ـ زیاد بودن وزن دال ۳ ـ کافی نبودن طول تکیه گاهی تیرهای سقف ۵ ـ بالابودن‌نسبت طول‌دهانه به‌عرض دال	۲ ـ عدم انسجام یک‌نواختی دال ۴ ـ وجود بازشو در دال
اتصلات اعضای سازه‌ای	۱ ـ نامناسب بودن اتصال بین دیوارهای متقاطع ۳ ـ نامناسب بودن اتصال بین دیوارهای باربر و دال‌ها	۲ ـ نامناسب بودن اتصال بین تیغه‌ها و دیوارهای باربر تیغه‌ها و دال‌ها
سیستم کمکی کلاف	۱ ـ عدم استفاده از کلاف قائم و کلاف افقی در تراز پی ۳ ـ ضعف مصالح بتنی کلاف ۵ ـ انفصال در کلاف به واسطه اجرای بازشوهای بلند و یا وجود نیم‌طبقه	۲ ـ کافی نبودن تعداد و فواصل کلاف‌ها، ابعاد و میلگردگذاری ۴ ـ درگیر نبودن میلگیردهای کلاف و کافی نبودن طول همپوشانی آنها در اتصالات ۶ ـ انفصال در کلاف بواسطه عبور لوله و دودکش از آن
اعضای غیرسازه‌ای	۱ ـ اتصال ضعف و مناسب بین نما و دیوار ۳ ـ عدم پایداری جان‌پناه‌ها و دودکش‌ها	۲ ـ وزن زیاد و عدم‌کفایت‌لاغری و مقاومت

مرحله سوم: منبع ۴

راه‌کارهای بهسازی لرزه‌ای به صورت پیشنهادی با هدف افزایش مقاومت، افزایش سختی، افزایش شکل‌پذیری و یا کاهش نیروی زلزله به‌کمک یکی و یا ترکیبی از چندین روش انجام می‌گیرد که به آنها اشاره می‌شود:

۱ـ اصلاح موضعی اجزای سازه با عملکرد نامناسب در زلزله: هنگامی که پس از ارزش‌یابی لرزه‌ای و بررسی معیارهای پذیرش اجزا مشخص شود که فقط تعدادی از اجزای سازه ظرفیت کافی برای تحمل نیروها و تغییر شکل‌ها را ندارند، اصلاح موضعی اجزا به صورت یک راهکار مناسب بهسازی برای رساندن ساختمان به سطح عملکرد مورد انتظار چه از نظر مقاومت و چه سختی ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

۲ـ حذف یا کاهش بی‌نظمی در ساختمان موجود: هرگاه نتیجهٔ ارزش‌یابی لرزه‌ای بیانگر آن باشد که وجود بی‌نظمی در ساختمان مانع پاسخ‌گویی ساختمان به سطح عملکرد مورد انتظار است و در صورت حذف یا کاهش بی‌نظمی اجزای ساختمان ظرفیت کافی را هم از نظر مقاومت و هم از نظر سختی برای آن سطح عملکرد برآورد می‌نمایند، در این حالت استفاده از روش ذکر شده یک روش مؤثر برای بهسازی خواهد بود، که حتی‌المقدر از روش‌های جایگزین استفاده خواهد شد.

نامنظمی در ساختمان ممکن است به سبب ناپیوستگی در اجزای باربر جنبی ایجاد شود. در این موارد، با تغییر در سیستم باربر جانبی در ایجاد پیوستگی ممکن است بتوان از نامنظمی ساختمان کاست. البته این راهکار در بعضی ساختمان‌ها (= بناهای تاریخی) ممکن است امکان‌پذیر نباشد.

اصلاح و یا کاهش بی‌نظمی در ساختمان‌هایی را که طبقه نرم یا ضعیف دارند می‌توان با اضافه‌کردن مهاربندی در این طبقات برای متناسب نمودن سختی جنبی طبقات ذکر شده یا سایر طبقات تأمین نمود. در مورد نامنظمی‌های پیچشی نیز اضافه نمودن اجزای باربر جنبی به منظور کاهش فاصله مرکز جرم و مرکز سختی می‌تواند مؤثر در کاهش این نامنظمی، اعم از روش‌های مکانیکی، صنعتی و یا ساختمانی باشد.

۳ ـ تأمین سختی جانبی لازم برای کل سازه: هرگاه بر اثر ارزش‌یابی لرزه‌ای مشخص شود که ساختمان برای سطح عملکرد مورد نظر، سختی لازم را ندارد اضافه نمودن مهار بندها یا دیوارهای برشی ممکن است روش مؤثر برای رفع این نقص محسوب گردد.

٤ ـ تأمین مقاومت لازم برای کل سازه: در مواردی که اکثر اجزای سازه معیارهای پذیرش مربوط به سطح عملکرد مورد انتظار ساختمان را جوابگو نیستند، لازم است برای کل ساختمان، سیستم باربر جنبی با ظرفیت کافی ایجاد نمود.

۵ ـ کاهش جرم ساختمان: هنگامی که پس از ارزش‌یابی لرزه‌ای مشخص شود که ساختمان سختی جنبی کافی و یا اکثر اجزا، مقاومت کافی برای سطح عملکرد انتخابی ندارند، استفاده از روش کاهش چرم به عنوان یک روش مؤثر به کار گرفته شود.

۶ ـ به کارگیری سیستم‌های جداساز لرزه‌ای: هرگاه نتیجه‌ی ارزش‌یابی لرزه‌ای مبین عدم کفایت سختی و مقاومت برای سطح عملکرد انتخابی باشد و یا محافظت از تجهیزات مهم و اجزای غیرسازه‌ای ساختمان مدنظر باشد، استفاده از سیستم جداساز لرزه‌ای به‌عنوان راهکار بهسازی مناسب خواهد بود.

۷ ـ به کارگیری سیستم‌های غیرفعال اتلاف انرژی: در مواردی که ارزیابی لرزه‌ای ساختمان بیانگر ناکافی بودن سختی جنبی ساختمان برای سطح عملکرد انتخابی باشد، با تعبیه اجزای جاذب انرژی در سازه می‌توان تغییر شکل‌های ساختمان را محدود ساخت.

پس از دسته‌بندی مساجد از نظر قدمت بنا به سال‌های قبل از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب می‌توان آن‌ها را به دوگروه قبل از اعمال ۲۸۰۰ یعنی قبل از سال ۱۳۷۲ ش و پس از آن نیز دسته‌بندی نمود. قطعاً ساختمان‌های مساجد ساخته شده قبل از انقلاب فاقد هرگونه مراعات آیین‌نامهٔ ۲۸۰۰ و مقاوم‌سازی ساختمان در برابر زلزله است که باید برای آنها مطابق مباحث بیان شده دسته‌بندی نمود. و برای هر یک، یکی از راهکارهای معین شده پس از کارشناسی اعمال گردد.

اما در آن دسته از ساختمان‌های مساجد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۸ ش به بعد ساخته شده‌اند باید نظریه و روش‌های مقاوم‌سازی ساختمان مطابق با استانداردها و آیین‌نامه ۲۸۰۰ اعمال گردد.

در نهایت ساختمان‌های ساخته شده پس از تصویب و ابلاغ آیین‌نامه مقاوم‌سازی از نظر جوش و اتصالات و همچنین مصالح مصرفی به لحاظ کیفیت نیاز به کنترل مضاعف دارد تا در صورت لزوم تمهیدات گفته شده در اوان مقاله به منصه ظهور درآید.

اینک به جزییات اجرایی می‌پردازیم: منبع ۶

دوغاب ماسه سیمان برای دیوارهای آجری

در صورتی که دیوارهای آجری فاقد اندود داخلی یا اندود خارجی باشند، به منظور ارتقای مقاومت جنبی دیوار می‌توان پس از سند بلاست نمودن سطوح دیوار با استفاده از دوغاب سیمان و ذرات ریزدانه سیریس با روش شات کریت تمام بندهای برشی دیوار را تقویت نموده و مقاومت جنبی دیوارها که عموماً باربر بوده و وزن سقف یا طبقات را تحمل می‌نمایند افزایش داد. زیرا این کار براساس آزمایش‌های انجام شده در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در سال ۱۳۶۴ ش تا ۲۵ درصد می‌تواند مقاومت جنبی دیوار را افزایش دهد که در بهینه‌سازی لرزه‌ای مفید می‌باشد. ضمناً در صورتی که قبل از اندود ماسه سیمان روی دیوار از شبکه‌های مش پیش ساخته با چشمه ۵ سانتی متری استفاده شود ایستایی و مقاومت برشی دیوار نیز افزایش می‌یابد و در تقویت پیوندهای آجری دیوار مؤثر است.

روش بسته‌بندی از خارج بنا (= کلاف‌بندی سیستم)

در صورتی که ساختمان مساجد از نظر دسترس به محیط خارجی ساختمان شایان دسترس باشند، طرح تقویت به یکی از دو روش رایج فلزی یا بتونی قطعی شده باشد، می‌توان از جداره‌های خارجی ساختمان بنا بر موقعیت بی‌آنکه تخریبی صورت گیرد یا کالبد شکافی در دیوارها انجام شود درخصوص تعبیه ستون‌های متکی بر فونداسیون‌های نواری در پیرامون محیط خارجی ساختمان مسجد متکی گذشته و چون اغلب یک طبقه با ارتفاع زیاد هستند. به صورت قاب، تا روی بام، ستون‌ها را ادامه داد و از روی سقف نیز طرح تقویت پوترها یا پل‌های حمال و اصلی را به صورت مضاعف انجام داد.

بدیهی است که مکان‌یابی ستون‌های سیستم کلاف ساختمان یا Cover از خارج فضا خود می‌تواند مبنایی برای نماسازی به صورت طاق و قوس کاذب یا حقیقی، به صورت پوسته‌نما یا گوشته سازه‌ای به عنوان کمربند محیطی علاوه بر تقویت سازه‌ای فرم‌های معماری با پوشش نماهای آجری یا کاشی کاری و ترکیبی به اتمام کار نائل گردد.

روش بسته‌بندی از داخل بنا (= کلاف‌بندی سیستم)

در صورتی که امکان دسترسی به بنا فقط از داخل میسر باشد می‌توان این مساجد را به دو گروه تقسیم نمود:

گروه اول: بناهایی که فاقد کاشی‌کاری‌های نفیس یا اثر هنری و معماری در داخل بنا باشند. در این روش هم اقدامات انجام شده خارجی بنا ممکن است از داخل بنا انجام گردد؛ اما این بار باید قسمت‌هایی از جرز و دیوار اصلی در مسیر ستون‌ها از کف تا سقف برش خورده و محلی برای تعبیهٔ ستون بتونی یا فلزی در میانه دیوار با صورت شکاف خارج شود اما در ادامه باید ستون‌ها به بالای سقف هدایت گشته و از روی سقف اصلی درخصوص تعبیهٔ تیرهای حمال و کلافدر میان ستون‌های جدید اقدام شود تا کاملاً قفل و بست شده و یک پارچه گردد.

گروه دوم: در صورتی که بنا از کاشی‌کاری‌های نفیس یا گچبری‌های هنری و غیره پوشیده شده باشد حتی‌المقدور لازم است در مکان‌های ضروری برای تعبیه ستون‌های سازه‌ای حتماً مدل‌سازی و الگوبرداری از گچ‌بری‌ها و کاشی‌کاری‌ها انجام شود و هرگونه اقدام هنری برای ترمیم، مرمت و تکمیل نازک‌کاری بنا با تمهیدات ویژه به عمل آمده و سپس دربارهٔ اجرای دیتیل قبلی اقدام گردد. (= تعبیهٔ ستون در داخل جرزهای آجری). نکتهٔ حائز اهمیت محاسبات دقیق جرم و حجم سازه برای طرح مقاطع سازه‌ای اعم از بتونی یا فلزی است، که همواره باید مدنظر بوده و جزئیات اجرایی آن دقیقاً مراعات گردد، به ویژه ابعاد جوش، طول جوش و کنترل جوش با روش تست غیرمخرب (= ری‌ایکس) و در صورتی که از سازه بتونی استفاده می‌شود مراعات اختلاط بتون و طرح اختلاط و درصد آب به سیمان و نیز اصول آرماتوربندی در مقاطع و اتصالات دقیقا مبتنی بر اصول فنی استوار باشد.

روش مهاربندی با F.R.P

این روش برای بناهای با ارزش و حاوی معماری نفیس و آثار هنری بدیع پیشنهاد می‌شود که تقریباً از همه روش‌های قبلی در حفظ آثار هنرمندانه مساجد بیشتر تأکید می‌شود. در این روش از طناب‌های F.R.P می‌توان در نقاط ضعف سازه و مسیرهای از پیش تعیین شده، با ایجاد شیارهای ظریف و برمبنای هندسه معین که طرح معماری را چندان متأثر نسازد، استفاده نمود و پس از ایجاد شیارهای لازم با قطر و عمق مناسب در زمینهٔ شستشوی داخل شیار و عاری کردن آن از هرگونه گرد و غبار، از چسب مخصوص و نصب طناب‌های F.R.P استفاده نمود که سیستم، کلاف نمودن عمودی و افقی ساختمان مساجد را می‌تواند با ظرافت و دقت به عهده بگیرد. و در شرایطی که نما سازی‌های هنرمندانه به وفور نباشد، می‌توان از لایه‌های عریض اما ظریف و در چند میلیمتر ضخامت به صورت کاور، روی بدنه‌ها ـ ستون‌ها ـ دیوارها و حتی زیر سقف‌ها نیز استفاده نمود. همچنین در استفاده از F.R.P پیرامون قاب پنجره‌ها، درها و نعل درگاه‌ها به صورت پیوسته و اساساً در امتداد روی تمام پنجره‌ها و درها به صورت سرتاسری علاوه بر زیر سقف و به موازات آن اقدام نمود.

مهاربندی پای دیوارهای و فونداسیون

برای تقویت و یک‌پارچه‌سازی کف‌ها و دیوارها عموماً می‌توان از شناژ بتونی از داخل و خارج فضا و برحسب ضرورت و نیاز در دو طرف دیوارها به صورت کلاف مضاعف، محیط و دیوار پیرامونی مسجد را شناژبندی نمود (آرماتوربندی + بتون ریزی) و الحاقات لازم در ستون‌های میانی یا دیوارهای میانی برای اجرای اتصالات بیشتر و ایجاد کلافی محکم‌تر بهره گرفت.

ایجاد دیافراگم صلب سقف

اجرای سیستم بادبندی و سقف‌های طاق ضربی با نیم رخ‌های فولادی نمایان می‌تواند از داخل شبستان مساجد صورت گیرد. اما با توجه با اینکه یک عامل نمایان و تأثیرگذار در فضای داخلی

و معماری مساجد است، باید حتماً مقاومت سازه‌ای آن پس از طرح و محاسبه مهندسان محترم سازه با نظر مهندسان معماری فرم بندی و از نیم رخ‌ها و پروفیل‌های طراحی شده و در ترکیب‌بندی و کمپوزسیونی زیبا از زیر سقف به اجرا درآید تا بادبندی سقف در جهت ایجاد یک دیافراگم صلب که نقش اساسی در توزیع نیروی وارده شده بر سقف و سپس به دیوارها، جرزها و ستون‌ها دارد به صورت یک‌پارچه مورد توزیع تنش واقع شود. در صورتی که امکان اجرای بادبندی با طرح یا فرم خاص معمارانه وجود نداشته باشد یا دیدگاه‌های مهندسان معمار و محاسب را تأمین ننماید می‌توان از هر نوع نیم‌رخ مناسب استفاده نموده و در انتها با طرحی همگون درخصوص اجرای سقف کاذب، متناسب با فضای شبستان اقدام نمود.

تمهیدات گوشه‌های قائمه ساختمان مساجد

همواره گوشه‌های قائمه بر اثر فشار صفحات برشی متعامد، می‌تواند منجر به برش عمیق و شکست دیوار گردد. در صورتی که معماری داخلی فضای شبستان چندان متأثر نمی‌گردد می‌توان با ایجاد لچکی و اجرای پخ درکنج‌های قائمه و مسلح ساختن دیوار قدیم در محل تقاطع ۹۰ درجه با اجرای دیوار پخ و الحاق آن دو با آرماتورگذاری و یا نصب تیرآهن درخصوص تحکیم کنج‌های ۹۰ درجه و تبدیل آن به دوکنج ۴۵ درجه اقدام نمود و در صورتی که این عمل از خارج بنا عملی باشد، دربارهٔ دوخت و دوز سیستم کلاف در محل ۹۰ درجه با مسلح نمودن توسط آرماتور یا نبشی تقویتی و اجرای اتصال به تداوم دیوار در راستای متعامد اقدام نمود.

منابع

۱ ـ دفتر تدوین استانداردها و معیارها، دستورالعمل بهسازی لرزه‌ای ساختمان‌های موجود، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۱ .

۲ ـ ناطقی الهی؛ فریبرز، مهرتاش، طراحی و اجرای ساختمان‌های بنایی مقاوم در برابر زمین لرزه، تهران، انتشارات نوپردازان .

۳ ـ معتمدی، مهرتاش و همکاران، خسارات وارده بر ساختمان‌های خشتی و مصالح بنایی در زمین لرزه، اول تیرماه چنگوره، پژوهشکده زلزله‌شناسی.

۴ ـ نشریهٔ پژوهشکدهٔ زلزله و زلزله‌شناسی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۸۲ .

۵ ـ نشریهٔ پژوهشکدهٔ زلزله و زلزله‌شناسی، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پائیز و زمستان ۸۲ .

۶ ـ مجموعه سخنرانی‌های سمینار آموزشی اثرات زلزله در ساختمان‌های متعارف، شماره ۶۷، تیرماه ۶۵، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

احیای مساجد

▣ دکتر محمدنقی نمک‌فروش

▣ چکیده

مسجد مرکز پرستش خالصانه‌ی خداوند و خالق هستی، محفل انس و جایگاه حضور جوانمردان و غیرتمندان، پایگاه تجمع دلسوزان دین و مذهب، پناهگاه مسلمانان در حوادث و پیشامدهای پیش‌بینی نشده، خانه‌ی آرامش دل‌ها و پناهگاهی است که انسان را از دغدغه و اضطراب نجات می‌بخشد.

با کمال تأسف در زمان ما مسجد یعنی اصلی‌ترین واحد و پایگاه بقای دین و وطن، کم‌تردد شده است و این خطرناک‌ترین وضعی است که ما با آن مواجه هستیم.

یگانه راه رونق مساجد و بالا بردن سطح همبستگی و پیوند شهروندان با مساجد، استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های مارکتینگ اجتماعی Social Marketing است.

مارکتینگ به معنای برقراری شرایط آزاد و عادلانه دادوستد است.

مارکتینگ در جامعه‌ی ما تا امروز شناخته نشده است.

اصلاً مکانیزم جامعه غیر از دادوستد نیست.

مارکتینگ فن و دانشی است که در خدمت برقراری عدل در دادوستد به شمار می‌رود؛ چه، این دادوستد تجاری باشد و چه غیرتجاری.

کار هر روحانی چیزی غیر از دادوستد نیست. روحانی در مقابلش حضار و شنوندگان قرار گرفته‌اند. اگر روحانی بدون توجه به مردم سخن بگوید آنان پراکنده می‌شوند.

اگر مسجد بدون توجه به نیازهای ساکنان اطراف خود عمل کند و برای همه‌ی گروه‌های جامعه خدمتی عرضه نکند به رکورد می‌رسد و این رکورد بسیار خطرناک خواهد بود. قطع رابطه‌ی مردم با مسجد ممکن است خطرناک‌ترین بمب برای جامعه و نظام اسلامی به حساب بیاید.

در زمان ما مساجد رقبای زیرک و بسیاری دارند. همچون: مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و ورزشی، دادگاه‌ها، سالن‌های اجتماعات برای سخنرانی‌های افراد غیرروحانی، سینماها، منازل و غیره.

مسجد برای این که زنده بماند باید با در نظر گرفتن همه‌ی رقبای خود، به شهروندان اطراف مسجد خدمت عرضه کند.

در مسجد نیز باید عدل در دادوستد را مراعات کرد. مسجد باید برنامه‌ای برای نوزادان تا سن قبل از مدرسه، اطفال دختر و پسر، نوجوانان دختر و پسر برای افراد سی تا پنجاه سال، افراد ۵۵ سال به بالا خدماتی عرضه کند. طبق این اصل مسجد متعلق به همه‌ی شهروندان یا همسایگان خود است نه صرفاً برای یک گروه محدود نمازگزار.

مساجد ما باید از تکنیک سوشال مارکتینگ استفاده و نیازها را شناسایی کنند و خدمات را براساس این تکنیک تدوین و عرضه نمایند. هر مهد کودک باید برای نگهداری کودکان تا پنج سال، برنامه‌های آموزشی، ورزشی و تفریحی، برای جوانان برنامه‌های ورزشی ـ آموزشی داشته باشد و حرفه‌های کاری و اداری را به آنها آموزش دهد و کلاس‌های راهنمایی و مشاوره برگزار نماید.

مسجد باید برای میان‌سالان برنامه‌هایی از قبیل برگزاری کنفرانس‌های خانوادگی ـ اجتماعی، ورزش‌های سالم آموزش مسائل بهداشتی و چگونگی مبارزه با بیماری‌های گوناگون داشته باشد و مسجد باید برای افراد بی‌خانمان و حتی معتادان برنامه داشته باشد.

مسجد باید فعال‌ترین رکن اجتماعی فرهنگی و عبادی جامعه باشد.

مساجد باید به صورت یک سازمان یا اداره، تحت مدیریت قرار بگیرند. آشنایی با فن و دانش سوشال مارکتینگ باشد.

امروز معضل کم‌تردد بودن، کم رواج بودن مساجد به حدی جدی، مهم و خطرناک است که روحانی مسئول مسجد باید نقش یاران پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جمله «ابن‌عمیر» در صدر اسلام را اجرا نماید. یعنی خانه به خانه برود و با اهل خانه‌ها و همسایگان مسجد تحت مدیریت خود صحبت کند.

مقدمه

﴿انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر﴾.[1]

«جز این نیست که عمارت می‌کند مسجدهای خدا را کسی که ایمان آورده به خدا و روز قیامت».

در این مقاله در بارهٔ مسجد و نقش آن در جامعه بحث و سپس موضوع بررسی شده است. «Spcial Marketing» احیای مساجد از دیدگاه علوم و فنون.

مسجد

واژه مسجد[2] یادآور سجده کردن و زیباترین شکل و شیوه‌ی عبادت است. بنابراین مسجد مرکز پرستش خالصانه‌ی خداوند بزرگ و خالق هستی به حساب می‌آید.

---

۱ . توبه / ۱۸ .

۲ . مکانِ سجده کردن، مکانِ برای خدا به خاک افتادن.

ـ مسجد محفل انس و جایگاه حضور جوانمردان و غیرتمندان مرد و زن جامعه اسلامی است.

ـ مسجد پایگاه تجمع دلسوزان دین و مذهب است.

مسلمانان در مسجد پیوستگی و همبستگی خود را نمایش می‌دهند، آنان در مسجد به رایزنی و مشاوره در بارهٔ مسائل مهم اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. روح همبستگی و تعاون اجتماعی در مسجد پدید می‌آید و استوار می‌گردد تا از عدالت و دیگر ارزش‌های اسلامی پاسداری کند. در بحران‌های نظامی، این مسجد است که به پایگاه تجمع وتشکل سربازان موحد دوست تبدیل می‌گردد.

ـ مسجد پناهگاه مسلمانان در حوادث و پیشامدهای پیش‌بینی نشده است. مسجد چون خانه‌ی خداست، خانه آرامش دل‌ها نیز هست. مسجد پناهگاهی است که انسان را از دغدغه و اضطراب نجات می‌بخشد و به وی اطمینان و آسودگی خاطر می‌دهد.

امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش فرمودند:

«به هنگام رویارویی با مشکلات و بروز غم و اندوه‌های دنیوی وضو بگیرند وبه مسجد وارد شوند و در آنجا دو رکعت نماز بگذارند وبرای برطرف شدن مشکلات و سختی ها دعا کنند».[۱]

امام خمینی قدس سره می فرماید:

«اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم وحرمت انبیاء نیست پس مامن و پناهگاه آنان در کجاست؟».[۲]

باکمال تأسف در زمان ما مسجد این اصلی‌ترین واحد و پایگاه بقای دین و وطن، کم‌تردد شده و ارزش مسجد در بین شهروندان کم‌گردیده است. و این خطرناک‌ترین وضعی است که ما با آن مواجه هستیم ولی هنوز به فکر نیفتاده‌ایم و راه حل اساسی را جست‌وجو نکرده‌ایم.

---

۱ . محمد بن حسن عاملی، وسائل الشیعه: ص ۲۶۳ .

۲ . روح الله موسوی خمینی، صحیفه‌ی نور: ج ۲۰ ، ص ۱۱۲ .

نویسنده معتقد است که اصل بقای حکومت اسلامی (یعنی نظام حاکم) و مؤثرترین راه ناامید کردن دشمنان اسلام و ایران (اِمریکای غاصب و اسرائیل جنایت کار) رونق دادن به مساجد و پیوند دادن جامعه با مساجد است.

اگر ما بتوانیم مساجد را پر رونق و پیوند شهروندان را با مساجد جدی، عمیق و مستحکم کنیم همبستگی‌ها، مشارکت‌ها و همدلی‌ها بیشتر می‌شود. مشکلات خانوادگی و اجتماعی کاهش می‌یابد. تعاون و تعادل زیادتر می‌گردد. مقابله بادشمن بسیار و مقابله با تهاجم فرهنگی سهل‌تر و موفق‌تر می‌شود. جایگاه رهبری نظام بسیار قوی می‌گردد و نظام حاکم، اسلامی‌تر و مردمی‌تر می‌شود و مزایای بسیار دیگری که قابل تصور نیست به دست خواهد آمد. مسجد باید قطب اصلی مملکت و مردم بشود.

یگانه راه رونق مساجد و بالا بردن سطح همبستگی و پیوند شهروندان با مساجد، استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های مارکتینگ اجتماعی Spcial Marketing است.

برای کسب رضای خدا و شادی دل رسول اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و نیز علی و آل علی علیهم السلام بیاییم در باره‌ی این مسئله و اره حل آن تعمق و تدبیر کنیم. این علم را یاد بگیریم و یاد بدهیم. و ای دست اندرکاران دلسوز و مسؤولان محترم، بدانید که راه حل همین است.

... را تعریف کنیم Marketing قبل از هر چیز بهتر است از Spcial Marketing مسجد از نگاه مارکتینگ به معنای ایجاد شرایط آزاد و عادلانه دادوستد تعریف کنیم. این تعریف بسیار کلی است.

مارکتینگ را در جامعه‌ی ما هنوز نشناخته‌اند. به همین علت عده‌ای آن را به معنای فروش یا ابزار فروش می‌گیرند، حال آنکه مارکتینگ اساسی‌ترین علم و مهم‌ترین فن در هر دادوستد است. علل اصلی پیشرفت اقتصادی اِمریکا همین مارکتینگ است.

هر بعدی از جامعه را نگاه کنیم در آن یک نوع دادوستدی صورت انجام می‌گیرد. به شکل زیر توجه کنید.

شکل

اصلاً مکانیزم جامعه غیر از دادوستد نیست. علم مارکتینگ پاسخی به سوره‌ی مبارکه‌ی المطففین است.

﴿ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون﴾.

مارکتینگ فن و دانشی است که در خدمت برقراری عدل در دادوستد به‌شمار می‌رود چه این دادوستد تجاری باشد و چه غیر تجاری.

این رشته‌ی مدیریت که سبب اصلی پیشرفت اقتصادی و پیشرفت فرهنگی و علمی جوامع پیشرفته خصوصاً اِمریکا شده است، باید در همه رشته‌های تحصیلی خصوصاً حوزه‌های علمیه تعلیم داده شود؛ زیراکار هر روحانی چیزی غیر از دادوستد نیست. روحانی در مقابلش حضار و شنوندگان قرارگرفته‌اند، اگر روحانی بدون توجه به مردم سخن بگوید آنان پراکنده می‌شوند واین روحانی نیز محبوبیتی نخواهد داشت. حوزه باید دانش و فن سوشال مارکتینگ را به طلبه‌ها آموزش دهد و در این زمینه همایش‌هایی نیز برگزارکند.

به هرحال از نگاه سوشال مارکتینگ مسجد و ساکنان اطراف آن در یک معادله قرار گرفته‌اند.

شکل

اگر مسجد بدون توجه به نیازهای ساکنان اطراف خود عمل کند و برای همه طبقات جامعه خدمتی تخصیص ندهد، به رکود می‌رسد واین رکود بسیار خطرناک خواهد بود. قطع رابطه مردم با مسجد خطرناکترین بمب برای جامعه و نظام اسلامی به حساب خواهد آمد.

مسجد یا مساجد ما باید در قیاس با مساجد چهارده قرن پیش، فعال‌تر و پر رونق‌تر باشند. چون مساجد و جامعه‌ی امروز ما با مساجد و جامعه‌ی زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرقی بسیار دارند.

مسجد در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصلی ترین محل اجتماع مردم بود ولی رقیبی نداشت. اما در زمان ما مساجد رقبای زیرک و فراوانی دارند.

بنابر پیش‌گفته زمان حضرت رسول اکرم ﷺ مسجد علاوه بر اینکه محل عبادت بود، مدرسه نیز بود. محل تدریس مبانی دین و اخلاق، محل اجتماع مردم برای امور شهری و اجتماعی و دفاعی و مرکز حل و فصل مشکلات مردم نیز به حساب می‌آمد. حتی دادگاه و صدور رأی و اجرای حکم دادگاه در مسجد بود. با این همه مساجد زمان پیامبر ﷺ رقیبی نداشتند. اما امروز مساجد ما رقبای فراوانی دارند از قبیل مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی، مراکز ورزشی، دادگاه‌ها، سالن‌های اجتماعات برای سخنرانی‌های افراد غیرروحانی، سینماها، منازل و غیره.

مسجد برای اینکه زنده بماند و کار اصلی خود را انجام دهد و با شهروندان هم‌بستگی برقرار سازد و رونق داشته باشد باید با در نظرگرفتن همه‌ی رقبای خود، به شهروندان اطراف مسجد خدمت عرضه کند. درست مثل بازار یا میدان جنگ باید دید که رقیب چطور مردم را ترغیب می‌کند، مسجد هم با عرضهٔ خدمات و اقداماتی بر ضدّ رقیب، خدماتی عرضه کند که عدل در دادوستد اجرا گردد.

برای شروع، مدیران و دست اندرکاران مساجد باید از خود بپرسند ما چه خدماتی عرضه می‌کنیم؟ چرا یک فرد باید به مسجد بیاید؟ در این دادوستد که شهروند وقت خود را صرف می‌کند و به مسجد می‌رود چه چیزی به دست می‌آورد؟

مدیر یا روحانی مسجد باید از خود بپرسد آیا ما برای همه طبقات جامعه خدمات مناسب و کافی عرضه می‌کنیم یا چیز؟ اگر جواب به سؤالات بالا مبهم یا منفی است، پس به اصل سوره‌ی مطففین عمل نکرده‌ایم. چون بدون در نظرگرفتن نیاز شهروندان اطراف مسجد، یک مسجد را اداره می‌کنیم و به همین علت است که مسجدهایمان کسادتر شده رفت و آمد کمتری در آنها صورت می‌گیرد.

متأسفانه مساجد ما به نقطه‌ای رسیده‌اند که آرزوی دشمنان اسلام بوده است. یعنی قطع رابطه‌ی مردم با روحانیت و مراکز دینی و این خطرناک‌ترین لحظات برای جامعه‌ی ماست. بنابراین باید برای رونق بخشیدن به مساجد از همین امروز دست به کار شویم، نیروها را بسیج کنیم و از فنون مارکتینگ بهره بگیریم و مساجد را مردم محوری کنیم.

به هرحال، در مسجد نیز باید عدل در دادوستد را رعایت کرد براساس نگاه سوشال مارکتینگ مسجد باید برای همه‌ی طبقات جامعه خدماتی عرضه کند. مسجد باید برنامه‌ای برای نوزادان ما تا سن قبل از مدرسه داشته باشد. مسجد باید برای اطفال دختر و پسر برنامه داشته باشد. مسجد باید برای نوجوانان دختر و پسر که در سن بلوغ هستند، جداگانه برنامه داشته باشد. مسجد باید برای افراد سی تا پنجاه سال خدماتی عرضه کند. علاوه براین، مسجد باید برای افراد ۵۵ سال به بالا هم خدماتی در نظر بگیرد.

طبق این اصل مسجد متعلق به همه شهروندان یا همسایگان خود است، نه صرفاً برای یک گروه کوچک نمازگزار که آن هم هر روز از شمارشان کاسته می‌گردد مسجد در عین حالی که همواره باید عبادتگاه باشد و مکان مقدسی برای پرستش و عبادت به حساب بیاید باید بتواند با رقبای کنونی خود از نظر عرضه‌ی خدمات رقابت کند.

مسجد علاوه بر اینکه مکانی برای برگزاری مراسم دینی و مذهبی و حفظ شعائر اسلامی به حساب می‌آید باید درکنار این مراسم نیازمندی‌های جامعه را در نظر بگیرد و آنها را شناسایی کند و متناسب با آنها خدمات کافی و لازم عرضه کند و از این طریق افراد را به طرف دین اسلام جذب کرده و رابطه‌ی آنها را با خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولی اعظم خدا، یعنی علی علیه السلام و اولاد معصومینش عمیق‌تر و مستحکم‌تر نماید.

مساجد ما باید از تکنیک سوشال مارکتینگ استفاده کنند، نیازها را شناسایی و خدمات را براساس این تکنیک تدوین و عرضه نمایند. برای مثال درکنار محل عبادت باید یک مهد کودک (Day Care Center) برای نگهداری کودکان تا پنج سال هم تعبیه شود. البته در برابر چنین خدمتی نیز پول دریافت می‌کنند؛ چون در جامعه‌ی کنونی ما پدرها و مادرها هر دو شاغلند و مساجد ما می‌توانند از این فرصت به شایستگی استفاده کنند. به این‌گونه که هم مشکل خانواده‌های شاغل را حل کنند و هم بخشی از هزینه‌های مسجد را از این طریق جبران یا تأمین نمایند. علاوه براین، ضمن نگهداری بچه‌ها، آنها را از ابتدای رشد با صدای روح نواز قرآن و اذان و آوای شیرین نیایش آشنا نمایند و احکام و مسائل مذهبی بهداشتی و غیره را تعلیم دهند.

مساجد باید در کنار عبادت برای گروه دختران و پسران پنج تا ده سال برنامه‌های آموزشی ورزشی و تفریحی عرضه کنند و همزمان آنان را برای نماز و عبادت به مسجد هدایت کنند؛ احکام متنوع را به ایشان آموزش و سطح دانش و معرفت دینی آنان را افزایش دهند.

اگر ما بتوانیم پای نوجوانان و جوانان را به مسجد بازکنیم و آنان را به مساجد هدایت کنیم یا آنان به لحاظ حساب بردن از خداوند و یا به علت حیا نمودن از برادران و خواهران دینی خود از بسیاری گناهان چشم‌پوشی می‌کنند و معاصی را ترک خواهند نمود.

یا امام زمان «عج» نمی‌دانم مسؤول این کار در این کشور شیعه‌نشین که تعلق به شما دارد چه کسی است؟ چه کسی بایدبه من ودیگران کمک کند تا مساجد را، که امروز از قبرستان‌های کشور هم کم‌تحرک‌تر شده، به پر تحرک‌ترین سازمان‌های جامعه تبدیل نماییم.

یا امام زمان «عج»، ما را کمک‌فرما تا بیماری قلبی این جامعه را شناسایی نموده و پس از درمان آن را سالم و فعال نگه داریم.

مسجد در ضمن عبادتگاه بودن باید برای نوجوانان خدمات ورزشی تفریحی (بازی‌های رایانه‌ای سالم) آموزشی (تقویت دروس)، زبان خارجی (انگلیسی، عربی) آموزش دهد دهد وهمزمان آنها را به عبادتگاه (مسجد و سالن اصلی نماز) برای نماز و یادگرفتن احکام دینی هدایت کند.

مسجد باید برای جوانان برنامه‌های ورزشی ـ آموزشی داشته باشد و حرفه‌های کاری و اداری را به آنان آموزش دهد وکلاس‌های راهنمایی و مشاوره برگزار نماید و همزمان ایشان را به اقامه‌ی نماز و فراگیری احکام و ادای فرایض دعوت نماید.

مسجد باید برای میان‌سالان جامعه که ازدواج کرده‌اند و صاحب زندگی هستند برنامه‌هایی از قبیل برگزاری کنفرانس‌های خانوادگی ـ اجتماعی، ورزش‌های سالم، آموزش مسائل بهداشتی و چگونگی مبارزه با بیماری‌های گوناگون داشته باشد و همزمان با این برنامه‌ها ملت را برای عبادت و نماز به مسجد بیاورد و آنان را با احکام و سایر مسائل آشنا کند.

مسجد باید برای افراد مسن جامعه نیز برنامه ویژه و متناسب داشته باشد.

مسجد باید برای افراد بی‌خانمان و حتی معتادان برنامه داشته باشد.

مسجد باید فعال‌ترین رکن اجتماعی، فرهنگی و عبادی جامعه باشد.

مسجد لازم است سازمانی پدید آورد به نام «وزارت» یا «سازمان اجتماعی، فرهنگی و عبادی» یا وزارت یا سازمان همبستگی پیوند شهروندان، این سازمان یا وزارتخانه در هر استانی باید شعبه داشته باشد و کار مساجد را کنترل کند.

مساجد باید به‌صورت سازمان یا اداره، تحت مدیریت قرار بگیرند.

هر مسجدی باید یک مدیر اصلی داشته باشد که روحانی مسجد است. او باید فردی بسیار خوشرو، فعال، دانا و آشنای با فن و دانش سوشال مارکتینگ باشد؛ زیرا همین مدیر است که باید:

رئیس امور اطفال تا پنج سالگی و پنج تا ده ساله؛

رئیس امور نوجوانان؛ رئیس امور جوانان؛

رئیس امور خانواده؛ رئیس امور افراد مسن و افراد و دیگران.

نیاز نیست که برای همهٔ مساجد چنین مراکزی پدید آید. می‌توان فقط برای تعدادی از مساجد هر شهر چنین مراکز فرهنگی، اجتماعی و عبادی برپا کرد. این مراکز باید براساس شمار یا تراکم جمعیت و نیازهای مردم احداث شوند. مسلم است که برای نیل به چنین هدفی نیازمند تحقیق، تحلیل و تصمیم‌گیری هستیم.

ادارات استانی باید این مراکز را تحت‌کنترل بگیرند و مدیران نالایق و ناکار آمد را عوض کنند.

امروزه معضل کم‌تردد بودن، کم رواج بودن مساجد به بحدی جدی، مهم وخطرناک است که روحانی مسؤول مسجد محل ارائه می‌دهد آگاه سازد و آنان را جهت آمدن به مسجد و برقراری ارتباط بیشتر و بهتر با مسجد و مردم مسلمان تشویق کند. از این طریق است که همدلی و همبستگی افراد جامعه و خانواده‌ها عمیق‌تر خواهد شد.

امیر المؤمنین علی علیه‌السلام در سخنی جامع و جاودانه، جایگاه مسجد اصیل را به لحاظ فرهنگی، این‌گونه ترسیم می‌فرمایند:

«کسی که به مسجد رفت و آمد کند (دست کم) یکی از این امور نصیب او خواهد شد:

برادری که از او در راه خدا استفاده می‌کند؛

دانشی نو، آیه‌ای محکم و سخنی که مایه هدایت و راهیابی او باشد؛

رحمت الهی که آن را انتظار می‌کشد؛

سخنی که او را از گمراهی باز دارد».[1]

به امید روزی که ان شاء الله گفتار حضرت علی علیه السلام تحقق یابد و مساجد ما پر رونق گردند.

در خاتمه باید تأکید کنم برای رسیدن به مقاصد یاد شده از سوشال مارکتینگ کمک بگیریم و مساجدمان را فعال کنیم.

---

۱ . محمد بن حسن عاملی، وسائل الشیعه: ج ۲ ، ص ۴۸۰ ، روایت ۱ .

مدیریت و ساماندهی مساجد

▣ ناصر شکریان

▣ چکیده

همه ادیان و اقوام و ملل معبد و عبادتگاهی دارند که از تقدس و احترام خاص در بین آنان برخوردار است. از نظر قرآن و روایات، نخستین معبدی که در روی زمین برای مردم بنا شده. خانه‌ی خدا، کعبه معظمه است. ﴿اِنّ اوّل بَیتٍ وُضِعَ للنّاسِ للذی بِبَکةَ مبارکاً و هدیً لِلْعالمین﴾.[1]

و در فرهنگ اسلامی مسجد به عنوان معبد و جایگاه ویژه‌ی عبادت و خانه‌های خدا در روی زمین معرفی شده و خدمتگزاری مساجد برعهده اولیای خدا و بندگان صالح و شایسته قرار داده شده است.

با توجه به اینکه کارکردهای مسجد در بُعد معنوی و عبادی خلاصه نمی‌شود؛ بل از صدر اسلام کارکردهای گوناگون آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی داشته است، لذا در طول تاریخ کفار و مشرکان و مستکبران و همه‌ی کسانی که منافع آنها با معابد دینی سازگاری نداشت به مخالفت و مبارزه با مراکز دینی، از جمله مساجد بر آمدند که در قرآن به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است.

---

۱ . آل‌عمران / ۹۶ .

خدمات مساجد سراسر کشور برانقلاب و انقلابیون، چه در آستانه‌ی انقلاب، چه بعد از پیروزی انقلاب و چه در هشت سال دفاع مقدس و چه دوران سازندگی بر کسی پوشیده نیست. اما آیا نظام اسلامی و انقلابیون دین خود را به مساجد ادا کرده اند؟ بسی جای تأمل دارد. ضرورت ساماندهی و مدیریت بر ۵۷،۰۰۰ مساجد و طیف وسیع ائمه‌ی جماعت و متولیان امور مساجد بر همه دلسوزان نظام امری روشن و واضح است.

پیش‌گفتار

در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است، مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوجِ عبادت وبندگی انسان است؛

«**السجود منتهی العباده من بنی‌آدم**».[۱]

اگرچه براساس فرمایش نبی مکرم اسلام همه گسترهٔ زمین، مسجد است.

«**جعلت لی الارض مسجدا**».[۲]

ولی در میان همه‌ی ادیان و اقوام و ملل مکان‌هایی تعبیه شده‌که از تقدس و اهمیتی ویژه برخوردار و محل عبادت آنهاست. این معابد در ادیان توحیدی به عنوان صوامع و بیع و صلوات و مساجد از آنها یاد شده است.

﴿**و لولا دفع الله الناس بعضهم لبعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد**﴾.[۳]

---

۱ . بحارالانوار: ج ۱۲ ، ص ۱۶۴ .
۲ . وسائل الشیعه: ج ۳ ، ص ۴۲۳ .
۳ . حج / ۴۰ .

«اگر خداوند ظلم و تجاوز بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجد ویران می‌گردد».

در فرهنگ اسلام برترین و اصیل‌ترین محفل برای عبادت و تقرب‌جویی به خداوند متعال مساجد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«**افضل البقاع المساجد**».[۱]

خداوند متعال هم در قرآن کریم فرمود:

﴿**و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیراً**﴾.[۲]

مسجد جایگاه ذکر و یاد خداوند است و در جای دیگر به عنوان پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک معرفی شده است:

﴿**سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی**﴾.[۳]

«پاک و منزه است آن خدایی که بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داد».

و در جوامع روایی نیز، مسجد محل جلوس انبیا: «**المساجد مجالس الانبیاء**»[۴] و خانه هر انسان مؤمن: «**المسجد بیت کل مؤمن**»[۵] معرفی شده است.

مساجد در طول تاریخ علاوه بر کارکرد عبادی، کارکردهای دیگری هم در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی داشته است.

تعیین جایگاه واقعی مساجد، موجب افزایش کارآیی آن در تقویت و تثبیت و بسط

---

۱ . کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۲.
۲ . حج / ۴۰ .
۳ . اسراء / ۱۰ .
۴ . مستدرک الوسائل: ج ، ص ۶۵۱ .
۵ . کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۰ .

زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی خواهد شد.

در میان ده‌ها کتاب و مقاله و تحقیق، که در موضوعات گوناگون مسجد به رشته تحریر در آمده آن‌چنان که شایسته‌ی مکان و منزلت و جایگاه آن باشد کار بایسته‌ای صورت نپذیرفته است.

از دست اندرکاران گرامیداشت هفته‌ی جهانی مساجد که فرصتی دیگر برای سخن گفتن پیرامون مسجد، این خانه آشنا و غریب فراهم آورده‌اند تقدیر و تشکر می‌گردد. امید است این اقدام خداپسندانه پیامدهایی سازنده در راستای آبادانی و عمران هرچه بیشتر مساجد در ابعاد گوناگون معنوی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در پی داشته باشد.

این نوشتار که با عنوان «مدیریت و ساماندهی مساجد» تحریر یافته تقدیم آن ستاد شده و امید است مشمول آیه‌ی ﴿**انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر**﴾[1] و از خدمتگزاران خانه‌ی خدا محسوب و مقبول درگاه صاحب خانه واقع گردد.

جایگاه مسجد

﴿**اِنَّ اَوَّل بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لِلَذّی بِبَکَّةَ مُبارکاً وَ هُدیً لِلْعالَمین**﴾.[2]

«نخستین خانه‌ای که در روی زمین برای مردم ساخته شد همان خانهٔ خداست که پر برکت و موجب هدایت جهانیان است».

ظاهر اطلاق آیه این است که خانه‌ی خدا نخستین معبد جهانی و پرستشگاه عمومی از زمان آدم ابوالبشر تاکنون بوده و مایه‌ی برکت و هدایت برای همگان قرار داده شده است.

نخستین عمل نبی مکرم اسلامی، بعد از هجرت به مدینه نیز ساخت مسجد بوده و این

---

۱ . توبه / ۱۸ .
۲ . آل‌عمران / ۹۶ .

دلیل بر آن است که در فرهنگ دینی و حکومت اسلامی مسجد جنبه محوری دارد و سایر مسائل باید در حول مسجد شکل بگیرد.

خداوند متعال همهٔ مساجد را به عنوان خانه‌های خویش در روی زمین معرفی فرموده است.

﴿**ان بیوتی فی الارض المساجد**﴾.[۱]

«خانه‌های من در روی زمین مساجد هستند».

﴿**و ان المساجد لله**﴾.[۲]

«مساجد از آن خداست».

از طرف دیگر مساجد را به عنوان محل ملاقات خود قرار داده است.

«**الا طوبی لعبد توضأ فی بیته ثم زارنی فی بیتی**».[۳]

«خوشا به‌حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو بگیرد و مرا در مسجد زیارت کند».

لذا امام حسین علیه‌السلام فرمود:

«**اهل المسجد زوار الله**».[۴]

«اهل مسجد زائران خدا هستند».

از آنجاکه طراح و بیانگذار مساجد خود خداوند است، لذا، تطهیر و تعمیر و خادمی آن را برعهدهٔ انبیا و اولیای خود قرار داده است:

﴿**و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین**

---

۱ . وسائل الشیعه: ج ۱ ، ص ۲۶۸ .
۲ . جن / ۱۸ .
۳ . وسائل الشیعه: ج ۱ ، ص ۲۶۸ .
۴ . آئین مسجد: ج ۱ ، ص ۱۶۵ .

و الركع السجود﴾.[۱]

چون که خانه‌ی خداست خادمان نیز باید از اولیای خدا باشند، لذا یکی از پیامبران اولوالعزم شیخ الانبیا ابراهیم خلیل الرّحمان به همراه فرزندش اسماعیل مأمور این کار مقدس شدند و هدف این مأموریت این بود که خانه‌ی خدا برای مهمانان و حضور بندگان از هر جهت آماده شود و خدمت به خانه خدا و مسجدکاری ابراهیمی و مأموریت الهی به‌شمار آید.

در طول تاریخ، زمانی ابراهیم و اسماعیل و زکریا و پیامبران دیگر خادم مساجد بودند و مادر حضرت مریم نیز قبل از تولد فرزندش، نذر می‌کند که فرزندش خادم مسجد گردد.

﴿اذ قالت أمرأة عمران رَبِّ انی نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی﴾.[۲]

«همسر عمران گفت: پروردگارا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که برای خدمت به خانه‌ی تو آزاد باشد، پس از من قبول فرما».

لذا خدمت به خانه‌ی خدا آنقدر ارزش دارد که اولیای خدا، عزیزان خود را قبل از تولد برای آن کار نذر کنند و از خداوند هم بخواهند آن را قبول فرماید.

در همین راستا خداوند متعال خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مأمور خدمتگزاری به مسجد خود قرار داد.

قال الباقر علیه السلام:

«اوحی الله الی نبیه ان طهر مسجدك».[۳]

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خداوند پیامبرش را وحی کرد تا مسجد النبی را تطهیر کند».

---

۱ . بقره / ۱۲۵ .
۲ . آل‌عمران / ۳۵ .
۳ . وسائل‌الشیعه: ج ۱ ، ص ۴۸۴ .

و در مرحله‌ی بعد خدمتگزاری مساجد را به مؤمنان و بندگان صالح سپرد.

﴿انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوه و اتی الزکوه و لم یخش الاّ الله﴾.[۱]

«مساجد خدا را فقط کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می پردازند و جز از خدا نمی ترسند».

مساجد پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان و خانه‌ی خداست، لذا متولیان آن باید صالح و پاک باشند، یعنی هم درد دین داشته باشند و هم درد محرومان (اتی الزکوه) و هم شجاع باشند (لم یخش الا الله) و از آنجاکه خدمت به مسجد کار ابراهیمی و محمدی ﷺ و بندگان صالح خداست، لذا فرمود مشرکان حق خدمتگزاری به آستان مقدس مساجد را ندارند:

﴿ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله﴾.[۲]

با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام در می‌یابیم که علی‌رغم گذشت چندین قرن از ساخت نخستین مسجد، همچنان شأن و تقدس معنوی مساجد حفظ شده و در طول تاریخ جایگاه خود را از دست نداده است و به عنوان مقدس‌ترین و مهم‌ترین و عظیم‌ترین پایگاه دینی و مهم‌ترین سنگر اسلام محسوب می‌شود و بزرگترین نقش را در تقویت و تثبیت و توسعه‌ی زیر ساخت‌های فرهنگ اسلامی داشته و همواره دژ پولادین و استوار در مقابل هجمه‌های فرهنگی دشمنان اسلامی بوده است. اگر تاکنون از اسلام، اسم و رسمی باقی مانده و اگر از مسلمانی نشانی در دست است، همه و همه از برکات این مراکز نور، نشأت گرفته است.

مساجد به سبب ارزش‌های والایی که داشته و دارد توجه بسیاری از دانشمندان غربی و بیگانه را نیز به خود جلب کرده است.

---

۱ . توبه / ۱۸ .
۲ . توبه / ۱۷ .

«هگل» فیلسوف آلمانی می‌نویسد:

«در اسلامبول روزی به مسجد رفتم از سادگی و صلابت مسجد شگفت زده شدم و حال خوش و جذبه‌ای شور انگیز در خود احساس کردم».[۱]

«ژزف ارنست رنان» نویسنده، و فیلسوف فرانسوی می نویسد:

«برخلاف سخنان ناروایی که درباره‌ی اسلام و عرب شنیده بودم، هرگاه وارد یکی از مساجد مسلمانان می‌شدم صحنه‌های دلپذیر و جذابی می‌دیدم که به خود می‌لرزیدم و افسوس می‌خوردم که چرا مسلمان نیستم».[۲]

«ویل دورانت» مؤرخ مشهور می‌نویسد:

«چه خوش آهنگی است صدای مؤذن در گوش مسلمانان و غیرمسلمانان که این جان‌های محبوس در پیکر خاکی را از فراز هزاران مساجد دعوت می‌کند به سوی بخشنده زندگی و عقل، توجه کنند و به جان، با او پیوند گیرند».[۳]

سرانجام «شیخ الرئیس ابو علی سینا» می‌گوید:

«هر زمان برایم مشکل علمی پیش می‌آمد و از حل آن عاجز می‌ماندم به مسجد شهر می‌رفتم تا گره از مشکلم باز شود پس از ادای دو رکعت نماز راه حل مشکل برایم آسان می‌شد و به آنچه می‌خواستم می رسیدم».[۴]

---

۱ . هزار و یک نکته در باره نماز: ص ۹۷ .
۲ . همان: ص ۹۷ و ۲۶۲ .
۳ . همان: ص ۳۳ .
۴ . همان: ص ۲۶۲ .

کارکردهای مسجد

بدون شک اقامه‌ی نماز و سایر عبادت منحصر به مکانی خاص نیست، بل می‌توان در هر مکانی انجام داد. آنچه باعث شد که برگزاری نماز به صورت جمعی و جماعتی در مساجد مورد تأکید فراوان قرار گیرد، اهداف بهتر و والاتری است که دین مبین اسلام آن را تعقیب می‌کند.

مساجد در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات، بل پایگاه تصمیم‌گیری مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و مرکز نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان‌های متعهد و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانه محکم برای حکومت اسلامی بوده است؛ به عبارت دیگر مساجد به عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی، قضایی و آموزشی محسوب می‌شده است.

از آغاز اسلام تا چند قرن بعد، از مساجد به عنوان مدرسه آموزشی استفاده می‌کردند و با پدیده‌ای به نام مدرسه روبرو نبودند و مشهور این است که از سال ۴۵۹ هجری قمری نخستین مدرسه را نظام الملک توسی وزیر آلب ارسلان سلجوقی در بغداد بنا کرده است. به‌هرصورت تاریخ تأسیس مدرسه هر وقت باشد محققان و مؤرخان پذیرفته‌اند که پیش از پیدایی مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی در کشور اسلامی بوده است و در حقیقت مدرسه فرزند مسجد به شمار می‌آید.

قدر مسلم پیش از پیدایی مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی در کشور اسلامی بوده و بعضی از نویسندگان، مسجد را مجلس شورای مسلمانان نام نهاده‌اند.[۱]

در حقیقت بنای مسجد النبی که مسجد نمونه‌ی اسلام است فقط تأسیس یک عبادتگاه نبود، بل به شهادت مؤرخان و محققان و حتی خاورشناسان، پی‌ریزی یک مدرسه بزرگ اسلامی بود.

---

۱ . تاریخ آموزش در اسلام (احد شبلی): ص ۲۱۷ و ۱۰۰ .

«جرجی زیدان» نویسنده مسیحی عرب می‌نویسد:

«همان‌طوری که مسجدهای مسلمانان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران است، این مراکز مهد تعلیم و تربیت نیز بوده است. در کوچک‌ترین مسجد، کودکان را آموزش می‌دهند و مسجدهای بزرگ گاهی بـه انـدازه‌ی دانشگاه‌های اروپا ارزش و اهمیت دارند».[۱]

مقام معظم رهبری فرمودند:

«نظام مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی بل در نقاط گوناگون عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار و نهضت‌های بزرگ و حرکات اسلامی شده است».[۲]

هر مسجد دارای کارکردهایی نظیر کارکردهای عبادی، آموزشی، فرهنگی، تـبلیغی، علمی، سیاسی، اجتماعی، قضایی، نظامی و رسانه ای، هنری ورزشی و غیره است. هر قدر این فعالیت‌ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، مسلماً از زمینه‌ی جذابیت و اقبال بیشتری از سوی طبقات گوناگون جامعه خصوصاً جوانان مواجه و نتیجه آن افزایش دین‌باوری در سطح جامعه خواهد شد.

تقسیم‌بندی کارکردها به اصلی و فرعی و توضیح هر یک نیاز به مقاله‌ای دیگر دارد، به هر صورت جایگاه و نقش برجسته‌ی مساجد در صدر اسلام و در طول تاریخ بر کسی پوشیده نیست.

مستکبران و مساجد

با توجه به توانمندی‌های مساجد و فعالیت و کارکردهای وسیع و گسترده‌ی آن که از آغاز پیدایی

---

۱ . هزار و یک نکته در باره نماز: ص ۹۷ .

۲ . ۱۳۷۵/۱۰/۱۶ .

آن تاکنون منشأ تحولات و خدمات فراوان و مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین بوده است، دشمنان مساجد و معابد و مستکبران و زورمندان و هرکس که کارکردهای مساجد با منافع آنان در تضاد بوده و هست، سعی و تلاش داشته و دارند که در راستای از بین بردن یا کاهش نقش مساجد به عنوان برنامه‌ای اساسی و هدف استراتژیک، اخلال کنند.

اِعمال فشار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی از سوی کشورهای غربی خصوصاً اِمریکا بر مساجد به بهانه‌ی واهی تهدیدهای تروریستی حاکی از نگرانی آنها از کارکردهای اجتماعی مساجد است. آنان می‌خواهند همان بلایی را که بر سر کلیسا آوردند بر سر مساجد بیاورند و در نتیجه کارکرد مساجد را خلاصه در مسائل عبادی و فردی نمایند.

خداوند متعال هم در قرآن به این دسته از مخالفت‌ها و توطئه‌ها اشاره فرموده‌است:

﴿و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها﴾.[1]

«چه کسی ستمکارتر از کسانی که نگذاشتند نام خدا در مساجد الهی برده شود و سعی در ویرانی آنها دارند».

بررسی شأن نزول‌ها نشان می‌دهد که روی سخن در آیه به هر سه گروه یهود، نصاری و مشرکان است، بنابر آنچه از شأن نزول‌ها و برخی روایات به دست می‌آید، آیه درباره کسانی نازل شده که درصدد تخریب مساجد برآمده بودند و در طول تاریخ، تخریب مساجد و یا جلوگیری از رونق آن، بارها به دست افراد منحرف و طاغوت‌ها صورت گرفته است، از تخریب بیت‌المقدس و آتش زدن تورات به دست مسیحیان تا ممانعت و مخالفت قریش نشانه‌هایی از همین تلاش‌های مذبوحانه است.

امروزه نیز از یک سو تخریب مساجد باقی مانده از صدر اسلام با عنوان مبارزه با شرک در مکه و مدینه و ویرانی مساجد تاریخی، همانند مساجد بابری در هند که نشانگر

---

۱ . بقره / ۱۱۴ .

قدمت مسلمانان در شبه قاره هند است، و برخورد با مساجد در کشورهای غربی را به چشم می‌بینیم. اینها همه حکایت از روحیه‌ی کفرآلود طاغوت‌ها و جاهلانی دارد که از یاد و نام خداوند که در مراکز توحیدی طنین انداز می شود وحشت دارند.[۱]

بدون شک مفهوم آیه، مفهومی گسترده و وسیع است و به زمان و مکانی معین محدود نمی‌شود؛ بل حکم آن در همه قرون و اعصار جریان دارد.

توجه به این نکته هم لازم است که جلوگیری از ورود به مسجد و کوشش در تخریب آن فقط به این نیست که ساختمان آن را ویران سازند؛ بل هر عملی که نتیجه آن تخریب مساجد و از رونق افتادن آن باشد نیز مشمول همین حکم است، همچنان که منظور از عمران و آبادی در آیه مبارکهٔ، ﴿**انما یعمر مساجد الله**﴾. فقط به ساختمان نیست؛ بل مهم‌ترین عمران مساجد است چونکه دشمن از در و دیوار مسجد نمی‌ترسد، ترس او زنده شدن نام خدا و بیداری مسلمین و رونق دینداری در جامعه است.

مطلب دیگر این که: خداوند متعال تعطیلی و تخریب مساجد و جلوگیری از فعالیت آنها را بزرگترین ظلم و ستم معرفی کرده است چون که نتیجه‌ای جز سوق دادن مردم به بی‌دینی نخواهد داشت یعنی ظلم فرهنگی بزرگترین ظلم است و از آنجاکه مساجد سنگر مبارزه با کفر و شرک و الحاد و نفاق است، لذا دشمنان اسلام همواره سعی در خرابی آنها را داشته و دارند. همان‌طور که حضرت امام خمینی‌ﷺ فرمود:

«اگر این مساجد قوی باشند ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از امریکا نداشته باشید، آن روز باید ترس داشت که به اسلام پشت کنید به مساجد پشت کنید».[۲]

خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه حج مهم‌ترین برنامه‌ی دشمن را نابودی مراکز دینی برشمرد.

---

۱ . تفسیر نور: ج ۱ ، ص ۱۸۵ .
۲ . صحیفه نور: ج ۱۳ ، ص ۲۱ .

﴿و لولا دفع الله الناس بعضهم لبعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیراً﴾.[۱]

«اگرخداوند ازمؤمنان دفاع نکند و ظلم و تجاوز بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد».

اگر افراد با ایمان و غیور دست روی دست بگذارند و تماشاچی فعالیت‌های ویرانگرانه‌ی طاغوت‌ها و مستکبران باشند و آنان میدان را خالی ببینند، اثری از مساجد و مراکز عبادی نخواهند گذارد، چون که معابد، جای بیداری و محراب، میدان مبارزه و جنگ است و مسجد در برابر خودکامگان سنگر و مزاحم منافع نامشروع آنان است، لذا به هر قیمتی بتوانند، در هدم و محو آن می‌کوشند.

امام خمینی‌ﷺ فرمود:

«مسجد سنگر است این سنگر را حفظ کنید، مساجد بهترین سنگرهاست».[۲]

نکته شایان توجه در آیه‌ی شریفه این است که از جمله موارد مجوز جهاد، که خداوند متعال برای مسلمانان صادر کرده است، دفاع از مراکز و معابد دینی است که در این موارد سکوت روا نیست. آنچه مهم است دفاع از حریم مساجد است، خواه با جنگ و اهدای خون باشد خواه با قلم و بیان، مهم هوشیاری و بیداری مسلمین است.

مطلب دیگری که در قرآن تأکید شده، این است که دشمنان برای تحقق بخشیدن به نقشه های شوم خود درصدد استفاده‌ی از ابزاری از مساجد بر می‌آیند:

﴿والذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المؤمنین

---

۱ . حج / ۴۰ .
۲ . صحیفه نور: ج ۲۰ ، ص ۳۲۸ .

و ارصادا لمن حارب الله و رسوله من قبل و لتحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون و لا تقم فیه ابداً﴾.[۱]

«گروه دیگر کسانی هستند که مسجدی را برای ضربه زدن بـه اسـلام و به‌منظور ترویج کفر و تـفرقه‌افکـنی مـیان مـؤمنان و کـمینگاه و پـایگاه دشمنان ساخته و همواره سوگند می‌خورند که قصد خیر دارند، حـال آنکـه خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگـو هسـتند، ای پـیامبر! هـرگز در آن مسجد به نماز نایست».

دشمن ممکن است در نقاب مسجد و به عنوان کمک به بیماران و معذورین از مساجد استفاده‌ی ابزاری کند و بتخانه و کانون تفرقه و نفاق در چهره مسجد ساخته شود و موافقت ابتدایی پیامبر را هم بگیرند، ولی فرشته وحی نازل شد و پرده از نیّات شوم آنـان بـرداشت و به پیامبرش فرمان داد که نه فقط نباید در آنجا نماز بخوانی، بل تخریب آن را در دستور کار خود قرار دهی. از این‌رو داستان مسجد ضرار درسی بزرگ برای عموم مسلمانان در همهٔ اعصار است که مسجد هرگز نباید مورد استفاده‌ی ابزاری واقع شود و دشمنان اسلام از ابزار اسـتعماری (مذهب برضدّ مذهب) برای تحقق اهداف شیطانی خود استفاده کنند.

مساجد و انقلاب اسلامی

الف) خدمت مساجد به انقلاب

خدمات شایان توجه مساجد چه در آستانه‌ی انقلاب ـ که به عنوان پایگاه‌های عظیم انقلاب در ساماندهی راهپیمایی و تظاهرات و سازماندهی نیروهای انقلاب و روشنگری ائمه جماعات و اطلاع‌رسانی به موقع که یک نمونهٔ بـارز آن تـحصن عـلما و روحـانیت مـبارز از جـمله آیةالله شهید مطهری﵀ و دیگران در مسجد دانشگاه بوده است ـ برکسی پوشیده نیست.

---

۱ . توبه / ۱۰۷ و ۱۰۸ .

بعد از پیروزی انقلاب هم با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، تقریباً همه چیز در مساجد انجام می‌گرفت و کمیته‌های انقلاب از دل مساجد جوشید و خدماتی شایان به انقلاب نمود.

در دوران هشت سال دفاع مقدس، هم در قسمت اعزام نیرو، و هم پشتیبانی، و هم برگزاری مجالس دعا و بزرگداشت شهدا خدمات فراوانی در مسجد صورت گرفته است. در زمان سازندگی و امداد رسانی به مردم آسیب دیده، نظیر زلزله و سیل و بازسازی مناطق جنگی و برگزاری انتخابات نیز مساجد نقشی اصلی داشته و در یک کلمه مساجد پایگاه اصلی انقلاب بوده و هستند.

ب) خدمت انقلاب و انقلابیون و مسؤولان به مساجد

سؤال اساسی این است که آیا انقلاب و انقلابیون و مسؤولان که از مساجد برخاسته و از صندوق مساجد رأی گرفته اند، چقدر به مساجد خدمت کرده‌اند؟

آیا پس از ربع قرن پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت در محورهای گوناگون کشور چنین احساس نمی‌شود که پایگاه اصلی انقلاب یعنی مساجد مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است؟ نظام اسلامی و قوای سه‌گانه و کارگزاران نظام چقدر حق مساجد را ادا کرده اند؟ با آنکه مساجد برخلاف کلیسا همزاد با حکومت است و خدمات فراوان به حکومت اسلامی نموده است، باید اعتراف کرد که علی‌رغم پیشرفت‌های مهم در بخش های دیگر نظام، در بخش فرهنگ مربوط به مساجد بی‌مهری شده است.

آری برای تأمین آب و برق نوددرصد روستاها برنامه‌ریزی شد اما برای نوددرصد روستای فاقد امام جماعت فکری نشده است. برای بهداشت روستاها با احداث خانه بهداشت، چاره‌اندیشی گردیده اما برای بهداشت روح و روان کاری صورت نگرفته است.

برای نظارت بر هتل‌ها و اماکن عمومی برنامه‌ریزی شد، اما برای هشتاد هزار مسجد

و حسینیه هیچ‌گونه تدبیری به عمل نیامده است.

برای ساخت و ساز بیمارستان‌ها، سینماها، دانشگاه‌ها، پارک‌ها و دیگر مراکز عمومی سیاستگزاری و درصد سرانه پیش‌بینی گردید، اما برای ساخت و ساز مساجد و اماکن مذهبی بویژه در شهرک‌های جدید التأسیس تدبیری اتخاذ نگردیده است.

برای تأمین تخصص‌های مورد نیاز جامعه که مربوط به جنبه‌های مادی انسان است، چندین نوع دانشگاه و دانشکده تأسیس و صدها رشته در زمینه‌ی آب و خاک و هوا و راه و معدن و ماهی و دام و دانه ده‌ها مرکز تربیت مدرس و تکنسین و حقوقدان، ماما و پرستار، نقاش و گرافیست و جز آن به وجود آمده است، اما برای تربیت امام جماعت و مبلغ دینی و خدام و هیئت امنای مساجد برنامه‌ریزی نشده است.

دولت برای نظارت بر چند هزار هتل و اماکن عمومی برنامه‌ریزی و بودجه گذاشت، اما هشتاد هزار مسجد و حسینیه را به حال خود رها نموده است.

باید پرسید رسالت نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال مساجد و مسجدیون و تعمیق باورهای دینی و تربیت ائمه جماعات و پشتیبانی از مساجد و نظارت بر آنها چیست؟

از جمله نقاط قوت ایران اسلامی، برخورداری از ۵۷۰۰۰ مسجد است که اگر متراژ آنها به‌طور متوسط پانصد متر باشد، قریب به سی میلیون متر مربع فضای مناسب در کشور می‌شود که متأسفانه به علت نبود برنامه‌ریزی جامع و فقدان توجه مناسب، بهره‌ی بسیار محدودی از این اماکن برده می‌شود، تعدادی از مساجد تعطیل یا نیمه فعال است و از ظرفیت موجود مساجد استفاده‌ی بهینه نمی‌شود. آیا واقعاً جای تأسف نیست که ترکیه لائیک که نصف وسعت ایران و کمتر از جمعیت ایران است، در مسجدسازی حرف آخر را بزند و ۹۰/۰۰۰ مسجد داشته باشد و دولت برای مساجد آب و برق رایگان بدهد، مثل آب و برق فرهنگسراها و پارک‌ها در ایران... آیا می‌توان پذیرفت که نظام جمهوری اسلامی، هم از جهت کمّی و هم کیفی پایین‌تر از آن کشور

باشد، حال آنکه ایران اسلامی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام علاوه بر ساماندهی مساجد در داخل باید از وجود امکان بالقوه ساماندهی مساجد به عنوان ساختار جهانی امت اسلامی استفاده کند و با بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلامی برای برقراری وحدت بیشتر مسلمین بسیج نماید.

اگر مسجد را به عنوان اولین نهاد اجتماعی شکل‌گرفته در زمان صدر اسلام به‌شمار آوریم، لازمه‌ی استمرار این نهاد، مدیریت بر آن است و نقش مدیریت در افزایش بهره‌وری بر کسی پوشیده نیست، چون تأثیر مدیریت صحیح در ارتقا و انحطاط امری روشن و بدیهی است. چه بسا ملت‌هایی از نظر امکانات مادی در زمینه‌های دیگر هیچ کمبودی نداشته‌اند، ولی به سبب داشتن برنامه‌ی منسجم و نبود مدیریت در انحطاط قرار دارند، اما در مقابل ملت‌هایی بودند که با ساماندهی و بسیج نیروها، از کمترین امکانات، بزرگترین افتخارات را به‌دست آوردند.

آیا مساجد این شایستگی را ندارند که به صورت سراسری مدیریت و ساماندهی شوند؟

ابهامات

- وظیفه‌ی حکومت در برابر مساجد چیست؟
- وظیفه‌ی مردم در برابر مساجد چیست؟
- اهداف و انتظارات از مساجد چیست؟
- کارکردهای اصلی و فرعی مساجد چیست؟
- وظایف متولیان مساجد (امام جماعت، هیئت امنا، خادم، متولیان فرهنگی) چیست؟
- ارکان مساجد اعم از ساخت و ساز و نیروی انسانی و آورده‌های مساجد چگونه باید باشد؟

ـ مساجد چگونه باید اداره شود؟

ـ ساماندهی و برنامه‌ریزی مساجد بر عهده‌ی کیست؟

ـ آیا بر مساجد کشور عملاً مدیریت می‌شود؟

ـ آیا از ظرفیت موجود مساجد استفاده می‌شود؟

ـ آیا بانک اطلاعات مساجد راه‌اندازی شده است؟

ـ آیا بین ائمه جماعت احیاناً تضاد و درگیری بروز نکرده و یکپارچگی و وحدت حاکم است؟

ـ آیا برنامه‌های موجود مساجد پاسخگوی نیاز نسل امروز است؟

ـ آیا اولویت‌های فرهنگی، تبلیغی مساجد در هر زمان و شرایط مشخص می‌گردد؟

ـ آیا متولیان مساجد نیاز به آموزش ندارند؟

ـ آیا ائمه‌ی جماعات مساجد نیاز به دوره‌های آموزشی مدیریت فرهنگی، مدیریت ارتباطات، روان‌شناسی، برنامه‌ریزی و جلسه‌داری و غیره ندارند؟

ـ آیا ظرفیت‌ها و زمینه‌های کم‌نظیر مساجد استفاده بهینه می‌شود؟

ـ ائمه‌ی جماعات براساس چه معیاری انتخاب و اعزام می‌شوند؟

ـ آیا سطح‌بندی ائمه جماعات صورت گرفته است؟

ـ آیا بانک اطلاعات و شناسنامه جامع مساجد کشور تهیه شده است؟

ـ و سرانجام آیا وضع موجود مساجد در ساخت و ساز، فعالیت‌های معنوی و کارکردهای آموزشی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، وضعیت عوامل اجرائی و بهداشتی وغیره مطلوب است؟!

خلأها و مشکلات

۱ ـ اختلاف دیدگاه

نخستین و شاید مهم‌ترین مشکل، اختلاف دیدگاه در بین مسؤولان در باره‌ی مقوله فرهنگ، از جمله امور مساجد است. آیا امور دینی باید جنبه‌ی بررسی مردمی داشته باشد و مداخله و ورود دولت در امور مساجد به مصلحت نیست، یا در نظام اسلامی حداقل وظیفه‌ی دولت و حکومت اسلامی سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، پشتیبانی، نظارت بر مساجد هست. به تعبیر دیگر مسئله‌ی دین و فرهنگ، مسئلهٔ اساسی نظام است یا فرعی و حاشیه‌ای؟

واقعیت این است که از مجموعه گفتار و عملکرد بسیاری از مسؤولان و برنامه‌ریزان در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه به‌دست می‌آید که فرهنگ یک جایگاه فرعی و حاشیه‌ای دارد، حال آنکه حضرت امام خمینی‌ﷺ فرمودند:

«فرهنگ بالاترین مسئله نظام است».

و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی نیز اساسی‌ترین مسئله را فرهنگ و بدترین خطر را، هجوم فرهنگی معرفی نمودند.

منظور از حمایت دولت، تسلط کامل دولت بر امور دینی نیست؛ بل سؤال این است که اصولاً رسالت حکومت اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال گسترش دین و تعمیق باورهای دینی و تربیت و هدایت جامعه چیست؟ اگر رسالت مشخص شد آن وقتی ایفای نقش حکومت می‌تواند در قالب‌های سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، هدایت، نظارت و هماهنگی بروز و ظهور پیدا کند.

۲ ـ روشن نبودن استراتژی نظام در بخش فرهنگ دینی؛

۳ ـ فقدان سیاست کلی و کلان مساجد؛

۴ ـ فقدان سیاست‌های برنامه‌ای و اجرایی مساجد؛

۵ ـ فقدان برنامه جامع و دراز مدت برای ساماندهی مساجد؛

۶ ـ نداشتن متولی خاص کشوری برای ساماندهی مساجد؛

۷ ـ فقدان بانک اطلاعات مساجد؛

۸ ـ نبود شاخص در بخش فرهنگ دینی؛

۹ ـ تفکیک نکردن وظایف متولیان فرهنگی در امور مساجد؛

۱۰ ـ تناسب نداشتن بافت نیروهای انسانی مساجد با برنامه‌ها و نیازها؛

۱۱ ـ فقدان لوازم کافی مساجد؛

۱۲ ـ فقدان جاذبه در برنامه‌های مساجد؛

۱۳ ـ فقدان کنترل و نظارت بر امور مساجد؛

و... .

چه باید کرد؟ (پیشنهادها)

اگر مسجد در زمان صدر اسلام کارکردهایی گوناگون؛ اعم از معنوی، فرهنگی، سیاسی، آموزش، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره داشته است، ضرورت سازماندهی مساجد و برنامه‌ریزی جامع درازمدت برای افزایش نقش و تأثیرگذاری مساجد در همه زمینه‌ها، و تولید هماهنگی بین مساجد بر کسی پوشیده نیست. نظام اگر خواستار بقای و اسلامیت خود است، باید بخشی از توان و امکانات خود را صرف امور مساجد می‌کند. چطور برای هر کاری مدیریت و برنامه‌ریزی و برای هر چیزی آموزش لازم است، اما برای مساجد لازم نیست؟!

با توجه به برخورداری از ۵۷۰۰۰ مسجد و بهره‌مندی از ائمه جماعات مساجد، ادارات و مراکز آموزشی درسراسر کشور که در هر روز با اقشار گوناگون جامعه به‌طور مستقیم در ارتباط هستند، اگر مساجد کشور ساماندهی شوند و ارتباط بین مساجد برقرار شود و متولیان مساجد دوره‌های لازم را ببینند، به عظیم‌ترین قدرت تبدیل خواهند شد.

در عصری که پیشرفت فناوری ارتباطات، جهان را به صورت دهکده‌ای کوچک در

آورده، هر جامعه یا فرد می‌تواند از اوضاع یکدیگر به‌طور کامل مطلع گردد و استفاده از ابزار نوین و مدرن و شیوه‌های آن و بهره‌گیری از دانش روان‌شناسی سلاح کار آمدی است که دشمن برای رسیدن به اهداف شوم و شیطانی خود استفاده می‌کند، برای استفاده‌ی مساجد از این فناوری نوین چه برنامه‌ریزی شده است؟

با توجه به هجوم پیوسته و سازمان یافته و سرمایه‌گذاری عظیم دشمنان در جهت تخریب معتقدات مردم، به‌ویژه نسل جوان، ضرورت ساماندهی جامع و برنامه‌ریزی همه جانبه برای استفاده‌ی بهینه و کامل از همه مساجد و زمینه‌های مربوط بیش از گذشته برای همه‌ی دلسوزان روشن و واضح شده است.

حضور برنامه‌ریزی تبلیغی دشمن در همهٔ عرصه ها و حضور نداشتن، بل حضور فعالانه بر ضد مسجدیان در چند سال اخیر و برنامه‌ریزی برخی مدیران نظام، موجب موفقیت نسبی دشمنان شده و چهره‌ی نورانی اسلام و نظام جمهوری اسلامی را مشوه و ناکار آمد جلوه داده است. در جهان معاصر دین و اندیشه‌های دینی مورد هجوم وسیع قرارگرفته و شبهاتی گسترده پیرامون اصل دین، خدا، قیامت، امامت، حکومت اسلامی، مهدویت و جز آن مطرح شده و می‌شود که در طول شش سال گذشته به اندازه همهٔ ۱۴۰۰۰ سال قبل به دین اسلام حمله شده و می‌شود که به‌طور متوسط هر روز سه شبهه القا شده است.[1] برای مقابله با این تهدیدها و شبهات چگونه از فرصت‌ها و امکانات و زمینه‌های موجود مساجد استفاده شده است؟ چه سازماندهی برای این امور انجام گرفته است؟ پاسخ منفی از وضع نابسامان فرهنگی دین در جامعه به آسانی به دست می‌آید که چه بسا فرصت‌ها به هدر رفته و یا احیاناً تبدیل به تهدید شده است. چه باید کرد تا از وضع موجود با استفاده از این اماکن دینی و زمینه‌های موجود به وضع مطلوب دست یافت؟

اگر آگاهی ائمه جماعات به تحصیلات مخاطب، آداب و رسوم، مفاسد اخلاقی، تعداد معتادان، میزان آگاهی دینی مردم، شبهات مطرح در منطقه، تعداد هیئت‌ها و نیروهای مذهبی،

---

۱ . روزنامه کیهان ۱۳۸۱/۴/۱۷ .

پیروان ادیان و مذهبی و به عبارت دیگر شناخت فرهنگ محل تبلیغ، ضروری است تا کاستی‌ها و نیازمندی‌های مخاطبان مشخص و برای تأمین آن برنامه‌ریزی گردد، چه کسی یا ارگانی باید این اطلاعات را تهیه و در اختیار ائمه جماعات قرار دهد.

باید اذعان کرد مساجد در ابعاد گوناگون از سیاستگذاری در ساخت و سازها تا ساماندهی و برنامه‌ریزی و تهیه‌ی نظام آموزش متولیان و فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی و کارکردهای مساجد و تأمین نیازمندیهای آن، همه و همه نیاز به اهتمام جدی و همه جانبه مسؤولان نظام و متولیان امور فرهنگی کشور دارد.

براین اساس این موارد جهت ساماندهی امور ساماندهی پیشنهاد می‌گردد:

۱ ـ تشکیل سازمان رسیدگی به امور مساجد کشور؛

۲ ـ تدوین تشکیلات قوی و ساختار جامع و مناسب با ماموریت های مساجد؛

۳ـ تشکیل شورای طرح و برنامه‌ریزی قوی و کار آمد با حضور کارشناسان خبره‌ی حوزه و دانشگاه؛

۴ ـ تعیین استراتژی، اهداف و سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ای مسجد؛

۵ ـ تدوین طرح و برنامه دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت؛

۶ ـ تغییر نگرش مسؤولان به مساجد؛

۷ ـ تهیه‌ی طرح ساماندهی مساجد کشور؛

۸ ـ تهیه‌ی طرح ساماندهی ائمه‌ی جماعات کشور؛

۹ ـ تهیه‌ی بانک اطلاعات مساجد کشور؛

۱۰ ـ تدوین نظام آموزش متولیان مساجد؛

۱۱ ـ برنامه‌ریزی جهت بهینه‌سازی نیروی انسانی مساجد؛

۱۲ ـ تعیین دقیق وظایف حکومت در قبال مساجد؛

۱۳ ـ تدوین شرح وظایف متولیان امور مساجد؛

۱۴ ـ تأمین اعتبار مورد نیاز مساجد؛

۱۵ ـ تجهیز مساجد به امکانات مورد نیاز روز؛

۱۶ ـ برنامه‌ریزی جهت گسترش ائمه‌ی جماعات در روستا؛

۱۷ ـ برنامه‌ریزی جهت تأمین خانه‌ی عالم جهت استقرار ائمه جماعات مساجد؛

۱۸ ـ برنامه‌ریزی جهت برقراری وحدت و یکپارچگی ائمه جماعات مساجد؛

۱۹ ـ تدوین طرح نظارت وکنترل بر مساجد؛

۲۰ ـ تهیه نقشه و معماری مساجد؛

۲۱ ـ تدوین آئین نامه‌ی مسجد محوری در جغرافیای شهر و شهرک‌ها؛

۲۲ ـ پی‌گیری تصویب قانون‌های مورد نیاز مساجد؛

۲۳ ـ اقدام به پژوهش‌های لازم در زمینه‌ی نیازسنجی مخاطبان، تهیه‌ی پیام‌های مناسب در سطوح گوناگون، آسیب‌شناسی دینی جامعه به منظور طرح راهکارهای پیشگیری، شناخت اشکال و ابعاد هجوم فرهنگی و تعیین راه‌های مقابله با آن، بررسی شبهات دینی و دادن پاسخ لازم برای استفاده‌ی ائمه‌ی جماعات مساجد و جز آن.

آیا نباید پرسید که چه کسی یا چه ارگانی در کشور مسئول ساماندهی و پی‌گیری این امور است؟

فهرست منابع

ـ قرآن کریم.

ـ آیةالله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۰ ش .

ـ محسن قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران ۱۳۷۹ ش .

ـ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ هـ ق .

ـ مرحوم حرّ عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات المکتبه الاسلامیه، تهران ۱۴۰۱هـ ق.

ـ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت:، بیروت ۱۴۰۹ هـ ق .

ـ حسام الدین هندی، کنزل العمال، مؤسسه‌الرساله، بیروت ۱۴۰۹ هـ ق .

ـ امام خمینی ۱، صحیفهٔ نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱، تهران ۱۳۷۸ ش .

ـ محمد علی موظف رستمی، آئین مسجد، انتشارات گویه، تهران ۱۳۸۲ ش .

ـ حسین دیلمی، هزار و یک نکته درباره نماز، نمایندگی ولی فقیه در بسیج ادارات، تهران ۱۳۷۶ ش .

نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت مسجد و نحوه‌ی ارتباط مساجد با محله و شهر

▣ سید کریم آقامیری

▣ چکیده

نگارنده ضمن تعریفی از اطلاعات و ارتباطات و فناوری، واژگان را در قرآن مورد پژوهش قرار داده و به نتایج فناوری اطلاعات چون تمرکززدایی در عین تمرکزگرایی، دسترسی آسان و سریع به حجم عظیمی از اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان و جز آن اشاره نموده و بر ضرورت به کارگیری و اجرای فناوری ارتباطات IT تأکید و فرهنگ‌سازی، آفت‌شناسی، سوق به سمت ساختار فرآیندی و بهبود شاخصه‌های بهره‌وری در این زمینه را مطرح نموده است. آنگاه اهداف فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد توجه قرار داده و به اصول استراتژی و اهداف راه‌اندازی شبکه‌ی مسجد اشاره نموده و ابزارهای فناوری و مزایای آموزش از راه دور را برشمرده است.

به منظور رسیدن به مفهوم مشخص از فناوری اطلاعات و ارتباطات ابتدا واژگان موجود در آن را بررسی می‌کنیم.

تعریف اطلاعات (Information)

اطلاعات از لحاظ نظری: اطلاعات (Information) به هر نوع داده جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های گوناگونی نظیر: مطالعه، مشاهد، اشاعه و سایر موارد دیگر اطلاق می‌گردد. در واژه‌ی «اطلاعات»، بار معنایی از قبل تعریف شده‌ای درخصوص کیفیت، معتبر بودن و یا صحت داده مطرح است و امکان برخورد با اطلاعات معتبر، غیرمعتبر، واقعی، نادرست، صحیح و گمراه کننده، وجود خواهد داشت.

تعریف ارتباطات: مراد از ارتباطات در بحث ICT امکانات درخور استفاده در انتقال و تبادل اطلاعات بین منابع تولیدکننده و پردازش دهنده‌ی اطلاعات و عرضه‌ی اطلاعات به‌کاربران است. گرچه این تعریف شامل موارد مشابه می‌گردد، ولی عمدتاً مراد از ارتباطات، ارتباط شبکه‌ای بین منابع گوناگون است که در شبکه‌های داخلی، محلی و جهانی نمود دارد.

فناوری: این واژه معادل کلمه «تکنولوژی» است و مراد از آن علم و دانش کاربردی است که روش‌های ابتکاری و جدیدی در حوزه فعالیت خود ایجاد می‌کند و گسترش می‌دهد.

تعریف فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

همان‌گونه که در تعریف اولیه عنوان گردید، فناوری علم و دانش کاربردی است و مراد علمی است که با تهیه و به‌کار بردن روش‌ها و فناوری مناسب، دستیابی به اطلاعات و استخراج دانش از آنها را عملی می‌سازد.

به عبارت دیگر و نگاه کاربردی‌تر فناوری اطلاعات و ارتباطات، به مجموعه‌ی امکانات سخت افزاری، نرم افزاری، شبکه‌ای و ارتباطی به منظور دستیابی[1] مطلوب به اطلاعات براساس روش علمی، گفته می‌شود.

---

۱ . دستیابی اعم از تولید، ذخیره‌سازی، پردازش، استخراج دانش نهفته در آن و عرضه آنهاست.

در فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأکید و محوریت خاصی بر جنبه ارتباطی است، به گونه‌ای که ارتباط به منزلهٔ یک «باید» مطرح است و فناوری اطلاعات بدون وجود آن امکان تخصیص سرویس‌ها و خدمات را دارا نیست.

فناوری اطلاعات و ارتباطات اغلب در یک مفهوم جایگاه خاص مورد بررسی کاربردی دقیق‌تر قرار می‌گیرد، نظیر: فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، پرورش، بهداشت، کتابخانه‌ها، پژوهش و غیره. و لذا تسری دادن طرح‌ها و مسائل مطرح در یک حوزه به دیگر بخش‌ها ثمره‌ای نخواهد داشت و نمی‌توان الگوی آماده شده برای یک بخش را در سایر بخش‌ها نیز مورد تجویز قرار داد. در عین حال اصول و نکات مشترکی مطرح است که در تمامی طرح‌های توسعه می‌باید مورد توجه باشد.

واژه‌ی اطلاعات و ارتباطات در ادبیات دینی

واژه‌ی اطلاعات به معنای مطالعه، مشاهده، اشاعه، آگاهی و غیره، به ویژه در قرآن فراوان دیده می‌شود، که هر یک با کاربرد خاص و دقت نظر در جایگاه مورد استفاده به کار رفته است. در سوره‌ی آل‌عمران آیه‌ی ۱۷۴ با واژه لیطلعکم به معنای مطلع گرداندن آمده است. مسلماً کاربرد این واژه به معنای صرف اطلاع‌رسانی نیست، بل رساندن مطلب به مخاطب و اتمام حجت است. این در حالی است که در اطلاع‌رسانی، صرف اشاعه شاید باشد. اما در این جا آگاهی‌دهی همیشه به عنوان یک هدف دنبال می‌شود و یا در سوره‌ی مبارکه‌ی مریم آیه‌ی ۱۱۰ با واژه اطلع به معنای اطلاع یافته که هم شنیدن مطلب را به همراه دارد و هم توجه به آن و تفهیم را می‌رساند، مواجه هستیم.

در بعضی از آیات الهی از این کاربرد فراتر رفته و با قدرت بیشتر تأکید بر فهم و تفهم دارد. و نگریستن به معنای اطلاع کامل و دقیق از واژه‌هایی هم چون مطلعون ـ فاطلع[1] استفاده

---

۱ . صافات / ۵۳ .

کرده است. نگاه قرآن به داده‌ها (= اطلاعات) صِرف ایصال و رساندن نیست، بل رساندن با اتمام حجت است، امروزه در شبکه‌های اطلاع‌رسانی، اطلاعات خام را با یک پردازش به صورت مواد اولیه اشاعه‌ی می‌دهند که در واقع اشاعه اطلاعات و در حد چشم‌گیر آن انفجار اطلاعات است، اما در نگاه قرآن این مهم نیست. چون مشکل بشر به صرف اطلاعات حل نمی‌شود، بل، آنچه مشکل‌گشای بشر (خلیفه الهی در زمین) است، دستیابی به اطلاعات مفید و قابل استفاده و کاربرد آن در زندگی است. در واقع به اطلاعات به عنوان بیس کار نگریسته نمی‌شود، بل به عنوان منابع شناخت و آگاهی دیده می‌شود. شاهد این سخنان واژه‌ای است که در سوره‌ی کهف آیه‌ی ۱۸ اطلعت به معنای دیده‌ور شدن و آگاهی (کنایه از پی بردن به کنه مطلب) است. در این مقاله فرصت پرداختن به داستان واقعیت‌های پنهان آیات الهی که با این واژه‌ها آمده‌اند، نیست. اما با کمی دقت در تفسیر این آیات، مفهوم به‌دست آمده از این واژه‌ها به خوبی روشن می‌گردد.

در سوره‌ی قصص آیه‌ی ۳۸، وقتی خداوند داستان ادعای فرعون را بازگو می‌کند تمنای فرعون که ای کاش مکانی وجود داشت تا من با دیده‌ی سر به خدای موسی اطلاع پیدا می‌کردم، نشان از دستیابی به اطلاعات و ریز مسائلی است که منجر به باور می‌شود، هر چند راه دسترسی به باور ویقین به این منحصر نمی‌شود که با کلمه‌ی اطلع به مفهوم (آگاهی یافتن و آگاهی پیدا کردن) آمده است.

آیات دیگری نیز نازل شده که فرصت پرداختن به آن نیست اما در مورد دیگر و آنجا که در سوره‌ی نمل آیه‌ی ۲۰ داستان جست‌وجو و جویای حال هدهد شدن را از زبان سلیمان علیه‌السلام بیان می‌کند؛ گویای دسترسی به اطلاعات و برقراری ارتباط از موضوعاتی است که فراوان به چشم می‌خورد. امروزه ورود واژگانی هم چون اطلاعات، ارتباطات، فناوری و نظایر آن، همگی با هدف نجات بشر و پیشرفت او در علم و غیره و در نهایت سعادت تلاش می‌کنند. از اینکه چند درصد در این راه موفق بوده‌اند، خود جای بحث دارد.

گویا ابزار و لوازم، مشکلات چندانی نباید داشته باشند، بل نقش فناوری و کیفیت بهره‌وری آنها دچار چالش هستند و ما در این مقاله در پی کیفیت بهره‌گیری این دانش و فن در خدمت دین و سعادت زندگی انسان‌ها هستیم.

نتایج فناوری اطلاعات (IT)

از جمله نتایج عمده‌ی فناوری اطلاعات (IT) تمرکززدایی در عین تمرکزگرایی است. بدین معنا که می‌توان کارها را از راه دور انجام داد، بدون آن که لازم باشد تا در محل، حضور فیزیکی و مستمر داشته باشیم که این ویژگی بر کوتاه شدن فواصل زمانی و مکانی به عنوان یک ابر شاهراه تأکید دارد.

با وجود مشکلات زندگی امروزی شاید عده‌ای از مردم فرصت حضور فیزیکی و مستقیم در اماکن مذهبی به‌ویژه مسجد نداشته باشند. محرومیت از حضور و بهره‌گیری اخلاقی، معنوی، اجتماعی و غیره ضایعه‌ای است جبران‌ناپذیر، اما با پیشرفت علم و فناوری در زندگی بشر امروزی، امکان دسترسی به منابع و نیازمندی معنوی، فکری و جز آن فراهم شده است.

این روزها همه جا صحبت از دسترسی آسان و سریع به حجم عظیمی از اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان ممکن است، این همه نظم و دقت و سرعت از اختراع پدیده‌ای به نام رایانه و تکامل روزمره‌ی آن و در نتیجه پیدایی اینترنت و نفوذ آن به خانه‌های تمامی جهانیان حاصل گردیده است.[۱]

پشت کردن به این همه پیشرفت در عرصه‌ی اطلاعات و آگاهی و مهیا نکردن امکانات در تأمین نیازمندی‌های روحی، روانی و غیره شاید توجیه‌ناپذیر نباشد.

رسانه‌های جدید، با پیام‌هایی که می‌دهند ما را محاصره می‌کنند، چه به این پیام‌ها پاسخ

---

۱ . روزنامه‌ی همشهری شماره ۵۵، دی ۱۳۸۲ ش .

بدهیم، چه ندهیم. در حقیقت، محیط اطلاعاتی برای ما بسیار صمیمی‌تر و سازنده‌تر از این چیزهاست. مثلاً، تلفن را در نظر بگیرید که امروزه برای اکثر مردم قابل دسترس است. این وسیله برای سازمان زندگی روزمره ما کاملاً ضروری است. تنظیم وقت پرستار بچه، ارتباط با تکنسین برق، ـ که بزرگترین مشکل اقلیت فاقد این تسهیلات است ـ . از طرفی در بسیاری خانه‌ها حداقل یک دوربین برای ثبت وقایع مهم پیدا می‌شود (ازدواج، تولدها، جشن‌ها و غیره) شمار چشم‌گیری از مردم دوربین فیلمبرداری و ویدئو دارند که این تجربیات را محسوس‌تر ثبت می‌کند. امروزه وارد هر منزلی که بشوید بر دیوارها، در آلبوم‌ها، بر صفحه‌ی تلویزیون، تصاویر کسانی را می‌بینید که در آنجا زندگی می‌کنند غایب‌اند.

این تصاویر فقط عکس اعضای خانواده و دوستان نیست. آنها زندگی نامه و هویت این افراد است.[۱]

فناوری ارتباطات به نوعی خواسته یا ناخواسته وارد عرصه‌ی زندگی همه ما شده است. فقط کسانی می‌توانند در این رقابت پیروز و سربلند درآیند که بتوانند این دانش را بومی کنند و در اختیار فرهنگ، اندیشه و معنویات خویش قرار دهند.

مساجد به عنوان قوی‌ترین کانون انتقال اطلاعات و آگاهی دینی در جامعه مسلمین مطرح است. همه ما به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم و امدار مسجد در کسب فیوضات و معنویات هستیم. راستی اگر شناخت و اطلاعات دینی خود را بسنجیم و در تعیین درصد دریافت آن برآئیم به غیر از مسجد و اماکن مذهبی دیگر، سایر مراکز از قبیل رسانه‌ها و غیره چقدر نقش دارند؟ مسلماً به هر اندازه که باشند به اندازه‌ی کارکرد و نقش مساجد نیستند، چراکه هر انسان مسلمان در فصل‌های معنوی از قبیل ماه رمضان، ماه محرم و صفر و ایام ولادات و شهادات ائمه علیهم‌السلام و اعیاد مذهبی عمدتاً با این مرکز ارتباط دارند و اگر مسلمانی مقید به حضور همیشگی در این مکان باشد توفیق دستیابی به معنویات او بیشتر است! ما اگر امکان حضور را پیدا

---

۱ . جامعه‌ی مبتنی بر اطلاعات فرانک و بستر، ترجمه‌ی بهزاد دوران و گودرز میرانی.

نکرد وظیفه چیست؟ آیا ممکن است که، معنویات، برکات و سایر موارد را به خانه‌های مردم و محرومان جسمی برد و آنان را از این نعمت بهره‌مند کرد؟

با توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات این قبیل کارها تسهیل شده است که با کمی درایت و به‌کارگیری امکانات می‌توان وسیع‌ترین، شبکه‌ی ارتباطی را به صورت متقابل بین خانه، خانواده و مسجد برقرار کرد.

اجرا و به‌کارگیری IT در مساجد

به‌کارگیری و اجرای فناوری اطلاعات IT در سازمان‌های مدنی همچون مسجد یک نسخه تجویز شده‌ی کلی نیست و نمی‌توان با یک برنامه جامع فناوری اطلاعات برای کلیه‌ی اماکن مذهبی ساختار IT را اجرا نمود. مهم‌ترین عوامل که در اجرای فناوری اطلاعات IT در هر سازمان مدنی مذهبی باید مورد نظر و توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از:

فرهنگ سازی: بسترسازی فرهنگی در هر مسجد جهت اجرای موفقیت آمیز IT لازم است.

اعتقاد و باور هیئت امنای مساجد: هرچه هیئت امنای مساجد به IT به عنوان یک مقوله‌ی لاینفک از مسجد خویش توجه کنند، موفقیت به‌کارگیری آن سریعتر و بیشتر خواهد بود. IT مثل تیغ جراحی است که اگر در دست جراح حاذق باشد نافذتر است. در این راه اعتقاد و اطمینان از عملکرد صحیح مؤثرترین عامل در موفقیت بکارگیری IT است.

آفت شناسی: مشکلات و موانع به‌کارگیری IT در مسجد دقیق و علمی بررسی و برنامه‌ریزی شود.

سوق به سمت ساختار فرآیندی: ساختار و تبعیات آن پیش‌بینی می‌گردد مساجد مسلح به فناوری ارتباطات و اطلاعات باید از ساختار وظایفی خارج و به سمت ساختار فرآیندی سوق داده شود. که بتوان شاهد ارتباط و تبادل صحیح اطلاعات دینی ومذهبی بود.

بهبود شاخص‌های بهره‌وری: شاخص‌های اندازه‌گیری بهره‌وری مساجد که همان شناخت دهی و آگاهی دهی است باید به سمت بهبود رشد نماید و از اطلاعات جهت تبدیل به دانش استفاده شود، نه صِرف اطلاع رسانی.

اهداف فناوری اطلاعات و ارتباطات

مهم‌ترین رسالت فناوری اطلاعات و ارتباطات در هر سازمان، تخصیص امکانات و زیر ساخت لازم برای تولید و توزیع دانش است. امروزه این رسالت با توجه به ویژگی‌های عصر اطلاعات و یا عصر دانش نمود و اهمیت بیشتری یافته است.

پارادایم های عصر اطلاعات مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و با نگاه تبلیغی، آموزشی و پژوهشی به قرار ذیل است:

ـ شبکه‌ای شدن سازمان‌ها و محیط‌های تبلیغی، آموزشی پژوهشی یک ضرورت است.

ـ مجازی شدن فرایند تحقیق و فعالیت و بعضاً تبلیغ و آموزش (چت ـ تالار ـ گفت‌وگو ـ وبلاگ‌ها و جز آن).

ـ تحول بنیادی در شیوه اجرای پژوهش آموزش و تبلیغ: از نظر مفهوم کار، زمان، مکان (از جمله؛ امکان کار تیمی جدا از هم ولی با هم توسط نرم افزارهای کار تیمی Groupware حضور مجازی از راه دور با توانایی تعامل دو سویه به‌جای حضور فیزیکی چهره به چهره و غیره و آموزش و تبلیغ مؤثر و هم جانبه در سطح وسیع جهانی).

ـ انعطاف‌پذیری رو به ازدیاد.

ـ سرعت چشم‌گیر تعامل بین گروه‌های گوناگون اجتماعی.

ـ بالا رفتن شتاب تغییر در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و غیره.

مهم‌ترین عواملی که در اجرای فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT در هر حوزه به ویژه مسجد باید مورد نظر و توجه قرار گیرد، عبارت‌اند از:

۱ ـ ایجاد یک مدل (چاپ چوب) برای استراتژی بخشی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ که این فرآیند خود شامل موارد ذیل است.

تعیین فلسفه وجود (Philosophy) مسجد شامل: شناخت، آگاهی، ارتقای فرهنگ دینی سعادت و غیره چشم‌انداز و رسالت سازمان (Mission&vision) از جمله مسجد اعم از وظایف تبلیغی و جز آن، بررسی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف). اعم از امام جماعت، نماز جماعت، مراسم و دعا، مخاطبان و غیره.

ارزش‌یابی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی) از حیث فرهنگی، هجوم فرهنگی، شکاف بین نسلی و جز آن.

تدوین و گزینش راهکارها است که در یک کمیته کارشناسی از نگاه‌های گوناگون میسر است.

کارهای بزرگ همیشه به صورت عمومی آغاز نمی‌شود. همیشه عده‌ای با دغدغه‌های فرهنگی و غیره، کلید حرکت‌های بزرگ را می‌زنند و کار فرهنگ‌سازی و گسترش آن را فراهم می‌نمایند تا به مرور زمان عملکرد مثبت آن کار زمینه‌ای برای اقبال عمومی فراهم کند. از آن جا که فناوری اطلاعات و ارتباطات در اماکن مذهبی کمتر رسوخ کرده و یا عمومیت پیدا نکرده است، نگرانی‌هایی را در پی دارد. از این‌رو تعیین استراتژی برای توسعه فناوری امری است شایان توجه که بر چهار اصل اساسی استوار است.

ـ فناوری اطلاعات و ارتباطات امری حیاتی است.

ـ فناوری اطلاعات و ارتباطات منبعی اساسی برای آموزش، تحقیقات و فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی از جمله تبلیغ است.

ـ فناوری اطلاعات و ارتباطات عامل اصلی و اولیه مدیریت داده‌ها و اطلاعات و دانش است.

ـ فناوری اطلاعات و ارتباطات استراتژی ارزش‌یابی عملکرد هر سازمانی را نشان می‌دهد.

اصول استراتژی و اهداف راه‌اندازی شبکه‌ی مسجد

استراتژی اطلاع‌رسانی اسلامی با منافع عالی اسلامی پیوند دارد. اطلاع رسانی در جست‌وجوی دستیابی به هدف‌های امت اسلامی، مسلمان موفق، شهروند دیندار و محله دینمدار با روی آوری به مکتب اسلام و قرآن جامعه‌ای ایده‌آل است؛ از جمله:

۱ ـ پرورش انسان مسلمان

از جمله وظایف اصلی اطلاع‌رسانی مسجد، همراه با نهادهای دیگر در جامعه، پرورش انسان مسلمان است. برای این هدف طرح‌های اطلاع‌رسانی محلی در هر کشور اسلامی باید در برگیرنده برنامه‌ها و لوازمی باشد که به اصول زیر دست یابد.

۱ ـ ۱) فراهم کردن شناختی از دین اسلام برای فرد مسلمان که او را در زندگی و در ارتباطش با دیگران در پرتو اصول اسلام راهنمایی کند. به‌طوری که او یک مسلمان واقعی گردد.

۱ ـ ۲) فراهم کردن شناختی از تاریخ و تمدن اسلامی برای فرد مسلمان و آگاه کردن او به دستاوردهای آن و دانشمندان مسلمان که مشعل دانش را در دوره‌ای که جهان غرب هنوز در تاریکی زندگی می‌کردند، در دست داشتند، به گونه‌ای که مکتوبات آنها همچون مرجعی اصلی برای همه جهانیان در جهان برای مدت شش قرن به حساب می‌آمد.

۱ ـ ۳) فراهم کردن اطلاعات پایه‌ای برای مسلمانان درخصوص گذشته و حال جامعه اسلامی، منابع و زمینه‌ها و ابعاد پیشرفت آنها به‌طوری که مسلمانان را یکدیگر آشنا سازد و روحیه‌ی شکوفا شدن میان ایشان را تعمیق بخشد. که مهم‌ترین کارکردهای مسجد در این نکته نهفته است.

۱ ـ ۴) فراهم کردن اطلاعات روز در زمینه‌های دین، فرهنگ دینی و غیره برای مردم محله و حومه مسجد. اسلام جست‌وجوی دانش را برای انسان حتی در دوردست‌ترین نقاط

توصیه می‌کند. همچنین آنان را به توسعه و پیشرفت توصیه می‌کند و از عقب ماندگی، بی‌خبری و بی‌سوادی می‌پرهیزاند.

۵ـ۱) تأکید مجدد بر ارزش‌های اصیل جامعه و هنجارهایی که با اصول اسلام هماهنگ هستند و درخواست از همه برای حفظ آن‌ها و افتخار ورزیدن به آنها و اشاعه و انتقال آنها به نسل‌های بعدی از طریق تعلیم تربیت.

۲ ـ خودشناسی و گرایش عقلانی معطوف به دیگران

خودشناسی از برخورد باز با تمدن مدرن و اخذ عوامل مثبت آن ممانعت به عمل نمی‌آورد؛ بنابراین خودشناسی در برابر اطلاعاتی که متناسب با سنت‌ها و آداب ما نیستند و توسط کانال‌های ماهواره‌ای و غیره پخش می‌شوند، ضروری است. از این رو، این راهی است که جامعه‌ی اسلامی می‌تواند در جامعه و جهان موقعیتی در آستانه‌ی قرن بیست و یک پیدا کند. که امروز مسلمان آگاه به زمان و سیاست‌های کلان جهانی باشناختی که از برنامه‌های آنها پیدا می‌کند، بهتر می‌تواند خود و خانواده و سپس جامعه خویش را رهنمون باشد.

۳ ـ اصلاح تصویر اسلام در سطح بین‌الملل

در رویاروئی با تبلیغات غیر منصفانه رسانه‌های گروهی غربی و نیروهای ضد اسلامی چه آنهایی که آگاهانه دست به چنین اقداماتی می‌زنند و چه آنهایی که ناخودآگاه با اسلام ضدیت می‌ورزند، اطلاع‌رسانی اسلامی باید تصویر اسلام را برای افکار عمومی به‌ویژه جوانان و نوجوانان به شیوه‌ای عینی به‌طوری که برای افکار عمومی قابل فهم باشد، اصلاح کند و این موضوع را روشن نماید که اسلام دین منعطف و دعوت‌کننده به عدالت، آزادی و صلح است، دینی است که از حقوق بشر حمایت می‌کند و همگان را به همکاری، نیکوکاری و پرهیزکاری دعوت می‌کند. مسلمان از گناه پرهیز می‌کند و برابری را برای نوع انسان خواستار است و ظلم

و قشری‌گری را مردود می‌شمارد، در واقع اسلام دینی است که تمدن بزرگ آن، منشأ تمدن غربی بود و سر منشأ سعادت بشر است و تبلیغ ناموفق برخی کانون‌های مذهبی نمی‌تواند به‌جای همهٔ دستورات دینی جلوه کند.

۴ ـ مبارزه برضد گرایش‌های افراطی مدعی دین‌داری

اطلاع‌رسانی اسلامی باید در مبارزه برضد گرایش‌های افرادی که ظرفیت‌های ما را ناکارآمد می‌کنند و در پی نابودکردن اذهان پاک جوانان مسلمان تحت عنوان دعوت به دین جدید هستند، سهیم باشد. القای تردید و نگرانی‌ها در خصوص اثبات و امنیت جوامع اسلامی هستند که در نهایت مانع تلاش و توسعه‌ی ما و باعث رجعت ما به دوران بی‌خبری و ناآگاهی می‌گردد. با این اطلاع‌رسانی جامعه‌ی اسلامی فهیم، خود به این نتیجه می‌رسد که دین اسلام دین رأفت، رحمت و مداراست و ظرفیت‌ها را در نظر می‌گیرد.

بنابراین اطلاع‌رسانی از طریق مسجد امکان توسعه‌ی فرهنگ بر همه‌ی جوامع و ایجاد شبکه ارتباطی بین خود و خانواده ها را در دستیابی به معلومات دینی، به صورت متقابل فراهم می‌کند.

۵ ـ تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآ در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی اسلامی

تربیت و تأمین نیروی انسانی کار آ در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی یک بخش اساسی استراتژی اطلاع‌رسانی مساجد است. شماری از نیروهای انسانی می‌توانند با فنون پیشرفته‌ی نظام‌های اطلاع‌رسانی و روش‌های مهندسی جدید همگام شوند. بنابراین این تأمین و پرورش افرادی که در زمینه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی، در سطح ملی (داخلی) محلی و فراملی کار می‌کنند، ضروری است. باز پروری دائمی باید از یک طرف، قابل حصول و از سوی دیگر باید به پیشرفت‌های جدید در زمینه فناوری‌های ارتباطات نزدیک باشد.

به توفیق و عنایت پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش علم و دانش، و ورود جوانان متدین و مذهبی به این حوزه، فراوان‌اند و بی‌هیچ توقعی در اکثر این عرصه‌ها مشغول فعالیت‌اند از این‌رو می‌توان با یک مدیریت دقیق هم نیروی مورد نیاز را تربیت کرد و هم آنان را به کار گرفت.

ابزارهای فناوری

در این قسمت به بخشی از این ابزارها اشاره می‌کنیم.

۱ ـ آموزش از راه دور

آموزش از راه دور: تدریس و یادگیری که در آن یادگیری معمولاً در مکانی جدایی از محل تدریس صورت می‌گیرد.

آموختن از راه دور: این اصطلاح اغلب مترادف با آموزش از راه دور به کار برده می‌شود که کاملاً صحیح نیست، زیرا آموزش از راه دور، شامل تدریس و آموختن است.

۲ ـ آموزش منطقه‌ای یا از راه دور

یادگیری فرایندی عصبی است که در ذهن مخاطب رخ می‌دهد؛ حال چه ایشان رو در رو آموزش ببینند یا از طریق سیستم آموزش از راه دور فرا بگیرند یا به تنهایی چیزی را بیاموزند. این فرایند قابل سرایت نیست.

آموزش از راه دور شیوه‌ای از سیستم آموزشی است که مدعی ایجاد یک نظام کامل آموزش و پرورش، از مرحله‌ی ثبت نام تا مطالعه، تحقیق و دریافت مدرک طی سالیان بعد است و هم تراز و مکملی برای نظام آموزش و پرورش فنی حرفه‌ای محسوب می‌شود که هم اکنون به شکل گروهی و رو در رو معمول است.

به کارگیری این دانش در مسجد می‌تواند در بخش‌های معرفتی، آموزشی و غیره صورت

بگیرد؛ که در همین مقاله به صورت اختصار به آن پرداخته می‌شود.

متأسفانه بیشتر ارتباطات مردم با مساجد یکسویه است.

مردم و مخاطبان بیشتر مخاطب هستند و یا درکمتر مسجدی می‌بینیم که گفت‌وگو بین مردم و متولیان امور فرهنگی و مذهبی صورت بگیرد. این امر علل متعددی از قبیل: احساس خجالت مخاطبان، مهیا نبودن و نبود زمینه طرح مباحث این چنینی، قانع نکردن پاسخ‌های داده شده معلوم نبودن مکان مناسب جهت طرح راگفت‌وگوهای ویژه برای مردان، جوانان، بانوان و غیره.

آنچه اینجا تأکید می‌شود آموزش از راه دور به‌ویژه برای بانوان است که به علت‌های گوناگون امکان حضور مستقیم را پیدا نمی‌کنند. اینک مزایای آموزش از راه دور را یادآور می‌شویم.

مزایای آموزش از راه دور

ـ برای آموزش عده‌ای زیادی کارآموز نیاز به پرسنل کمتری است.

ـ یک کارآموز یا متعلم می‌تواند به پیشرفت سریع‌تری با توجه به استعداد و فرصت خود دست یابد.

ـ استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش موجب تقویت ارتباط بین مراکز آموزشی پژوهشی، تبلیغی می‌شود و دستیابی به سطوح بالاتر آموزش را تسهیل می‌کند.

ـ با توجه به جذابیت این نوع از آموزش، میل به یادگیری درکار آموزان تقویت می‌گردد.

ـ در آموزش از راه دور انتقال تجارب آموزشی آسان‌تر و سریع‌تر است.

ـ مراحل اداری و قانونی مانند ثبت نام و برگزاری آزمون بسیار سریع‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد.

ـ این روش آموزش بسیار مقرون به صرفه است.

ـ بسیاری از منابع آموزشی را می‌توان جهت مطالعه و آموزش به کارآموز عرضه نمود.

در سیستم‌های مدیریت یافته‌ی توسعه‌ی اطلاعاتی به علت کارکرد و نقش با اهمیت آموزش، همیشه از نیروهای فعال در زمینه‌ی آموزش در خود سیستم استفاده می‌شود و خروج و ایستایی نیروهای آموزشی در جوامع دانش‌مدار دیگر لزوم و نقشی نخواهد داشت؛ زیرا نگاه موجود به آموزش‌گر و ابزار آموزش یک نگاه سیستم و به روز شده است؛ یعنی به صورت مداوم و زنجیروار بین پذیرنده‌های اطلاعات و انتقال دهنده‌های اطلاعات تبادل صورت می‌پذیرد و هیچ از ارکان یک جامعه دانش محور به علت قرارگرفتن در فرایندهای آموزشی و پرورشی و فرهنگی به ایستایی فکری نخواهد رسید.

اما آموزش‌هایی که می‌توان در بستر اینترنت یا اینترانت محله (= مسجد) پیشنهاد کرد این است که مسجد قوی‌ترین کانون انتقال آموزش‌های دینی، فرهنگی و غیره است از آن جا که مسجد تعلق به فرد و گروه خاص ندارد، دلبستگی عموم مردم به آن شبیه دلدادگی و دلبستگی به پروردگار است. خلوت در آیه آرامش روح و روان، ویرایش از ناپاکی‌ها و اطمینان از دریافت اطلاعات در آن است. چراکه مسجد رابطه‌ی فطری را برای انسان فراهم می‌کند و انسان‌ها فطرتاً به سوی خدا متمایل هستند ﴿**فاقم وجهك للدين حنيفاً، فطرة الله التی...**﴾[1] درکنار رابطه‌ی فطری رابطه‌ی عاطفی نیز ظهور پیدا می‌کند. مسجدی که براساس تقوا پایه‌گذاری شده باشد محل پالایش و تطهیر است حال چه این طهارت مستقیماً دریافت شود یا غیرمستقیم منتقل گردد. ﴿**فيه رجال يحبون ان يتطهروا و الله يحب المطهرين**﴾[2] عقل سلیم با همراهی روابط گذشته ارتباط عقل را فراهم می‌کند و به رابطه‌ی شرعی تن در می‌دهد که این رابطه با استدلال رابطه‌ی شرعی کامل می‌گردد. ﴿**و اقيموا وجوهكم عند كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين**﴾.[3]

---

۱ . روم / ۳۰ .
۲ . توبه / ۱۰۸ .
۳ . اعراف / ۲۹ .

موارد بیان شده درخصوص حضور مستقیم با مسجد مطرح شده است. آیا حضوری مجازی را شامل می‌شود یا خیر، خود جای بحث و بررسی دارد.

اما امکانات آموزشی، پرورشی و تبلیغی از راه دور به صورت فهرست‌وار در ذیل می‌آید:

ـ راه‌اندازی و بلاگ‌های مذهبی؛

ـ راه‌اندازی انجمن‌های دینی، فرهنگی و غیره؛

ـ آموزش احکام با تفکیک گروه‌های سنی و جنسی؛

ـ آموزش اخلاق و عقاید؛

ـ آموزش قرآن برای گروه‌ها به صورت صوت و آموزش‌های تصویر (انیمیشن) و جز آن؛

ـ پست الکترونیکی؛

«پست الکترونیک به عنوان ابزاری ارزان، سریع و کارآمد برای ارسال پیام‌ها، در قالب الکترونیکی به بخش‌های گوناگون سازمان و یا نقاط گوناگون سراسر جهان است.

با استفاده از برنامه پست الکترونیک می‌توانید پیام‌های مورد نظر خود را تهیه، ارسال، دریافت، ذخیره‌سازی و مدیریت کنید. بهترین شیوه برای راه‌اندازی و اجرای پست الکترونیک در هر سازمان یا مسجد استفاده از یک رایانه مرکزی برای مدیریت نامه‌های الکترونیکی داخلی و کنترل دائمی ارتباط دائمی یا تلفنی یا اینترنت یا اینترانت است.

از جمله بهترین راه‌ها در انتخاب ابزار، مشاوره با کاربران و مخاطبان مسجد است. بسته به اینکه چه کسانی در چه زمانی و چه مکانی و برای چه کاری از این ابزارها استفاده می‌کنند نوع، کمیت و کیفیت ابزارها قابل تغییر خواهد بود».

ولی با تعریف و جایگاهی که مسجد داراست کاربرد آن مشخص است؛ چه بسا دخترانی که امکان دسترسی به یک روحانی و مطلع دینی را برای دریافت پاسخ‌های شرعی، اعتقادی

و بعضاً مشاوره خانواده و غیره را ندارند.

پست الکترونیک راهی است که با اطمینان خاطر می‌توانند به نیازمندی‌های فکری، فرهنگی، مذهبی خود جواب مثبت بدهند.

عموم مخاطبان مسجد مجازی می‌توانند کاربر این شبکه باشند که با یک خط ایوان و یک سرور مرکزی قابل پشتیبانی است و البته در مقابل هزینه‌هایی که بعضاً خرج مساجد می‌شود قابل قیاس نیست.